



سیره و سرگذشت امام موسی صدر

ترجمه مهدي سرحدی


مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر
IMAM MOUSSA SADR CULTURAL & RESEARCH INSTITUTE

تهران، ۱۳۸۸

فهرست

۱۵	مقدمه ناشر
۲۱	مقدمه
۲۵	پیشگفتار
۳۳	ریشه‌های تاریخی جنبش محرومان (امل)
۳۵	نخستین زمینه‌های پیدایش جنبش
۳۶	تاریخ میانه لبنان و نقش مهم آن در شکل‌گیری این کشور
۳۷	پیشگامان تشیع در لبنان و بلاد شام
۳۹	گسترش تشیع در مناطق ساحلی لبنان
۴۱	هجوم صلیبیان و آغاز نبرد مستمر
۴۲	جزین، خاستگاه علما و مظهر اعتبار علمی جبل عامل
۴۵	هجوم ممالیک و ستم بر شیعیان
۴۶	دوران حکومت عثمانی
۴۶	نهضت فکری جبل عامل و بقاع
۴۷	ارتباط علمی میان جبل عامل و ایران
۴۸	علمای جبل عامل در هند و حیدرآباد و عراق و ایران
۴۹	مدارس و مراکز مهم علمی جبل عامل
۵۰	تألیفات علمای جبل عامل؛ منابع تدریس علوم اسلامی
۵۰	اللمعة دمشقیة، با موضوع فقه، تألیف شهید اول (م: ۵۷۸۶/)
۵۰	المدارک فی شرائع الاسلام، اثر محمدبن علی الموسوی
۵۰	المعالم، با موضوع اصول فقه، تألیف حسن بن زین الدین بن
۵۰	الوسائل، با موضوع علوم حدیث، تألیف شیخ حر عاملی (م:)
۵۰	اللمعة با موضوع منطق، تألیف علی بن یونس النباطی البیاضی
۵۰	منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، با موضوع تعلیم و
۵۱	ظهور رهبران محلی و بروز روحیات ملی‌گرای
۵۲	رهبران جبل عاملی و نبرد با عثمانی‌ها

عنوان قراردادی	السیره و المسیره، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	سیره و سرگذشت امام موسی صدر / ترجمه مهدی سرحدی.
مشخصات نشر	تهران: امام موسی صدر، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	ج ۲؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	ج ۱: 978-600-5676-01-3؛ ج ۲: 978-600-5676-02-0
دوره:	978-600-567036-7
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبیا
یادداشت	کتابنامه
موضوع	صدر، موسی، ۱۳۰۷-- سرگذشتنامه
موضوع	حرکت امل لبنان
موضوع	شیعه-- لبنان-- سرگذشتنامه
موضوع	مجتهدان و علما-- لبنان-- سرگذشتنامه
موضوع	لبنان-- تاریخ-- جنبش‌های اسلامی
موضوع	لبنان-- تاریخ-- قرن ۲۰م.
شناسه افزوده	سرحدی، مهدی ۱۳۵۵ - مترجم
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۸ ۹۰۴۱ س ۴۴ ص/ BP۵۵/۳
رده‌بندی دیویی	۲۹۷/۹۹۸
شماره کتابشناسی ملی	۱۹۵۳۱۰۱

تهران، میدان هفت تیر، کوچه عبدالکریم شریعتی، پلاک ۱۰،
واحد ۲، ۸۸۴۹۴۱۶۲
www.imamsadr.ir

سیره و سرگذشت امام موسی صدر
به اهتمام هیئت رئیسه جنبش امل لبنان
مترجم: مهدی سرحدی
ویراستار: مهدی فرخیان
نمونه‌خوان: زهرا ادیب، مهدی صالحی
صفحه‌آرایی: سهیلا آبگینه
ناشر: مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر
با همکاری جنبش امل لبنان
چاپ اول: ۱۳۸۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک (دوره): ۷-۰۳-۵۶۷۶-۶۰۰-۹۷۸
شابک جلد اول: ۳-۰۱-۵۶۷۶-۶۰۰-۹۷۸
همه حقوق محفوظ است.
بهای دوره: ۲۲۰۰۰ تومان

- ۱۰۱ سید موسی صدر.....
- ۱۰۳ نسب امام صدر و سیره اجداد وی.....
- ۱۰۶ ولادت امام موسی صدر و نخستین سال‌های حیات او.....
- ۱۱۲ گزیده‌ای از دیدگاه‌های مراجع عظام تقلید درباره امام.....
- ۱۱۲ موسی صدر.....
- ۱۱۲ آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی.....
- ۱۱۴ آیت‌الله شیخ محمد مهدی شمس‌الدین.....
- ۱۱۶ آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.....
- ۱۱۷ آیت‌الله علی مشکینی.....
- ۱۱۸ آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی.....
- ۱۱۹ موقعیت دینی و تاریخی خاندان امام صدر.....
- ۱۲۰ حضور امام صدر در لبنان.....
- ۱۲۰ زمینه‌های حضور در لبنان و سفرهای مقدماتی.....
- ۱۲۳ فعالیت‌های امام در شهر صور و مناطق جنوبی.....
- ۱۲۶ شمه‌ای از ویژگی‌های اخلاقی امام صدر.....
- ۱۲۹ گفته‌های برخی افراد که با امام دیدار کردند یا با او آشنا و یا مخالف بودند.....
- ۱۲۹ فعالیت‌های امام صدر.....
- ۱۳۷ در فاصله سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۴.....
- ۱۳۹ سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲.....
- ۱۴۲ مواضع میهنی امام صدر.....
- ۱۴۳ واکنش در برابر کودتای نافرجام.....
- ۱۴۳ حضور در مراسم و مناسبت‌ها و ایراد سخنرانی.....
- ۱۴۵ فعالیت‌های سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲ ش).....
- ۱۴۵ جمعیت برّ و احسان.....
- ۱۴۶ رسالت معنوی لبنان و فراخوان انسانی.....
- ۱۴۷ حضور در مجلس ترحیم پاپ ژان پل سوم.....
- ۱۴۸ سفر به واتیکان و مسئله دستگیری امام خمینی‌ره.....
- ۱۴۸ دستگیری امام خمینی‌ره.....
- ۱۴۹ سفر امام صدر به واتیکان.....
- ۱۵۰ امام صدر و انتخابات شهرداری صور.....
- ۵۴ میهن‌دوستی و کتاب‌های تاریخ جبل عامل.....
- ۵۶ أمل‌الامل فی علماء جبل عامل، کتابی که شیخ حرّ عاملی در.....
- ۵۷ هویت بالنده تشیع در طی تاریخ.....
- ۵۹ اوضاع حاکم بر سرزمین شام.....
- ۵۹ در قرن نوزدهم میلادی.....
- ۶۱ حمله محمدعلی پاشا و تأثیر آن بر سرزمین شام.....
- ۶۳ درگیری‌های فرقه‌ای و تشکیل دو قائم‌مقامی.....
- ۶۵ تشکیل متصرفیه در منطقه جبل لبنان.....
- ۶۶ تثبیت نقش منطقه جبل لبنان در عهد متصرفیه.....
- ۶۸ اوضاع نابسامان جبل عامل و بقاع و هرمل.....
- ۶۹ حکومت مدحت پاشا در سوریه.....
- ۷۱ حوادث و تحولات آغاز قرن بیستم.....
- ۷۱ تا استقلال لبنان.....
- ۷۳ جمعیت اتحاد و ترقی.....
- ۷۵ همایش کشورهای عربی در پاریس.....
- ۷۶ جنگ جهانی اول و نهضت بزرگ عربی.....
- ۷۸ کشور لبنان بزرگ.....
- ۸۰ مبارزه با اشغالگران فرانسوی.....
- ۸۲ کنفرانس وادی الحجیر.....
- ۸۳ طرح ایجاد کشوری متحد در منطقه را فقط مسلمانان مطرح.....
- ۸۳ مواضع لبنانی‌ها، از تحت‌الحمایگی تا استقلال.....
- ۸۷ از استقلال لبنان تا وقایع سال ۱۹۵۸.....
- ۸۹ ماهیت نظام جدید سیاسی.....
- ۹۱ نظام فرقه‌ای، عامل گسست اجتماعی و تثبیت محرومیت.....
- ۹۲ حوادث مهم و مؤثر در سیاست داخلی لبنان.....
- ۹۳ مسئله فلسطین.....
- ۹۵ انقلاب افسران آزاده مصر در ۱۹۵۲.....
- ۹۶ گذری بر اوضاع لبنان تا سال ۱۹۵۸.....
- ۹۷ جایگاه احزاب سیاسی لبنان در آن دوره.....
- ۹۸ امام صدر، جانشین امام شرف‌الدین در لبنان.....
- ۱۰۱ سیره و زندگی‌نامه امام.....

شورای مقدماتی انتخابات مجلس اعلای شیعیان ۱۹۲

دعوت امام صدر از علما برای گردهمایی ۱۹۳

انتخاب امام صدر به ریاست مجلس اعلای شیعیان ۱۹۴

دیدارهای تبریک به امام صدر ۱۹۶

ابعاد انتخاب امام صدر به ریاست مجلس اعلای شیعیان ۱۹۸

بیانیه مجلس اعلای شیعیان درباره بحران میان حکومت لبنان و ۱۹۸

مبارزان فلسطینی ۱۹۸

امام صدر و مبارزه مسلحانه فلسطینیان ۱۹۹

آغاز مبارزه مسلحانه فلسطین؛ نبرد الکرامه ۲۰۱

بازتاب موفقیت مبارزان فلسطینی در لبنان ۲۰۲

فتح لاند؛ پایگاه مبارزان فدایی در عرقوب ۲۰۲

رابطه مقاومت فلسطین و دولت لبنان ۲۰۳

موضع امام صدر در قبال درگیری ارتش لبنان و مقاومت فلسطین ۲۰۵

پیمان قاهره ۲۱۰

موضع امام صدر در برابر پیمان قاهره ۲۱۲

مسئله مسجدالاقصی و اوضاع جنوب ۲۱۳

امام صدر و مسئله مسجدالاقصی ۲۱۳

همایش فرقه‌های لبنان و تشکیل کمیته پیگیری ۲۱۵

بازدید اعضای کمیته پیگیری از روستاهای مرزی ۲۱۸

اوضاع جنوب و خواسته‌های روستاهای مرزی ۲۱۹

نامه امام به نمایندگان پارلمان ۲۲۲

حمایت امام از مرجعیت دینی عراق ۲۲۳

ماهیت و پیامدهای اقدامات مذکور ۲۲۴

دعوت به وحدت مسلمین ۲۲۷

نامه امام موسی صدر به شیخ حسن خالد، مفتی اهل سنت لبنان ۲۲۷

پاسخ شیخ حسن خالد مفتی (اهل سنت) لبنان ۲۲۹

دیگر رویدادها و فعالیت‌های سال ۱۹۶۹ ۲۳۰

سرقت از منزل امام صدر در صور ۲۳۰

تجلیل از دانش‌آموز ممتاز ۲۳۱

پیام امام صدر به لبنانیان به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان ۲۳۲

سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹ ش) ۲۳۳

سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵؛ ۱۵۳

نهضت اجتماعی - فرهنگی ۱۵۳

سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵ ش) ۱۵۷

حقوق مناطق محروم ۱۵۷

اتهامات ساختگی ضد امام و واکنش مردم و مسئولان ۱۵۹

تلاش برای تشکیل مجلس اعلای شیعیان ۱۶۰

دیدار امام و اهالی جنوب از بعلبک؛ محرومیت شیعیان و لزوم ۱۶۲

ساماندهی ۱۶۲

موضع‌گیری‌ها در تأیید رویکردهای امام صدر ۱۶۳

مصاحبه مطبوعاتی امام؛ تبیین اهداف مجلس اعلای شیعیان ۱۶۵

دیدگاه‌های نبنیه بری درباره تأسیس مجلس اعلای شیعیان ۱۶۷

مناسبت‌ها و نشست‌های سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵ ش) ۱۶۷

سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶ ش) ۱۷۱

سفر امام صدر به آفریقا ۱۷۱

سفر به نیجریه ۱۷۲

سفر به ساحل عاج ۱۷۳

سفر به گینه و سنگال و سیرائون ۱۷۴

گام‌های عملی برای تأسیس مجلس اعلای شیعیان ۱۷۵

شکست اعراب در سال ۱۹۶۷ ۱۷۷

سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ ش) ۱۷۹

کابینه جدید ۱۷۹

همایش شیعه‌شناسی در استراسبورگ ۱۸۰

هشدار درباره خطر صهیونیسم و دعوت جوانان به خدمت سربازی ۱۸۲

تجلیل از لبنانیان مقیم خارج در مؤسسه فنی - حرفه‌ای جبل عامل ۱۸۳

تصمیمات همایش درباره مهاجران و وضع جنوب و مسئله ۱۸۵

فلسطین ۱۸۵

مؤسسه فنی - حرفه‌ای جبل عامل ۱۸۷

امام صدر و حادثه الیمونه ۱۸۹

سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸ ش) ۱۹۱

انتخابات مجلس اعلای شیعیان ۱۹۱

تغییرات قانون ساماندهی وضعیت شیعیان ۱۹۱

- ۲۳۳ جنوب لبنان و مسائل محرومان؛ افزایش آگاهی سیاسی ۲۳۳
- گزارش کمیته آمار مجلس اعلاى شیعیان ۲۳۳
- پیام امام صدر دربارهٔ اوضاع ناگوار ۲۳۵
- سفر به کویت و قاهره؛ تبیین مشکلات لبنان و فلسطین ۲۳۷
- تحولات جنوب لبنان ۲۴۰
- تشکیل «شورای یاری جنوب» ۲۴۱
- تأسیس مجلس جنوب ۲۴۳
- ارتحال مرجع اعلاى شیعیان جهان ۲۴۷
- انتخاب سلیمان فرنجه به ریاست جمهوری لبنان ۲۴۹
- امام صدر و رئیس جمهور جدید ۲۵۰
- انتخاب کامل اسعد به ریاست پارلمان لبنان ۲۵۲
- درگذشت جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر ۲۵۳
- نظارت بر برنامه‌های مذهبی رادیو ۲۵۴
- امام صدر و مشکلات اجتماعی لبنان ۲۵۵
- اخلاق اجتماعی ۲۵۵
- مبارزه با عادات ناپسند از جمله پناه دادن قاتل و انتقام گرفتن از ۲۵۹
- بستگان بی‌گناه او ۲۵۹
- متن میثاق بعلبک (پیمان دست شستن از انتقام‌جویی) ۲۶۰
- جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام صدر ۲۶۱
- سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰ ش) ۲۶۴
- سفر به مراکش و نیجریه و مصر ۲۶۴
- تلاش برای بهبود وضعیت شیعیان از طریق بانک مرکزی لبنان ۲۶۷
- سفر به دمشق ۲۶۷
- روستای نمونه در حومه پایتخت ۲۶۷
- عید فطر در روستاهای مرزی جنوب ۲۶۸
- مصاحبه‌های مطبوعاتی؛ مسئله جنوب و راه‌حل آن ۲۶۹
- سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱ ش) ۲۷۲
- مهم‌ترین اتفاقات سیاسی سال ۱۹۷۲ ۲۷۲
- پیام امام صدر دربارهٔ انتخابات پارلمان لبنان ۲۷۳
- از آلمان تا لبنان و قاهره ۲۷۴
- پیام امام به رهبران مذهبی جهان ۲۷۵
- تقدیر از ایستادگی در برابر دشمن صهیونیستی ۲۷۶
- دیدار با هیئت فلسطینی ۲۷۶
- سفر به سوئد و قزاقستان ۲۷۸
- دیدار با لُرد کارادون ۲۷۸
- سومین همایش سالانهٔ لبنانیان مقیم خارج در صور ۲۷۹
- امام صدر و مهاجران لبنانی ۲۸۰
- سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲ ش) ۲۸۲
- روابط دولت لبنان با جنبش مقاومت فلسطین ۲۸۳
- پیمان ملکارت ۲۸۴
- پیام امام صدر به ارتش لبنان و اعضای مقاومت فلسطین ۲۸۵
- هشدار امام صدر مبنی بر اشغال جنوب در صورت ادامه ۲۸۷
- درگیری‌های داخلی ۲۸۷
- همکاری امام برای ایجاد آرامش و ثبات ۲۸۸
- دیدگاه امام دربارهٔ بحران داخلی و علل و راه‌حل‌های آن ۲۹۰
- تلاش‌های امام برای رفع کدورت میان دمشق و بیروت ۲۹۴
- جنگ اکتبر ۱۹۷۳ ۲۹۵
- پیام امام صدر به لبنانیان و پشتیبانی از جبهه‌های جنگ ۲۹۶
- ادامهٔ تلاش‌ها برای احقاق حق محرومان ۲۹۸
- شیعیان و علویان؛ پیروان یک مذهب ۳۰۲
- سفرهای خارجی امام صدر در سال ۱۹۷۳ ۳۰۴
- سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳ ش) ۳۰۷
- وقایع سال ۱۹۷۴ در یک نگاه ۳۰۷
- مناسبت‌های مذهبی و ملی؛ مقدمهٔ اعلام تشکیل جنبش محرومان ۳۰۸
- مراسم عاشورا در بیروت ۳۱۰
- عاشورا در یاطر ۳۱۲
- فهرست درخواست‌ها ۳۱۴
- مراسم روستای بدنایل در بقاع ۳۱۶
- مراسم ترحیم در جیشیت ۳۱۹
- همایش بعلبک، نقطهٔ آغاز جنبش محرومان ۳۲۱
- نکاتی دربارهٔ سوگندنامهٔ گردهمایی ۳۲۸
- بازتاب گردهمایی بعلبک در سرمقالهٔ النهار ۳۲۸

- ۳۳۰ اقدامات دولت و واکنش‌های سیاسی در قبال گردهمایی بعلبک
- ۳۳۳ موضع امام صدر در قبال میانجیگری‌ها.
- ۳۳۴ گردهمایی صیدا.
- ۳۴۱ جلسات پیگیری مصوبات گردهمایی بعلبک.
- ۳۴۲ طرح تفصیلی درخواست‌ها و تبیین راهکارهای اجرایی.
- ۳۴۴ گردهمایی صور.
- ۳۴۴ مقدمات و زمان برگزاری گردهمایی.
- ۳۴۶ تعرض به یاران امام پیش از برگزاری گردهمایی.
- ۳۴۷ اخبار و مقالات روزنامه‌ها پیش از گردهمایی.
- ۳۴۹ برگزاری گردهمایی.
- ۳۵۵ بازتاب گردهمایی صور.
- ۳۵۶ مواضع و واکنش‌ها در قبال گردهمایی.
- ۳۵۷ اعمال فشار بر روزنامه‌النهار.
- ۳۵۸ پیگیری خواسته‌ها در دیدارهای امام صدر.
- ۳۶۰ گام‌های بعدی در پیگیری خواسته‌ها.
- ۳۶۴ جلسه مجمع عمومی مجلس اعلای شیعیان.
- ۳۶۴ گزارش عملکرد و اعطای اختیارات بیشتر به امام صدر.
- ۳۶۵ بررسی خواسته‌های شیعیان در دیدار با انجمن مارونی‌ها و با.
- ۳۶۵ نخست‌وزیر.
- ۳۶۶ گردهمایی بیروت و دلایل لغو آن.
- ۳۶۸ محرومان و افراد فاقد تابعیت در عکّار و هرمل؛ حضورنداشتن دولت.
- ۳۶۹ حملات اسرائیل به اردوگاه‌های فلسطینیان در جنوب لبنان.
- ۳۷۰ آغاز درگیری‌ها میان کتائب و جنبش مقاومت فلسطین.
- ۳۷۱ آموزش نظامی برای دفاع از میهن.
- ۳۷۲ نظر امام درباره تلاش برای تبدیل لبنان به قبرس دوم.
- ۳۷۲ از سرگیری فعالیت شورای یاری جنوب.
- ۳۷۴ هشدار درباره تجاوزات اسرائیل و تبعیض میان شهروندان.
- ۳۷۶ امام صدر و کابینه جدید رشید الصلح.
- ۳۷۸ بیانیه ۱۹۰ تن از فرهیختگان در حمایت از حرکت امام صدر.
- ۳۷۸ متن بیانیه.
- ۳۸۰ اسامی امضاکنندگان بیانیه به ترتیب حروف الفبا.
- ۳۸۲ سخنان امام در جمع امضاکنندگان بیانیه.
- ۳۸۳ دیدگاه امام درباره بیانیه فرهیختگان.
- ۳۸۴ نامه امام خمینی‌ره در تقدیر و حمایت از امام صدر.
- ۳۸۶ روابط امام صدر و کامل اسعد.
- ۳۸۶ سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴.
- ۳۸۷ سال ۱۹۷۴ و طرح خواسته‌های شیعیان.
- ۳۹۰ تعرض به حسین الحسینی، نماینده پارلمان.
- ۳۹۲ دامن زدن به اختلاف میان اسعد و امام صدر با هدف لوث‌کردن.
- ۳۹۲ خواسته‌ها.
- ۳۹۳ همایش بعلبک؛ نگرانی‌ها و مواضع کامل اسعد.
- ۳۹۴ تعرض به شیخ عبدالامیر قیلان و شیخ حسن عبدالله.
- ۳۹۶ بیانیه چند تن از علمای شیعه برضد امام صدر.
- ۳۹۷ انتخابات میان‌دوره‌ای در نبطیه.
- ۳۹۹ امام صدر و مسائل تنباکوکاران.
- ۴۰۱ حادثه رژی در سال ۱۹۷۳.
- ۴۰۱ پیشنهادهای امام صدر برای حل مشکل تنباکوکاران.
- ۴۰۳ امام صدر و اتهام ارتباط با رژیم ایران.
- ۴۰۷ فعالیت‌های اجتماعی امام صدر در سال ۱۹۷۴.
- ۴۰۷ ایجاد زمینه آشتی طرف‌های متخاصم در دیرالاحمر.
- ۴۰۸ مراسم نخستین مرحله فارغ‌التحصیلی دانشجویان مرکز آموزش.
- ۴۰۸ علوم اسلامی.
- ۴۰۸ حضور در جمع صیادان جنوب.
- ۴۰۹ مصالحه میان دو عشیره در بعلبک و هرمل.
- ۴۱۰ سفرهای خارجی امام در سال ۱۹۷۴.
- ۴۱۰ حضور در کنفرانس صلح پاریس.
- ۴۱۱ حضور در مراسم ترحیم علال فاسی، شخصیت مشهور مغرب.
- ۴۱۲ جلسات ماه رمضان در مغرب.
- ۴۱۲ سفر به دمشق و دیدار صمیمانه با حافظ اسد.
- ۴۱۲ سفر به عربستان سعودی و تشریح وضعیت جنوب.
- ۴۱۵ پیوست‌ها.
- ۴۱۷ پیوست شماره ۱.

خلاصه‌ای از گزارش هیئت اعزامی از ایرفد (IRFED).....	۴۱۷
پیوست شماره ۲.....	۴۲۰
متن پیمان صلح میان جمهوری لبنان و.....	۴۲۰
(رژیم غاصب) اسرائیل در تاریخ ۲۳/۳/۱۹۴۹.....	۴۲۰
ماده یک.....	۴۲۰
ماده دو.....	۴۲۱
ماده سه.....	۴۲۱
ماده چهار.....	۴۲۲
ماده پنج.....	۴۲۲
ماده شش.....	۴۲۳
ماده هفت.....	۴۲۴
ماده هشت.....	۴۲۶
اسامی امضاکنندگان.....	۴۲۷
ضمیمه: تعیین نیروهای دفاعی طرفین.....	۴۲۷
یک - شمار نیروهای نظامی مربوط به بند ۲ ماده پنج این پیمان.....	۴۲۷
دو - نقل و انتقالات مربوط به پشتیبانی نیروهای دفاعی مذکور،.....	۴۲۸
پیوست شماره ۳.....	۴۲۹
یادداشت هایی از سفر امام صدر به افریقا.....	۴۲۹
پیوست شماره ۴.....	۴۳۳
نمونه‌هایی از توجه و اهتمام امام صدر به مسئله فلسطین.....	۴۳۳
پیوست شماره ۵.....	۴۴۲
متن پیمان قاهره.....	۴۴۲
پیوست شماره شش.....	۴۴۵
نخستین دیدار امام صدر و جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر.....	۴۴۵
فهرست.....	۴۴۸

مقدمه ناشر

اگر ریاضیات را، بنا به تعبیر افلاطون، الگوی خلقت و پایه و مادر علوم کاربردی بشناسیم، باید علم تاریخ و آگاهی صحیح از رویدادهای گذشته و تجزیه و تحلیل واقع‌بینانه حوادث تاریخی را مادر توسعه به شمار آوریم.

در باب ضرورت مطالعه تاریخ و عملکرد و جایگاه آن در بررسی و شناختن وضعیت موجود و ساختن آینده بسیار سخن رفته است. آموزه‌های آسمانی و میراث مکتوب بشری و حتی گنجینه تجربیات فردی هرکدام از ما مؤید ضرورت مذکور است. انسان دارای عقل سلیم این مهم را باور دارد و به سبب برخورداری از موهبت فطری کمال‌طلبی همواره خالصانه سعی کرده است. آنچه امروز «متون تاریخی» نامیده می‌شود، نمی‌تواند منعکس‌کننده همه حقیقت ماجرا باشد، زیرا این‌گونه منابع را یا حاکمان نوشته‌اند و یا به دستور حکومت‌ها و در حوزه دربارها و به قلم و روایت درباریان نوشته شده‌اند، و طبیعتاً دیدگاه‌ها و تحلیل‌های هیئت حاکمه را منعکس کرده‌اند. این‌گونه روایت کردن تاریخ، از منظر نقد علمی، یک سونگرانه و جانبدارانه و گزینشی است؛ و یا اینکه راویانی خارج از هیئت حاکمه تقریر کرده‌اند که بازهم کمابیش روایت آنان منبعث از حب و بغض و ذهنیت ایشان است. متون معدودی از قبیل سفرنامه‌ها و تذکره‌ها و اعلام وجود دارند که محتوای آنها واقع‌بینانه و نزدیک به واقعیت است.

سؤال این است که چرا انسان در تلاش خود برای آموختن از تاریخ و تدوین سیستمی منجسم و توسعه‌بخش که تار و پودش از آموزه‌های تاریخی و نیازهای امروزی بافته شده باشد، ناموفق بوده است؟ مطالعه نقاط ضعف و قوت و ویژگی‌های شخصیتی انسان را و می‌گذاریم و ریشه‌های ناکامی را صرفاً در قلمرو تاریخ

جستجو می‌کنیم.

برای شناخت حوادث گذشته باید آثار و منابع به جای مانده از گذشته را مطالعه کنیم. در یک طبقه‌بندی کلی منابع موجود دوگونه‌اند؛ کتاب‌ها و سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌ها و آثاری که مستقیماً به ثبت و ضبط حوادث زمان خود یا قبل از خود پرداخته‌اند. گروه دوم آثاری هستند که درباره موضوعات دیگر نوشته شده‌اند، اما به‌طور غیرمستقیم به موضوعات یا وقایعی اشاره می‌کنند که برای تکمیل یا تقویت اطلاعات محققان تاریخی مفید است. این دو نوع منبع به‌رغم نقص‌ها و ضعف‌هایشان منطقی‌ترین امکانات موجود ما برای شناخت ریشه‌ها و سبب‌های شکل‌گیری حوادث و گذشته و تأثیرات آن بر شرایط بقیه از خود است. البته، گاه ضرب‌المثل‌ها و قصه‌های نوتفکر می‌تواند به کمک بیاید. از این‌رو، پژوهشگر تاریخ می‌داند که برای درک کامل و درست واقعه‌ای تاریخی و صدور حکم قطعی نمی‌توان به یک یا دو مرجع تاریخی حتی معتبر اکتفا کرد، زیرا مؤلفان کتب تاریخ آنچه را روایت کرده‌اند از منظر آنان مهم و صلاح و لازم بوده، نه همه حقیقت ماجرا را با جزئیات کامل آن و بی‌کم و کاست. سوبژکتیویته نویسنده همواره و هنگام مشاهده وقایع و هنگام ارزیابی و در حین نوشتن همراه اوست.

روایت ده نفر از مشاهده هم‌زمان یک واقعه را بارها تجربه کرده‌ایم و دریافته‌ایم که روایت شاهدان عینی از واقعه‌ای خاص با یکدیگر تفاوت دارد. اما به میزانی که واقعه از لحاظ زمانی طولانی‌تر و از حیث گستره مکانی بزرگ‌تر می‌شود، و معمولاً هم حوادث مهم تاریخ این‌گونه است، میزان تعدد و تنوع خصوصاً میان روایت تاریخ‌نویسانی که هم‌زمان با آن واقعه زندگی می‌کرده‌اند، و اختلافات و گاه تناقض‌ها بیشتر می‌شود.

وجود این‌گونه تناقض‌ها در منابع تاریخی به هیچ‌وجه صداقت و امانت‌داری مؤلفان کتب تاریخ را خدشه‌دار نمی‌کند؛ اما به ما می‌آموزد:

اولاً، برای شناخت حوادث گذشته، به‌ویژه آنهایی که با هویت و سرنوشت ملی ما پیوند خورده‌اند، باید همه منابع و آثار تاریخی

را مطالعه و از شتابزدگی و پیش‌داوری پرهیز کرد.

ثانیاً، باید وجدان کرد که به علت کمبود منابع تاریخی و ضعف‌های طبیعی روایت‌های موجود، نمی‌توان درباره خوب یا بد بودن، خدمت یا خیانت، ایمان یا کفر و تقصیر یا برائت اکثر رجال تاریخ ساز ملت‌های بزرگ و کهنسال حکم قطعی داد، زیرا حکم باید بعد از جمع‌آوری و مطالعه همه ادله تا مرحله کفایت و بی‌نیازی به ادله بیشتر و استماع کامل توضیحات و دفاعیات مخالف و موافق، و سرانجام حصول علم و اطمینان قاضی و حاکم بی‌طرف صادر شود. طی این مراحل در زمان‌های گذشته و عبور از گذرگاه‌های پرفراز و نشیب جغرافیای تاریخ و مشاهده حقیقت وقایع، اگر نگوییم محال، بسیار دشوار است.

ثالثاً، دلسوزان آینده‌نگر و معتقدان به نقش بی‌بدیل تاریخ همگان را به ثبت و ضبط بی‌طرفانه و کامل تاریخ امروز دعوت می‌کنند. ساده‌انگاری است اگر فکر کنیم که بر اثر گسترش قوانین آزادی بیان و توسعه ارتباطات و رشد کمی و کیفی و وسایل اطلاع‌رسانی و دسترسی راحت به اطلاعات مورد نیاز و وفور خبر و مطلب درباره دورترین سرزمین‌های کره زمین و جزئی‌ترین رویدادهای جهان امروز، انسان‌های آینده در مطالعه و شناخت حقیقت حوادث امروز، مشکلات و محدودیت‌های ما را در شناخت وقایع نخواهند داشت.

رویدادهای امروز جهان از یک سو، از صافی‌های حب و بغض حکومت‌ها و گزینش حزب‌ها و مکتب‌ها با توجه به مصالح و منافع قدرت‌ها و اتحادیه‌های سیاسی و اقتصادی می‌گذرد، از سویی دیگر، منبعث از سوبژکتیویته افراد حقیقی است. این همه تناقض و تفاوت و اختلاف میان روایت‌های خبرگزاری‌ها و رسانه‌های گوناگون - دولتی و غیردولتی - از واقعه‌ای واحد در جهان، شاهد و گواه وضعیت تاریخ‌نویسی امروز ماست. حتی احزاب و جریان‌های سیاسی و رجال متنفذ داخل کشورها دست‌اندرکار ثبت نادرست تاریخ کشور خود هستند.

آیندگان هم با همه حقیقت‌حوادث امروز ما آشنا نمی‌شوند و اگر عالمانه جستجو کنند، سرانجام از میان انبوه منابع، قطعاتی از

تصور ناقص یک واقعه امروز را پیدا می‌کنند که وقتی آنها را کنار هم می‌گذرانند، تازه بخشی از واقعیت را منطقی و بخش دیگری را کج و معوج می‌بینند. این است خصلت منابع تاریخی بشر، از گذشته تا امروز و احتمال قریب به یقین از امروز تا فردا. انسان از استمرار ضعف‌ها و کاستی‌های منابع تاریخی رنج می‌کشد و می‌بیند که حقیقت‌ها و حسن نیت‌ها و جان‌بازی‌ها و فضایل بسیاری در میدان ترکتازی منافع احزاب و مصالح حکومت‌ها، خصوصاً در تاریخ پنجاه ساله اخیر لبنان قربانی شده است و حقایق بسیاری در کتاب تاریخ معاصر خاورمیانه یا واژگونه ثبت شده و یا مکتوم مانده است.

مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر تدوین و مکتوب کردن تاریخ معاصر لبنان و حوادث جنگ‌های داخلی و تجاوزات اسرائیل به این کشور و حضور و رهبری امام موسی صدر و تأسیس مقاومت و پیروزی آن در مواجهه با صهیونیست‌ها و فرهنگ توسعه‌طلبانه صهیونیسم را فصلی مهم در تاریخ منطقه و تاریخ اسلام و تاریخ جهان می‌داند و انعکاس درست و امانت‌دارانه آن را به دور از افراط و تفریط و شعار و خرید و فروش سیاسی برای نسل‌های آینده، وظیفه فرهنگی و اساسنامه‌ای و تشکیلاتی خود می‌شناسد. اما می‌هراسد که در ثبت و ضبط حوادث بسیار و تحولات سریع تاریخ معاصر لبنان به همان ورطه‌ای بلغزد که دیگر راویان تاریخ لغزیده‌اند و از این مسئله نگران است.

میان عمل به وظیفه و پرتگاه‌هایی که آدمی را از حقیقت دور می‌کند، پلی باریک و طولانی است، اما خلوص نیت در عمل به وظیفه یاری و نصرت خداوندی را به همراه دارد و ایمان و اعتماد به خداوند عمل آدمی را از خطا و لغزش مصون و محفوظ می‌دارد. کتابی که پیش رو دارید اولین مصداق از ثمر دادن باورها و نیت‌های مذکور است. و بخشی از حوادث دو دهه از برهه‌های مهم تاریخ لبنان را عیناً منعکس می‌کند.

مقدمه

به نام او

تاریخ باغی است برای حافظه‌ای که نه خود چیزی از یاد می‌برد و نه به فراموشی سپرده می‌شود. تاریخ گذر رویدادهاست؛ در متن ایام و بیرون ایام.

تاریخ بازتاب داستان‌های مردمان و تصویر صحنه‌های زندگی آنان و تپش احساسات آنان است. تاریخ کتابی است که نه روزها در آن گم می‌شود و نه شب‌ها؛ کتابی که علت‌ها و پیامدها، دادگری و بیداد، تجاوز و پایداری، و رنج و امید در سراسر آن هویداست، و از همین روست که این کتاب برای تاریخ «أمل» نگاشته شد:

جنیش محرومان

أفواج مقاومت لبنان (أمل)

این کتاب تاریخ‌نگاری تاریخ سازان این بخش از مشرق‌زمین است، آنان که با خورشید و حق و حقیقت پیمان بستند و گام در راه سفر نهادند... برخی بازگشتند و برخی ربوده شدند، «و عهد و پیمان خود دگرگون نکردند.»^۱

این کتاب دربردارنده سرفصل‌هایی است درباره آن مکتبیان که زندگی سازند. آنان که تفاوت نکند مرگ به سراغشان بیاید یا خود به پیشواز مرگ بروند.

این کتاب کسانی است که از سر ذلت و خواری دست سازش دراز نمی‌کنند، همانان که هیچ‌گاه از اصلاح دین جد بزرگوار خویش فروگذار نکردند.

۱- «و ما بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» احزاب (۳۳)، ۲۳.

این کتاب تاریخ مردان مقاومت پیشتاز در عرصه دفاع از خاک است؛ آنان که در برابر تجاوز به جنوب، به سکوت و توجیه تن ندادند، کوتاهی و بی‌توجهی را ناروا دانستند و افواج مقاومت را تشکیل دادند و پیشگامان مقاومت شدند.

این کتاب تاریخ شهروندان میهن‌دوست است، آنان که خواستار ارتشی یکپارچه و رها از فرقه‌گرایی شدند؛ ارتشی با توانمندی‌ها و سلاح‌های پیشرفته‌ای که توان مقابله با خطرهای تهدیدکننده را داشته باشد. کتاب تاریخ این شهروندان میهن‌دوست است که امنیت همه‌جانبه را می‌خواهند، نه سلاح و شبه‌نظامیان؛ کسانی که حمایت دولت را فقط برای شهروندان می‌خواهند.

این کتاب تاریخ جنبش «أمل» است، جنبشی که این همه را خواهان است و با پایبندی به ادیان و ارزش‌ها و میراث ما، برای رسیدن به آن همه اهداف تلاش می‌کند.

این کتاب با کوشش برادرانی پدید آمده است که در راه راست گام نهادند و در آن ثابت‌قدم ماندند و تاریخ را برای خود و برای ما و برای میهن حفظ کردند و، از این رو، لیاقت به انجام رساندن این وظیفه مهم را پیدا کردند.

نبیه بری
رئیس جنبش أمل

این کتاب پیشوا و رهبر، امام موسی صدر، است؛ سرگذشت‌نامه‌ای که اذعان دارد که نیاز ما به انسان، نیازی اولیه و اجتناب‌ناپذیر است. کتاب محرومانی که برای ایفای نقش و مشارکت تلاش می‌کنند، کتاب کسانی که برای پاسداری از مرزهای میهن و جامعه سوگند یاد کرده‌اند، و کتاب مؤمنانی که شرف قدس ابا دارد که آن سرزمین جز به دست آنان رهایی یابد.

این کتاب تاریخچه فرزندان «أمل» است، آنان که همچون موج لحظه‌ای از حرکت باز نمی‌ایستند. آنان که با رفتار خود از دیگران باز شناخته می‌شوند؛ نه گرفتار عقده‌های فقر و نوکیسه‌گی هستند و نه دل در هوای قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی دارند. آنان که نه دروغ می‌گویند و نه فریب می‌دهند؛ و در راه حق و هدایت، از کمی رهپویان به هراس نمی‌افتند.

این کتاب تاریخ «أمل» است، تاریخ جنبش مؤمن ملی، جنبش مردم لبنان به سوی آینده‌ای بهتر.

این کتاب تاریخ میهن‌سازان، پرچمداران فرهنگ، صادرکنندگان تمدن و تاریخ‌سازان سرزمین‌های مهاجرنشین است.

این کتاب تاریخ یاران صدر است، آنان که سرزمین و ملت لبنان را متحد و یکپارچه می‌خواهند. لبنان را سرزمین عربی می‌خواهند، نه پس‌گیری بیگانه در منطقه. لبنان را کشوری می‌خواهند که با برادران خود در تعامل است و بار رسالت و مسئولیت‌های خود را در میهن عربی به دوش می‌کشد، در سرنوشت جهان عرب مشارکت دارد و از همه امتیازات خود برخوردار است.

این کتاب تاریخ یاران صدر است، آنان که لبنان را میهنی پیشرفته می‌خواهند، میهن عدالت و فرصت‌های برابر که در آن همگان در پیشگاه قانون برابرند؛ کتاب آنان که لبنان را رها از فرقه‌گرایی و کشوری امروزی می‌خواهند؛ آنان که میهنی و نظامی می‌خواهند برآمده از تاریخ و سرزمین خویش، و بر آنند که با بهره‌برداری از همه ثروت‌های وطن آن را به خودکفایی و توسعه اقتصادی و اجتماعی برسانند.

مسیحیت، دین تسامح، در فلسطین زاده شد و از آنجا به سراسر جهان گسترش یافت. ادیان آسمانی در این سرزمین با یکدیگر روبرو شدند و انسان‌ها در نبردهای پیاپی میان حکومت‌ها، به جنگ و درگیری با یکدیگر ادامه دادند و همه چیز خود را در این راه هزینه کردند. بدین سان، مشرق‌زمین هیچ‌گاه آرام نگرفت و روی آرامش را ندید.

در ابتدای قرن شانزدهم میلادی، حکومت عثمانی بر خلافت اسلامی احاطه یافت و ساحل شرقی دریای مدیترانه نیز تحت سیطره آن درآمد. در اواخر قرن هجدهم، ناپلئون بناپارت مصر را در نوردید و برای اشغال سرزمین شام نیز تلاش کرد. اما در پس دروازه‌های عکا متوقف شد و ناکام بازگشت. پس از وقایع مذکور، منطقه به مرحله‌ای جدید گام نهاد و گفتمانی مطرح شد که آن را «مسئله شرق» نامیدند و در آن دوره بود که قلمرو حکومت عثمانی مورد توجه غربیان و اروپاییان قرار گرفت.

محمدعلی پاشا در تشکیل امپراطوری جدید عربی ناکام ماند و کشورهای اروپایی به تدریج به قلب منطقه نفوذ کردند، اما مهم‌ترین پیامدهای آن وقایع عبارت بود از دخالت‌های مستقیم اروپاییان. نخستین نشانه‌های حضور سیاسی اروپاییان در سرزمین شام با تشکیل حکومت «قائم‌مقامی‌ها» در منطقه جبل لبنان در سال ۱۸۴۰ م آشکار شد که در ادامه، گسترش یافت و حکومت «متصرفیه» در ۱۸۶۱ از آن به وجود آمد. در فاصله میان تشکیل این دو سلسله، بسیاری از بزرگان اندیشه و اصلاح‌طلبان جهان اسلامی و عربی، خطرهای ناشی از آن سیاست‌ها را دریافته بودند و به سردمداران حکومت عثمانی درباره پیامدهای آن هشدار می‌دادند. در رأس آنان می‌توان سید جمال‌الدین اسدآبادی (افغانی) و سپس شیخ محمد عبده و دیگر رجال مبارز آن دوره را نام برد.

در پایان جنگ جهانی اول به سال ۱۹۱۸ م همه چیز برای تقسیم منطقه بر مبنای معاهده «سایکس پیکو» مهیا شده بود و کشورهای جدیدی در منطقه پدید آمد؛ فرانسه، دو کشور لبنان و سوریه را پدید آورد و انگلستان نیز کشورهای عراق و اردن و

پیشگفتار

«این چنین خبرهای گذشته را برای تو حکایت می‌کنیم و به تو از جانب خود قرآن را عطا کردیم.»^۱
مشرق زمین آرام نمی‌گیرد...

ده‌ها قرن می‌گذرد و مشرق عربی همچنان عرصه نزاع و نبرد میان قبایل و ملت‌ها و دولت‌ها بوده است.

مشرق‌زمین از آغاز حضور آدمی بر پهنه گیتی با او همراه بوده و او را در مراحل مختلف تحول و توسعه همراهی کرده است؛ مشرق‌زمین جایگاه حرکت و پویایی آدمی در تمامی رویکردها و وظایف و تدبیرهای خیرخواهانه یا کینه‌توزانه خویش بوده است و انسان، برای نخستین بار، حقوق و تکالیف و رازهای زندگی خویش را در این سرزمین دریافته است.

ادیان آسمانی در این سرزمین ظهور کردند. پیام‌آوران الهی برای دمیدن روح ایمان در انسان دشواری‌ها متحمل شدند و از جانب عوامل و نیروهای حاکم بر زندگی بشر، رنج‌هاکشیدند. از گذشته تاکنون، نبرد و درگیری میان اصلاح‌طلبان و خیرخواهان از یک سو، و زورگویان و سردمداران زر و زور از سوی دیگر، ادامه داشته است... نبردهایی میان مدافعان حقوق مظلومان و محرومان و ستم‌دیدگان و مستضعفان، با مظاهر کبر و ظلم و ستم و سرکوب. ملت‌ها و ارتش‌ها و امت‌های بسیاری در این سرزمین زندگی کرده‌اند؛ برخی به سرعت گذر کردند و شماری نیز دیرزمانی پاییدند و، بدین سان، مهم‌ترین تمدن‌های تاریخ... که تأثیرات ماندگاری بر تاریخ اندیشه و عمران و آبادانی منطقه داشتند، در این سرزمین پدید آمد.

غرب تهی نبوده و همواره شعارهای حزبی (از راست‌گرایی افراطی تا چپ افراطی) بر آن سایه افکنده است.

در کشاکش آن رویدادها، امام صدر به لبنان آمد و از روز نخست، حرکت ملت به سوی اصلاحات را رهبری کرد و گفتمان خود را بر دو پایه اصلی بنا نهاد: نخست، مقابله با دشمن صهیونیستی و دیگری، مبارزه با کم‌کاری و بی‌توجهی‌هایی که موجب پیدایش فقر و ناآگاهی می‌گردد.

بسیاری از مردان اندیشه و اصلاح در لبنان، با امام صدر همراه شدند و هدف آنان ارتقای انسان و اصلاح نظام حکومتی لبنان بود. امام صدر در بخشی از فعالیت‌های خود به اصلاح و بهبود وضعیت شیعیان لبنان توجه کرد تا آنان نیز در عرصه سیاسی ایفای نقش کنند، ولی رویکرد امام تمامی ملت لبنان را بدون توجه به مذهب آنان و به عنوان یک انسان و یک شهروند مد نظر داشت. از این رو، امام جنبش محرومان را به‌گونه‌ای ساماندهی کرد که ساختار سیاسی و ملی آن، ابعاد انسانی و ملی داشته باشد و به صورت تجربه‌جدیدی در رهبری حرکت و خیزش مردمی تجلی کند. امام در برابر جنگ داخلی لبنان قد علم کرد و با جدیت برای خاموش کردن شعله جنگ تلاش کرد. از سوی دیگر، ایشان در صدد بود از طریق ارتباط دائمی و منسجم با رهبران عربی، پایه‌های همکاری و همبستگی کشورهای عربی را مستحکم کند، اما در اوج تلاش و مبارزه در سال ۱۹۷۸ م ربوده و از عرصه پیکار و جهاد ناپدید شد.

جنبش محرومان - به عنوان استمرار حقیقی نهضت پیامبران الهی در تاریخ - از دل نهضت خستگی‌ناپذیر امام صدر و از رنج و محنت اهل لبنان و از دل مسئله فلسطین و از متن حقوق بشر زاده شد و چنان‌که بنیانگذار آن خواسته بود، ادامه مسیر داد و به دریای حوادث لبنان گام نهاد. این جنبش از ابتدا تاکنون، همواره با تمامی طرح‌های تقسیم و تجزیه میهن مبارزه و شرافتمندانه برای اصلاح نظام سیاسی لبنان تلاش کرده و بیش و پیش از اینها، با افتخار و صلابت در برابر حضور و هجوم دشمن صهیونیستی مقاومت کرده است؛ مقاومتی که سرانجام در سال ۲۰۰۰ م (۱۳۷۹ ش) به اخراج

فلسطین را ایجاد کرد و، بدین ترتیب، تاریخ جدید اعراب آغاز شد. کشور لبنان در مدت نزدیک به ربع قرن (۱۹۲۰-۱۹۴۳ م.) زیر سیطره نیروهای فرانسوی اداره می‌شد و در سال ۱۹۴۶، نیروهای فرانسه به طور کامل از خاک لبنان خارج شدند.

لبنان از یک ساختار «چندگانه» مذهبی (متشکل از هفده مذهب و طایفه) تشکیل شد. چندین اقلیت از قبیل ارمنی‌ها و کرد و سریانی‌ها و کلدانی‌ها نیز در سایه این دولت حضور داشتند؛ دولتی که بسیاری از صاحب نظران نظام سیاسی آن را «عجیب و غریب، یگانه و منحصر به فرد، و شگفت آور و غیر معمول» نامیده‌اند، به گونه‌ای که «در هیچ نوع طبقه بندی نمی‌گنجد و هیچ نوع بررسی و تحلیلی آن را به درستی و صف کند.»

نظام اقتصادی آن را نیز کارشناسان هیئت اعزامی ایرفد (IRFED)^۲ در اوایل دهه ۱۹۶۰، با تعبیری همچون «منحصر به فرد» و «یگانه با تمامی قواعد و نظریات اقتصادی» توصیف کرده‌اند.

فئودالیسم سیاسی بر نظام حکومتی لبنان احاطه یافت و اقلیتی از بورژواهای مذهبی و طایفه‌ای (برابر با ۴ درصد از جمعیت کشور) کنترل اوضاع اقتصادی را در دست گرفت و اکثریت اقشار جامعه لبنان از مشارکت سیاسی بازماند و بیشتر مناطق کشور از رشد و توسعه بی‌بهره ماندند. اقلیتی کم تعداد از منابع کشور بهره‌مند شدند و اکثریت مردم از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم گشتند و لبنان دروازه‌های خود را به روی وقایع و عوامل خارجی گشوده دید.

در سال ۱۹۴۸ م صهیونیست‌ها فلسطین را غصب کردند و مسئله فلسطین به همراه شعارهای آزادی‌خواهانه آن به عرصه آمد. سپس، اندیشه‌های ملی‌گرایانه عربی هم زمان با دوره عبدالناصر به آن راه یافت و این عرصه هیچ‌گاه از نبرد میان شرق و

۱- المجدوب، محمد، دراسات فی السياسة و الأحزاب، انتشارات عویدات، بیروت، ۱۹۷۲، ص ۷۶.

۲- مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی توسعه

دشمن اشغالگر منجر شد. جنبش امل در این راه پرافتخار، هزاران شهید و چندین برابر آن مجروح و اسیر در راه بقای ملت لبنان و جاودانگی آن در دل لبنانیان تقدیم کرده است.

در این کتاب، پرسش‌هایی را پاسخ خواهیم گفت که برخی از آنها عبارتند از:

- زمینه‌های پیدایش جنبش امل چه بوده است؟
 - جنبش امل چگونه و چه زمانی پدید آمد؟
 - نقش بنیانگذار جنبش امل در حیات سیاسی لبنان و دنیای عرب و جهان اسلام چه بوده است؟
 - مهم‌ترین اصول و مبانی جنبش امل کدام است؟
 - نقش این جنبش در جنگ داخلی لبنان چه بوده است؟
 - جنبش امل چگونه توانست «عصر مقاومت در برابر اسرائیل» را آغاز کند و تا اخراج دشمن در سال ۲۰۰۰ م چه مراحل را پشت سر گذاشت؟ نقش این جنبش در دفع تجاوز اسرائیل در تابستان ۲۰۰۶ م و پس از آن چه بوده است؟
 - جنبش امل چگونه در حیات سیاسی لبنان مشارکت داشته و نقش آن در وقایع سیاسی و حکومت چه بوده است؟
 - جنبش امل در دفاع از حقوق محرومان و در رشد و توسعه کشور چگونه ایفای نقش کرده است؟

در مجموعه حاضر نخستین مرحله از تاریخ جنبش در قالب یک مجموعه دو جلدی منتشر شده است. در این مرحله، به زمینه‌های پیدایش جنبش تاریخ ربودن امام موسی صدر و همراهانش، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین، در ۳۱ آگوست ۱۹۷۸ م به دست عامل صهیونیسم جهانی، قذافی جنایتکار، خواهیم پرداخت.

نگارش و تدوین تاریخ، به طور کلی، امری دشوار و پیچیده است، چه رسد به زمانی که روند شکل‌گیری و تحولات نهضتی چون جنبش محرومان (امل) در کشوری چون لبنان مد نظر باشد؛ جنبشی که بنا بر میثاق‌نامه آن عبارت است از «نهضت تمامی بشر در طول تاریخ که پیامبران و اولیا و مصلحان آن را رهبری کرده‌اند و هرچه زودتر به سوی ما بازگرداند.

تول - نبطیه

۱- اعضای ستاد عبارت‌اند از: خلیل حمدان (رئیس ستاد)، جهاد نبوت (دبیر ستاد)، عاطف عون، عبدالله موسی، عبدالمجید صالح و علی سلیمان.

۳ سپتامبر ۲۰۰۶
خلیل علی حمدان

ریشه‌های تاریخی جنبش محرومان (أمل)

نخستین زمینه‌های پیدایش جنبش

۱ جنبش محرومان (أمل) تعبیری از حضوری اجتماعی در ابعاد فرهنگی، عقیدتی، سیاسی و مبارزاتی است که در چندین مرحله تاریخی طولانی و به هم پیوسته در مناطق مختلف لبنان به ظهور رسید. ریشه‌های این جنبش به دوران حضور اعراب در لبنان و گسترش اسلام در این سرزمین بازمی‌گردد.

۲ باید گفت که تاریخ آغاز جنبش محرومان را نباید فقط به سال ۱۹۷۴م (۱۳۵۳ش) یعنی زمان اعلام تشکیل آن محدود کنیم، چراکه این جنبش به یکباره و بی مقدمه پدید نیامده، بلکه وجود بستری مناسب از میراث‌های ماندگار و فضایی آکنده از ارزش‌های دینی و مجاهدت‌های حسینی^۴ در کنار معارف و آموزه‌های اصیل، زمینه رشد و بالندگی آن را مهیا کرده است. از این رو، پایداری و مقاومت، روش والای این جنبش است و مجاهدت جوانان آن، تمامی معانی و مفاهیمی را محقق کرده است که نام جنبش امل (أفواج المقاومة اللبنانية) بدان اشاره دارد.

۳ بیان تاریخ جنبش محرومان (أمل)، مستلزم توجه به مجموعه‌ای از رویدادهای تاریخی و اجتماعی و فرهنگی و عقیدتی و سیاسی است که پیش از آن به وقوع پیوسته و با روند حرکت طولانی جنبش همراه است. به دیگر سخن، برای بیان تاریخ جنبش لازم است آن رویدادها را بر مبنای سیر زمانی بررسی کنیم.

تاریخ میانه لبنان و نقش مهم آن در شکل‌گیری این کشور

۴ بیش از چهارده قرن از فتح لبنان به دست اعراب و رسیدن اسلام به این سرزمین می‌گذرد. تاریخ دوره میانه لبنان از زمان ورود اسلام به این سرزمین آغاز می‌شود و با تسلط حکومت عثمانی در سال ۱۵۱۶م پایان می‌یابد. تاریخ معاصر لبنان نیز از آن

زمان تا کنون را شامل می‌شود و پیدایش جنبش محرومان هم در این مرحله اتفاق افتاد.

بسیاری از تاریخ‌نگاران لبنانی و عرب و غربی بر این باورند که ماهیت لبنان بر پایه تاریخ کهن و تاریخ معاصر آن بنا شده است، ولی به گمان ما تاریخ دوره میانه لبنان با فقر و اهمال قرین بوده است و «در نتیجه آن فقر، اشتباهاتی عملی رخ داده که چهره حقیقت را دگرگون می‌کند... زیرا تاریخ زنجیره‌ای متصل و به هم پیوسته است که ارزش و اعتبار آن به پیوستگی آن است.»^۱

از این رو، بی‌توجهی به نقش و تأثیر تاریخی دوران میانه در شکل‌گیری ماهیت کشور لبنان - چه به سبب فقدان منابع و مأخذ و چه به علت فقدان پژوهش‌های لازم - نه تنها به بیان حقیقت کمک نمی‌کند، بلکه آن را از مسیر اصلی خود خارج و این سؤال را مطرح می‌کند که «در فاصله میان دو مرحله مشارکت در شکل‌گیری تمدن کهن، از یک سو، و حضور فعال در تمدن دوران معاصر، از سوی دیگر، در تاریخ لبنان حلقه مفقوده‌ای طولانی وجود دارد که در میان دو دوره قدیم و جدید تاریخ قرار گرفته که همانا قرون وسطای لبنان است. آیا در فاصله زمانی میان ورود زبان عربی به لبنان تا آغاز رنسانس در قرن شانزدهم، نورافشانی و پرتوافکنی لبنان رو به افول نهاده بود؟ آیا در آن دوره، که ده قرن طول کشید و خلئی طولانی بود، باز هم می‌توان لبنان را سرزمین نورافشانی و درخشش نام نهاد؟ پاسخ آن است که هرچند تاریخ اندیشه و فرهنگ آن مرحله از تاریخ لبنان را فرو گذارده و از یاد برده است، اما دستاوردها و نقش‌آفرینی‌های لبنان اجازه نمی‌دهد که آن دوره به فراموشی سپرده شود؛ چراکه جبل عامل و برخی از مناطق لبنان در آن دوره زمانی، در افزایش دستاوردهای بشری سهم داشتند و پرتوافشانی و تابندگی لبنان، هیچ‌گاه رو به خاموشی

۱- مکی، محمدعلی، «الشخصية اللبنانية عبر تاريخ لبنان الوسيط»، مجلة دراسات، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه لبنان، سال شانزدهم، ش ۹۴/۲۴، صص ۳۱-۴۷ (نوشته شده در مارس ۱۹۷۴ م)

نهاد»^۱

۷ مرحله تاریخ میانه لبنان به‌طور ویژه در شکل‌گیری ریشه‌های جنبش محرومان (أمل) نقش داشته است و، پس از آن، به دوران معاصر باید توجه کرد که مرحله ظهور این جنبش است. مراحل مذکور را در بخش‌های بعد بررسی خواهیم کرد.

پیشگامان تشیع در لبنان و بلاد شام

۸ در نخستین مرحله از ورود مذهب تشیع به شامات، می‌توان به رویدادهای تاریخی ذیل اشاره کرد:

۹ - حضور و اقامت ابوذر غفاری (م: ۳۱ هـ / ۶۵۲ م) در مناطق صرفند و میس الجبل.

۱۰ - ورود جناب سلمان فارسی (م: ۳۵ هـ / ۶۵۶ م) و عمار یاسر (م: ۳۷ هـ / ۶۵۷ م) به لبنان که به منظور نظارت بر مرزهای سرزمین‌های اسلامی و شهرهای ساحلی و مناطق اطراف آن به شام سفر کردند. این سه بزرگوار از صحابه بزرگ رسول خدا^ص و یاران خاص امام علی^ع بودند.

۱۱ - در میان لشکریان اسلام که برای فتح بعلبک آمده بودند، شماری از افراد قبیله خزاعه - که ارادت آنان به امام علی^ع مشهور است - حضور داشتند. این افراد پس از فتح شام، در دمشق و بعلبک باقی ماندند.^۳

۱۲ - استقبال تاریخی اهالی بعلبک از اسیران اهل بیت^ع که پس از واقعه کربلا به همراه سرهای مطهر شهدا به سوی شام می‌رفتند.

۱- مکی، محمدکاظم، الحركة الفكرية و الأدبية فی جبل عامل، بیروت، ۱۹۶۲ م، چاپ دوم، صص ۶-۸.

۲- الحموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۵۸؛ العمري، ابن فضل الله، مسالك الابصار، ج ۱، ص ۱۳۶؛ العاملي، الحر، أمل الأمل فی علماء جبل عامل، ج ۱، ص ۱۳؛ الصليبي، کمال، منطلق تاريخ لبنان، چاپ اول، بیروت، ۱۹۷۹، صص ۴۵-۴۸.

۳- المظفر، محمدحسین، تاريخ الشيعه، ۱۹۸۷، دارالزهرا، ص ۱۶۵؛ مکی، محمدکاظم، همان، ص ۶۰ و ۶۱.

- ۱۷ - سرودن مرثیه‌ای در رثای مرجع عالی‌قدر شیعیان عراق، شیخ مفید (م: ۴۱۳ هـ / ۱۰۲۲ م)، که عبدالمحسن صوری، شاعر جبل‌عاملی (م: ۴۱۹ هـ / ۱۰۲۸ م) آن را سرود.
- ۱۸ - سفر فقهای عراق به جبل‌عامل برای ارشاد و راهنمایی مردم، که از جمله آنان می‌توان دو فقیه و مرجع مشهور، کراجکی (م: ۴۴۹ هـ / ۱۰۵۸ م) و هبة‌الله طرابلسی (م: ۴۶۰ هـ / ۱۰۶۷ م)، را نام برد. طرابلسی از جمله شاگردان عالم برجسته جهان تشیع، شیخ طوسی (م: ۴۶۰ هـ / ۱۰۶۷ م) بود. این دو فقیه به شهرهای صور و صیدا و طرابلس سفر کردند. این امر نشان‌دهنده آن است که شیعیان امامیه پس از قرن چهارم هجری (دهم میلادی) در چندین منطقه از لبنان ساکن بوده‌اند.
- ۱۹ - همچنين، ناصر خسرو، جهانگرد و شاعر نامدار ایرانی، در سفر خود به سرزمین شام در سال ۴۳۷ هـ (۱۰۴۶ م) به این نکته اشاره دارد که اکثر ساکنان مناطق ساحلی لبنان در شهرهای طرابلس و صور و صیدا از شیعیان امامیه بوده‌اند.^۱ مشارکت شیعیان در حیات اجتماعی مناطق ساحلی لبنان به تدریج گسترش یافت. فقهای شهر طرابلس، از جمله قاضی ابن براج (م: ۴۸۱ هـ / ۱۰۸۸ م)، کتب و رساله‌های فقهی و عقیدتی مختلفی برای اهالی جبل‌عامل تألیف کردند و عبدالمحسن صوری، شاعر نامدار آن منطقه، نیز در دیوان خود بیش از ده قصیده در مدح بزرگان سیاست و اندیشه و قضاوت ذکر کرده است که از خاندان‌های آل حیدره و آل ابی‌کامل طرابلس بودند.^۲
- ۲۰ - حضور اجتماعی شیعیان در مناطق ساحلی لبنان در زمان حکومت فاطمیان تثبیت شد و یک قاضی شیعه به نام ابوطالب حسن بن عمار ملقب به امین‌الدوله در طرابلس به حکومت رسید و

- اهالی بعلبک از آنان به گرمی استقبال کردند و کارگزاران خلیفه وقت را از شهر راندند. در ادامه، آنان اربعین شهدای کربلا را گرامی داشتند و در نزدیکی منطقه رأس‌العین، مسجدی به نام رأس‌الحسین^۳ بنا نهادند. و بنا بر نقل ابن شهر آشوب در کتاب المناقب، برای خوله دختر امام حسین^۴ که در راه شام بر اثر شدت اندوه کربلا و رنج اسارت رحلت کرده بود، زیارتگاهی ساختند.^۱
- ۱۳ - حضرت امام صادق^۴ در حدیثی مرسل در وصف شیعیان این منطقه می‌فرماید: «در خانه‌ها و محله‌هایی از شقیف و ارنون ... شماری از شیعیان راستین ما حضور دارند...»^۲
- ۱۴ - مهاجرت شماری از خاندان ابی‌شعبه در قرن دوم هجری و تعدادی از خاندان ابی‌جراده در قرن سوم هجری از عراق به شهر حلب. اینان به منظور تجارت و تبلیغ مذهب اهل‌بیت^۴ به اصحاب امام صادق^۴ و امام رضا^۴ در حلب ملحق شدند.^۳

گسترش تشیع در مناطق ساحلی لبنان

- ۱۵ - گسترش مذهب تشیع در این منطقه از قرن چهارم هجری (دهم میلادی) به شکل ارتباط فقهی میان شیعیان مناطق صیدا و صور و طرابلس با طبریا و قدس و نیز نابلس و عمان آغاز شد. نشانه‌های این ارتباطات را می‌توان در نامه‌های فقهی مراجع تقلید عراق در پاسخ به استفتائات اهالی شهرهای مذکور مشاهده کرد. برخی از مراجع و علمای شیعه ساکن بغداد که چنین نامه‌هایی نوشتند، عبارت‌اند از سید مرتضی (م: ۴۳۶ هـ / ۱۰۴۵ م) و ابن‌حمزه جعفری (م: ۴۶۳ هـ / ۱۰۷۱ م).^۴
- ۱۶ - ابعاد دیگری از ارتباط و پیوند فقهی و مذهبی شیعیان عراق و جبل‌عامل در رویدادهای تاریخی ذیل تجلی یافته است:

۱- ناصر خسرو، سفرنامه، ترجمه یحیی خشاب، بیروت: دارالکتاب‌الجدید، چاپ دوم، ۱۹۷۰، صص ۴۸-۵۱.

۲- عبدالمحسن الصوری، دیوان، قصیده‌های شماره ۳۳-۴۶، ۱۰۰، ۱۸۶، ۱۹۱، ۳۲۰، ۳۵۲؛ القمی، الکنی و الألقاب، ج ۱، ص ۲۱۹؛ ابن خلکان، وفیات الأعیان، ج ۱، ص ۶۳.

۱- مسیره‌الامام السید موسی‌الصدر، ۲۰۰۱ م، ج ۴، ص ۳۶، از سخنرانی ایشان در همایش بعلبک در تاریخ ۱۷/۳/۱۹۷۴.

۲- مکی، محمدکاظم، همان، ص ۶۰ و ۶۱.

۳- مکی، محمدکاظم، همان، ص ۶۱؛ الطوسی، الفهرست، صص ۱۳۶-۲۲۰.

۴- مکی، محمدکاظم، همان، ص ۶۲.

جنگ‌های صلیبی، آن قلعه‌ها به اشغال صلیبیان درآمد و تا سال ۵۳۸ هـ (۱۹۸۷ م) در تصرف آنان بود، تا اینکه در آن سال صلاح‌الدین ایوبی بیشتر قلعه‌ها و دژها را بازپس گرفت و آن مرحله در تاریخ، دوران بازگشت مسلمانان نام گرفت؛ اما پس از آن مرحله، «جنگ و نبرد سال‌ها میان طرفین ادامه داشت.»^۱

در این میان، منطقه جبل عامل با وجود «روستاهای متصل به یکدیگر و عمران منظم آن» - چنان‌که ابن جبیر، جهانگرد مشهور در سال ۵۸۰ هـ (۱۱۸۴ م) آن را با این عبارات وصف کرده است - ناآرام و بی‌ثبات بود، چرا که جنگ‌های مستمر تأثیرات ناگواری در این منطقه برجا نهاده بود؛ قلعه‌ها و دژها را تخریب، شهرها و روستا را ویران و شماری از اهالی آنجا را به هجرت مجبور کرده بود.^۲

جزین، خاستگاه علما و مظهر اعتبار علمی جبل عامل

ساکنان شهرهای ساحلی برای در امان ماندن از هجوم صلیبیان به‌ناچار به مناطق کوهستانی گریختند. بر اساس توافق آتش‌بس میان صلاح‌الدین و صلیبیان در سال ۵۸۷ هـ (۱۱۹۲ م) چنین مقرر شد که مناطق ساحلی تحت تصرف فرنگی‌ها و مناطق کوهستانی متعلق به مسلمانان باشد.^۳

بدین ترتیب، شهر جزین که بر فراز بلندی‌های جبل عامل و به‌دور از محل استقرار صلیبیان در مناطق ساحلی قرار داشت، از ابتدای قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) به جایگاه علم و معرفت و محل تجمع علما و فقهای جبل عامل تبدیل شد. در همان قرن، شماری از آن علما به منظور ارتقای سطح علمی و دینی خود

دولت بنی‌عمار را پایه‌گذاری کرد. برخی از مورخان لبنانی در بیان اوضاع آن دوره چنین آورده‌اند: «در سال ۴۶۱ هـ (۱۰۶۹ م) مرحله دیگری از تاریخ سرزمین شام به پایان رسید. آن مرحله با ورود اسلام به این منطقه آغاز شده و با حضور پادشاهان ترک سلجوقی در رأس حکومت سرزمین‌های اسلامی به پایان رسیده بود ... ترکیب جمعیتی لبنان و مناطق پیرامونی آن نیز برای مدتی مشخص گردید: مارونی‌ها در شمال، دروزی‌ها در مناطق اشواف (شوف) و وادی‌التیم و شیعیان امامیه در جبل عامل و مناطق بعلبک و کسروان و دیگر مناطق، از جمله سواحل دریای مدیترانه ...»^۱

هجوم صلیبیان و آغاز نبرد مستمر

با وجود رونق اقتصادی و سیاسی دولت بنی‌عمار در طرابلس، در فاصله سال‌های ۴۶۱ تا ۵۱۸ هـ (۱۰۷۰ تا ۱۱۲۴ م)، در اثر حملات صلیبیان، که از سال ۴۸۸ هـ (۱۰۹۶ م) به مشرق هجوم آورده بودند، دولت بنی‌عمار پس از ربع قرن مبارزه سقوط کرد. صلیبیان توانستند شهرهای ساحلی لبنان را اشغال کنند. جبیل در سال ۱۱۰۴ م و صیدا در سال ۱۱۱۰ م و صور و طرابلس در سال ۱۱۲۴ م (۵۱۸ هـ) سقوط کرد. بدین ترتیب، جنگجویان صلیبی جبل عامل را به‌طور کامل به اشغال خود درآوردند و بخش شمالی آن را به صیدا و بخش جنوبی آن را به امارات الجلیل، که تابع اورشلیم بود، ملحق کردند.^۲ صلیبیان به بازسازی پایگاه‌های نظامی این منطقه همت گماشتند و قلعه‌ها و دژها را بازسازی کردند، زیرا سرزمین جبل عامل عرصه نبردهای آنان بود. از این رو، قلعه‌های شقیف و تیرون و صیدا و هونین و تبین را ترمیم کردند. قلعه‌های مذکور گاهی در تصرف صلیبیان بود و گاهی نیز مسلمانان آنها را بازپس می‌گرفتند. البته، در نخستین مرحله

۱- ابن قلائسی، ذیل تاریخ سوریا، صص ۱۴۴-۱۳۴؛ قلفشندی، صبح‌الأعشی، ج ۴، صص ۱۵۲-۱۵۴؛ ظاهر، سلیمان، تاریخ قلعة الشقیف، صص ۱۶-۱۷.

۲- ابن جبیر، الرحلة، صص ۲۹ و ۳۰؛ ابن‌الشداد، الأعلاق الخطیره، ج ۲، صص ۱۵۹ و ۱۶۰؛ الحموی، یاقوت، همان، ج ۳، صص ۴۳۷-۴۳۳؛ الزین، علی، للبحث عن تاریخنا، صص ۱۷۷-۱۹۷.

۳- الصلیبی، همان، ص ۱۰۹؛ مکی، محمدعلی، مجلة الدراسات، صص ۴۰-۴۲.

۱- الصلیبی، کمال، همان، ص ۷۳.

۲- مکی، محمدعلی، همان، صص ۴۰-۴۳؛ الصلیبی، کمال، همان، صص ۷۱-۸۹؛ مکی، محمدکاظم، الحركة الفکرية والأدبية فی حیل عامل، ص ۱۹.

۳- الصلیبی، کمال، همان، صص ۸۷-۸۹.

وجود ندارد که بر علم و فتوای او اعتماد باشد و مردم بتوانند با یاری او به راه درست هدایت شوند. پس، از شما انتظار داریم که ما را مورد لطف و عنایت خود قرار دهید و به سوی ما رهسپار شوید.^۱

اما شهید اول هنگامی این نامه را دریافت کرد که به سبب اعتقادات خود در زندان حاکمان سلسله ممالیک در دمشق گرفتار شده بود و، به همین سبب، از سفر به ایران عذر خواست و کتابی را که در زندان با موضوع احکام عبادات و معاملات تألیف کرده و آن را *اللمعة الدمشقیة* نام نهاده بود، برای حاکم خراسان فرستاد. این کتاب هنوز هم در مدارس و حوزه‌های علمیه شیعیان یکی از منابع مهم درسی به شمار می‌رود. بدین ترتیب، آن کتاب آزاد جانشین فقیه زندانی شد و آن عالم بزرگوار در همان سال در زندان به شهادت رسید. او نخستین عالمی بود که لقب شهید به او داده شد و، از این رو، به شهید اول مشهور شد.

هجوم ممالیک و ستم بر شیعیان

به شهادت رساندن فقیه و مرجع عالی‌قدر، محمدبن مکی عاملی مشهور به شهید اول، فقط نمونه‌ای از ستمی بود که سلسله مملوکی بر شیعیان لبنان روا داشت، زیرا ممالیک، که در فاصله سال‌های ۱۲۶۰ م تا ۱۵۱۶ م بر لبنان حاکمیت داشتند، شیعیان را در اغلب مناطق این سرزمین، به‌ویژه در کسروان و جبیل، تحت تعقیب قرار دادند و در سال‌های ۱۲۹۱ تا ۱۳۰۵ م، با حملات پی‌درپی به این مناطق، هزاران نفر را به قتل رساندند و با تخریب خانه‌ها، بسیاری را به مهاجرت وادار کردند، به‌گونه‌ای که مناطق مذکور خالی از سکنه شد و، در ادامه، مارونی‌ها در آنجا ساکن شدند. ممالیک در ربع اول قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) شهر صور را به‌طور کامل ویران کردند. ابن بطوطه، جهانگرد مشهور مسلمان، هنگام عبور از این شهر در سال ۷۲۵ هـ (۱۳۲۵ م) آن را ویران و نابود شده مشاهده کرده است. جهانگردی اروپایی به

به مراکز فقه امامیه در عراق عزیمت کردند. اسماعیل بن حسن معمودی جزینی نخستین کسی بود که در سال ۵۸۰ هـ (۱۱۸۴ م) سفر علمی خویش را آغاز کرد و پس از زیارت عتبات مقدسه، برای بهره‌گیری از دانش علمای حله عازم آن دیار شد.^۱ شیخ طومان مناری عاملی نیز در اواسط قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) به همین منظور به شهر حله عزیمت کرد و نخستین روحانی جبل عامل بود که علمای شهر حله - که در آن زمان سرآمد اندیشمندان شیعه بودند - به او اجازه اجتهاد دادند.^۲

محمدبن مکی جزینی، مشهور به شهید اول، نیز یکی از علمای جبل عامل بود که در قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) پس از تحصیل نزد علمای حله و نجف اشرف در عراق به لبنان بازگشت^۳ و در همان سال مدرسه‌ای نظام‌مند در جزین تأسیس کرد^۴ که آوازه آن تا سه قرن بعد فراگیر شد و علمای بزرگی از آن فارغ‌التحصیل شدند و عالمانی از عراق و ایران و سرزمین‌های مجاور لبنان و شامات برای علم‌آموزی به سوی این شهر بار سفر بستند.

آوازه علمی شهر جزین و اعتبار علمی ممتاز جبل عاملی‌ها در سراسر جهان اسلام پیچید و حاکمان مناطق مختلف برای گسترش علوم دینی در مناطق تحت حاکمیت خود، از علمای این منطقه یاری خواستند. به عنوان نمونه، حاکم خراسان، علی بن مؤید (م: ۷۹۵ هـ / ۱۳۹۳ م)، با فرستادن نامه‌ای به شهید اول، او را به ایران دعوت کرد. در بخشی از آن نامه چنین آمده بود: «در نزد ما کسی

۱- العاملی، الحر، همان، ج ۱، ص ۴۱؛ مکی، محمدکاظم، *منطق الحیاة الثقافیة فی جبل عامل*، ص ۹۹.

۲- الامین، محسن، *أعیان الشیعة*، ج ۱۱، ص ۲۸۲؛ کرکوش، *تاریخ الحلة*، ص ۹۲؛ مکی، محمدکاظم، همان، ص ۹۴.

۳- مکی، محمدکاظم، همان، صص ۹۴-۹۵؛ العاملی، الحر، همان، ج ۱، صص ۸۵-۶۶.

۴- الامین، محسن، *خطوط جبل عامل*، ج ۱، صص ۲۱۸-۲۱۹؛ رزق سعید، *تاریخ جزین*، صص ۶۸-۶۹.

۱- مکی، محمدکاظم، همان، ص ۱۵۶.

نام ماندویل^۱ هم در سال ۷۳۲ هـ (۱۳۳۲ م) آن را به همین صورت دیده است.^۲

۲۹ اما ستم مملوکیان نتوانست مانع از تأسیس مدارس علمی و فقهی در جبل عامل شود. در قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) در کنار مدرسه جزین، مدرسه‌هایی در عیناتا و میس‌الجبل و جبایع تأسیس شد که بسیاری از طلاب و علمای شامات و ایران و عراق برای تحصیل علوم دینی به آن مناطق عزیمت می‌کردند. از جمله افراد مشهوری که به عیناتا سفر کرد می‌توان ناصرالدین بن ابراهیم آل‌بویه (م: ۸۵۲ هـ / ۱۴۴۹ م) از ایران و عبدالله تستری (م: ۱۰۲۱ هـ / ۱۶۱۲ م) از عراق را نام برد که در کنار افراد دیگری عازم میس و جبایع شدند.^۳

دوران حکومت عثمانی

نهضت فکری جبل عامل و بقاع

۳۰ در سال ۱۵۱۶ میلادی، در پی نبرد مشهور «مرج دابق»، شامات به تصرف عثمانی‌ها درآمد و بساط سلسله مملوکیان از این منطقه برچیده شد. بدین ترتیب، مرحله جدیدی از تاریخ منطقه آغاز شد که تا پایان جنگ جهانی اول ادامه یافت.

۳۱ در آغاز قرن شانزدهم میلادی، نهضت فکری مناطق بقاع لبنان را نیز دربرگرفت و علی‌عبدالعالی کرکی (م: ۹۴۰ هـ / ۱۵۳۳ م) در روستای کرک در نزدیکی زحله مدرسه‌ای تأسیس کرد. در بعلبک نیز چندین مدرسه تأسیس شد. از آن جمله، مدرسه نوریه بود که زین‌الدین بن نورالدین جبعی، معروف به شهید ثانی، در سال ۹۵۳ هـ (۱۵۴۶ م) فقه مذاهب پنج‌گانه اسلامی را در آن تدریس می‌کرد. می‌توان این نکته را مظه‌ری از وحدت و انسجام اسلامی و دیلیسی بر تکامل و تعامل فرهنگی میان مدارس

جبل عامل و مدارس دیگر دانست. عثمانی‌ها شهید ثانی را که از جمله شخصیت‌ها و اندیشمندان آزاداندیش شیعه بود، در سال ۹۶۶ هـ (۱۵۵۹ م) به سبب اختلاف مذهبی با قاضی صیدا به شهادت رساندند.^۱

ارتباط علمی میان جبل عامل و ایران

۳۲ رابطه‌ای که میان مراکز علمی و فقهی جزین در جبل عامل و خراسان در ایران آغاز شده بود، با شهادت شهید اول و پایان رابطه ایشان با حاکم خراسان به پایان نرسید و در قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) دروازه‌های علم و اندیشه میان ایران و لبنان به‌طور کامل گشوده شد، زیرا شاه‌اسماعیل صفوی، بنیانگذار سلسله صفویه، در سال ۹۰۵ هـ (۱۴۹۹) مذهب تشیع اثناعشری را مذهب رسمی کشور ایران اعلام کرد.^۲ این امر موجب شد که علمای جبل عامل با دعوت حاکمان ایران، برای نشر و گسترش علوم دینی و رهایی از ستم عثمانی‌ها به این کشور سفر کنند. اعتماد حاکمان ایرانی به جایگاه علمی علمای جبل عامل و بقاع موجب شد که علمای این مناطق در حکومت جدید ایران به منصب مفتی و شیخ‌الاسلام برسند. از جمله آنان، می‌توان حسین‌بن عبدالصمد (م: ۹۸۴ هـ / ۱۵۷۶ م) و محقق کرکی (م: ۹۴۰ هـ / ۱۵۳۳ م)، مفتی عصر شاه‌عباس صفوی (م: ۹۲۷ هـ / ۱۵۲۱ م) را نام برد.

۳۳ علمای دیگری همچون شیخ بهای‌عاملی (م: ۱۰۳۱ هـ / ۱۶۲۲ م) و حسین‌بن محمدعلی جبعی و محمدالشخری و حر عاملی از جمله کسانی بودند که بیشتر دوره زندگی خود را در ایران گذراندند.^۳

۱- الأملین، محسن، أعيان الشیعه، ج ۳۳، صص ۲۵۶-۲۷۰؛ کردعلی، محمد، خطط الشام، ج ۴، صص ۶۸، ۱۲۸-۱۲۹؛ حبیبی، فیلیپ، لبنان فی التاريخ، صص ۴۲۰-۴۲۱.

۲- مظفر، محمدحسین، همان، صص ۲۲۰-۲۲۱؛ مکاریوس، شاهین، تاریخ ایران، صص ۱۴۷-۱۴۸.

۳- شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۱، صص ۱۰-۷۴؛ الاصفهانی، ریاض‌العلماء و

1. Mandeville

۲- مکی، محمدکاظم، صص ۷۲-۷۳ و

Wright, Thomas: *Early travels in palestine* London, 1969, P 141.

۳- العاملی، الحر، همان، ج ۱، ص ۳۱؛ الأملین، محسن، همان، ص ۲۹۹.

خدمت می‌کردند.

مدارس و مراکز مهم علمی جبل عامل

- ۳۶ اهالی جبل عامل با وجود ناآرامی و ناامنی در دوران حاکمیت عثمانی‌ها در سرزمین جبل عامل، مدارس و مراکز علمی جدیدی را پایه‌گذاری کردند و علاوه بر عیناتا و میس الجبل و جباع، مدارس دیگری نیز پدید آمدند که عبارت بودند از:
- ۳۷ - مدرسه شقرا که موسی الحسینی الامین (م: ۱۱۹۵ هـ / ۱۷۸۰م) آن را تأسیس کرد.
- ۳۸ - مدرسه کوثریه که پس از فوت جزار در ۱۲۱۹ هـ (۱۸۰۴م) تأسیس شد.
- ۳۹ - مدرسه حنایه که شیخ محمدعلی عزالدین و پیش از سال ۱۸۸۰م آن را تأسیس کرد.
- ۴۰ دکتر لورتر^۱ رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه لیون در تاریخ مذکور از این مدرسه بازدید کرد.
- ۴۱ - مدرسه بنت جبیل که شیخ موسی شراره (م: ۱۳۰۴ هـ / ۱۸۸۶م) آن را تأسیس کرد.
- ۴۲ - مدرسه حمیدیه که سیدحسن یوسف مکی (م: ۱۳۲۱ هـ / ۱۹۰۳م) در نبطیه تأسیس کرد.
- ۴۳ - مدرسه نوریه در نبطیه فوقا که مؤسس آن در سال ۱۳۲۵ هـ (۱۹۰۷م) وفات یافت.^۲

تألیفات علمای جبل عامل؛ منابع تدریس علوم اسلامی

- ۴۴ در تاریخ فقه و علوم دینی جبل عامل مسئله جالب توجه این است که علمای این منطقه وظیفه تالیف و تدوین کتب و منابع و مآخذ علمی رشته‌های فقه و اصول و حدیث و علوم لغوی را برای سراسر جهان اسلام بر عهده داشتند، چنان‌که گویی علمای جبل عامل، تدوین برنامه تدریس علوم دینی در حوزه‌ها و

علمای جبل عامل در هند و حیدرآباد و عراق و ایران

۳۴ شماری از علمای جبل عامل در طلب امنیت و با هدف گسترش فرهنگ دینی، به مناطقی در شرق دور عزیمت کردند. گروهی از آنان که به هند و حیدرآباد رفتند، هم در ترویج اندیشه شیعه نقش مهمی ایفا کردند و هم حاکمان را در اداره بهتر کشور یاری دادند. از جمله آنان محمدبن علی خاتون (م: ۱۰۳۸ هـ / ۱۶۲۹ م) بود که صدراعظم سلطان حیدرآباد، قطب شاه و فرزندش، عبدالله، شد و نقش سفیر پادشاهان حیدرآباد در نزد شاه عباس صفوی را نیز بر عهده داشت. شاعری به نام محمدعلی مشغری (م: ۱۰۹۰ هـ / ۱۶۸۰ م) نیز ابتدا به ایران رفت، سپس در پاسخ به دعوت سلطان حیدرآباد به این منطقه عزیمت کرد و تحت حمایت پادشاه و بزرگان آن منطقه در حیدرآباد اقامت گزید.^۱ در قرن‌های نهم و دهم هجری (پانزدهم و شانزدهم میلادی) مراکز علمی عراق در شهرهای حله و نجف و کربلا همچنان در مسیر پیشرفت علمی گام برمی‌داشتند. علمای جبل عامل برای رسیدن به درجه اجتهاد فقهی تحت نظر مراجع و علمای بزرگ به عراق سفر می‌کردند. از جمله علمای مشهور جبل عامل که در آن دوره به عراق رفتند، می‌توان علی بن یونس النباطی البیاضی (م: ۷۸۸ هـ / ۴۷۳ م) و محمدبن علی الموسوی (م: ۱۰۱۱ هـ / ۱۶۰۲ م) و حسن بن الشهید الثانی (۱۰۱۱ هـ / ۱۶۰۲ م) و دیگران را نام برد.

۳۵ ابعاد مختلف حیات علمی و فکری ایران و عراق در جبل عامل و بقاع لبنان بازتاب گسترده داشت. در مقابل، آوازه علم و اندیشه علمای جبل عامل نیز در ایران و عراق پیچیده بود و علمای تمامی این مناطق با تمام توان در عرصه اجتهاد به ایمان و انسان در جهان

(نسخه خطی محسنیه دمشق)، ج ۳، صص ۳۰۵-۳۱۹؛ عاملی، الحر، همان، ج ۱، صص ۷۵-۱۶۵.

۱-العاملی، الحر، همان، ج ۱، ص ۱۶۹؛ مجله العرفان، شماره ۲۸، ص ۱۳۰؛ الامین، محسن، همان، ج ۵۶، صص ۱۱۲-۱۱۷؛ ابن معصوم، سلافة العصر فی محاسن الشعراء، ص ۳۵۴؛ مکی، محمدکاظم، همان، ص ۹۷.

1. Dr.Lortter

۲- الامین، محسن، خطط جبل عامل، صص ۱۵۰-۱۵۱، ۲۱۲، رضا، احمد، مجله العرفان، شماره ۲، ص ۳۹۰؛ Dr.Lortter: La Syrie aujourd'hui, P. 134.

و در چهار قرن اخیر همچنان استمرار داشته‌اند. یکی از این دو پدیده، که ماهیت سیاسی داشت، در قالب ظهور رهبران محلی تجلی یافت. این رهبران همواره تلاش کرده‌اند جبل عامل را از سلطهٔ خوانین و «مقاطعه‌چی»^۱های مناطق مجاور رها کنند.

۵۴ پدیدهٔ دوم عبارت بود از گسترش روحیهٔ ملی و همبستگی جمعی و دلبستگی به منطقهٔ جبل عامل و میراث فرهنگی آن. در ادامه، نحوهٔ ظهور این دو پدیده را بررسی خواهیم کرد.

رهبران جبل عاملی و نبرد با عثمانی‌ها

۵۵ پدیدهٔ نخست که ظهور رهبران محلی جبل عامل و مخالفت آنان با حاکمان آل معنی آن را تأکید می‌کند، در اواخر دورهٔ ممالیک و با بروز نام بعضی عشایر و خاندان‌های جبل عامل تجلی یافت. بنابر نقل برخی کتب و منابع تاریخی عشیره‌های بنی صبیح و بنی بشاره - که از عشایر پیشتاز منطقهٔ شام به شمار می‌آیند - و نیز بنی شکر در مناطق عیناتا و قانا و تبنین و شیخ‌هادی الکوثریه از آل منکر، که در مناطق زراریه و حُمین فوفا مشهور شدند، و بنی داغر در منطقهٔ انصار، آل ابی شامه در منطقهٔ بنت جبیل و نوادگان علی‌الصغیر در چندین منطقه از جبل عامل، آغازگر این مرحله بودند.^۲ همچنین، در کتب تاریخی چنین نقل شده است که میان رهبران بزرگ جبل عامل و امیرفخرالدین المعنی دوم در سال ۱۰۲۱ هـ. (۱۶۱۲ م) اختلافاتی وجود داشت و اهالی جبل عامل با حاکم نامبرده نبردهای

دانشگاه‌های علمی دیگر مناطق را نیز بر خود لازم می‌دانستند. از این رو، کتب مرجع و منابع درسی‌ای تألیف کردند که هنوز هم در مدارس و مراکز علوم دینی از آنها استفاده می‌شود. برخی از آن کتب عبارت‌اند از:

۴۵ - اللعة الدمشقیة، با موضوع فقه، تألیف شهید اول (م: ۷۸۶ هـ / ۱۳۸۴ م)؛

۴۶ - المدارک فی شرائع الاسلام، اثر محمدبن علی الموسوی جبعی (م: ۱۱۰۹ هـ / ۱۶۰۰ م)؛

۴۷ - المعالم، با موضوع اصول فقه، تألیف حسن بن زین الدین بن الشهید الثانی (م: ۱۰۱۱ هـ / ۱۶۰۲ م)؛

۴۸ - الوسائل، با موضوع علوم حدیث، تألیف شیخ حر عاملی (م: ۱۱۰۴ هـ / ۱۶۹۳ م)؛

۴۹ - اللعة با موضوع منطق، تألیف علی بن یونس النباطی البیاضی (م: ۸۷۷ هـ / ۱۴۷۳ م)؛

۵۰ - منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، با موضوع تعلیم و تربیت، تألیف شهید ثانی (م: ۹۶۶ هـ / ۱۵۵۹ م)؛

۵۱ - دائرة المعارف فقه شیععه با عنوان مفتاح الکرامه در ۳۲ جلد، تألیف محمدجواد الحسینی (م: ۱۲۲۶ هـ / ۱۸۱۱ م).

ظهور رهبران محلی و بروز روحیات ملی‌گرایی

۵۲ مراحل شکل‌گیری هویت جامعهٔ شیعیان لبنان فقط به دستاوردهای فرهنگی و باورهای اعتقادی محدود نشد؛ هرچند این دو مقوله در بیشتر سرزمین‌های اسلامی، از شام و عراق تا ایران و هند، در خدمت اندیشهٔ دینی قرار داشت. اما از آنجا که هویت جامعه نیز همانند هویت افراد، مجموعه‌ای منسجم و یکپارچه و دارای ابعاد گوناگون است، در شکل‌گیری هویت اجتماعی هر فرد یا جامعه نیز تاریخ آن فرد یا آن جامعه دخالت دارد. با توجه به اینکه دو بُعد فرهنگی و عقیدتی، از دیگر ابعاد قدیمی‌تر و ظهور بیشتری دارند، ابتدا این دو بُعد آشکار شدند و سایر ابعاد در مراحل بعدی تجلی و ظهور یافتند.

۵۳ از قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) دو پدیدهٔ مشخص و آشکار به تدریج خود را در تاریخ جبل عامل به ظهور رسانده

۱- این اصطلاح برگرفته از نظام اقتصادی ویژه‌ای است که در دورهٔ مملوکی رواج داشت و براساس آن، اشخاص تحت عنوان «مقاطعه‌چی» یا «اقطاع‌چی»، زمین‌ها و املاک بزرگان روستاها و آبادی‌ها را در تصرف خود داشتند و در ازای آن، مبالغی را به عنوان خراج یا مالیات به حکومت پرداخت می‌کردند.

۲- بولیاک، الإقطاعیه، صص ۴۴-۴۶؛ الزین، علی، «للبحث عن تاریخنا»؛ مجلهٔ العرفان، شمارهٔ ۲۷، ص ۶۲۷؛ الامین، محسن، همان، ص ۲۱۱؛ الصلیبی، کمال، منطلق تاریخ لبنان، بیروت، چاپ اول، ۱۹۷۹، ص ۱۵۳.

گسترده‌ای نیز داشتند.^۱
 منابع و کتب تاریخی از آغاز تلاش اهالی برای بیرون راندن
 فئودال‌ها و مقاطعه‌چی‌ها از جبل عامل و مناطق اطراف آن حکایت
 دارد. نبردهای انصار در سال ۱۰۴۸ هـ (۱۶۳۸ م) و عیناتا در سال
 ۱۰۷۰ هـ (۱۶۵۹ م) و نبطیه در سال ۱۰۷۷ هـ (۱۶۶۶ م) و وادی
 کفور در سال ۱۰۷۸ هـ (۱۶۶۷ م) و دیگر نبردهای سال‌های پس از
 آن، همگی نشان از شکل‌گیری هویت جبل عامل و تلاش اهالی آن
 برای آزادی از سلطه سرزمین‌های مجاور و دستیابی به سیاست
 مستقل رهبران محلی دارد.^۲

در سال ۱۰۷۰ هـ (۱۶۶۰ م) شهر صیدا به مرکز ایالات عثمانی
 تبدیل شد و جبل عامل، که تا آن زمان تابع حاکم دمشق بود، به
 بخشی از ایالات صیدا مبدل گردید و، بدین ترتیب، رهبران
 جبل عامل و رهبران منطقه شوف در برابر والی عثمانی صیدا
 جایگاهی برابر یافتند.^۳

در ادامه و در دهه نخست قرن دوازدهم هجری، شورشی به
 رهبری مشرف‌بن‌علی‌الصغیر در سال ۱۱۱۱ هـ (۱۶۹۹ م) بر ضد
 سیاست سرکوب و ظلم فئودال‌ها و والیان منطقه برپا شد^۴ و، پس
 از آن، در مدت نیم قرن اهالی جبل عامل نبردهای متعددی برضد
 حاکم صیدا و حاکمان آل شهاب به راه انداختند و پیروزی‌های
 بسیاری به دست آوردند؛ به گونه‌ای که با آغاز سال ۱۱۶۴ هـ
 (۱۷۵۱ م) اهالی جبل عامل، قلعه‌ها و مواضع نظامی را بازسازی و
 زمین‌های بزرگ را میان خود تقسیم کرده بودند تا بار دیگر برای
 آغاز نبردی طولانی بر ضد ظاهرالعمر و آل شهاب آماده شوند.
 دو تن از رهبران جبل عامل به نام‌های علی فارس العصبی (م):

میهن‌دوستی و کتاب‌های تاریخ جبل عامل

دومین پدیده‌ای که از آغاز قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) در
 جبل عامل ظهور کرد، میهن‌گرایی و احساس وابستگی و تعلق
 خاطر به سرزمین و میهن بود که در ادبیات شوق و دلتنگی برای
 میهن در دل مهاجرانی تجلی یافت که برای دستیابی به امنیت و
 کسب علم و معرفت از وطن دور افتاده بودند. فقهای شیعه
 جبل عامل و یا منطقه بقاع نخستین کسانی بودند که مدت‌ها پیش از
 شکل‌گیری اندیشه وطن‌دوستی در جهان در این باره قلم زده‌اند.
 یکی از آن فقها، حسن بن الشهید الثانی (۱۰۱۱-۹۵۹ هـ / ۱۶۰۲-
 ۱۵۵۲ م) است که در زمان حضور در عراق، ابیاتی فی‌البداهه
 سرود و در آن، زادگاه خویش، جُبع، و خانواده خود را در لبنان

۱- بنی، جورج، مجلة المقتطف، شماره ۲۸، ص ۳۱۸؛ مجلة العرفان، شماره ۲۶، ص ۷۴۳.

۲- احمدپاشا جزار پس از پیروزی، فرمان کشتار علمای جبل عامل و سوزاندن کتابخانه‌های آن را صادر کرد. اهالی جبل عامل نقل می‌کنند که ناوایی‌های شهر عکا چندین روز با سوزاندن کتاب‌های جبل عامل به کار خود ادامه دادند.

۱- الرکینی، حیدر، «جبل عامل فی قرن»، مجلة العرفان، شماره ۲۸، ص ۴۵۳؛ الفقیه، محمدتقی، جبل عامل فی التاريخ، ج ۲، صص ۲۰-۳۷.

۲- الدین، علی، همان، صص ۲۵۴-۲۸۴.

۳- آل صفا، محمد جابر، مجلة العرفان، شماره ۲۶، ص ۷۲۱؛ الفقیه، محمدتقی، همان، ج ۲، صص ۵۳-۵۴.

۴- مکی، محمدکاظم، الحركة الفکرية والأدبية فی جبل عامل، صص ۲۰ و ۱۳۸.

پختگی و زمینه‌سازی برای این احساس بوده است و پس از آنکه این احساس وطن‌دوستی به حقیقت عینی و تاریخی تبدیل شد، آن را در قالب شعر و کتاب به تصویر کشیدند؛ چنان‌که فرزند شهید ثانی و محمدعلی مشغری در اشعار خود به آن اشاره کرده‌اند و در کتاب‌های ذیل نیز این حقیقت تجلی یافته است:

۶۴ - *أمل الامل فی علماء جبل عامل*، کتابی که شیخ حرّ عاملی در آن شرح حال بیش از دویست شخصیت علمی جبل عامل را به همراه کتب و تألیفات هریک از آنان ذکر کرده است. در ادامه کتاب و در بخشی مستقل، شرح حال علمای دیگر مناطق جهان اسلام نیز تدوین شده است. در واقع میهن‌دوستی، شیخ را بر آن داشت که ابتدا به بیان شرح حال هم‌وطنان خود در جبل عامل بپردازد.^۱

۶۵ - *جبل عامل فی قرن* (در فاصله سال‌های ۱۱۶۳ تا ۱۲۴۷ هـ / ۱۷۵۰ تا ۱۸۴۰ م)، نوشته رضا الرکیننی العاملی.

۶۶ - *جبل عامل فی قرنین* (از ۱۰۴۸ تا ۱۲۵۶ هـ / ۱۶۳۹ تا ۱۸۴۰ م)، تألیف شیخ علی السبیتی العاملی.^۲

۶۷ - *سوق المعادن*، تألیف محمدعلی عزالدین (م: ۱۳۰۱ هـ / ۱۸۸۴ م) با موضوع تاریخ جبل عامل.^۳

۶۸ بدین ترتیب، از زمان نگارش کتاب *أمل الامل* تا کنون، کتب و رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی متعددی نوشته شده است که نویسندگان همه آنها تعلق فرهنگی و ملی به منطقه جبل عامل را مایه افتخار خود برشمرده‌اند. باتوجه به اینکه این روند تا کنون ادامه دارد، ارائه آمار دقیق و نهایی این تألیفات ناممکن به نظر می‌رسد.

۶۹ بسیاری از علمای شیعه که در منطقه بقیع، از کرک تا بعلبک، می‌زیسته‌اند، «عاملی» لقب گرفته‌اند و افرادی همچون محقق کرکی و حسین بن عبدالصمد و شیخ بهاء عاملی، مثال‌هایی از این

برای نخستین بار در اشعار جبل عامل یاد کرد^۱:

طول اغترابی بفرط الشوق أضنانی والبین فی غمرات الوجد ألقانی
لا یسکن الوجود مادام الشتات و لا تصفو المشارب لی إلا بلبنان^۲

۶۲ همچنین محمدبن علی مشغری (م: ۱۰۹۰ هـ / ۱۶۸۰ م) از اهالی مشغرة بقیع و از شاگردان مدرسه جُبع بود که با گروهی از اهل جبل عامل به ایران و سپس، به حیدرآباد سفر کرد و از همراهی او با پدر ابن معصوم، صاحب کتاب *سلافة العصر* چنین برمی‌آید که در قرن یازدهم هجری می‌زیسته است. او در اشعار خود ابیات بسیاری در بیان غربت و اشتیاق به وطن سروده است که از آن جمله ابیات ذیل را نقل می‌کنیم^۳:

أرأیت ما فعلت بدّ التفریق أعلمت من قتلت بسعی النوق؟^۴
ولا ذکرت الصبا إلا و أذکرتنی لیالی أرضعتنی درة الکأین
و جیرة لعبت أیدی الزمان بهم أنکرت من بعدهم نفسی و جُلّاسی^۵

۶۳ شیخ محمدبن حسن حرّ عاملی (م: ۱۱۰۲ هـ / ۱۶۹۳ م) برای عمل به حدیث شریف «حبّ الوطن من الإیمان» در سال ۱۰۷۳ هـ (۱۶۶۱ م) کتابی به نام *أمل الامل فی علماء جبل عامل* تألیف کرد تا گرایش و علاقه خود را به وطن خویش، جبل عامل، آشکار کند. این علاقه فقط در چهار قرن اخیر به‌طور عملی و به صورت‌های گوناگون تجلی یافته است. گویی قرن‌های پیش از آن، مرحله

۱- ابن معصوم، (۱۱۲۰ هـ / ۱۷۰۸ م)، همان، چاپ اول، ۱۳۲۴ هـ / ۱۹۰۶ م، ص ۳۰۵؛ مکی، محمدکاظم، همان، صص ۱۱۴-۱۱۵.

۲- غربت طولانی مرا به شوق بی‌حد کشانده و بی‌قرارم کرده و دوری مرا به تنگنای اشتیاق درافکنده، تا زمانی که از هم دور هستیم، اشتیاقم آرام نمی‌گیرد، و جز در لبنان آب خوش از گلویم پایین نمی‌رود!

۳- مکی، محمدکاظم، همان، صص ۱۲۴-۱۲۶.

۴- دیدی که دست جدایی با ما چه کرد و حرکت شتابان کاروان شتران چه آرزوهایی را بر باد داد؟

۵- هرگاه جوانی را یاد می‌کنم، شب‌هایی را که به من جام تلخ نوشانید به یاد می‌آورم. همسایگانی را که دست روزگار آنان را به بازی گرفت، چنان‌که پس از آنان خود و هم‌نشینانم را شناختم.

۱- العاملی، الحر، همان، ج ۱، ص ۱۱.

۲- مکی، محمدکاظم، همان، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.

۳- مکی، محمدکاظم، ص ۱۴۷.

نام‌گذاری هستند.^۱

هویت بالنده تشیع در طی تاریخ

۷۰ به رغم وجود ظلم و سرکوب مستمر، شیعیان هویت بالنده خود را در طی تاریخ با تأثیرگذاری بر روند ارتقای دانش بشر و تلاش مخلصانه در راه میهن و سرزمین خود آشکار کرده و با حفظ استقلال و دوری از سلطه‌گران و بیگانگان، عزت و کرامت خود را محقق ساخته‌اند. آنان برای تبیین هویت خود، میراث علمی و تاریخی خود را به کار گرفته‌اند. تلاش‌های علما در عرصه علم و معرفت، با اقدامات رهبران محلی برای دفاع از کرامت و هویت این منطقه در ابعاد سیاسی به تکامل رسید و در سایه تحولات و شتاب و رویدادهای پردامنه‌ای که در زمان حکومت عثمانی به وقوع پیوست، مقدمه تشکیل کشور لبنان را از اوایل قرن نوزدهم پایه‌گذاری کرد. در ادامه، اوضاع لبنان در قرن نوزدهم و رویدادهای این مرحله را بررسی خواهیم کرد.

۱- مکی، محمدکاظم، همان، صص ۸۵، ۹۷ و ۱۰۱.

اوضاع حاکم بر سرزمین شام
در قرن نوزدهم میلادی

عثمانی و نیز قدرت‌های بزرگ جهان را به شگفتی واداشت و آنان در می ۱۸۳۳ ابراهیم پاشا را به امضای توافق‌نامه مشهور «کوتاهیه» وادار کردند. براساس این توافق‌نامه لشکر ابراهیم پاشا به سوی شام عقب‌نشینی کرد.

۷۳ ابراهیم پاشا در شام دولت نظامی برپا کرد. از نتایج این دولت اجباری شدن خدمت سربازی و اخذ مالیات‌های سنگین بود. از دیگر اقدامات وی، تلاش برای ایجاد تفرقه میان حاکمان و بزرگان مناطق مختلف بود. این اقدامات موجب برپایی شورش‌های مردمی بر ضد ابراهیم پاشا گردید و اغلب نیروهای مردمی در آن قیام‌ها شرکت داشتند. از آن جمله می‌توان به قیام اهالی جبل عامل به رهبری دو تن به نام‌های حسین و محمدعلی شیبب آل‌صعب در فاصله سال‌های ۱۸۳۶ تا ۱۸۳۹ اشاره کرد. سپس در سال ۱۸۴۰ م انقلابی سراسری برپا شد که بساط حکومت مصریان را درهم پیچید. لشکرکشی ابراهیم پاشا و تصرف شامات به دست وی، تأثیرات مهمی در منطقه برجا گذاشت و برخی از پیامدهای حمله ناپلئون بناپارت را به مصر با خود به همراه داشت. آثار این هجوم در بُعد اداری، بیش از دیگر عرصه‌ها مشهود بود، به گونه‌ای که ابراهیم پاشا به محض استقرار پایه‌های حکومتش در شامات، ساختار اداری گسترده‌ای را پایه‌ریزی کرد و در تمامی شهرهایی که بیش از بیست هزار نفر جمعیت داشتند، شورای شهر تشکیل داد و اصلاحات بنیادین در عرصه‌های قضایی و مالی صورت داد،^۱ اما حکمرانی وی منطقه را در معرض نفوذ و طرح‌های قدرت‌های بزرگ قرار داد که مستقیماً برای بیرون راندن و یا حمایت از او وارد عمل می‌شدند.

درگیری‌های فرقه‌ای و تشکیل دو قائم‌مقامی

۷۴ پس از مرگ ابراهیم پاشا، مداخله مستقیم دولت عثمانی در اداره سرزمین شامات آغاز شد و تصفیه حساب‌ها و انتقام‌جویی‌ها به

حمله محمدعلی پاشا و تأثیر آن بر سرزمین شام

۷۱ هم‌زمان با آغاز قرن نوزدهم میلادی، رویدادهای متعددی به وقوع پیوست که خطرهای ناشی از آنها سراسر منطقه را تهدید می‌کرد. پس از ناکامی ناپلئون بناپارت در اشغال شامات و عقب‌نشینی او از مصر، محمدعلی پاشا^۱ که در سال ۱۸۰۵ م از سوی حکومت مرکزی (استانبول) حاکم مصر شده بود، به تنهایی قدرت را در قاهره به دست گرفت.^۲

۷۲ در وضعیتی که مصر هنوز آثار سوء هجوم ناپلئون را از یاد نبرده بود، محمدعلی پاشا رؤیاهای توسعه‌طلبانه خود را آغاز کرد و زمینه اجرای طرحی را برای ایجاد امپراطوری عربی بر ویرانه‌های حکومت عثمانی مهیا ساخت و زمانی که اوضاع را مناسب یافت، فرزندش، ابراهیم پاشا، را به فرماندهی لشکری عظیم و سازمان‌یافته گماشت و او را روانه سرزمین شام کرد. در نوامبر ۱۸۳۱ م آن لشکر عظیم به فرماندهی ابراهیم پاشا به راه افتاد و پیروزی‌های بزرگ و چشمگیری به دست آورد. مصری‌ها وارد یافا شدند و حیفا را اشغال کردند. سپس، صور و صیدا و بیروت را تصرف و شهر عکا را نیز پس از شش ماه محاصره فتح کردند و حاکم آن را به اسارت گرفتند.^۳ پس از سقوط دمشق ارتش مصر حرکت خود را به سوی مرکز حکومت عثمانی ادامه داد و در نوامبر ۱۸۳۲ م به قونیه رسید. این لشکر چند ماه پس از آن، در ۲ فوریه ۱۸۳۳ شهر کوتاهیه را هم تصرف کرد. این کار حکومت

۱- متولد سال ۱۷۶۹ م.

۲- مذکرات تاریخیه عن حمله ابراهیم باشا علی سوریا، (مؤلف ناشناخته)، تحقیق: احمد غسلن اسپانو، دار قتیبه، دمشق، بی تا، ص ۱۰.

۳- مجله الهلال (مصری)، نوامبر ۱۹۴۸، ص ۱۹.

۱- رباط، ادموند، الوسیط فی القانون الدستوری اللبانی، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۷۰، ص ۹۴.

فرقه‌گرایی را در بُعد قانونی و حقوقی تثبیت کرد.^۱ بدین ترتیب، برای نخستین بار وجود شش فرقه بزرگ در منطقه جبل لبنان به رسمیت شناخته شد و همین فرقه‌ها بودند که در ادامه از امتیازات دولت لبنان بهره‌مند شدند.

۷۷ درگیری‌های میان دروزی‌ها و مارونی‌ها بار دیگر از سر گرفته شد و در سال ۱۸۶۰ م به اوج خود رسید و «فتنه سال شصت» نام گرفت. این نبردها نسبت به گذشته شدت بیشتری پیدا کرده بود، به گونه‌ای که شمار بسیاری از افراد بی‌دفاع طرفین درگیر، قتل عام شدند.

۷۸ با تأمل در علل اصلی آن رویدادها و بررسی تناقضات موجود در اوضاع اجتماعی و اقتصادی آن دوره می‌توان به نزاع اجتماعی میان گروه‌های مختلف در فرقه‌های گوناگون در اثر تشدید بحران اجتماعی پی برد. این نزاع در نتیجه عوامل متعدد و پیچیده داخلی و خارجی، به نبردی فرقه‌ای و مذهبی تبدیل می‌شد.

۷۹ پژوهشگران ژرف‌نگری که حوادث آن مرحله و پیامدهای محلی و بین‌المللی آن را در قلمرو حکومت عثمانی و خارج از آن بررسی کرده‌اند، اسباب مختلفی برای آن برشمرده و خطرهای مهم آن را متذکر شده‌اند. برخی از آنان مهم‌ترین خطر ناشی از آن وقایع را علاوه بر رقابت پنج کشور تأثیرگذار در وقایع آن دوره برای جذب گروه‌های مختلف جامعه لبنان، آغاز «مداخله مستقیم فرانسه در خاور نزدیک»^۲ دانسته‌اند. بدین ترتیب، هریک از دولت‌های اروپایی یکی از فرقه‌ها یا مذاهب یا گروه‌ها یا خاندان‌های لبنان را مد نظر قرار داد تا از طریق آنان در امور این کشور مداخله کند. از سوی دیگر، حکومت عثمانی هم مسلمانان سنی مذهب را تحت حمایت خود قرار داد. بنابراین، حکومتی وجود نداشت که از شیعیان حمایت کند.

اوج رسید. بدین ترتیب، لشکرکشی مصریان و پایان حکمرانی آنان و سیاست‌های خلیفه عثمانی به آغاز درگیری‌های داخلی در مناطق جبل عامل و شوف در لبنان، به‌ویژه میان دو طایفه دروزی و مارونی منجر شد که در سال ۱۸۴۱ م به «حرکت نخستین» معروف شد. از پیامدهای نخستین درگیری، وارد آمدن زیان‌های جانی و مالی گسترده به هر دو طرف درگیری بود. اما چندی بعد، با دخالت نیروهای ترکیه، که تحت فشار کنسولگری‌های فرانسه و بریتانیا و روسیه در بیروت ناچار به دخالت شده بودند، اوضاع رو به آرامش رفت.^۱

۷۵ وقایع جبل لبنان سراسر منطقه را تحت تأثیر قرار داد و مرحله جدیدی از مداخله قدرت‌های اروپایی را در منطقه موجب شد که از پیامدهای ناگوار آن، پیدایش نظام دو قائله مقامی دروزی و مارونی بود و زمینه را برای طرح غربی تقسیم و تجزیه کشورهای منطقه مهیا کرد. درگیری‌ها در سال ۱۸۴۵ م از سر گرفته شد و در پی آن، حکومت عثمانی مستقیماً وارد عمل شد و طرح فرمایشی جدیدی را اجرا کرد که «طرح شکیب افندی»^۲ نام گرفت. مهم‌ترین تدبیری که شکیب افندی به اجرا درآورد، تشکیل شورایی ترکیبی در مناطق تحت امر هر قائله مقام بود تا او را در اداره امور منطقه یاری دهند. هریک از مذاهب در آن شورا نمایندگانی داشتند؛ بدین ترتیب که از هر کدام از مذاهب مارونی و روم ارتودکس و روم کاتولیک و اهل سنت و دروزیان یک قاضی در آن شورا حضور داشت. اما از شیعیان، فقط یک مشاور عضو شورا بود؛ به اعتبار اینکه قاضی مسلمان، برای دو مذهب سنی و شیعه قضاوت می‌کرد.^۳

۷۶ دکتر زهیر شکر معتقد است که «طرح شکیب افندی (۱۸۴۵م) نخستین ساختار حکومتی بود که بر نظام فرقه‌ای مبتنی شد و

۱- رباط، ادموند، همان، ص ۱۰۳.

۲- وزیر خارجه وقت دولت عثمانی.

۳- شکر، زهیر، الوسيط في القانون الدستوري، ج ۲، پی‌نوشت ۶، ص ۳۲.

۱- شکر، زهیر، همان، ص ۳۲.

۲- زین، نورالدین زین، الصراع الدولي في الشرق الاوسط و ولادة دولتي سوريا و

لبنان، دارالنهضة، بیروت، ۱۹۷۱، ص ۳۱.

تشکیل متصرفیه در منطقه جبل لبنان

- ۸۰ از جمله پیامدهای وقایع مذکور می‌توان به وجود آمدن متصرفیه در جبل لبنان، به دنبال انقراض قائم مقامی‌ها را نام برد. این حادثه دومین مرحله از شکل‌گیری کیان کشور لبنان بود.
- ۸۱ لبنان کوچک یا «لبنان متصرفیه»^۱، مناطقی را شامل می‌شد که عبارت بود از استان کنونی جبل لبنان، بخش‌های بشری، زغرنا و کوره و بترون در شمال، و بخش جزین در جنوب، و بخش زحله در منطقه بقاع.
- ۸۲ منطقه هرمل از توابع بخش بترون و دهستان شمسطار نیز از توابع بخش کسروان به شمار آمد. هرمل که تابع بخش بترون بود، یک دهداری در کنار هشت دهداری دیگر به شمار می‌آمد. اما بخش بعلبک و بقاع، از توابع ایالت دمشق به شمار می‌آمدند.^۲
- ۸۳ بعضی مورخان توجیه علت این نوع تقسیم‌بندی و قرارگرفتن دهستان هرمل را در متصرفیه جبل لبنان - که منطقه‌ای مسیحی‌نشین است - دشوار دانسته‌اند. حتی سردمداران طرح ایجاد متصرفیه در این منطقه نیز اذعان دارند که این کار غیرمعمول بوده است، زیرا اغلب جمعیت این دهستان را - که از لحاظ اداری مستقل بود و جزئی از بخش‌داری بترون به شمار می‌آمد - شیعیان تشکیل می‌دادند. علت این امر را باید در وجود جنگل‌های سرسبز و انبوه منطقه هرمل - که بخش‌های وسیعی از آن در عهد متصرفیه از میان رفت - جستجو کرد که نشان از وجود جنگل‌های غنی و سرسبز در این منطقه در گذشته دارد. مساحت باقی‌مانده از آن مراتع در مناطق هرمل و بعلبک در اوایل دهه ۱۹۳۰، در حدود ۴۵ هزار هکتار برآورد شده است.^۳

تثبیت نقش منطقه جبل لبنان در عهد متصرفیه

- ۸۴ هنگام بررسی اوضاع منطقه جبل، در نقش و تأثیر هیئت‌های اعزامی از کشورهای بیگانه در گسترش علم و آگاهی‌های اجتماعی ساکنان جبل لبنان باید تأمل کرد. این هیئت‌ها مدارسی در جای‌جای جبل لبنان و بیروت تأسیس کردند و کشورهای خارجی در ادامه رقابت‌های میان خود، مدرسه‌هایی دینی با گرایش‌های کاتولیک و ارتودکس و پروتستان در این منطقه تأسیس کردند که نه تنها در ارتقای سطح علمی منطقه جبل، بلکه در گسترش اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی در این منطقه نقش داشتند و بعدها نیز در تثبیت افکار ملی‌گرایانه و، از سوی دیگر، در گسترش اندیشه‌های آزادی‌خواهانه مؤثر بودند.
- ۸۵ بدین ترتیب، کالج‌ها و دانشگاه‌هایی در گوشه و کنار جبل تأسیس شد که توسعه هرچه بیشتر این منطقه را موجب شد و آن را از دیگر مناطق اطراف خود کاملاً متمایز کرد. حاکمان عثمانی با در نظر گرفتن اوضاع خاص منطقه جبل لبنان، سیاستی استثنایی را، به ویژه در زمینه پرداخت مالیات و معافیت از خدمت سربازی اتخاذ کردند. این شرایط ویژه به خوبی در ضرب‌المثل قدیمی لبنان که می‌گوید: «خوشا به حال کسی که در جبل لبنان آغلی دارد» منعکس شده است.^۱
- ۸۶ نخبگانی که در موقعیت خاص منطقه جبل لبنان پدید آمدند، بعدها در تشکیل دولت لبنان بزرگ سهم بسزایی داشتند. همچنین، در کنار اروپاییان - به هنگام حضور آنان در قاره آفریقا - نقش اساسی ایفا کردند، زیرا به عنوان همکار و مترجم در کنار استعمارگران اروپایی‌ای حضور داشتند که بر آفریقا تسلط یافتند. مهاجرت لبنانی‌ها به آفریقا، به ویژه مصر، که با هدف گریز از سیاست‌های دولت عثمانی بود، در برپایی نهضت فکری جهان عرب در عرصه‌های ادبی و علمی و روزنامه‌نگاری تأثیر مهمی برجا نهاد.

۱- خاطر، لحد، عهد المتصرفین فی لبنان ۱۹۱۸ - ۱۸۶۱، انتشارات دانشگاه لبنان ۱۹۶۷.

1- Georges, Samne, *La syria*, paris, p 265

۳- به نقل از: ضاهر، مسعود، تاریخ لبنان اجتماعی ۱۹۱۴ - ۱۹۲۶، دارالفارابی، بیروت، ۱۹۴۷.

۱- الأمام السید موسی‌الصدر - حركة المحرومین - الولادة - ظروف النشأة - الأبعاد، تدوین مکتب العقیده و الثقافة فی حركة أمل، ۱۹۸۶، ص ۹.

۹۱ در سال ۱۸۸۰، مدحت پاشا والی سوریه به منطقه آمد. وی در پی استقلال سوریه از حکومت عثمانی بود تا به تنهایی حکمرانی بر این منطقه را در اختیار گیرد. گفته می‌شود که هدف او «به راه انداختن نهضت استقلال طلبانه بر ضد دولت عثمانی در کشورهای عربی به رهبری خود بوده است.»^۱ مدحت پاشا از حوادث منطقه بالکان در راه تحقق اهداف خود و بر ضد ترک‌ها بهره‌برداری کرد. وی را «پدر اصلاحات» نامیده‌اند، زیرا «برای از بین بردن علل انتقام‌گیری تلاش کرد و گرایش‌های آزادی‌خواهانه داشت و اجازه استفاده از زبان عربی در مراکز عدلیه را صادر کرد.»^۲ او برای تحقق اهداف خود، بعضی از رهبران عرب از جمله رهبران جبل عامل را به خود نزدیک کرد و حتی سخاوتمندانه مال و اموال و حقوق و هدایا و مقام‌های بالایی در اختیار بعضی از آنان گذاشت.

اوضاع نابسامان جبل عامل و بقاع و هرمل

۸۷ پس از بررسی اوضاع خاص منطقه جبل لبنان، نوبت به وصف اوضاع حاکم بر دیگر مناطق واقع در حوزه جغرافیایی دولت جدید لبنان می‌رسد.

۸۸ بهترین وصف برای بیان وضعیت مناطق مذکور در آن دوره، همان تعبیری است که آن روزها درباره مجموعه دولت عثمانی به کار می‌رفت و آن را به «انسان بیمار» تشبیه می‌کرد. در واقع، آثار بیماری و مرض همه‌جای قلمرو حکومت عثمانی از جمله بلاد شام را در بر گرفته بود.

۸۹ مناطق بقاع و بعلبک و هرمل در اثر سیاست‌های دولت عثمانی گرفتار رنج و محنت بی‌شمار بودند. جنگل‌ها سوزانده شده و حوادث ناگوار و ناخوشایند، تمامی روستاها و شهرها را دربر گرفته بود. حکومت به گرایش‌های تجزیه طلبانه دامن می‌زد و در ادامه سیاست گسترش فقر و ناآگاهی در سراسر کشور، در پی تعمیق اختلاف میان طوایف و عشایر مختلف بود. این کارها روحیه انتقام‌جویی را در مردم بیدار می‌کرد.

۹۰ در منطقه جبل عامل نیز وضع بهتر از این نبود. این منطقه در قرون متمادی، بهای گزاف آزادی خود را پرداخته بود و در سایه ستم حکومت عثمانی جنگ‌های پی‌درپی و خونباری را پشت سر گذارده بود که با هدف محاصره و غارت منابع آن برپا می‌شد. با اینکه اهالی جبل عامل هیچ‌گاه به فکر جدایی و استقلال از حکومت عثمانی نبودند، عثمانی‌ها همواره از تهاجم‌های بسیاری حمایت می‌کردند که فتووالیسم خارجی برای سرکوب و تصرف این منطقه تدارک می‌دید. دست‌نشانندگان فتووالیسم خارجی، یعنی خاندان‌های محلی وابسته به آنان نیز رفتار بهتری نداشتند و با به‌کارگیری سیاست سرکوب و جهل و جلوگیری از پیشرفت اهالی جبل عامل، در نابسامانی و عقب‌ماندگی اجتماعی و اقتصادی این منطقه مؤثر بودند.

حکومت مدحت پاشا در سوریه

۱- صلح، عادل، *سطور من الرسالة*، چاپ اول، بیروت، ۱۹۶۶، ص ۱۳۸.

۲- صلح، عادل، همان، ص ۱۳۸. همچنین ر.ک: آل صفا، محمد جابر، *تاریخ*

جبل عامل، دار متن اللغة، بیروت، بی‌تا، صص ۱۸۰-۱۸۲.

حوادث و تحولات آغاز قرن بیستم
تا استقلال لبنان

جمعیت اتحاد و ترقی

۹۲ در سال ۱۹۰۹، اتحادیون سلطان عبدالحمید دوم را در استانبول سرنگون کردند. با این اقدام مرحله جدیدی از عمر حکومت عثمانی آغاز شد. در پی آن، نهضت‌ها و جمعیت‌های سیاسی مختلفی پدید آمد که مهم‌ترین آنها نهضت ترکیه جوان یا «جمعیت اتحاد و ترقی» بود که شعار برابری قومی و اصلاحات اجتماعی را در حکومت عثمانی سر می‌داد. همین شعارها آن را نزد روشنفکران عرب مقبولیت بخشید و به سرعت آنان را جذب کرد، به گونه‌ای که شاخه‌ها و دفاتر این جمعیت در بیشتر کشورهای عربی، به ویژه شهرهای مهم تأسیس شد.

۹۳ در جبل عامل نیز چندین شاخه و دفتر نمایندگی جمعیت اتحاد و ترقی تأسیس شد که مهم‌ترین آنها شاخه نبطیه بود. شماری از اهل علم و ادب به عضویت آن درآمدند و شورای مرکزی شاخه نبطیه با حضور محمدجابر آل صفا، شیخ احمد رضا و شیخ سلیمان ظاهر تشکیل شد و، در ادامه، باشگاه بزرگی تأسیس شد که در آن سخنرانی‌هایی با موضوعات اجتماعی و دعوت به پرهیز از تفرقه، تعهد و پایبندی به حکومت عثمانی و کاستن از تأثیر افراد ذی نفوذ و قدرتمند برگزار می‌شد.^۱

۹۴ عده زیادی از رهبران و افراد ذی نفوذ منطقه جبل عامل عضو جمعیت شدند. مجله المرج المرجعونیة آورده است: «در الجدیدة، چندین تشکل پدید آمد که یکی از آنها جمعیت اتحاد و ترقی بود.»^۲

۹۵ در پی موفقیت جمعیت اتحاد و ترقی و تصویب قانون اساسی، فراخوان برگزاری انتخابات برای مشارکت در پارلمان عثمانی یا

۱- آل صفا، محمدجابر، همان، ص ۱۸۳.

۲- المرج المرجعونیة، ۱۴ و ۱۵ جولای ۱۹۰۹.

۱۰۰ اهالی جبل عامل در تمامی اقدامات پنهان و آشکار خود، از یک ابزار تبلیغاتی بهره می‌بردند و آن ابزار مجله العرفان بود که شیخ احمد عارف‌الزین آن را تأسیس کرد و به تریبون تبلیغاتی همه روشنفکران جبل عامل و طرفداران قومیت عربی تبدیل شد و واکنش ترک‌ها را در برابر این مجله برانگیخت، به‌گونه‌ای که چندین بار آن را توقیف و تعطیل کردند تا شاید صدای آزادی‌خواه عرب را در نطفه خفه کنند.

همایش کشورهای عربی در پاریس

۱۰۱ در هجدهم ژوئن ۱۹۱۳ م اعراب در پاریس همایشی برپا کردند. تمامی تشکل‌های عربی آن‌زمان گرد هم آمدند و هیئت‌هایی از لبنان و مصر و فلسطین و سوریه و دیگر کشورها در آن حضور یافتند.

۱۰۲ یکی از اهداف مهم برگزاری همایش مذکور آن بود که به بیگانگان، به‌ویژه فرانسویان، اعلام کنند اعراب در صدد برآمده‌اند که از کشورهای خود در برابر هر هجوم خارجی، چه از سوی فرانسه و چه کشورهای دیگر، دفاع کنند. به حکومت عثمانی نیز یادآور شدند که باید به سرعت برای اجرای اصلاحات مورد نظر در سیستم غیرمتمرکز در کشورهای عربی اقدام کند.^۱ پس از مذاکراتی که در همایش مذکور انجام شد، کمیته‌ای تحت عنوان «دبیرخانه کنفرانس عرب» شکل گرفت تا مکاتبات به نام آن انجام شود. در این همایش تصمیمات متعددی در خصوص اصلاحات لازم‌الاجرا از جانب حکومت عثمانی و حقوق سیاسی اعراب و مسئله تمرکززدایی و زبان عربی و خدمت سربازی و دیگر موضوعات اتخاذ شد.^۲

جنگ جهانی اول و نهضت بزرگ عربی

۱۰۳ در پانزدهم نوامبر ۱۹۱۴، دولت عثمانی در کنار متحدین، وارد

«مجلس مبعوثان» صورت گرفت. «این فراخوان، که اکثریت منطقه جبل لبنان با آن مخالف بودند، در مناطق مجاور آن با استقبال شدید مواجه شد.»^۱

۹۶ اعضای جمعیت اتحاد و ترقی منطقه جبل لبنان را که تابع نظام اداری ویژه‌ای بود «یکی از ایالت‌های عثمانی به شمار آوردند و مردم آنجا را وادار کردند که در انتخابات شرکت کنند و نمایندگان خود را به مجلس مبعوثان بفرستند.»^۲

۹۷ سیاست‌های جمعیت اتحاد و ترقی نیز دگرگون شد و این جمعیت به سرعت از نیات حقیقی خود یعنی «ترک کردن» اعضای غیر ترک پرده برداشت و در ایالت‌های تابعه دولت عثمانی با واکنش‌های شدید مواجه شد، به‌گونه‌ای که اعضا یکی پس از دیگری از عضویت جمعیت کناره‌گیری و مراکز و باشگاه‌های وابسته به آن را تعطیل کردند. «دفتر شعبه نبطیه با ارسال تلگراف‌هایی به دفتر مرکزی جمعیت در سالونیک و استانبول و شعبه بیروت و روزنامه‌های عربی، کناره‌گیری اهالی جبل عامل از عضویت در جمعیت را اعلام و نسبت به رفتارهایی که اعتراض کرد اتحادیون آغاز کرده بودند.»^۳

۹۸ در شهر صیدا، روزنامه جبل عامل چنین نوشت: «باشگاه وابسته به جمعیت اتحاد و ترقی به یک اسم بی‌مسما تبدیل شده و جز تابلویی بر سر در آن، که عنوان جمعیت روی آن نقش بسته، چیزی برجای نمانده است.»^۴

۹۹ در بنت جبیل، تمامی اعضا از جمعیت کناره‌گیری کردند و در واکنش به اقدامات رؤسای جمعیت اتحاد و ترقی، عضویت خود را در حزب دیگری موسوم به حزب «عدم تمرکز» اعلام کردند که رابطه نزدیکی با نهضت عربی داشت.

۱- الحکیم، یوسف، سوریه و العهد العثماني، دارالنهاري، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۸۰، ص ۵۷ به بعد.

۲- النعماني، عارف: خاطرات منتشر شده در الحیاة بیروت، شماره ۲۸۳.

۳- آل صفا، محمد جابر، همان، ص ۱۸۴.

۴- جبل عامل، ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲.

۱- قلعجی، قدری، جبل الفدا، قصة الثورة الكبرى و نهضة العرب، دارالکاتب العربی، بی‌تا، ص ۱۰۲.

۲- قلعجی، قدری، همان، صص ۱۱۹ و ۱۲۰.

واقع، چهار استان مذکور چهار ماه به دور خورشید جبل لبنان بود و این باور مطرح شد که این چهار استان مزارع تابع و وابسته به جبل لبنان هستند»^۱

کشور لبنان بزرگ

۱۰۸ با فروکش کردن آتش جنگ جهانی اول که به شکست آلمان و متحدش ترکیه و اشغال شامات توسط فرانسه و بریتانیا انجامید، این دو کشور اجرای پروژه مخفیانه خود مبنی بر تقسیم منطقه را با طرحی آغاز کردند که در معاهده سایکس پیکو تدوین شده بود. بدین ترتیب، منطقه جولانگاه نیروهای نظامی غرب شد و، در پی آن، همایش‌هایی در پاریس منعقد شد تا صفحه‌ای جدید از تاریخ منطقه در آن رقم بخورد.

۱۰۹ در کنفرانس صلح پاریس پیشنهاد شد که گروهی از افراد باتجربه و صلاحیت‌دار در قالب کمیته‌ای انتخاب و به نمایندگی از متفقین عازم سوریه شوند^۲ تا از مردم این کشور درباره ویژگی‌ها و ملیت حاکمی که قیومیت این کشور را برعهده می‌گیرد، همه‌پرسی به عمل آورند. اما پس از اینکه فرانسه و انگلیس نماینده خود را به آن هیئت اعزام نکردند، ویلسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، هیئتی امریکایی را به منطقه اعزام کرد. لذا فرانسه و انگلیس به‌رغم اینکه چاره‌ای جز پذیرش خواست رئیس‌جمهور آمریکا نداشتند، تلاش‌های مستقیم خود را در منطقه آغاز کردند، «چراکه در جنگ و در پیمان‌نامه‌ها هم پیمان بودند و هر دو سابقه طولانی استعمارگری داشتند»^۳

۱۱۰ فعالیت کمیته مذکور امیدهایی را در دل اغلب مردم به وجود آورد، زیرا بر این باور بودند که ایالات متحده از آن کمیته حمایت و پشتیبانی خواهد کرد. سوری‌ها گمان می‌کردند که تصمیم‌های کمیته مذکور برای فرانسه و بریتانیا الزام‌آور خواهد بود.

جنگ با متفقین شد و جمال پاشا فرماندهی تیپ چهارم را به عهده گرفت که در کانال سوئز مستقر بود. او که در برخورد با نخبگان اصلاح طلب و جریان‌های ملی‌گرای عربی بسیار خونریز و بی‌رحم بود، با برپا کردن جوخه‌های اعدام در سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶، بسیاری از نخبگان لبنان و سوریه و فلسطین را به کام مرگ کشاند. ۱۰۴ در سال ۱۹۱۵، طرحی عربی به رهبری شریف حسین آغاز شد و در سال ۱۹۱۶ با همکاری متفقین، انقلاب بزرگ عربی بر ضد ترک‌ها برپا شد. پیش از آغاز این نهضت، مکاتبات مهمی میان شریف حسین و انگلیسی‌ها انجام شد که به مکاتبات «حسین - مک ماهون» معروف است. در پس این وقایع، فرانسه و انگلستان پیمان مخاطره‌آمیزی با روسیه درباره سرزمین‌های عربی تحت حکومت عثمانی‌ها به امضا رساندند که به معاهده «سایکس پیکو» مشهور است. به موجب این معاهده، فرانسه و بریتانیا سرزمین‌های شام و عراق را در میان خود تقسیم کردند.

۱۰۵ در سال ۱۹۱۸ جنگ جهانی اول با شکست متحدین پایان یافت و اعراب به همراه نیروهای متفقین در سپتامبر همان سال وارد دمشق شدند و مرحله جدیدی از تاریخ منطقه آغاز شد.

۱۰۶ تا پایان جنگ جهانی اول، جبل عامل منطقه‌ای ویران و شکست‌خورده شده بود؛ قحطی و گرسنگی ناشی از جنگ و از دست رفتن جوانانی که به نبرد یمن اعزام شده بودند و سلطه برخی فئودال‌ها که از اضی منطقه را تحت سیطره خود داشتند. همین وضعیت در طرابلس نیز مشاهده می‌شد و این منطقه نیز بهای سنگین جنگ جهانی اول را پرداخته بود؛ ساکنان آن با مصیبت‌هایی که بر سر دیگر مناطق آمده بود، دست و پنجه نرم می‌کردند و روستاها و شهرهای آن به فقر و عقب‌ماندگی دچار بودند.

۱۰۷ آری، با این واقعیت تلخ، در کنار ناتوانی و ضعف شدید، این مناطق بخشی از کشور جدید را تشکیل داد. کشوری که در آن، از سویی منطقه جبل از جایگاه ممتازی برخوردار بود، منطقه‌ای آباد با شهرهایی مملو از نخبگان و سرمایه و، در سوی دیگر، استان‌ها و مناطقی که چندین قرن از محرومیت و سرکوب رنج می‌بردند و در پایان نیز به تراژدی جنگ جهانی گرفتار شده بودند و، «در

۱- الإمام السید موسی الصدر - حركة المحرومين - الولاده - ظروف النشأة - الأبعاد، ص ۶.

۲- زین، نورالدین زین، همان، ص ۱۰۹.

۳- الحکیم، یوسف، همان، ص ۹۹.

و دولت‌های فرانسه و انگلستان به گزارش کمیته توجهی نکردند، زیرا پیشاپیش تصمیم خود را مبنی بر پیشبرد امور به نفع مقاصد خویش و مقابله با هرگونه استقلال طلبی اعراب اتخاذ کرده بودند.

مبارزه با اشغالگران فرانسوی

۱۱۵ اغلب ساکنان منطقه با حاکمیت فرانسه مخالفت کردند. مبارزات مسلحانه‌ای برضد حضور آنان آغاز شد و مبارزان نامداری همچون صادق حمزه و ادهم خنجر و محمود احمد البزی و ملحم قاسم المصری پا به عرصه نهادند و نقش مهم و مؤثری در مبارزه با اشغالگران به عهده گرفتند. دامنه فعالیت آنان سراسر منطقه را فراگرفت، به گونه‌ای که وقایع نبردهای صادق حمزه و یاران او با فرانسویان در شهرهای صور و نبطیه و بنت جبیل و مرجعیون نقل می‌شد.

۱۱۶ گروه ادهم خنجر - که از خاندان صعبيه بود - بیشتر در منطقه شقیف و با مرکزیت قلعه شقیف به مبارزه با اشغالگران پرداختند. از اقدامات مهم ادهم خنجر تلاش برای ترور نماینده تام‌الاختیار فرانسه، ژنرال گورو، بود. ادهم جان خویش را شجاعانه در راه مبارزه از دست داد. کشته شدن ادهم از جمله عواملی بود که رهبر دروزی‌های منطقه جبل دروز، سلطان پاشا الاطراش، را بر آن داشت که در سال ۱۹۲۲ آغاز انقلاب نخست سوری را اعلام کند، زیرا ادهم خنجر در منزل سلطان پاشا دستگیر شده بود. در سال ۱۹۲۵ و هم‌زمان با سالروز انقلاب نخست، بار دیگر نهضت از سرگرفته شد و انقلاب بزرگ سوری نام گرفت.

۱۱۷ میدان مبارزه و نبرد محمود احمد البزی نیز منطقه بنت جبیل و حومه آن بود. گروه‌هایی از مناطق حوله و جولان و دیگر مناطق نیز مقاومت را در نبرد با فرانسویان یاری دادند.

۱۱۸ در منطقه بقاع نیز ملحم قاسم المصری ضد حضور فرانسویان قیام کرد. او که پیش از ورود فرانسویان نیز جنبش مقاومتی بر ضد حکومت عثمانی تشکیل داده بود، پس از ورود نیروهای فرانسوی با مرکزیت روستاهای حورتعلا و بریتال، نیروهایی را برای مبارزه برضد آنان سازماندهی کرد. مبارزان دیگری نیز در آن

۱۱۱ گروهی از لبنانیان، که اغلب آنان مسیحی بودند، خواستار حاکمیت فرانسه بر لبنان بودند، اما بیشتر مسلمانان طرفدار دولت عربی شریفی بودند. اهالی مرجعیون، اعم از مسلمان و مسیحی، نیز چنین موضعی اتخاذ کردند و عقیده داشتند که اگر چاره‌ای جز قرارگرفتن تحت قیمومیت قدرتی خارجی نباشد، آنان خواهان حاکمیت امریکا هستند.

۱۱۲ موضع شیعیان جبل عامل نیز در قبال کمیته مذکور واضح بود. علامه سیّد عبدالحسین شرف‌الدین در نوشته‌ای یادآور شده است که اعضای کمیته برای آگاهی از دیدگاه‌های اهل منطقه، به شهر صور سفر کردند و شهرهای منطقه جبل عامل به اتفاق آرا دو نفر را به نمایندگی از خود برای مذاکره با کمیته برگزیدند که عبارت بودند از شیخ حسین مغنیه و سیّد عبدالحسین شرف‌الدین. در مذاکره با کمیته، سیّد عبدالحسین شرف‌الدین از جانب خود و شیخ مغنیه اعلام و تأکید کرد که «امت خواهان استقلال این کشور و اتحاد با سوریه تحت لوای حکومتی مبتنی بر قانون اساسی هستند که امیر فیصل به عنوان پادشاه بر آن حکمرانی کند و حضور هیچ دولت بیگانه‌ای را در حکومت نمی‌پذیرند.»^۱

۱۱۳ در بقاع نیز مردم با توزیع بیانیه‌ها و سردادن شعارهایی با موضوع ضرورت اتحاد با سوریه، به حضور کمیته واکنش نشان دادند. شعارهایی که به وضوح موضع اهالی را بیان می‌کرد عبارت بود از: «ما خواهان استقلال کامل هستیم ... یا مرگ یا اتحاد سوریه ... برای دفاع از وحدت آماده شوید ... تخت‌ها بر روی جمجمه‌ها بنا می‌شود ... به استقبال مرگ بروید تا زندگی بیابید ... استقلال گرفتنی است، نه دادنی ... به پیش روید که حق در دستان شماست ... وطن نیاز به یاری دارد ...»^۲

۱۱۴ امید و انتظار اهالی منطقه از کمیته مذکور نابه‌جا و بی‌نتیجه بود

۱- شرف‌الدین، عبدالحسین، «صفحات من حیاتی»، مجله العهد، سال چهارم، شماره یک، فوریه ۱۹۴۸، ص ۵.

۲- حماده، مهیب، تاریخ علاقة اللبنانيين بالسوريين و الاستراتيجية البقاع فی المواجهة السورية الإسرائيلية ۱۹۱۸-۱۹۳۶، ج ۱، ص ۹۹.

- ۱۲۴ ۴. ضرورت پایبندی به قانون و دوری از فتنه و قانون شکنی و محافظت از جان و مال و املاک شهروندان مسیحی و جلوگیری از اذیت و آزار آنان و هشدار به تجاوزگران و قانون شکنان مبنی بر پیگرد و اشد مجازات.^۱
- ۱۲۵ هم‌زمان با اینکه ژنرال گورو تشکیل کشور لبنان بزرگ را در سال ۱۹۲۰ اعلام کرد، فرانسویان ضربه نهایی را بر روند وحدت سوریه وارد کردند. بدین ترتیب، از لحظه تشکیل کشور لبنان، ملت به دو دسته تقسیم شدند: عده‌ای از شکل‌گیری این کشور استقبال کردند و در روند سازندگی حضور یافتند و در عرصه‌های مختلف اجتماعی وارد شدند و گروهی دیگر ضمن مخالفت با تشکیل دولت لبنان، خواهان پیوستن به سوریه بودند و حضور در عرصه‌های اجتماعی را تحریم کردند.
- ۱۲۶ طرح ایجاد کشوری متحد در منطقه را فقط مسلمانان مطرح نکرده بودند، بلکه احزاب و تشکل‌های مختلفی برای تحقق این طرح فعالیت می‌کردند. برخی از این احزاب و انجمن‌ها خارج از منطقه، در کشورهایی که به آن هجرت کرده بودند، به‌ویژه در مصر، مقیم بودند و افرادی از طوایف و مذاهب مختلف در آنها عضویت داشتند.^۲

مواضع لبنانی‌ها، از تحت‌الحمایگی تا استقلال

- ۱۲۷ فرانسویان از نخستین سال‌های حضور خود در لبنان ایجاد نهادها و ادارات و مراجع رسمی دولتی را در این کشور آغاز کردند. آنان در انتخاب اعضای دولت جدید نظام طایفه‌ای (فرقه‌ای) را مبنا قرار دادند و نماینده تام‌الاختیار فرانسه در تاریخ ۸ مارس ۱۹۲۲ با صدور فرمانی به شماره ۱۳۰۴، چنان‌که در عنوان آن آمده بود، «تعیین اختیارات حاکم و تشکیل مجلس نمایندگان لبنان بزرگ و تعیین حدود اختیارات آن را مقرر داشت و اعتبار این ساختار حکومتی تا زمان تصویب قانون اساسی در سال ۱۹۲۶

دوره قیام کردند که مهم‌ترین آنان، توفیق هولو حیدر بود. وی یکی از ارکان انقلاب بزرگ سوری به شمار می‌آمد که فعالیت‌های خود را در مناطق هرمل و لبوه تا نحله متمرکز کرد و مبارزه‌ای فرسایشی ضد فرانسوی‌ها به راه انداخت که ده‌ها تن از افسران و سربازان فرانسوی در آن به هلاکت رسیدند. از دیگر نیروهای مقاومت برضد اشغال، گروهی به فرماندهی علی فرج الطفیلی بود که حوزه فعالیت آنان در بعلبک و طیبه قرار داشت.

- ۱۱۹ مبارزات ضد حضور فرانسوی‌ها جلوه‌ای از احساس نفرت و مخالفت اهالی این مناطق با اشغالگران بود که در قالب حمایت و پشتیبانی آنان از مبارزان متجلی می‌شد. گروه‌های مبارز این مناطق با نیروهای مقاومت دیگر نقاط سرزمین شام ارتباط و همکاری داشتند، اما فضای کلی منطقه برخلاف آرزو و اراده مردمی بود که خواهان تشکیل کشور یکپارچه عربی بودند.

کنفرانس وادی الحجیر

- ۱۲۰ اهالی مناطق جبل و استان‌های آن به دو گروه تقسیم شده بودند؛ گروهی از آنان با سیاست‌های فرانسه موافق و عده‌ای با آن مخالف بودند. اغلب مسیحیان خواهان تشکیل کشور جدیدی متشکل از قلمرو سلسله متصرفیه و استان‌های چهارگانه و شهر بیروت بودند، اما بیشتر مسلمانان خواستار ایجاد کشور پادشاهی سوریه تحت حاکمیت ملک فیصل، فرزند شریف حسین، بودند. این موضع‌گیری‌ها در همایشی به نام کنفرانس «وادی الحجیر» مطرح شد که در ۲۴ آوریل ۱۹۲۰، اهالی جبل عامل تشکیل داده بودند. شمار زیادی از علمای جبل عامل و نخبگان سیاسی و علمی به همراه سردمداران انقلاب در آن همایش حضور داشتند. مهم‌ترین مصوبات همایش از این قرار بود:

- ۱۲۱ ۱. پیوستن به اتحاد سوریه؛
- ۱۲۲ ۲. بررسی حمایت و مطالبه حاکمیت ملک فیصل بر سوریه؛
- ۱۲۳ ۳. بررسی مخالفت کامل با تحقق اطماع و منافع فرانسه در منطقه؛

۱- بنوت، جهاد، حرکات النضال فی جبل عامل، دارالمیزان، ۱۹۹۳، ص ۲۱۹.

۲- ضاهر، مسعود، همان، صص ۲۶۸ و ۲۶۹.

ساری بود.^۱

۱۲۸ در این میان، اعتراض و مخالفت با طرح فرانسه، که پیش از تشکیل کشور لبنان آغاز شده بود، ادامه داشت و «بیشتر نخبگان مسلمان در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰، طرفدار حکومت فیصل در شام بودند.»^۲ روزنامه‌های محلی در آن روزها، پیش و پس از تشکیل کشور جدید، اسامی شماری از آن نخبگان مسلمان همچون ریاض الصلح و عمر الداعوق و مختار بیهم و علی سلام و احمد عارف الزین و شیخ عبدالحسین صادق و سید عبدالحسین شرف‌الدین و سید محسن امین (مقیم دمشق) و شماری دیگر از بزرگان را منتشر می‌کردند. بسیاری از آنان در جلسات همایش سراسری سوری حضور یافته و پیش‌تر، از انتخاب فیصل بن حسین به مقام پادشاهی سوریه استقبال کرده بودند و حتی پس از تشکیل کشور جدید (لبنان بزرگ) نیز از تلاش برای پیشبرد طرح وحدت سوری به عنوان زمینه‌ای برای ایجاد کشور عربی متحد دست برنداشتند. اما رویدادهای منطقه‌ای و اوضاع ناگوار ملت عرب، طرح استعماری تجزیه را در منطقه تثبیت کرد.

۱۲۹ بر این اساس، بحث و گفتگوی حقوقی و سیاسی و اجتماعی از زمان تشکیل لبنان بزرگ آغاز شده بود؛ کشوری چندملیتی که از به هم پیوستن قلمرو سلسله متصرفیه و مناطق چهارگانه خارج از آن پدید آمده و طوایف و مذاهب متعدد را در خود گرد آورده بود. در برابر مخالفت نخبگان مسلمان با تشکیل لبنان، نخبگان مسیحی فعالانه واکنش نشان دادند و با استفاده از فرصت غیبت مسلمانان، به شکل گسترده وارد تشکیلات حکومتی شدند. در نتیجه، مشارکت و سهم آنان در دولت و تأثیر برتر آنان در معادلات سیاسی لبنان کاملاً محسوس بود.

۱۳۰ اوضاع و واقعیت‌های عرصه سیاسی لبنان و شکل‌گیری

پایه‌های دولت جدید، مانع نخبگان مسلمان برای اتحاد سوریه نشد. این تلاش‌ها حتی در شامگاه روز همه‌پرسی قانون اساسی نیز ادامه داشت و اغلب آن نخبگان در بیان دیدگاه خود درباره قانون اساسی لبنان، آن را اساساً زیر سؤال بردند و مخالفت خود را با آن ابراز کردند. نمایندگان مسلمان در جلسه روز ۱۹ مارس ۱۹۲۶ نیز که با هدف بررسی مفاد قانون اساسی برگزار شد، چنین موضعی اتخاذ کردند. در فاصله سال‌های ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۶، سلسله همایش‌هایی با موضوع وحدت سوریه برگزار شد که مهم‌ترین آنها «کنفرانس‌های ساحل» نام گرفت. آن همایش‌ها را نخبگان مسلمان با هدف اتحاد سوریه و مخالفت با تشکیل کشور لبنان برگزار می‌کردند. در پنجم جولای ۱۹۳۶، نمایندگانی از صیدا و طرابلس و صور و مرجعیون و نبطیه و بنت جبیل و دیگر مناطق جبل عامل گردهم آمدند و ضمن محکوم کردن تجزیه کشور «خواستار تحقق خواسته‌های خود مبنی بر وحدت و استقلال قومی شدند و با هر نوع موضع‌گیری در مقابله با آن مخالفت کردند.»

۱۳۱ تا سال ۱۹۳۶، روند وقایع به گونه‌ای پیش رفت که مواضع لبنانیان و سوری‌ها را در قبال طرح وحدت دگرگون ساخت و انعقاد دو معاهده، یکی میان لبنان و فرانسه و دیگری میان سوریه و فرانسه، موجب تغییر در سیاست‌های رهبران سوریه شد. این دگرگونی بر مواضع نخبگان مسلمان نیز تأثیر مستقیم داشت، به گونه‌ای که «می‌توان پایان سال ۱۹۳۶ و آغاز سال ۱۹۳۷ را نقطه عطفی در تغییر مواضع اغلب اندیشمندان مسلمان در قبال لبنان بزرگ و پذیرش لبنان به عنوان کشور و میهن مستقل دانست، زیرا پس از آن تاریخ، مخالفت‌ها با ورود به ساختار حکومت لبنان کاهش یافت و تغییر جهت داد.»^۳

۱۳۲ این تحولات، رویکرد جدیدی را در میان نخبگان مسلمان ایجاد کرد و، از آن زمان، آنان درصدد برآمدند که در ساختار حکومت لبنان جایگاهی برای خود بیابند. مسلمانان سنی مذهب

۱- رباط، ادموند، همان، ص ۳۳۹.

۲- خلیفه، عصام، «مواقف بعض النخب الإسلامية ۱۹۱۸-۱۹۴۳ من رفض الدولة اللبنانية إلى التعايش الميثاقی ۱۹۴۳-۱۹۱۸»، مجلة الواقع، شماره ۶۰۵، اکتبر ۱۹۸۳، ص ۲۴۵.

۱- همان، صص ۲۵۲ و ۲۵۳.

۲- همان، ص ۲۶۰.

با مارونی‌ها به توافق رسیدند تا با توافقی اسلامی - مسیحی زمینه را برای استقلال لبنان مهیا کنند.^۱ این توافق به اعلام پیمان ملی سال ۱۹۴۳ منجر شد که چندین دهه بر لبنان سایه افکند و به صورت رویه و عرف ثابتی در قانون اساسی، موجب شد که «مسیحیان از اندیشه حمایت بیگانگان دست بردارند و مسلمانان نیز فکر اتحاد با سوریه را از سر بیرون کنند.»^۲

۱۳۳ به هر تقدیر، لبنان به عنوان کشور و میهن جدید و مستقل از ۲۲ نوامبر ۱۹۴۳ مسیری مستقل در تاریخ خود در پیش گرفت و ملی‌گرایی از سویی، و فرقه‌گرایی از سوی دیگر، در آن تثبیت شد. «استقلال لبنان بر مبنای فرقه‌گرایی شکل گرفت و پست‌ها و مناصب حکومتی بر مبنای سرشماری سال ۱۹۳۲ تقسیم شد، ولی با توجه به اینکه نمودار جمعیتی همواره متغیر است، سیاستمداران آن دوره، تغییراتی را که در جمعیت مناطق مختلف لبنان به وجود می‌آمد، مد نظر قرار نداده بودند.»^۳

از استقلال لبنان تا وقایع سال ۱۹۵۸

۱- نخبگان بسیاری در زمینه‌سازی برای رسیدن به این مرحله نقش داشتند؛ از آن جمله کاظم الصلح در کتاب *بین الإتصال و الإنفصال و پیمان یوسف السودا و بیاتیه بکرکی* در سال ۱۹۴۱. ر.ک: *الجسر باسم، میثاق ۱۹۴۳، لماذا كان؟ و هل سقط، دارالنهار، ۱۹۷۸، ص ۱۸۱ به بعد.*

۲- *الجسر، باسم، همان، ص ۱۴۵.*

۳- *ظاهر، عدنان و غنام، ریاض: مجلس النواب فی ذاکرة الإستقلال اللبانی، ۲۰۰۲، ص ۴۶۰.*

خود پرده برداشت و گفت: «ما می‌خواهیم خاندان‌های شریف همچنان محترم و محفوظ بمانند، زیرا از جایگاه آنان در لبنان باخبریم ... در این مورد، شما اشتباهی را تکرار نکنید که ما در مناطق مسیحی‌نشین خود مرتکب شدیم. به رهبران احترام بگذارید و گرد آنان اجتماع کنید، زیرا به تنهایی و جدا از هم نمی‌توانید به اهدافی دست یابید که به صورت دسته‌جمعی می‌توانید به آنها برسید. اگر پیرامون یک شخص اجتماع کنید و آن شخص معتمد باشد و علاوه بر ویژگی‌هایی که از پدرانش به ارث برده، به اخلاص و فداکاری و تواضع نیز آراسته باشد، این مسئله کم‌اهمیت نیست.»^۱

۱۳۷ از جمله تلاش‌هایی که شیعیان برای حضور در عرصه سیاسی صورت دادند، می‌توان به فعالیت‌های رشید بیضون اشاره کرد که نماینده پارلمان لبنان بود. وی توانست با تشکیل سازمان اطلاعات شیعیان بیروت را ساماندهی کند. سازمان مذکور با هدف مطالبه حقوق شیعیان در نظام سیاسی لبنان تشکیل شده بود، اما اندکی پس از تأسیس، با ناکامی مواجه شد، چراکه یکی از بزرگان شیعه به نام احمدالاسعد با تحریک نظام، حزب شیعه دیگری به نام حزب نهضت تأسیس کرد و وضعیتی را به وجود آورد که به ایجاد درگیری‌های مستمر میان دو حزب منجر شد و دخالت دولت لبنان را در پی داشت که به لغو اجازه تأسیس هر دو حزب منتهی شد. بدین ترتیب، نهضت رشید بیضون پایان یافت.

۱۳۸ **نظام فرقه‌ای، عامل گسست اجتماعی و تثبیت محرومیت**
حکومت لبنان با تکیه بر فرقه‌گرایی سیاسی، موجب ایجاد تفرقه عمودی میان ملت شد و مانع شکل‌گیری وحدت ملی شد، «زیرا ساختار طایفه‌ای ابتدا در تربیت شهروند وطن‌دوست لبنانی و، در ادامه، در ساخت میهن ناکام ماند، چراکه بدون شهروندان وطن معنا ندارد و بدون وجود نظام شهروندی، که شهروندان را به

ماهیت نظام جدید سیاسی

۱۳۴ لبنانی‌ها به مرحله تازه‌ای از تاریخ میهن خود قدم نهادند. این آغاز، به سبب نظام جدید سیاسی همراه با فرقه‌گرایی بود، چراکه حکومت، شهروندان را به تنهایی و به عنوان شخصیت حقیقی به رسمیت نمی‌شناخت، بلکه گرایش فرقه‌ای و مذهبی را بر آن تحمیل می‌کرد تا «با در نظر گرفتن رابطه فرد و حکومت از طریق فرقه خود، و نه از طریق رابطه شخص با میهن خویش، او را به رسمیت بشناسد و رابطه دولت و نهادهای آن را با شهروندان به رابطه‌ای غیرمستقیم تبدیل کند که پلی به نام فرقه و مذهب میان آن دو واسطه شده است.»^۱

۱۳۵ در روند تشکیل حکومت مستقل لبنان، حضور و مشارکت همه گروه‌های لبنانی در نظر گرفته نشد و شماری از لبنانیان که به فرقه و مذهبی خاص تعلق داشتند اختیارات دولت را احتکار کردند و بر مراکز تصمیم‌گیری احاطه یافتند و در این میان، دیگر گروه‌ها حضوری کم‌رنگ داشتند. این مسئله کشور را در تمام عرصه‌های سیاسی، به‌ویژه هنگام برگزاری انتخابات، در معرض چالش و بی‌ثباتی قرار داد.

۱۳۶ در این خصوص می‌توان به تلاش‌های شیعیان برای حضور در عرصه حیات اجتماعی اشاره کرد که با سیاست‌های نظام سیاسی لبنان در تقابل بود؛ نظامی که حفظ سمبل‌های کهن طایفه‌ای را در دستور کار خود داشت. اندکی پس از استقلال لبنان، در سال ۱۹۴۵ و پیش از خروج نیروهای بیگانه از این کشور، شیخ بشاره الخوری در سخنانی که خطاب به اهالی جبل عامل و در منزل یکی از بزرگان منطقه ایراد کرد، از ماهیت و اهداف سیاست‌های دوره

۱- گروه مؤلفان، صفحات من تاریخ جبل عامل، المجلس الثقافی اللبنان الجنوبی، دارالفارابی، بیروت، ۱۹۷۹، چاپ اول، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۱- مغیزل، جوزیف، کتابات جوزیف مغیزل، دارالنهارج، ج ۱، ۱۹۹۷، ص ۳۳۵.

- ۱۴۲ - تشکیل دولت پس از استقلال لبنان؛
 ۱۴۳ - جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن؛
 ۱۴۴ - مسئله فلسطین؛
 ۱۴۵ - انقلاب افسران آزاده مصر و گسترش اندیشه‌های قومیت‌گرایانه عربی؛
 ۱۴۶ - سیاست انعقاد پیمان‌ها و معاهدات بین‌المللی و از جمله پیمان بغداد؛
 ۱۴۷ - تقسیم جهان به دو اردوگاه؛ سوسیالیستی به رهبری اتحاد جماهیر شوروی و سرمایه‌داری به رهبری ایالات متحده آمریکا.
 ۱۴۸ - هریک از این رویدادها تأثیراتی در سیاست داخلی لبنان برجای گذاشت و در جلوگیری از ایجاد نظام شهروندی لبنان، که از لحظه استقلال لبنان همه چشم به راه ایجاد آن بودند، نقش داشت.

مسئله فلسطین

- ۱۴۹ - رهبران «جنبش ملی جهان عرب» از اواخر سال ۱۹۳۶م زمینه را برای نبرد مسلحانه با بریتانیا و مبارزه با روند شهرک‌سازی صهیونیست‌ها [در فلسطین] آماده می‌کردند. آنان با اعزام مخفیانه داوطلبان فلسطینی به سوریه و «آموزش آنان در یکی از پادگان‌های نزدیک دمشق، و نیز با خرید اسلحه و انبار کردن آن در محل‌های مخفی در فلسطین و لبنان و سوریه، در این مسیر گام برمی‌داشتند».^۱
 ۱۵۰ - در عرصه‌های رسمی جهان عرب نیز تشکیل «ارتش نجات» در کمیته نظامی، که در نشست شورای اتحادیه عرب در شهر عالیه و در هفتم اکتبر ۱۹۴۷ برگزار شد، به تصویب رسید. نشست مذکور «به‌طور ویژه با هدف بررسی راهکارهای مقابله با توطئه برضد عرب بودن فلسطین برگزار شده بود».^۲
 ۱۵۱ - به هر تقدیر، ارتش نجات تشکیل شد. منطقه جبل عامل نیز یکی از صحنه‌های مهم نبرد بود که گروه‌های مقاومت از آن به

همکاری و فداکاری و وطن‌دوستی سوق دهد، مفهومی به نام شهروندی وجود نخواهد داشت.»^۱ نظام فرقه‌ای در حیات سیاسی لبنان رشد کرد و ریشه دوانید و فرقه‌گرایی در مسائل مهم حکومت و جامعه تثبیت شد. «بدین ترتیب، فرقه‌گرایی به سد مستحکمی تبدیل شد که گروه‌ها را از رسیدن به درک و آگاهی ملی بازمی‌داشت و افراد را از درک شخصیت جامع خود در سایه برابری، فعالیت مشترک خلاقانه و توجه به سرنوشت مشترک دور می‌کرد.»^۲

۱۳۹ - فرقه‌گرایی سیاسی، هم از لحاظ نظری و هم عملی در عرصه توسعه نامتوازن نیز انعکاس یافت؛ چنان‌که رشد و توسعه فقط به برخی مناطق خاص (بیروت و استان جبل) محدود شد و دیگر مناطق لبنان را دربر نگرفت.

۱۴۰ - امام صدر در اشاره‌ای گذرا آورده است: «دوران استقلال نیز ادامه همان دوره‌های پیشین بود و محرومیت و اختلاف و احساس تبعیض فرقه‌ای و تفرقه افزایش یافت. جامعه از هم گسسته و غیرمنسجم باقی ماند و کسانی که امتیازات ویژه داشتند، با ظاهرسازی دروغین به حمایت از دولت برآمدند ... دولت به ضعیف‌ترین نهاد جامعه و ابزار حفظ تعادل تبدیل گردید و زعامت‌های سنتی به تثبیت رسید و موروثی شد. همه نهادهای حکومتی، حتی ارتش، به نهادهایی محتاط و بی‌تأثیر و کوچک تبدیل شدند که راه ورود به آنها برای اکثریت مطلق ملت بسته بود.»^۳

حوادث مهم و مؤثر در سیاست داخلی لبنان

۱۴۱ - دهه‌های پنجم و ششم قرن گذشته میلادی عرصه رویدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی بود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱- قبانی، عبدالعزیز، لبنان و صیغة المأساة، دارالآفاق الجديدة، بیروت، ۱۹۸۲، ص ۲۴.

۲- مغیزل، جوزیف، همان، ص ۳۳۸.

۳- امام موسی صدر - حركة المحرومين - الولادة - ظروف النشأة - الأبعاد، صص

۱۹ و ۲۰.

۱- الهندی، هانی، جيش الإنقاذ، دارالقدس، چاپ اول، ۱۹۷۴، صص ۱۷ و ۱۸.

۲- همان، صص ۱۹ و ۲۰.

جمله بود که معاهده آن در ۲۳ مارس ۱۹۴۹ میان طرفین امضا شد.^۱

۱۵۴ بی‌تردید، اشغال فلسطین بر جبل‌عامل و سراسر لبنان تأثیرات منفی و گسترده‌ای برجا گذاشت. ارتباط ریشه‌دار و عمیقی که در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی میان جبل‌عامل و فلسطین برقرار بود، به‌طور کلی از میان رفت و شمار زیادی از فلسطینیان، خانه و کاشانه خود را ترک کردند و در جبل‌عامل و دیگر مناطق لبنان ساکن شدند و آن شکست سنگین از آن زمان تا به امروز، تأثیرات سوء بسیاری در تمامی ابعاد برجا گذاشته است.

۱۵۵ بدین ترتیب، مسئله فلسطین تأثیر عمیقی در لبنان برجا گذاشت و لبنان در عین حال که در بُعد اقتصادی از این مسئله بهره‌برداریهایی کرد، بار مسئولیت ناشی از اشغال فلسطین را نیز بر دوش کشید، از آن جمله می‌توان پذیرش پناهندگان فلسطینی یا مشارکت در جنگ ۱۹۴۸ و در مبارزه ملی-میهنی پس از آن را ذکر کرد. علاوه بر آنها، از آن تاریخ به بعد، لبنان به عرصه حضور و نقش آفرینی فلسطینیان تبدیل شد.

انقلاب افسران آزاده مصر در ۱۹۵۲

۱۵۶ مهم‌ترین حادثه‌ای که در روند سیاست و وفاق و همزیستی لبنانیان تأثیر گذارد، انقلاب افسران آزاده مصر در ۱۹۵۲ و پیامدهای قومیت‌گرایانه آن بود. این انقلاب که با استقبال اکثر مسلمانان روبرو شد، مسیحیان را بار دیگر بر آن داشت که در داخل ساختار دولت و خارج از آن، به دنبال راهکارهایی باشند که حضور و نقش آنان را تضمین کند. در واقع، حمایت مسلمانان از عبدالناصر^۲ و

سوی فلسطین حرکت کردند. اهالی جبل‌عامل و رهبران آنان در دبیرخانه دائمی فلسطین فعالانه شرکت کردند. این دبیرخانه ایجاد کمیته‌های مختلف برای تهیه سلاح و تأمین آذوقه و مهمات و نیز بسیج و تجهیز داوطلبان را در دستور کار خود داشت. ارتش نجات در چندین نقطه از جبل‌عامل متمرکز شد و آذوقه و منابع مورد نیاز خود را از سرزمین حاصلخیز این منطقه تأمین کرد. بلافاصله پس از قرار تقسیم فلسطین، جنگ و درگیری در تمامی مناطق مرکزی و شمالی فلسطین به راه افتاد و ارتش نجات نیز عملیات نظامی خود را آغاز کرد. درگیری‌های متعددی در منطقه به وقوع پیوست که مهم‌ترین آنها نبرد مالکیه بود که از اواخر آوریل و به مدت شش ماه، چندین بار بین دو طرف درگیری دست به دست شد و در اواخر اکتبر ۱۹۴۸ درگیری‌ها پایان یافت. در نبردهای مذکور، یکی از افسران ارتش لبنان که از اهالی روستای یونین از حومه بعلبک بود و محمد زغیب نام داشت،^۱ عقب‌نشینی نکرد و تا پای جان مقاومت کرد و به شهادت رسید.

۱۵۲ در ادامه، نبرد الجلیل در بیست و دوم اکتبر ۱۹۴۸م میان صهیونیست‌ها و ارتش نجات آغاز شد. جنگنده‌های اسرائیلی به مواضع ارتش نجات در مرز لبنان و فلسطین حمله کردند و پس از وقوع درگیری‌های شدید، فرماندهان ارتش نجات دستور عقب‌نشینی از تمامی منطقه الجلیل را صادر کردند و صهیونیست‌ها قتل‌عام‌های گسترده‌ای را در کفرقاسم و صلحا به راه انداختند و تمامی منطقه الجلیل علیا را به تصرف درآوردند و شکست سنگینی را به ارتش نجات و دیگر نیروهای عربی تحمیل کردند و آنان بنا به دستور فرماندهی کل، ناچار به عقب‌نشینی شدند.

۱۵۳ در شانزدهم نوامبر ۱۹۴۸، قطعنامه شورای امنیت مبنی بر برقراری آتش‌بس میان طرفین درگیر صادر شد و چندین توافق آتش‌بس میان دولت موسوم به اسرائیل و کشورهای عربی تحت نظارت سازمان ملل متحد به امضا رسید. آتش‌بس با لبنان نیز از آن

۱- یادگان ارتش لبنان در صیدا به نام وی نامگذاری شده است.

۱- متن کامل قطعنامه را در ضمایم کتاب ببینید.

۲- «در اول فوریه ۱۹۵۸ اتحاد مصر و سوریه و تشکیل جمهوری متحد عربی به ریاست جمال عبدالناصر اعلام شد که حمایت و همبستگی توده‌های مسلمان با این رویداد تاریخی را به دنبال داشت. هنگام ورود رهبر انقلاب مصر به دمشق، گروه‌های متعددی از ساکنان مناطق مسلمان‌نشین لبنان، در مراسم استقبال از وی حضور یافتند و این رویدادها، افزایش نگرانی مسیحیان لبنان و ایجاد شکاف میان

شدند به شیوه «نه پیروزی نه شکست» با یکدیگر به توافق برسند و، بدین ترتیب، دخالت نیروهای بیگانه در تمامی بحران‌های داخلی لبنان به امری عرفی و رایج مبدل شد.

جایگاه احزاب سیاسی لبنان در آن دوره

۱۶۴ امام صدر در خصوص جایگاه و نقش احزاب سیاسی در آن دوره، بر این باور است که «احزاب سیاسی در همین جامعه پرورش پیدا کرده و به بررسی‌های جدید تبدیل شده‌اند که به سبب پیچیدگی‌های موجود در جامعه، به‌ناچار، از همان روش‌ها و ابزارهای مورد استفاده فئودال‌ها بهره می‌گیرند و برای پیشبرد اهداف خود با دشمنان و حتی با شیطان هم‌پیمان می‌شوند تا به موفقیت برسند و با فئودال‌ها متحد می‌شوند تا در مجلس نماینده شوند و...»^۱

۱۶۵ همچنین، امام صدر با اشاره به تأثیر وقایع منطقه‌ای و بین‌المللی در تقویت اختلافات میان لبنانیان و تبدیل شدن احزاب به آلت دست بیگانگان و ابزاری برای پیشبرد طرح‌ها و توطئه‌های آنان برضد لبنان می‌افزاید: «چنین اوضاع اجتماعی خاص و استثنایی نفوذ به درون لبنان برای تمامی زیاده‌خواهان بیگانه را امری بسیار آسان کرد و جامعه لبنان به عرصه نبرد میان اعراب و غیراعراب تبدیل گردید. دولت لبنان در بُعد مادی از این نبرد بهره برد، اما بهای سنگین آن را به یکباره در وقایع اخیر پرداخت.»^۲

۱۶۶ نخستین پیامدهای وقایع سال ۱۹۸۵ انتخاب سرلشگر فؤاد شهاب به ریاست جمهوری لبنان بود که آغاز مرحله جدیدی در بازسازی حکومت و نهادها و ادارات آن به شمار می‌آید. این انتخاب تأثیر خود را در ابعاد و عرصه‌های مختلف برجا گذارد و بعدها به «دوره شهابی» مشهور شد.

حمایت رئیس‌جمهور لبنان، کمیل شمعون، از پیمان بغداد، زمینه‌ساز وقایع سال ۱۹۵۸ بود. از طرفی، تقسیم جهان به دو اردوگاه کمونیستی و سرمایه‌داری میان اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا در پی جنگ جهانی دوم نیز در عرصه داخلی لبنان بازتاب داشت.

گذری بر اوضاع لبنان تا سال ۱۹۵۸

۱۵۷ اوضاع و مسائل داخلی لبنان تا سال ۱۹۵۸ را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱۵۸ - استمرار بیماری فرقه‌گرایی سیاسی در تمامی ابعاد، به‌ویژه در ادارات دولتی، و انحصارطلبی گروهی خاص در عرصه حکومت.

۱۵۹ - از میان رفتن وحدت ملی در نتیجه گسترش قومیت‌گرایی عربی (پان عربیسم) از سوی، و تعصبات مسیحیان مارونی که لبنان را وطن مارونی‌ها می‌دانستند، از سوی دیگر.

۱۶۰ - فقدان توسعه متوازن که آثار و پیامدهای خطرناکی در پی داشت و تفاوت‌های بسیاری را در توسعه و پیشرفت دو منطقه پایتخت و منطقه جبل در مقایسه با دیگر مناطق لبنان به وجود آورد.

۱۶۱ - گسترش شعارهای تند و ایدئولوژیک حزبی و سیاسی در میان گروه‌هایی که عقاید آنان، از راست افراطی تا چپ افراطی را دربرمی‌گرفت و نزاع را میان فرقه‌ها در لبنان تشدید می‌کرد.^۱

۱۶۲ - آثار و پیامدهای جمعیت‌شناختی (دموگرافیک) و ایدئولوژیک و سیاسی ناشی از شکست فلسطین.

۱۶۳ تمامی موارد مذکور، در ایجاد حوادث سال ۱۹۵۸ نقش داشت؛ وقایعی که جز با توافق نیروهای خارجی مصر و روسیه و ایالات متحده آمریکا به پایان نرسید و، در پی آن، لبنانی‌ها ناگزیر

مسلمانان و مسیحیان را در پی داشت. «الجسر، باسم، لبنان فی تاریخه و تراثه، مرکز فرهنگی حریری، بیروت، ۱۹۹۳، ص ۶۹۲.

۱- ر.ک: قربان، ملحم، تاریخ لبنان السياسي الحديث، دار مجد، بیروت، ۱۹۸۰، ج ۲- ص ۱۶۱ به بعد.

۱- الإمام موسی الصدر - حركة المحرومين - الولادة - ظروف النشأة - الأبعاد، ص ۲۰.

۲- همان، ص ۲۱.

امام صدر، جانشین امام شرف‌الدین در لبنان

۱۶۷ وقایع مذکور، برای شیعیان لبنان با رویداد داخلی دیگری هم‌زمان بود. رحلت مرجع شیعیان لبنان، امام سید عبدالحسین شرف‌الدین، در اواخر سال ۱۹۵۷ خلاً بزرگی را در بُعد علمی و دینی در میان شیعیان ایجاد کرده بود و با توجه به اهمیت جایگاه مرجعیت و موقعیت روبه‌رشد شیعیان، پرسش‌ها و ابهام‌هایی دربارهٔ جانشینی آن مرد بزرگ مطرح بود.

۱۶۸ علامه شیخ محمدجواد مغنیه در مقاله‌ای در این خصوص با طرح این پرسش که «چه کسی جانشین شرف‌الدین خواهد بود؟»، پس از بررسی موضوع انتخاب پیشوا و رهبر از نگاه شیعیان، چنین نتیجه می‌گیرد: «شیعیان روند‌گزینش و انتخاب رهبر را به گذر ایام موکول می‌کنند و فقط گذشت زمان است که برترین و صادق‌ترین و سودمندترین شخص را انتخاب می‌کند»^۱

۱۶۹ در عمل نیز گذر ایام بار دیگر شخصیتی را برگزید که به تعبیر شیخ مغنیه باید از صفات سه‌گانه فوق، صلاحیت و صداقت و سودمندی، برخوردار باشد، و او کسی نبود جز سید موسی صدر، که آمد تا برای شیعیان و لبنانیان تاریخی جدید را رقم زند.

۱۷۰ امام صدر به لبنان آمد و به شهر صور رفت و در نزد خاندان شرف‌الدین اقامت کرد.^۲ از همان ابتدا، همهٔ شیعیان به ویژگی‌های ممتاز او توجه کردند و شخصیت رهبر و پرچمدار رسالت شیعی را در او متجلی دیدند. بهترین گواه بر صدق این مدعا، نامه‌ای است که آیت‌الله شیخ مرتضی آل یاسین^۳، در پی عزیمت امام صدر به لبنان، خطاب به سید جعفر شرف‌الدین نوشته و در آن

۱- مغنیه، محمدجواد، «من هو خلیفة شرف‌الدین»، مجله العرفان، می ۱۹۵۸، ص ۷۳۹.
 ۲- پیش از آن در سال ۱۹۵۵، امام صدر به شهر صور مسافرت کرده و در آنجا ضمن آشنایی با افرادی از خاندان خود، با علمای جبل عامل دیدار کرده بود که مهم‌ترین آنان امام شرف‌الدین بود.

۳- وی از مراجع و مجتهدان بزرگ حوزه علمیه و اساتید بزرگ حوزه نجف و استاد امام صدر و پسرعمویش شهید سیدمحمدباقر صدر بود.

چنین آورده بود:^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۷۱ سرور ارجمند و استاد گرانمایه، حضرت سید جعفر شرف‌الدین السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۷۲ به تازگی باخبر شدم که جناب سید سند و مورد اعتماد و ثقه، علامه جلیل‌القدر حجت‌الاسلام سید موسی صدر - ائده الله - دعوت مصرانه شما مبنی بر هجرت به شهر صور را اجابت و به سوی آن دیار عزیمت کرده و به مبارکی و میمنت، به آن دیار گام نهاده است تا خلاً بزرگی را پر کند که در این ایام اندوهبار پدید آمده است.

۱۷۳ از علم و عمل و بینش و خرد این مرد کم‌نظیر و شایسته، چنین برمی‌آید که خداوند این شخصیت مثال‌زدنی را از تمامی عوامل و ابزار خیر بهره‌مند گردانده و ایشان را برای خدمت‌رسانی به همگان، به تمامی نیروها و زمینه‌های لازم مجهز کرده است. مبارک باد بر صور و بر اهل آن، این هدیه گرانبها که خداوند بر آنان ارزانی داشته است. تردیدی ندارم که درخشش این پرتو تابناک در آسمان صور به مرزهای این منطقه محدود نخواهد شد، چنان‌که نور مشعل هدایت حد و مرزی نمی‌شناسد و همهٔ مرزها را درمی‌نوردد تا سراسر جهان اسلام را فراگیرد، که چنین امری، به لطف و عنایت حق تعالی، دور از دسترس نخواهد بود.

۱۷۴ در پایان، امید آن دارم که درود و تحیت و دعای خیر مرا به محضر آن جناب ابلاغ فرمایید. آرزو دارم که ایشان در کنار خانوادهٔ ارجمند و بزرگوار خود، در آن دیار امن اقامتی نیکو داشته باشند.

۱۷۵ سلام همهٔ ما و درود و رحمت و برکات خداوند بر او و بر تمامی آنان باد. سلام مرا به بانوی ارجمند، ام‌باقر، برسانید و فرزندان عزیز ایشان را ببوسید. خداوند آنان را به دیدهٔ بینای خود حفظ فرماید و در پناه پیامبر امین و خاندان طاهرش، صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین، مصون بدارد. والسلام علیکم و رحمة الله و

۱- مسیره الامام السید موسی الصدر، به کوشش یعقوب ضاهر، چاپ اول، بیروت، داربلال، ۲۰۰۰، ج ۱، ص ۴۵.

برکاته.

مرتضی آل یاسین

سیره و زندگی نامه امام سید موسی صدر

نسب امام صدر و سیره اجداد وی

۱۷۶ امام سید موسی صدر فرزند سید صدرالدین بن سید اسماعیل بن سید صدرالدین بن سید صالح شرف‌الدین از اهالی جبل عامل در جنوب لبنان است و نسبت این سلسله به امام موسی بن جعفر، امام هفتم شیعیان اثنی عشری، می‌رسد.

۱۷۶^۲ جد دوم امام صدر، یعنی سید صالح شرف‌الدین، در سال ۱۷۱۰ در قریه شحور از توابع صور دیده به جهان گشود و در آنجا روزگار گذارند. وی که از علمای جلیل‌القدر بود، در نزدیکی روستای معرکه مزرعه کوچکی به نام شدغیت داشت که فرزندش صدرالدین در آنجا متولد شد.

۱۷۷ سید صالح در ماجرای تعرض جزار به علمای شیعه جبل عامل ستم بسیار دید و سربازان جزار فرزند ۲۱ ساله‌اش، هبه‌الدین، را در حضور پدر و در مقابل خانه او به قتل رساندند و سپس سید صالح را دستگیر و به شهر عکا اعزام کردند. وی که در آنجا به اعدام محکوم شده بود، پس از نه ماه اسارت در بازداشتگاه عکا توانست به عراق بگریزد و در کنار مرقد امام علی^ع در نجف اشرف اقامت گزیند. برادر سید صالح که محمدنام داشت، به دنبال او عازم عراق شد و همسر و دو فرزند وی به نام‌های صدرالدین (شش ساله) و محمدعلی (چهار ساله) را با خود به نزد او برد.

۱۷۷^۲ بدین ترتیب، سید صدرالدین، جد اعلامی امام صدر در عراق ساکن شد و تحت نظر پدر رشد کرد و فقه را در نجف اشرف آموخت. وی هفده سال بیشتر نداشت که به درجه اجتهاد رسید و در همین روزگار جوانی یکی از علمای بزرگ عراق شد. او با دختر مجتهد بزرگ، شیخ کاشف‌الغطا، ازدواج کرد و سپس عازم اصفهان شد. سید صدرالدین پنج فرزند داشت که کوچک‌ترین آنان به نام سید اسماعیل اصفهان را ترک کرد و در نجف اشرف اقامت گزید و

حرم حضرت معصومه^س در شهر قم به خاک سپرده شد و قبر ایشان در کنار قبور تنی چند از علمای بزرگ و مشهور و شناخته شده است. سید صدرالدین دوران جوانی را در عراق گذراند و نهضتی دینی و فرهنگی و ادبی را رهبری کرد. وی، همچنین، در تشکیل انجمن‌های اجتماعی مشارکت کرد و در مجلات و روزنامه‌های عراق مقالاتی به رشته تحریر درآورد و به یکی از پیشتازان عرصه اندیشه و جنبش در این کشور تبدیل شد. سپس، به قم عزیمت کرد و در تأسیس حوزه‌های علمیه در قم سهیم بود و در شمار علمای برجسته قم درآمد.

۱۸۳ سید صدرالدین با سیده صفیه (مادر مکرّمه امام صدر)، دختر یکی از مراجع شیعه به نام آیت‌الله سیدحسین قمی، ازدواج کرد و در طلب آرامش به خراسان رهسپار شد و در شهر مشهد در جوار مرقد امام علی بن موسی الرضا، هشتمین امام شیعیان، اقامت گزید. اما چندی بعد، استاد بزرگ وی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، او را به قم فراخواند و او نیز دعوت استاد را اجابت کرد. پس از رحلت استاد، دیدگان متوجه او شد تا ریاست حوزه علمیه قم را بپذیرد، اما ایشان از قبول آن امتناع کرد. سید عبدالحسین شرف‌الدین در این خصوص می‌گوید: «با وجود امتناع ایشان، جایگاه و عظمت وی مورد توجه قرار گرفت و مردم به او روی آوردند و ایشان نیز خواه‌ناخواه، زمانی که خود را در برابر کار انجام شده دید، رهبری حوزه را در امر تدریس و سخنرانی و امامت جماعت و امور عامه به عهده گرفت و چنان‌که در طبع ایشان بود، زهد و تواضع را سرلوحه خویش قرار داد.»

۱۸۵ سید صدرالدین که عمر خویش را در راه رضای حق تعالی وقف کرده بود، در حیات خود چندین مؤسسه علمی و دینی و اجتماعی و درمانی تأسیس کرد و، سرانجام، در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲ ش) در خانه‌ای محقر دیده از جهان فرو بست.

۱۸۶ امام موسی صدر درباره زهد و ساده‌زیستی پدر بزرگوار خود به نجیب جمال‌الدین، شاعر و نویسنده، می‌فرماید: «هنگام رحلت پدرم ۲۵ سال داشتم. در این مدت، در حالی‌که در ایران زندگی می‌کردیم، به یاد نمی‌آورم حتی یک قالی ایرانی در خانه پدرم

به «سید صدر» معروف شد.

۱۷۸ سید اسماعیل، فرزند سید صدرالدین، که به سید اسماعیل صدر شهرت یافت، پدر بزرگ امام موسی صدر است و چنان‌که گفتیم در اصفهان به دنیا آمد و در نه سالگی پدر خود سید صدرالدین را از دست داد.

۱۷۹ سید اسماعیل علم فقه را در نزد مجتهد اکبر، میرزای شیرازی، آموخت؛ هم او که در سال ۱۸۹۴ رحلت کرد و در سال‌های ۱۸۹۱ و ۱۸۹۲، به دنبال اعطای امتیاز تنباکو به شرکتی انگلیسی از سوی شاه ایران، رهبری نهضت عظیم تنباکو را بر عهده گرفت.

۱۸۰ سید اسماعیل چهار فرزند داشت که عبارت بودند از محمدمهدی، که در سال ۱۹۲۰ در نهضت مردم عراق ضد انگلستان مشارکت داشت؛ سید صدرالدین (پدر امام موسی صدر)؛ سید محمدجواد؛ سید حیدر، که همگی از اهل علم و معرفت و تقوا و اجتهاد بودند.

۱۸۱ سید اسماعیل تا زمان وفاتش در نجف به سال ۱۹۱۹، مرجعیت عام شیعیان را بر عهده داشت و از بزرگان اهل زهد و تقوا و علم به شمار می‌آمد. در بیان زهد و ساده‌زیستی وی آورده‌اند که با وجود اموال فراوانی که به حوزه تحت سرپرستی ایشان واصل می‌شد، همواره از مصرف آنها برای خود امتناع می‌کرد. ایشان دو نفر را که به تقوا و امانتداری مشهور بودند، مسئول امور مالی تعیین کرده بود. روزی آن دو نفر چهار فرزند آیت‌الله را دیدند که جامه‌هایی مندرس برتن داشتند و از ایشان خواستند که اجازه دهند تا چهار لیره برای خرید لباس‌های نو اختصاص یابد، اما مشخص نکردند که لباس‌ها را برای چه کسانی می‌خواهند، زیرا می‌دانستند که ایشان مخالفت خواهند کرد. هنگامی که آیت‌الله برای آگاهی از علت درخواست مبلغ مذکور اصرار ورزید، یکی از آن دو به ناچار گفت: «این پول را برای چهار تن از سلاله رسول خدا^ص می‌خواهیم که دست سرنوشت آنان را با شما آشنا کرده است.»

۱۸۲ سید صدرالدین (پدر امام موسی صدر) در سال ۱۸۸۲ (۱۲۶۱ ش) به دنیا آمد و در ۱۹۵۳ (۱۳۳۲ ش) رحلت کرد و در

دیده باشم.»^۱

ولادت امام موسی صدر و نخستین سال‌های حیات او

- ۱۸۷ امام صدر در ۱۴ خرداد ۱۳۰۷ ش (۴ ژوئن ۱۹۲۸) در شهر قم پا به عرصه حیات نهاد و در خانواده‌ای متدین و صاحب سابقه‌ای طولانی در جهاد و مبارزه تربیت شد و در محیطی ممتاز از لحاظ علمی پرورش یافت. امام صدر هفت خواهر دارد که از جمله آنان می‌توان سیده فاطمه، همسر آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر، سیده صدیقه، همسر آیت‌الله سلطانی طباطبایی یکی از اساتید برجسته حوزه علمیه قم، و سیده رباب، همسر سید حسین شرف‌الدین، را نام برد. ایشان همچنین دو برادر به نام‌های سیدرضا و سیدعلی دارد و از آن دو کوچک‌تر است.
- ۱۸۸ امام صدر دروس ابتدایی را در شهر قم فراگرفت. مرحله راهنمایی را در مدرسه باقری گذراند و مقطع متوسطه را نیز در سنین نوجوانی در مدرسه سنایی به پایان رسانید.
- ۱۸۹ ایشان که مقدمات علوم حوزوی را نزد برادرش سیدرضا فراگرفته و دانش زبان عربی و علم اصول را هم در محضر پدر آموخته بود، در سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰ ش) به‌طور جدی فراگیری علوم حوزوی را نیز آغاز کرد، بی‌آنکه از ادامه دروس مدرسه و تکمیل مقطع دبیرستان بازماند. ایشان دروس حوزوی را از مرحله سطح آغاز کرد، زیرا چنان‌که گفتیم، مقدمات را در منزل و نزد پدر و برادر بزرگش فراگرفته بود.
- ۱۹۰ اساتید ایشان در مرحله سطح عبارت بودند از برادر بزرگش، سیدرضا و آیت‌الله سیدمحمدباقر سلطانی طباطبایی و آیت‌الله علوی اصفهانی و آیت‌الله محقق داماد. امام صدر در مراحل مختلف تحصیل حوزوی، نزد آیت‌الله محقق داماد تلمذ کرد و مرحله خارج فقه را نیز نزد پدر بزرگوارش و آیات عظام محقق داماد و سید احمد خوانساری و آیت‌الله حجّت و امام خمینی^(ره) تحصیل کرد و اصول را نیز در محضر آیت‌الله محقق داماد

فراگرفت. اساتید ایشان در درس فلسفه نیز عبارت بودند از برادرشان سیدرضا صدر و علامه سید محمدحسین طباطبایی، صاحب تفسیر المیزان.

۱۹۱ امام صدر در دوران تحصیل با افرادی چون آیت‌الله شهید دکتر بهشتی و فیلسوف بزرگ، استاد مطهری، و آیت‌الله موسوی اردبیلی هم‌دوره و هم‌مباحثه بود. ایشان در دوران تحصیل حوزوی به ژرف‌نگری و پژوهش‌گری و بحث و دقت نظر شهرت داشت و همواره در جلسات درس، اشکال‌های علمی دقیقی مطرح می‌کرد و برای آنها پاسخ‌های منطقی و قانع‌کننده می‌جست. سرانجام، تا رسیدن به درجه اجتهاد، این مرحله را به پایان برد.

۱۹۲ در سال ۱۹۵۵ امام موسی صدر با صبیّه حجت‌الاسلام عزیزالله خلیلی، که نوه خواهر آیت‌الله کاشانی است، ازدواج کرد. حاصل آن ازدواج چهار فرزند به نام‌های صدرالدین (متولد ۱۳۳۵ ش) و حمید (متولد ۱۳۳۸ ش) و حورا (متولد ۱۳۴۱ ش) و ملیحه (۱۳۵۰ ش) بوده است.

۱۹۳ از جمله سنت‌های رایج در حوزه‌های علمیه آن است که فارغ‌التحصیلان برجسته مرحله خارج فقه و اصول برای تثبیت توانایی‌ها و آموخته‌های خود به حوزه علمیه نجف عزیمت می‌کنند که در جهان تشیع آوازه‌ای بلند دارد. امام موسی صدر نیز به همراه برخی از دوستان خود در پاییز سال ۱۹۵۶ (۱۳۳۵ ش) به عراق سفر کرد.^۱

۱۹۴ همسر امام که یک سال پیش از آن در سال ۱۹۵۵ با هم ازدواج کرده بودند و فرزندش صدرالدین که در سال ۱۹۵۶ به دنیا آمد نیز در آن سفر با امام همراه بودند. چه‌بسا امام صدر منتظر بود که مراسم عروسی برگزار شود و آن‌گاه به نجف هجرت کند، زیرا عقد آن دو در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲ ش) صورت گرفته بود، اما به سبب بیماری شدید پدر بزرگوارشان مراسم عروسی به تأخیر افتاده بود.

۱- از جمله اهداف امام موسی صدر در سفر به عراق آن بود که علاوه بر ارتباط با حوزه نجف با بخشی از خاندان صدر یعنی عموزادگان خود که در عراق، به‌ویژه در شهرهای کاظمین و بغداد و نجف اشرف، اقامت داشتند، آشنایی و ارتباط پیدا کند.

۱- جمال‌الدین، نجیب، الشیعة علی المفتقر أو موسی الصدر، ص ۲۱.

امام صدر نیز تمام توان خود را برای پرستاری و مراقبت از ایشان صرف می‌کرد، تا آن هنگام که در هفتم دی ماه ۱۳۳۲ پدر بزرگوارشان دعوت پروردگار را لبیک گفت و به سرای باقی شتافت. امام صدر در دوره اقامت خود در نجف اشرف با «انجمن کانون نشر» و مؤسسان آن از جمله شیخ محمدرضا مظفر (از اساتید حوزه علمیه نجف اشرف) و سید محمدتقی حکیم (یکی از نامزدهای احراز مرجعیت عامه در نجف) همکاری داشت و ضمن حضور در جلسات و همایش‌ها و نوشتن کتب و مقالات، یکی از اعضای فعال این انجمن به شمار می‌آمد و در هیئت مدیره آن نیز عضو بود. اساتید امام صدر در نجف عبارت بودند از: آیات عظام سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم و شیخ محمدرضا آل یاسین و سید محمود شاهرودی و سید عبدالهادی شیرازی و شیخ حسین حلی و شیخ صدر بادکوبه‌ای. علاوه بر اینان آیت‌الله شیخ مرتضی آل یاسین نیز زمان ویژه‌ای را برای تدریس به سه تن اختصاص داده بود که عبارت بودند از: سیدموسی صدر و شهید سید محمدباقر صدر^۱ و برادر بزرگ وی سید اسماعیل صدر.

امام صدر زبان عربی را، که زبان قرآن و زبان خانواده ایشان و همچنین زبان تحصیل در حوزه علمیه قم و نجف بود، به خوبی فراگرفت و زبان فارسی را هم که زبان محل زندگی وی بود، به خوبی آموخت. ایشان در دانشگاه تهران نیز زبان فرانسه را فراگرفت و زبان انگلیسی را هم با کوشش شخصی خود آموخت. امام موسی صدر در سیره و سلوک خود روشی متمایز داشت و پایبند سنت‌هایی نشد که آداب و رسوم سخت و دشوار را بر مراجع و فرزندان آنان تحمیل می‌کرد، به گونه‌ای که ایشان شخصاً در مسابقات ورزشی حاضر می‌شد و فرزندش صدرالدین را در

۱۹۵

۱۹۶

خارج از منزل بغل می‌کرد.

امام صدر در گفتگو با مجله العرفان خود را چنین معرفی می‌کند: «من به خاندانی تعلق دارم که ریشه‌های آن در لبنان است. من از سلاله امام موسی بن جعفر، هفتمین امام از ائمه دوازده‌گانه اهل بیت (علیهم‌السلام) هستم. هنگامی که ستم حکومت عثمانی به اوج رسید و علمای خاندان ما را کشتند و کتاب‌هایشان را سوزاندند، اجدادم لبنان را ترک گفتند و به عراق و ایران هجرت کردند و در آنجا خاندان بزرگی پدید آوردند.»

۱۹۷

ایشان در ادامه می‌افزایند: «من در ایران به دنیا آمدم، سرزمینی که پدرم صدرالدین در آنجا زندگی کرد و حوزه‌ای دینی در شهر قم بنا نهاد. من هم ابتدا در همان حوزه درس می‌خواندم. سپس، در رشته اقتصاد از دانشگاه تهران مدرک دانشجویی اخذ کردم و، در ادامه، فراگیری علوم دینی را در شهر نجف اشرف در عراق ادامه دادم و وظایف خود را در مقام عالم دین در جنوب لبنان و پس از درگذشت سید عبدالحسین شرف‌الدین که از نزدیکانم بود، بر عهده گرفتم.»

۱۹۸

بدین ترتیب، نسب امام صدر از سوی پدر و مادر به مراجع بزرگ می‌رسید، چنان‌که جد مادری ایشان، یعنی آیت‌الله سید حسین قمی (م: ۱۹۴۵ / ۱۳۲۴ ش)، در عرصه مبارزه با رضاشاه پهلوی، پادشاه ایران، فعالیت داشت، چرا که رضاشاه برای کم‌رنگ کردن نقش علمای شیعه در عرصه اجتماع و دور کردن فرهنگ اسلامی از جامعه ایران و جایگزینی فرهنگ استعماری تلاش می‌کرد.

۱۹۹

در این باره مستشرق و جهانگرد انگلیسی، خانم گراتد بل، که مدتی هم مشاور امور مشرق زمین در فرمانداری کل عراق بود، در

۱- امام صدر نخستین روحانی و عالم دینی بود که در حوزه علمیه درس می‌خواند و در عین حال به دانشگاهی امروزی راه یافت. مقالات اقتصادی امام صدر تا سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸ ش) یعنی پیش از نگارش کتاب اقتصاد ما، اثر شهید سید محمدباقر صدر، تحت عنوان «مکتب اقتصادی اسلام» در مجله مکتب اسلام به چاپ رسیده بود.

۱- پسرعمو و شوهر خواهر امام صدر که از نوایغ و مراجع بزرگ عصر خود بود و علاوه بر ایجاد تحول و نوآوری در روش‌های اصول و فقه استدلالی، کتاب‌هایی را با موضوعات مختلف علوم و معارف انسانی تألیف کرد که از آنها می‌توان به قواعد منطقی استقراء با موضوع فلسفه علوم تجربی، فلسفه ما، اقتصاد ما و بانکداری بدون ربا در اسلام اشاره کرد.

خاطرات خود، بارها از دشواری ارتباط با شیعیان، به‌ویژه مجتهدان و رهبران دینی آنان، سخن گفته و در نوشته‌های خود چنین آورده است: «در ۱۴ مارس ۱۹۲۰ به‌طور اتفاقی با خاندان صدر ملاقات کردیم. شماری از این بزرگان در کاظمین، شهری مقدس واقع در هشت مایلی بغداد، حضور دارند و ساکنان آن مسلمانانی هستند که با انگلستان مخالف هستند و در رأس آنان باید از خاندان صدر نام برد که می‌توان گفت در میان خاندان‌های علمای دینی سراسر جهان تشیع از همه مشهورترند.»^۱

گزیده‌ای از دیدگاه‌های مراجع عظام تقلید درباره‌ی امام موسی صدر

آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی

۲۰۰ آیت‌الله زنجانی درباره‌ی دوران تحصیل امام موسی صدر می‌فرماید: «از ابتدای تحصیل در مراحل ابتدایی دروس حوزوی، من و امام صدر با هم بودیم و در کنار هم به عرصه‌ی بحث و تحقیق وارد شدیم. ایشان از همان ابتدا ویژگی‌هایی داشت که حضورشان مجلس درس را حال و هوایی خاص و بانشاط می‌بخشید.

۲۰۱ نخست آنکه از لحاظ سرعت فهم و درک مطالب، ایشان بسیار تیزفهم و سریع‌الادراک بودند و مطالب را خیلی سریع درک می‌کردند، به‌طوری‌که در این زمینه می‌توان ایشان را از نخبگان دانست.

۲۰۲ دوم اینکه ایشان علاوه بر سرعت انتقال و درک سریع صفای ذهنی خاص داشتند. ممکن است در میان بزرگان بتوان افرادی را یافت که از نظر دقت نظر از ایشان برتر باشند، اما از لحاظ درک و فهم مبتنی بر فطرت برخاسته از روح پاک و روحیه‌ی حقیقت‌جویی نشئت گرفته از فهم پاک و زلال، نمی‌توانم کسی را از ایشان برتر بدانم ... هیچ‌کس را».

۲۰۳ ایشان در ادامه می‌افزاید: «بله، درک و برداشت ایشان بسیار خالص و زلال بود. یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان، قدرت بیان و سخنوری ایشان بود. گفتار ایشان واضح و آشکار و ساده و به دور از پیچیدگی بود و در صدای ایشان هم آرامش و لطافتی دلنشین نهفته بود. وقتی ایشان وارد بحث می‌شد، چه بحث‌های اجتماعی و چه مباحث علمی، هیچ‌کس از شنیدن گفتار و شرح ایشان احساس خستگی نمی‌کرد. از دیگر ویژگی‌هایی که ایشان بدان آراسته بود، باید به رعایت آداب گفتگو اشاره کرد، زیرا ساده

۱- العرفان، شماره ۵۸، می ۱۹۷۰، ص ۱۲۹.

این مسئله با اهل فن تحقیق و گفتگو کرده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که از هردوی این بزرگواران می‌توان تقلید کرد، اما من به دو دلیل از آیت‌الله بروجردی تقلید می‌کنم؛ یکی اینکه ایشان به ما نزدیک‌تر هستند... و اگر در مورد مسئله‌ای برایم پرسش پیش آید و بخواهم پاسخ آن را بدانم، ایشان در قم و در کنار ما هستند، درحالی‌که آیت‌الله قمی در عراق حضور دارند و به سادگی نمی‌توان با ایشان ارتباط برقرار کرد. دلیل دیگر هم آن است که این انتخاب از تعصب به دور است و تعصب خانوادگی و فامیلی در آن نقش ندارد و من نمی‌خواهم تحت تأثیر چنین عواملی قرار بگیرم.» روح ایشان همواره در جستجوی حقیقت بود و برای رسیدن به آن بال و پر می‌گشود. عوامل متعددی که ذکر کردیم موجب شده بود که ایشان بر بلندای قله‌ای دست‌نیافتنی قرار گیرند.»

آیت‌الله شیخ محمد مهدی شمس‌الدین

۲۰۵ آیت‌الله شمس‌الدین درباره‌ی امام موسی صدر چنین می‌فرمایند: «با نگاهی به اندیشه و افکار امام موسی صدر از طریق نوشته‌ها و عملکرد ایشان در قبال بحران لبنان و دیدگاه‌هایی که در همان آغاز بیان کردند، و نیز مواضعی که در قبال پیامدهای مسئله فلسطین و اهداف صهیونیست‌ها و مسئله جامعه و حکومت در لبنان اتخاذ کردند، درمی‌یابیم که گذر زمان درستی و دقت نظرهای ایشان را به اثبات رسانید.

۲۰۶ ایشان در مقام روحانی و عالم دینی یکی از نواندیشانی هستند که برجسته‌ترین تعابیر نوگرایانه را در حوزه نگرش دینی پویا و اجتهاد، همگام با مسائل جامعه و مسائل مربوط به زندگی معاصر ابراز کردند. البته، ایشان برخلاف کسانی هستند که طرفدار نظریات عجیب و نادر هستند و می‌خواهند با استفاده از عناصر نامأنوس و غریب استنباط کنند یا با جمع‌آوری آرا و نظرهایی از اینجا و آنجا، افراد را سردرگم کنند، بی‌آنکه از علم حقیقی بهره‌ای داشته باشند.

۲۰۷ امام صدر از نسل فقیهانی است که تلاش می‌کنند از درون شریعت و احکام، انقلابی به‌پا کنند و متون اجتهادی را متحول

سخن گفتن با رعایت آداب گفتگو تفاوت دارد... در تمام مدتی که ایشان را می‌شناختم، ندیدم که صدایش را بلند کند یا هنگام گفتگو با افراد مختلف به تندی رفتار کند. در رفتار با مردم هرگز الفاظ تند یا عبارات ناخوشایند و یا کلمات خشن و اهانت‌آمیز به کار نمی‌برد... چنین چیزهایی هرگز از ایشان صادر نشد. به عبارت دیگر، ایشان هنگام گفتگو بسیار مؤدب بودند و این صفت نیز از ویژگی‌هایی بود که ایشان را در میان مردم متمایز و برجسته می‌کرد و در نزد دیگران جایگاهی خاص به ایشان می‌بخشید. ویژگی دیگری که از برترین و مهم‌ترین صفات ایشان بود، رعایت انصاف در بحث و مناقشه بود. ایشان به شکل و صفت‌ناپذیری منصف بودند و روحیه حقیقت‌جویی و حقیقت‌طلبی بر ایشان غلبه داشت. هرگز تلاش نمی‌کرد که سخن و نظر خود را بر دیگران تحمیل کند. ممکن است کسانی باشند که نظر خود را بر دیگران تحمیل کنند و اگر ببینند که تلاششان بی‌فایده است و طرف مقابل قانع نمی‌شود، سکوت کنند و بحث را ادامه ندهند، اما ایشان نه تنها نظر خود را بر کسی تحمیل نمی‌کرد، بلکه اگر می‌دید که سخن طرف مقابل به دلایل و براهین مستند تکیه دارد، حرفش را قبول می‌کرد و، بلافاصله، بدون تردید یا ناخشنودی آن را می‌پذیرفت. به سخن دیگر، اعتراف به حقانیت دیگران و درستی سخن آنان برای ایشان کاملاً عادی و معمولی بود. در اینجا خاطره‌ای را نقل می‌کنم که گواه روشنی بر این موضوع است:

۲۰۴ پس از رحلت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی از میان عده بسیاری از مراجع بزرگ، دو تن از آنان برجسته‌تر بودند و احتمال قرارگرفتن آنان در منصب مرجعیت عامه بیشتر بود، زیرا از دیگر علما برتر بودند و افکار عمومی هم آن دو را از دیگران برتر می‌دانست. یکی از آن دو مرحوم آیت‌الله بروجردی^۱ و دیگری مرحوم آیت‌الله قمی بودند. آیت‌الله قمی جد مادری امام موسی صدر هم بود، ولی امام صدر در آن شرایط چنین گفتند: «من درباره

۱- آیت‌الله بروجردی مرجع شیعیان در ایران بود. ایشان مشوق امام صدر برای استقرار در لبنان برای رسیدگی به امور شیعیان بودند.

سازند، به گونه‌ای که متون و احکام با زندگی روزمره همگام شود و، در عین حال، بر توانایی‌های ذاتی متون شریعت مبتنی باشد، نه آنکه روش‌ها و اندیشه‌های بیگانه با زبان عربی یا به دور از ماهیت شریعت اسلامی را به عاریت گرفته باشند.

۲۰۸ اگر بخواهیم امام صدر را رهبر و بنیانگذار نهضتی جهادی در نظر بگیریم، خواهیم دید که پدیده رهبری و زعامت نیز در ایشان به خوبی خود را آشکار می‌کند، زیرا با وجودی که از جامعه‌ای دیگر به لبنان آمدند و در محیط لبنان پرورش نیافته بودند، در مدتی بسیار کوتاه توانستند نیازها و آرزوهای این جامعه را بشناسند و با صداقت و پارسایی با آن روبرو شوند. رهبری ایشان فراگیر شد و چنان‌که همه می‌دانند، تمامی جریان‌ها و نیروها و افراد جامعه به دور ایشان گرد آمدند. در آن دوره نهضتی جهادی به نام جنبش محرومان تأسیس کردند که به معنای واقعی کلمه پیشتاز و طلایه‌دار جامعه لبنان شد، زیرا این حرکت سرشار از روحیه جهاد و مبارزه با رژیم صهیونیستی بود و هست، آن هم در زمانی که روحیه شکست و ناکامی بزرگ بر تمامی جوامع عربی و از جمله لبنان سایه افکنده بود... این جلوه‌ای کم‌نظیر است... پیش‌بینی آینده و مقدمه‌سازی برای آینده است، نه فقط یک پیش‌بینی تئوریک...»^۱

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

۲۰۹ آیت‌الله مکارم شیرازی در خصوص تلاش امام صدر و برخی از یاران ایشان برای مبارزه با فعالیت گروه‌های چپ‌گرا در ایران با استفاده از روش علمی جدید چنین می‌فرماید: «در آن زمان، فعالیت کمونیست‌ها در ایران شدید بود. کتاب‌های آنان به‌طور گسترده منتشر می‌شد و حملات و قیحانه آنان به اسلام روزبه‌روز افزایش می‌یافت. آنان وقاحت را به جایی رساندند که کتابی با عنوان نگهبانان سحر و افسون منتشر کردند که منظور آنان از این

تعبیر روحانیون و علمای دین بود. این کتاب بازتاب گسترده‌ای داشت و همه خطر ناشی از آنان را احساس کرده بودند. تصمیم گرفتیم که با تبلیغات کمونیست‌ها مبارزه کنیم و با امام موسی صدر و آقای بهشتی و برخی از دوستان جلسه گذاشتیم و به این نتیجه رسیدیم که باید کتاب‌های آنان را مطالعه کنیم و ببینیم چه می‌گویند و سپس فکر کنیم که چه پاسخی به آنان بدهیم.

۲۱۰ الحق باید گفت که امام موسی صدر در آن جلسات مانند ستاره‌ای می‌درخشید و با همکاری ایشان توانستیم فعالیت خود را ادامه و گسترش دهیم و با تلاش و جدیت ایشان بود که توانستیم کتاب‌هایی ضد کمونیسم منتشر و جامعه را از خواب غفلت بیدار کنیم.

۲۱۱ ایشان حتی به این مقدار بسنده نکرد و مجله‌ای تحت عنوان مکتب اسلام به زبان فارسی منتشر کرد و در آن مهم‌ترین پژوهش‌های خود را با موضوع اقتصاد و اندیشه اجتماعی به چاپ رساند. این مجله به اندازه‌ای رونق یافت که به یکی از مجلات مهم ایران تبدیل شد و در ترویج افکار علمای آزاداندیش ایران سهم بسزایی داشت.»

آیت‌الله علی مشکینی

۲۱۲ «امام موسی صدر از شاگردان ویژه مرحوم داماد بود. تمامی فضلا و کسانی که برجستگی و برتری آنان زبانزد بود، سعی می‌کردند در درس مرحوم داماد حاضر شوند و امام صدر یکی از برجسته‌ترین آن برگزیدگان بود. در جلسه درس، ایشان محقق و پژوهشگری برجسته و اهل بحث و مناقشه بود. مجموعه دوستان ایشان را گروهی از طلاب برگزیده مانند شهید بهشتی تشکیل می‌دادند و ایشان در زمان تحصیل در حوزه مشهور و شناخته شده بود و در میان طلابی که به ایشان احترام می‌گذاشتند، زبانزد بود. از لحاظ علمی هم در جمع دوستان دوران تحصیل شاخص و برجسته بود و اگر نگوییم که از همه برتر بود، دست‌کم باید گفت که کسی از ایشان پیشی نگرفت. ایشان جایگاه علمی ممتازی داشت، اما آنچه او را از سایرین متمایز می‌کرد، آن بود که ایشان در دانشگاه تهران

۱- نشریه القرار، «ویژه‌نامه نوزدهمین سالگرد ربودن امام موسی صدر»، ۲۹ آگوست

نیز تحصیلات دانشگاهی را ادامه می‌داد. به‌راستی، ایشان از فضیلتی بزرگ بود و از همان زمان بنده اطمینان داشتم که صاحب ملکه استنباط احکام هستند.

۲۱۳ اما تحصیل علوم دینی، ایشان را از ادامهٔ دروس دانشگاهی بازداشت و توانست به دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران راه یابد و با کسب مدرک کارشناسی اقتصاد فارغ‌التحصیل شود. بدین‌ترتیب، ایشان اولین روحانی‌ای بود که در ایران وارد دانشگاه می‌شد و در یک رشتهٔ غیر علوم دینی، مدرک دانشگاهی اخذ می‌کرد.»

آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

۲۱۴ آیت‌الله موسوی اردبیلی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به ریاست دیوان عالی کشور منصوب شد، دربارهٔ آشنایی خود با امام صدر چنین می‌گوید: «تاریخ آشنایی من با ایشان به سال ۱۳۲۱ ش (۱۹۴۲) بازمی‌گردد. در اواخر آن سال من به قم آمدم و چند روز پس از آن با ایشان آشنا شدم، زیرا تحصیل در حوزه مستلزم آن بود که در حلقه‌های مشترک حضور یابیم و کتاب‌های یکسان و مشخصی را خریداری کنیم. در آن دوره ایشان در مرحلهٔ سطح دروس رسائل و مکاسب را فرامی‌گرفتند و من هم از طریق حضور در آن دروس با ایشان آشنا شدم. ایشان از لحاظ استعداد و صلاحیت و ویژگی‌های خاصی داشت و صفاتی همچون درایت و تیزهوشی و سرعت انتقال و درک و دقت و تأمل عمیق در مسائل علمی، ایشان را در میان دوستان دانشمند خود سرآمد قرار داده بود. علاوه بر این، در مسائل و ارتباطات اجتماعی نیز متمایز بود. پس طبیعی بود که ارتباطات گسترده‌ای با مردم داشته باشد.

۲۱۵ وضعیت خانوادگی ایشان نیز چنین اقتضا می‌کرد و ویژگی‌های اخلاقی و الای او محیط اجتماعی متمایزی را به‌گرد ایشان پدید آورده بود. ایشان دربارهٔ مسائل مختلف اجتماعی اطلاعات گسترده‌ای داشت و این چیزی است که طلاب حوزه‌های علمیه در آن زمان فاقد آن بودند، زیرا آنان تمام وقت خود را برای پرداختن به مسائل علمی محض صرف می‌کردند.

۲۱۶ ایشان دوست‌داستانی و جذاب و محبوب دل‌ها بودند. دوستی‌هایشان زیاد و متنوع بود. همگان افتخار می‌کردند به اینکه به‌نوعی با ایشان رابطه داشته باشند تا از ادب و اخلاق و درک و فهم و تیزهوشی و شخصیت والای ایشان بهره ببرند. هربار که در مجلس درسی شرکت می‌کرد، با سرعت چشمگیری سرآمد افراد حاضر در جلسه می‌شد. ایشان تحصیل در حوزه را تا مرحلهٔ اجتهاد ادامه داد و یکی از اساتید بزرگ حوزهٔ علمیه شد.»

موقعیت دینی و تاریخی خاندان امام صدر

۲۱۷ امام صدر در شهر قم و در خانواده‌ای زاده شد که اصل و ریشهٔ آن به جنوب لبنان بازمی‌گشت. و پس از آنکه این خانواده در دنیای عرب و جهان اسلام به جایگاه ویژه‌ای رسید و مردان اندیشه و عمل از آن سر برآوردند، امام به جنوب لبنان بازگشت. این مردان اندیشه و عمل خاندان صدر از جنوب لبنان که مهد علم و معرفت و جهاد و دفاع از حقیقت و عدالت است، به خاستگاه علوم دین نجف اشرف در عراق، عزیمت کردند؛ شهری که یکی از مراکز برجستهٔ دانش و جهاد و مبارزه در سراسر بلاد عربی و اسلامی به‌شمار می‌رود و در روند مبارزه با ظلم و استعمار انگلستان در اوایل قرن بیستم و در نهضت سال ۱۹۲۰ (۱۲۹۹ ش) نقش و تأثیر چشمگیری داشت. در ادامه، این خاندان به شهر قم رفتند که نماد حضور ایمن در نهضت‌های ایران و خاستگاه انقلاب‌ها و خیزش‌های متعدد قرن گذشته برضد استعمار و نظام فاسد شاهنشاهی به‌شمار می‌رود. این خیزش‌ها با نهضت مشروطه در ۱۹۰۵ (۱۲۸۴ ش) آغاز شد و با نهضت ملی شدن نفت در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲ ش) و قیام ژوئن ۱۹۶۳ (۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش) ادامه یافت و در نهایت، به پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ ش) منتهی شد.

۲۱۸ در تمامی این رویدادها، خاندان امام صدر نقش و تأثیر اساسی داشتند و این سرچشمه‌های جوشان نیز به نوبهٔ خود موقعیت مناسب برای رشد شخصیت امام صدر و شکل‌گیری روح توحید و ایمان آمیخته با انواع تجربیات علمی و افق‌های گستردهٔ جهاد و

آزادی‌خواهی را در وجود ایشان فراهم آورد. علاوه بر اینها، بهره‌مندی امام از علوم جدید در مدت زمان تحصیل در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و فراگیری بیش از یک زبان بیگانه با تلاش و کوشش خود، همه و همه ایشان را در آشنایی با دستاوردهای فرهنگی جهانی و مکاتب مختلف فکری یاری داد. آن‌گاه که مدرک کارشناسی را از دانشگاه اخذ کرد و به ایشان پیشنهاد شد که برای ادامه تحصیل با استفاده از بورس به خارج از کشور برود، نپذیرفت و رو به لبنان نهاد تا وظیفه‌ای را ادا کند که رسالت دینی بر عهده‌اش نهاده بود که همانا خدمت به محرومان لبنان بود.

حضور امام صدر در لبنان

زمینه‌های حضور در لبنان و سفرهای مقدماتی

۲۱۹ علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین^(۵)، رهبر وقت جامعه شیعیان لبنان، در یکی از سفرهای خود در دهه ۱۹۳۰ به ایران، به حکم رابطه خانوادگی و پیوند نزدیک میان خاندان شرف‌الدین و خاندان صدر، امام موسی صدر را در ایران دیده و توجهش نسبت به ایشان معطوف شده بود. ایشان در ادامه همواره اخبار مربوط به امام صدر را جویا می‌شد. در سال ۱۹۵۵ که سید شرف‌الدین به سن ۸۲ رسیده بود، برای امام موسی صدر که فقط ۲۷ بهار از عمر خود را پشت سر گذاشته بود، دعوتنامه‌ای برای سفر به لبنان فرستاد. هدف از ارسال این دعوتنامه آن بود که توجه و اهتمام امام صدر را نسبت به لبنان برانگیزاند و، در ادامه، امام صدر جانشین سید عبدالحسین شرف‌الدین شود و مسئولیت او را پس از مرگش برعهده گیرد، به‌ویژه آنکه سید شرف‌الدین ویژگی‌ها و صفات لازم برای رهبری را، که در هیچ‌یک از اشخاص موجود در جامعه و پیرامون خویش نمی‌دید، در امام صدر یافته بود.

۲۲۰ امام صدر برای نخستین بار در سال ۱۹۵۵ (۱۳۴۳ ش) به لبنان سفر کرد و با اقوام و خویشاوندان خود در مناطق صور و شحور و معرکه آشنا شد و به‌عنوان میهمان در خانه امام شرف‌الدین اقامت کرد. سید شرف‌الدین هم از نزدیک، توانایی‌ها و استعدادها و او را مشاهده کرد و در مجالس و محافل مختلف بارها بر صلاحیت و

شایستگی‌های علمی امام صدر تأکید کرد.

۲۲۱ پس از رحلت علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین، فرزندانش نامه‌ای خطاب به امام صدر در شهر قم فرستادند و او را به لبنان فراخواندند. آیت‌الله العظمی بروجردی نیز که استاد امام صدر و مرجع وقت شیعیان ایران بود، ضرورت اجابت آن دعوت را به امام صدر یادآور شد.

۲۲۲ بدین ترتیب، امام صدر در اواخر سال ۱۹۵۹ (۱۳۸۳ ش) به لبنان آمد و در شهر صور اقامت گزید. برخی از مراجع وقت جهان تشیع، از جمله آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم که استاد امام صدر و زعیم حوزه علمیه نجف اشرف در آن سال‌ها بود، ضرورت پذیرش دعوت ارسالی از لبنان را به امام صدر خاطر نشان کرده بودند.

۲۲۳ انتقال امام صدر از جامعه ایران به محیط لبنان در اواخر دهه ۱۹۵۰ تجربه جدیدی را پیش روی ایشان قرار داد، به‌ویژه آنکه هنگام عزیمت امام صدر از ایران به لبنان، اوضاع حاکم بر جامعه ایران برای روحانیان و علمای دین چندان مساعد نبود. آنان از سوی حکومت شاه، که درصدد غربی کردن جامعه اسلامی برآمده بود، تحت فشار قرار داشتند و ایجاد تغییر و تحول و مبارزه با معضلات جامعه‌ای که حوزه‌های علمیه آن مهجور شده بود، دغدغه اصلی روحانیان مهم ایرانی به شمار می‌آمد. از طرفی، ستم حکومت دیکتاتوری شاه در اواخر دهه ۱۹۵۰ به اوج خود رسید و اوضاع برای مبارزه علما با رژیم شاه چندان مناسب نبود.

۲۲۴ هنگامی که امام صدر برای اطلاع از اوضاع لبنان به شهر صور آمد، از اوضاع و احوال جامعه لبنان چندان هم بی‌اطلاع نبود، چراکه در دو سفر پیشین خود به لبنان، که در زمان تحصیل ایشان در نجف اشرف بود، تصویر درستی از وضعیت لبنان به دست آورده بود. مدت هریک از آن سفرها از یک یا یک‌ونیم ماه کمتر نبود و در آن مدت، امام توانسته بود با چهره‌های ادبی و سیاسی لبنان آشنا شود و در محافل آنان حضور یابد. بدین ترتیب، هنگامی که امام در اواخر سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸ ش) برای آگاهی از اوضاع لبنان به این دیار آمد، با تمامی کسانی تجدید دیدار کرد که از قبل

می‌شناخت، و با کسانی آشنا شد که نمی‌شناخت. در آن روزها، به‌طور مرتب، به‌ویژه در بعدازظهر روزهای شنبه و یکشنبه، مجلسی در منزل امام شرف‌الدین برگزار می‌شد که چهره‌های شاخص از روستاهای اطراف صور در آن حضور می‌یافتند. امام نیز دعوت حضور در مجالس و مراسم مختلف را می‌پذیرفت و در آنها حاضر می‌شد.

فعالیت‌های امام در شهر صور و مناطق جنوبی

۲۲۵ توجه و اهتمام امام صدر به مسائل دینی و اجتماعی مردم از شهر صور آغاز شد و سراسر لبنان را دربرگرفت. در صور، با دغدغه‌های مردم ساده و بی‌آلایش آن آشنا شد و پیچیدگی اوضاع معیشتی آنان را دریافت. همگان با چشم خود می‌دیدند که او بارها در خانه‌ای را می‌کوبید و اجازه می‌گرفت و به آن وارد می‌شد؛ به یک خانه معمولی یا یک زیرزمین محقر گام می‌نهاد و در کنار اهل آن می‌نشست و با آنان چای می‌نوشید و گاهی هم شام ساده و مختصری را که داشتند، حتی اگر یک بشقاب زیتون بود، باهم می‌خوردند و اگر دیروقت بود، از خوابیدن بر روی بستری کهنه یا حتی بیدار ماندن تا سحر امتناع نمی‌کرد.

۲۲۶ چنین ویژگی‌ها و رفتارهایی را مردم در امام می‌دیدند و بدون تعارف هم درباره‌ آن صحبت می‌کردند. حتی عده زیادی هم بودند که امام صدر را به‌سبب چنین رفتارهایی - که به تعبیر آنان در شأن شخصیت و موقعیت ایشان نبود - سرزنش می‌کردند. اما امام این ویژگی‌ها را حفظ کرد و آن رفتارها را ادامه داد، چراکه آن را بخشی از وظیفه خود و جزئی از مسئولیت و رسالت دینی خود می‌دانست. «چه‌بسا انسان در نگاه نخست، به‌سبب شدت پایبندی امام به آموزه‌های دینی، او را انسانی عابد و صوفی مسلک بیندارد، اما با مشاهده سرعت تحرک ایشان در حل مشکلات و اختلافات موجود در اینجا و آنجا، این پندار خیلی زود دگرگون می‌شود و درمی‌یابیم که ایشان شخصی فعال و پویاست که تصوّف را صفت

تدین نمی‌داند»^۱

۲۲۷ از دیگر ویژگی‌های امام این بود که ایشان عاشق مطالعه بود و کتاب‌هایی با موضوعات دینی و عقیدتی و فلسفی و حقوقی و تاریخی و اجتماعی و علمی را مطالعه می‌کرد. نجیب جمال‌الدین در این باره می‌نویسد: «امام صبح زود از خواب بیدار می‌شد و به مرکز مطالعات اسلامی (معهد الدراسات الاسلامیه) - که خود آن را در شهر صور تأسیس کرده بود - می‌رفت و ساعات اولیه صبح را به پژوهش و مطالعه می‌گذرانید، به‌گونه‌ای که دانشجویان و شاگردان ایشان در مرکز هم در آن ساعات ایشان را تنها می‌گذاشتند تا فقط به مطالعه بپردازد و برای پرسش یا بحث درباره مسائل مورد نظر خود مزاحم ایشان نمی‌شدند.»^۲

۲۲۸ شهر صور به‌منزله جامعه کوچکی است که بازتابی از اوضاع کلی لبنان را می‌توان در آن مشاهده کرد، به‌گونه‌ای که هم معضلات و هم تعدد مذاهب و فرقه‌ها در لبنان در این شهر نیز آشکار بود. امام صدر وجود پدیده ناخوشایندی که برای هر جامعه مدنی ناپسند است، یعنی تکدی‌گری و کثرت متکدیان را در کوچه و بازار شهر صور مشاهده کرد و راه حلی برای آن در نظر گرفت. بدین‌صورت که متکدیان سرشماری شوند و وضعیت اجتماعی آنان بررسی شود و برای نیازمندان واقعی مستمری و کمک‌هایی در نظر گرفته شود و این‌گونه بود که آن پدیده ناپسند از شهر صور رخت بربست.^۳

۲۲۹ بدین‌ترتیب، امام صدر دامنه فعالیت‌های خود را در همه زمینه‌ها گسترش داد و یاران او نیز همراهی‌اش کردند، درحالی‌که همه احساس می‌کردند که اتفاق تازه‌ای رخ داده و اندیشه و روحیه جدیدی حاکم شده است. آنان دیدند که امام حرکتی جدید به راه انداخته است که با سر دادن ندای همزیستی مسلمانان و مسیحیان

۱- الجمهور، بیروت، سپتامبر ۱۹۷۸، ص ۶.

۲- علول، حسن، حركة أمل ۱۹۷۸ - ۱۹۷۴، رسالة جدارة، معهدالعلوم الاجتماعية، صیدا، ۱۹۸۱، ص ۴۲.

۳- جمال‌الدین، نجیب، همان، ص ۵۹.

لبنان، به سوی همه آنان آغوش می‌گشاید.

۲۳۰ امام صدر باکی نداشت که به جوئی مغایر با عادات معمول شیعیان و حال و هوایی متفاوت با عرف رایج گام نهد و همین امر توانایی‌های شگرفی را برای حل و فصل تمامی مسائل و مشکلات در ایشان پدید آورده بود و ایشان را از عزلت و گوشه‌گیری‌هایی رها می‌کرد که روحانیون گاهی بدان دچار می‌شدند. تلاش امام برای حل و فصل مشکلی اجتماعی که در شهر صور پدید آمده بود، گواه روشنی بر این مدعاست. ماجرا از این قرار بود که در شهر صور، فردی مسیحی به نام ژوزف سلیم انتیبا - که یونانی الاصل بود و در زمان جنگ جهانی اول به لبنان مهاجرت کرده بود - در محله شیعه‌نشین شهر مغازه بستنی‌فروشی داشت و رقیب او که شیعه بود با استفاده از احساسات مذهبی مردم، آنان را از خرید بستنی از شخص مسیحی باز می‌داشت، تا اینکه روزی فرد مذکور، که او را عمو هم می‌نامیدند، نزد امام صدر رفت و موضوع را برای ایشان شرح داد. چندی بعد در یک روز جمعه، امام پس از اقامه نماز جمعه در مسجد شهر صور، به همراهان خود گفت که می‌خواهد دقایقی پیاده در بازار شهر قدم بزند. چند تن از یاران امام نیز با ایشان همراه شدند. در واقع، امام می‌خواست به دیدن بستنی‌فروش مسیحی برود. وقتی به آنجا رسیدند، امام در مقابل مغازه بستنی‌فروشی ایستاد و به صاحب مغازه گفت: «امروز از کدام نوع بستنی به ما می‌دهید؟!» عمو با شنیدن این جمله از بستنی‌های خود به امام و یارانش داد^۱ و، بدین ترتیب، امام با این رفتار خود بی‌آنکه مناقشه یا بحث و جدلی صورت گرفته باشد، امتناع مردم از خرید بستنی از شخص مذکور را پایان داد و به همگان اعلام کرد که این کار از نظر یک روحانی و رهبری که سید و از نسل پیامبر^ص است، پذیرفتنی و بی‌اشکال است.

۲۳۱ امام به‌خوبی توانست دیوارهای بی‌اعتمادی را فرو بریزد و این قبیل کارها را به امری معمول و رایج تبدیل کند. در این خصوص

۲۳۲ امام پس از درخواست خانواده زندانی با قائم مقام (فرماندار) صور تماس گرفت و از او خواست که آن جوان را به ضمانت امام آزاد کند. فرماندار با تعجب به امام عرض کرد: «... ولی او کمونیست است.» امام فرمود: «او فرزند من است.» و بدین ترتیب آن جوان آزاد شد و تنها سبب آزادی او هم امام صدر بود.

شمه‌ای از ویژگی‌های اخلاقی امام صدر

۲۳۳ در روابط شخصی و عمومی امام صدر، همواره تواضع و فروتنی مشهود بود و این ویژگی، در سعه صدر و شکیبایی ایشان برای حل مشکلات مردم بیش از پیش جلوه گر می‌شد. ایشان هیچ‌گاه غضبناک و برآشفته نمی‌شد و طوری به مشکلات و درد دل‌های مردم گوش فرامی‌داد که گویی خود از آن مشکلات رنج می‌برد.

۲۳۴ زمانی هم که نوبت به ایشان می‌رسید و لب به سخن می‌گشود از ایما و اشاره زیاد استفاده می‌کرد و به‌گونه‌ای درباره مسئله یا مشکل مورد بحث سخن می‌گفت که شنونده احساس می‌کرد به‌زودی حل خواهد شد. این ویژگی‌ها شخصیت امام را برای مردم جذاب و دوست‌داشتنی جلوه می‌داد و هرکه تواضع و فروتنی امام را از نزدیک لمس کرده بود، دوری از ایشان یا بدگمانی نسبت به او برایش دشوار و ناممکن می‌نمود.

۲۳۵ بسیار کم پیش می‌آمد که امام تند یا عصبانی شود، اگر چنین می‌کرد، نه از روی احساسات یا مصلحت‌طلبی، بلکه نتیجه حسی انسانی و ریشه‌دار در وجود ایشان بود. از این رو، همواره با لحن آرام و صدایی آهسته سخن می‌گفت، ولی اگر کسی می‌خواست درباره مسئله‌ای - که امام به نادرستی آن یقین داشت - با ایشان

۱- نعمه، ناصیف، قراءة فی سیرة و فکر سماحة الامام السید موسی الصدر، صص

خود می‌دانست که در صورت لزوم حتی در خانهٔ مسئولان را از جای بکند تا رأی و نظر خود را اعلام کند و وظیفه و رسالت خود را در قبال مردم و مسئولان ادا کند.

۲۴۰ این ویژگی‌ها امام صدر را در کانون توجه فرهیختگان طوایف مختلف قرار داد و کافی بود که نام امام سخنران مراسمی اعلام شود تا صدها نفر برای شنیدن گفته‌های ایشان در سالن‌ها حضور یابند.

گفته‌های برخی افراد که با امام دیدار کردند یا با او آشنا و یا مخالف بودند

۲۴۱ غسان تویینی، روزنامه‌نگار مشهور و وزیر سابق لبنان، دربارهٔ ایشان می‌نویسد: «امام صدر، چنان‌که همه می‌دانند، با آن قامت بلند و سیمای نورانی و نگاه‌های نافذ، از کاریزما و تأثیر روحی سحرآمیز برخوردار است...»^۱

۲۴۲ روزنامه‌نگاری نیز دربارهٔ امام چنین می‌گوید: «این مرد بلندبالا که در سیمای خود همهٔ ابعاد اطمینان و لذت اعتماد را گرد آورده است، به محض آنکه به دیدگانش - که از آرامش و بهجت و هوشیاری آکنده است - نظرافکنی، گویی به تو این امکان را می‌دهد که به دور از هرگونه تکلف و سختی، هر پرسشی را - از هر جا و دربارهٔ هر چیزی - مطرح کنی، و آن پرسش هرچه باشد، او برای پاسخ‌گویی آماده است. او نه فقط روحانی و عالم دینی است، بلکه دغدغه‌های انسان معاصر، از نگرانی تا هراس و ناآرامی را کاملاً دریافته است.»^۲

۲۴۳ یک روزنامه‌نگار زن به نام حنان معلوف در مصاحبه‌ای با امام صدر که در ضمیمهٔ روزنامهٔ النهار به چاپ رسید، پرسش‌های متعددی دربارهٔ ابعاد شخصیتی امام و نگرش ایشان به زن معاصر مطرح کرد. با وجود صریح بودن پرسش‌ها و مهارت مصاحبه‌کننده

بحث و مجادله کند و بر موضع نادرست خود اصرار ورزد، پاسخ امام را با صدایی رسا و تا حدی بلند می‌شنید که معمولاً برای اثبات گفته‌های خود به حدیثی از پیامبر یا ائمه^ع یا آیه‌ای از قرآن کریم استناد می‌کرد.

۲۳۶ اما در هنگام دیدار با شاگردان خود کاملاً خشنود و راحت به نظر می‌رسید، زیرا در آن دیدارها با آزادی بیشتر می‌توانست اندیشه‌های خود را مطرح کند. مطالبی که در این قبیل دیدارها عنوان می‌کرد، بیشتر به پاسخ پرسش‌های مطرح‌شدهٔ شاگردان اختصاص داشت و علاوه بر آن، برخی مسائل سیاسی و اجتماعی نیز در آن جلسات بازگو می‌شد و چون پاسخ‌های امام به روشی منسجم و با بیانی قانع‌کننده ارائه می‌شد، شاگردان امام با انگیزه و شور برای ترویج اندیشه‌های ایشان تلاش می‌کردند. بدین ترتیب، امام توانست نیرو و توان مجموعه‌ای از جوانان پرشور را به نیروی خود بیفزاید تا به اتفاق هم در مسیر هدف گام بردارند.

۲۳۷ با وجود تمامی تلاش‌هایی که برای ایجاد شک و شبهه دربارهٔ فعالیت‌های امام صورت می‌گرفت، ایشان همواره مراقب بود که به کسی توهین یا بی‌احترامی نشود و پیوسته می‌فرمود: «من به همه تعلق دارم و اگر هم کسی خود را دشمن من می‌داند، من چنین عقیده‌ای ندارم.»

۲۳۸ از لحاظ فرهنگی باید گفت که امام همچون ادیبی بزرگ بر زبان عربی تسلط داشت و در سخنان خود بسیار از آیات قرآن و آیات شعر استفاده می‌کرد.

۲۳۹ در عرصهٔ سیاسی، امام صدر استعداد و توانایی رهبری تمام اقشار را داشت و به‌خوبی می‌توانست در نخستین دیدار با آنان ارتباط برقرار کند. پیش از ورود ایشان به لبنان، بسیاری از روحانیان شیعه با مسئولان حکومتی هیچ ارتباطی نداشتند و در مراسم و مناسبت‌ها از آنان خبری نبود، زیرا وجه تشابه و نقطهٔ اشتراکی میان آنان وجود نداشت. به همین سبب، در رسانه‌های عمومی نامی از روحانیان به میان نمی‌آمد، هرچند آنان در وادی علم و معرفت بسیار توانا بودند. اما پس از حضور امام صدر در لبنان، این قاعده نقض شد و از میان رفت، زیرا امام صدر وظیفهٔ

۱- تویینی، غسان، حرب الآخِرین، انتشارات کلودلاته، پاریس، ۱۹۸۵، ص ۹۷

۲- الدیری، الیاس، ضمیمهٔ الدستور، ژوئن ۱۹۶۹، ص ۸

شدند، دشت‌هایی پرباران و کوه‌هایی سر به فلک کشیده که طلیه‌دار کاروان خورشیدند و تیمارخوار جوچه عقابان و از سربلندی و عظمت، پیشانی بر طاق آسمان می‌سایند؛ مرغزارها از شوق و عشق و نور آکنده بودند که سرانجام، تک‌سواری بر خاک پربرکت ما گام نهاد... و با عبور او بهار بر فراز بلندی‌ها و بر تل آوارها به جنبش درآمد و درد و رنج امت ما پایان یافت.^۱

۲۴۶ همچنین، علامه سیّد محمدحسین فضل‌الله درباره امام صدر می‌گوید: «ایشان اگر با مردم اختلاف نظر پیدا می‌کرد، ولی در عین حال، با آنان به توفیق می‌رسید. کسانی که با او اختلاف داشتند، احساس می‌کردند که سینه گشاده و جان شکیبایی او اختلافات را مایه دشمنی و عداوت نمی‌داند، بلکه آن را مبنای گفتگو و تفاهم و تنوع تجربیات قرار می‌دهد. از این رو، با تمام وجود همه مسائل و فضای جامعه را درک می‌کرد.»^۲ هم او در جای دیگر می‌گوید: «امام موسی صدر میبانی بیداری اسلامی را در لبنان تحکیم کرد و توانست روابط آزاداندیشانه و انسانی خود را با تمامی فرقه‌ها در این راه به کار گیرد... ایشان از لحاظ فقهی و قدرت تشخیص اولویت‌ها و مصلحت‌ها بسیار برجسته بود. من امروز اعتراف می‌کنم که در آن زمان، ما آنچنانکه باید، قدر برخی از طرح‌ها و برنامه‌های ایشان را ندانستیم و از آنها انتقاد کردیم، ولی درستی عقیده و روش ایشان بعدها بر ما آشکار شد. ایشان دارای بصیرت و بینشی ژرف و ذهنی نهان‌دان و تابناک بود.»^۳

۲۴۷ همچنین شاعره‌ای به نام زهرا الحرّ در قصیده‌ای به نام «جبل عامل» که در اواسط دهه ۱۹۶۰ سروده، از امام صدر چنین یاد کرده است:

عَوْدَتْ «عَامل» من سوء يُرادُ به بِاللهِ بِالْحَقِّ إِنجِيلاً و قرآناً
بِالصِّدْرِ مُنْذِعاً كَاللَّيْتِ مُنْطَلِقاً كَالشَّهْبِ مُقْتَدِراً عِزْماً و عرفاناً

۱- بخشی از مقدمه حسین شرف‌الدین بر کتاب منبر و محراب، دارالاقلام، بیروت، ۱۹۸۰.

۲- مجله الوحدة الإسلامية، شماره ۶۱، ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۷.

۳- مجله بینات، ۲۱/۱/۲۰۰۵.

در طرح آنها، خود وی درباره پاسخ‌های امام چنین می‌گوید: «زبان و بیان امام با دیگران تفاوت داشت. لازم نبود پرسشی را برای ایشان توضیح بدهی و ایشان سعی نمی‌کرد از پرسش‌هایی بگریزد که نمی‌خواهد به آنها پاسخ دهد. ویژگی ممتاز ایشان آن بود که اندیشه‌های اصیل دینی خود را با این هدف مطرح می‌کرد که واقعیتی را آشکار یا حقیقتی را تبیین کند. تلاش می‌کرد که هرآنچه تردید و پرسش و انتقاد در نزد مخاطب، اعم از پرسشگر یا شنونده، وجود دارد، دریابد؛ بی آنکه بخواهد با هیبت و ابهت خود یا جایگاه ویژه خویش مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد.»

۲۴۴ در پایان مصاحبه، خانم خبرنگار به این نتیجه رسیده بود که امام روحانی‌ای است متفاوت با همه روحانیان دیگر، و او در مقام خبرنگار می‌تواند هرآنچه را در ذهن دارد، بدون تردید یا خجالت، مطرح کند. او اضافه می‌کند: «امام بسیار باهوش و زیرک است و من در کلام ایشان، تجسم جالبی از احترام به زنانی که از نظر او در زمینه اصلاحات اجتماعی جایگاه خاصی داشتند، مشاهده کردم. ایشان درباره وضعیت زنان بدون اینکه او را محدود کند، سخن می‌گفت. او به توانایی‌های زنان اذعان داشت و آنان را کوچک و ناتوان نمی‌پنداشت، سرانجام اینکه توانایی‌های شخصی زنان را می‌ستود و آنان را در عرصه عام اجتماع به صحنه می‌آورد.»^۱

۲۴۵ سیّد حسین شرف‌الدین، یکی از بستگان امام، درباره ایشان چنین می‌نویسد: «او کلمه‌ای طیبیه در سرزمینی پاک است. با حضور خود حضور دیگران را تحت تأثیر قرار می‌داد و با شراره خویش در او آرزوهای تاریخ مجسم شد و در اندیشه او زمان هیزم‌های دیگر را شعله‌ور می‌ساخت تا برای مستضعفان نام و نشانی پدید آورد و برای آوارگان سایه‌ای بگستراند... از قدرت بازوان او چرخ‌ها به حرکت درآمد، از موج ایمان او چرخ‌ها به گردش افتاد و سرزمین ما بار دیگر در تاریخی جدید به پا خاست؛ تاریخی که حروف آن با الهام از سیره و روش علی^۴ نگاشته شده است. سرزمین ما به پاره اخگر تبدیل شد و فرزندانش شراره آتش

۲۵۱ «ایشان همان‌گونه که شاگرد خوبی بود، معلم خوبی هم بود و در هر دو حالت طلبه‌ها دوست داشتند هر جا که ایشان حضور دارد، حاضر شوند. هنگام تدریس مشوق شاگردان بود و هنگام علم‌آموزی پرسش‌های او نظرها را جلب می‌کرد. ایشان به محض آنکه مطلبی را فرامی‌گرفت، بلافاصله توانایی تدریس آن را پیدا می‌کرد. از این رو، زمانی که هنوز طلبه بود، استاد هم به شمار می‌آمد.»

۲۵۲ زهیر عسیران، رئیس پیشین سندیکای روزنامه‌نگاران، دربارهٔ ایشان می‌گوید: «پیش از آنکه شخصاً با امام موسی صدر آشنا شوم، از مردم دربارهٔ ایشان می‌شنیدم. برخی از آنان دربارهٔ حضور ناگهانی و فعالیت‌های ایشان پرسش‌ها و تردیدهای بسیاری مطرح می‌کردند و عده‌ای هم برعکس، کاملاً جذب ایشان شده و دور ایشان گرد آمده بودند... سرانجام لحظهٔ دیدار فرارسید و از همان لحظهٔ نخست، منظر نیکو و سیمای جذاب ایشان در کنار تواضع بسیار و لطافت و ادب و نگاه و گفتار و لهجهٔ غیرعربی و نگرش عمیق وی توجه مرا به خود جلب کرد... خلاصه بگویم که در وجود ایشان نوعی از دانش و اخلاق کریمانه و ملی‌گرایی و تواضعی همچون پیامبران یافتم که تا آن زمان سراغ نداشتم. ایشان به در خانهٔ تهیدستان و محرومان و ستمدیدگان می‌رفت و با تواضع و حیا وارد خانهٔ آنان می‌شد و می‌فرمود: کشاورزان... همان‌ها که با عرق جبین و کدیمین خود بر روی زمین کار می‌کنند تا زندگی خود را تأمین کنند و شرافت و کرامت خود را حفظ کنند، اینان را در باشگاه‌ها و سالن‌های جلسات نمی‌یابم، برای همین خودم نزد آنان می‌روم...»

۲۵۳ با توجه به دیدگاه‌ها و نوشته‌هایی که دربارهٔ امام صدر ذکر کردیم، جلوه‌هایی از ویژگی‌های شخصیتی و روابط اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی ایشان آشکار می‌شود و، بدین سان، باید گفت که اقدامات و فعالیت‌های ایشان نمی‌تواند متعصبانه یا دارای صبغهٔ فرقه‌ای باشد، چرا که تمامی فرقه‌ها و جریان‌های سیاسی

تَفَتَّحَتْ كُلُّ عَيْنٍ مِنْ حِصَاةِهِ وَعِبَاءٌ تَفَجَّرَ فِي الْأَعْمَاقِ إِيْمَانًا
 ۲۴۸ دیپلماتی امریکایی که در مراسمی با امام صدر دیدار کرده بود، در نامه‌ای به مقامات کشور خود چنین آورده است: «با امام صدر دیداری داشتم که یک ساعت به طول انجامید. با وجود آنکه با کمک مترجم گفتگو کردیم، باید بگویم در میان افرادی که در لبنان با آنان ملاقات کردم، ایشان یکی از کسانی است که بیشترین تحسین را در مخاطب برمی‌انگیزد، اگر نگویم تحسین برانگیزترین است؛ با قامتی بلندتر از شش فوت و چشمانی نافذ و گیرا. با وجودی که آرام و آهسته و بی‌طرفانه سخن می‌گوید، کاملاً می‌توانم تصور کنم که می‌تواند گروهی را برانگیزد تا به هر کار جسورانه‌ای که او می‌خواهد، اقدام کنند. توانایی خارق‌العادهٔ وی آشکار است و صفا و اخلاص او رعب‌انگیز...»

۲۴۹ میخائیل نعیمه، ادیب نامدار مسیحی، می‌نویسد: «بسی مایهٔ خرسندی است که برخی از روحانیان ما وظیفهٔ حقیقی و راستینی را ادا می‌کنند که دین بر آنان واجب کرده است، یعنی فراهم کردن زمینهٔ زندگی آبرومندانه برای همهٔ انسان‌ها در وطنی که آن را لبنان می‌نامیم. آنچه اکنون از اسقف حداد و امام صدر می‌شنویم، موجب خوشحالی است. اکنون وقت آن رسیده که میان دین و دنیا رابطه‌ای محکم برقرار کنیم و معبد و محراب را به کشتزار و کارخانه منتقل کنیم.»

۲۵۰ دکتر علی اکبر صادقی، استاد دانشگاه و از بستگان و دوستان امام صدر، دربارهٔ ایشان می‌گوید:

۱- جبل عامل را از شر بدخواهان در پناه خداوند و انجیل و قرآن قرار دادم. و به صدر سپردم که همچون شیر می‌خروشد و در عزم و اراده و عرفان چون کوه است، دیدگان از برکت او گشوده شد و ایمان در ژرفای دل‌ها جوشید. (برگرفته از آرشیو اسناد حاج حسن قبلان)

۲- نامهٔ جورج گادلی سفیر امریکا در بیروت به وزارت خارجهٔ امریکا، آوریل ۱۹۷۴؛ نعمة، ناصیف، قراءة فی سیرة و فکر سماحة الامام السید موسی الصدر، همان، ص ۴۳.

۳- البلاغ، ۵ مارس ۱۹۷۵، شمارهٔ ۱۷۱ و ۱۷۲، ص ۳۹.

۱- عسیران، زهیر، زهیر عسیران یتذکر... المؤامرات والانقلابات فی دنیا العرب، دارالنهار، بیروت، ۱۹۸۸، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۲۵۷ همه دوست داشتند که در کنار آن انسان باتسامح و خوش سیما و آن بزرگ‌مرد باوقار و پرهیبت قرار گیرند تا آوایش را، که فراخوان محرومیت‌زدایی و موجب تقویت بنیان عزت و کرامت و شهادت در راه احقاق حق و ابطال باطل بود، به گوش جان بشنوند.

۲۵۸ هرگاه لب به سخن می‌گشود، سرچشمه‌های حکمت از دل بر زبانش جاری می‌شد و چون بانگ برمی‌آورد، انبوه جمعیت غریب لبیک به ندای او را فریاد می‌کرد. آری، امام صدر طلایه‌دار بزرگان میهن است و در درخشان‌ترین صفحات تاریخ ما جاودانه است. پیشتاز محرومیت‌زدایی شد و امید برچیده شدن بساط ظلم را در جان‌ها زنده کرد تا فرزندان را تربیت کند که در دوستی وطن اخلاص داشته باشند؛ میهن‌دوستی صادق، چراکه میهن تأمین‌کننده معیشت و کرامت آدمی و نویددهنده آینده بهتر برای اوست.

۲۵۹ امام صدر با تکیه بر چنین اصولی حرکت خود را آغاز کرد و وجدان‌ها را از بند و عزلت بیرون آورد تا جهاد و فداکاری احیا شود. اینها، همه، دستاورد رهبران تاریخی‌ای است که راه را پیش روی نسل تحولات ملی گشودند و امام صدر پیشتاز و طلایه‌دار پیروزی‌سازانی بود که بار امانت رهبری و زعامت را در تاریخ این کشور بر دوش گرفته‌اند.

۲۶۰ امام صدر ویژگی‌های رهبران دینی و سیاسی و اجتماعی را در خود گرد آورده بود و پس از اینکه ریشه‌های ستم را برای مظلومان آشکار کرد، توانست در اعماق جان آنان انقلاب برپا کند و خود نیز با تمام نیرو و عزم خویش به دفاع از آنان پرداخت. امام صدر به مسائل ملت و امت خویش تعهد کامل داشت و مواضع و اقدامات ایشان، که تجلی حقیقی اندیشه و باورهای اوست، گواه روشنی بر این مدعاست.

۲۶۱ اکنون ما به بازخوانی روشی نیاز مبرم داریم که او پیش گرفت، اندیشه‌ای که مطرح کرد، عقیده‌ای که در دل داشت و امانتی که ادا کرد. و برآنیم که سیره امامی را بررسی کنیم که به حق

لبنان به آن گرایش پیدا کردند و به دیده تحسین و تقدیر به آن نگریستند. بدین ترتیب، نهضت امام صدر دفاع از حقوق بشر در سراسر لبنان را سرلوحه خویش قرار داد.

۲۵۴ همین جلوه‌های اعجاب‌انگیز سیره امام موسی صدر بود که مردم را پیرامون ایشان گرد آورد. امام اقدامات خود را تلاش‌هایی ناچیز و ادای وظیفه الهی خویش برای زدودن شک و تردیدها و تثبیت یقین و ایمان در دل‌های مخاطبان خود می‌دانست؛ ایمانی که در جان و اندیشه و احساس افراد بازتاب پیدا می‌کند و آنان را به اشخاص صالح جامعه مبدل می‌سازد.

۲۵۵ امام صدر در رصد آینده، حتی در میهن خود نیز غریب و تنها بود، چرا که بسیاری از افراد در پیچ و خم «حال» گرفتار شده بودند و به سوی «گذشته» می‌گریختند، درحالی‌که ایشان با حمایت از محرومان همه اقشار و فرقه‌ها، در صدد ایجاد تحول بود و بر آن بود که ملت لبنان را به عامل تحولات مثبتی بر تمدن تبدیل کند و از اتحاد ملت‌ها دریچه‌ای رو به وحدت لبنان بگشاید. فقط امام صدر این حقیقت را به خوبی دریافته بود که ظلم و سرکوب انسان را از عمل به وظیفه خویش در جامعه بازمی‌دارد و آمال آدمی را نابود و انسانیت او را پایمال می‌کند و، در نتیجه، او را عملاً از عرصه جهاد و پیکار بیرون می‌راند. از این رو، امام با جدیت در تمامی مراکز اجتماعی و عبادی و در میان گروه‌های مختلف به‌پا خاست تا قید و بندهای سنگین ظلم و سرکوب و عقب‌ماندگی را از دست و پای آحاد جامعه برگیرد و آنان را از پندار هراس و تردید رهایی بخشد.

۲۵۶ نام امام صدر همواره با اصلاح و تحول قرین بود و حضور او امید به گشایش و بهبود اوضاع و حل مشکلات را در دل‌ها زنده می‌کرد. دکتر احمد بیضون در این باره می‌گوید: «لازم نیست که زیاد حافظه‌ام را به زحمت بیندازم تا طرح و راهکار شیعیان را که در اواسط دهه شصت به‌عنوان راه‌حل معضلات سراسر لبنان مطرح شد، به یاد بیاورم. نیازی نیست که قوه تخیل خود را به زحمت بیندازم تا بلندی قامت موسی صدر را به خاطر آورم.»^۱

احیاگر دین در لبنان و در سراسر منطقه به شمار می آید.^۱

فعالیت‌های امام صدر در فاصله سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۴

گذاشت و رادیوی رسمی لبنان ابتدا بخش‌هایی از آن سخنرانی را در برنامه «نزهة» پخش کرد و چند روز پس از آن، سخنرانی امام به‌طور کامل از رادیوی لبنان پخش شد. این نخستین بار بود که همه لبنانی‌ها صدا و سخن امام صدر را می‌شنیدند. «مردم زبان جدیدی را با مضمونی عمیق و با لهجه آشکار ایرانی و لحنی جذاب و دوست‌داشتنی شنیدند.»^۲

۲۶۵ در تاریخ ۱۹۶۱/۱۲/۲۲، محمد قره‌علی، خبرنگار روزنامه بیروتی *الحیة*، با امام صدر مصاحبه کرد و در مقدمه آن چنین نوشت: «... در برابر جوانی بلندقامت ایستاده‌ام که هیبت از سر تا پایش را فراگرفته است. عمامه‌ای سیاه بر سر دارد و اتاقتش از مراجعان آکنده است... با هم درباره اصلاحات و ارشاد سخن گفتیم...»

۲۶۶ امام در پاسخ به پرسش خبرنگار مذکور درباره «هدف خود از اقداماتی که در کنار وظایف دینی به انجام می‌رساند»، فرمود: «وظیفه دینی من در لبنان، ارتقای سطح زندگی اجتماعی مردم به‌طور عام، و ارتقای سطح فرهنگ دینی مسلمانان به‌طور خاص است، زیرا معتقدم تا وقتی سطح زندگی و معیشت مردم به شکل کنونی باشد، ارتقای فرهنگ دینی میسر نخواهد بود.»

۲۶۷ در آن مصاحبه، امام صدر از طرح‌های در دست اجرا و تأسیس مؤسسه‌ای اجتماعی با هدف آموزش فنی و حرفه‌ای با روش‌های جدید و در رأس آنها آموزش قالبی بافی خبر داد.

۲۶۸ همچنین، امام صدر به پرسشی درباره فرقه‌گرایان و فِرَق لبنان و روش امام در مواجهه با این مسئله چنین پاسخ داد: «روش ما بر مبنای اسلام و براساس آیه کریمه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۳ است که به ما می‌آموزد در سازندگی و ارتقای سطح زندگی و رفتار اجتماعی از یکدیگر پیشی بگیریم و به تعصب و تخریب و دیگر مشکلات و نابه‌سامانی‌هایی که از آن رنج می‌بریم، توجهی نکنیم.» ایشان

۱-گردش

۲- فیاض، حلیم، «الجنوب احداث و ذکریات»، به نقل از مجله *شؤون جنوبیة*، شماره ۴۵، نوامبر ۲۰۰۵.

۳- «در کارهای خیر از یکدیگر پیشی بگیرید.» بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲

۲۶۲ امام صدر از زمان ورود به لبنان، صفحه جدیدی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی این کشور گشود. او که روحانی پرورش‌یافته در حوزه‌های علمیه بود، در روش‌ها و رفتارهای سنتی روحانیان تحولی بنیادین پدید آورد. این تحول انقلابی همه‌جانبه در این عرصه بود.

۲۶۳ امام فعالیت‌های اجتماعی را مبنای تحرک روزانه خود قرار داده بود؛ در کنار مردم عامی و ساده حضور می‌یافت، با آنان نشست و برخاست می‌کرد، سخنانشان را می‌شنید و با آنان به گفتگو می‌نشست و از نزدیک وضعیت آنان را مشاهده می‌کرد. از این رو، به دل‌های آنان نفوذ کرد و آنان نیز در دل او جای گرفتند. هدفی که امام در پی تحقق آن بود، با آمال و خواسته‌های مردم منطبق بود. از همان دوره، امام به نام مردم و برای آنان بانگ برآورد و فریاد زد و تلاش و فعالیتی روزانه را آغاز کرد که لبنان پیش از آن کمتر شاهد آن بود.

۲۶۴ امام فعالیت دینی و اجتماعی خود را از خانه‌ای ساده و محقر در محله الرمل شهر صور آغاز کرد و در مقام جانشین امام سید عبدالحسین شرف‌الدین تمامی وظایف و مسئولیت‌های وی را عهده‌دار شد. مردم با درجات و مناصب اجتماعی مختلف و از مذاهب متعدد با ایشان آشنا شدند. امام صدر در پاییز ۱۹۶۰ (۱۳۳۹ ش) در جشنی حضور یافت که به مناسبت سالگرد استقلال لبنان برپا شده بود. حلیم فیاض، فرماندار وقت صور، در آن مراسم از امام خواست که به آن مناسبت سخنانی ایراد کند. امام به او اعلام کرد که درباره موضوع «میهن دوستی و ایمان» سخن خواهد گفت. سخنان امام تأثیر عمیقی در حاضران برجا

دربارهٔ احزاب و گروه‌ها و عقاید و باورهای آنان نیز گفت: «امور اجتماعی و منافع امت را به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرده‌ایم. منظور از منافع مستقیم، اصلاحاتی است که می‌توانیم خواستار تحقق آن شویم یا برای تحقق آن تلاش کنیم. منافع غیرمستقیم هم عبارت است از تلاش برای بازسازی ساختار حکومت، به گونه‌ای که منافع مردم تأمین شود. به عنوان مثال، بیش از آنکه تشکیل یا انحلال یک وزارتخانه و موفقیت یا شکست یک کاندیدا برای من مهم باشد، کمک به وزارتخانه یا همکاری با نمایندهٔ مجلس برای اقدامات مؤثر و سازنده و ارتقای سطح معیشت مردم کشور برایم اهمیت دارد.

۲۶۹ بنابراین، وظایف من با وظایف احزاب تفاوت دارد، زیرا فعالیت احزاب معمولاً برای به دست گرفتن قدرت یا حمایت از حکومت یا کسب حمایت دولت است... امیدوارم همه به این نکته واقف باشند که ما با تمامی احزاب و گروه‌ها یکسان و بر مبنای آیهٔ «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»^۱ رفتار می‌کنیم.»^۲

مواضع میهنی امام صدر

۲۷۰ امام صدر پس از بررسی اوضاع کلی لبنان و به‌ویژه اوضاع جامعهٔ شیعیان این کشور، در صدد برآمد تا میان شیعیان و کشوری که تابعیت آن را دارند (لبنان)، پیوندی نزدیک برقرار کند و احساس آنان را نسبت به حکومت کشور خود برانگیزاند؛ هرچند در واقع در شهر و دیار شیعیان، اثری از حکومت نبود و گویی حکومت فقط به پایتخت و استان جبل لبنان تعلق داشت، زیرا دولت در عمل به وظایف خود در مناطق دیگر کوتاهی می‌کرد، درحالی‌که وظیفهٔ اساسی دولت تأمین نیازهای همهٔ شهروندان است. واقعیت تاریخی دیگر آن است که همواره میان شیعیان و حاکمان جدایی

تاریخی وجود داشته است.

۲۷۱ باتوجه به تمامی مطالب پیش‌گفته، امام صدر از زمان ورود به لبنان همواره برای تحکیم رابطهٔ منطقی با حکومت - به‌عنوان ساختاری قانونی و رسمی - تلاش می‌کرد، بی‌آنکه این رابطه بر جایگاه و تلاش‌ها و اهداف اجتماعی ایشان تأثیر بگذارد یا شأن و موقعیت ایشان را در دل‌های تمامی لبنانیان تحت تأثیر قرار دهد. امام همواره بر لزوم حفظ و حراست از کیان قانونی حکومت و احترام به دولت و نمایندگان آن تأکید می‌کرد، مشروط بر آنکه حکومت حقوق تمامی شهروندان را رعایت کند.

واکنش در برابر کودتای نافرجام

۲۷۲ آغاز سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۱ش) با کودتایی نافرجام ضد دولت رئیس‌جمهور، فؤاد شهاب، همراه بود که عده‌ای از افسران وابسته به حزب قومی-اجتماعی سوریهٔ تاریخی آن را ترتیب دادند. پس از شکست کودتا، امام به همراه گروهی از علمای شیعه به دیدار رئیس‌جمهور رفتند و آمادگی خود را برای حمایت از هرگونه تلاش به‌منظور یکپارچگی فعالیت‌ها در راه حفظ عزت و استقلال لبنان اعلام کردند. رئیس‌جمهور هم با سپاس و قدردانی از حضور آنان، بار دیگر آمادگی خود را برای پیگیری اجرای طرح اصلاحات به‌منظور ارتقای سطح معیشت در تمامی مناطق و برای همهٔ گروه‌ها و اقشار اعلام کرد.^۳

حضور در مراسم و مناسبت‌ها و ایراد سخنرانی

۲۷۳ از سوی دیگر، سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۱ش) شاهد مجموعه‌ای از مراسم و دیدارها و مناسبت‌هایی بود که امام صدر در آنها حضور یافت. از آن جمله، جشن اعیاد ربیع بود که در مجتمع آموزشی جعفریهٔ صور و با حضور غالب التُرك، استاندار جنوب لبنان، برگزار شد.^۴ مناسبت دیگر، جشن عید غدیر بود که با حضور گروهی از علما و نمایندگان مجلس و شخصیت‌های سیاسی

۱- «با سخنان حکیمانه و پند نیکو، مردم را به راه پروردگارت دعوت کن.» نحل (۱۶)، ۱۲۵.

۲- الحیاة، ۱۹۶۱/۱۲/۲۲.

۱- لسان‌الحال، ۱۹۶۲/۱۷.

۲- لسان‌الحال، ۱۹۶۲/۵/۱۸.

برگزار شد و اخبار مربوط به آن در رادیوی لبنان انعکاس یافت. در آن مراسم، امام صدر و شیخ عبدالله العلالی سخنرانی کردند.^۱ ۲۷۴ مراسم دیگری که امام در آن حضور یافت، ضیافتی بود که یکی از نمایندگان مجلس به نام نقولا سالم در منطقه کفر فالوس برپا کرد و علاوه بر امام صدر، اسقف یوسف الخوری (اسقف مارونیان صور و فلسطین) و باسیلیوس الخوری (اسقف کلیسای کاتولیک مناطق صیدا و دیر القمر) و شماری از نمایندگان مجلس نیز در آن حضور داشتند. در آن ضیافت، امام و دو رهبر دینی مذکور درباره مذاهب و فرقه‌های لبنان و لزوم یکپارچه شدن تلاش‌های ملی آنان مذاکراتی کردند و مقرر شد که رفت و آمد این سه نفر در مناطق مختلف تسهیل شود و هر سه نفر به اتفاق هم برای بازدید از مناطقی اقدام کنند که هم مسلمانان و هم مسیحیان در آنجا ساکن هستند.^۲ همچنین، امام صدر در مراسم دیگری، کلنگ احداث مسجد جدیدی در روستای کیفون را با حضور یکی از وزیران به نام رفیق نجا و شیخ شفیق یموت بر زمین زد و در آن مراسم سخنانی ایراد کرد.^۳

فعالیت‌های سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲ ش)

جمعیت برّ و احسان

۲۷۵ امام صدر در دوران اقامت خود در شهر صور با تلاش در راه تأمین نیازهای مردم، به‌ویژه محرومان و نیازمندان، در عرصه‌های مختلف اجتماعی حضور فعال داشت و برای تحقق اهداف مذکور در انجمن‌ها و جمعیت‌های مختلفی شرکت می‌کرد که در آن زمان برای خدمت به شهروندان تشکیل شده بود. در رأس آن مؤسسات «جمعیت برّ و احسان» شهر صور را می‌توان نام برد. ۲۷۶ در آغاز سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲ ش) امام صدر با صدور بیانیه‌ای، ضمن اشاره به فعالیت‌های دوساله جمعیت برّ و احسان، دستاوردهای این جمعیت در عرصه خدمات عمومی و خاص و در زمینه‌های بهداشتی و معیشتی و تربیتی و دینی را تبیین کرد. امام در آن بیانیه از جمعیت برّ و احسان حمایت کرد و یادآور شد که ادارات رسمی کشور، این جمعیت را دارای ماهیت فرقه‌ای و مخصوص یک گروه به‌شمار می‌آورند و این تصور در نزد برخی افراد وجود دارد. ولی امام خاطر نشان کرد که این جمعیت دو نوع فعالیت را به‌طور هم‌زمان دارد؛ نخست، ارائه خدمات عمومی و تلاش برای رفع مشکل فقر و بیماری و بی‌سوادی در شهر صور، که در این زمینه هیچ تفاوتی میان شهروندان قائل نمی‌شود و دوم، اقدامات ویژه‌ای همچون برپایی مراسم و اداره امور موقوفات شیعیان در شهر صور و رسیدگی به مساجد و مجالس سوگواری و بزرگداشت مناسبت‌های مذهبی....^۱

۱- لسان‌الحال، ۱۹۶۲/۵/۲۵.

۲- لسان‌الحال، ۱۹۶۱/۸/۲۵.

۳- لسان‌الحال، ۱۹۶۲/۹/۸.

رسالت معنوی لبنان و فراخوان انسانی

۲۷۷ در نخستین سال‌های دهه ۱۹۶۰ امام صدر در عرصه لبنان همچون ستاره‌ای نوظهور درخشیدن می‌گرفت و نخبگان شیعه و سپس تمامی فرهیختگان لبنان به تدریج توانایی‌های آن مرد خستگی‌ناپذیر را کشف می‌کردند. از آن زمان بود که در مراسم و مناسبت‌های مختلف از امام صدر دعوت می‌شد. از آن جمله ضیافت ناهار در هتل بریستول در تاریخ ۱۹۶۳/۱/۱ بود که آقای محمد قره‌علی به افتخار امام صدر برپا کرده بود و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی همچون شیخ عبدالله العلالی و فؤاد افرام و کشیش یوسف الخوری، اسقف شهر صور، و سعید عقل و عفیف الطیبی، رئیس انجمن روزنامه‌نگاران، و غالب التبرک، استاندار جنوب، در آن شرکت داشتند. در آن مراسم، امام در سخنانی همگان را به تلاش برای احیای رسالت روحانی و معنوی لبنان - که به یک فراخوان انسانی و مبتنی بر محبت و فراتر از همه منازعات و اختلافات منتهی می‌شود - دعوت کرد و افزود: «تعجبی ندارد که روزنامه‌نگاران برای یک روحانی مراسم بزرگداشت برگزار می‌کنند و نخبگان عرصه دین و اندیشه در آن حضور می‌یابند، زیرا عبادت و پرستش خداوند فقط به محراب مساجد و کلیساها اختصاص ندارد و روزنامه‌نگار هم هنگامی که به رسالت خود عمل می‌کند، در حال عبادت پروردگار است و روزنامه‌اش محراب او خواهد بود. درک صحیح علمای دین و روزنامه‌نگاران از اهمیت مسئولیت و تأثیر عمیق خویش آنان را بر آن می‌دارد که اهمیت رفتار و گفتار و موضع‌گیری‌های خود را حتی در نحوه چاپ یک تصویر یا درج یک خبر به‌خوبی دریابند.»^۱

۲۷۸ همچنین آقای احمد شیخ‌علی اسماعیل، اهل روستای شحور که از فعالان منطقه جنوب و حامیان امام صدر به شمار می‌آمد، در ضیافت شامی در هتل بریستول، که با حضور شخصیت‌های بزرگ فرهنگی و علمی و سیاسی و دینی برگزار شد، از امام صدر تجلیل کرد و امام نیز در آن مراسم با ایراد سخنرانی حاضران را به

پایداری و احترام متقابل فراخواند.^۱

حضور در مجلس ترحیم پاپ ژان پل سوم

۲۷۹ امام صدر که فرصت نیافته بود به سرعت طرح‌ها و اندیشه‌ها و مواضع خود را برای همگان تبیین کند، از هر فرصت مناسبی برای تشریح طرح فراگیر سیاسی-اجتماعی خود بهره می‌گرفت.

۲۸۰ از جمله اقداماتی که در بینش ملی و دینی امام صدر جایگاه مهمی داشت، حضور در مراسم و مناسبت‌های مختلف برادران مسیحی بود. علاوه بر این، امام در پی گسترش روابط با نمایندگان فرقه‌ها و مذاهب مختلف لبنان، به‌ویژه مسیحیان بود و ایجاد رابطه مستحکم با کانون‌ها و مراکز جهانی آن ادیان و مذاهب را نیز در دستور کار خود داشت.

۲۸۱ در تاریخ ۱۹۶۳/۶/۶ امام صدر در مراسم بزرگداشت و ترحیم جناب پاپ ژان پل سوم در شهر صور مشارکت کرد. در آن مراسم که به ریاست اسقف یوسف الخوری برگزار شد، امام صدر در سخنانی چنین گفت: «ما و تمامی جهانیان جناب پاپ ژان پل را از دست دادیم و دیدگان عدالت و محبت و آزادی و تواضع بر ایشان گریان شد.» امام در آن سخنرانی «منشور صلح بر روی زمین» را که جناب پاپ اندکی پیش از فوت آن را تنظیم و صادر کرده بود، در دست گرفت و بر اهمیت مفاد آن، به‌ویژه رابطه انسان با دین و رابطه دین با امنیت و صلح جهانی تأکید کرد و در پایان افزود: «ما در لبنان، بیش از همه سزاوار آنیم که از محبت و تسامح بهره‌گیریم و آن را چون نیایشی در تکریم روح جناب پاپ بر زبان آوریم.»

سفر به واتیکان و مسئله دستگیری امام خمینی^۲

دستگیری امام خمینی^۲

۲۸۲ امام خمینی^۲ مسئله فلسطین را یکی از دغدغه‌های خود قرار داده بود و شاه را از همکاری با اسرائیل برحذر می‌داشت. ایشان با رابطه میان شاه و اسرائیل به شدت مخالف بود و به رسمیت

شناختن اسرائیل از سوی شاه را نفی کرد و معتقد بود که «هم‌پیمانان اسرائیل از ما نیستند.»

۲۸۳ پس از حادثه حمله مزدوران شاه به مدرسه فیضیه قم [در نوروز ۱۳۴۲ ش] که هم‌زمان با گردهمایی طلاب برای مراسم عزاداری به مناسبت سالروز شهادت امام صادق^ع به وقوع پیوست، امام خمینی^{ره} در سخنرانی‌های خود صریحاً اعمال شاه را محکوم می‌کند و با صدور چندین بیانیه خطاب به ملت ایران، آنان را به مبارزه با مزدوران استعمار و صهیونیسم فرامی‌خواند. در پی این وقایع، شاه فرمان دستگیری امام خمینی^{ره} را صادر کرد و به دنبال آن، نیروهای ارتش به روی مردمی آتش گشودند که برای آزادی امام خمینی^{ره} دست به راهپیمایی زده بودند و فاجعه کشتار ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ ش (۱۹۶۳) به وقوع پیوست که در آن پانزده هزار نفر به شهادت رسیدند و شمار دیگری دستگیر و زندانی شدند.^۱ اقدامات امام موسی صدر و تماس‌هایی که ایشان با علمای بزرگ برقرار کرد و نیز طرح موضوع از سوی امام صدر در محافل مختلف بین‌المللی، در آزادی امام خمینی که مدتی بعد صورت گرفت، تأثیر داشت.

سفر امام صدر به واتیکان

۲۸۴ امام صدر در سفری پنج‌روزه به دعوت واتیکان عازم ایتالیا و در شهر رم با استقبال گرمی روبرو شد و ایشان برای حضور در مراسم تاجگذاری پاپ ژان پل ششم دعوت شد. امام صدر نیز موضوع دستگیری امام خمینی در ایران و مواضع علما و حکومت ایران را برای جناب پاپ تشریح و پاپ نیز نظر مثبت خود را ابراز کرد.

۲۸۵ بدین ترتیب، امام صدر نخستین روحانی مسلمان بود که به واتیکان سفر کرد. این سفر تاریخی بی‌سابقه برای مسیحیان و مسلمانان اهمیت خاصی داشت و تجلی جلوه‌هایی از آزاداندیشی ایشان بود. برخی افراد از این سفر ناخشنود بودند و در برابر آن

موضع‌گیری و از آن انتقاد کردند.

۲۸۶ پس از آن، امام صدر سفر خود را به سویس و فرانسه و بلژیک و اسپانیا و الجزایر و مراکش ادامه داد^۱ و دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی از او استقبال کردند. امام صدر در آن سفر با شخصیت‌های مهم تماس گرفت و روزنامه‌های مهم جهان و فعالان اجتماعی ژنو و هامبورگ و پاریس و ژن و دیگر مناطق را از موضوع دستگیری امام خمینی آگاه کرد. آیت‌الله خویی، مرجع بزرگ شیعیان جهان، در این خصوص می‌گوید: «سفر سید موسی [صدر] نقش اساسی در آزادی سید خمینی داشت.»

۲۸۷ در تاریخ ۱۶/۸/۱۹۶۳ (۲۵/۵/۱۳۴۲ ش) امام صدر پس از سفری حدوداً دو ماهه، از طریق قاهره به بیروت بازگشت و سپس با خودرو رئیس پارلمان لبنان، صبری حماده، درحالی‌که ده‌ها خودرو دیگر آنان را همراهی می‌کردند، به سوی شهر صور ادامه مسیر داد. جای جای شهر صور در استقبال از امام به طاق نصرت و دیگر تزئینات آراسته شده بود و جمعیت کثیری برای خوشامدگویی به امام به خیابان‌ها آمده بودند.^۲

امام صدر و انتخابات شهرداری صور

۲۸۸ اقدامات روزانه امام صدر و حضور ایشان در عرصه‌های مختلف زندگی مردم، ایشان را به مشارکت در تمامی رویدادهای کوچک و بزرگ شهر صور سوق داد. بر این اساس، امام به محور اصلی مسائل مهم شهر و منطقه مبدل شد. ایشان با وجودی که به‌تازگی به جامعه‌ای متفاوت با فضای دوران جوانی خود در ایران و عراق گام نهاده بود، اهداف و اعمال و نیات خود را در کانون وقایع روزانه سیاسی و اجتماعی نشان داد و این موضوع با نزدیک شدن انتخابات شهرداری در سال ۱۹۶۳ بیش از پیش آشکار شد؛ انتخاباتی که تمامی شهرها و روستاهای لبنان و از جمله شهر صور را به خود مشغول کرده بود.

۱- الحیاة، ۱۹۶۳/۷/۶.

۲- النهار، ۱۹۶۳/۸/۱۷.

۱- دراسات فی الفكر السياسي للإمام الخميني، کتاب توحید، ج ۳، صص ۱۱۵ تا

۱۲۰.

۲۸۹ رأس آنان بود. حاضران در آن دیدار بازگشت امام از سفر اروپا و مراکش را خیرمقدم گفتند.^۱

۲۹۴ پیش از آن، امام صدر در مراسم شب هفت مرحوم محمود نصار و مرحوم نجیب بدرالدین در شهر نبطیه شرکت کرده بود و در مراسمی که در آن شهر به آن مناسبت برگزار شد، سخنانی با موضوع دینی و اجتماعی ایراد کرده بود.^۲

۲۸۹ پس از بازگشت از سفر، امام تلاش خود را برای ائتلاف میان نمایندگان شهر صور در مجلس لبنان به منظور از بین بردن اختلافات و ارائه فهرست مشترک در انتخابات شهرداری‌ها آغاز کرد. امام برای رسیدن به این هدف چندین نشست برگزار کرد و در مصاحبه‌ای با روزنامه‌الْحیَاة چاپ بیروت، علت اصلی تلاش‌های خود را چنین تشریح کرد: «من مایل بودم که به سبب نداشتن وقت کافی در چنین موضوعی وارد نشوم... اما تمایل عده زیادی از افراد موجب شد که راهکار مشخصی برای پیشبرد کارها در نظر بگیرم تا تمامی گروه‌های موجود ائتلاف کنند... و دقت خواهیم کرد که افراد [معرفی شده در فهرست‌ها] صلاحیت و شایستگی لازم را داشته باشند.»^۱

۲۹۰ درباره همین موضوع جلسه‌ای نیز در منزل امام صدر و در حضور او برگزار شد که در آن، نمایندگان شهر صور در مجلس و نمایندگانی از احزاب حضور داشتند و حاضران، تمامی پیشنهادهای امام صدر را درباره فهرست نامزدهای ائتلاف، که اشخاص بی‌طرف و فاقد گرایش حزبی بودند، پذیرفتند.^۲

۲۹۱ روزنامه‌الْحیَاة در شماره روز ۱۵/۹/۱۹۶۳، گزارش داد که رقابت اصلی میان چهار فهرست ادامه دارد که یکی از آنها مستقل است؛ یعنی همان فهرستی که امام صدر به‌عنوان فهرست نامزدهای ائتلاف پیشنهاد کرده است.^۳

۲۹۲ اما تلاش‌های امام صدر برای ائتلاف گروه‌ها و ارائه فهرست مشترک در انتخابات شهرداری صور به نتیجه نرسید و ایشان ترجیح داد از دخالت در این انتخابات کناره‌گیری کند.

۲۹۳ فعالیت‌های امام صدر در مناطق مختلف همچنان گسترش می‌یافت. در تاریخ ۵/۹/۱۹۶۳ ایشان هیئتی متشکل از شخصیت‌های منطقه نبطیه را به حضور پذیرفت. نزدیک به یکصد شخصیت در آن هیئت حضور داشتند و دکتر علی بدرالدین در

۱- النهار، ۱۸ و ۲۱ و ۲۳/۸/۱۹۶۳.

۲- النهار، ۲۳، ۲۸، ۲۹ و ۳۱/۸/۱۹۶۳.

۳- الْحیَاة، ۱۵/۹/۱۹۶۳.

۱- الْحیَاة، ۱۵/۹/۱۹۶۳.

۲- الْحیَاة، ۱۹/۱۱/۱۹۶۳.

- مرجع شیعیان در سفر حج؛ نکته‌ها و نظرها».^۱
- ۳۰۰ - احداث مسجد جدید در روستای کیفون.^۲
- ۳۰۱ - سخنرانی در روستای شقرابه مناسبت یکی از اعیاد مسیحیان.^۳
- ۳۰۲ - سخنرانی در شهر نبطیه و در مراسم ترحیم آنتوان الصائغ.^۴
- ۳۰۳ - سخنرانی در انجمن فرهنگ و ادب شهر صیدا با عنوان «فرقه‌گرایی و سکولاریزم».^۵
- ۳۰۴ - همچنین در این سال، امام صدر مؤسسه «بیت الفتاة» و مدرسه «الهدی» را تأسیس کرد. در بیت الفتاة، علاوه بر سوادآموزی، رشته‌های خیاطی و خانه‌داری آموزش داده می‌شد. مدرسه الهدی نیز کودکان و کلاس اول ابتدایی دخترانه را شامل می‌شد. تأسیس مرکز مطالعات اسلامی در شهر صور از دیگر اقدامات امام در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ ش) بود. در این مرکز علوم اسلامی به روش جدید و امروزی آموزش داده می‌شود و از سراسر لبنان و کشورهای خارجی، به‌ویژه آفریقا، دانشجوی پذیرفته می‌شود. آموزش در این مرکز رایگان است و گروهی از روحانیان برجسته بر روند آموزش نظارت دارند.^۶
- ۳۰۵ - در سال ۱۹۶۵ (۱۳۴۴ ش) نیز امام صدر در مراسم و مناسبت‌های متعددی شرکت و سخنرانی کرد که مهم‌ترین آنها عبارت بود از:
- ۳۰۶ - سخنرانی در دبیرستان الوطنیه بیروت با عنوان «اسلام، معیار تمدن بشری».
- ۳۰۷ - سخنرانی با عنوان «اسلام و آموزش‌های مدنی» در مجتمع

مبارک معاونت آن را برعهده داشت و در جلسات آن، بزرگان و صاحب‌نظران کارشناسان و دانشمندان و اندیشمندان دعوت می‌شدند.

۱- الحیة، ۱۹۶۴/۴/۷.

۲- الجریدة، ۱۹۶۴/۷/۲۲.

۳- الجریدة، ۱۹۶۴/۸/۱۶.

۴- الحیة، ۱۹۶۴/۹/۱۹.

۵- الحیة، ۱۹۶۴/۱۲/۲۳.

۶- آرشو جمعیت بر و احسان.

سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵؛ نهضت اجتماعی - فرهنگی

۲۹۵ دغدغه‌های سیاسی که به تدریج در اعماق طرح امام صدر وارد می‌شد، نتوانست امام را از ایفای نقش مهم تربیتی خود بازدارد. دعوت از امام برای حضور در مراسم و مناسبت‌های دینی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی افزایش یافت، چرا که اقشار مختلف مردم به‌ویژه فرهیختگان فرقه‌های مختلف، اینک به سخنان مردی روحانی توجه می‌کردند که به لبنان آمده بود و اندیشه‌ها و علوم و اصولی را به همراه داشت که لبنان پیش از آن ندیده و نشنیده بود. از این رو در سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ (۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ ش) امام سلسله فعالیت‌های فکری و علمی و دینی خود را ادامه داد و اندیشه‌های خود را از تربیون‌های مختلف و متعدد در فرقه‌ها و مناطق گوناگون اعلام کرد.

۲۹۶ با آغاز سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ ش) امام صدر حضور در مراسم و دیدارها و مناسبت‌ها را ادامه داد و این دیدارها فرصت مناسبی بود که در آنها امام می‌توانست حاضران را راهنمایی و ارشاد کند. مهم‌ترین دیدارها و مراسم آن سال عبارت بود از:

۲۹۷ - مراسم نکوداشت امام صدر در منطقه خربه سلم در تاریخ ۱۹۶۴/۳/۱۵.^۱

۲۹۸ - مراسم کلنگ‌زنی برای احداث مسجد روستای بحبوش (منطقه کوره).^۲

۲۹۹ - سخنرانی در همایش «الندوة اللبنانیة»^۳ تحت عنوان «نخستین

۱- الحیة، ۱۹۶۴/۳/۱۵.

۲- الحیة، ۱۹۶۴/۳/۲۶.

۳- انجمن فکری - فرهنگی لبنان که میشل اسمر آن را تأسیس کرد و اسقف یواکیم

- آموزشی المقاصد شهر صیدا.
- ۳۰۸ - سخنرانی با موضوع روزه در مسجد بزرگ العمری صیدا.
- ۳۰۹ - سخنرانی با عنوان «جامعه؛ از فرقه‌گرایی تا سکولاریزم» به دعوت اتحادیه دانشجویان بقاع در سالن سینما امیر شهر زحله.
- ۳۱۰ - سخنرانی با عنوان «اسلام و فرهنگ قرن بیستم» در سلسله نشست‌هایی که درباره مسیحیت و اسلام در الندوة اللبنانية برگزار می‌شد.
- ۳۱۱ - حضور در مراسم افتتاح نمایشگاه هنر و صنایع دستی مجتمع آموزشی جعفریه شهر صور.
- ۳۱۲ - سخنرانی کوتاه در مراسم نکوداشت ابراهیم درویش در شحور.
- ۳۱۳ - سخنرانی کوتاه در جشن میلاد پیامبر اعظم^ص در مؤسسه خیریه کیفون.
- ۳۱۴ - سخنرانی در باشگاه فرهنگی التضامن در علمات در منطقه جبیل با عنوان «تأثیر عوامل روانی در شکل‌گیری روحیه اجتماعی»^۱.
- ۳۱۵ - در آن سال، امام صدر به ایران و عراق سفر کرد و در آن سفر با گروهی از کارشناسان حرفه‌قالی‌بافی در ایران قراردادی منعقد کرد که براساس آن قالی‌بافی در شهر صور آموزش داده شود. همچنین، قراردادی نیز با کارشناسان صنعت چای برای اعزام متخصصان و آموزش کشت چای در برخی مناطق لبنان به امضا رسید.^۲

سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵ ش)

۳۱۶ در سال ۱۹۶۶ امام صدر فعالیت سیاسی خود را هم‌زمان با حرکت فکری و تبلیغی گسترش داد و در این زمان، اصطلاحات و واژگان گفتمان سیاسی ایشان به ظهور رسید. در آن دوره، امام برخی از اصطلاحات گفتمان سیاسی خود را همواره تکرار می‌کرد که مهم‌ترین آنها عبارت بود از مناطق محروم و برابری بر اساس شهروندی و نه فرقه‌گرایی و حقوق محرومان و همچنین درخواست علنی برای تشکیل مجلسی به منظور سامان‌دادن به امور شیعیان، همانند مجالس رسمی اهل سنت و دروزی‌ها و مسیحیان.

حقوق مناطق محروم

۳۱۷ در تاریخ ۱۷/۲/۱۹۶۶، در محل «انجمن علمی راهنمایی» (جمعية الهدایة و الارشاد العلمیة) نشستی با حضور عده‌ای از علما و نمایندگان مجلس و شخصیت‌های مناطق بقاع و جنوب و بیروت تشکیل شد. در آن نشست، پس از بررسی حقوق مناطق محروم، کمیته‌ای تشکیل شد تا با تدوین بیانیه‌ای خطاب به شارل حلو، رئیس‌جمهور وقت لبنان، اوضاع شیعیان و مشکلات و محرومیت آنان را بازگو کند.

۳۱۸ در ادامه، هیئتی متشکل از امام صدر و شیخ حسین الخطیب، به نمایندگی از علما، و همچنین تمامی نوزده نماینده شیعه پارلمان به همراه کمیته تدوین بیانیه برای دیدار با رئیس‌جمهور و تسلیم بیانیه به نمایندگی از شیعیان انتخاب شد. در آن نشست صبری حماده، رئیس پارلمان لبنان، نیز حضور داشت. پیش از برگزاری نشست، امام در سخنانی که در بقاع ایراد کرده بود، همگان را به

۱- مسیره الامام السید موسی الصدر، صص ۱۲۸-۱۲۵.

۲- الحیاة، ۲۹/۲/۱۹۶۵.

«میان‌روی و تلاش برای رسیدن به برابری با استفاده از راهکارهای قانونی و براساس اصول شهروندی و نه فرقه‌ای» و نیز «احقاق حقوق اقشار و طوایف محروم از حق خویش» فراخوانده بود.^۱

۳۱۹ در تاریخ ۱۹۶۶/۲/۱۸، رئیس‌جمهور، شارل حلو، در کاخ ریاست‌جمهوری واقع در سنّ الفیل، هیئت اعزامی از مناطق محروم را به ریاست صبری حماده، رئیس پارلمان لبنان، به حضور پذیرفت. در آن دیدار، امام موسی صدر و شیخ حسین الخطیب در سخنانی خواسته‌ها و نمایندگان پارلمان و نمایندگان جمعیت‌ها و گروه‌ها و شخصیت‌های حاضر در نشست انجمن علمی راهنمایی، مبنی بر رعایت برابری و عدالت توزیع در فرصت‌های شغلی و طرح‌های عمرانی برای مناطق محروم را به سمع حاضران رساندند.^۲ امام صدر پیش از آن خواستار ملاقات با نخست‌وزیر وقت، رشید کرامی، شده بود تا به نمایندگی از کمیته پیگیری خواسته‌های شیعیان با وی گفتگو کند.^۳

اتهامات ساختگی ضد امام و واکنش مردم و مسئولان

۳۲۰ فعالیت‌های گسترده امام صدر که دامنه آن هر روز وسیع‌تر می‌شد، به مذاق برخی سردمداران و رهبران سنتی شیعه، به‌ویژه خانواده‌های فئودال شیعه، خوش نیامد. آنان حرکت امام را تهدیدی مستقیم برای اهداف و برنامه‌های خود به‌شمار می‌آوردند و همین انگیزه‌ای بود تا برضد ایشان اتهاماتی ناروا و ساختگی را رواج دهند. از جمله گروه‌هایی که به ترویج این شایعات دامن می‌زدند، طرفداران کاظم الخلیل، نماینده صور، بودند که شایعاتی را با هدف زیر سؤال بردن جایگاه دینی و اجتماعی امام رواج دادند، اما نتیجه‌ای نگرفتند و چاه‌کن خود

در چاه افتاد و آن تهمت‌ها در روند فعالیت‌های امام خللی ایجاد نکرد.

۳۲۱ در تاریخ ۱۹۶۶/۸/۳ (۱۳۴۵/۵/۱۴ ش) بیانیه‌ای در شهر صور توزیع شد. در آن بیانیه آمده بود که اهالی شهر صور قصد دارند به منظور محکوم کردن افرادی که ضد امام شایعه‌پراکنی می‌کنند، دست به اعتصاب بزنند و بدین وسیله حمایت و پشتیبانی خود را از امام اعلام کنند. بخش دیگری از بیانیه به تجلیل از امام و محکومیت شایعه‌پراکنان و فرصت‌طلبان اختصاص داشت که سعی دارند تلاش و فعالیت‌های امام را محدود کنند. فردای آن روز در تاریخ ۱۹۶۶/۸/۴ (۱۳۴۵/۵/۱۵ ش) شهر صور و برخی روستاهای جنوب شاهد اعتصاب کامل شهروندان بود.

۳۲۲ همچنین، طی مراسمی که در باشگاه فرهنگی امام جعفر صادق^ع برگزار شد، سید جعفر شرف‌الدین و هنری لحدو، استاندار جنوب، و دکتر شکراله حداد و تنی چند از شخصیت‌های منطقه، سخنانی در حمایت از امام ایراد کردند و استاندار جنوب، هنری لحدو، بر جدیت مسئولان در پیگرد قانونی مروجان شایعات برضد امام و دیگر علمای دین تأکید کرد. امام صدر نیز در سخنانی همگان را به مهرورزی و همبستگی و دوری از کینه‌توزی فراخواند. عصر آن روز امام صدر در مقر ریاست‌جمهوری در عالیه با شارل حلو، رئیس‌جمهور، دیدار و گفتگو کرد.

۳۲۳ تلگراف‌های متعددی در محکومیت شایعه‌پراکنی‌ها و درخواست پیگرد عاملان آن به امام صدر واصل شد. هیئت‌ها و گروه‌های مختلف نیز پی‌درپی با حضور در شهر صور حمایت خود را از امام اعلام می‌کردند. امام همگان را به آرامش دعوت کرد و از آنان خواست که به دولت فرصت دهند تا به وظایف قانونی خود عمل کند.^۱ دادستان کل متهم را به جرم شایعه‌پراکنی برضد امام صدر مجرم شناخت و او را بازداشت کرد.^۲ رئیس‌جمهور نیز استاندار جنوب، هنری لحدو، را به نمایندگی از

۱- الحیاة، ۱۹۶۶/۲/۱۷.

۲- الحیاة، ۱۹۶۶/۲/۱۹.

۳- الجریدة، ۱۹۶۶/۲/۲۵.

۱- الحیاة، ۱۹۶۶/۸/۹.

۲- الحیاة، ۱۹۶۶/۸/۱۴.

خود به شهر صور فرستاد و وی در دیدار با امام مراتب تأسّف خود را از توطئه‌چینی برضد ایشان ابراز کرد و همگان را به آرامش و خودداری از برهم زدن نظم عمومی فراخواند.^۱ این در حالی بود که سبیل تلگراف‌ها و هیئت‌های اعزامی از سراسر لبنان برای حمایت از امام و محکوم‌کردن اقدامات توطئه‌گران همچنان ادامه داشت.^۲

تلاش برای تشکیل مجلس اعلای شیعیان

۳۲۴ ابراز محبت عموم مردم لبنان، به‌ویژه شیعیان، به امام و همدلی با او در برابر اتهامات و شایعه‌سازی‌ها، ایشان را برآن داشت تا طرح سیاسی خود را آشکار کند، طرحی که یکی از ارکان مهم آن ساماندهی اوضاع شیعیان لبنان بود. طرح امام عبارت بود از تشکیل مجلسی برای شیعیان که همچون مجالس دیگر مذاهب از حقوق شیعیان پاسداری کند. امام ابتدا درصدد تشکیل مجلسی متحد و یکپارچه برای همه مسلمانان لبنان بود و هنگامی که طرح اولیه ایشان با مخالفت روبرو شد، تأسیس مجلس ویژه شیعیان را در دستور کار خود قرار داد.

۳۲۵ امام صدر در تاریخ ۱۹۶۶/۸/۱۵ (۱۳۴۵/۵/۲۶ ش) کنفرانسی مطبوعاتی برپا کرد و در آن، ضمن تشکر از مواضع روزنامه‌نگاران در قبال شایعات منتشر شده بر ضد خود، خشنودی خود را از موضع ملت و دولت در محکوم‌کردن آن اقدامات ابراز کرد. از طرفی، آن کنفرانس مطبوعاتی فرصت مناسبی بود تا امام برنامه خود را برای رفع محرومیت شیعیان آغاز کند. امام ابتدا درباره ظلم و نابرابری‌هایی سخن گفت که از دیرباز در حق شیعیان روا داشته می‌شد و سپس خواستار تشکیل نهادی رسمی برای شیعیان شد که علاوه بر رسیدگی به امور جاری و موقوفات و مؤسسات شیعیان، ساماندهی و ایجاد ساختار اداری شیعیان را نیز عهده‌دار شود.

۳۲۶ امام صدر از عموم شیعیان خواست که با ارسال نامه و تلگراف خواسته خود را به گوش رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و رئیس پارلمان لبنان برسانند و از آنان بخواهند تا با تصویب قانونی همانند ماده قانون شماره ۱۸، قانون ساماندهی اوضاع اهل سنت، و نیز قانون ساماندهی وضعیت دروزیان لبنان، امکان سامان‌یافتن وضعیت شیعیان را نیز فراهم آورند.^۱

۳۲۷ پس از این همایش، بسیاری از شهرداری‌ها و شخصیت‌های مختلف حمایت خود را از خواسته‌های امام اعلام کردند. همچنین، جمعیت‌ها و گروه‌های مناطق مختلف لبنان نیز اقدام مسئولان را برای ساماندهی وضعیت شیعیان خواستار شدند.^۲

دیدار امام و اهالی جنوب از بعلبک؛ محرومیت شیعیان و لزوم ساماندهی

۳۲۸ امام صدر برای بازدید اهالی بعلبک و بقاع که مشتاقانه در محل اقامت امام حاضر شده بودند، با کاروانی متشکل از صدها خودرو به همراه شماری از علما و اهالی جبل‌عامل عازم بعلبک شد. در پی حضور امام، در این شهر همایشی مردمی برپا شد که هزاران نفر از مناطق مختلف در آن حضور داشتند. سخنرانان این همایش همگی بر ضرورت انتخاب «مفتی» برای شیعیان و اتحاد آنان تأکید کردند و امام صدر را شخص مناسبی برای تصدی این جایگاه مذهبی و معنوی دانستند.

۳۲۹ در پایان این مراسم، امام صدر در سخنانی با تأکید بر اینکه جنوب و بقاع و دیگر مناطق لبنان با هم برابر و یکسان هستند، درخصوص وضعیت شیعیان خاطر نشان کرد: «نیمی از روستاهای شیعه‌نشین لبنان محروم هستند... راستی چرا ما محروم مانده‌ایم؟ آیا ما از زیر زمین آفریده شده‌ایم و دیگران از آسمان فرود آمده‌اند؟ نه، مشکل این نیست. مشکل اصلی در زیربنا و اساس نهفته است. ما تاکنون فعالیت دینی و آگاهی دینی و ارتباط دینی

۱- روزنامه‌های لبنان، ۱۹۶۶/۸/۱۶، آرشیو مجلس اعلای شیعیان.

۲- الحیاة، ۱۹۶۶/۸/۱۸.

۱- الحیاة، ۱۹۶۶/۸/۱۳.

۲- الحیاة، ۱۹۶۶/۸/۱۳.

محکمی در میان خود نداشته‌ایم. اگر چنین کنیم، آنگاه این حق را خواهیم داشت که متحد و هم‌صدا با هم، همه آنچه را از ما دریغ شده مطالبه کنیم. ۹۸ درصد از شیعیان فاقد بینش دینی صحیح هستند. ما درصدد جبران این نقیصه برآمده‌ایم و با تشکیل شورای شرعی در پی حل این مشکل هستیم و با خود و خدای خویش پیمان بسته‌ایم که مسئولیت رسیدگی به وضع تمامی روستاهای محروم شیعه‌نشین را برعهده گیریم.»

۳۳۰ در ادامه، امام صدر با اشاره به تشکیلات دیگر فرقه‌ها و مذاهب و با اعلام اینکه «شانزده فرقه لبنانی همگی کاملاً سامان یافته‌اند و فقط شیعیان هستند که وضعیت مشخصی ندارند»، همه شیعیان را به همبستگی و پیوند بیشتر با یکدیگر برای دستیابی به اهداف مطلوب فراخواند و بر ضرورت همکاری با دیگر مذاهب لبنان برای سربلندی و سرافرازی و آزادی میهن تأکید کرد.^۱

موضوع‌گیری‌ها در تأیید رویکردهای امام صدر

۳۳۱ اشخاص و گروه‌های متعددی، به‌ویژه از میان نخبگان، در آن مرحله با امام صدر اعلام همبستگی و از ایشان حمایت کردند. تأمل در موضوع‌گیری نجیب جمال‌الدین، حقوق‌دان و شاعر و ادیب مشهور لبنان، نسبت به امام صدر جالب خواهد بود. او با تألیف کتابی مهم جایگاه و نقش امام صدر را در میان شیعیان تبیین کرد. در واقع، او تحولات سیاسی و اجتماعی‌ای را که به دست امام صدر ایجاد شده بود، در کتاب خود با عنوان *الشیعة علی المفترق* او موسی الصدر بررسی کرد تا نشان دهد که شیعیان در آن مرحله به همراه امام صدر در حال گذر از نقطه عطفی هستند که وضعیت آنان را متحول خواهد کرد. «... ما در کنار این مرد بزرگ در حال عبور از نقطه عطف تاریخی هستیم. راه‌پیمودن در کنار او به پیروزی و موفقیت و پویایی و حرکت و رهایی و عروج تا عرش الهی منجر می‌شود و بدون امام جز رکود و درجا زدن حاصلی

نخواهیم داشت.»^۱

۳۳۲ از جمله تلگراف‌هایی که در تأیید و حمایت از طرح امام صدر به ایشان واصل شد، تلگراف ارسالی سیدمحسن الموسوی از کانون هاشمی (الرابطة الهاشمية) بود که طرح ساماندهی اوضاع شیعیان را حمایت می‌کرد. همچنین، تلگرافی از اهالی عیثیت و المالکیه و شماری از اهالی منطقه الغیبری واصل شد که در آن از طرح امام مبنی بر تأسیس مجلس اعلای شیعیان پشتیبانی و حمایت شده بود.^۲

۳۳۳ از جمله موضع‌گیری‌هایی که در حمایت از طرح امام صورت گرفت، حضور نخست‌وزیر سابق، صائب سلام، و دکتر محمود کینعو و ابراهیم عرب، رئیس و عضو مجلس اعلای مسلمانان (اهل سنت) لبنان، در شهر صور برای دیدار با امام صدر و اعلام مراتب احترام برادران اهل سنت به آن رهبر دینی و مصلح بزرگ اجتماعی بود. در آن دیدار، امام صدر این نکته را تأکید کرد که تلاش او برای احقاق حق شیعیان هرگز به معنای فرقه‌گرایی نیست، بلکه ساماندهی وضعیت شیعیان عامل مهمی در همراهی با دیگر مذاهب برای خدمت به میهن و اعتلای آن خواهد بود.^۳

مصاحبه مطبوعاتی امام؛ تبیین اهداف مجلس اعلای شیعیان

۳۳۴ امام در مصاحبه‌ای با *مجلة الحوادث* در تاریخ ۱۹۶۶/۱۰/۷ جزئیات طرح تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان را که قرار بود نمایندگان شیعه به پارلمان لبنان ارائه دهند، اعلام کرد و یادآور شد که دیگر مذاهب و طوایف این طرح را تأیید کرده‌اند. امام با تأکید بر اینکه مجلس اعلای شیعیان تعارضی با مجلس اعلای مسلمانان اهل سنت ندارد و مکمل آن است، خاطر نشان کرد که مجلس پیشنهادی ماهیتی همچون مجلس اعلای اهل سنت و مجلس ملی

۱- جمال‌الدین، نجیب، همان، ص ۹.

۲- الحیاة، ۱۹۶۶/۸/۲۶.

۳- الحیاة، ۱۹۶۶/۸/۲۷.

۱- الحیاة، ۱۹۶۶/۸/۲۰.

مقدماتی تشکیل مجلس اعلای شیعیان را تدوین کرده و پس از دریافت دیدگاه‌های اغلب روحانیون و صاحب‌نظران شیعه، تغییراتی در آن اعمال کرده‌اند و در زمان بررسی در پارلمان متن نهایی آن را نمایندگان شیعه پارلمان و کمیسیون و دادگستری تنظیم خواهند کرد. ارکان مجلس اعلای شیعیان عبارت‌اند از:

۳۳۸ «مجمع عمومی (با حضور تمامی نیروها و استعداد‌های شیعیان)، شورای شرعی (به انتخاب علمای دین و با هدف اجرای امور دینی و مذهبی) و هیئت اجرایی که مجمع عمومی اعضای آن را انتخاب می‌کنند و مسائل اجرایی مجلس اعلای شیعیان را در اختیار خواهد داشت.»^۱

دیدگاه‌های نبیه بزی درباره تأسیس مجلس اعلای شیعیان

۳۳۹ نبیه بزی، رئیس فعلی پارلمان لبنان، معتقد است که طرح تأسیس مجلس اعلای شیعیان «امام صدر را در معرض شدیدترین حملات و تهمت‌ها از جانب فئودالیسم سیاسی قرار داد، چراکه آنان خطر فروپاشی سلطه خود و برچیده شدن بساط خویش را احساس کرده بودند. شدیدترین این حملات از سوی کامل اسعد صورت گرفت که لقب «امام» را از ایشان سلب کرد. شمار دیگری از روحانیون شیعه نیز در آن مرحله با امام مخالفت کردند.»

۳۴۰ نبیه بزی می‌افزاید: «... ولی امام راه خود را ادامه داد و افرادی همچون شیخ عبدالامیر قبلان و شیخ محمد یعقوب و بنده (نبیه بزی) و حسین الحسینی و احمد قبسی و نجیب جمال‌الدین و مالک بدرالدین و حسین کنعان و حسین یتیم را برای آماده‌سازی مقدمات تأسیس مجلس اعلای شیعیان و جلب حمایت‌های لازم برای این طرح از سوی همه فرق لبنان تعیین کردند. نامبردگان در منزل حسین الحسینی (نماینده مجلس) در خلده و یا در منزل استاد نجیب جمال‌الدین در رأس النبع تشکیل

دروزیان خواهد داشت. ایشان اجرای این طرح را برای پرکردن خلأ موجود و رفع کاستی‌هایی دانست که هنوز وجود دارند و مانع همکاری مؤثر میان مذاهب اسلامی و تمامی فرقه‌های لبنان می‌شوند. ایشان، در ادامه، احداث مدرسه و بیمارستان و راه و تأمین آب و برق و فرصت‌های شغلی و غیر اینها را شعار مجلس اعلای شیعیان برشمرد.

۳۳۵ امام در خاتمه خاطرنشان کرد: «... تصمیم داشتیم در مصاحبه مطبوعاتی شرکت نکنم، اما الحوادث به‌عنوان مجله‌ای میهن دوست و مورد اعتماد مردم جایگاه ویژه‌ای نزد من دارد. از این رو، آن را برای گفتگو برگزیدم، آن هم نه برای پاسخ به آنچه مغرضان در خفا مطرح می‌کنند، بلکه برای تبیین اینکه طرح تشکیل مجلس اعلای شیعیان که در همین دوره فعالیت پارلمان تقدیم نمایندگان خواهد شد و اینکه مکمل وظایف مجلس اعلای مسلمانان (اهل سنت) خواهد بود...»

۳۳۶ محسن دلول، شخصی که آن مصاحبه را با امام صورت داده بود، در مقدمه چنین نوشت: «از منزل علامه (امام صدر) بیرون آمدم، درحالی‌که آمیزه‌ای از تحسین و شگفتی از شخصیت امام موسی صدر و اطلاعات گسترده و دلایل قاطع و منطقی آشکار و شیوای ایشان بر جانم احاطه یافته بود. با خود گفتم: راستی، عجیب نیست که چنین دانشمند بلندهمت‌ی که نقش مهمی در تاریخ شیعیان ایفا کرده، این‌گونه مورد خصومت و بی‌مهری قرار گیرد... بلکه، اگر چنین دشمنی‌هایی صورت نگیرد، جای تعجب خواهد بود.»^۱

۳۳۷ امام چندی پیش از آن، به مناسبت آغاز به کار دوره جدید فعالیت پارلمان، در سخنانی با تبیین طرح تأسیس مجلس اعلای شیعیان و ابراز شگفتی از اتهام دخالت ایشان در امور سیاسی، اعلام کرد که شماری از علما و حقوقدانان و صاحب‌نظران شیعه پس از بررسی‌های گسترده درباره قوانین و ساختار مجالس دیگر مذاهب و با در نظر گرفتن قوانین و احکام ویژه مذهب تشیع، طرح

جلسه می‌دادند.^۱

- ۳۵۰ - نگارش مقدمه کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی»، تألیف مستشرق نامدار فرانسوی، هنری کرین.^۱
- ۳۵۱ - سخنرانی درباره اسلام در دانشگاه امریکایی بیروت.^۲
- ۳۵۲ - سخنرانی درباره شهادت امام حسین^ع و مفهوم فداکاری در روستای خربه سلم.^۳
- ۳۵۳ - سخنرانی در مراسم انجمن خیریه اسلامی در روستای کفرحونه.^۴
- ۳۵۴ - سخنرانی درباره مفاهیم و ابعاد دینی، انسانی و اجتماعی روزه به دعوت باشگاه روتاری شهر صیدا.^۵

مناسبت‌ها و نشست‌های سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵ ش)

- ۳۴۱ در این سال نیز همچون دو سال پیش از آن فعالیت‌های فکری و فرهنگی امام صدر ادامه یافت و ایشان در نشست‌ها و دیدارهای متعددی حضور یافتند و در بسیاری از آنها سخنرانی کردند. مهم‌ترین آنها عبارت بود از:
- ۳۴۲ - سخنرانی در مراسم سالگرد درگذشت جمیل بیرم، رئیس اداره کل امور اقتصادی جنوب در روستای وردانیه.
- ۳۴۳ - سخنرانی در مدرسه ملی انجیلیه با موضوع «علم و دین».^۳
- ۳۴۴ - سخنرانی کوتاه در ضیافت ناهار به دعوت اسقف اعظم جورج حداد، رهبر کلیسای کاتولیک صور.^۴
- ۳۴۵ - سخنرانی با موضوع «اسلام و جوانان» در مجتمع آموزشی مقاصد در شهر صیدا.^۵
- ۳۴۶ - سخنرانی در جشن ویژه عید سعید غدیر در حسینیه بعلبک.^۶
- ۳۴۷ - سخنرانی با موضوع «علم و دین» در مقر هیئت مبارزه اجتماعی (هیئة النضال الاجتماعی).^۷
- ۳۴۸ - سخنرانی در مراسم ترحیم روزنامه‌نگار مقتول کامل مروّه در روستای الزاریه.^۸
- ۳۴۹ - سخنرانی با عنوان «جباغ از گذشته تا آینده» به دعوت باشگاه المرج منطقه جباغ.^۹

۱- هیثم، نبیل، نبیه بزی، اسکن هذا الكتاب، دار بلال، بیروت، ۲۰۰۴، ص ۸۲.

۲- الدیار، ۱۹۶۶/۲/۱.

۳- الحیاة، ۱۹۶۶/۲/۵.

۴- الجریدة، ۱۹۶۶/۳/۸.

۵- الدیار، ۱۹۶۶/۳/۹.

۶- الحیاة، ۱۹۶۶/۴/۱۴.

۷- الحیاة، ۱۹۶۶/۵/۱.

۸- الحیاة، ۱۹۶۶/۵/۳۱.

۹- الحیاة، ۱۹۶۶/۶/۱۲.

۱- سالنمای مجله العرفان، جلد ۱ و ۲ و ۱۹۶۶.

۲- العرفان، شماره ۵۴.

۳- الحیاة، ۱۹۶۶/۸/۳۰.

۴- الحیاة، ۱۹۶۶/۹/۱۳.

۵- الحیاة، ۱۹۶۶/۱۲/۲۳.

سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶ ش)

۳۵۵ با بررسی روند فعالیت‌های امام صدر به وضوح می‌توان گسترش روزافزون دامنه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی امام را مشاهده کرد. ایشان به حضور در عرصه‌های داخلی لبنان اکتفا نکرد و ضمن ایجاد ارتباط با لبنانیان مقیم خارج از کشور، برای بهره‌گیری از حضور آنان در آن کشورها به منظور برقراری رابطه میان آنان با سران آن کشورها و با ملت‌های آفریقایی تلاشی را آغاز کرد که بخشی از رسالت دینی و اجتماعی ایشان به شمار می‌آمد. در نخستین ماه‌های سال ۱۹۶۷ و درحالی‌که امام صدر تصویب قانون تأسیس مجلس اعلی‌الشیعیان را انتظار می‌کشید فعالیت‌های اجتماعی خود را نیز ادامه می‌داد که مهم‌ترین آنها سفر به آفریقا برای دیدار و ارتباط با لبنانیان مقیم آفریقا بود.

سفر امام صدر به آفریقا^۱

۳۵۶ در تاریخ ۱۹۶۷/۱/۲۵ (۱۳۴۶/۱۱/۶ ش) امام صدر سفر خود را به آفریقا با هدف دیدار با لبنانیان مهاجر به این قاره آغاز کرد. نخستین مقصد ایشان شهر آکرا در کشور غنا بود. شمار زیادی از لبنانیان مقیم این کشور به استقبال امام شتافتند و تصاویر ایشان در صفحات نخست روزنامه‌های غنا به چاپ رسید.^۲

۳۵۷ باشگاه لبنانی‌های غنا در آکرا مراسمی به مناسبت حضور امام برپا کرد و سعید اسهبری، سفیر لبنان در غنا، نیز ضیافت بزرگی به افتخار امام و به منظور تجلیل از ایشان ترتیب داد که سفرای

۱- درباره سفر امام صدر به آفریقا ر.ک: پیوست شماره ۳.

۲- النهار، ۱۹۶۷/۱/۲۶.

کشورهای عربی و شخصیت‌ها و مشاهیر لبنانی مقیم غنا در آن حضور داشتند. در آن سفر، امام صدر با علما و سفیران کشورهای عربی و مهاجران لبنانی مقیم غنا دیدار و گفتگو کرد.^۱

سفر به نیجریه

۳۵۸ در ۱۹۶۷/۲/۱۹، امام در ادامه سفر خود عازم نیجریه شد و در فرودگاه لاگوس مورد استقبال رسمی و مردمی قرار گرفت. پس از آن، امام به همراه سفیر لبنان در نیجریه به دیدار ژنرال گون حاکم وقت این کشور، رفت. حاکم این کشور مراسمی در تجلیل از امام صدر و با حضور مقامات لشکری و کشوری و دادستان کل و اصحاب رسانه و دیپلمات‌های کشورهای عربی و دیگر کشورها برپا کرد.^۲

۳۵۹ همچنین، رهبر نیجریه از امام برای حضور در نماز جمعه مسجد استان ایبادان نیجریه دعوت کرد. هنگام حضور امام در این مسجد، حاج صلاح امین، فرماندار منطقه، به همراه امام جماعت مسجد از ایشان استقبال کردند. از دیگر برنامه‌های امام سخنرانی در باشگاه لبنانیان ایبادان بود که شمار زیادی از مهاجران لبنانی در آن حضور یافتند.^۳ سخنرانی‌های امام در لاگوس، پایتخت نیجریه، ادامه یافت و ایشان در یکی از مساجد این شهر درباره هجرت پیامبر^ص سخنرانی ایراد کرد. نیز در دانشگاه لاگوس سخنرانی کرد. پس از آن، امام پایتخت نیجریه را به سمت شمال این کشور و ایالت کادونا ترک کرد و در آنجا میهمان والی ایالت مذکور شد. مراسم‌های متعددی در تجلیل از امام صدر و با حضور مقامات منطقه‌ای برگزار شد. همچنین، امام سخنرانی‌هایی برای مهاجران لبنانی و دیگر شهروندان ایراد کرد و علاقه‌مندان برای شنیدن سخنان و مواظ ایشان هر شب در منزل یکی از لبنانیان مقیم آن منطقه اجتماع می‌کردند.^۴

سفر به ساحل عاج

۳۶۰ پس از نیجریه، امام صدر عازم ابیجان، پایتخت ساحل عاج، شد و در بدو ورود، نماینده رئیس‌جمهور و سفیر لبنان و علما و روحانیون مسلمان از او استقبال کردند.^۱ حضور امام در ابیجان مورد توجه و تجلیل بسیار واقع شد. فیلکس اووی بوانیه، رئیس‌جمهور ساحل عاج، ضیافت ناهاری به افتخار امام و با حضور وزرا و مقامات بلندپایه کشوری ترتیب داد و امام در آن ضیافت درباره مسائل و مشکلات لبنانیان مقیم ساحل عاج، به‌ویژه درباره کسانی سخن گفت که به‌صورت غیرقانونی وارد این کشور شده بودند، و رئیس‌جمهور بوانیه نیز وعده داد که برای آنان مجوز اقامت صادر کند. وی، همچنین، امام صدر را برای افتتاح مسجدی که با هزینه شخصی خود در روستای محل ولادتش یاماسکرو ساخته بود، دعوت کرد. امام نیز آن دعوت را پذیرفت و پس از یک روز که میهمان رئیس‌جمهور بود، از شهرها و روستاهای این کشور به‌طور مفصل بازدید کرد و با پیمودن بیش از سه هزار کیلومتر و ایراد چندین سخنرانی با موضوعات مرتبط با دین و میهن‌دوستی مهاجران لبنانی مقیم ساحل عاج را به مهرورزی و همدلی و تلاش مخلصانه در کنار شهروندان کشور محل اقامت خود فراخواند.^۲ همچنین، از نقش مهاجران لبنانی و جایگاه آنان تقدیر کرد.

سفر به گینه و سنگال و سیرالئون

۳۶۱ پس از ساحل عاج، امام صدر ابتدا به کوناکری در گینه و سپس به داکار، پایتخت سنگال، عزیمت کرد و در آنجا سخنرانی‌های متعددی ایراد کرد. چند مراسم نیز در تجلیل از ایشان برپا شد.^۳ مطبوعات سنگال از حضور امام استقبال کردند و اخبار برنامه‌ها و

۱- النهار، ۱۹۶۷/۲/۱۲.

۲- النهار، ۱۹۶۷/۲/۲۰.

۳- النهار، ۱۹۶۷/۲/۲۲.

۴- النهار، ۱۹۶۷/۲/۲۴.

۱- الحیاة، ۱۹۶۷/۳/۵.

۲- الحیاة، ۱۹۶۷/۳/۲۵.

۳- الحیاة، ۱۹۶۷/۴/۲۱.

منافع آنان را برعهده گیرد و با اداره نهادها و مؤسسات شیعیان برای ارتقای معیشت و رفع عقب‌ماندگی‌های مناطق شیعه‌نشین اقدام کند. به موجب طرح پیشنهادی، آگاهی از نظر مجلس اعلای شیعیان برای هر طرح پیشنهادی دیگر و یا آیین‌نامه‌های مرتبط به امور دینی شیعیان الزامی است. مجلس از سه رکن اصلی تشکیل می‌شود: مجمع عمومی و هیئت اجرایی و شورای شرعی. اعضای مجمع عمومی عبارت‌اند از حاکمان شرع و روحانیون و مراجع و وزرای فعلی و پیشین و نمایندگان فعلی و پیشین پارلمان و اساتید دانشگاه و قضات شاغل و بازنشسته و وکلا و پزشکان و داروسازان و مهندسان و کارمندان دولتی پایه سه به بالا و نمایندگان مؤسسات اجتماعی و فرهنگی و تعاونی‌ها و اتحادیه‌های صنفی و رسانه‌ای و دیگر سندیکاها. مجمع عمومی تنها مرجعی است که صلاحیت‌ها و اختیارات مجلس اعلا را اجرایی می‌کند.^۱

۳۶۴ در تاریخ ۱۹۶۷/۵/۱۲، دو کمیسیون بودجه و مدیریت پارلمان لبنان با تشکیل جلسه مشترک به ریاست صبری حماده، رئیس پارلمان، طرح پیشنهادی را به تصویب رساندند. پیش از این جلسه، نمایندگان شیعه پارلمان با حضور در جلسه‌ای در دفتر رئیس مجلس متن نهایی طرح تشکیل مجلس اعلای شیعیان را که متشکل از سه رکن مجمع عمومی و هیئت اجرایی و شورای شرعی بود، آماده کرده بودند.^۲

۳۶۵ در روز سه‌شنبه ۱۹۶۷/۵/۱۶، پارلمان لبنان طرح ساماندهی وضعیت شیعیان را با یک ماده واحده به تصویب رساند.^۳

۳۶۶ در جلسه مورخ ۱۹۶۷/۱۱/۲۱ که با ریاست صبری حماده، رئیس پارلمان، و حضور رشید کرامی، نخست‌وزیر، تشکیل شد، نمایندگان تغییراتی را که دولت در مواد ۲۲ و ۲۶ و ۳۱ قانون ساماندهی وضعیت شیعیان مصوب ۱۹۶۷/۵/۱۶ پیشنهاد کرده

دیدارهای ایشان، به‌ویژه حضور در مراسم عزاداری دهه محرم را که امام در پایان آن سخنرانی مذهبی ایراد می‌کرد، انعکاس می‌دادند. امام صدر در نماز جمعه مسجد جامع شهر که با حضور جمعیتی بالغ بر بیست‌هزار نفر برگزار می‌شد، حضور یافت و امام جمعه نیز در پایان ضمن خوشامدگویی از ایشان تشکر کرد.^۱ امام در سنگال با لیوبولد سنگور، رئیس‌جمهور این کشور، به مدت چهل دقیقه دیدار و گفتگو کرد. هم‌زمان با سفر امام، برای نخستین بار در تاریخ سنگال مراسم عزاداری روز دهم محرم (عاشورای حسینی) برگزار و بازار تعطیل شد. هزاران نفر از لبنانیان و مردم این کشور برای شنیدن سخنان امام با موضوع انگیزه‌های اصلی قیام و شهادت امام حسین^۴ در باشگاه لبنانیان اجتماع کردند.^۲ دیدارها و مذاکرات امام صدر تا پایان سفر ایشان به سنگال در مناطق مختلف این کشور ادامه داشت.^۳ پس از آن، امام سنگال را به مقصد سیرالئون ترک کرد و در آنجا نیز دیدارها و سخنرانی‌هایی صورت داد.^۴

۳۶۲ سرانجام، در تاریخ ۱۹۶۷/۷/۸ امام به بیروت بازگشت و عازم صور شد. ایشان هیئت‌هایی را که برای خوشامدگویی حاضر می‌شدند، به حضور پذیرفت.

گام‌های عملی برای تأسیس مجلس اعلای شیعیان

۳۶۳ هم‌زمان با سفر امام به چندین کشور آفریقایی، نه تن از نمایندگان پارلمان لبنان در تاریخ ۱۹۶۷/۳/۷ طرح پیشنهادی مربوط به تأسیس مجلس اعلای شیعیان را آماده و با قید فوریت تقدیم پارلمان کردند. نخست‌وزیر این طرح را تأیید کرد و برای بررسی در اختیار کمیسیون مدیریت و دادگستری قرار داد. مضمون طرح پیشنهادی عبارت بود از تشکیل مجلسی با عنوان «مجلس اعلای شیعیان» در جمهوری لبنان، که اداره امور شیعیان و دفاع از حقوق و حفظ

۱- الأیوار، ۱۹۶۷/۴/۲۲.

۲- الحیاة، ۱۹۶۷/۵/۱۳.

۳- الامام القائد السيد موسی الصدر أمل المغربین، تدوین دفتر مرکزی تبلیغات

جنبش أمل، ص ۲۴.

۱- الحیاة، ۱۹۶۷/۴/۲۵.

۲- الحیاة، ۱۹۶۷/۴/۲۷.

۳- النهار، ۱۹۶۷/۴/۲۹.

۴- الحیاة، ۱۹۶۷/۵/۱۳.

- ۳۷۱ - برای رسیدن به پیروزی مشخص کرد که عبارت بودند از:
 - درک صحیح ابعاد خطر و آگاهی از امکانات و نقاط قوت و ضعف دشمن تا با حقایق با جرئت و اراده قوی روبرو شویم.
 ۳۷۲ - مجدداً اعتماد به نفس خود را احیا کنیم.
 ۳۷۳ - اتحاد همگان، اعم از دولت‌ها و رهبران و احزاب و گروه‌ها و پیروان همه مذاهب و کنارگذاشتن اختلافات.
 ۳۷۴ - تلاش بی سروصدا و به دور از بزرگ‌نمایی و سوداگری، و با استفاده از تمامی امکانات اقتصادی و جغرافیایی و انسانی.
 ۳۷۵ - توکل و اعتماد فقط بر خدا و بازگشت به سوی او.
 ۳۷۶ - ایجاد آمادگی کامل روحی و بدنی برای رویارویی با تهاجم و پایداری در برابر وقایع ناگهانی.
 ۳۷۷ - درخواست از حکومت برای تجهیز ارتش با سلاح‌های جدید و پیشرفته.
 ۳۷۸ - نیز امام در آن بیانیه تأکید کرد که «تنها راه ادامه نبرد است و پیروزی حقیقی و نهایی بی‌تردید از آن ما خواهد بود.»^۱
 ۳۷۹ - سال ۱۹۶۷ به پایان می‌رسید و سلسله دیدارها و جلسات و سخنرانی‌هایی که امام در مناطق مختلف لبنان صورت می‌داد، ادامه داشت. در اکتبر آن سال (مهرماه ۱۳۴۶ ش) امام به نجف اشرف سفر کرد و در دیدار با مرجع اعلای شیعیان، آیت‌الله سید محسن حکیم، درباره وضعیت شیعیان لبنان بحث و تبادل نظر کرد.^۲

سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ ش)

- ۳۸۰ - با آغاز سال ۱۹۶۸ پیشرفت چشمگیری در فعالیت‌های امام صدر

بود، به تصویب رساندند.^۱
 ۳۶۷ - در ۱۹۶۷/۱۱/۲۵، قانون مذکور مبنی بر ساماندهی امور شیعیان لبنان به شماره ۶۷/۷۲ در شماره ۱۰۳ روزنامه رسمی منتشر و ابلاغ شد.^۲

شکست اعراب در سال ۱۹۶۷

- ۳۶۸ - فعالیت‌های روزانه امام صدر برای خدمت به ملت لبنان در داخل و خارج از کشور، ایشان را از پرداختن به مسائل جهان عرب، به‌ویژه نبرد اعراب و اسرائیل باز نمی‌داشت.
 ۳۶۹ - امام از همان ابتدا به خطر ناشی از وجود رژیم صهیونیستی هشدار داده بود و با جدیت برای مقابله با این خطر و جلوگیری از اجرای طرح‌های توسعه طلبانه و ایستادگی در برابر هرگونه حمله اسرائیل به لبنان و کشورهای عربی تلاش می‌کرد. ایشان بارها درباره وضعیت نابسامان و خطیر کشورهای عربی و تهدیدات تاریخی و مهمی که اعراب با آن روبرو هستند، هشدار داده و یادآور شده بود که دشمن غاصب صهیونیستی از هر فرصتی برای هجوم و ضربه زدن به توان و امکانات کشورهای عربی استفاده خواهد کرد. سرانجام در سال ۱۹۶۷، همین اتفاق به وقوع پیوست و با توجه به ضربه سنگینی که اسرائیل به اعراب وارد کرد و امیدهای آنان را بر باد داد، این سال سال شکست نام گرفت.
 ۳۷۰ - امام صدر بر این عقیده بود که پیروزی اسرائیل بر اعراب به سبب بهره‌مندی دشمن از مقدمات و ابزار پیروزی نبود، بلکه اسرائیل در واقع خود را با زور و تهدید بر دولت‌ها و جوامع «از پیش شکست خورده» مسلط کرده است. در زمان وقوع شکست ژوئن ۱۹۶۷ اعراب در برابر اسرائیل، چنان‌که گفتیم، امام صدر در سفری که بیش از پنج ماه به طول انجامید و در هفته اول ماه جولای به پایان رسید، در افریقا به سر می‌برد. ایشان پس از بازگشت از سفر، بیانیه‌ای درباره آن شکست صادر و در آن هفت اصل مهم را

۱- روزنامه رسمی سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸، ص ۳۹۷۵.

۲- روزنامه رسمی، شماره ۱۰۳، ۱۹۶۷/۱۲/۲۵.

۱- الحیاة، ۱۹۶۷/۷/۲۶.

۲- النهار، ۱۹۶۷/۱۰/۲۴.

جهان را به دعوت از ایشان - در مقام یکی از طلایه‌داران روحانیون مسلمان - برای سخنرانی در همایش‌ها و سمینارهای دانشگاهی ترغیب می‌کرد و این امر زمینه حضور امام را در همایش‌های جهانی برای طرح آرا و نظریات و برنامه‌ها و طرح‌های سیاسی - اجتماعی خود و نمایش چهره‌ای متمدن از یک روحانی مسلمان فراهم می‌کرد.

۳۸۵ امام صدر در کنار شماری از اندیشمندان جهان در همایش علمی بزرگی حضور یافت که از ۱۹۶۸/۴/۲۸ تا ۱۹۶۸/۵/۷ در تالار دانشگاه استراسبورگ فرانسه و با همکاری مرکز پژوهش‌های اسلامی پاریس برگزار شد. موضوع اصلی همایش بررسی مذهب شیعه امامیه بود و در آخرین روز همایش، امام صدر سخنرانی خود را درباره میراث تاریخی اسلام که به زبان فرانسه آماده کرده بود، به زبان عربی ایراد کرد، زیرا سخنرانان و علمای بزرگی که از اروپا در همایش شرکت داشتند، به زبان‌های اصلی خود سخنرانی کرده بودند. پس از سخنرانی ایشان، بحث و نقد و بررسی‌هایی به زبان عربی آغاز شد که حدود دو ساعت به طول انجامید و تحسین و اعجاب مهاجران لبنانی حاضر در همایش را برانگیخت. سخنرانان زبان به تجلیل از امام گشودند و ایشان تنها کسی بود که در جایگاه و در کنار رئیس همایش، پروفیسور برنشویک، قرار گرفته بود.

۳۸۶ پس از آن همایش، امام دعوتنامه‌های متعددی برای بازدید از سورین و سخنرانی در انستیتوی پژوهش‌های اسلامی و دانشگاه کمبریج لندن و دانمارک دریافت کرد. همچنین، در زمان حضور امام در شهر استراسبورگ، لبنانیان مقیم اروپا نیز دعوتنامه‌های بسیاری برای سخنرانی در شهرهای آخن و هامبورگ و پاریس و لیون به امام تقدیم کردند. امام در دو شهر آخن و هامبورگ سخنرانی کرد و نماز جمعه را نیز در مسجد اکس شابل به جا آورد.^۱

۳۸۷ امام در بازگشت از اروپا و در تاریخ ۴ الی ۱۰/۵/۱۹۶۸ به نجف اشرف مشرف شد و پس از بازگشت به لبنان در تاریخ

به وجود آمد. در عرصه داخلی سخن از تشکیل وزارتخانه‌ای جدید در محافل رسمی و شیعی به میان آمده بود. تلاش‌های امام در زمینه خدمت سربازی و سفرهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایشان نیز ادامه داشت.

کابینه جدید

۳۸۱ مجله الحریه در شماره ۱۹۶۸/۱/۲۹ خود خبری منتشر کرد که براساس آن احتمال دارد که مقامات کشوری پیشنهادی را بپذیرند که دریافت کرده‌اند. این پیشنهاد عبارت است از اینکه امام صدر را مأمور تشکیل وزارتخانه جدیدی کنند که وظیفه آن نظارت بر انتخابات پارلمانی باشد. در متن خبر چنین آمده بود که باتوجه به بی‌طرفی امام و اینکه ایشان جایگاهی فراتر از مسائل و لغزش‌های سیاسی دارند و تمامی اقشار به امام علاقه‌مند هستند و بر شخص ایشان اتفاق نظر دارند، ایشان برای این مهم مناسب هستند.^۱

۳۸۲ پیش از آن، «هیئت مبارزه اجتماعی با تشکیل جلسه‌ای موضوع تشکیل کابینه جدید و سهم شیعیان در آن را بررسی و اعلام کرده بود که حضور فقط یک وزیر به نمایندگی از طرف همه شیعیان در این وزارتخانه به معنای ادامه سیاست بی‌توجهی و اجحاف در حق شیعیان خواهد بود. این شورا مسئولیت سکوت در قبال این اجحاف در حق شیعیان را متوجه نمایندگان شیعه پارلمان دانست.»^۲

۳۸۳ نکته جالب توجه آنکه ذکر نام امام صدر در خبر مذکور درباره تشکیل وزارتخانه به‌وضوح بیان‌کننده آن است که ایشان به نمادی تبدیل شده بود که در مهم‌ترین مسائل داخلی لبنان مورد توجه قرار داشت.

همایش شیعه‌شناسی در استراسبورگ

۳۸۴ حضور علمی و دینی و اجتماعی امام صدر، دانشگاه‌های معتبر

۱- الحریة، ۱۹۶۸/۱/۲۹.

۲- الحیاة، ۱۹۶۸/۲/۱۶.

۱- الجریة، ۴/۲۸ الی ۵/۷/۱۹۶۸.

۱۹۶۸/۵/۲۸ در دیدار با رئیس‌جمهور لبنان، وی را از نتایج و ابعاد سفر خود به اروپا مطلع کرد. امام در گفتگو با روزنامه بیروتی *الأنوار* درباره سفر خود چنین گفت: «صهیونیسم جهانی در اروپا فعالیت‌های گسترده‌ای دارد، ولی ما نباید ناامید شویم.» امام همگان را به مقابله با فعالیت‌های صهیونیسم فراخواند و تأکید کرد: «اعراب به افرادی نیاز دارند که مرد عمل باشند.»^۱

هشدار درباره خطر صهیونیسم و دعوت جوانان به خدمت سربازی
 ۳۸۸ به دنبال حملات نیروهای اسرائیلی به مرزهای جنوبی لبنان، امام در دیدار با شارل حلو، رئیس‌جمهور لبنان، بر ضرورت «آماده‌سازی جوانان برای دفاع از خاک میهن» تأکید کرد.^۲

۳۸۹ همچنین در مراسمی که به مناسبت تأسیس انجمن خیریه هونین با حضور کامل اسعد، رئیس پارلمان، و فعالان سیاسی و مذهبی در برج حمود برگزار شد، امام در سخنانی با اشاره به وضعیت جنوب لبنان و دشمن آماده خاطر نشان کرد: «همه ما سربازان جان بر کف هستیم. اگر حکومت نیز به ما توجه نکند، آماده‌ایم که پیکر خود را همچون سدی مستحکم در برابر تانک‌های دشمن فدای میهن کنیم.»^۳

۳۹۰ بدین ترتیب، امام در بیشتر سخنان و دیدارهای خود سخن گفتن از مقاومت و پایداری در برابر دشمن صهیونیستی را آغاز کرد. مهم‌ترین هشدار امام در این باره در مراسمی بیان شد که به مناسبت سالروز معراج پیامبر اکرم^ص در باشگاه فرهنگی امام صادق^ع صورت و به دعوت جمعیت احسان و نیکوکاری در ۱۹/۱۰/۱۹۶۸ برگزار شده بود.

۳۹۱ امام در آن مراسم فرمود: «... اکنون که این خطر بزرگ‌تر و جدی‌تر شده است، وظیفه ما چیست؟... بر ما واجب است که با خطر صهیونیسم مقابله کنیم و آماده باشیم و خواستار اجباری شدن خدمت سربازی شویم تا از مرزهای خود دفاع کنیم»

و میهن از دست‌رفته را بازگردانیم....»^۱

۳۹۲ در ۳۰/۱۰/۱۹۶۸ (۱۳۴۷/۷/۹ ش)، امام صدر با ارسال تلگرافی به مسئولان اجباری شدن سربازی را خواستار شد. در متن تلگراف چنین آمده بود: «دشمن صهیونیست بار دیگر اهداف توسعه‌طلبانه خود را آشکار کرده و در رفتار خود خوی وحشی‌گری را درپیش گرفته است. همچنان که تمامی مخلصان این مرز و بوم در هنگام بروز تهدیدها و دشمنی‌ها و در مناسبت‌های مختلف اعلام کرده‌اند، ما نیز بار دیگر اعلام می‌کنیم که به نام خدا و به نام میهن و به نام همه مقدسات و کرامت و به نام آینده و فرزندانمان، از شما می‌خواهیم که برای رضای خداوند طرح اجباری شدن نظام وظیفه و خدمت سربازی را تصویب کنید تا همگی، از پیر و جوان، برای به دوش کشیدن مسئولیت ملی و دینی و تاریخی خود آماده شویم.»^۲

تجلیل از لبنانیان مقیم خارج در مؤسسه فنی - حرفه‌ای جبل عامل

۳۹۳ در مراسمی که امام در ساختمان مؤسسه احسان و نیکوکاری در حومه شهر صور (ساختمان مؤسسه فنی - حرفه‌ای جبل عامل در برج الشمالي) برگزار کرد، از صدها لبنانی مقیم خارج به سبب مشارکت در بنای ساختمان مذکور تجلیل به عمل آمد.

۳۹۴ امام طی سخنانی در این مراسم چنین فرمود: «... امروز به مناسبت میلاد حضرت زهرا^س گردهم آمده‌ایم... آن هم در چنین مؤسسه‌ای که حاصل همکاری و همیاری ملت بزرگوار ما و لبنانیان مقیم داخل و خارج کشور با دولت است... با تلاش اینان بود که این بنای عظیم برافراشته شد تا حاصلی فراتر از بیان دربر داشته باشد: ساعتی علم‌آموزی برای دانشجویان و امکان آموزش برای کارگران و بهبود وضع معیشت خانواده‌ها... امروز در کنار شما گرد آمده‌ایم تا نتیجه تلاشی مشترک را به تماشا بنشینیم که اکنون به درختی تبدیل شده که به تازگی روپیدن آغاز کرده است. این مسئله

۱- الأنوار، ۱۶/۲/۱۹۶۸.

۲- الأنوار، ۲۹/۵/۱۹۶۸.

۳- الحیاة، ۲۹/۵/۱۹۶۸.

۱- الحیاة، ۲۰/۱۰/۱۹۶۸.

۲- الرائد، ۳۱/۱۰/۱۹۶۸.

- ۴۰۲ - افزایش تعداد بورس‌های تحصیلی جوانان و دانشجویان آفریقایی برای علم‌آموزی در لبنان و آشنایی با سابقه درخشان تمدن این کشور.
- ۴۰۳ - اعزام هیئت‌ها و کارشناسان صنعت و اقتصاد به این کشورها به صورت مستمر برای بررسی نیاز بازارهای آفریقا و محصولاتی که می‌توان از این کشورها به لبنان وارد کرد.
- ۴۰۴ - تشویق مؤسسات و سازمان‌های لبنانی دارای توانایی‌های فنی و تکنولوژیک به منظور مشارکت در تأمین نیازهای کشورهای میزبان و ارتقای صنعت پیشرفته ساختمان‌سازی در زمینه‌های مختلف.
- ۴۰۵ - مقابله با فعالیت‌ها و اقدامات صهیونیستی از طریق اتخاذ سیاست‌های تبلیغاتی از پیش تعیین شده که کارشناسان متعهد و منتخب دولت آنها را بررسی کرده‌اند و تشویق و افزایش سفرها و دیدارهای متقابل جوانان و برپایی همایش‌ها که موجب تصحیح نگرش می‌شود و فرصت بهره‌برداری تبلیغاتی و سم‌پاشی‌های گمراه‌کننده دشمن را از بین می‌برد. امضای موافقت‌نامه‌های فرهنگی و ایجاد مراکز تبلیغاتی مجهز در تمامی کشورهای آفریقایی، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در پشتیبانی از مواضع جهان عرب و مقابله با تهدیدهای انحرافی صهیونیسم خواهد داشت.
- ۴۰۶ - ارتقای سطح فکری مهاجران لبنانی و یاری‌رساندن به آنان برای تحکیم پیوند با میهن از طریق حمایت از مدارس لبنانی خارج از کشور و افزایش تعداد این قبیل مدارس، به گونه‌ای که این مدارس فقط به آموزش اولیه و ظاهری اکتفا نکنند، بلکه شیوه‌نامه رسمی مصوب وزارت آموزش و پرورش لبنان را اجرا کنند و برگزاری امتحانات نهایی دوره ابتدایی در پایان هر سال با نظارت سفارت لبنان در کشورهای مذکور، که سؤالات آن در وزارت آموزش و پرورش لبنان طرح شود و قبول‌شدگان نیز مدرک رسمی پایان دوره ابتدایی را اخذ کنند، همانند آنچه به قبول‌شدگان مدارس داخل کشور اعطا می‌شود.
- ۴۰۷ - تأکید به نمایندگان سیاسی و دیپلمات‌های لبنانی به منظور آگاهی از وضع معیشت مهاجران لبنانی و بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی آنان و تلاش‌های مخلصانه برای یافتن راه حل

- نشان‌دهنده آن است که هرگاه شما بخواهید، می‌توانید کارهای بزرگ را به انجام برسانید. و ان شاء الله با همکاری و تلاش‌های مخلصانه و معجزه‌وار به گلستانی خرم تبدیل خواهد شد.
- ۳۹۵ این نهال نوپا را در این خاک گرانقدر و در کنار این سرزمین مقدس جای دادیم تا این تلاش ناچیز و نمادین را گواه این حقیقت قرار دهیم که همواره آماده‌ایم هرگاه لازم باشد، همه امکانات و حتی جان خود و فرزندانمان را در راه هدف خویش تقدیم کنیم.
- ۳۹۶ در برابر این سخاوت و دهش بی‌مانند نمی‌توانم سخنی بر زبان آورم، جز اینکه از شما عزیزان تجلیل و قدردانی کنم و با اصرار از شما بخواهم که اکنون و در آینده بر روند برنامه‌ریزی و اداره و حسابرسی این مؤسسه نظارت داشته باشید....
- ۳۹۷ ان شاء الله مؤسسه فعالیت خود را از سال تحصیلی ۱۹۷۰-۱۹۶۹ آغاز خواهد کرد و پیش از آن، کادر اداری و امکانات آموزشی و ماشین‌آلات پیشرفته مؤسسه نیز همچون بنای باعظمت آن و بسان همت بلند شما عزیزان، به سطح مطلوب خواهد رسید.
- ۳۹۸ در اینجا لازم می‌دانم یادآور شوم که دولت فرانسه قول مساعد داده است تا در رساندن مؤسسه به سطح مطلوب یاریگر ما باشد. همچنین، ادب وفاداری حکم می‌کند که از تلاش‌ها و حمایت‌های ریاست محترم جمهور جناب آقای شارل حلو و نیز اقدامات و تلاش‌های کم‌نظیر و مخلصانه رئیس‌جمهور سابق جناب آقای فؤاد شهاب قدردانی کنم....»

تصمیمات همایش درباره مهاجران و وضع جنوب و مسئله فلسطین

- ۳۹۹ پیش از پایان مراسم مذکور، حاضران در جلسه، خواستار توجه دولت لبنان به موارد ذیل شدند:
- ۴۰۰ - تحکیم رابطه با کشورهای مهاجرپذیر آفریقایی از طریق برقراری و تقویت روابط دیپلماتیک.
- ۴۰۱ - تقویت روابط اقتصادی لبنان با کشورهای مذکور و تشویق سرمایه‌گذاران لبنانی به سرمایه‌گذاری در این کشورها.

آموزش و پرورش و سازمان بازپروری اجتماعی به پایان رسید. دولت فرانسه نیز در تأمین ابزار و تجهیزات آن مشارکت داشت.

۴۱۲ فعالیت آموزشی این مرکز در سال تحصیلی ۷۰-۱۹۶۹ و با پذیرش ۱۵۰ هنرجو آغاز شد. در سال تحصیلی ۷۲-۱۹۷۱، امام صدر ریاست و اداره مؤسسه را به دکتر مصطفی چمران، دکتر فیزیک هسته‌ای، سپرد و وی تا سال ۱۹۷۹ که لبنان را به مقصد ایران ترک کرد، عهده‌دار این سمت بود. رشته‌های فنی و حرفه‌ای این مرکز عبارت بود از مکانیک عمومی و مکانیک کشاورزی و اتوماتیک و الکترونیک و برق و صنایع چوب و دکور و قالی‌بافی.^۱

۴۱۳ از زمان آغاز تجاوز اسرائیل به لبنان در مارس ۱۹۷۸، اسرائیلی‌ها چندین بار به مؤسسه فنی و حرفه‌ای جبل عامل هجوم بردند که شدیدترین آنها حملات سال ۱۹۸۲ بود.

۴۱۴ مقاومت و مبارزه با اشغالگران نیز از همین مؤسسه آغاز شد و از زمان ورود اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ تا عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی به منطقه موسوم به کمر بند امنیتی در سال ۱۹۸۵، بسیاری از شهدای مقاومت که در مبارزه با اشغالگران به شهادت رسیدند، از جمله اساتید و دانشجویان این مؤسسه بودند. از میان اساتید می‌توان شهید ماهر حرب و شهید موسی بداح و شهید طه حسین و فرمانده مقاومت شهید محمد سعد و از میان دانشجویان، شهید حسن قصیر و شهید حسن شمیمش (که هنگام مقاومت با ورود ارتش اسرائیل به حریم مؤسسه مورد اصابت قرار گرفت و به شهادت رسید) و بسیاری دیگر را نام برد که امکان ذکر اسامی همه آنان در این مجال نیست. در زمستان سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۶ ش) روزنامه‌نگاری کانادایی از روزنامه *Le Jour* که برای مأموریتی رسانه‌ای به لبنان آمده بود، در زمان حضور در لبنان از جنوب بازدید کرد و با خانواده‌های شهدایی آشنا شد که در نبرد با اشغالگران اسرائیل به شهادت رسیده بودند. وی در گفته‌های خود چنین اظهار داشت که در دیدارهای خود با خانواده‌های شهدا دریافت که بیشتر شهدا از دانش‌آموزان مؤسسه فنی و

ریشه‌ای مشکلات و ارتقای وضع اجتماعی مهاجران.

۴۰۸ درخصوص اوضاع جنوب نیز حاضران در همایش خواستار ارتقای وضعیت اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی روستاهای جنوب لبنان شدند و با حمایت از خواسته‌های کشاورزان تنباکوکار، تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ساکنان جنوب را خواستار شدند. تقویت روستاهای مرزی و آموزش نظامی جوانان و مسلح کردن آنان در مقام سپر دفاعی کشور و افزایش بودجه دفاعی کشور برای تقویت ارتش، از دیگر خواسته‌های حاضران بود.

۴۰۹ حاضران در مراسم، همچنین، ضمن تأیید جنبش مقاومت و عده داندکه از عملیات چریکی حمایت عملی و مالی و لسانی می‌کنند.^۱

مؤسسه فنی - حرفه‌ای جبل عامل

۴۱۰ این مؤسسه یکی از شاخه‌های جمعیت احسان و نیکوکاری است که امام سید عبدالحسین شرف‌الدین در سال ۱۹۳۶ آن را تأسیس کرد. جمعیت احسان و نیکوکاری در سال ۱۹۶۰ تحت نظارت امام موسی صدر و با تلاش‌ها و پیگیری‌های ایشان مجدداً فعال شد و در ابتدا ضمن مقابله با پدیده تکدی‌گری در شهر صور، آن را از میان برد و، سپس، تلاش برای ریشه‌کنی فقر در منطقه را آغاز کرد و به پیشنهاد امام صدر، تأسیس مؤسسه‌ای فنی - حرفه‌ای به منظور آموزش فنی و حرفه‌ای جوانان متناسب با نیازهای شغلی و آماده کردن آنان برای ورود به بازار اشتغال در دستور کار جمعیت قرار گرفت. در ۱۴/۱۲/۱۹۶۲ (۱۳۴۱/۹/۲۵ ش)، جمعیت احسان و نیکوکاری تأسیس چنین مؤسسه‌ای را (که در بدو امر مؤسسه اجتماعی نام گرفت) با حمایت رئیس‌جمهور وقت، فؤاد شهاب، آغاز کرد.^۲

۴۱۱ احداث ساختمان مؤسسه در نیمه سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ ش) با کمک‌های مالی لبنانیان خارج از کشور و با همکاری وزارت

۱- لسان‌الحال، ۱۷/۹/۱۹۶۸.

۲- مصاحبه با سید حسین بیطار مدیر مسئول جمعیت احسان و نیکوکاری شهر صور.

حرفه‌ای جیل عامل هستند. از این رو، وی بسیار علاقه‌مند شد که از مؤسسه مذکور بازدید کند و با آن آشنا شود.

امام صدر و حادثه الیمونه

۴۱۵ در ماه نوامبر ۱۹۶۸ (آبان ۱۳۴۷ ش) به دنبال بارش برف سنگین در یکی از روستاهای بقاع به نام الیمونه، برخی خانه‌های این منطقه ویران شد و یازده نفر از اهالی آنجا کشته شدند و راه‌های ارتباطی بین روستا نیز مسدود شد. امام صدر با پای پیاده و از طریق روستای دیرالاحمر به سوی منطقه حادثه دیده به راه افتاد و به رغم دشواری عبور و مرور و شدت سرما و تراکم برف در راه‌ها خود را به این روستا رساند و شب را در کنار اهالی گذراند و به خانواده‌های حادثه‌دیدگان تسلیت گفت.

چهار نفری باشد که براساس ماده دهم معرفی شده‌اند و نایب رئیس دوم نیز از میان اعضای هیئت اجرایی تعیین می‌شود و مدت دوره نیابت آنان معادل دوره ریاست رئیس مجلس است و انتخاب مجدد آنان بلامانع خواهد بود.^۱

۴۲۰ در نامه علما به رئیس پارلمان علت تقاضای تغییر در مواد مذکور چنین ذکر شده بود: «در مجلس اعلا باید حال و هوای معنوی حاکم باشد... به‌ویژه درباره شخص رئیس مجلس که همچون رؤسای دیگر مذاهب بالاترین رهبر مذهب به شمار می‌آید... براساس قانون، عده روحانیون عضو مجلس در مقایسه با دیگر اعضا در اقلیت است... و فقط دوازده نفر روحانی هیئت شرعی را تشکیل می‌دهند... درحالی‌که هیئت اجرایی را ۳۱ نفر غیر روحانی تشکیل می‌دهند.»^۲

شورای مقدماتی انتخابات مجلس اعلا شیعیان

۴۲۱ کمیته فرعی که در شورای مقدماتی انتخابات مجلس اعلا شیعیان تشکیل شد، اقدام به آماده‌سازی فهرست اعضای مجمع عمومی مجلس کرد^۳ و، پس از آن، در جلسه شورای مقدماتی با حضور صبری حماده، رئیس پارلمان، فهرست اعضا به تأیید نهایی رسید و روز جمعه مورخ ۱۹۶۹/۵/۱۶ (۱۳۴۸/۲/۲۵ ش) تاریخ برگزاری انتخابات اعضای مجلس در کاخ یونسکو تعیین شد و سپس موعده انتخابات تا روز یکشنبه ۱۹۶۹/۵/۱۸ به تعویق افتاد.^۴

دعوت امام صدر از علما برای گردهمایی

۴۲۲ بنابراین دعوت امام صدر جلسه‌ای با حضور علما و روحانیون شیعه در باشگاه الحسینی برج البراجنه تشکیل شد و پس از بررسی

۱- الکفاح، ۱۳/۱/۱۹۶۹.

۲- همان.

۳- الحیاة، ۱۱/۷/۱۹۶۹.

۴- الحیاة، ۱۹/۴/۱۹۶۹.

سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸ ش)

۴۱۶ با آغاز سال ۱۹۶۹ فعالیت‌های امام صدر در عرصه‌های گوناگون ادامه یافت و ایشان همچون گذشته با حضور در همایش‌ها و دیدارها و ایراد سخنرانی، حاضران را در زمینه مسائل دینی و فرهنگی ارشاد و راهنمایی می‌کرد و از هر فرصت مناسبی برای هشدار درباره خطر صهیونیسم و زیاده‌خواهی‌های دشمن بهره می‌گرفت. مهم‌ترین وقایع و رویدادهای این سال عبارت بود از:

انتخابات مجلس اعلا شیعیان

تغییرات قانون ساماندهی وضعیت شیعیان

۴۱۷ به دنبال تصویب قانون ساماندهی اوضاع شیعیان در پارلمان، گروهی از علما و روحانیون شیعه با ارسال نامه‌ای خطاب به رئیس پارلمان خواستار تغییراتی در مواد ده و پانزده این قانون شدند. بلافاصله، مجموعه‌ای از نمایندگان پارلمان با ارائه طرحی با قید فوریت، اعمال تغییرات را در دستور کار مجلس قرار دادند. تغییرات مورد نظر به تصویب رسید و متن ماده دهم قانون مذکور به این شکل تغییر یافت:

۴۱۸ «رئیس مجلس در جلسه مشترک هیئت اجرایی و هیئت شرعی مجلس و با رأی اکثریت نسبی اعضا از میان چهار تن از علمای اعلام که هیئت شرعی معرفی کرده است، انتخاب می‌شود.»

۴۱۹ متن ماده پانزدهم نیز پس از تغییر به این صورت درآمد: «نایب‌رئیس اول و دوم را هیئت اجرایی و هیئت شرعی و با اکثریت نسبی اعضا انتخاب می‌کنند. نایب رئیس اول باید از میان

نامزدهای فهرست واحد شد. آن کمیته تشکیل شد، اما در گوشه و کنار بیانیه‌هایی صادر می‌شد که ضمن مخالفت با برگزاری انتخابات در موعد تعیین شده، خواستار به تعویق افتادن زمان آن بودند.^۱

۴۲۹ در تاریخ ۱۸/۵/۱۹۶۹ (۱۳۴۸/۲/۲۹ ش) انتخابات دو هیئت اجرایی و شرعی مجلس اعلای شیعیان در تالار کاخ یونسکو برگزار شد و افراد ذیل برگزیده شدند: توفیق مرتضی و عباس فرحات و عباس بدرالدین و زیدالزین و سمیح فیاض، بهیج منصور و حسن الحاج و احمد ذروی و محسن سلیم و عدنان حیدر و محمد کنج و عدنان حماده.

۴۳۰ علمای عضو هیئت شرعی نیز بدون نیاز به انتخابات تعیین شدند که عبارت بودند از: سید محمدعلی امین و سید نورالدین نورالدین و شیخ موسی شراره و شیخ عبدالامیر قبلان و سید محمدباقر ابراهیم و شیخ محسن سبیتی و شیخ سلیمان الیخوفی و سید علی فضل الله و سید حسین الحسینی و شیخ خلیل یاسین و شیخ سلیمان آل سلیمان و سید عباس ابوالحسن.^۲

۴۳۱ در ادامه، صبری حماده، رئیس پارلمان لبنان، به‌عنوان رئیس شورای مقدماتی تأسیس مجلس اعلای شیعیان، اعضای این شورا را برای برگزاری جلسه‌ای به منظور تأیید صورتجلسه انتخابات اعضای دو هیئت اجرایی و شرعی مجلس فراخواند^۳ و در آن جلسه اعلام کرد که امام صدر تنها کاندیدای ریاست مجلس اعلا هستند.^۴

۴۳۲ در تاریخ ۲۲/۵/۱۹۶۹ (۱۳۴۸/۳/۲) امام صدر به اتفاق آرا رئیس مجلس اعلای شیعیان و شیخ سلیمان الیخوفی و عدنان حیدر به ترتیب، نایب رئیسان اول و دوم مجلس شدند. پس از انتخاب آنان، صبری حماده، رئیس پارلمان و عادل عسیران و نمایندگان شیعه پارلمان به همراه اعضای دو هیئت شرعی و

مسائل جاری تصمیمات زیر گرفته شد:

۴۲۳ - تأیید و حمایت از اقدامات مبارزان فدایی فلسطینی و لزوم هماهنگی آن با مسئولان امنیتی کشور به‌طور شفاف و صریح و به‌دور از چالش‌ها و منفعت‌جویی‌ها و منازعات، به‌گونه‌ای که نتیجه‌بخش بودن این اقدامات تضمین شود.

۴۲۴ - تقویت موقعیت دفاعی جنوب و ارتقای سطح عمرانی و اجتماعی آن و اجباری شدن خدمت نظام و وظیفه و آموزش و آگاهی دادن به اهالی منطقه و تقویت بنیه دفاعی ارتش، به‌گونه‌ای که ملت و ارتش لبنان بتوانند از میهن و از عملیات چریکی حمایت کنند.

۴۲۵ - درخواست مؤکد از عموم مردم برای رفتار آگاهانه و مسئولانه در اوضاع خاص کنونی.

۴۲۶ همچنین حاضران در همایش با بحث درباره موضوع تأسیس مجلس اعلای شیعیان و ضمن تأکید بر ضرورت اتحاد و وحدت کلمه، برگزاری این جلسه را تا زمان تکمیل فهرست وظایف و عمل به مسئولیتی که بر دوش دارند، مستمر دانستند.

انتخاب امام صدر به ریاست مجلس اعلای شیعیان

۴۲۷ در وضعیتی که دیدارها و اقدامات اولیه برای برگزاری انتخابات مجلس اعلای شیعیان ادامه داشت و چندین جلسه با حضور صبری حماده، رئیس پارلمان، برگزار شده و تلاش‌هایی به منظور انتخاب رئیس و افراد دیگر بدون نیاز به انتخابات صورت گرفته بود، گروهی از علمای شیعه با صدور بیانیه‌ای انتخابات را تحریم کردند و خواستار تغییر در برخی از مواد قانون تأسیس مجلس شدند. بنا به دعوت امام صدر و به منظور اعلام فهرست واحد نامزدها، جلسه‌ای در منزل مفتی شیعیان، سید حسین الحسینی، تشکیل شد که نامزدها و دست‌اندرکاران تأسیس مجلس در آن حضور داشتند. امام صدر در آن گردهمایی با تشریح اهداف مجلس، اعلام کرد که نامزدهای معینی را در نظر ندارد و همگان را به پرهیز از اقداماتی فراخواند که موجب جریحه‌دار شدن کرامت شیعیان می‌شود، و گفت که این انتخابات باید با روحیه ورزشکاری برگزار شود.

۴۲۸ امام، در ادامه، خواستار تشکیل کمیته‌ای بی‌طرف برای گزینش

۱- روزنامه‌های لبنان، ۱۶ و ۱۷/۵/۱۹۶۹.

۲- الحیاة، ۱۹ و ۲۱/۵/۱۹۶۹.

۳- الشمس، ۲۰/۵/۱۹۶۹.

۴- الحیاة، ۲۳/۵/۱۹۶۹.

اجرائی در دارالفتوای شیعیان حضور یافتند و صبری حماده با قرائت صورتجلسه برای امام، اعلام کرد که از مجموع چهل برگ رأی اخذشده، بر روی تمامی آنها نام امام و شیخ سلیمان الیحفوفی ثبت شده است.^۱

دیدارهای تبریک به امام صدر

۴۳۳ امام صدر پس از این انتخاب به سوی شهر صور به راه افتاد و اهالی این شهر و دیگر مناطق جنوبی با حضور گسترده خود و نصب پلاکاردهای تبریک و برپا کردن چندین طاق نصرت به استقبال کاروان همراه امام شتافتند که با بیش از هفتصد خودرو وارد می‌شد. جمعیت زیادی در طول مسیر ایستاده بودند و کاروان همراه امام در شهرهای ناعمه و الجیه و وادی الزیننه و غازیه و صرفند و خیزران و عدلون و دیگر مناطق برای پاسخ به ابراز احساسات جمعیت متوقف شد.

۴۳۴ در منطقه ابوالاسود اسقف یوسف الخوری و اسقف جورج حداد و نمایندگان دیگر مذاهب لبنان به همراه جمعیت زیادی به استقبال امام آمدند و کاروان امام را تا شهر صور همراهی کردند. از آنجا که ورود به شهر سوار بر خودروها غیرممکن می‌نمود، امام از خودروی خود پیاده شدند و مسافت چهار کیلومتر بین بصر و مقر باشگاه امام صادق^ع را در داخل شهر پیاده طی کردند. در مراسمی که در محل این باشگاه برگزار شد، ابتدا چندین تن از حاضران سخنرانی کردند و در پایان، امام صدر طی سخنانی با اشاره به این نکته که تأسیس مجلس اعلا با مخالفت‌هایی روبرو بوده است، آن مخالفت‌ها را به سبب قوت و اهمیت این طرح دانست و با تأکید بر اینکه مجلس اعلا محل حضور تمامی اقشار و افراد است و باید نقطه اشتراک همه شیعیان باشد، اظهار داشت: «ای اهالی صور، از شما می‌خواهم که با هیچ‌کس مبارزه طلبی نکنید. نه من رهبر سیاسی هستم و نه مجلسمان سیاسی است، بلکه فعالیتی دینی است. مجلس اعلا در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن هم عبارت است از «ساماندهی» یا «تلاش برای ساماندهی». شیعیان همواره

دارای توان و نیروی مادی و فرهنگی و فکری و انسانی بوده‌اند و صلاحیت‌های زیادی داشته‌اند، اما هیچ عاملی وجود نداشت که این نیروها را گرد هم آورد و این نیروها به سبب عدم تمرکز و نبود مرکزی برای تجمع همواره پراکنده و متفرق و چه بسا در تقابل و تضاد با یکدیگر بوده‌اند. نیروهای ما به هدر می‌رفت، پراکنده و متفرق بود و ما با انتخاب دو هیئت شرعی و اجرایی در صدد کنار هم قرار دادن آنها هستیم....

۴۳۵ «ساماندهی» واژه‌ای کوچک، اما پرمعناست و زیربنای همه چیز است. کار بی‌نظم و بی‌برنامه یا مؤسسه نابسامان پیشاپیش محکوم به شکست است... این کار در نوع خود نخستین سازماندهی در سراسر تاریخ تشیع است.^۱

۴۳۶ مرجع اعلا شیعیان، آیت‌الله سید محسن حکیم، نیز با ارسال تلگرافی به امام تأسیس مجلس اعلا شیعیان لبنان را تبریک گفت. در آن تلگراف چنین آمده بود: «تلگراف شما را درباره تأسیس مجلس اعلا شیعیان دریافت کردم. ضمن تبریک به برادران مؤمن به این مناسبت، از خداوند متعال می‌خواهم امیدهایی را که به شما بسته است، محقق سازد و شما را در خدمت به دین مبین و امت اسلام موفق بدارد.»^۲

۴۳۷ همچنین، شارل حلو، رئیس‌جمهور وقت لبنان، با حضور در دارالفتوای شیعیان، به امام و اعضای مجلس تبریک گفت.^۳ هیئت‌ها و شخصیت‌های بزرگ دینی و سیاسی نیز برای تبریک این رویداد در محل دارالفتوا حضور یافتند.

ابعاد انتخاب امام صدر به ریاست مجلس اعلا شیعیان

۴۳۸ انتخاب امام به ریاست مجلس اعلا شیعیان تحول و نقطه اوجی در حیات شیعیان لبنان بود. چرا که برای نخستین بار در تاریخ حکومت لبنان یک روحانی شیعه در منصب دینی رسمی قرار

۱- لسان‌الحال، ۱۹۶۹/۵/۲۴.

۲- الحیاة، ۱۹۶۹/۵/۲۹.

۳- النهار، ۱۹۶۹/۵/۳۰.

۱- روزنامه‌های لبنانی، ۱۹۶۹/۵/۲۳.

۴۴۶ جاری تا زمان حل بحران نشست خود را پایان نیافته تلقی می‌کند.^۱ ظهر روز نخست، امام در دیدار با کامل اسعد، رئیس پارلمان، که در نشست اول حضور نیافته بود، تلاش کرد وی را برای حضور در جلسه دوم متقاعد کند، اما وی با بیان اینکه در تعیین خط مشی مجلس نباید سیاست دخیل باشد، پیشنهاد کرد که مطالب مندرج در بیانیه پایانی فقط به امام صدر مربوط شود و از نمایندگان شیعه پارلمان نامی به میان نیاید. در عمل نیز این امر تحقق یافت و کامل اسعد در جلسه حاضر نشد. نمایندگان که در جلسه حضور یافتند عبارت بودند از: عادل عسیران و سمیح عسیران و احمد اسبر و سلیم حیدر و ممدوح عبدالله.^۲

امام صدر و مبارزه مسلحانه فلسطینیان

۴۴۷ در تاریخ ۱۶/۱۲/۱۹۶۸ مراسم افطاری به دعوت امام صدر و با هدف حمایت و جمع‌آوری کمک برای سازمان فتح در هتل «بیروت اینترناسیونال» برگزار شد. در آن مراسم که جمعیت زیادی را گرد هم آورده بود، امام در سخنانی تصریح کرد: «روند تشکیل اسرائیل و نیز اقدامات این رژیم، هیچ‌یک، مشروعیت ندارد...» امام با تأکید بر «مشروعیت قانونی مقاومت فلسطین در داخل سرزمین‌های اشغالی و خارج از آن» افزود: «مشروعیت مقاومت و مبارزه از لحاظ دینی بدیهی است و نیازی به بحث ندارد. چگونه جز این تواند بود، حال آنکه مبارزان مقاومت همان احیاگران شریعت و حافظان اخلاق و ارزش‌ها هستند....»

۴۴۸ اگر از مقاومت حمایت کنیم، اگر امروز این مسیر والا و مقدس و این جهاد مبارک را پشتیبانی کنیم، در آینده دوچندان بهره می‌گیریم، همچنان‌که در گذشته در بیرون‌راندن دشمن کوتاهی کردیم و در قبال فجایع فلسطین مواضع درستی اتخاذ نکردیم و اکنون دچار مشکلات بی‌پایان شده‌ایم....» ایشان در ادامه با اشاره به مبانی و اصول مبارزه خطاب به جوانان فتح تصریح کرد:

می‌گرفت. پیش از آن، دیگر مذاهب و فرقه‌های مهم لبنان - به‌ویژه پاتریک مسیحیان و مفتی اهل سنت و شیخ عقل طایفه دروزی - این مقام را به دست آورده بودند. گفتنی است که پاتریک مارونی‌ها فساد جایگاه رسمی و حکومتی است و منظور از آن، وجود شخصیتی دینی در رأس طایفه مارونی است.

۴۳۹ انتخاب امام آرامش و اطمینان چشمگیری در میان مسلمانان شیعه، چه از لحاظ مردمی و چه از لحاظ سیاسی، پدید آورد و از آن زمان بود که سخن از مشارکت شیعیان در روابط میان مذاهب لبنان مطرح شد.

۴۴۰ امام با استفاده از جایگاه مجلس اعلای شیعیان، طرح‌های اصلاح طلبانه خود را در لبنان استمرار بخشید و احقاق حقوق محرومان و ستم‌دیدگان را در رأس فعالیت‌های خود قرار داد.

بیانیه مجلس اعلای شیعیان درباره بحران میان حکومت لبنان و مبارزان فلسطینی

۴۴۱ به دنبال دو نشست متوالی مجلس اعلای شیعیان به ریاست امام صدر در مقر دارالفتوای جعفری، که با حضور اغلب نمایندگان شیعه پارلمان در روزهای ۴ و ۵ ژوئن ۱۹۶۹ (۱۴ و ۱۵ خرداد ۱۳۴۸ ش) برگزار شد، بیانیه‌ای بدین شرح صادر شد:

۴۴۲ ۱. بحران جاری کشور مورد توجه و اهتمام مجلس اعلای شیعیان قرار دارد و این مجلس وقایع مذکور را بحرانی خطیر و سرنوشت‌ساز می‌داند.

۴۴۳ ۲. مجلس اعلا گفتگو با مسئولان را به‌منظور دستیابی به راه‌حل‌هایی مناسب در تمامی مراحل، حق مسلم شیعیان می‌داند.

۴۴۴ ۳. مجلس اعلای شیعیان تمامی نیروها و امکانات خود را در راه بازپس‌گیری فلسطین بسیج می‌کند و در کنار دیگر نیروهای جهان عرب قرار می‌دهد.

۴۴۵ ۴. مجلس اعلای شیعیان امام موسی صدر را به اقدامات خیرخواهانه در راه نزدیک‌کردن دیدگاه‌ها و ایجاد وحدت و یکپارچگی برای حل بحران مکلف می‌کند و به‌منظور رصد وقایع

۱- البوم، ۱۹۶۹/۶/۶.

۲- الحیاة، ۱۹۶۹/۶/۶.

ارتش اردن توانستند حمله اسرائیل را با شکست مواجه و خسارت‌هایی به آنان وارد کنند. این حادثه از لحاظ روحی بازتاب گسترده‌ای در جهان عرب داشت و در تثبیت جایگاه نظامی و تبلیغاتی مقاومت فلسطین نقش مهمی ایفا کرد و موجب افزایش کمک‌های ملل عرب به مقاومت شد. بدین ترتیب، نبرد الکرامه نقطه اوجی در مبارزه نیروهای مقاومت فلسطین به شمار می‌آید.^۱

بازتاب موفقیت مبارزان فلسطینی در لبنان

۴۵۳ اقدامات نیروهای مقاومت فلسطین تحسین و تأیید ملت‌های عرب را به دنبال داشت. ملت لبنان مسئله فلسطین را نخستین و مهم‌ترین مسئله مورد توجه خود می‌دانستند و با شعارهای خود بر ارزش و قداست مبارزه فداییان تأکید می‌کردند. در آن مرحله، راهپیمایی‌هایی هم در تأیید ملت فلسطین و حمایت از مقاومت فداییان فلسطینی در لبنان به راه افتاد که مهم‌ترین آنها در ۲۸ آوریل ۱۹۶۸ و هنگامی بود که جمعیت زیادی، که شمار آنان صد هزار نفر تخمین زده شد، در تشییع جنازه یکی از مبارزان فدایی فلسطین حاضر شدند. رهبران همه مذاهب و احزاب در این گردهمایی حضور یافتند و ناقوس کلیساها در طول مسیر به صدا درآمد.^۲

فتح لاند؛ پایگاه مبارزان فدایی در عرقوب

۴۵۴ به دنبال تحول اساسی در روند مبارزه مسلحانه فلسطینیان و حمایت گسترده مردمی از آنان در لبنان و سراسر میهن عربی، توجه رهبران مقاومت فلسطین به لبنان جلب شد و آن را پل مهمی برای مبارزه فداییان نامیدند.^۳ و قرارگاه عملیاتی خود را به منطقه عرقوب در جنوب شرق لبنان منتقل کردند. صدها مبارز مسلح به منطقه مذکور وارد شدند و آن را «فتح لاند» نامیدند. جاده‌های کوهستانی که محل رفت‌وآمد نیروهای امداد و تدارکات بود، نیز

۴۴۹ «ایمان به خدا مینا و زیربنای رفتار و تلاش و حرکت شماست...» امام در بخش دیگر از سخن خود با تمجید از مبارزان خطاب به آنان گفت: «... شما در زندگی و روش خود، نبردهای فرعی و حاشیه‌ای را رها کردید و به همین سبب، توانستید تمامی نیرو و توان اعراب و مسلمانان و مسیحیان را در جای‌جای جهان بسیج کنید و به عرصه آورید...»

۴۵۰ در ادامه، امام با حمایت از «قانون اجباری شدن خدمت نظام وظیفه» آن را «مقدمه‌ای بر آمادگی جوانان لبنانی برای ایستادگی و ورود به عرصه‌های جدی و پرهیز از بی‌مبالاتی و بی‌مسئولیتی» دانست و اظهار امیدواری کرد که «بدین وسیله بتوانیم با توجه به اوضاع فعلی از این نهضت در کشورمان حمایت کنیم...»^۱

آغاز مبارزه مسلحانه فلسطین؛ نبرد الکرامه

۴۵۱ واپسین سال‌های دهه ۱۹۶۰ شاهد تبلور مبارزه مسلحانه فلسطینیان ضد اشغالگران بود و مهم‌ترین عملیات آن مرحله نبرد الکرامه نام داشت. الکرامه روستایی است در فاصله چهار کیلومتری شرق رود اردن که نخستین پایگاه‌های نیروی مقاومت فلسطین در این روستا و حومه آن احداث شد. این منطقه به خط مقدم مبارزه با اشغالگران مبدل گردید. و در اوضاعی که پس از شکست اعراب در ژوئن ۱۹۶۷ و تضعیف روحیه ملت‌های عرب، آنان دیگر قدرت نیروهای نظامی خود را باور نداشتند، مقاومت فلسطین پس از نبرد الکرامه به تنها نقطه امید همه ملل عربی تبدیل شده بود.

۴۵۲ در ۲۱ مارس ۱۹۶۸ نیروهای اشغالگر اسرائیلی با پشتیبانی آتش توپخانه و تانک‌ها و نفربرهای زرهی و هواپیماها به طرف روستای الکرامه حرکت کردند. نیروهای مقاومت فلسطین با کمک برخی یگان‌های ارتش اردن در برابر آنان ایستادگی کردند. نبرد سختی میان دو طرف درگرفت و نیروهای فلسطینی و یگان‌های

۱- الحیاة، ۱۷/۱۲/۱۹۶۹.

۲- ر.ک: ضمیمه شماره ۴ کتاب: نمونه‌هایی از اهتمام و توجه امام صدر به قضیه فلسطین.

۱- فلسطین الثورة، ۲۹ دسامبر ۱۹۷۴، شماره ۱۲۴.

۲- الحلو، شارل، حیاة فی ذکریات، صص ۲۶۵ و ۲۶۶، دارالنهاری، ۱۹۹۵ م.

۳- تیموویف، ایگور، کمال جنبلاط الرجل الاسطوره، دارالنهاری، ۲۰۰۱ م، صص ۳۲۷.

قدرت، وی را به انصراف از تصمیم خود و تشکیل کابینه به ریاست عبدالله الیافی در ۲۰ اکتبر ۱۹۶۸ وادار کرد؛ هرچند اختلافات و درگیری‌ها همچنان ادامه داشت و در مهم‌ترین آنها که در روستای حلنا واقع در جنوب لبنان به وقوع پیوست، دو فلسطینی کشته و مجروح شدند. این درگیری‌ها با حمله تبلیغاتی و رسانه‌ای کشورهای عربی ضد سیاست‌های دولت لبنان همراه شد.

۴۵۸ در ۲۸ دسامبر ۱۹۶۸، نیروهای اسرائیلی به بهانه حمله مبارزان فلسطینی به یک هواپیمای اسرائیلی در فرودگاه آتن، به فرودگاه بین‌المللی بیروت حمله کردند که در اثر آن ۱۳ هواپیمای مسافربری لبنان بر روی باند فرودگاه منهدم شد و این نخستین حمله اسرائیل به عمق خاک لبنان بود که در اوضاع سیاسی و داخلی لبنان بازتاب گسترده‌ای داشت و به استعفای دولت نخست‌وزیر، عبدالله الیافی، منجر شد.

۴۵۹ در ۱۵ ژانویه ۱۹۶۸ دولت جدید به ریاست رشید کرامی تشکیل شد. سه ماه بعد، در ۲۳ آوریل ۱۹۶۸ راهپیمایی مسلحانه‌ای در لبنان به راه افتاد که نیروهای امنیتی لبنان در صدد مقابله با آن برآمدند و در این رویارویی شماری از فلسطینیان کشته و مجروح شدند. این حادثه واکنش گسترده ملت لبنان و دیگر کشورهای عربی را ضد دولت لبنان در پی داشت و نخست‌وزیر، رشید کرامی، نیز در اعتراض به اقدامات ارتش لبنان برضد مبارزان فلسطینی استعفا کرد، اما به دنبال دخالت جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، که با اعزام صبری الخولی، نماینده خود، به لبنان برای یافتن راه‌حلی درباره بحران موجود همراه بود، رشید کرامی بار دیگر به معرفی کابینه موظف شد، هرچند درگیری‌های مسلحانه میان ارتش لبنان و مقاومت فلسطین همچنان ادامه یافت و مهم‌ترین آنها در ۲۰ اکتبر ۱۹۶۹ در روستای مجدل سلم به وقوع پیوست که دامنه آن بیشتر مناطق مرزی را دربر گرفت.^۱

«خط عرفات» نام گرفت.^۱ بدین ترتیب، این منطقه به مرکز مبارزه مسلحانه فداییان و نقطه آغاز هجوم آنان به داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین تبدیل شد. سلاح‌ها از سوریه می‌رسید و حکومت لبنان هم تحت فشار افکار عمومی و سیاسی جهان عرب نتوانست فعالیت‌های مسلحانه مبارزان فلسطینی را محدود کند، به‌ویژه آنکه وجود ۳۲۵ هزار پناهنده فلسطینی در اردوگاه‌های لبنان و آمادگی آنان برای پیوستن به صفوف مقاومت، جایگاه مبارزان فدایی را تثبیت می‌کرد.^۲

رابطه مقاومت فلسطین و دولت لبنان

۴۵۵ در پی تحولات و پیشرفت‌هایی که در روند مبارزه مسلحانه فلسطینیان از داخل خاک لبنان پدید آمد، یکی از واکنش‌های حساب شده اسرائیل ایجاد اختلاف و تفرقه میان دولت لبنان و فلسطینیان بود.

۴۵۶ ارتش لبنان براساس توافق‌نامه آتش‌بس میان دولت این کشور و اسرائیل در سال ۱۹۴۹، بارها از عبور فداییان فلسطینی از مرز لبنان و اسرائیل و ورود آنان به خاک اسرائیل ممانعت می‌کرد. از آغاز مبارزه فلسطینیان ضد اسرائیل در سال ۱۹۶۵، این امر موجب بروز اختلافات و کدورت‌هایی میان طرفین لبنانی و فلسطینی شده بود. اما شکست اعراب در سال ۱۹۶۷ زمینه را برای گسترش مبارزات مسلحانه فداییان فراهم آورد، «به‌ویژه آنکه رهبری متحد جهان عرب قدرت خود را از دست داده بود و حکومت‌های عربی نیز پشتوانه مردمی خود را از دست داده بودند.»^۳

۴۵۷ در پی بروز اختلاف میان مواضع دولت و ملت لبنان، رئیس‌جمهور شارل حلو در ۱۹ اکتبر ۱۹۶۸ از سمت خود استعفا داد، اما فشارهای سیاسی و تقاضای مکرر مبنی بر بازگشت او به

۱- خلف، سمیر، لبنان فی مدار العنف، دارالنهار، ۲۰۰۲، ص ۲۸۰.

۲- تیموویف، ایگور، همان، ص ۳۲۷.

۳- الحلو، شارل، همان، ص ۲۶۴.

۱- الحلو، شارل، همان، صص ۲۷۴-۲۷۰.

آنها را حل و فصل کنید....

۴۶۴ آحاد فرزندان شیعیان به عنوان شهروندان لبنان و کسانی که در مرکز فتنه‌ها و مشکلات گرفتار آمده‌اند، برای تقدیم همه امکانات و بذل جان خویش در راه دفاع از میهن و حفظ کرامت و سلامت خاک وطن آماده هستند. آنان برای آموزش نظامی و مسلح شدن و پیوستن به صفوف سربازان و وظیفه آمادگی کامل دارند، مشقت‌ها را به جان می‌خرند و برای تقویت و تجهیز ارتش با سلاح‌های دفاعی جدید و دفاع از میهن و مشارکت با کشورهای عربی به منظور آزادسازی سرزمین‌های مقدس، آماده فداکاری هستند.»

۴۶۵ در تاریخ ۱۹۶۹/۶/۱۱ امام صدر در پاسخ به حضور و عرض تبریک رئیس‌جمهور به مناسبت انتخاب ایشان به ریاست مجلس اعلای شیعیان، به همراه صبری حماده، رئیس پارلمان، به دیدار شارل حلو، رئیس‌جمهور، رفت.^۲ بار دیگر در ۱۹۶۹/۷/۲۴ امام با رئیس‌جمهور دیدار و در خصوص مسائل جاری کشور با ایشان بحث و تبادل نظر کرد.^۳ در ادامه و در تاریخ ۱۹۶۹/۸/۱۲ امام صدر از مناطق مرزی مورد هجوم اسرائیل بازدید و بر ضرورت آموزش نظامی اهالی و ایجاد پناهگاه در مناطق مذکور تأکید کرد.^۴

۴۶۶ به دنبال عملیات نفوذی کماندوهای اسرائیلی به روستای عیترون، که به انفجار بمب و تخریب چندین خانه و مجروح کردن چهار تن از اهالی منجر شد، امام در ۱۹۶۹/۱۰/۱۶ ضمن بازدید از منطقه نسبت به توطئه‌های دشمن که «با هدف بیرون راندن اهالی از خانه و کاشانه خود و تحقیر و تحریک اهالی جنوب برای رویارویی با مقاومت فلسطین و در ادامه، ایجاد اختلاف و بدگمانی در میان شهروندان صورت می‌گیرد»، هشدار داد و

۱- الحیاء، ۱۹۶۹/۶/۱۱.

۲- الحیاء، ۱۹۶۹/۶/۱۲.

۳- مسیره الامام السید موسی الصدر، ج ۲، ص ۴۲.

۴- الحیاء، ۱۹۶۹/۸/۱۳.

موضع امام صدر در قبال درگیری ارتش لبنان و مقاومت فلسطین

۴۶۰ در تاریخ ۱۹۶۹/۵/۲۹ شارل حلو، رئیس‌جمهور وقت، برای عرض تبریک به امام صدر به مناسبت انتخاب ایشان به ریاست مجلس اعلای شیعیان در دارالفتوای جعفری بیروت با امام دیدار کرد. در آن دیدار، صبری حماده، رئیس پارلمان لبنان و اعضای مجلس اعلای شیعیان و شخصیت‌های کشوری حضور داشتند. امام در سخنانی ضمن خوشامدگویی به رئیس‌جمهور، چنین فرمود:

۴۶۱ «... ما از گذشته تاکنون، همواره برای ادای وظیفه خویش در راه آزادسازی اراضی اشغالی از طریق حمایت و پشتیبانی از مقاومت مقدس فلسطین و همکاری با حکومت‌های عربی، آماده بوده‌ایم. جناب رئیس‌جمهور! ما به عنوان شهروندان لبنان، این وظیفه را بر دوش خود احساس می‌کنیم و از طریق همکاری کامل با رهبران مخلص که در این اوضاع دشوار، بار سنگین رهبری را بر دوش کشیده‌اند، وظیفه خود را به رهبری شما ادا خواهیم کرد.»

۴۶۲ در تاریخ ۱۹۶۹/۶/۱۰ امام صدر با صدور بیانیه‌ای به مناسبت انتخاب خود به ریاست مجلس اعلای شیعیان، درخصوص وقایع ناگوار جنوب لبنان هشدار داد: «... امروز بحران جنوب بحران همه لبنان است، بحران تمامی اعراب است، بحران فلسطین زخم خورده، بحران انسانیت در هر مکان و زمان....»

۴۶۳ ای فرزندان لبنان، بیایید اختلافات قدیم را رها کنیم، کینه‌های برجامانده از گذشته را به فراموشی بسپاریم و همه درگیری‌ها و تعصبات و اختلافات حزبی و طبقاتی و فرقه‌ای و منطقه‌ای را تا حل و فصل کامل معضل جنوب کنار بگذاریم. اکنون مسئولیت بزرگی بر دوش شماست، شما که با اتحاد و همبستگی می‌توانید بر تمامی دشواری‌ها چیره شوید و همه مراحل ناگوار را پشت سر بگذارید. پس با دشواری‌ها روبرو شوید و با روحی سرشار از ایمان و فداکاری، اندیشه‌ای والا و بی‌مثال و دلی مالا مال از محبت،

- ۴۶۹ امام در بخش دیگری از مصاحبه درباره راه‌حل این بحران فرمودند: «از صمیم قلب و با تمام وجود آرزو می‌کنم که گفتگو درباره چگونگی حفظ حاکمیت ملی لبنان با حفظ امکانات موجود از سویی، و لزوم مشارکت در پشتیبانی از مقاومت و تأیید عملیات چریکی از سوی دیگر، از سر گرفته شود. من تمامی امکانات و توان خود را در اختیار مسئولان همه طرف‌های گفتگو قرار می‌دهم تا مذاکرات به نتیجه موفقیت‌آمیز برسد.»^۱
- ۴۷۰ به دنبال افزایش تنش میان ارتش لبنان و فداییان فلسطینی، مجلس اعلاى شیعان در تاریخ ۱۰/۲۲/۱۹۶۹ م به ریاست امام موسی صدر تشکیل جلسه داد تا وقایع خونین جنوب و درگیری‌های طرفین را بررسی کند. در آن جلسه مقرر شد که تا رسیدن به راه‌حل جلسات ادامه یابد و ضمن پیگیری وقایع، با دیگر شوراها و نهادهای ملی بحث و تبادل نظر صورت گیرد.^۲
- همچنین، تمامی اعضای مجلس اعلا برای حضور در جلسه بعد فراخوانده شدند. جلسه دوم عصر روز ۱۰/۲۳/۱۹۶۹ منعقد شد و امام صدر مفاد نامه‌ای را با حاضران مطرح کرد که شیخ حسن خالد، مفتی جمهوری لبنان، درباره مسائل جاری برای امام ارسال کرده و در آن خواستار تشکیل جلسه مشترک شده بود. همچنین، در جلسه مجلس اعلاى شیعان تصمیمات ذیل اتخاذ شد:^۳
۱. مقدس شمردن اقدامات مبارزان فلسطینی و حمایت از آنان. ۴۷۱
 ۲. درخواست از نیروهای امنیتی لبنان و سازمان‌های مبارز فلسطینی برای توقف درگیری‌ها و از بین بردن سوء تفاهات از طریق مذاکره و رایزنی. ۴۷۲
 ۳. درخواست از سران کشورهای عربی برای درک وضعیت ویژه لبنان و آگاه کردن سران این کشورها به این حقیقت که وقایع لبنان نه به نفع اعراب است و نه به مصلحت مسئله فلسطین. ۴۷۳
 ۴. تقاضا از رئیس‌جمهور برای تشکیل دولت اتحاد ملی تا ۴۷۴

۱- الحوادث، ۱۰/۱۰/۱۹۶۹.

۲- الحیاة، ۲۳/۱۰/۱۹۶۹.

۳- مسیره الامام السید موسی الصدر، ج ۲، ص ۵۸.

همگان را به «پایداری و مسلح شدن و حفظ وحدت ملی» فراخواند.^۱

۴۶۷ در آن اوضاع و درحالی که دامنه درگیری‌های نظامی میان مبارزان فدایی فلسطین و نیروهای امنیتی لبنان گسترش یافته بود، مجله الحوادث درباره اقدامات مبارزان فدایی در لبنان و خطرهای تهدیدهای صهیونیست‌ها گفتگویی با امام صدر ترتیب داد. امام در آن گفتگو با تأکید بر اینکه «برای آزادی فلسطین راهی جز مقاومت وجود ندارد»، در خصوص واکنش دولت لبنان در قبال فداییان فلسطینی اظهار داشت: «مقامات لبنانی در ماه‌های اخیر در قبال واژه «هماهنگی» واکنش‌های مخالف نشان داده‌اند، هرچند می‌دانم که ملت و دولت لبنان به فداییان فلسطینی نگرشی احترام‌آمیز و مثبت دارند، اما آن مخالفت‌ها هم مفهوم مشخصی دارد و بدین معناست که تلاش برای به رسمیت شناختن فعالیت مبارزان فدایی فلسطینی در جنوب لبنان بی‌نتیجه است. علت این امر هم واضح است؛ اینکه اسرائیل حضور مبارزان فلسطینی در جنوب لبنان را بهانه‌ای برای حمله و هجوم به این منطقه قرار داده است. البته، باید به این نکته هم اشاره کنیم که واکنش‌های مخالف دولت لبنان در مواضع شهروندان تأثیری ندارد و ملت لبنان تمایل دارد که با حمایت از مقاومت فلسطین، در آزادی فلسطین سهیم باشد و مسئولیت این حمایت را هم می‌پذیرد....» ایشان در ادامه افزودند: «به عقیده من مخالفت مقامات لبنانی در خصوص موضوع مبارزان فلسطینی، در مقایسه با مواضع لبنان در سازمان ملل متحد نوعی تناقض دارد.»

۴۶۸ ایشان در خصوص عملیات چریکی فلسطینیان افزودند: «... به هر حال، فعالیت جنبش مقاومت [فلسطین] که اکنون به شکل جنگ‌های نامنظم درآمده، نیازمند استراتژی دقیق و علمی است و معتقدم که مسئولان مقاومت به این نکته مهم توجه کافی دارند و اوضاع حساس تاریخی و جغرافیایی حاضر را به خوبی درک می‌کنند....»

۱- الحیاة، ۱۷/۱۰/۱۹۶۹.

جلسه دادند و در آن نشست توافقنامه موسوم به پیمان قاهره به امضا رسید.^۱

۴۷۷ بنا بر مفاد پیمان مذکور، حضور فلسطینیان در لبنان ساماندهی و به آنان اجازه کار و اقامت و رفت و آمد در لبنان داده می‌شد. همچنین، درباره تشکیل کمیته‌های محلی برای حفظ منافع فلسطینیان مقیم اردوگاه‌های لبنان با همکاری مقامات لبنانی و با حفظ حاکمیت دولت لبنان موافقت شد. مراکز نیز برای عملیات مسلحانه و تمرین نظامی مبارزان فلسطینی در داخل اردوگاه‌ها در نظر گرفته شد که با همکاری کمیته‌های محلی، ضمن تلاش برای حفظ روابط حسنه با دولت لبنان، توزیع اسلحه را ساماندهی و به داخل اردوگاه‌ها محدود کنند تا علاوه بر رعایت قوانین امنیتی لبنان منافع نهضت فلسطین نیز محفوظ بماند.

۴۷۸ همچنین، درباره مبارزات مسلحانه فداییان فلسطینی مقرر شد که علاوه بر تسهیل رفت و آمد مبارزان فدایی، نقاط معینی در مرزها به منظور عبور و بازرسی در نظر گرفته شود و این کار با هماهنگی میان فرماندهان لبنانی اجرا شود. نیز مقرر شد که ورود و خروج و گشت‌زنی نیروهای مسلح مقاومت فلسطین ساماندهی شود و در تمامی اوضاع مقامات دولتی و نظامی لبنان به وظایف و مسئولیت‌های کامل خود در تمامی مناطق لبنان عمل کنند.

موضع امام صدر در برابر پیمان قاهره

۴۷۹ امام در چندین مناسبت موضع خود را در قبال این پیمان اعلام کردند. ایشان در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اظهار داشتند که پیمان قاهره «فرصتی پدید آورد تا مقاومت فلسطین و ارتش لبنان، هریک در چارچوب وظایف خود، به شکل صحیح و مناسب فعالیت کنند... باید بگوییم که «اقدامات مبارزان فلسطینی» و «پشتیبانی و حمایت از جنوب»، هر دو یک خاستگاه مشترک دارند...»^۲ در مناسبت دیگری، امام چنین ابراز داشتند: «ماهیت جنگ چریکی به این صورت است که از پایگاه‌هایی در

بحران موجود را حل و فصل کند و پیش از نابسامانی و لجام‌گسیختگی کامل و گسترش هرج و مرج به سرعت بحران را به پایان برساند.

۴۷۵ در برخی پایتخت‌های عربی، واکنش‌هایی در قالب برپایی تظاهرات و اظهار نظر مقامات دولتی و موضع‌گیری در روزنامه‌ها در خصوص جنوب لبنان بروز کرد. در بغداد، مردم با برپایی راهپیمایی دولت لبنان را محکوم و از مبارزان فدایی اعلام پشتیبانی کردند. دولت مصر نیز از وقایع لبنان ابراز تأسف کرد و «حمایت مطلق خود را از مبارزات مشروع ملت فلسطین» اعلام کرد. «اتحادیه بین‌الملل کارگران عرب» نیز تلگراف‌هایی در تأیید مبارزات فداییان فلسطین به یاسر عرفات ارسال کرد. در اردن، مردم با برپایی تظاهرات به طرف سفارت لبنان در عمان، پرچم لبنان را از فراز ساختمان سفارت پایین کشیدند و پاره کردند. بومدین، رئیس جمهور الجزایر، نیز تهدید کرد که کشورش رابطه با لبنان را قطع خواهد کرد. در سودان و تونس نیز راهپیمایی‌هایی در اعتراض به عملکرد دولت لبنان برپا شد و حتی روزنامه فرانسوی لوفیگارو در ۲۴ دسامبر ۱۹۶۹ مقاله‌ای با عنوان «لبنان در آستانه بحران» منتشر کرد. جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر، نیز پیشنهاد کرد که مذاکراتی میان دولت لبنان و مقاومت فلسطین در قاهره برگزار شود.^۱

پیمان قاهره

۴۷۶ در روزهای ۲۸ تا ۳۰ اکتبر ۱۹۶۹ سه نشست پی‌درپی میان هیئت لبنانی به ریاست فرمانده ارتش این کشور، سرتیپ امیل البستانی، و هیئت مصری به ریاست وزیر دفاع مصر، سرلشگر محمد فوزی، در قاهره برپا شد. پس از سه روز، هیئت اعزامی از سازمان آزادی‌بخش فلسطین به ریاست یاسر عرفات وارد قاهره شد و سرانجام در ۳ نوامبر ۱۹۶۹ هیئت‌های لبنانی و فلسطینی با حضور محمود ریاض و محمد فوزی، وزرای خارجه و دفاع مصر، تشکیل

۱- برای آگاهی از مفاد پیمان قاهره ر.ک: ضمیمه شماره ۵ کتاب.

۲- المحرر، ۱۹۷۰/۳/۲۱.

۱- الحلو، شارل، همان، صص ۲۷۵-۲۷۷.

۴۸۲ در وضعیتی که اسرائیل با حملات پی‌درپی به روستاهای مرزی لبنان، نبردی آشکار را در جبهه لبنان آغاز کرده بود، با به آتش کشیدن مسجدالاقصی در قدس جنایت دیگری را رقم زد. از سوی دیگر، اخباری مبنی بر تصمیم اسرائیل برای تخریب مسجدالاقصی و ساخت معبد سلیمان در محل آن به گوش می‌رسید. بدین ترتیب، اسرائیل با اقدامات خود، از سویی، جنوب لبنان را به بهانه حضور مبارزان فدایی فلسطینی در روستاهای این منطقه آماج حملات خود قرار داد و، از سوی دیگر، کرامت و هویت اسلامی مسلمانان را به بهانه حق تاریخی یهود در تجدید بنای معبد سلیمان در محل مسجد قبة الصخرة - نقطه آغاز معراج رسول خدا^ص و نخستین قبله و دومین حرم مقدس مسلمانان - پایمال می‌کرد. در چنین اوضاعی، امام صدر با صدور پیامی خطاب به مسلمانان و مسیحیان و اعراب چنین فرمود:

۴۸۳ «ای ملت ارجمند، ای مسلمانان، ای مسیحیان سراسر زمین ای انسان‌ها در همه‌جای کره خاکی، اسرائیل هر روز بیش از پیش ماهیت حقیقی خود را آشکار می‌سازد و از نیت خود در نابودی مشرق‌زمین پرده برمی‌دارد. می‌بینیم که پس از اینکه سرزمین را آلوده کرده و اخلاق و عدالت را در این دوران از بین برده، حال بر تاریخ هجوم آورده است و ارزش‌ها را زیر پا می‌گذارد.

۴۸۴ پس از آنکه قدس شریف را به فساد و طغیان خویش ملوث کرده، اکنون، مسجدالاقصی را به آتش می‌کشد. و اما کلیسای القیامة که مرحله بعدی این تهاجم است، فرزندان خود را به یاری می‌طلبد و می‌گوید: اگر اجازه دهی برادرت را نابود کنند، پس از او نوبت خودت خواهد بود.^۱

۴۸۵ برادران، فاجعه به آتش کشیدن مسجدالاقصی سرنوشت ما مسلمانان و مسیحیان را مشخص کرده و نشان داده است که روند توسعه‌طلبی صهیونیسم هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. این فاجعه دیگر فرصتی برای بهانه‌تراشی و سستی و سرگرم شدن به نزاع‌های فرعی باقی نگذارده است، چرا که هرآنچه داریم در معرض خطر

سرزمین‌های هم‌مرز اسرائیل آغاز شود. این اصل مبنایی صحیح است و نمی‌تواند با امنیت لبنان در تعارض باشد. ما خواهان آن هستیم که مسئولان لبنانی با عمل به وظایف، خود را با فعالیت‌های مقاومت [فلسطین] هماهنگ کنند و مسئولیت اقدامات خود را بپذیرند. اگر حرکت‌ها و عملیات نیروهای مقاومت از مناطقی در خاک لبنان، و نه از داخل روستاها، سرچشمه بگیرد، دیگر اسرائیل توجیهی برای بمباران روستاها نخواهد داشت....» امام پرتاب موشک را از داخل خاک لبنان به سوی اسرائیل محکوم کرد، زیرا این کار موجب می‌شود که اسرائیل هم محل‌های پرتاب موشک را هدف قرار دهد.

۴۸۰ ایشان در خصوص تکرار تجاوزات اسرائیل به خاک لبنان گفتند: «می‌توانیم به راه‌حلی برسیم که براساس آن هم حاکمیت لبنان محفوظ بماند و هم حضور مبارزان [فلسطینی] در لبنان ادامه پیدا کند و، در عین حال، هیچ بهانه‌ای هم برای حمله به دست اسرائیل ندهیم.... چنین راه‌حلی فقط در فضایی سرشار از اعتماد متقابل به دست می‌آید؛ فضایی که در آن حفظ حاکمیت لبنان و مقاومت فلسطین تضمین شود.»^۲

مسئله مسجدالاقصی و اوضاع جنوب

۴۸۱ پس از سامان دادن به اوضاع شیعیان و تصویب اساس‌نامه مجلس اعلای شیعیان که با موافقت هیئت شرعی و هیئت اجرایی در جلسه مشترک مورخ ۱۹۶۹/۸/۲۱ صورت گرفت، امام صدر قدم‌های اول پیکار خویش را آغاز کرد و سه سرفصل مهم و اساسی را در رأس برنامه‌های سیاسی جدید خود قرار داد که عبارت بودند از همایش مذاهب لبنان برای آزادی قدس و اوضاع جنوب لبنان و دعوت به همبستگی و اتحاد اسلامی.

امام صدر و مسئله مسجدالاقصی

۱- النهار، ۱۹۷۰/۵/۲۷.

۲- مجله La revue du Liban، ۱۹۷۰/۵/۳۰.

۱- اذا ما أُخِ خَلَى اخاه لآكل بدأ بأخيه الأكل، ثم به ثنى.

۴۹۰ از جمله نتایج آن فراخوان این بود که در دوره‌های پراشتهاپ پس از درگیری میان نیروهای ارتش لبنان و مبارزان مقاومت فلسطین، دیدار و گفتگوی سران فرقه‌ها در محل دارالفتوا را تسهیل می‌کرد. این درگیری‌ها موجب شده بود که درگفتمان سیاسی لبنان مباحث و مناقشاتی درباره سازگاری میان حفظ حاکمیت لبنان و آزادی اقدامات مبارزان فدایی در لبنان به وجود آید.

۴۹۱ در روزهای ۲۳ تا ۱۹۶۹/۱۰/۲۵ جلسه‌ای با حضور شیخ حسن خالد، مفتی اهل سنت لبنان، و امام صدر و شیخ محمد ابوشقرا، رهبر دروزیان، و صبری حماده، رئیس پارلمان، و عادل عسیران و حسین العوینی و عبدالله الیافی در محل دارالفتوا تشکیل و مقرر شد که در دیداری با رئیس‌جمهور از او بخواهند که اقدام ارتش برضد فداییان فلسطینی را متوقف کند و این کار را مقدمه‌ای برای از سرگیری مذاکرات ملی و عربی درباره بحران فداییان فلسطینی دانستند. به این منظور کمیته‌ای به ریاست امام صدر و با عضویت صبری حماده و عسیران و الیافی و العوینی تشکیل شد و نامبرندگان در ۱۹۶۹/۱۰/۲۴ با رئیس‌جمهور دیدار و پس از آن بیانیه‌ای منتشر کردند که در آن چنین آمده بود: «این کمیته در دیدار با رئیس‌جمهور تصمیمات اتخاذ شده در نشست عصر پنج‌شنبه ۱۹۶۹/۱۰/۲۳ مجمع عمومی را به اطلاع ایشان رسانید و جناب رئیس‌جمهور با استقبال از پیشنهادها مطرح شده، فرصتی پدید آوردند تا تلاش کشورهای عربی برای حل بحران موجود به نتیجه برسد. این کمیته جزئیات و نتایج دیدار با رئیس‌جمهور را در نشست عصر روز شنبه ۱۹۶۹/۱۰/۲۵ مجمع عمومی که در منزل شیخ محمد ابوشقرا، رئیس طایفه دروزی، برگزار خواهد شد، به اطلاع اعضا می‌رساند.»

۴۹۲ جلسه مجمع عمومی در منزل شیخ محمد ابوشقرا، شیخ طایفه دروزی، تشکیل شد و امام صدر نتایج دیدار با رئیس‌جمهور را به اطلاع حاضران رسانید. این نتایج چهار محور اصلی را شامل می‌شد: «توقف اقدام نظامی برضد مبارزان فدایی؛ آزادی عمل مبارزان فدایی؛ افزایش توان دفاعی کشور؛ اجرای دقیق و صحیح

و تهدید است. این حادثه ما را بر آن می‌دارد که سبکبال یا گرانبار از جا برخیزیم و فرد فرد یا گروه گروه قیام کنیم. پس به‌پا خیزید - خدای شما را رحمت کند - تا مسئولیت خویش بر دوش کشیم پیش از آنکه لکه ننگی شویم بر پیشانی روزگاران.»^۱

همایش فرقه‌های لبنان و تشکیل کمیته پیگیری

۴۸۶ امام در روزهای ۲۴ و ۱۹۶۹/۸/۲۵ ضمن برقراری تماس با رؤسا و رهبران مذهبی فرقه‌های لبنان، از آنان خواست تا در همایشی با هدف یکپارچه کردن تلاش‌ها برای اتخاذ موضع قاطع داخلی و بین‌المللی در قبال جنایت هولناک اسرائیل در به آتش کشیدن مسجدالاقصی گرد هم آیند.

۴۸۷ مقامات مسیحی از این همایش استقبال کردند^۲ و مجلس اعلا شیعیان در تاریخ ۱۹۶۹/۸/۲۷ کمیته ویژه‌ای برای آماده‌سازی مقامات همایش و تماس با فرقه‌های مختلف لبنان به منظور هماهنگی برای حضور رهبران آنها در همایش تشکیل داد.

۴۸۸ امام صدر در مصاحبه‌ای مطبوعاتی تصریح کرد که به آتش کشیدن مسجدالاقصی «نخستین گام در راه یهودی‌کردن قدس است... و اکنون، ایمان اعراب و مسلمانان در معرض امتحان و محک قرار گرفته است.»^۳

۴۸۹ امام با درخواست از مطبوعات و رسانه‌ها برای حمایت از فراخوان «همایش فرقه‌های لبنان» برای تبلور وحدت ملی آن را «نخستین عامل در رویارویی با خطرهای خارجی و تهدیداتی دانست که کشور با آن مواجه است.» این مصاحبه در دیدار امام با سندیکای روزنامه‌نگاران برگزار شد. ریاض طه، رئیس سندیکای روزنامه‌نگاران، در آن دیدار با تأکید بر استقبال از هر فراخوان خیرخواهانه، هدف آن را دفاع از لبنان و کشورهای عربی برضد دشمنی‌های اسرائیل دانست.^۴

۱- الحیاة، ۱۹۶۹/۸/۲۲.

۲- الحیاة، ۲۴ و ۱۹۶۹/۸/۲۵.

۳- الجریدة، ۱۹۶۹/۸/۲۶.

۴- الحیاة، ۱۹۶۹/۹/۱۱.

مفاد قانون اساسی»^۱

- ۴۹۳ در ۱۹۶۹/۱۰/۲۷ کمیته پیگیری که در جلسه سران فرقه‌های مسیحی و اسلامی تشکیل شده بود، در مرکز مسیحیان ارتودکس تشکیل جلسه داد. اعضای حاضر در جلسه عبارت بودند از: امام موسی صدر و اسقف گریگوریوس حداد و شیخ حلیم تقی‌الدین و شیخ طه صابونچی و اسقف افرام گرگور و شیخ مختار الجندی و اسقف ایلیا الصلیبی و اسقف یوسف الخوری و شیخ محمود فرحات. در آن نشست راهکاری برای گسترش ارتباط میان اعضا و ادامه گفتگو میان همه فرقه‌ها تا رسیدن به راه حل نهایی تعیین شد.^۲
- ۴۹۴ در تاریخ ۱۹۶۹/۱۱/۱۲، مجلس اعلای شیعیان برای بررسی نتایج تلاش‌های کمیته پیگیری مشترک فرقه‌ها تشکیل جلسه داد. امام صدر در آن جلسه اعلام کرد که در نشست سران فرقه‌ها چهار اصل ذیل به تصویب رسیده است:
- ۴۹۵ ۱. موافقت با عملیات مبارزان فدایی و هماهنگی با مقامات لبنانی برای حمایت از آنان؛
- ۴۹۶ ۲. تقویت روستاهای مرزی و تأمین نیازهای نظامی و مادی و معنوی آنها؛
- ۴۹۷ ۳. حفظ وحدت ملی؛
- ۴۹۸ ۴. رعایت قوانین و اصول مندرج در قانون اساسی در تمامی فعالیت‌ها و اقدامات.
- ۴۹۹ امام، در ادامه، با اعلام اینکه حاضران در همایش مسئولیت ابلاغ این مصوبات را به مسئولان برعهده ایشان گذاردند، افزودند: «باید منتظر اقدامات تلافی‌جویانه دشمن باشیم که در درجه اول جنوب را هدف قرار می‌دهد. بر همه مسئولان لازم است که احساس مسئولیت داشته باشند.»
- ۵۰۰ در ادامه جلسه مقرر شد نمایندگان شیعه پارلمان تمامی دولت‌ها را موظف کنند که به تلاش برای تحقق اصول چهارگانه

مذکور متعهد شوند.^۱

بازدید اعضای کمیته پیگیری از روستاهای مرزی

- ۵۰۱ در تاریخ ۱۹۶۹/۱۱/۱۴ اعضای کمیته پیگیری مصوبات همایش سران فرقه‌ها به ریاست امام صدر از روستاهای جنوبی بازدید کردند و از نزدیک با اوضاع و نیازها و خواسته‌های اهالی آشنا شدند تا آنها را به اطلاع مسئولان برسانند. در روستای مجدل سلم امام در سخنانی خطاب به اهالی چنین فرمود:
- ۵۰۲ «کمیته‌ای که اعضای آن اکنون در میان شما حضور دارند نماینده تمامی فرقه‌های اسلامی و مسیحی لبنان است و، در واقع نیروهای مذهبی خیرخواه این کشورند که نمی‌خواهند فقط در مساجد و کلیساها بمانند و نیروی خود را فقط صرف عبادت کنند.» امام در بخش دیگری از سخنان خود افزود: «این برادران احساس کرده‌اند که وطن در معرض خطر است، مردم دچار تفرقه‌اند و کشور با بحران مواجه است. آنان شرایط دشواری که سرنوشت لبنان را تهدید می‌کرد و به آن اجازه نمی‌داد که رسالت ملی خود را ادا کند و در نبرد آزادی فلسطین مشارکت جوید... اینها را دیدند و برای نخستین بار به صحنه آمدند... این کمیته نماینده همه فرقه‌هاست... اعضای آن از راه دور برای بازدید از این منطقه آمده‌اند تا روستایی را که از چندی پیش شاهد فاجعه‌ها و درگیری‌ها بوده است، از نزدیک ببینند. این عزیزان آمده‌اند تا شما اطمینان پیدا کنید که در این معرکه تنها نیستید.»
- ۵۰۳ امام در ادامه گفت: «برخی از آقایان و اسقف‌های محترم پیشنهاد داده‌اند که این کمیته به رئیس‌جمهور پیشنهاد کند که ۲۰ درصد از بودجه کشور به جنوب اختصاص یابد... اعضای کمیته به اینجا آمده‌اند تا به نمایندگی از تمامی لبنان به شما بگویند که ما با شما هستیم و با تمامی احساسات و عواطف و دارایی‌ها و امکانات خود با شما شریک هستیم. مسئولان را تحت فشار قرار خواهیم داد تا برای شما امکانات دفاعی و اسلحه فراهم و شما را

۱- الحیاة، ۲۴ و ۱۹۶۹/۱۰/۲۶؛ الحلو، شارل، همان، ص ۲۷۴.

۲- الحیاة، ۱۹۶۹/۱۰/۲۸.

۱- ایام جنوبیه، ۱۹۶۹/۱۱/۱۲.

در برابر دشمن تقویت کند.»
 ۵۰۴ امام در پایان تصریح کرد: «وظیفه این کمیته آن است که برای افزایش و پیشبرد طرح‌ها و بهبود اوضاع کلی کشور و تقویت و آموزش نظامی به جوانان جنوب به منظور ایستادگی در برابر دشمن متجاوز تلاش کند.»^۱

اوضاع جنوب و خواسته‌های روستاهای مرزی

۵۰۵ کمیته پیگیری مصوبات مجلس اعلا‌ی شیعیان در جلسه مورخ ۱۹۶۹/۸/۲۷ تشکیل کمیته‌ای را به ریاست امام صدر و به منظور پیگیری و تحقق خواسته‌های روستاهای مرزی و احداث پناهگاه در این مناطق، به تصویب رساند. این کمیته بلافاصله اقدام به تهیه و تنظیم فهرست خواسته‌ها و نیازهای معیشتی و بهداشتی و اقتصادی روستاهای جنوب کرد و طی هفته‌های پس از آن در ملاقات با رؤسای سه‌گانه (رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و رئیس پارلمان) و فرمانده ارتش لبنان، فهرست مذکور را در قالب بیانیه‌ای به هر یک از آنان تسلیم کرد و بر ضرورت اجرای طرح‌هایی شامل بهبود اوضاع مناطق هم‌مرز با دشمن صهیونیستی و تقویت روستاهای مرزی و احداث پناهگاه و آموزش نظامی جوانان تأکید کرد. در مقدمه بیانیه مذکور چنین آمده بود:

۵۰۶ «در فضای ناآرام جهان کنونی که پایمال‌شدن حقوق و آزادی‌های ملت‌هایی که به نیروی بازدارنده قوی متکی نیستند، به امری عادل بدل گردیده است؛ و در مواجهه با خطرهای بزرگی که از ناحیه اسرائیل و زیاده‌خواهی‌های سیاسی و منافع استعماری متوجه منطقه ما شده است؛

۵۰۷ و با توجه به اینکه در سال‌های اخیر تجاوز و حمله و اشغال کشورهای عربی منطقه توسط اسرائیل استمرار داشته و افزایش یافته است؛

۵۰۸ و اینکه مواضع دولت‌های ابرقدرت همواره بی‌مبالا و در جهت تثبیت زیاده‌خواهی‌های اسرائیل قرار داشته است و باتوجه به

۵۰۹ اخباری که درباره تلاش برای تغییر در جغرافیای منطقه - بدون توجه به خواست ملت‌ها - منتشر می‌شود؛
 و از آنجا که حمله‌ها و تجاوزهای اسرائیل به خاک لبنان و به بهانه واهی دفاع از خود، زنگ خطر را به صدا درآورده است و نشان می‌دهد که دشمن متجاوز عملاً تلاش برای تحقق زیاده‌خواهی‌های تاریخی و اقتصادی خود را در لبنان آغاز کرده است؛

۵۱۰ و با توجه به وضعیت روحی ناآرامی که لبنان عزیز ما و منطقه جنوب در آن به سر می‌برد، و رواج احساس نبود حمایتی که استقرار و امنیت از آوارگی را تأمین کند؛

۵۱۱ و با تکیه بر احساس ملی‌گرایانه و مقدسی که در سینه اهالی جنوب موج می‌زند و آنان را به دستیابی به راهکارهایی برای دفاع از خویش و آموزش و تمرین در عرصه‌های مورد نیاز تشویق می‌کند؛
 ۵۱۲ و باتوجه به اینکه چنین راهکارهایی خارج از چارچوب اقدامات معمول قرار دارد و الزاماً گرایش گروه‌ها و جریان‌های ملی‌گرا را به حوزه‌ای فراتر از وظایف تعریف‌شده آنان سوق می‌دهد و این امری بدیهی است؛ به‌ویژه آنکه تلاش برای رسیدن به راهکارها به خودی خود، بیانگر احساس والای ملی و دلبستگی به میهن و سرزمین است، و اوج این دلبستگی در به کارگیر تمامی امکانات موجود متجلی می‌شود؛

۵۱۳ و در چنین فضایی آکنده از ابرهای تیره‌گون که سراسر لبنان به‌ویژه جنوب را تهدید می‌کند، مجلس اعلا‌ی شیعیان با احساس مسئولیت بزرگ ملی و برای ادای وظایف خود در قبال شیعیان، خود را ملزم می‌داند که مسئولان کشور را به اتخاذ تدابیر فوری به منظور دفع خطر دعوت کند و بر این مهم تأکید کند که ملت باید به‌گونه‌ای آموزش داده شوند که مفهوم شهروندی را در بالاترین حد آن درک کنند و معنای از خود گذشتگی و فداکاری در راه میهن را با پذیرش قانون خدمت نظام وظیفه احساس کنند و جوانان جنوب را برای انجام وظیفه خویش... و دفاع مسلحانه و امداد رسانی... آموزش دهند.

۵۱۴ در ادامه نیز پس از بیان لزوم احداث و گسترش پناهگاه‌ها،

تأکید بر ضرورت «بهره‌گیری از تمامی امکانات مؤثر در ارتقای زندگی اجتماعی اهالی جنوب...» پایان‌بخش بیانیه بود.^۱

دشمن بدل کنید.»^۱

نامه امام به نمایندگان پارلمان

۵۱۵ در پی تشدید حملات اسرائیل به جنوب لبنان و هم‌زمان با بررسی بودجه سالانه کشور در پارلمان لبنان، امام در نامه‌ای خطاب به نمایندگان پارلمان چنین نوشت:

۵۱۶ «... مجلس اعلاى شيعيان مرا مکلف کرده است که خلاصه‌ای از وضعیت جنوب و اهالی آن و نیازها و خواسته‌های آنان را به اطلاع شما برسانم، و این خواسته همه لبنانیان آگاه و همه اعراب مخلص است...» در ادامه، امام با ذکر پیامدهای حملات اسرائیل به جنوب لبنان، افزود: «طبیعی است که اوضاع جدید مسئولیت‌های اهالی جنوب را دوچندان می‌کند و آنان را به فداکاری و از خود گذشتگی بیشتر فرامی‌خواند. من هرگز ساکنان جنوب را در گیرودار جنگ و در اوضاع ناگوار دفاعی و اجتماعی و اقتصادی و روحی تنها رها نمی‌کنم... از طرفی، حل این بحران فقط با اظهار همدردی و ابراز احساسات یا ارائه برخی کمک‌های ناچیز ممکن نخواهد بود؛ آن هم در اوضاعی که اهل جنوب در خط مقدم نبرد و در برابر آتش ایستاده‌اند... این ظلمی آشکار و تبعیضی خطرناک است و تسلیم شدن در برابر تقدیر و مرگ تدریجی را به همراه دارد. از این رو، من در مقام برادری مخلص در این هنگامه رنج و محنت از شما می‌خواهم که در عرصه‌های مختلف و با تمامی امکانات و توان خود، با اهالی جنوب همراهی کنید و در تمامی موضع‌گیری‌ها و اظهار نظرها در زمان ارائه مشاوره برای تعیین وزرای کابینه و هنگامی که برای همکاری با دولت دعوت می‌شوید، در بیانیه کابینه و در دادن رأی اعتماد و بررسی بودجه و تصویب آن و در تدوین و تصویب طرح‌ها و لوایح این مسئله را در نظر داشته باشید و با استفاده از ابزارهای مختلف جنوب را به سدی مستحکم در برابر تجاوزات و زیاده‌خواهی‌های

حمایت امام از مرجعیت دینی عراق

۵۱۷ هنوز دو هفته از انتخابات مجلس اعلاى شيعيان لبنان نگذشته بود که حکومت عراق به روحانیون و علمای دین در این کشور تعرض کرد. رفتارهای ناشایست و سخت‌گیری‌های حکومت شدت یافت و شماری از علما دستگیر شدند، به گونه‌ای که مرجع اعلاى شيعيان عراق در منزل خود دست به اعتصاب زد. گزارش‌های دریافتی از عراق نیز این موضوع را تأیید می‌کرد که علمای شیعه عراق تحت فشار و تعقیب قرار دارند و مرجع بزرگ شيعيان، علامه سید محسن حکیم، در پی بی‌حرمتی‌ها و رفتارهای ناشایست، از جمله تعقیب و پیگرد فرزندشان سید مهدی حکیم و شایعه‌پراکنی برضد وی، در منزل خود دست به اعتصاب زده‌اند.^۲

۵۱۸ به دنبال این رویدادها، جلسه‌ای به منظور بررسی اقدامات مناسب برای ابراز نگرانی و ناخشنودی علما و عامه شيعيان در محل دارالفتوای جعفری در لبنان برگزار شد. مهم‌ترین راهکارهای تعیین شده عبارت بود از:

- ۵۱۹ - دیدارهای هیئت‌های مردمی با سفیر عراق در لبنان به منظور اعتراض به رفتار حکومت عراق با مرجع اعلاى شيعيان.
- ۵۲۰ - ارسال تلگراف به پادشاهان و رؤسای جمهور کشورهای عربی و اسلامی و تقاضای مداخله در مسئله و گفتگو با حکومت عراق برای توقف این قبیل اقدامات.
- ۵۲۱ - مأموریت به امام موسی صدر برای تماس با صبری حماده، رئیس پارلمان لبنان، به منظور اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه.^۳

ماهیت و پیامدهای اقدامات مذکور

۵۲۲ اقدام مجلس اعلا در حمایت از جایگاه مرجعیت شیعه، تلاش

۱- الحیاة، ۱۲/۳، ۱۹۶۹.

۲- الحیاة، ۶/۱۴، ۱۹۶۹.

۳- همان.

۱- آرشیو مجلس اعلاى شيعيان لبنان، ۹/۲۴، ۱۹۶۹.

- ۵۲۸ کرد و نیز در منزل نخست‌وزیر، رشید کرامی، به ملاقات وی رفت. پس از نامه‌نگاری‌های امام، پاسخ‌هایی از جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، و قاضی الاریانی، رئیس شورای ریاست جمهوری یمن، به ایشان واصل شد.^۱ پاسخ ملک فیصل (پادشاه عربستان سعودی) را نیز سفیر این کشور در بیروت به امام تسلیم کرد.^۲
- ۵۲۹ از جمله روش‌هایی که امام در آن اوضاع بر آن تأکید داشتند، ممانعت از گسترش دامنه اقدامات به سطوح غیر دیپلماتیک بود، زیرا اتخاذ چنین روش‌هایی ممکن بود به سوء تفاهم منجر شود و مسئله را طوری جلوه دهد که نوعی درگیری میان دو مذهب اسلامی (شیعه و سنی) یا نزاع میان شیعیان با حکومت بعثی عراق از آن برداشت شود.^۳
- ۵۳۰ در تاریخ ۱۹۶۹/۸/۵، مجلس اعلای شیعیان تشکیل جلسه داد و تصمیماتی در آن نشست اتخاذ شد. پیش از آن، نمایندگان مرجع عالیقدر شیعیان عراق، آیت‌الله حکیم، بر این نکته تأکید کرده بودند که مواضع ایشان سیاسی نبوده و هدف آیت‌الله حکیم متزلزل کردن پایه‌های حکومت عراق و تغییر رژیم حاکم نیست، بلکه تنها هدف ایشان حفظ کرامت و حرمت شعائر دینی و علمای دین است که همواره سرمایه مستحکم امت عربی و اسلامی بوده‌اند.
- ۵۳۱ در نشست مجلس اعلا مقرر شد که هیئتی از علمای شیعه با اعضای دفتر مفتی اهل سنت لبنان، شیخ حسن خالد، دیدار و مسئله را برای ایشان تشریح کنند تا موضعی واحد در قبال آن اتخاذ شود؛ چرا که این مسئله برای تمامی مسلمانان حائز اهمیت است. همچنین، مقرر شد تمامی نمایندگان شیعه پارلمان و اعضای مجلس اعلای شیعیان در جلسه فوق‌العاده تصمیمات لازم را در سطوح رسمی اتخاذ کنند و نیز از شهروندان درخواست شد تا به

- برای از میان بردن عقده تاریخی تشیع و دورکردن شمشیر تهدید و قتل از علما و عامه شیعیان، و تأکید بر ضرورت بازخوانی تاریخ و جبران رنج و محرومیت و آوارگی شیعیان در طی تاریخ به شمار می‌آید؛ تا بدین ترتیب، صفحه درخشان جدیدی در تاریخ معاصر به دست امام صدر رقم بخورد. ایشان در این باره تماس‌ها و ارتباطات متعددی برقرار کردند که مهم‌ترین آنها عبارت بود از:
- ۵۲۳ - برقراری تماس‌هایی با شیخ حسن خالد (مفتی اهل سنت لبنان) که در آنها تهاجم نیروهای حکومتی عراق برضد مرجع اعلای شیعیان، آیت‌الله سید محسن حکیم، در تعقیب فرزندانش سید مهدی حکیم، بحث و بررسی شد.
- ۵۲۴ - تماس با یوسف سالم، وزیر خارجه لبنان، که در دیدار با سفیر عراق در بیروت بر ضرورت توقف اقدامات مذکور تأکید کرده بود.
- ۵۲۵ - دیدار از مقرر ریاست فرقه دروزی‌ها و فراخوان همکاری تمامی فرقه‌های لبنان در همه ابعادی که نتایج مثبت آن منافع همگان را دربر دارد.
- ۵۲۶ در تاریخ ۱۹۶۹/۶/۲۷ مجلس اعلای شیعیان به امام موسی صدر مأموریت داد تا با ارسال تلگراف و نامه به پادشاهان و رؤسای جمهور کشورهای عربی و اسلامی، آنان را به مداخله در مسئله و گفتگو با مقامات عراقی به منظور توقف حملات برضد مراجع و علمای نجف فراخواند. همچنین، مقرر شد در تلگراف‌ها و نامه‌های مذکور به جزئیات تعرض نیروهای عراقی به مراجع و مقدسات دینی در عراق، از جمله هجوم و دستگیری علما و روحانیونی چون آیت‌الله سید حسن شیرازی، اشاره و تصریح شود که در پی تبعید و اخراج علما بسیاری از طلاب لبنانی که در نجف اشرف و کربلا مشغول فراگیری علوم دینی بوده‌اند، همراه با خانواده‌های خود به لبنان بازگشته‌اند.^۱
- ۵۲۷ به منظور تکمیل اقدامات مذکور، امام صدر در دیدار با رئیس‌جمهور، شارل حلو، درباره این مسئله با وی بحث و گفتگو

۱- المحرر، ۱۹۶۹/۷/۹.

۲- الحیاة، ۱۹۶۹/۷/۱۰.

۳- الحیاة، ۱۹۶۹/۸/۴.

۱- الحیاة، ۱۹۶۹/۶/۲.

نمایندگان خود فرصت دهند تا موضوع را با احتیاط و دوراندیشی بررسی کنند و روند دستیابی به نتایج این فعالیت‌ها را تحت نظر گیرند.^۱

دعوت به وحدت مسلمین

نامه امام موسی صدر به شیخ حسن خالد، مفتی اهل سنت لبنان

۵۳۲ در تاریخ ۱۹۶۹/۱۰/۱ امام صدر در نامه‌ای تاریخی خطاب به شیخ حسن خالد، مفتی جمهوری لبنان، با دعوت به وحدت کلمه مسلمانان برای دفع خطرهای تهدیدکننده میهن و امت اسلام چنین آوردند: «اینک بیش از پیش نیاز مبرم مسلمانان به وحدت کلمه و اتحاد فراگیر بر ما آشکار شده است؛ وحدتی که تحکیم صفوف و هم‌سوس شدن تلاش‌های پراکنده آنان را موجب شود. در چنین حالتی است که می‌توانند با گام‌هایی استوار و با اعتماد به نفس در راه رسیدن به آینده‌ای روشن و ساختن تاریخ و سرنوشت و ادای مسئولیت خویش گام نهند.

۵۳۳ اتحاد و یکپارچه کردن توانایی‌ها و توسعه استعدادها... با ماهیت وجودی و کرامت ما و مقدمات ظهور نسل‌های آینده رابطه نزدیک دارد. این مسئله‌ای حیاتی است. وحدت کلمه نباید در قالب شعار یا عبارات مکتوب باقی بماند، بلکه باید روشنائی اندیشه و نبض زندگی و شاهراه پیش روی ما باشد. این وحدت زیربنای اصلی آینده ماست و فقط از طریق اهتمام فکری ویژه و همت و توجه خاص و تلاش و کوشش در راه تثبیت آن محقق خواهد شد.»

۵۳۴ امام در ادامه افزودند: «ایجاد وحدت در گفتار و اندیشه و دل‌های مسلمانان، یا به تعبیر دقیق‌تر، تحکیم و تثبیت وحدت و استوارساختن آن بر پایه مبانی عقلی و عاطفی مستحکم از دو طریق محقق شدنی است.»

۵۳۵ نخست، وحدت فقهی: امام در این خصوص به تلاش‌های

گذشتگان در این راه اشاره کردند که از آن جمله می‌توان به کوشش‌های شیخ طوسی در کتاب الخلاف در بیش از هزار سال پیش، و تلاش علامه حلی در کتاب التذکره، تا اقدامات دارالتقریب بین مذاهب اسلامی در قاهره اشاره کرد که علمای بزرگ دانشگاه الأزهر و علمای لبنان و ایران و عراق در آن مشارکت داشتند و، در واقع، تبلور عینی طرحی بود که نخستین بار آیت‌الله سید صدرالدین صدر (پدر امام صدر) آن را در کتاب لواء الحمد مطرح کرده بود. همچنین، در این زمینه می‌توان به دائرةالمعارف‌های فقهی از جمله الموسوعة الفقهية از دانشگاه دمشق و موسوعة عبدالناصر للفقہ الاسلامی از دانشگاه الأزهر و نیز کتاب المبادئ العامة للفقہ المقارن (مبانی عمومی فقه تطبیقی) تألیف رئیس دانشکده فقه نجف اشرف، استاد سید محمدتقی حکیم، اشاره کرد.

۵۳۶ دوم، تلاش‌های مشترک: در این خصوص امام صدر خواستار لزوم تنظیم فعالیت‌ها و اقدامات مشترک در راه تحقق اهداف مختلف شدند و به‌عنوان نمونه مواردی از آنها را ذکر کردند:

۵۳۷ الف) اهداف شرعی محض: مانند یکسان کردن اعیاد و مناسبت‌ها و شعائر دینی و روش اجرای برخی عبادات همچون اذان و نماز جماعت و غیر اینها. به‌عنوان مثال می‌توان روش‌هایی را پیشنهاد کرد که بتوان با ابزار و راهکارهای علمی پیشرفته وجود هلال در افق و قراردادن آن در زاویه دید بررسی شود و روز عید و دیگر ایام و مناسبت‌ها به‌صورت دقیق مشخص شود تا همه مسلمانان جهان یک روز مشخص را عید در نظر بگیرند... تعیین یک نوع اذان مورد قبول همه مسلمانان نیز قابل تحقق است.

۵۳۸ ب) اهداف اجتماعی: ... تلاش‌هایی که در راه مبارزه با بی‌سوادی و رسیدگی به آوارگان و سرپرستی ایتم و ارتقای سطح زندگی طبقه زحمتکش صورت می‌گیرد. به‌سادگی می‌توان مؤسساتی را برای تحقق این اهداف والا تأسیس کرد و از مؤسسات موجود نیز بیشتر و بهتر حمایت کرد.

۵۳۹ ج) اهداف ملی: ... لزوم مشارکت عملی در آزادسازی فلسطین و حمایت از لبنان در برابر زیاده‌خواهی‌های دشمن متجاوز و وظیفه حمایت از مقاومت مقدس فلسطین و ضرورت کسب آمادگی کامل

و همکاری با کشورهای عربی دوست و برادر به منظور رویارویی با تجاوز احتمالی دشمن در هر زمان، و تقویت سراسر لبنان - به‌ویژه جنوب - و تبدیل آن به دژ مستحکم که اسرائیل را ناکام بگذارد و زیاده‌طلبی‌های استعمار را نقش بر آب کند....

۵۴۰ امام در ادامه نامه چنین آورده‌اند: «... برای تحقق مشارکت حقیقی در عمل به این وظایف و استفاده از تمامی امکانات و نیروها باید موارد مذکور و برنامه‌ها و روش‌های اجرایی را به‌صورت مشترک، که موجب هماهنگی و افزایش فعالیت‌ها می‌شود.» امام در پایان با یادآوری نزدیکی حلول ماه مبارک رمضان افزودند: «خواهشمندیم که مسئولان محترم دارالفتوای اسلامی (اهل سنت) هرچه سریع‌تر به نمایندگان خود مأموریت دهند تا با اعضای کمیته تبلیغات مجلس اعلای شیعیان جلسه‌ای تشکیل دهند و با حضور و همکاری فعالان و متخصصان در رسانه‌های رسمی، برنامه‌ای کامل و مدون برای ایجاد فضای مناسب در این ماه مبارک تدوین کنند...»^۱

پاسخ شیخ حسن خالد مفتی (اهل سنت) لبنان

۵۴۱ امام صدر در تاریخ ۱۹۶۹/۱۰/۲۱ حسین القوتلی، مدیرکل امور استفتاء (اهل سنت)، و شیخ طه صابونجی را به حضور پذیرفتند. این دو نفر نامه مفتی اهل سنت، شیخ حسن خالد، را به امام تسلیم کردند، در آن نامه چنین آمده بود:

۵۴۲ با کمال احترام و تقدیر، نامه مورخ ۱۹۶۹/۱۰/۱ حضرت عالی درباره دعوت مسلمانان به وحدت و یکسان کردن اعیاد و مناسبت‌ها در سراسر لبنان را در تاریخ ۱۹۶۹/۱۰/۶ دریافت کردم، به‌ویژه آنکه این نامه حامل پیشنهادهایی است که از تشکیل آن مجلس محترم (اعلای شیعیان) انتظار داشتیم؛ به گونه‌ای که آنچه از گذشته در عرصه ایجاد وحدت در فعالیت‌های اسلامی و ملی در پی آن بوده‌ایم، اینک پاسخی مناسب یافته است و می‌توان امیدوار بود که موارد مذکور در نامه گرانقدر شما در عرصه‌های مختلف

محقق شود.

۵۴۳ علاوه بر این، تأسیس یک ارگان رسمی همچون آن مجلس محترم بدون شک عامل مهمی در تثبیت این کار خداپسندانه با هماهنگی «المجلس الاسلامی الشرعی» مجلس اعلای اهل سنت - که نامه ارزشمند شما را برای بررسی در اختیار آن گذارده‌ام - خواهد بود...^۱

دیگر رویدادها و فعالیت‌های سال ۱۹۶۹

سرقت از منزل امام صدر در صور

۵۴۴ بنا به گزارش رسانه‌ها، در پی هجوم سه فرد ناشناس به منزل امام در صور، دادستان کل لبنان واکنش نشان داد. امام صدر در گفتگو با روزنامه الحیة توضیح داد که در روز دوشنبه ۱۹۶۹/۳/۲ سارقی با ورود به منزل ایشان، مبلغ هفتاد لیره را، که نذر امور خیریه شده بود، سرقت کرده است. با توجه به اوضاع کنونی که کشور نیازمند امنیت و ثبات است، امام موضوع را به گونه‌ای تشریح نکردند که احساسات عمومی تحریک شود.^۲

تجلیل از دانش‌آموز ممتاز

۵۴۵ در مراسمی که مجلس اعلای شیعیان در دارالفتوای جعفری برگزار کرد از یک دانشجوی ممتاز اهل جنوب به نام رمال رمال، که در امتحانات نهایی متوسطه و در رشته ریاضیات با کسب بالاترین معدل مقام اول را در لبنان کسب کرده بود، تجلیل به عمل آورد. در آن مراسم، امام صدر با اعطای هدیه‌ای معنوی شامل یک جلد کلام‌الله مجید و چکی به مبلغ هزار لیره به دانش‌آموز مذکور، در سخنانی تصریح کرد:

۵۴۶ ...این لحظه یکی از لحظات کم‌نظیر زندگی من است، زیرا در کنار شما و با کمال افتخار احساس می‌کنم که علم و دانش را بزرگ می‌داریم. در واقع، با شخصی که امروز از او تجلیل و تقدیر می‌کنیم، هیچ آشنایی و ارتباطی نداشته‌ام، جز اینکه خبر برتری و ممتاز بودن او را شنیده‌ام و در قبال این پدیده و این ثروت ملی احساس وظیفه کرده‌ام و فقط

۱- آرشیو مجلس اعلای شیعیان.

۲- الحیة، ۱۹۶۹/۳/۱۱.

۱- النهار، ۱۹۶۹/۱۰/۹.

مبارک فرصت ارزشمندی است تا جامعه را از سستی و رخوت به نشاط و آمادگی برسانیم. فرصت کم‌نظیری پیش روی ماست تا مشارکت حقیقی تمامی هم‌میهنان را در حمایت از اهل جنوب - که بر خط آتش و نبرد رودرو ایستاده‌اند - جلب کنیم و همهٔ مناطق را به پشتیبانی از منطقهٔ مورد تهدید و درگیر نبرد فراخوانیم....^۱

برای پاسداشت علم و دانش تقدیر از او را وظیفهٔ خود دانسته‌ام.... وجود چنین نوابغی در میان ملت‌های ما و تلاش در راه بزرگداشت آنان نشان می‌دهد که با تکیه بر دانش، آینده از طریق علم از آن ماست، زیرا علم منشأ قدرت و ضامن آینده است... ما با بزرگداشت و تقدیر از این جوان عزیز، در واقع، از ثروت ملی و آیندهٔ برتر خویش تجلیل می‌کنیم... اما علم به تنهایی کافی نیست. انگیزهٔ اصلی‌ای که انسان را در تمامی عرصه‌ها به تکامل می‌رساند، ایمان است....

ما با همکاری و هماهنگی وزارت آموزش و پرورش، حق طبیعی ایشان را که دریافت بورس تحصیلی است، مطالبه می‌کنیم، همچنان‌که پیش از او نیز به ده‌ها دانش‌آموز برتر بورس تحصیلی اعطا شده است....^۱

رمّال رمّال دستاوردهای علمی متعددی داشت و به مرتبه‌ای رسید که سال‌ها پس از آن، مجلهٔ فرانسوی *Le point* وی را در شمار صد دانشمند [مقیم] فرانسه «که چهرهٔ فرانسه را در آستانهٔ سال ۲۰۰۰ متحول خواهند کرد» قرار داد. همچنین مجلهٔ امریکایی علم و پژوهش در سال ۱۹۸۴ لقب «جوان‌ترین دانشمند جهان» را به وی اعطا کرد.^۲

سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹ ش)

جنوب لبنان و مسائل محرومان؛ افزایش آگاهی سیاسی

۵۵۲ دو ماه نخست سال ۱۹۷۰ شاهد تماس‌ها و فعالیت‌های گستردهٔ امام و مجلس اعلای شیعیان بود. پس از اینکه امام صدر اظهارات اعضای کمیتهٔ نمایندگان جنوب در مجلس اعلای شیعیان را شنید مجلس اعلا با صدور بیانیه‌ای اقدامات کمیتهٔ مذکور را تأیید کرد. این اقدامات عبارت بودند از اعطای مهلت یک‌ماهه به دولت برای آغاز تجهیز اهالی جنوب به سلاح و تصویب قانون خدمت نظام وظیفه و جبران خسارت آسیب‌دیدگان حملات دشمن و سرانجام، ارتقای سطح معیشت اهالی جنوب.

گزارش کمیتهٔ آمار مجلس اعلای شیعیان

۵۵۳ کمیتهٔ آمار مجلس اعلای شیعیان در تاریخ ۱۹۷۰/۲/۲۴ جمع‌آوری اطلاعات و آمار مربوط به طرح بررسی چگونگی توزیع مشاغل دولتی در لبنان را به پایان برد و گزارش خود را به امام ارائه کرد. در گزارش مذکور، اجحاف و نابرابری در حق شیعیان کاملاً آشکار بود و مشخص شد که فقط در مشاغل دولتی وزارت امور خارجه و

پیام امام صدر به لبنانیان به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان

۵۵۰ به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان، امام صدر پیامی خطاب به لبنانیان صادر کرد که در بخش‌هایی از آن چنین آمده بود:

۵۵۱ «... در سال جاری... شما لبنانیان بار دیگر قاطعانه و آشکارا عزم و ارادهٔ خود را برای حضور در عرصهٔ پیکار و پاسداری از میهن عزیز خود و آزادی سرزمین مقدس (فلسطین) به اثبات رساندید و در برابر این حقیقت، بر ماست که وضعیت کنونی و نیروها و امکانات بی‌شمار، اما پراکندهٔ خود را بررسی و بازبینی کنیم و همهٔ آنها را برای نبردهای پیش رو، روز «بدر» خود، بسیج کنیم... این ماه

۱- الحیاة، ۱۷/۷/۱۹۶۹.

۲- از منشورات ستاد بزرگداشت رمّال رمّال که در سال ۱۹۹۱ تأسیس شد.

(دانشمند لبنانی رمّال رمّال در ۵ ژوئن ۱۹۹۱ در فرانسه درگذشت.)

۱- الحیاة، ۱۱/۱۱/۱۹۶۹.

مؤسسات دولتی، ۲۵ تا ۸۶ درصد از حق قانونی شیعیان در تصدی پست‌ها و مناصب درجه یک و دو و سه تزییع شده است و این غیر از اجحافی است که در مشاغل پایین‌تر کشور رخ داده است. ۵۵۴

بر مبنای گزارش مذکور تعداد کارمندان شیعه در مشاغل دولتی و اداری درجه دو، فقط ۲۴ نفر بوده، در حالی که حق قانونی آنان ۵۶ نفر است. بدین ترتیب، به میزان ۵۷ درصد از حق قانونی آنان تزییع شده است. نسبت تزییع حقوق شیعیان در مناصب درجه دو وزارت امور خارجه، بسیار بیشتر و بالغ بر ۸۶ درصد است. در شغل‌های درجه سه مشاغل اداری نیز فقط ۱۱۵ کارمند شیعه حضور داشته‌اند، در حالی که حق قانونی شیعیان در این مورد برابر با ۲۱۸ نفر است. بدین ترتیب، در اینجا نیز ۵۵ درصد از حق شیعیان نادیده گرفته شده است. در ادامه گزارش مذکور تصریح شده بود که روند امور در سال‌های گذشته آشکارا بیانگر این حقیقت است که وعده‌های مسئولان مبنی بر رفع محرومیت شیعیان شعاری بیش نبوده و نه تنها وضعیت شیعیان ارتقا نیافته، بلکه در نتیجه سلب برخی فرصت‌های شغلی موجود از شیعیان و نیز بی‌بهره ماندن آنان از فرصت‌های شغلی جدید - به رغم وجود اشخاص مناسب و صاحب صلاحیت در میان شیعیان برای احراز مناصب مذکور - وضعیت شیعیان به مراتب بدتر شده است. بر اساس گزارش مذکور، اجحاف در حق شیعیان و محرومیت آنان از حق قانونی خود در استفاده از فرصت‌های شغلی فقط در تعداد مشاغل نبوده است، بلکه در نوع و سطح شغل‌ها و مناصب نیز مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که شیعیان از احراز مناصب و شغل‌های مهم و حساس محروم مانده‌اند و شغل‌های کاملاً حاشیه‌ای در مناصب درجه یک به آنان واگذار شده است. ۵۵۵

امام صدر شخصاً گزارش مذکور را مطالعه و بررسی کرد و اعلام کرد که آمار و ارقام گزارش به هیچ وجه با فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های شیعیان در راه اقتدار و پیشرفت و ارتقای کشور تناسب ندارد. مجلس اعلای شیعیان نیز برای تعیین راهکارها و

اقدامات لازم بررسی این گزارش را آغاز کرد.^۱

۵۵۶ از سوی دیگر، برخی نمایندگان شیعه پارلمان لبنان که پس از تشکیل کابینه خروج خود را از «جبهه دموکراتیک»^۲ اعلام کرده بودند، در پاسخ به افرادی که سعی داشتند آنان را از تصمیم خود منصرف کنند، اعلام کردند که ادامه همکاری آنان با جبهه دموکراتیک منوط به اعلام آمادگی دولت برای حل مشکلات جنوب و رعایت انصاف و عدالت در حق شیعیان در توزیع شغل‌ها و مناصب اداری خواهد بود.^۳

پیام امام صدر درباره اوضاع ناگوار

۵۵۷ امام صدر در پیامی که از تلویزیون لبنان پخش شد، تمامی لبنانیان در هر جایگاه و منصبی را خطاب قرار داد و از صاحبان وجدان‌های بیدارخواست پیش از آنکه فرصت از دست برود بر خیزند و مسئولیت خویش را در قبال میهن ادا کنند. در پیام امام چنین آمده بود: «ملت لبنان، گمان نمی‌کنم تشریح وضعیت ناگوار لبنان چندان دشوار باشد و در فهم و درک ابعاد فاجعه‌ای که وحدت و سرنوشت کشور و زندگی و کرامت شهروندان را تهدید می‌کند، ابهامی وجود داشته باشد. خطری که اینک جنوب لبنان را تهدید می‌کند، خطری حقیقی برای تمامی خاک لبنان است و سقوط جنوب لبنان بی‌گمان سقوط دیگر مناطق را در پی خواهد داشت...» امام در ادامه با دعوت از رئیس‌جمهور برای رودررو شدن با مردم و اعلام حقایق به آنان، خطاب به وی گفت: «چرا به مناطق مختلف سفر نمی‌کنید؟» ایشان خطاب به رهبران مذهبی فرقه‌های لبنان یادآور شد: «ثروت‌ها و منابع سرشاری که خدا در اختیاران نهاده است، مسئولیت‌هایی را در این اوضاع حساس بر دوش شما می‌گذارد.» ۵۵۸ امام همچنین از دولت خواستند که در حل مشکلات اقدام عاجل

۱- الحیاء، ۱۹۷۰/۲/۴.

۲- یکی از فراکسیون‌های پارلمان لبنان که نمایندگانی همچون رشید کرامی و محمد صفی‌الدین و سمیح عسیران عضو آن بودند.

۳- الحیاء، ۱۹۷۰/۲/۷.

صورت دهد و در ادامه لبنانیان سراسر جهان را چنین خطاب قرار دادند: ۵۵۹ «ایانمی بینید که وقت آن رسیده که همه ارتباطات و امکانات و نیروها را برای پیشگیری بسیج کنید، پیش از آنکه وطن خویش را از دست بدهیم و در قبرستان‌های تاریخ به جستجوی آن براییم؟»

۵۶۰ و در پایان، خطاب به اهالی جنوب فرمودند: «... و شما ای اهالی جنوب، ای فرزندان علی و حسین^ع، ای مرزبانان و ای قهرمانان پایداری،... سخن خداوند را آویزه‌گوش کنید که شما را چنین خطاب می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَبِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱ ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۲ إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوَلْهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّجِدَ شُهَدَاءَ لِلَّهِ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾^۳ وَ لِيَمِحَّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمَحَقَ الْكَافِرِينَ﴾^۴ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾^۵»

۵۶۱ در تاریخ ۱۸/۲/۱۹۷۰ امام صدر در بازدید از مرزهای جنوبی با رؤسای فرقه‌های لبنان دیدار کرد و با صدور بیانه‌ای تمامی لبنانیان را به بسیج همه امکانات برای خدمت به وطن فراخواند. پس از صدور آن بیانه، اهالی روستاهای مرزی با برپایی تظاهرات، به سوی کاخ ریاست جمهوری به راه افتادند و نمایندگان آنان در نامه‌ای خواسته‌های خود را به شارل حلو

رئیس جمهور لبنان، ارائه کردند.^۱

سفر به کویت و قاهره؛ تبیین مشکلات لبنان و فلسطین

۵۶۲ امام صدر در ادامه تلاش‌های خود برای حل بحران، در رأس هیئت اعزامی از مجلس اعلای شیعیان، بیروت را به مقصد کویت ترک کرد^۲ و در مصاحبه‌های مطبوعاتی و رادیویی و تلویزیونی و با ایراد سخنرانی در این کشور به تشریح وضعیت بحرانی جنوب لبنان و فلسطین پرداخت. یکی از سخنرانی‌های امام با عنوان «ابعاد دینی مسئله فلسطین» از تلویزیون کویت پخش شد.^۳

۵۶۳ پس از آن، در ۳ مارس ۱۹۷۰ امام برای شرکت در پنجمین کنفرانس مجمع پژوهش‌های اسلامی (مجمع البحوث الاسلامیة) کویت را به مقصد قاهره ترک کرد^۴ و با ایراد سخنرانی در همایش مذکور، حاضران را عاجزانه به توجه و اهتمام ویژه به مسئله یکسان‌سازی اعمال و شعائر دینی و اعیاد مسلمین فراخواند و خواستار به‌کارگیری ابزارهای علمی جدید برای اثبات رؤیت هلال شد. همچنین، با اشاره به لزوم یکسان‌کردن الفاظ اذان در نزد همه مسلمانان، آن را تحقق‌پذیر دانست و نقش مؤثر و آشکار آن را در وحدت مسلمانان یادآور شد. بنا به درخواست شیخ الأزهر، دکتر فحّام، امام با تمدید مدت اقامت خود در قاهره، در مرحله دوم همایش مذکور حضور یافت و عضو دائم شورای مرکزی کنفرانس مجمع پژوهش‌های اسلامی شد.^۵

۵۶۴ پس از پایان همایش، جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، به طرح‌های پیشنهادی امام توجه خاصی ابراز کرد و پژوهش امام را درباره وضعیت اسلام در آفریقا و تأثیر زبان عربی در آفریقا مطالعه کرد و از گزارش‌ها و اطلاعاتی آگاهی یافت که ایشان در سفر به

۱- «ای ایمان آورندگان، شکیبایی کنید و به شکیبایی فراخوانید و مرزبانی کنید و از خدا پروا پیشه کنید، باشد که رستگار شوید» آل عمران (۳)، ۲۰۰.

۲- «سست بنیاد و اندوهناک نشوید که شما برترید، اگر باورمند باشید * اگر شما را جراحی می‌رسد، آن قوم (کافران) را نیز چنین جراحی رسیده و این روزگار (قدرت و شوکت) را میان مردمان دست به دست می‌گردانیم تا خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، بشناسد و از میان شما گواهانی گیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد * و تا خداوند، گروندگان را ببازماید و پاک‌گرداند و کافران را نابود سازد * آیا گمان کرده‌اید که (با داعیه ایمان) وارد بهشت می‌شوید، حال آنکه خداوند هنوز کسانی را که از میان شما پیکار کردند و شکیبایی ورزیدند، مشخص نساخته است.» آل عمران (۲)، ۱۴۲-۱۳۹.

۳- روزنامه‌های لبنان، ۱۳۰/۱/۱۹۷۰.

۱- الحیة، ۲۱/۲/۱۹۷۰.

۲- الحیة، ۲۴/۲/۱۹۷۰.

۳- الجریة، ۲۵-۲۷/۲/۱۹۷۰.

۴- الجریة، ۳ و ۴/۳/۱۹۷۰.

۵- الحیة، ۷/۳/۱۹۷۰.

می‌کنند و، از سوی دیگر، رهبران جنبش مسلحانه (فلسطین) نیز این اوضاع را به‌خوبی درک کرده‌اند. از این رو، تأکید می‌کنم که اگر با حسن نیت و با اندکی گذشت و بزرگ‌منشی با مشکلات و مسائل روبرو شویم و به‌ویژه با تلاش مسئولان، می‌توانیم بحران‌ها را پشت سر بگذاریم و بر همه مشکلات و دشواری‌ها چیره شویم.»^۱ ایشان در ادامه افزودند: «من همه توان خود را برای خدمت به مسائل جهان عرب به کار خواهم گرفت و به دیدار رئیس‌جمهور می‌روم و ضمن خواهش و اصرار، با همه وجود تلاش می‌کنم که ایشان را متقاعد سازم که تا وقتی نیروی دفاعی لازم را در اختیار نداریم، دست‌کم با سفرها و تلاش‌های دیپلماتیک و رسانه‌ای اقداماتی را برای حل بحران صورت دهد.»^۲

تحولات جنوب لبنان

در حالی که بحران بی‌توجهی به خواسته‌های جنوب لبنان با آغاز پنجمین ماه سال ۱۹۷۰ همچنان ادامه داشت و دولت برای تحقق وعده‌های خود هیچ اقدامی نکرده بود، هیئت‌ها و گروه‌های فعال در جنوب، وزرا و نمایندگان را به نشستی فراخواندند که با حضور امام صدر برگزار می‌شد. نشست مذکور با حضور دو تن از وزیران به نام رفیق شاهین و عبداللطیف الزین و شماری از نمایندگان از جمله جان عزیزو عبدالمجید الزین و سمیح عسیران و علی ماضی و سعید فواز و محمد صفی‌الدین و محمد دغاس زعتیر و ابراهیم شعیبو برگزار شد. پس از بررسی اوضاع جاری، یکی از نمایندگان به نام جان عزیز پیش‌نویس بیانیه‌ای را قرائت کرد که برای ارائه به رئیس‌جمهور آماده می‌شد. امضاکنندگان این پیش‌نویس باتعین ضرب‌الاجلی برای تأمین خواسته‌های اهل جنوب، متعهد می‌شدند که در صورت تأمین نشدن خواسته‌ای مذکور از حضور در کابینه و پارلمان استعفا دهند.^۳ در تاریخ ۱۲/۵/۱۹۷۰، متن نهایی بیانیه با حضور آقایان ممدوح عبدالله و معروف سعد و یوسف سالم تنظیم شد و پس از

کشورهای آفریقایی گردآوری کرده بود.^۱ همچنین، عبدالناصر توجه ویژه‌ای به صحت و سلامت مرجع اعلای شیعیان، آیت‌الله سید محسن حکیم معطوف داشت.^۲ وضعیت لبنان و مسئله فلسطین، بخش عمده‌ای از بحث‌ها و مذاکرات امام را در داخل و خارج کنفرانس و در صفحات مطبوعات به خود اختصاص داده بود. سخنان و طرح‌ها و رویکردهای وحدت‌گرایانه امام صدر نیز در مطبوعات انعکاس یافت. همچنین، امام در مقرر جمعیت جوانان مسلمان قاهره سخنانی با موضوع «اصالت و معنویت و تحول و مسائل جامعه» ایراد کرد و در آن به نظام حیات اجتماعی اسلام و نحوه رفتار و رابطه فرد با دیگران و با حکومت اشاره کرد و همگان را به بسیج همه نیروها و امکانات کشورهای عربی برای رویارویی با مشکلات فراخواند.^۳

سفر امام قریب به یک ماه طول کشید و ایشان تمام توان خود را برای تبیین مسائل لبنان و فلسطین در رویارویی با تجاوزات دشمن صهیونیستی و ابعاد آن و جایگاه و موضع اعراب و مسلمانان در قبال این دو مسئله به کار گرفت. او با دعوت از مسلمانان برای اتحاد و تحکیم صفوف خود در برابر دشمن، تصریح کرد: «جنوب لبنان تنها منطقه استراتژیک است که در دست اعراب باقی مانده و مصیبت و ناگواری‌های جنوب مصیبت تمامی اعراب است.»

امام در تشریح نتایج و دستاوردهای سفر خود به کشورهای عربی خاطر نشان کرد: «زمانی که در کنارتان نبودم، با قلبی خونفشان اخبار مشکلات لبنان و به‌ویژه مسائل جنوب را پیگیری می‌کردم و در راه خدمت به این کشور و حفظ تمامیت ارضی آن از هیچ کوششی فروگذار نکردم. اگر خوب بیندیشیم خواهیم دید که هیچ مشکلی پیش رو نیست، زیرا از نزدیک مشاهده کردم که کشورهای عربی، چه بسا بیش از خود لبنانیان، اوضاع لبنان را درک

۱- ر.ک: پیوست ۶: نخستین دیدار امام صدر و جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر.

۲- الأحرار، ۱۳/۳/۱۹۷۰.

۳- أمل و رساله، شماره‌های ۱۵ و ۱۶.

۱- الحیاة، ۲۳/۳/۱۹۷۰.

۲- الجریده، ۸/۵/۱۹۷۰.

سنت راشیا، و شیخ نجیب قیس، قاضی شرع دروزیان حاصبیا، و شیخ سلیم جلال‌الدین و شیخ علی الفقیه و شیخ عبدالامیر قبلان مفتی شیعیان، تشکیل شد. هدف از تشکیل این شورا بررسی خطرهایی که جنوب را تهدید می‌کند و یافتن راه‌حلی برای آنها بود.

۵۷۴ در تاریخ ۱۹۷۰/۵/۲۰، این شورا بیانیه‌ای را به تصویب رساند که امام صدر آن را تنظیم و قرائت کرد. در آن بیانیه چنین آمده بود: «جنوب در خطر است... مبادا کسی این خیال خام را در سر بپروراند که پس از سقوط جنوب دیواری سحرآمیز یا هاله‌ای از غیب و یا دست قدرتی ناپیدا دیگر مناطق لبنان را از خطر مصون خواهد داشت. تاریخ آکنده است از یاد و خاطره امت‌هایی که نابود شدند، سرزمین‌هایی که از میان رفتند و ملیت‌هایی که چون افسانه‌ای به تاریخ پیوستند. برای یاری جنوب و یاری لبنان به‌پا خیزید و منتظر وقوع فاجعه نمانید، که ما دو راه بیشتر پیش رو نداریم؛ یا ملتی خواهیم بود شایسته ماندن و سزاوار استمرار، و یا ملتی که در گرداب زمان فرو می‌رود و زیر چرخ‌های روزگار لگدمال می‌شود....»

۵۷۵ در ادامه بیانیه چنین آمده بود: «بخشی از میهن شما امروز در خطر جدا شدن است. بخشی از تاریخمان - که بزرگ‌ترین بخش آن نیز هست - اکنون به سوی قبرگام برمی‌دارد. بانگ آماده‌باش برای بسیج همه نیروها و امکانات مادی و معنوی به‌منظور رویارویی با خطری به صدا درآمده است که از جنوب وزیدن گرفته و همه لبنانیان را تهدید می‌کند.» در پایان بیانیه از تمامی مسئولان خواسته شده بود که برنامه‌ها و مطالباتی را مطرح کنند که نمایندگان جنوب در پارلمان، در جلسات اخیر خود، تصویب کرده‌اند. همچنین، از همه لبنانیان مقیم خارج و صاحبان مؤسسات تجاری و کارشناسان، اندیشمندان و صاحبان روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران و جمعیت‌ها و انجمن‌های مستقر و فعال در جنوب و نمایندگان کشورهای عربی و کشورهای دوست و بنیادهای

تماس با کاخ ریاست‌جمهوری مقرر شد که فردای آن روز نمایندگان جنوب برای تشریح اوضاع و درخواست غرامت برای آسیب‌دیدگان و بازسازی منازل تخریب‌شده و تسلیم بیانیه مصوب به حضور رئیس‌جمهور برسند.

۵۷۱ سه روز پیش از آن، در تاریخ ۱۹۷۰/۵/۹، امام صدر با ایراد سخنانی در روستای جنوبی غازیة، جنوبیان را به «تهیه سلاح و تمرین با آن، حتی پیش از خرید قرآن کریم و پیش از روزه گرفتن» فراخوانده بود، زیرا «داشتن سلاح برای آنان مانند نان شب واجب است.»^۲

۵۷۲ تجاوزات اسرائیل به روستاهای مرزی جنوب ادامه داشت و نیروهای دشمن در تاریخ ۱۹۷۰/۵/۱۲ با ورود به برخی روستاها، شمار زیادی از شهروندان را کشته یا زخمی و خانه‌های بسیاری را نیز ویران کرده بودند. این اقدام بی‌خانمان شدن حدود پنجاه هزار تن از ساکنان سی روستای مرزی در شهرستان‌های صور و بنت‌جیبیل و مرجعیون و حاصبیا را در پی داشت.^۳

تشکیل «شورای یاری جنوب»

۵۷۳ امام صدر در واکنش به بی‌توجهی و سهل‌انگاری مقامات رسمی و دولتی در رویارویی با وقایع، و در پی کشتار خونینی که به کوچ اجباری اهالی جنوب منجر شد، رهبران مذهبی فرقه‌ها را برای بررسی خطرها و یافتن راه‌حل مناسب در جنوب گردهم آورد و شورای یاری جنوب به ریاست ایشان و عضویت عالیجنابان اسقف آنتونیوس خریش و اسقف باسیلیوس الخوری و اسقف یوسف الخوری و اسقف جورجیوس حداد و اسقف اثناسیوس الشاعر و اسقف پولس الخوری و اسقف ابراهیم داغر، و علمای اعلام، شیخ محمد سلیم حمود، مفتی اهل سنت صیدا، و شیخ احمد الزین، قاضی شرع صیدا، و شیخ رئوف القادری، مفتی اهل

۱- الجریده، ۱۹۷۰/۵/۱۲.

۲- الحیاة، ۱۹۷۰/۵/۱۲.

۳- روزنامه‌های لبنان، ۱۹۷۰/۵/۱۶.

۱- روزنامه‌های لبنان، ۱۹۷۰/۵/۱۶.

جهانی خواسته شده بود که دست یاری و کمک به سوی جنوب دراز کنند. امام در پایان بیانیه اعلام کرد که شورای یاری جنوب، پس از کنفرانس مطبوعاتی درخصوص راهکارهای بعدی تصمیم‌گیری خواهد کرد.^۱

تأسیس مجلس جنوب

امام صدر در آن اوضاع ناگوار و برای رویارویی با تجاوزات اسرائیل نمایندگان جنوب در پارلمان را به برگزاری جلسه‌ای در تاریخ ۱۹۷۰/۵/۲۳ فراخواند. فقط سه تن از نمایندگان به نام‌های ادموند رزق و جان عزیز و ابراهیم شعیبو آن دعوت را پذیرفتند. برای بار دوم، تمامی وزرا و نمایندگان جنوب برای توافق بر سر خواسته‌های معینی فراخوانده شدند تا پس از آن، نمایندگان مجلس در جلسه پارلمان که با حضور امام صدر و دیگر علما و روحانیون سرشناس برگزار می‌شد،^۲ از این خواسته‌ها حمایت کنند. امام صدر این موضع مستحکم را با صدور بیانیه‌ای تقویت کرد که همگان را به اعتصاب در روز سه‌شنبه ۱۹۷۰/۵/۲۶ فرا می‌خواند. این بیانیه مسئولان و دولت را نگران کرد.^۳ هیئت‌های رسمی و مردمی با حضور در مقرر مجلس اعلامی شیعیان در حازمیه آمادگی کامل خود را برای اعتصاب اعلام کردند. همچنین، انجمن مارونی‌ها و حزب کتائب و شورای ملی از اعتصاب حمایت کردند. عدنان الحکیم، رئیس حزب النجاده، نیز در دیدار با امام صدر، تصمیم حزب متبوعش را برای شرکت در اعتصاب به اطلاع ایشان رسانید.^۴

در روز مقرر، اعتصاب عمومی و فراگیری به وقوع پیوست که تاریخ لبنان همانند آن را به یاد ندارد. همه اقشار و نهادها اعم از مدارس و دانشگاه‌ها و بانک‌ها و ناوایی‌ها و کارگران و

فروشنندگان میوه و تره‌بار دست به اعتصاب زدند. سفرهای هوایی متوقف شد و جمعیتی قریب به پنجاه‌هزار نفر در صحن‌های داخلی و خارجی مجلس اعلامی شیعیان گرد آمدند. حاضران که از مناطق مختلف خود را به محل رسانده بودند، با حمل پلاکاردهایی حمایت از جنوب را خواستار شدند و امام صدر نیز سخنانی در جمع حاضران ایراد کرد.

در ادامه، بنا به دعوت کمیته فرهنگی دانشگاه امریکایی بیروت، امام مقرر مجلس اعلا را به سوی سالن اجتماعات این دانشگاه ترک کرد. شمار زیادی از دانشجویان برای شنیدن سخنان امام در آن محل حاضر بودند. امام پس از سخنرانی، به همراه جمعیتی از تظاهرکنندگان که پیشاپیش آنان خودروهایی مزین به پرچم لبنان و تصویر ایشان در حرکت بود، ابتدا به طرف پارلمان و از آنجا با عبور از مسیر بسطه - حرج - شیخ به سوی مقرر مجلس اعلامی شیعیان در حازمیه به راه افتادند. عده‌ای از جوانان به‌عنوان انتظامات، وظیفه حفظ نظم و ترتیب را در آن راهپیمایی برعهده داشتند و چنان‌که امام خواسته بود، در عمل نیز نظم و انضباط کامل بر راهپیمایی حاکم بود و راهپیمایان اهداف بزرگی چون یاری و دفاع از جنوب را که از سوی امام اعلام شده بود همواره مد نظر داشتند.^۱

در واکنش به این رویداد، پارلمان لبنان به بخش کوچکی از مطالبات مادی که عبارت بود از اختصاص مبلغ سی میلیون لیره به منطقه جنوب، پاسخ مثبت داد و مقرر شد که شورایی ویژه مبلغ مذکور را خارج از چارچوب و بوروکراسی اداری و مالی هزینه کند.^۲

در ماده واحده قانون شماره ۹-۷ چنین آمده بود: مبلغی معادل با حداکثر سی میلیون لیره لبنانی به منظور تأمین نیازهای جنوب و تهیه امکانات بهداشتی و امنیتی برای اهل این منطقه هزینه می‌شود و به دولت صلاحیت ایجاد منابع مالی لازم برای تأمین

۱- روزنامه‌های لبنان، ۱۹۷۰/۵/۲۱.

۲- الجریده، ۱۹۷۰/۵/۲۴.

۳- همان.

۴- النهار، ۱۹۷۰/۵/۲۵.

۱- الحیاة، ۱۹۷۰/۵/۲۶.

۲- الجریده، ۱۹۷۰/۵/۲۸.

مبلغ مذکور از ردیف‌های بودجه سال ۱۹۷۰، و با تصویب اعضای کابینه داده شد. همچنین، دولت از این تاریخ ده روز فرصت خواهد داشت تا شورای ویژه‌ای به منظور تحقق اهداف این ماده قانونی تشکیل دهد. این شورا استقلال مالی و اداری دارد و زیر نظر هیئت دولت فعالیت می‌کند و اقدامات آن تابع قوانین محاسبات عمومی و نظارت دیوان محاسبات نخواهد بود. رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در تاریخ ۱۹۷۰/۶/۲ این قانون را امضا کردند و در روزنامه رسمی انتشار یافت.^۱ (شورای ویژه‌ای که بنابر قانون فوق تشکیل شد، «مجلس جنوب» نام گرفت.)

۵۸۱ مجلس اعلای شیعیان از تشکیل مجلس جنوب استقبال کرد و خواستار تسریع در روند اجرایی شدن مصوبات و وعده‌های دولت شد. برخی منابع دولتی و وزارتی گمانه‌هایی مطرح کردند مبنی بر اینکه مجلس جنوب به زودی کمک‌های مالی فراوانی از برخی کشورهای عربی دریافت خواهد کرد و این کمک‌ها نشانگر همراهی و همکاری آن کشورها با لبنان در نبرد با دشمن صهیونیستی خواهد بود.^۲

۵۸۲ همچنین، شورای یاری جنوب به ریاست امام صدر با پیگیری تلاش‌های خود برای رفع موانع و مشکلات موجود بر سر راه مجلس جنوب و فراهم کردن زمینه فعالیت‌های این مجلس در راه توسعه و پیشرفت جنوب، در تاریخ ۱۹۷۰/۶/۹ با صدور بیانیه‌ای که چندین توصیه اداری و تشکیلاتی در آن ذکر شده بود شهروندان را به پایبندی به موارد مذکور با هدف همسو کردن نیروها و جلوگیری از هدر رفتن آنها و ممانعت از سوء استفاده از احساسات مردمی و تأکید بر حفظ برنامه‌ای فراگیر و جامع فراخواند.^۳

۵۸۳ همچنین، اعضای شورای یاری جنوب در دیدار با رئیس‌جمهور، شارل حلو، گزارشی از نتایج فعالیت‌ها و اقدامات

مجلس جنوب از بدو تأسیس را به اطلاع وی رساندند. رئیس‌جمهور نیز آمادگی خود را برای رفع موانع سر راه مجلس جنوب و، همچنین، تمایل خود را برای برگزاری نشست‌های مشترک با شورای یاری جنوب، هر دو هفته یکبار، اعلام کرد.^۱

۵۸۴ فعالیت‌های شورای یاری جنوب فقط به ارتباط و همکاری با مسئولان لبنانی محدود نشد، بلکه این شورا روابط خود را با خارج از لبنان نیز تقویت کرد؛ به گونه‌ای که هیئت‌هایی از کلیساهای پروتستان و کاتولیک آلمان غربی ضمن حضور در لبنان و برپایی جلساتی با اعضای شورا، از مناطق مرزی جنوب لبنان بازدید کردند و مکان‌های مناسب را برای طرح‌های کمک‌رسانی بررسی کردند. نیز فهرست کمک‌های غیرنقدی را که با کشتی ایبا در راه لبنان بود، به این شورا ارائه کردند.^۲

ارتحال مرجع اعلای شیعیان جهان

۵۸۵ در تاریخ ۱۹۷۰/۶/۲ (۱۳۴۹/۳/۱۱ ش) خبر درگذشت آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم، مرجع اعلای شیعیان جهان، منتشر شد. امام صدر در مصاحبه‌ای مطبوعاتی که چندی پس از آن و در ۱۹۷۰/۷/۱۸ با حضور شماری از علما و آقایان ریاض طه و ملحم کرم، رؤسای اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران و نویسندگان، برگزار شد، اعلام کرد که مجلس اعلای آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خوبی را مرجع اعلای شیعیان معرفی می‌کند و تأکید کرد: «این انتخاب پس از رایزنی گسترده با علما و مراکز دینی شیعیان صورت گرفته است» و افزود: «این خبر از لبنان به جهانیان اعلام شد، چرا که لبنان جایگاه رسانه‌ای مهمی در جهان دارد و اینکه چنین خبری نخستین بار از لبنان اعلام می‌شود. این مسئله نه به سبب تلاش برای تثبیت مرجعیت آیت‌الله خوبی، بلکه به علت سابقه رسانه‌ای در لبنان است، چرا که لبنان جایگاه رسانه‌ای ویژه‌ای دارد.»^۳

۱- الحیاء، ۱۹۷۰/۶/۲۶.

۲- الحیاء، ۱۹۷۰/۸/۸.

۳- الجریده، ۱۹۷۰/۷/۱۹.

۱- مسیره الامام السید موسی الصدر، ج ۲، صص ۲۸۴ و ۲۸۵.

۲- الجریده، ۱۹۷۰/۶/۱۸.

۳- الجریده، ۱۹۷۰/۶/۹.

۵۹۱ بدین ترتیب، مرجعی که اکثریت شیعیان باتوجه به معیارهای مذکور از وی تقلید می‌کنند، مرجع اعلای شیعیان خواهد بود. از این رو، وجود بیش از یک مرجع در یک زمان محتمل است و این به سبب آن است که چه بسا سطح علمی چند مرجع به یکدیگر نزدیک باشد یا علما و روحانیون متخصص در امر دین دیدگاه‌های نظرات متفاوتی در تعیین اصلح داشته باشند. بدین ترتیب، اعلام مرجعیت آیت‌الله خویی از سوی امام صدر نیز به سبب پذیرش این موضوع از سوی اغلب علمای شیعه بود.

انتخاب سلیمان فرنجه به ریاست جمهوری لبنان

۵۹۲ در ماه اوت ۱۹۷۰ انتخابات ریاست جمهوری لبنان در محل پارلمان برگزار شد و در مرحله نخست هیچ‌یک از نامزدها حد نصاب لازم را برای تصدی این مقام کسب نکردند، زیرا آرای نمایندگان بدین ترتیب میان نامزدها توزیع شده بود: جمیل لحود: ۵ رأی؛ الیاس سرکیس: ۴۵ رأی؛ سلیمان فرنجه: ۳۸ رأی؛ پی‌یر جُمیل: ۱۰ رأی؛ و عدنان الحکیم - مسلمان که در اعتراض به انحصار حق نامزدی برای ریاست جمهوری در میان مسیحیان مارونی کاندید شده بود.

۵۹۳ در مرحله دوم، وجود یک برگ رأی اضافی و خروج صد برگ رأی (به جای ۹۹ برگ)، موجب ابطال انتخابات شد. در مرحله سوم، نمایندگان حامی پی‌یر جمیل و عدنان حکیم از سلیمان فرنجه حمایت کردند و او با اختلاف یک رأی بر رقیب خود الیاس سرکیس، پیروز شد.^۱

امام صدر و رئیس جمهور جدید

۵۹۴ در پی انتخاب سلیمان فرنجه به ریاست جمهوری لبنان، امام صدر در کاخ بیت‌الدین به دیدار وی رفت و انتخاب وی را تبریک گفت. بنابر نقل روزنامه الحیة آن دو درباره وضعیت جنوب لبنان

۵۸۶ امام صدر، در تشریح معنای فقه و اجتهاد و مرجعیت و نحوه انتخاب مرجع جامع‌الشرایط خاطرنشان کرد: «ماده نخست اساسنامه مجلس اعلای شیعیان محدوده فعالیت‌های مجلس را در خصوص فتواهای مرجع شیعیان جهان تنظیم می‌کند.»

۵۸۷ ایشان در ادامه افزود: «اهمیت شناخت مرجع برای افکار عمومی و رسانه‌های لبنانی و نیز تأثیر مرجعیت بر زندگی آحاد شیعیان و بر معادلات جهان عرب و دنیای اسلام، مجلس اعلا را بر آن داشت که بنابر وظیفه خود و برای احترام به افکار عمومی بلافاصله پس از کامل شدن اطلاعات و تعیین مرجع جامع‌الشرایط این خبر را اعلام کند.»^۱

۵۸۸ امام صدر، در ادامه، با توضیح کوتاهی درباره شخصیت آیت‌الله خویی تصریح کرد که ایشان مدت سی سال بزرگ‌ترین استاد حوزه نجف بوده‌اند و بسیاری از علما و روحانیون لبنان، از جمله شخص امام صدر، از شاگردان ایشان به شمار می‌آیند.

۵۸۹ امام بار دیگر با اشاره به تصمیم اتخاذ شده خاطرنشان کرد: «این تصمیم پس از رایزنی‌های بسیار اتخاذ شده... و در عین حال برای شیعیان الزام‌آور نیست، زیرا قاعده انتخاب مرجع جامع‌الشرایط با بررسی و تحقیق و قانع شدن صورت می‌گیرد، نه از طریق برپایی جلسات و همایش‌ها یا اتخاذ تصمیمات الزام‌آور.»^۲

۵۹۰ گفتنی است که رویه معمول در میان فقهای شیعه برای انتخاب مرجع اعلای شیعیان، نه از طریق انتخاب (همانند گزینش پاپ کلیسای کاتولیک)، و نه از طریق انتصاب از سوی حاکمان و سیاستمداران (همانند تعیین شیخ‌الزهر)، بلکه به روش ویژه‌ای است که مبنای آن رویکرد علمای شیعه در پذیرش فتوای مرجعی است که حیات علمی پربارتری دارد و آنان او را برای تصدی این منصب اعلم و اصلح می‌دانند.

۱- همان.

۲- همان.

۱- تیموویف، ایگور، همان، ص ۳۵۱.

گفتگو کردند.^۱

۵۹۵ پس از ادای سوگند رئیس‌جمهور و سخنانی که او در مراسم تحلیف ایراد کرد، امام صدر درباره آن سخنرانی چنین گفت: «در نخستین سخنرانی رئیس‌جمهور، جناب آقای سلیمان فرنجیه، که در واقع بیان برنامه‌های ایشان بود مطالبی ارزشمند و حرکت‌آفرین مطرح شد. این سخنان که پیمانی مقدس و رسالتی است که با سوگند همراه شد، بر ضرورت قرارگرفتن عمل به جای سخن تأکید کرد. این سخنان تأثیر عمیقی در جان و دل همه شهروندان برج گذاشت، اما اوج این سخنان آنجا بود که ایشان با اشاره به مشکلات جوانان و توجه به وضعیت جنوب لبنان، روزنه امید و خوش‌بینی نسبت به حال و آینده را در دل‌ها گشود. مواضع جناب رئیس‌جمهور در خصوص جنوب و لحن پدرانۀ ایشان از رفع مشکلات و حل معضل بزرگ جنوب فراتر خواهد رفت و به تثبیت وحدت ملی و عدالت راستین و صیانت از گرانبهارترین و ارزشمندترین بخش وطن - که در طی تاریخ همواره نگاهبان میهن بوده است - منجر خواهد شد. دعای خیر و نیایش و نیروی ما پشتیبان و همراه این اهداف مقدس و بدرقه راه ریاست این دوران خواهد بود.»^۲

۵۹۶ در تاریخ ۱۳/۱۰/۱۹۷۰، به مناسبت شروع به کار رسمی رئیس‌جمهور اعضای شورای یاری جنوب به ریاست امام صدر برای عرض تبریک با وی دیدار و گفتگو کردند. در آن دیدار، امام صدر پس از تبریک به رئیس‌جمهور تصریح کرد:

۵۹۷ رنج و بحران موجود در جنوب، اعضای این شورا را برای ارائه خدمات بشردوستانه و کاستن از درد و رنج محرومان گرد هم آورده است. اما علاوه بر این، شورای یاری جنوب به تجسم حقیقت لبنان و وجه تمایز لبنان در جهان تبدیل شده که همان همکاری و همزیستی کامل ادیان است. بی‌شک، این شورا می‌تواند زبان گویای لبنان در خارج از مرزهای آن باشد و در امر حفظ و حراست

از جنوب و سراسر میهن سهیم و رشته‌ای برای وحدت ملی و نقطه آغازی بر خدمت به خداپاوران باشد.

۵۹۸ سلیمان فرنجیه، رئیس‌جمهور، نیز ضمن خوشامدگویی و تشکر از اعضای شورا، از آنان خواست که برنامه‌ها و فعالیت‌های شورا را به نحو گسترده‌تری به افکار عمومی بنمایانند و تأکید کرد که رسانه‌های دولتی بیشترین همکاری ممکن را با شورا خواهند داشت.

۵۹۹ همچنین، هیئتی از مجلس اعلای شیعیان به ریاست امام صدر در همان روز با رئیس‌جمهور دیدار کرد.^۱

انتخاب کامل اسعد به ریاست پارلمان لبنان

۶۰۰ در تاریخ ۲۰/۱۰/۱۹۷۰، کامل اسعد به ریاست پارلمان لبنان برگزیده شد. در پی این انتخاب، هیئتی متشکل از اعضای مجلس اعلای شیعیان به ریاست امام صدر در تاریخ ۳/۱۱/۱۹۷۰ برای تبریک به حضور وی رسید. امام در آن دیدار طی سخنانی ضمن آرزوی توفیق برای رئیس پارلمان، کامل اسعد، در عمل به مسئولیت وظایف جدید، اظهار امیدواری کرد که حضور وی به‌عنوان یکی از اهالی جنوب در منصب ریاست قوه مقننه با خیر و برکت همراه باشد و روند خدمت به جنوب در دوره‌ای که کامل اسعد یکی از ارکان حکومتی را تشکیل می‌دهد، شاخص باشد. امام در ادامه سخنان خود مسائل و خواسته‌های مهم شیعیان را یادآور شد.

۶۰۱ کامل اسعد نیز ضمن خوشامدگویی به امام صدر و هیئت همراه، اظهار امیدواری کرد که دوران جدید دوران خیر و برکت و حل تمامی مشکلات جنوب باشد. وی تصریح کرد که همه نیرو و توان خود را در خدمت جنوب و مسائل و مشکلات آن که مسئله همه لبنان است، قرار خواهد داد. وی با تأکید بر نقش مؤثر مجلس اعلای شیعیان در زمینه ارشاد ملی به عموم، خاطر نشان کرد که

۱- الحیاة، ۱۰/۹/۱۹۷۰.

۲- لسان‌الحال، ۲۵/۹/۱۹۷۰.

۱- الجریده، ۱۴/۱۰/۱۹۷۰.

آحاد لبنانیان در عمل به ارشادات مجلس اعلا از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد.^۱

درگذشت جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر

۶۰۲ در سپتامبر ۱۹۷۰ امت عرب یکی از مردان بزرگ خود در قرن بیستم را از دست داد، و او کسی نبود جز جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر و طلایه‌دار ملی‌گرایی و وحدت اعراب.

۶۰۳ وفات عبدالناصر تأثیر عمیقی بر تمامی امت عرب برجای گذاشت، چرا که وی هم پیش‌تاز وحدت امت عربی بود و هم یکی از ارکان مبارزه اعراب با اسرائیل به‌شمار می‌آمد.

۶۰۴ امام صدر دیدارهای معدودی با عبدالناصر داشت و با آنکه نخستین دیدار آنان بسیار دیر برگزار شد، آگاهان سیاسی دیدارهای آن دو را بسیار بااهمیت توصیف کرده‌اند؛ دیدارهایی که تأثیر آن در ایجاد رابطه‌ای ساختاری برای آغاز یک برنامه سیاسی-نظامی در رویارویی با دشمن صهیونیستی کاملاً پیش‌بینی‌پذیر بود.

۶۰۵ امام صدر در مناسبت‌های مختلف، شخصیت عبدالناصر را تحسین کرد و در سخنانی درباره وفات وی، تصریح کرد:

۶۰۶ «رئیس‌جمهور، جمال عبدالناصر، تبلور آرزوهای امت عرب بود و این حقیقت زمانی آشکار شد که پس از جنگ ۵ ژوئن ۱۹۶۷ ایشان استعفا داد و ملت‌ها و دولت‌های عربی واکنشی از خود نشان دادند که حاکی از نپذیرفتن شکست و امید به پیروزی بود.»

۶۰۷ امام در بخش دیگری از سخنان خود افزود: «شخصیت جهانی وی در دوره اخیر بروز و ظهور پیدا کرد و با وجودی که دشمن همواره در پی مخدوش کردن چهره وی، به‌ویژه در جهان غرب بود، در این کار موفق نشد و شخصیت عبدالناصر هم‌زمان در شرق و غرب خوش درخشید. جهان عرب بدون عبدالناصر از لحاظ عاطفی احساس کاستی و ضعف و سستی خواهد کرد، اما از لحاظ منطقی و با یاری خداوند هیچ‌کس نمی‌تواند از خوش‌بینی و

امیدواری ما بکاهد. رمز ماندگاری و حضور جاودانه عبدالناصر در دستان اعراب است. اگر اعراب می‌خواهند عبدالناصر هرگز نمیرد، باید با زنده نگه‌داشتن اهداف و مواضع او در میان خویش، او را جاودانه کنند. باید اصول و شعارهایی که او سر می‌داد، گرد هم آیند و برای تحقق وحدت اعراب و تثبیت و تحکیم صفوف خود - که مهم‌ترین خواسته او بود - همکاری کنند. وقایع اخیر اردن به خوبی نشان داد که عبدالناصر خود را وقف خدمت به اعراب کرده بود. زیان و خسارتی که از فقدان عبدالناصر بر امت عرب وارد شد، بزرگ و جبران‌ناپذیر است... من در دیدار با وی، رفتار و افکار عمیق انسانی او و ناخشنودی‌اش از وقوع جنگ‌ها را از نزدیک مشاهده کردم، زیرا جنگ به مرگ و نابودی منجر می‌شود. جلوگیری از قربانی شدن انسان‌ها در جنگ دغدغه او بود و به‌همین سبب، برای دستیابی به صلح، و نه سازش و تسلیم، تلاش می‌کرد.»

۶۰۸ امام همچنین درباره مواضع مثبت و مؤثر عبدالناصر در خصوص لبنان چنین گفت: «وی به لبنان احساس عطفی ویژه داشت و اوضاع لبنان را به‌طور کامل درک می‌کرد.»^۱

نظارت بر برنامه‌های مذهبی رادیو

۶۰۹ در ماه‌های پایانی سال ۱۹۷۰، امام صدر با ارسال نامه‌ای به نخست‌وزیر، صائب سلام، اعتراض خود را به مداخله‌نکردن مجلس اعلا شیعیان در انتخاب سخنرانان مذهبی ماه رمضان رادیو اعلام کرد. در آن نامه آمده بود که مجلس اعلا شیعیان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در امور شیعیان است و باید در گزینش و انتخاب سخنرانان مذهبی مداخله کند. نخست‌وزیر نیز نامه امام را به وزیر اطلاع‌رسانی ارجاع داد و سپس جلسه‌ای در کاخ ریاست‌جمهوری به ریاست رئیس‌جمهور و با حضور نخست‌وزیر و وزیر اطلاع‌رسانی تشکیل و در آن مقرر شد که مجلس اعلا شیعیان - براساس قانونی که این حق را برای

مجلس محفوظ می‌داند - بر تهیه و ساخت برنامه‌های مذهبی رادیو نظارت داشته باشد.^۱

امام صدر و مشکلات اجتماعی لبنان

۶۱۰ امام صدر پس از بررسی عمیق مشکلات اجتماعی لبنان به اوضاع و حقایق اجتماعی این جامعه آگاهی کامل پیدا کرد و راه‌حلی برای آنها در نظر گرفت؛ این کار مقدمه‌ای بر روند اصلاحات عمومی و فراگیر در جامعه لبنان بود.

اخلاق اجتماعی

۶۱۱ «مشکل سرکش و فزاینده‌ای در جامعه وجود دارد که همه لبنانیان بدون استثنا بر ضرورت حل آن اتفاق نظر دارند و در جالب‌ترین همه‌پرسی خودجوش و اعلام‌نشده درباره آن رأی داده‌اند، و آن عبارت است از مسئله اخلاق در لبنان.»

۶۱۲ اینها عباراتی بود که امام صدر در زادروز نبی مکرم^ص و هنگامی که رئیس‌جمهور لبنان برای عرض تبریک به دیدار ایشان رفته بود، خطاب به رئیس‌جمهور بر زبان آورد؛ چرا که امام موج فساد و بی‌بندوباری را به چشم دیده بود که چون توفانی سهمگین جامعه لبنان را درمی‌نوردید و همه موانع را درهم می‌شکست و همه چیز حتی رسانه‌ها را دربر می‌گرفت.

۶۱۳ «رئیس‌جمهور پس از سخنان امام دست به کار شد و کمیته‌ای تشکیل داد که وظیفه آن حمایت از نسل جوان و صیانت از اصول اخلاقی است. اقدامات این کمیته در نظارت بر فیلم‌ها و کتب و نشریات و حتی مراکز تفریحی نمود داشت و آرامش خاطر را برای ملت و علمای دین به ارمغان آورده است.»

۶۱۴ عبارات فوق، مقدمه مصاحبه روزنامه کویتی صوت‌الخلیج با امام موسی صدر بود که در تاریخ ۱۹۷۰/۶/۱۰ در روزنامه مذکور منتشر شد. امام در آن مصاحبه درباره ابعاد این مسئله در لبنان چنین توضیح داد: «لبنان اکنون در دوران لجام‌گسیختگی به سر

می‌برد و این لجام‌گسیختگی پدیده دوران معاصر و ثمره تمدن امروز است.»

۶۱۵ امام در ادامه، درباره علل پیدایش آن چنین گفت: «پس از دوران اسکولاستیک^۱ و پایان قرون وسطا، غرب پایه‌های تمدن خود را بر مبنای انکار تأثیر عوامل [متافیزیک] در زندگی انسان بنا نهاد و تمدن را بر اساس نادیده‌گرفتن خداوند، و نه انکار او، استوار گرداند؛ بدین معنا که به وجود خداوند اعتراف کرد، اما تأثیرگذاری او را منکر شد و به تعبیر قرآن: «يُدَّالُّهُ مَغْلُولَةٌ»^۲ را شعار خود قرار داد. بدین ترتیب، تمدن توسعه پیدا کرد و گسترش یافت، بی‌آنکه مبنای چارچوب اخلاقی و معنوی داشته باشد. این ویژگی، که با دو اصل رقابت آزاد و زیاده‌خواهی‌های بشر همراه شد، تمدن را چون اسبی افسارگسیخته به حرکت درآورد؛ به گونه‌ای که چرخ‌های تمدن به شکلی رعب‌انگیز و هراس‌آور در هر سو به راه افتاد و، به تعبیر دقیق‌تر، به شکلی غیرمنسجم با ابعاد مختلف وجودی انسان... و این مشکل همواره بزرگ‌تر و رنج‌آورتر می‌گردد، زیرا بر پایه و اساس کج جزجی و انحراف بنا نخواهد شد و آینده نیز با بی‌بندوباری و اضمحلال مردانگی و بی‌ارادگی و ناتوانی و فروپاشی همراه خواهد بود و همه نیروهای بشر در منجلاب

۱- اسکولاستیک (Scholastic) مکتبی فلسفی است که در قرون وسطا در برخی کشورهای اروپایی تدریس می‌شد و آمیزه‌ای از لاهوت مسیحی و فلسفه ارسطو بود.
 ۲- این عبارت، ادعای یهود بود که می‌گفتند: «دست خدا بسته است»، زیرا خداوند را در برابر تقدیری که خود او پیش از آفرینش مقدر کرده بود، ناتوان می‌دانستند و بدین ترتیب، حق تعالی را در تأثیرگذاری در روند امور (پس از آنکه امری را به طور قطعی مقدر کرد) ناتوان می‌دانستند. ادامه آیه پاسخی است به آنان، آنجا که می‌فرماید: «غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدُهُ مَبْسُوطَةٌ يَنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» (مانده، ۶۴) «دست خودشان بسته شد و به سبب آنچه گفتند، مورد لعنت قرار گرفتند، اما دستان خدا باز و تواناست و هر طور بخواهد، اتفاق می‌کند و تأثیر می‌گذارد.» آیه دیگر «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» نیز پاسخ به همین باور است. برای تحقیق بیشتر، به مباحث مربوط به بلاء که از باورهای شیعیان است در کتب مربوط به آن رجوع کنید.

مبارزه داشته باشد، نه سستی و خوشگذرانی»^۱

مبارزه با عادات ناپسند از جمله پناه‌دادن قاتل و انتقام‌گرفتن از بستگان بی‌گناه او

۶۲۳ امام صدر تلاش گسترده‌ای برای از بین بردن عادات ناپسندی صرف کرد که تفرقه و کینه‌توزی را تثبیت می‌کند و مانع از تحول و پیشرفت جامعه می‌شود. بدین منظور، ایشان اهالی و قبایل منطقه بعلبک - هرمل را به ادای سوگند و پذیرش میثاقی فراخواند که براساس آن در زمان وقوع قتل اعضای قبیله فرد قاتل از او حمایت نکنند. و خویشاوندان مقتول نیز از بستگان بی‌گناه قاتل انتقام نگیرند. ایشان در پیامی خطاب به اهالی بعلبک - هرمل که روزنامه‌النهاری در تاریخ ۱۹۷۰/۷/۱ آن را در سرمقاله خود درج کرد، با اشاره به حضور نداشتن دولت و لزوم تلاش برای پرکردن این خلأ، همگان را به انتخاب یکی از سه گزینه فراخواند تا به فرمان خدا بازگردند؛ یا عطش خونریزی را در جان خود خاموش کنند و یا بپذیرند که امام صدر قربانی و این فتنه خاموش شود، و یا به جوی خون‌های مقدسی بیبوندند که در راه آزادی قدس بر زمین می‌ریزد.^۲

۶۲۴ حدود هزار و پانصد نفر از بزرگان و افراد صاحب‌نفوذ منطقه میثاق ترک سنت انتقام‌جویی را امضا و برای اجرای آن سوگند یاد کردند. بدین ترتیب، صفحه جدیدی در تاریخ منطقه بعلبک - هرمل گشوده شد و اهالی منطقه از آن پس دفاع از لبنان و جنوب و کشته شدن در راه میهن را بر عادات پیشین ترجیح دادند و فرزندان بقاع پیشتازان فداکاری و ایثار شدند.

۶۲۵ قبایلی که میثاق را امضا کردند عبارت بودند از قبیله‌ها و خاندان‌های جعفر و ناصرالدین علاّم و شمس و دندش و علّو و علاءالدین و شریف و مقداد و زعبتر و امهز و الحاج حسن و فخرالدین و الحاج حسین و سجد و المولی و شعیب و رشعینی و

پرالتهاب شہوات نابود خواهد شد.»

۶۱۶ امام در پاسخ به این سؤال که «مسئولیت این امر بر عهده چه کسی است؟» تصریح کرد: «نمی‌توان مسئول و مقصر ظهور این پدیده را فقط در لبنان جستجو کرد، بلکه این یک مسئولیت جهانی است اما نسل‌های اخیر لبنان نیز با انحراف و گرایش به سوی تمدن مادی در این میان نقش داشته‌اند. مشکل از اینجا ناشی می‌شود.»
۶۱۷ وی افزود: «اما راه چاره در لبنان و هر کشوری که در پی حل این معضل است، با بررسی و برنامه‌ریزی و دقت ویژه ممکن خواهد بود. ما پیشنهادهایی را به مسئولان لبنان ارائه کرده‌ایم که دربردارنده راه‌حل‌های کلی است و عبارت است از:

۶۱۸ - طرح‌ها و برنامه‌های منظم برای تعلیم و تربیت دینی در مدارس و نیز آموزش نظامی و تقویت ورزش و نظام پیشاهنگی. داستان و فیلم و تئاتر و امکانات تفریحی سالم جانشین مطالب مفسده‌انگیز رسانه‌ای گردد و در نهایت نیز طرح‌هایی برای خلق فعالیت‌هایی به صورت داوطلبانه برای همه شهروندان دست‌کم یک روز در هفته تدوین شود.

۶۱۹ - یک هفته به نام «هفته اخلاق» نامگذاری و اعلام شود که در آن رئیس‌جمهور با همکاری تمامی مسئولان ذی‌ربط اجرای برنامه‌ها و طرح‌های مذکور در بند نخستین را آغاز کنند و سخنرانی‌ها و مقالاتی در روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون و مساجد و کلیساها و اماکن عمومی و باشگاه‌ها برگزار و منتشر شود.

۶۲۰ - تدابیر بازدارنده‌ای (در حد معقول) برای جلوگیری از اقدامات افراد منحرف در نظر گرفته شود.

۶۲۱ - شورایی ملی به نام «شورای اخلاق» برای پیگیری امور هفته مذکور تشکیل شود و این شورا عهده‌دار نظارت و تعیین راهکارهای آینده شود. اجرای این تدابیر می‌تواند در لبنان فضایی ویژه و حرکتی برخلاف روند جهانی موجود پدید آورد و لبنان را از فروپاشی و نابودی اصول اخلاقی مصون بدارد.»

۶۲۲ امام در پایان تصریح کرد: «جامعه مبارز باید حال و هوای

۱- صوت الخلیج، ۱۹۷۰/۶/۱۰.

۲- النهار، ۱۹۷۰/۷/۱.

۶۲۶ حماده و الهق و غصن و عواد و مدلیج و نون مصری و غیر اینها. همچنین، خاندان‌های مسیحی کیروز و رحمه و طوق و حبشی و جعجع و عماد و فخری و حدشیتی نیز از امضاکنندگان این میثاق بودند.^۴

متن میثاق بعلبک (پیمان دست شستن از انتقام‌جویی)

۶۲۷ ۱. ما از رفتار و عمل هر شخصی برائت می‌جوییم که با هر انگیزه‌ای مرتکب هر نوع جنایتی شود و او خود به‌تنهایی مسئول عمل و اقدام خویش خواهد بود.

۶۲۸ ۲. کسی که مرتکب جنایتی شود - هر که باشد و به هر قبیله و خاندانی که تعلق داشته باشد - از سوی همه، به‌ویژه اعضای قبیله و خاندان خود، مطرود خواهد بود و از هر نوع کمک و یاری مادی و یا معنوی محروم می‌شود و همگان از پناه‌دادن و مخفی‌کردن او خودداری می‌کنند و مخالف و معاند او خواهند بود.

۶۲۹ ۳. شخص مجرم به‌تنهایی تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد و هیچ‌یک از خویشاوندان او یا کسانی که هر نوع رابطه و قرابتی با او دارند، به سبب عمل او مؤاخذه نمی‌شوند و کسی که شخص بی‌گناهی را به سبب گناه فرد مجرم مؤاخذه کند، مسئولیت کامل اقدام او متوجه خودش خواهد بود.

۶۳۰ ۴. هر کس با این اصل مخالفت کند و آن را زیر پا بگذارد، هیچ‌یک از خانواده یا نزدیکانش حق یاری و تأیید یا محافظت از او را نخواهند داشت و همه ما و خویشان او دشمن وی خواهیم بود.

۶۳۱ نسخه‌ای از این میثاق در مجلس اعلای شیعیان نگهداری می‌شود تا مجلس آن را تأیید کند و در صورت وقوع - خدای ناکرده - هرگونه انحراف یا سرپیچی در برابر مجلس اعلا مسئول خواهیم بود و بر این اساس میثاق را امضا می‌کنیم.

۶۳۲ امضای میثاق و ادای سوگند در مراسمی به مناسبت نخستین سالگرد تأسیس مجلس اعلای شیعیان در منطقه مرجة رأس‌العین

بعلبک برگزار شد. در آن همایش تاریخی که هزاران تن از شهروندان را از تمامی قبایل گردهم آورده بود و علما و روحانیون تمام فِرَق نیز در آن حضور یافتند، امام متن سوگند پایبندی به اجرای مفاد میثاق را قرائت کرد و حاضران آن را تکرار کردند.^۱

جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام صدر

۶۳۳ امام صدر در خصوص زن می‌فرماید: «در طی تاریخ، همواره مرد بر زن سیطره داشته است؛ گاه به سبب برتری جسمی و گاه با نیروی قانون، که آن را نیز همواره مردان در مصدر قدرت تصویب کردند... اما از نگاه دین، زن «نفس» مرد است^۲ و آن دو، در واقع یک موجود هستند، چرا که در استمرار نسل بشر و در تکوین و ماندگاری جامعه با هم همکاری و اشتراک دارند.»

۶۳۴ امام صدر به آنچه مردان در طی قرون و اعصار در خصوص زن بیان کرده‌اند، به دیده تردید می‌نگرد، زیرا از دیدگاه امام، در طی تاریخ مردان هم در نقش دشمن و هم در نقش قاضی و داور ظاهر شده‌اند. ایشان در برداشت و نوع نگرش زنان درباره خود نیز تردید می‌کنند، زیرا این برداشت‌ها از نگرش محدود و جهت‌داری ناشی می‌شود که نتیجه خودکم‌بینی یا تأثیر القائات مردان است.

۶۳۵ امام این دیدگاه‌ها را در سخنرانی خود با عنوان «زنان عرب و نبرد آزادی‌خواهی» در دارالفن و الادب در تاریخ ۱۹۷۰/۴/۷ مطرح کردند. ایشان در بخشی از آن سخنرانی که در چندین روزنامه عربی و خارجی بازتاب داشت، افزودند: «در منطق دین الگویی برتر جامعه خانواده است.» امام با اشاره به ناکامی اتحاد جماهیر شوروی در جایگزین کردن فرد به جای خانواده، آزادی را خواسته‌ای عاطفی نامیدند، مشروط بر آنکه بر پایه منطق استوار باشد و در ادامه افزودند: «استعدادها فقط در سایه آزادی رشد

۱- ایام جنوبیه.

۲- اشاره به آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها...»

می‌کند، و آزادی موجب می‌شود که رشد و پیشرفت روندی طبیعی داشته باشد. فشار و محدودیت استعدادها را محدود و منحرف می‌کند... ما باید زمینه مناسب برای رشد استعدادهای زنان را فراهم کنیم و این کار خدمت به تمامی جامعه است. باید درباره آزادی دادن به زن جدیت داشته باشیم. مردان - حتی زمانی که ادعای آزادی دادن به زن را دارند - در واقع، زن را محدود و مقید می‌کنند، زیرا مردان هستند که با تعیین مد لباس و با در اختیار گرفتن رسانه‌ها و نیز در عرصه ادبیات، زن را کنترل می‌کنند. امروزه مردان به شکلی زیرکانه اراده خود را بر زن تحمیل می‌کنند و می‌خواهند زن تابلویی هنری باشد...»^۱

۶۳۶ امام در ادامه می‌افزایند: «من هرگز در صدد آن نیستم که افکار مردانی را مبنا قرار دهم که با نیروی جسمی یا با قوانین خود ساخته بر جهان سیطره یافته‌اند تا برتری خود را ثابت کنند. البته افکار زنانی را هم تأیید نمی‌کنم که واقعیت موجود را پذیرفته یا در نهایت برضد آن شورش کرده‌اند. بهتر است بر منابع و مراجعی دقیق‌تر و صحیح‌تر تکیه کنیم و آن مراجع عبارت‌اند از آفریدگار و دین... زن هم از لحاظ عقلی با مرد برابر است و هم از لحاظ جسمی. او در پیدایش جنین و ولادت آن سهم است و زن و مرد در استمرار نسل بشر و پایداری جامعه به یک اندازه نقش دارند. تفاوت میان دو جنس فقط بر مبنای تفاوت در استعدادها و توانایی‌هاست.»

۶۳۷ امام در ادامه و در خصوص زنان عرب افزودند: «زن عرب امروز دشوارترین مرحله تاریخ خود را پشت سر می‌گذارد؛ از سویی باید بر آداب و رسوم قبیله‌ای و احکام دینی تحریف شده و الگوهای وارداتی چیره شود و، از سوی دیگر، باید به میدان نبرد برضد دشمن وارد شود. هم زنان و هم ما مردان باید با شجاعت و فداکاری به میدان نبرد چندجانبه وارد شویم.»^۲

۱- الحیاة، ۱۹۷۰/۴/۲۸؛ La revue de Liban، ۱۹۷۰/۵/۲.

۲- همان.

فرو دگاه لاگوس نمایندگان گوون، رئیس‌جمهور این کشور، و فرمانده ارتش، حسن کیتنا، و امام جمعه لاگوس و دیگر شخصیت‌های نیجریه از امام استقبال کردند.^۱ همچنین رئیس‌جمهور این کشور با امام ملاقات کرد و امام در دیدارهای خود با مسئولان نیجریه درباره تحکیم روابط لبنان و نیجریه و تأثیر مهاجران در این زمینه بحث و گفتگو کرد.

۶۴۱ امام در پایان سفر به نیجریه برای شرکت در ششمین همایش مجمع پژوهش‌های علمی اسلامی، این کشور را به مقصد قاهره ترک کرد^۲ و در همایش مذکور سخنانی با موضوع عقیده و فرهنگ در اسلام ایراد کرد.^۳

۶۴۲ اعضای شرکت‌کننده در این همایش از جبهه‌های جنگ در کانال سوئز بازدید کردند و پس از ملاقات با سربازان و افسران نماز جمعه را در مسجد شهدای شهر سوئز اقامه کردند. امام پس از نماز، در سخنانی چنین فرمودند:

۶۴۳ «ما به اینجا نیامده‌ایم تا جهاد و مرزبانی را به شما بیاموزیم، زیرا شما در عمل مجاهد و محافظ مرزها هستید... شما فقط برای دفاع از وطن خود و بازپس گرفتن شبه جزیره سینا مبارزه نمی‌کنید، بلکه مدافع همه کشورهای عربی و سرزمین‌های اسلامی هستید که دیر یا زود مورد تعرض دشمن قرار خواهد گرفت... شما از کرامت اعراب دفاع می‌کنید و احیاگر عزت اسلام و شرافت دین هستید... شما حتی ملت آمریکا را نجات می‌دهید هرچند که دولت آنان نادانسته یا از روی تغافل از اسرائیل حمایت می‌کند.

۶۴۴ شما مفهوم حیات و زندگی را، که متعلق به انسان و تحت مالکیت اوست، تصحیح می‌کنید و نشان می‌دهید که انسان مملوک زندگی نیست و وظیفه ندارد که به قیمت خواری و ذلت خود درصدد حفظ و حراست از آن باشد، بلکه زندگی و حیات در خدمت انسان است و آنگاه که انسان احساس کند زندگی در خدمت هدف

۱- همان.

۲- الحیاة، ۱۳۷۱/۳/۲۸.

۳- الأهرام، ۱۹۷۱/۳/۳۰.

سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰ ش)

۶۳۸ با آغاز سال ۱۹۷۱ فعالیت‌های امام گسترش یافت و ایشان خواسته‌هایی را به منظور رفع محرومیت و یاری‌رساندن به اهالی جنوب لبنان در رویارویی با تجاوزات مستمر دشمن صهیونیستی اعلام کردند. مهم‌ترین وقایع و رویدادهای آن سال به شرح ذیل است.

سفر به مراکش و نیجریه و مصر

۶۳۹ در سومین ماه از سال ۱۹۷۱، امام صدر به دعوت ملک حسن دوم، پادشاه مراکش، به این کشور سفر کرد و در مراسم استقبالی در کاخ پادشاهی در شهر فاس شرکت کرد. برادر پادشاه نیز ضیافت شامی در حضور مقامات دولتی به افتخار امام برپا کرد. امام در بازدید از دانشگاه قرویین شهر فاس سخنانی با موضوع تفسیر قرآن ایراد کرد. پیش از سخنرانی امام، خانم دکتر بنت الشاطی، پژوهشگر علوم اسلامی و نویسنده شهیر، در سخنان کوتاهی به معرفی امام صدر پرداخت و ایشان را امام خود نامید.^۱ امام در مصاحبه با خبرنگاری مراکش هدف خود را از آن سفر «آگاهی از وضعیت شیعیان در این کشور و بحث درباره مسئله فلسطین» عنوان کرد، مسئله‌ای که «لبنان از نزدیک با آن درگیر است و مراکش و دیگر کشورهای عربی نیز آن را احساس می‌کنند».^۲

۶۴۰ امام صدر پس از دو هفته اقامت در مراکش به میزبانی ملک حسن دوم، این کشور را به مقصد نیجریه ترک کرد و در

۱- الحیاة، ۱۹۷۱/۳/۱۰.

۲- الحیاة، ۱۹۷۱/۳/۱۶.

داریم تا امانت و رسالت جهان عرب را بر دوش کشد و از آن دفاع کند.»

۶۴۹ حافظ اسد نیز با تمجید از مواضع ملی‌گرایانه امام مراتب خرسندی خود را از ارتباط مستمر با لبنان در سطح رؤسای جمهور دو کشور و دیگر سطوح ابراز داشت و بر پایبندی سوریه به میثاق خود برای گسترش و تحکیم روابط دو کشور تأکید کرد.^۱

روستای نمونه در حومه پایتخت

۶۵۰ چند روز پس از سفر امام به سوریه، روزنامه الجمهور خبر داد که امام صدر قصد دارد در حومه پایتخت روستایی نمونه برای اسکان کوخ‌نشینان و افراد بی‌خانمان خیابان‌های پایتخت احداث کند.^۲ موضوع از این قرار بود که امام با همکاری دولت درصدد حل مشکل مهاجران ساکن در منطقه الحدث (در جنوب شرقی بیروت) برآمده بود و بر این اساس، مقرر شد که به آنان کمک‌هایی اعطا شود تا منطقه را ترک کنند و آن را برای احداث دانشکده علوم دانشگاه لبنان در اختیار دولت قرار دهند. در ادامه، مجلس اعلامی شیعیان در احداث ۴۶۰ واحد مسکونی در روستای نمونه منطقه عمروسییه برای اسکان نامبردگان مشارکت کرد.^۳ همچنین، امام در پی آن بود که فقرا و نیازمندیانی که به امید زندگی بهتر به پایتخت مهاجرت می‌کنند، با اسکان در دهکده‌های نمونه ویژه، از رفاه و تأمین اجتماعی بهره‌مند شوند.

عید فطر در روستاهای مرزی جنوب

۶۵۱ امام صدر روز عید فطر سال ۱۹۷۱ را در روستاهای مرزی و در کنار ساکنان جنوب سپری کردند. این موضوع درخصوص رعایت پروتکل ابهام‌هایی پدید آورد؛ زیرا براساس پروتکل رئیس‌جمهور لبنان در این روز برای عرض تبریک به دیدار سران مذاهب

و رسالت او قرار ندارد، آن را در قربانگاه کرامت قربانی می‌کند.^۱ از آنجا که دیدار امام با افسران و سربازان و سخنرانی در جمع آنان تأثیر بسیاری برجا نهاده بود، محمد بلتاجی، استاندار سوئز از امام برای سفر به شهر سوئز دعوت کرد. امام نیز با حضور در این شهر نماز جمعه را به همراه افسران و سربازان اقامه کرد و در سخنانی با موضوع جهاد در اسلام همه مسلمانان را به حمایت و پشتیبانی از جمهوری متحد عربی و یاری‌رساندن به آن در برابر نیروهای دشمن فراخواند.^۲

۶۴۶ امام در سفر به مصر و در همایش مجمع پژوهش‌های اسلامی بار دیگر بر ضرورت یکسان‌کردن شعائر دینی و عبادات تأکید کرد و در پی موافقت مجمع، کمیته‌ای متشکل از علمای بزرگ مسلمان و وظیفه بررسی روش‌های یکسان‌کردن شعائر دینی و اعیاد اسلامی را با تکیه بر اصول علمی برعهده گرفت.^۳

تلاش برای بهبود وضعیت شیعیان از طریق بانک مرکزی لبنان

۶۴۷ امام صدر پس از بازگشت از قاهره، در نامه‌ای خطاب به الیاس سرکیس، رئیس کل بانک مرکزی لبنان، با اشاره به وجود افراد توانا و باصلاحیت در میان شیعیان، خواستار بهبود وضعیت آنان در مشاغل رسمی بانک مذکور شد.^۴

سفر به دمشق

۶۴۸ در پی انتخاب حافظ اسد به ریاست جمهوری سوریه، امام صدر در سفری به دمشق با وی دیدار کرد. در آن ملاقات، امام خطاب به حافظ اسد تصریح کرد: «به عقیده ما دیدارها و سفرهای رسمی و مردمی میان دو کشور دوست و برادر (سوریه و لبنان)، بهترین ابزار برای خدمت‌رسانی به این دو کشور - که در واقع یک کشور هستند - خواهد بود. ما بزرگ‌ترین امید و چشمداشت را از سوریه

۱- الحیاء، ۱۹۷۱/۴/۳.

۲- الأهرام، ۱۹۷۱/۴/۱۴-۱۰.

۳- الحیاء، ۱۹۷۱/۴/۴.

۴- آرشیو مجلس اعلامی شیعیان لبنان.

۱- الحیاء، ۱۹۷۱/۵/۱۹.

۲- الجمهور، ۱۹۷۱/۵/۲۱.

۳- الحیاء، ۱۹۷۱/۱۱/۴.

هریک از اعضای آن داوطلبانه مأموریت مشخصی را در کشوری معین به عهده می‌گیرند.

۶۵۵ - افزایش دیدارهای مسئولان و نیز شهروندان از جنوب.

۶۵۶ - توجه به مشکلات جنوب و انعکاس آنها در رسانه‌های گروهی.

۶۵۷ - عملی کردن خط مشی دفاعی همه‌جانبه.

۶۵۸ - ایجاد تحول تدریجی در جامعه و رساندن آن از حالت تسلیم شدن و انفعال به حالت فعال.^۱

۶۵۹ - همچنین، امام در سفر به قاهره با روزنامه بیروتی *المحرر* مصاحبه کرد و در آن با اشاره به اهمیت وحدت در شعائر دینی مسلمانان و لزوم مبارزه با دشمن صهیونیستی تصریح کرد: «نبرد ما فقط به بُعد نظامی منحصر نمی‌شود. چند سال قبل، از قول بن گوریون شنیدیم که گفته بود موفقیت ما در اسرائیل، ۹۶ درصد سیاسی و فقط ۴ درصد نظامی است... بنابراین، به نظر من اهمیت تلاش‌های سیاسی از اقدامات نظامی کمتر نیست.»^۲

۶۶۰ - همچنین، امام در تاریخ ۱۹۷۱/۵/۷ و در مراسم جشنی که به مناسبت میلاد پیامبر اکرم^ص با حضور رئیس‌جمهور در مجلس اعلامی شیعیان برگزار شد، ضرورت پاسداری از لبنان و حفظ آزادی و کرامت و ایمان و عریبیت آن و احقاق حقوق فرقه‌ها و مناطق محروم را بار دیگر به رئیس‌جمهور یادآور شد.^۳

۶۶۱ - امام در مصاحبه‌ای که در تاریخ ۱۹۷۱/۷/۲۳ در مجله لبنانی *الدبور* منتشر شد، بر این نکته تأکید کرد که نظام فرقه‌ای مصلحت لبنان نیست، «بلکه مانع از شایسته‌سالاری در تصدی مناصب می‌شود و این به خودی خود عقب‌ماندگی است. من معتقدم که وجود فرقه‌ها و مذاهب متعدد در لبنان خیر و برکت مطلق است، اما نظام فرقه‌ای در حکومت شرّ مطلق است.»^۴

۱- *La revue de Liban*، ۱۹۷۱/۳/۲۵.

۲- *المحرر*، ۱۹۷۱/۴/۲۰.

۳- روزنامه‌های لبنان، ۱۹۷۱/۵/۸.

۴- *الدبور*، ۱۹۷۱/۷/۲۳؛ *الصدر*، الإمام السید موسی، تأسیساً لمجتمع مقاوم، مرکز

اسلامی می‌رود. برخی منابع روابط امام صدر و رئیس‌جمهور فرنجیه را تیره و وصف کردند، زیرا رئیس‌جمهور برخی خواسته‌های امام صدر درباره جنوب را اجرایی نکرده بود.^۱

مصاحبه‌های مطبوعاتی؛ مسئله جنوب و راه‌حل آن

۶۵۲ امام صدر در مصاحبه‌هایی که با برخی روزنامه‌ها، از جمله *La revue de Liban* داشت، با تشریح وضعیت شهروندان جنوب، بر این حقیقت تأکید کرد که «اشغال جنوب توسط اسرائیل به هیچ‌یک از انواع دیگر اشغالگری شباهت ندارد. تفنگدار اسرائیلی می‌تواند فاصله پانزده کیلومتری میان خود و ساکنان جنوب را به سادگی پشت سر بگذارد و به اهالی جنوب شبیخون بزند و مأموریت خود را انجام دهد.» امام در ادامه تصریح کرد: «معامله بر سر جنوب ننگ‌آور است و سکوت در قبال این فاجعه نیز موجب خواری و ذلت است... آمادگی برای نبرد و مبارزه و حفظ میهن از تکالیف مهم ملی ماست...»

۶۵۳ امام با هشدار به لبنانیان افزود: «اگر دست‌کم نخستین گام‌ها را برای تنظیم برنامه‌های دفاعی بلندمدت به‌موقع برنداریم، بی‌شک فاجعه در انتظار ما خواهد بود.» ایشان در بخش دیگری از مصاحبه فرمود: «روزی جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، به من گفت: «وضعیت جنوب لبنان با صحرای سینا تفاوت دارد، زیرا اگر جنوب از دست برود، بازپس‌گرفتن آن غیرممکن می‌شود.» آنچه اکنون بیش از هر زمان موجب شگفتی من می‌شود آن است که با وجود امکانات متعددی که لبنان از آن بهره‌مند است، این امکانات به اندازه کافی و به‌درستی برای پاسداری از میهن به کار گرفته نمی‌شود.» امام در ادامه پیشنهادها را مطرح کرد:

۶۵۴ - تشکیل شورای ملی با حضور مهم‌ترین رهبران سیاسی کشور و در رأس آنان جناب رئیس‌جمهور. وظیفه این شورا تهیه و تنظیم طرحی برای حرکتی جهانی به‌منظور رهایی جنوب خواهد بود و

۱- *الدستور*، ۱۹۷۱/۱۱/۲۹.

سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱ ش)

مهم‌ترین اتفاقات سیاسی سال ۱۹۷۲

۶۶۲ در بهار ۱۹۷۲ انتخابات پارلمان لبنان برگزار شد و صاحب نظران فضای انتخابات را سالم و آزاد و بی طرفانه ارزیابی کردند. همچنین، در آن سال تحولاتی در عرصه پیوند میان لبنانیان مقیم داخل و خارج از کشور به وجود آمد و گروه‌هایی متشکل از لبنانیان مهاجر با هدف آگاهی از نیازهای لبنان و تلاش در راه برآورده کردن آنها از سرزمین مادری خود دیدار کردند.

۶۶۳ از طرفی، تجاوزات اسرائیل به جنوب لبنان ادامه داشت و در روزهای ۱۶ و ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۲ نیروهای زرهی دشمن با نفوذ به مناطق مرزی در صدد ورود به مناطق میانی و غربی جنوب لبنان برآمدند. ارتش لبنان در برابر آنان ایستادگی کرد و خسارت‌های سنگینی به نیروهای مهاجم وارد آورد و سرنشینان یکی از تانک‌های لبنانی موفق شدند هفت تانک دشمن را در محور قانا- صور منهدم کنند.

۶۶۴ تجاوزهای مکرر اسرائیل و مهاجرت ساکنان به بیروت سبب رکود اقتصادی و افزایش آمار بیکاری در لبنان شد. این وضع موجب شد که کارگران در اعتراض به وضعیت نامطلوب اقتصادی دست به اعتصاب بزنند. معلمان مدارس و کارکنان بخش حمل و نقل و کارگران کارخانه «غندور» در این اعتصاب شرکت داشتند.^۱

۱- لبنان القرن فی صور (۱۹۹۹-۱۹۰۰)، انتشارات دارالنهاری، عید، عاطف، موسوعة لبنان، ج ۱۱، ص ۱۰۹.

۶۶۷ پس از اعلام نتایج انتخابات، امام صدر نمایندگان شیعه منتخب مجلس جدید را به ضیافت شامی در مقر مجلس اعلای شیعیان واقع در الحازمیه دعوت کرد. چهارده نفر از مجموع نوزده نماینده شیعه منتخب در این ضیافت شرکت کردند. هدف امام صدر از برپایی آن ضیافت پایان دادن به اختلافات حاصل از رقابت‌های انتخاباتی اخیر میان نمایندگان و فراخواندن آنان به تحقق برخی اقدامات مهم برای شیعیان بود.^۱

از آلمان تا لبنان و قاهره

۶۶۸ چندی بعد، امام به دعوت مجمع پژوهش‌های اسلامی و برای شرکت در جلسات این مجمع به قاهره سفر کرد. پیش از آن نیز ایشان سفری به آلمان داشت، ولی در پی تجاوزات وحشیانه اسرائیل به لبنان، امام سفر آلمان را نیمه‌تمام گذاشت و در سخنانی با اشاره به حمله تبلیغاتی گسترده رسانه‌های اسرائیل در اروپا و به‌ویژه در آلمان، آن را مقدمه‌ای برای تجاوزات جدید به جهان عرب و لبنان، و نیز تلاش اسرائیل برای کسب منافع و کمک‌های بیشتر دانست و همگان را به بسیج رسانه‌ای و دیپلماتیک برای مبارزه با آن تهدیدها فراخواند.^۲

پیام امام به رهبران مذهبی جهان

۶۶۹ در پی حملات اسرائیل به جنوب لبنان، امام صدر با ارسال تلگراف‌هایی به رهبران مذهبی و دینی جهان، آنان را به واکنش در برابر تجاوزات اسرائیل فراخواند. در پیام ایشان چنین آمده بود: «سکوت همه جهانیان در برابر تجاوزات وحشیانه اسرائیل به لبنان و حمله به بی‌گناهان در روستاها و مراکز غیرنظامی... نشانه مرگ وجدان جهانی است و در اینکه مردمان سراسر جهان ایمان و باورهای زنده و پویا در دل داشته باشند، تردید ایجاد می‌کند. کجایند نمایندگان دین خدا و سخنگویان او و مدافعان آموزه‌های

پیام امام صدر درباره انتخابات پارلمان لبنان

۶۶۵ در آستانه انتخابات مجلس، امام صدر در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در مقر مجلس اعلای شیعیان، راه‌حل‌هایی برای برگزاری بهتر انتخابات ارائه کرد. ایشان در آن مصاحبه با بیان اینکه جنوب لبنان با فاجعه‌ای حزن‌انگیز روبروست و اهالی جنوب بارنج‌ها و مشکلات رنج‌آور مواجه هستند، و با ذکر برخی مشکلات اجتماعی لبنان از جمله مسائل دانشجویان و مشکلات مناطق محروم و مهاجرت و خطرهای آن و بحران تنزل اخلاق و حتی بحران در ساختار نظام حکومتی لبنان، تصریح کرد که بسیاری از لبنانیان «در این تردید دارند که نظام حکومتی موجود بهترین نظام ممکن برای لبنان و رونق و سلامت آن باشد.» امام با دعوت از لبنانیان برای ادای مسئولیت خویش از آنان خواست «با آگاهی و بیداری در تعیین سرنوشت کشور خود و پاسداری از عزت و کرامت آن سهمی باشند و با انتخاب نمایندگان صالح برای مجلس آینده در توسعه کشور مشارکت کنند و در انتخاب نمایندگان تمام ویژگی‌ها را در نظر آورند و فقط به ابعاد چگونگی خدمت‌رسانی یا مورد اعتماد بودن اکتفا نکنند بلکه از نامزدها بخواهند برنامه آینده و راه‌حل پیشنهادی خود را که برای مشکلات در نظر گرفته‌اند، به‌طور شفاف اعلام کنند. همچنین، باتدوین میثاقی که تعیین‌کننده مواضع و فعالیت‌های آنان در مجلس آینده است، بر پایبندی خود به اجرای آن برنامه‌ها تأکید کنند.

۶۶۶ امام صدر با ارائه نمونه‌هایی از راهکارهایی که کمیته‌های تخصصی مجلس اعلای شیعیان برای حل مسئله جنوب لبنان و مسائل اجتماعی و معضل اخلاق و ساختار حکومت در لبنان پیشنهاد کرده بودند یادآور شد که راهکارهایی که در طی سه سال گذشته چندین بار در مناسبت‌های مختلف ارائه شده است کار نامزدها و انتخاب‌کنندگان را تسهیل می‌کند. همچنین، بر ضرورت به‌کارگیری آنها یا ارائه جایگزینی مناسب برای آنها تا پیش از رأی‌گیری تأکید کرد.^۱

۱- الجریده، ۱۲/۵/۱۹۷۲.

۲- الجریده، ۱۰/۹/۱۹۷۲.

۱- الحیاة، ۱۴/۴/۱۹۷۲.

دیدار با هیئت فلسطینی

۶۷۲ در پی موضع‌گیری‌های امام صدر، هیئتی فلسطینی متشکل از یاسر عرفات و زهیر محسن و ابویوسف النجار و کمال ناصر با حضور در مقرّ مجلس اعلای شیعیان در حازمیه، با امام دیدار کردند. در آن ملاقات گفتگوهایی درخصوص گسترش روابط مقاومت فلسطین با لبنانیان، به‌ویژه اهالی جنوب لبنان، صورت گرفت و امام صدر با تأکید دوباره بر باور خویش به رسالت مقدس مقاومت فلسطین، ابعاد آن را فراتر از آزادی سرزمین‌های مقدس دانست و خدمت به انسانیت و حقیقت و تصحیح مفهوم ایمان به خدا در روی زمین را از دیگر اهداف مقاومت برشمرد. ایشان همچنین، مراتب رضایت خود را از تصمیم سران مقاومت مبنی بر فاصله‌گرفتن از روستاها و شهرهای جنوب لبنان اعلام کرد.^۱

۶۷۳ روزنامه‌النهّار در تاریخ ۱۹۷۲/۱۱/۱ متن مصاحبه با امام صدر را در خصوص دیدار ایشان با هیئت فلسطینی منتشر کرد. امام در آن مصاحبه با اشاره به مذاکره با هیئت اعزامی از جانب مقاومت فلسطین درباره‌ی بهبود روابط میان مقاومت و ملت لبنان تصمیم رهبران مقاومت فلسطین مبنی بر خروج کامل از روستاها و شهرهای لبنان را یادآور شد و تصریح کرد: «صهیونیسم خطرناک‌ترین و مجهزترین قدرتی است که تاکنون در جهان شناخته شده است و برای ادای مسئولیت بزرگ خویش در رویارویی با آن، به اصلاحات داخلی و تحول مستمر در روش‌ها و سرعت عمل نیاز است...»

۶۷۴ امام در ادامه افزود: «هرچه اعضای مقاومت فلسطین دقیق‌تر و سامان‌یافته‌تر و بهتر عمل کنند، تعداد حامیان و پشتیبانان قضیه فلسطین در کشورهای عربی افزایش خواهد یافت، و هرچه با اخلاص و معنویت بیشتری در راه تحقق این هدف مقدس گام بردارند، یاری و نصرت خدا از آنان بیشتر خواهد شد.»^۲

دینی و حامیان عدالت؟ آیا غباری که رسانه‌های اسرائیلی و حامیان آن پراکنده‌اند، آنان را از دیدن حقیقت بازداشته و موجب شده است که لبنان را محکوم کنند و آن را مستحق عذاب و کیفر بدانند؟ لبنانیان، مسلمانان و مسیحیان منتظر واکنش و موضع‌گیری مؤمنان به خداوند هستند تا به پابرجا بودن برادری میان خود با آنان اطمینان پیدا کنند... ما در اینجا در زیر باران بمب‌ها و در میان آتش و آهن، در کنار اجساد صدها بی‌گناه واکنش شفاف و ندای رسای شما را چشم به راهیم...» همچنین امام در بازدید از جنوب، ساکنان مناطق مورد هجوم و بمباران شده را مورد تفقد قرار داد.^۱

۶۷۰ برخی رهبران دینی جهان به تلگراف امام - که در پی هجوم اسرائیل به جنوب لبنان فرستاده بود - پاسخ دادند و تلگراف‌هایی از جناب پاپ (از طریق سفیر پاپ در بیروت) و کاردینال بیمن، اسقف اعظم روسیه، و نیز شورای کلیساهای جهان به امام صدر واصل شد.^۲

تقدیر از ایستادگی در برابر دشمن صهیونیستی

۶۷۱ در برابر آن اوضاع دشوار در جنوب لبنان و در واکنش به خسارت‌های فراوانی که بر آن منطقه وارد شد، امام صدر از اعضای دو هیئت اجرایی و شرعی مجلس اعلای شیعیان دعوت کرد تا در روستای جویا تشکیل جلسه دهند. پس از آن جلسه، امام در سخنانی تصریح کرد: «مجلس اعلا با صدور پیامی از مواضع قهرمانانه و فداکاری‌های ارتش شجاع لبنان و ایستادگی در برابر دشمن به رهبری رئیس‌جمهور، فرنجیه، قدردانی کرده است.» امام صدر بار دیگر بر لزوم اجرای پیشنهاد اجباری شدن دوره سربازی و مسلح‌کردن شهروندان و احداث پناهگاه‌های بیشتر تأکید کرد.^۳

۱- لسان الحال، ۱۹/۹/۱۹۷۲.

۲- نداء الوطن، ۲/۱۱/۱۹۷۲.

۳- الحیاة، ۲۱/۹/۱۹۷۲.

۱- الجریدة، ۱/۱۰/۱۹۷۲.

۲- النهّار، ۱/۱۱/۱۹۷۲.

۶۷۸ در آن دیدار، لرد کارادون که تحت تأثیر شخصیت امام قرار گرفته بود، روش ایشان را در تبیین و تحلیل مسائل جهان عرب تحسین کرد.^۱

سومین همایش سالانه لبنانیان مقیم خارج در صور

۶۷۹ جمعیت احسان و نیکوکاری همواره به دعوت از مهاجران لبنانی برای همایش سالانه لبنانیان مقیم خارج از کشور همت می‌گمارد. در کنار این همایش‌ها، نمایشگاه کارهای دستی و قالی‌بافی نیز برگزار می‌شد. همایش سوم در تاریخ ۱۹۷۲/۸/۶ با حضور وزیر نفت و صنایع، بیار حلو، به نمایندگی از رئیس‌جمهور برگزار شد. انور خلیل، رئیس جامعه فرهنگی لبنانیان خارج کشور، و بسیاری از نمایندگان مجلس و سفیرای خارجی نیز در همایش حضور داشتند. از جمله اهداف آن همایش گسترش صنایع دستی و تأکید بر توانایی اجرای طرح‌های جدید صنایع همچون قالی‌بافی و... بود.

۶۸۰ در آن همایش، امام صدر با تأکید بر اینکه حرفه قالی‌بافی علاوه بر ایجاد اشتغال و جذب نیروی کار، درآمد چشمگیری را برای خانواده - آن هم در داخل خانه و با ابزار ساده - فراهم می‌کند، آغاز به کار هنرآموزان این رشته را در مؤسسه جبل عامل و با حضور جنویبان مقیم خارج از کشور و شخصیت‌های کشوری اعلام کرد و افزود: «کارشناسان و اساتید هنر قالی‌بافی از ایران برای آموزش هنرجویان لبنانی دعوت شده‌اند.»

۶۸۱ امام در ادامه با بیان اینکه زیربنای اقتصاد جنوب لبنان را کشت تنباکو تشکیل می‌دهد، خاطر نشان کرد: «بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که کارگران شاغل در این بخش باید ۱۳ ماه در سال کار کنند، بدین معنا که در یکی از ماه‌های سال دوبرابر میزان معمول کار می‌کنند و در قبال این کار درآمد فردی به‌طور متوسط، ماهانه هشتاد لیره است. اما در حرفه قالی‌بافی درآمد متوسط فردی به حدود دویست لیره در ماه می‌رسد. درحالی‌که مدت زمان کارکرد وی بسیار کمتر از ساعات کار یک کشاورز تنباکوکار است.»

۶۸۲ در آن مراسم، امام صدر نخستین قالی دست‌باف لبنان را که

سفر به سوئد و قزاقستان

۶۷۵ بنا به دعوت مؤسسه رشد و توسعه سوئد، امام صدر در سفر به استکهلم، پایتخت این کشور، سخنانی با موضوع خاورمیانه ایراد و از مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی و درمانی سوئد بازدید کرد.^۱

۶۷۶ همچنین، بنا به دعوت مفتی آسیای میانه، شیخ ضیاءالدین باباخانوف، امام صدر به همراه هیئتی متشکل از علمای شیعه برای دیدار از قزاقستان عازم اتحاد جماهیر شوروی شد و ضمن بازدید از مؤسسات اجتماعی و دینی این جمهوری و ایراد چندین سخنرانی طرح پیشنهادی مؤسسه تکنیک اکسپورت برای احداث بیمارستان و مرکز درمانی در بیروت را بررسی کرد و با مؤسسات ارائه‌کننده خدمات درمانی و بیمارستانی مذاکراتی صورت داد.^۲

دیدار با لرد کارادون

۶۷۷ لرد کارادون، تدوین‌کننده قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت، که در لبنان به سر می‌برد، با خانم لمیاء مفرج، رئیس جمعیت لبنانی - بین‌المللی نداءالقدس دیدار و گفتگو کرد. خانم مفرج بر آن شدت تا زمینه ملاقات کارادون با امام صدر را فراهم کند. بدین ترتیب کارادون در حضور لطفی متولی، سفیر مصر در لبنان، با امام ملاقات کرد. در آن دیدار، که چهار ساعت طول کشید، امام ضمن تبیین مسئله جنوب لبنان و اشاره به مسئله خاورمیانه و کنفرانس ژنو، با اعتراض به رفتار اسرائیل و سکوت جهانیان در قبال آن خاطر نشان کرد: «اگر حمایت آمریکا از اسرائیل نبود، اوضاع تا این حد بحرانی نمی‌شد.» امام با تأکید بر اهمیت موضوع جنوب لبنان و با اشاره به تصمیم اسرائیل مبنی بر حمله همه‌جانبه به جنوب لبنان از کارادون پرسید: «آیا می‌خواهید ما را بسوزانید تا غرب به نفت دست پیدا کند؟»

۱- الجریده، ۱۱/۱۱/۱۹۷۲.

۲- الأنوار، ۲۲/۱۱/۱۹۷۲.

تصویر درخت سدر (سمبل ملی لبنان) و جمله مشهور رئیس‌جمهور فرنجیه: «همیشه حق با وطنم است»، بر روی آن نقش بسته بود، به رئیس‌جمهور اهدا کرد.^۱

امام صدر و مهاجران لبنانی

۶۸۳ امام صدر با درک این حقیقت که لبنانیان مقیم خارج از کشور می‌توانند نقش و جایگاه مهمی داشته باشند، کشورهای مهاجرپذیر را مورد توجه ویژه قرار داد و در سفرهای متعدد، با لبنانیان خارج از کشور ارتباط برقرار کرد تا امکان بهره‌گیری از توانایی‌های اقتصادی و سیاسی و فکری و رسانه‌ای آنان مهیا شود. تحکیم روابط با کشورهای مهاجرپذیر از دیگر فعالیت‌های ایشان بود و بهبود وضعیت مهاجران لبنانی در کشورهای مهاجرپذیر و ایجاد ارتباط میان آنان و حکومت‌های محلی نیز مورد توجه امام قرار داشت. بر این اساس، امام با اشاره به اهمیت نقش مهاجران لبنانی، می‌فرمودند:

۶۸۴ همه ما از میزان تأثیر مهاجران لبنانی در کشورهای محل اقامت خود باخبریم و لبنانیانی را می‌شناسیم که با رؤسای جمهور و مقامات کشورهای عربی و سازمان‌ها و ادارات آنها ارتباط نزدیک و برادرانه دارند. چه بسا شما هم مثل من شنیده باشید که یکی از لبنانیان در آمریکا از چنان جایگاه مهمی برخوردار است که دروازه دل‌ها و کاخ‌ها به رویش گشوده می‌شود، با احترام به سخنانش گوش می‌سپارند و با او در همه جا - حتی در کاخ سفید - به نماز می‌ایستند؛ یا اینکه یک خانواده لبنانی با وزیر امور خارجه انگلستان؛ رفت‌وآمد خانوادگی دارد؛ و یا لبنانی دیگر سهامدار مؤسسه بزرگی است که رئیس‌جمهور یک کشور بزرگ وکیل آن مؤسسه بوده است؛ یا فرد دیگری هست که هر زمان اراده کند، به حضور رئیس‌جمهور فرانسه می‌رود؛ و لبنانی دیگری مشاور امور خاورمیانه در دولت اتحاد جماهیر شوروی است؛ و یکی از آنان در بورس لندن همه‌کاره است و قیمت‌ها با نظر او تغییر می‌کند و، به

همین ترتیب، لبنانیان دیگری می‌شناسیم که در مناصب و مراکز حساس کشورهای مختلف مسئولیت دارند و رؤسای جمهور و شخصیت‌های مهم کشورهای افریقایی و حاکمان کشورهای خلیج فارس و برخی کشورهای دیگر مهم‌ترین امور خود را به آنان می‌سپارند. مؤسسات لبنانی هم در عرصه اطلاع‌رسانی بین‌المللی و تجارت جهانی نقش مهمی دارند... از طرفی، روابط نزدیک نهادهای دینی لبنان با صدها میلیون نفر از خداپرستان در سراسر جهان و رابطه عاطفی و همکاری و احترامی که آنان برای لبنان قائل هستند، بر کسی پوشیده نیست.^۱

سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲ ش)

۶۸۵ این سال را می‌توان زمینه‌ساز و مقدمه‌اعلام برنامه نهضت سیاسی-اجتماعی امام صدر نامید؛ نهضتی که در سال ۱۹۷۴ به اوج خود رسید و به نام جنبش محرومان اعلام وجود کرد. با وجودی که در این سال آن نهضت مردمی به مرحله چشمگیری از مقبولیت رسیده و افرادی از همه طوایف و مذاهب را گرد هم آورده بود، وقایع داخلی و منطقه‌ای که در این سال به وقوع پیوست، فرصت پیگیری کامل روند شکل‌گیری آن نهضت مردمی و اجتماعی را تا اندازه‌ای از امام سلب کرد. به رغم اینکه سران دولت در اجرای خواسته‌های اساسی مردم جنوب لبنان، که امام همواره بر آن تأکید داشت همکاری کافی را نداشتند، این موضوع هیچ‌گاه موجب نشد که امام در طرح نیازها و خواسته‌های اساسی مردم لحظه‌ای درنگ روا دارد. امام بر پیگیری روند وقایع و تحولات منطقه و در رأس آن نبرد

فرمانده ارتش لبنان، سرلشگر اسکندر غانم، نیز هدف حمله انتقادآمیز قرار گرفت.^۱

۶۹۰ یک هفته بعد در ۱۸ آوریل ۱۹۷۳، دکتر امین الحافظ مأمور تشکیل کابینه شد، اما به سبب مخالفت‌های مردم، به ویژه مسلمانان، در ۱۴ ژوئن از سمت خود استعفا کرد.^۲ وقایع داخلی و درگیری میان ارتش لبنان و مبارزان فلسطینی همچنان ادامه داشت و در نهایت به امضای پیمان ملکارت منجر شد.

پیمان ملکارت

۶۹۱ در این پیمان، که متمم پیمان قاهره به شمار می‌آید، مناطق حضور و آموزش مبارزان فلسطینی در مرزهای لبنان تعیین شد و آنان متعهد شدند که عملیات نظامی خود در داخل سرزمین‌های اشغالی را از خاک لبنان آغاز نکنند و از لحاظ تبلیغاتی و رسانه‌ای برای لبنان بحران پدید نیاورند. همچنین، براساس مفاد این پیمان به نیروهای امنیتی و انتظامی لبنان و فلسطین اجازه داده شد در مقابله با جرائمی که امنیت و قانون را به خطر می‌اندازد، امکان ورود به اردوگاه‌های فلسطینی داخل خاک لبنان را داشته باشند.

۶۹۲ برای رسیدن به توافق مذکور چندین جلسه بحث و مذاکره در روزهای ۱۵ الی ۱۹۷۳/۵/۱۷ در هتل ملکارت بیروت برگزار شد. سرهنگ ابوزعیم و ابوعدنان و صلاح صلاح از مقاومت فلسطین و سرتیپ احمد الحاج و سرتیپ نزیه راشد و سرهنگ سلیم مغبغب از سوی دولت لبنان در آن جلسات حضور داشتند.^۳

پیام امام صدر به ارتش لبنان و اعضای مقاومت فلسطین

۶۹۳ پس از وقوع درگیری‌های شدید میان ارتش لبنان و مقاومت

مشهور اکتبر میان اعراب و اسرائیل اهتمام ویژه داشت و برای حل مشکلات و پیشگیری از درگیری‌های داخلی و نزدیک کردن دیدگاه‌ها می‌کوشید. مهم‌ترین این درگیری‌ها، درگیری میان ارتش لبنان و نهضت مقاومت فلسطین بود که به تیرگی روابط دمشق و بیروت انجامید و امام برای رفع این کدورت نیز تلاش می‌کرد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که سال ۱۹۷۳ سالی پرماجرا و آکنده از وقایع و حوادث مهم بود.

روابط دولت لبنان با جنبش مقاومت فلسطین

۶۸۷ روابط میان دولت لبنان و مقاومت فلسطین رو به وخامت نهاد؛ به‌ویژه آنکه حملات و تجاوزات اسرائیل به لبنان به‌طور مستمر افزایش می‌یافت.

۶۸۸ در ۲۱ فوریه ۱۹۷۳، تفنگداران اسرائیلی از راه دریا به دو اردوگاه پناهندگان به نام‌های بدای و البارد در نزدیکی طرابلس یورش بردند. در آن حمله شمار زیادی قربانی شدند. فلسطینیان معتقد بودند که ارتش لبنان برای کمک به پناهندگان هیچ اقدامی نکرده است.^۱

۶۸۹ در آوریل همان سال، در تجاوزی دیگر کماندوهای اسرائیل در مناطق فردان و اوزاعی و صبرا و الدوره در قلب بیروت عملیاتی انجام دادند که در اثر آن سه تن از رهبران مبارزان فلسطینی به نام‌های محمد یوسف النجار (ابویوسف)، رئیس کمیته سیاسی امور فلسطینیان در لبنان، و کمال ناصر، سخنگوی جنبش مقاومت فلسطین، و کمال عدوان، یکی از مسئولان ارشد جنبش فتح، به همراه یک تن از «گروه ۱۶» نیروهای امنیتی لبنان و دو غیرنظامی لبنان به شهادت رسیدند. پانزده تن از اعضای جبهه دموکراتیک خلق نیز کشته و مجروح شدند.^۲ نخست‌وزیر، صائب سلام، در همان روز استعفا کرد و

۱- الریس، ریاض نجیب و نحاس، دینا حبیب: المسار الصعب، دارالنهار، بیروت، ۱۹۷۶، ص ۱۷۴.

۲- الریس، ریاض نجیب و نحاس، همان، ص ۱۷۴؛ موسوعة لبنان من الإستقلال الی الحرب، ج ۱۱، ص ۱۱۱؛ خلف، سمیر، لبنان فی مدار العنف، ص ۲۷۴.

۱- الریس، ریاض نجیب، همان، ص ۱۷۵.

۲- عید، عاطف، همان، ج ۱۱، ص ۱۱۲؛ خلف، سمیر، همان، ص ۲۷۴.

۳- عید، عاطف، همان، ج ۱۱، ص ۱۱۳.

فلسطین، امام در تاریخ ۱۹۷۳/۵/۸ پیامی خطاب به طرفین درگیر صادر کردند. در بخشی از آن پیام چنین آمده بود:

۶۹۴ ... در وضعیت دشوار و ناگواری به سر می‌بریم که نه ملت ما و نه هیچ امت دیگری وضعیتی چنین تلخ و دشوار را به یاد ندارد. دشمن در روشنایی روز عید خود را جشن می‌گیرد و سرمستانه در خیابان‌های قدس شریف جولان می‌دهد. اشغالگران شبانگاه در خانه‌های خود ایمن هستند و در تفریحگاه‌ها خوشگذرانی می‌کنند، و ما که صاحبان آن سرزمین و آن آرمان هستیم، خون و خانه‌های خراب خود را به او عیدانه می‌دهیم، شب‌هایش را با عصاره دل خویش روشن می‌کنیم، بسندبند پیکر وطن را از هم می‌دریم و آخرین امیدهای بازمانده را نابود می‌سازیم....

۶۹۵ آنچه بر شدت این فاجعه هولناک می‌افزاید آن است که بیم آن می‌رود که خطر نابودکننده وطن در این درگیری تحقق یابد. همچنین، آمال و آرزوهای دشمن به دست مالبنانیان، که نخستین دشمن اسرائیل هستیم و فلسطینیان که قهرمانان بی‌خانمان جهاد و مبارزه‌اند، محقق شود... زندگی هزاران کودک و انسان بی‌گناه و دستاوردهای تلاش کارگران و مهاجران و وحدت میهن و همبستگی شهروندان، و در یک کلمه، تاریخ و ارزش‌ها چشم به راه موضع‌گیری‌های قاطعانه ما هستند و خداوند متعال نیز به ما چنین فرمان می‌دهد و ما را محاسبه می‌کند و اگر یاریگر او باشیم، ما را یاری می‌کند. پس بر ماست که بر احساسات و هیجانات خود چیره شویم و خودخواهی‌ها را سرکوب کنیم تا در جهاد اکبر به پیروزی برسیم و صفحه‌ای از تاریخ را پدید نیآوریم که در آن دشمن جشن پیروزی می‌گیرد و ما را می‌نگرد که یکدیگر را نابود می‌کنیم و به او هدیه عید می‌دهیم...

۶۹۶ سرنوشت و چاره قطعی ما تفاهم با یکدیگر است. نخستین وظیفه و تکلیف ما آن است که احساسات فرقه‌ای را در رویدادها دخالت ندهیم. خطرناک‌ترین سلاح دشمن ایجاد تفرقه و اختلاف است، پس باید با اعتماد متقابل و وحدت کلمه با آن به مقابله برخیزیم. حاکمیت لبنان و قداست جهاد فلسطینیان بدیهی است و اختلافی درباره آنها وجود ندارد... پس بیایید این بحران را پشت سر بگذاریم و به سوی گفتگو و توافق پیش برویم و همه در یک سو حرکت

کنیم. پیش به سوی قدس، پیش به سوی حفظ لبنان و پاسداری از جهاد فلسطین.^۱

۶۹۷ همچنین، امام در خطبه‌های نماز جمعه در مورخ ۱۹۷۳/۵/۲۰ که در مسجد جدید صور اقامه شد، درباره وقایع جاری چنین گفت: «اختلافی بر سر اصول وجود ندارد. هیچ‌کس از ما نمی‌خواهد که برای حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی و کرامت شهروندان خود تلاش نکنیم. کسی در جهان از ما چنین تقاضایی ندارد. کسی حق ندارد چنین تقاضاهایی داشته باشد... قداست و ارزش تلاش و جهاد در راه آزادی فلسطین هم موضوعی نیست که به تأیید و گواهی دادن ما نیاز داشته باشد، چنان‌که حاکمیت لبنان به تأیید دیگران نیازمند نیست. تلاش برای آزادی فلسطین، در واقع کوشش برای نجات مقدسات اسلام و مسیحیت است. تلاش برای آزادی انسان است...»^۲

هشدار امام صدر مبنی بر اشغال جنوب در صورت ادامه درگیری‌های داخلی

۶۹۸ در پی بروز تحولاتی در وقایع داخلی لبنان و بحرانی شدن اوضاع میان ارتش لبنان و مقاومت فلسطین، امام در سفر به دمشق، پایتخت سوریه، با حافظ اسد، رئیس‌جمهور این کشور، دیدار و گفتگو کرد و پس از بازگشت از آن سفر درباره علت سفر به سوریه چنین گفت: «ارتش لبنان به سبب مشکلات موجود در بیروت و دیگر مناطق، برخی از گردان‌های خود را از جنوب خارج کرده... و اسرائیل با سوءاستفاده از این وضع و با کمک روزنامه‌های جهانی و دست‌نشانده، این پندار را به وجود آورده که جنوب از نیروهای رسمی لبنانی خالی شده است.

۶۹۹ بدین ترتیب، اسرائیل به این بهانه درصدد اشغال جنوب

۱- الحیاء، ۱۹۷۳/۵/۹.

۲- آرشیو جنبش امل، نوار صوتی؛ مسیره الإمام السید موسی الصدر، ج ۳، ص ۲۴۴.

به دیدار جناب رئیس‌جمهور رفتیم و حاضران در جلسات با طرح برخی خواسته‌های مهم ملی، به‌طور ویژه، اظهار امیدواری کردند که آتش‌بس نهایی میان همه طرف‌های درگیر برقرار باشد تا همه با مهرورزی و مسئولیت‌پذیری آگاهانه در بهبود اوضاع مشارکت کنند»^۱

۷۰۴ پس از آن، امام صدر در دیدار با یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین، با وی درباره روابط لبنان و مقاومت فلسطین و ضرورت پایان دادن به بحران موجود بحث و تبادل نظر کرد و بر لزوم استمرار روابط برادرانه میان لبنانیان و جنبش مقاومت تأکید کرد. عرفات نیز اتخاذ مواضع شجاعانه امام را ستود و از ایشان به سبب تلاش برای کاستن از آثار بحران و پایان دادن به آن تشکر و قدردانی کرد.^۲

۷۰۵ در ادامه، نمایندگان طوایف و مذاهب لبنان بار دیگر در مقر مجلس اعلای شیعیان تشکیل جلسه دادند. مصوبات نشست مذکور بر لزوم تسریع در تشکیل کابینه‌ای توانمند برای بازگرداندن اوضاع به روند عادی و آزادی بازداشت‌شدگان و پیگیری تلاش‌ها برای خنثی‌سازی شایعات و آرام کردن اوضاع تأکید داشت. پس از آن نشست، امام صدر در سخنانی تصریح کرد: «گردهمایی سران طوایف که رهبران همه مذاهب و طوایف محترم در آن حضور داشتند، پدیده‌ای است که در تاریخ لبنان و تاریخ جهان برای نخستین بار اتفاق می‌افتد. ما با تمام توان و نیروی خود به‌طور شبانه‌روزی برای بهبود اوضاع و بازگرداندن اعتماد متقابل میان شهروندان و طرف‌های درگیر تلاش می‌کنیم تا اوضاع به روال طبیعی بازگردد. این مسئله هم به نفع کشور است و هم منافع مقاومت فلسطین را دربر دارد. وجود یک لبنان صلح‌طلب و مستقل و قدرتمند به نفع مسئله فلسطین است...»^۳

۷۰۶ پس از آن، نمایندگان همه فرقه‌های لبنان در مقر فرماندهی

برآمده... و من در سوریه شاهد بودم که مسئولان این کشور از جمله شخص رئیس‌جمهور، حافظ اسد، درباره اجرای این طرح بسیار نگران هستند... آنان نه تنها خود را میانجی حل بحران میان لبنان و فلسطین می‌دانند، بلکه تأکید می‌کنند که منافع ملی و توان دفاعی آنان نیز تا حد زیادی با اوضاع بحرانی لبنان ارتباط دارد...»^۴

۷۰۰ امام در پایان خطاب به لبنانیان و فلسطینیان از همه آنان خواست «بار دیگر وقایع را بررسی کنند و به علل و زمینه‌ها و پیامدهای آن توجه کنند و اجازه ندهند این بحران در صورت آرامش ظاهری بدون راه‌حل نهایی باقی بماند؛ راه‌حلی که منافع لبنان را دربر داشته باشد و باعث نشود که ذره‌ای از خاک و توانمندی‌ها و روابط کشور از دست برود و، در عین حال، بهترین و کارآمدترین ابزارها را برای رهایی فلسطین مهیا سازد.»^۵

همکاری امام برای ایجاد آرامش و ثبات

۷۰۱ رهبران مذاهب لبنانی پس از نشست مقدماتی در دارالفتوا، جلسه مشترک خود را در کلیسای ارتودکس ادامه دادند. پس از جلسه امام تأکید کرد: «قطعاً بحران موجود به علت اخلاصی که وجود دارد و با هدف خدمت به این میهن حل خواهد شد... باور ما به لبنان و به مسئله فلسطین ضامن موفقیت این نشست خواهد بود...»

۷۰۲ حاضران در دو نشست مذکور عبارت بودند از امام صدر و شیخ محمدمهدی شمس‌الدین و شیخ صبحی صالح و آقایان حسن القوتلی، مدیرکل اوقاف اسلامی، و دکتر حسن صعب و شیخ یحیی الرفعی و اسقف ایلیا الصلیبی و اسقف گریگوار حداد و اسقف اغناطیوس زیاده و اسقف اتناسیوس افرام و سفیر جناب پاپ در لبنان.

۷۰۳ در ادامه، حاضران در جلسه به سوی کاخ ریاست جمهوری در بعداً به راه افتادند تا رئیس‌جمهور، سلیمان فرنجه، را از نتایج مذاکرات خود آگاه کنند. امام در سخنانی درباره آن دیدار اظهار داشت: «پس از جلسه‌ای که رهبران مذاهب در آن حضور یافتند،

۱- الحیاة، ۱۰/۵/۱۹۷۳.

۲- الحیاة، ۱۲/۵/۱۹۷۳.

۳- الحیاة، ۱۳/۵/۱۹۷۳.

۴- الحیاة، ۱۸/۵/۱۹۷۳.

او رادرك نكرده و يا مغبون شده است، بلکه برعكس، برای ادامه گفتگو انگیزه داشته باشد... او مرد رویدادهاست. او نه مال و منال كلانی دارد و نه سلاح و مهماتی. نیروی ذاتی او از نوع دیگری است...»^۱

۷۰۹ امام در آن مصاحبه با اشاره به مشکلات موجود میان مقاومت فلسطین و دولت لبنان، بیان کرد: «این مشکلات که در عرصه‌های عملی و اجرایی بروز می‌کند، سه علت اصلی دارد:

۷۱۰ نخست، رویکرد قبیله‌ای حاکم بر روابط دولتمردان لبنان و سران مقاومت؛

۷۱۱ دوم، ماهیت انقلابی و غیرتشکیلاتی مقاومت؛

۷۱۲ و سوم، فریبکاری و نیرنگ دشمن مشترک ما یعنی اسرائیل.

۷۱۳ این سه عامل دست به دست هم داده و در بُعد رفتاری و اجرایی مشکلاتی را پدید آورده که به انفجار یا حتی به مقدمه جنگ داخلی و خط اشغال جنوب، و در یک کلمه، به نگرانی برای آینده مبهم منجر شده است.»

۷۱۴ امام در بخش دیگر مصاحبه اظهار داشت: «در مدت سه روز که آن وقایع خونین اتفاق افتاد، همچون اسپندی بر روی آتش بی‌قرار بودم و به‌طور مستمر با مسئولان لبنانی و برادران مسئول در کشورهای عربی برای میانجیگری تماس می‌گرفتم... پس از آن نیز در حد توان گام‌های کوچکی در راه حل بحران برداشتم، زیرا معتقدم که در مقام یک شهروند وظیفه دارم تمامی امکاناتی را که در اختیار دارم، به کار گیرم تا از شدت بحران بکاهم. از این رو بزرگ‌ترین علما و روحانیون فرقه‌های مختلف را گرد هم آوردم تا خطر فرقه‌گرایی را دور کنم و بتوانم دیدگاه گروه‌های مختلف را با امانتداری و دقت به اطلاع برسانم و وفاق و همبستگی را در میان اقشار ملت محقق سازم... یاسر عرفات از من خواست که زمینه گفتگو میان اعضای مقاومت فلسطین و اندیشمندان لبنانی را فراهم کنم تا این گفتگوها بدون هرگونه ابهامی برگزار شود.

۷۱۵ در ادامه، امام درباره جلسات گفتگو تصریح کرد: «جلسات

جبهه مردمی آزادی فلسطین در بیروت با رهبران مقاومت فلسطین دیدار و درباره وضعیت موجود و روابط میان نهضت فلسطین و دولتمردان لبنان بحث و تبادل نظر کردند. در آن دیدار، امام صدر به‌نماینده‌ای از فرقه‌های لبنان سخن گفت و به جلسات و نشست‌های مشترک رهبران مذهبی طوایف لبنان از آغاز بحران و دیدارهای آنان با رئیس‌جمهور اشاره کرد. همچنین، یاسر عرفات در سخنانی تأکید کرد که مصلحت مقاومت فلسطین در ادامه ثبات و امنیت لبنان است.^۱

۷۰۷ چندی بعد، در تاریخ ۱۹۷۳/۶/۱۵، امام صدر توانست موافقت رهبران طوایف لبنان و فرماندهان مقاومت فلسطین را برای تشکیل کمیته‌ای مشترک و متشکل از رؤسای طوایف و نمایندگان مقاومت به‌منظور تشکیل جلسات منظم و دوره‌ای جلب کند. بدین ترتیب، مقرر شد که اعضا هر پانزده روز یکبار تشکیل جلسه دهند. همچنین، فؤاد سعد به دبیری جلسات انتخاب شد.^۲

دیدگاه امام درباره بحران داخلی و علل و راه‌حل‌های آن

۷۰۸ اولین مسعود، خبرنگار مجله *La revue de Liban*، در مقدمه مصاحبه‌ای با امام صدر که در تاریخ ۱۹۷۳/۶/۲۵ منتشر شد درباره اقدامات ایشان به‌منظور غلبه بر بحران داخلی لبنان چنین نوشت: «دور از ذهن نیست که ببینیم ایشان (امام صدر) هم‌اکنون نقشی ممتاز را ایفا می‌کند: در سفر به دمشق برای برقراری ارتباط میان سوریه و لبنان و بین مسئولان لبنان و سران مقاومت فلسطین تلاش می‌کند. با رفت و آمدهای مکرر میان کاخ ریاست جمهوری و اردوگاه‌های پناهندگان، در دیدار با مسئولان مختلف و با دعوت روحانیون و علمای دین به جلسات و فراخوان اتحاد و همبستگی، شاهد بودیم که چگونه او حرکت خود را از مجلس شیعیان آغاز کرد تا تمامی مقدمات لازم را فراهم آورد که لبنان بار دیگر روی پای خود بایستد و هیچ‌یک از طرفین گفتگو احساس نکند که کسی

۱- الحیاة، ۱۹۷۳/۵/۱۵.

۲- الجریدة، ۱۹۷۳/۶/۱۵.

ساماندهی روابط آن دو ندارد. از این رو، رسیدن به چنین توافق‌هایی نیازمند گفتگوی مستمر و رفت‌وآمد و تقدیم و تأخیر و بحث و تبادل نظر دائمی است تا تفاهم ادامه یابد... به نظر من حُسن نیت و تمایل به تفاهم و همفکری نزد دولتمردان لبنان وجود دارد، اما به سبب فقدان گفتگوی مستمر چنین تفاهمی به وجود نیامده بود و این موجب شده بود که روابط لبنان و فلسطین به شکل قبیله‌ای و عشیره‌ای باقی بماند....»

۷۲۰ ایشان در ادامه افزود: «مشابه همین نیت را در نزد اعضای مقاومت نیز یافتیم و برایم آشکار شد که حفظ حاکمیت لبنان برای آنان اهمیت دارد، زیرا هم به مصلحت لبنان است و هم به مصلحت آنان و عقیده دارند که نباید در امور داخلی لبنان دخالت کنند... اما برخی از افراد و گروه‌های مقاومت عقاید و باورهایی دارند که با ساختار نظام کنونی لبنان منافات دارد. من در حضور رهبر مقاومت فلسطین به یکی از فرماندهان این گروه‌ها گفتم: «شما آزاد هستید که هر عقیده‌ای داشته باشید، اما نمی‌توانید آنها را در خاک لبنان به اجرا درآورید، می‌توانید آنها را در فلسطین عملی کنید.» پس از مدتی بحث و گفتگو گفتم که به عقیده من هر اقدامی که مردم و رهبران مقاومت فلسطین را از تلاش برای آزادی فلسطین بازدارد، با روح مقاومت و روح انقلابی منافات دارد....»

۷۲۱ امام، همچنین، درباره رابطه با دمشق تصریح کرد: «... در سفر به سوریه توانستم تا حدودی فضای موجود را از لحاظ نظامی تعدیل کنم و در پی آن، نیروهای فلسطینی از مرزهای شرقی و شمالی عقب‌نشینی کردند و ارتش نیز به جنوب لبنان بازگشت. بدین ترتیب، اسرائیل دیگر بهانه‌ای برای هرگونه اقدام نظامی با هدف اشغال لبنان نخواهد داشت....»

۷۲۲ امام در ادامه و در خصوص پیمان قاهره و امکان اجرای آن گفت: «پیمان قاهره اساس و مبنایی برای گفتگوی جدید ایجاد می‌کند اما اوضاع کنونی بسیار متفاوت با اوضاعی است که به امضای پیمان قاهره منجر شد. آن پیمان، در واقع، چارچوب گفتگوهای سازنده‌ای را معین کرد که اخیراً به پیمان نانوخته ملکارت انجامید. با وجود تمامی اظهاراتی که بر مبنای نبود پیمان و توافق حقیقی

گفتگو فرصتی پدید آورد تا وجدان و احساس فلسطینیان در سخنان رهبر آنان ظهور پیدا کند، آنجا که یاسر عرفات خطاب به ما گفت: «کجاست آن تیزهوشی و زیرکی لبنانیان که برای این مشکلات راه‌حلی بیابد؟ کجاست تا ما را در این راه طولانی یاری دهد و برای ساماندهی روابط ما و دیگران اقدام کند؟» و از آنجا که او تمایل داشت فرماندهانش با اندیشمندان لبنانی دیدار کنند ایجاد زمینه این گفتگوها را به من محول کرد.»

۷۱۶ امام در بخش دیگری درباره رابطه با سوریه گفت: «... من روابط ویژه‌ای با مسئولان سوریه، به خصوص رئیس‌جمهور حافظ اسد، دارم. اکنون آیا معقول است که در چنین وضعیتی تلاش‌هایم را متوقف کنم و از این رابطه برای خدمت به لبنان و کشورهای عربی استفاده نکنم؟...»

۷۱۷ همچنین مجله کل شیء نیز با امام مصاحبه‌ای صورت داد که در مقدمه آن چنین آمده بود:

۷۱۸ «این روزها دیدار با امام موسی صدر کار ساده‌ای نیست. در زمان وقوع حوادث اخیر و پس از آن، ایشان در تلاش برای جلوگیری از گسترش دامنه حوادث به‌طور پیوسته میان جنوب و بیروت و دمشق و بعداً در رفت‌وآمد بود تا آتش برافروخته فتنه را خاموش کند. حقیقت آن است که بازگشت امام صدر به عرصه رویدادهای سرنوشت‌ساز برای بسیاری از کسانی که گمان می‌کردند نقش و تأثیر ایشان با رفتن رئیس‌جمهور سابق به پایان رسیده است، غیرمنتظره بود؛ همان کسانی که از گذشته تا حال بیهوده تلاش کرده‌اند که حضور او را بی‌تأثیر جلوه دهند و ایشان را از عرصه سیاست داخلی و از صحنه تحولات شیعیان دور کنند....»

۷۱۹ امام در آن مصاحبه تصریح کرد: «... توافق و پیمان‌های مکتوب توافقی بی‌حاصل و فقط میان دو دولت یا دو شرکت تجاری محقق‌شدنی است... اما میان یک دولت و یک جنبش مقاومت مستون و توافقی‌نامه‌های خشک و انعطاف‌ناپذیر تأثیری در

۱- همان.

۲- مجله کل شیء، ۱۹۷۳/۶/۳۰.

۷۲۶ درگیری‌ها و نبردهای پراکنده مسلحانه میان ارتش لبنان و مبارزان فلسطینی تا زمان آغاز جنگ سوریه و مصر با نیروهای اسرائیلی در ۶ اکتبر ۱۹۷۳ ادامه داشت.

۷۲۷ جنگ اکتبر ۱۹۷۳ نخستین نبردی بود که در آن اعراب روش تهاجمی را در پیش گرفتند و به نتایجی فراتر از تصورات دست یافتند. بدین ترتیب، در دوره‌ای که نیروهای مسلح کشورهای عربی در نگاه جهانیان و حتی ملت‌های خود شکست‌خورده جنگ سال ۱۹۶۷ به‌شمار می‌آمدند و رهبران عرب از چشم ملت‌های خود و ملل جهان افتاده بودند، و در اوضاعی که اسرائیل در اوج قدرت بود و یکی از ارتش‌های قدرتمند جهان را در اختیار داشت، نیروهای سوریه و مصر توانستند به شکلی غیرمنتظره خطوط مستحکم اسرائیل را درهم بشکنند و با نابودکردن بخش عظیمی از نیروهای دشمن، آنان را به عقب‌نشینی وادارند. این امر موجب شد که دیگر کشورهای عربی نیز نیروهای نظامی خود را به عرصه نبرد اعزام کنند، اما درحالی‌که نیروهای اسرائیلی در دو جبهه مصر و سوریه پراکنده و زمین‌گیر شده بودند و بخشی از آنان در جبهه‌های شمالی و کرانه باختری کانال سوئز در محاصره قرار داشتند، سادات، رئیس‌جمهور مصر، به‌طور غیرمنتظره فرمان آتش‌بس صادر کرد.^۱ در نبرد اکتبر ۱۹۷۳، پیروزی بزرگی در تاریخ سوریه و مصر به ثبت رسید.

پیام امام صدر به لبنانیان و پشتیبانی از جبهه‌های جنگ

۷۲۸ با آغاز نبرد اکتبر ۱۹۷۳، خبرگزاری ملی لبنان در تاریخ ۱۹۷۳/۱۰/۹ پیام امام صدر به لبنانیان را منتشر کرد. در بخشی از آن پیام چنین آمده بود: «... قهرمانان مجاهد دشت‌ها و کانال^۲ را با خون خود آبیاری می‌کنند و در اجرای فرمانی مقدس، امتی را جانی دوباره بخشیده‌اند که مدت‌های طولانی خاموش و محروم

مطرح می‌شود، من مطلع هستم که به تفاهم و تدابیر ارضاکنده‌ای رسیده‌اند که منافع طرفین را به‌خوبی تأمین می‌کند.»^۱

تلاش‌های امام برای رفع کدورت میان دمشق و بیروت

۷۲۳ با افزایش تنش و درگیری‌ها میان ارتش لبنان و مقاومت فلسطین، دولت سوریه مرز این کشور را با لبنان مسدود کرد. این در حالی بود که امام صدر تلاش‌های خود را برای حل بحران مرزهای لبنان و سوریه ادامه می‌داد و حلقه اتصال میان سلیمان فرنجه و امین حافظ، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر لبنان، با حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه، و دولت این کشور تشکیل داد.^۲

۷۲۴ در تاریخ ۱۹۷۳/۵/۱۵، امام صدر بدون اعلام قبلی وارد دمشق شد و با محمود الأیوبی، نخست‌وزیر، و عبدالحلیم خدام وزیر امور خارجه، و محمود حید، وزیر کشاورزی، و علی ظاظا وزیر کشور، و شیخ عبدالساتر السید، وزیر اوقاف این کشور مذاکراتی صورت داد. گفته می‌شد که امام صدر در حال انجام دادن مأموریتی است که هدف از آن رفع بحران میان دمشق و بیروت و میانجیگری برای بازگشت روابط به وضع عادی و بازگشایی مرز سوریه و لبنان است که منافع هر دو کشور را دربر خواهد داشت.^۳

۷۲۵ امام صدر پس از بازگشت از آن سفر، در ملاقات با رئیس‌جمهور لبنان، وی را از نتایج سفر خود آگاه کرد و درود و تحیت رئیس‌جمهور سوریه، حافظ اسد، و «مراتب احترام ویژه او را به شخص رئیس‌جمهور، فرنجه»،^۴ به وی ابلاغ کرد. امام با تماس‌های مستمر خود توانست زمینه بازگشایی مرزهای میان لبنان و سوریه و بازگشت اوضاع به روال عادی را فراهم کند.

جنگ اکتبر ۱۹۷۳

۱- کل شیء، ۱۹۷۳/۶/۳۰.

۲- المحرر، ۱۹۷۳/۵/۲۸؛ العمل، ۱۹۷۳/۵/۲۹.

۳- الحیاة، ۱۹۷۳/۵/۱۶.

۴- لسان الحال، ۱۹۷۳/۵/۱۷.

۱- جنگ عربی اول، از سری کتاب‌های نبرد اکتبر، مؤسسه انتشارات تشرین، دمشق، ص ۱۷۳.

۲- اشاره به کانال سوئز.

مانده بود و می‌رفت تا کرامت و حیات خود را از دست بدهد، جانی دوباره بخشیده‌اند.

۷۲۹ ملت لبنان، مشعل‌های فروزان این امت در جبهه‌های مصر و سوریه برافروخته‌اند و می‌سوزند تا شب تاریک ما را روشنی بخشدند و قهرمانان آنان می‌میرند تا امتشان زنده بماند، و در خون و آتش می‌غلطند تا سپیده از شب ما سر برآورد. اینک، آینده روشن و عزت و شرف امت و مسئولیت الهی ما را به حرکت و عمل فرامی‌خواند.

۷۳۰ برادران ارجمند، بیایید در راه خداوند گام نهیم، در کنار حق و عدالت قرار گیریم و با پیروی از فرمان خداوند یاریگر مجاهدان راه او باشیم و خون و مال و امکانات خود را در اختیار پیکارگران قرار دهیم و، بدین سان، گمان نیکوی پروردگاران را که ما را برترین امت و امانتدار رسالت پیامبرانش و سرزمین مقدس قرار داده است، محقق سازیم و ثابت کنیم که خون مسیح^ع در رگ‌های ما جاری و آوای محمد^ص در گوشمان طنین‌انداز است. در اوضاع کنونی، آمادگی کامل برای روبرو شدن با خطرهایی که در کمین لبنان است، وظیفه حتمی و مستقیم تمامی شهروندان، به‌ویژه اهالی عزیز جنوب، به‌شمار می‌رود. همچنین، برای یاری و پشتیبانی آن مشعل‌های فروزان مجاهدت در جبهه‌ها، برماست که از دارایی‌های خود به کار گیریم و از حقوق شرعی خود برای این کار صرف و از خون خود اهدا کنیم، که رسول خدا^ص می‌فرماید: «هر کس جنگجوی مسلمانی را پشتیبانی کند، گویی خود جهاد کرده است.» پس بیایید از لُهو و اسراف بکاهیم و هزینه‌های آن را برای کمک به جبهه‌ها اختصاص دهیم، جامعه‌ای جدی و سربلند و بانگیزه بسازیم و گروه‌های پزشکی و امدادی را به سوی جبهه‌ها اعزام کنیم. و در این راه سزاوار است که همگی با اخلاص و بی‌سروصدا اقدام کنیم، تا چنان‌که خداوند خواسته است، «خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»^۱ باشیم.

۷۳۱ از سوی دیگر امام اقداماتی سمبلیک و عملی را در راه کمک به جبهه‌های نبرد اعراب با اسرائیل آغاز کرد و در این راه به همراه عباس بدرالدین، عضو مجلس اعلای شیعیان، در سفر به دمشق بخشی از کمک‌های داوطلبانه مردم به جبهه‌ها، شامل پنجاه هزار لیره لبنان و دارو و ملزومات پزشکی به ارزش ده هزار لیره را به همراه یک دستگاه آمبولانس به سوریه تحویل داد.^۱

ادامه تلاش‌ها برای احقاق حق محرومان

۷۳۲ چنان‌که گفتیم، امام صدر فعالیت‌های خود را برای پایان دادن به درگیری میان ارتش لبنان و مقاومت فلسطین و نیز رفع کدورت در روابط دمشق و بیروت متمرکز کرده بود. اما تلاش برای احقاق حقوق از دست رفته شیعیان نیز بخش مهمی از توجه امام را به خود معطوف می‌کرد. به این منظور، پس از استعفای نخست‌وزیر امین‌الحافظ، و تعیین تقی‌الدین الصلح برای تشکیل کابینه جدید در تاریخ ۱۹۷۳/۶/۲۲، امام اعضای مجلس اعلای شیعیان را به تشکیل جلسه فوق‌العاده فراخواند تا نمایندگان شیعه پارلمان لبنان در قبال احقاق حقوق شیعیان و اقدام دولت برای تحقق خواسته‌های آنان - که امام پیش‌تر آنها را اعلام کرده بود - موضع سیاسی واحدی اتخاذ کنند. امام بر این نکته تأکید داشت که ابتدا باید خواستار حقوق از دست رفته شویم. در اوضاعی که کابینه جدید در حال شکل‌گیری است، نمایندگان شیعه پارلمان و به‌ویژه نمایندگان جنوب باید خواستار تصدی وزارتخانه‌های کلیدی به‌ویژه وزارت دارایی، شوند که مرکز ثقل در ساختار حکومت کشور به‌شمار می‌رود.

۷۳۳ سیزده نماینده از مجموع نوزده نماینده شیعه پارلمان در پاسخ به فراخوان امام بیانیه‌ای را امضا کردند و در آن متعهد شدند که در صورت تحقق نیافتن خواسته‌های شیعیان استعفا دهند و از دادن رأی اعتماد به هر کابینه‌ای که خود را موظف به تأمین حقوق

۱- «برترین امتی که در میان مردم پدید آمده است.»

۲- آرشیو مجلس اعلای شیعیان؛ مسیره الامام السید موسی الصدر؛ ج ۳؛ ص ۳۵۴

- شیعیان نداند، خودداری کنند.
- ۷۳۴ امضاکنندگان این بیانیه عبارت بودند از: صبری حماده و عادل عسیران و کاظم الخلیل و عبداللطیف الزین و علی الخلیل و حسین منصور و محمود عمار و حسین الحسینی و محمد یوسف بیضون و احمد اسبر و یوسف حمود و صبحی یاغی و عبدالمولی امهز.^۱
- ۷۳۵ در ماه‌های پایانی سال، امام صدر توانست حقوق و خواسته‌های شیعیان را به‌طور جدی مطرح کند و با تأثیرگذاری بر مواضع بسیاری از نمایندگان پارلمان و وزیران کابینه، آنان را در کانون اقدامات خود برای تحقق خواسته‌ها و احقاق حقوق شیعیان قرار دهد، زیرا آنان با وجود تأثیر سیاسی اندکی که در ساختار حکومت داشتند، دست‌کم از جایگاه و منصب رسمی و حکومتی برخوردار بودند.
- ۷۳۶ این در حالی بود که کامل اسعد، رئیس پارلمان لبنان، در برابر تمامی طرح‌های امام صدر، از جمله تحقق خواسته‌های شیعیان موضع مخالف و خصمانه اتخاذ می‌کرد.
- ۷۳۷ در تاریخ ۱۰/۱۲/۱۹۷۳، مجلس اعلای شیعیان به ریاست امام صدر تشکیل جلسه داد و علاوه بر اعضای مجلس، وزیران و نمایندگان شیعه پارلمان اعم از صبری حماده و کاظم الخلیل و احمد اسبر و حسین منصور و عبدالمولی امهز و حسین الحسینی و محمود عمار و عبداللطیف زین و محمد یوسف بیضون و صبحی یاغی در آن جلسه حضور یافتند. عادل عسیران از حضور در جلسه عذر خواسته بود و یوسف حمود نیز غایب بود. کامل اسعد و گروه او نیز در جلسه حاضر نشدند.
- ۷۳۸ حاضران در جلسه موضوع رسیدگی به حقوق شیعیان و بیانیه مورخ ۱۹۷۳/۶/۲۲ نمایندگان شیعه مبنی بر استعفای وزرای شیعه و ندادن رأی اعتماد نمایندگان شیعه به کابینه‌ای که خواسته‌های شیعیان را تا چهار ماه پس از روی کار آمدن تأمین نکند، بررسی کردند و تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
- ۷۳۹ ۱. وزیران و نمایندگان شیعه پارلمان، بر پایبندی به بیانیه مذکور تأکید کردند و از وزرا خواستند فردای آن روز (سه‌شنبه،
- ۱۹۷۳/۱۲/۱۱) با مراجعه به مسئولان ذی‌ربط بار دیگر خواستار تحقق خواسته‌های شیعیان را شوند و پس از دریافت پاسخ آنان در خصوص تأمین خواسته‌های مذکور در عرصه اشتغال و توسعه و... مجدداً در محل مجلس اعلای شیعیان حاضر شوند تا موضعی را اتخاذ کنند که تعهد آنان اقتضا می‌کند.
- ۷۴۰ ۲. نشست مجلس اعلای ناتمام تلقی می‌شود و جلسه بعدی روز دوشنبه آینده مورخ ۱۷/۱۲/۱۹۷۳ رأس ساعت پنج بعدازظهر برگزار خواهد شد.
- ۷۴۱ ۳. امام موسی صدر رئیس مجلس اعلای موظف شد اقدامات لازم برای برپایی جلسه مجمع عمومی مجلس اعلای شیعیان را در مدت دو ماه از این تاریخ فراهم آورد.
- ۷۴۲ ۴. مجلس اعلای به‌طور ویژه مسئله کشاورزان تنباکوکار و مشکلات و زیان‌های ناشی از قیمت ناعادلانه خرید تنباکو را مورد توجه قرار می‌دهد و از وزرای حاضر در جلسه می‌خواهد که اهمیت و ضرورت ایجاد تحول در وضعیت موجود را به اطلاع وزیران کابینه برسانند و برای افزایش سی درصدی قیمت خرید تنباکو نسبت به قیمت سال گذشته اقدام کنند. همچنین، مجلس اعلای بر ضرورت تبدیل مؤسسه الریجی (تنباکو) به یک سازمان دولتی تأکید کرد که هدف آن تأمین منافع کشاورزان و حفظ کرامت آنان است.^۱
- ۷۴۳ با توجه به بند دوم از مصوبات نشست مورخ ۱۹۷۳/۱۲/۱۱ که جلسه را ناتمام تلقی کرده و ادامه آن را در ساعت پنج روز دوشنبه ۱۷/۱۲/۱۹۷۳ خواستار شده بود، جلسه دوم در زمان مقرر به ریاست امام صدر تشکیل شد. کامل اسعد و گروه او در جلسه حضور نداشتند و صبری حماده (رئیس پارلمان) و علی الخلیل نیز غایب بودند.
- ۷۴۴ در ابتدای جلسه، امام بیانیه مفصلی درباره اوضاع کشور و محرومیت شیعیان از حقوق خود، به‌ویژه در مشاغل و مناصب درجه یک و هزینه‌های بودجه و مسئله تنباکوکاران و آب‌های

رودخانه لیطانی و دفاع از جنوب ارائه کرد و، در ادامه، بیانیه ذیل صادر شد:

- ۷۴۵ مجلس اعلای شیعیان در ادامه مذاکرات اعضا و به قصد اجرای تصمیمات اتخاذ شده در جلسه پیشین، مورخ ۱۹۷۳/۱۲/۱۰؛ و پس از استماع بیانات وزیر دادگستری، جناب آقای کاظم الخلیل، در خصوص وعده جناب رئیس جمهور به وزیران در جلسه مورخ ۱۹۷۳/۱۲/۱۳ هیئت محترم دولت مبنی بر اعطای حقوق شیعیان، بدین وسیله اعلام می‌کند:
- ۷۴۶ ۱. مجلس اعلا از وعده ریاست محترم جمهور به هیئت دولت آگاهی یافته است.
- ۷۴۷ ۲. وزیران و نمایندگان حاضر در جلسه بر پایبندی خود به بیانیه مورخ ۱۹۷۳/۶/۲۲ تأکید کرده‌اند.
- ۷۴۸ ۳. مجلس اعلا از وزیران حاضر در جلسه می‌خواهد در مدت حداکثر دو ماه و در صورتی که برای مجلس اعلا محرز گردد که مواعی بر سر راه تحقق وعده رئیس جمهور به شیعیان مبنی بر تحقق عدالت و احقاق حقوق آنان در زمینه اشتغال و دیگر موارد مذکور وجود دارد، نسبت به اجرای مفاد بیانیه در خصوص استعفا از کابینه اقدام کنند.^۱

شیعیان و علویان؛ پیروان یک مذهب

۷۴۹ امام صدر از آغاز نهضت سیاسی خود همواره برای زدودن اختلافات میان مذاهب اسلامی تلاش می‌کرد و یکسان کردن شعائر و آداب دینی و عبادی را شعار خویش قرار داده بود. به همین منظور و در اقدامی مخلصانه و مؤثر، امام صدر دو مذهب علوی و جعفری (تشیع) لبنان را یک مذهب اعلام کرد.^۲ این اقدام در میان علویان و تمامی مسلمانان لبنان بازتاب گسترده‌ای داشت. در این خصوص، امام صدر با ارسال یادداشتی به شورای استخدام (مجلس الخدمه المدنیه) لبنان، از این شورا خواست شیعیان و

علویان را پیرو یک مذهب به شمار آورد و حقوق این دو گروه را در بهره‌مندی از مشاغل دولتی و استخدام با هم ترکیب کند.

- ۷۵۰ در مراسمی که در ۱۹۷۳/۷/۱۶ به مناسبت تعیین شیخ علی منصور به مقام مفتی شیعیان طرابلس در هتل المنتزه این شهر برگزار شد، وی به نمایندگی از علویان در سخنانی اظهار داشت: «بدین وسیله اعلام می‌کنیم که ما (علویان) حقیقتاً پیروان مذهب شیعه امامیه هستیم و مذهب ما همان مذهب امام صادق^ع و دین ما اسلام است.»
- ۷۵۱ همچنین، شیخ طه صابونچی به نمایندگی از مفتی اهل سنت طرابلس اظهار داشت: «این انتخاب (تعیین شیخ علی منصور) مژده‌ای امیدبخش و خون تازه‌ای در رگ‌های دین بود. آینده از آن دین و دین از آن آینده است... من با افتخار و با صدای رسا اعلام می‌کنم که قضیه سنی و شیعه از تاریخ نشئت می‌گیرد، و اما تفکر و تساهل و تسامح اسلام مسئله بازگشت به حق است.»
- ۷۵۲ شیخ عبدالکریم علی حسنی، مفتی طرطوس، نیز در سخنانی تصریح کرد: «این انتخاب گام مبارکی است که علما با راهنمایی امام سید موسی صدر به آن موفق شدند.»
- ۷۵۳ در ادامه، امام موسی صدر در سخنانی گفت: «این گروه از مسلمانان که علویان نام گرفته‌اند، برادران شیعیان هستند که آنان نیز از سوی کینه‌توزان «متاوله»^۱ نامیده شده‌اند. ما هرگز به کسی اجازه نخواهیم داد که از این گروه‌ها و افراد بزرگوار بدگویی کند. من به زودی رهبری گروه خود را رها می‌کنم تا آن کینه‌توزان مطمئن شوند که ما در فکر تصدی مقام و منصب نیستیم، بلکه می‌خواهیم تکلیف اسلامی و انسانی و مترقی خود را ادا کنیم.» امام، در ادامه، با یادآوری اینکه نخستین فردی بود که همه را به یکسان کردن شعائر دینی و عبادی در همایش مجمع پژوهش‌های اسلامی قاهره فرا خوانده است، سخنان خود را چنین به پایان برد: «امیدوارم که این جلسه آغازی برای گفتگو و شروعی برای اتحاد و

۱- به معنای «متولیان»، اصطلاحی که سال‌ها پیش از این در سرزمین شام و لبنان شیعیان را بدان می‌نامیدند. م.

۱- آرشیو مجلس اعلای شیعیان، ۱۹۷۳/۱۲/۱۸.

۲- الحیاة، ۱۹۷۳/۷/۵.

وحدت کلمه باشد... شما جمع می‌شوید و در کنار یکدیگر مشکلات را حل می‌کنید و هرگاه ضرورت ایجاب کند و خدمتی کوچک از ما برآید، برای همکاری آماده هستیم»^۱

سفرهای خارجی امام صدر در سال ۱۹۷۳

۷۵۴ در این سال، امام برای ادای مناسک حج عازم عربستان سعودی شد^۲ و در آن سفر با ملک فیصل، پادشاه این کشور، نیز دیدار کرد. تلاش‌های ملک فیصل برای وحدت مسلمین و مسئله مقدسات اسلامی در شهر بیت المقدس، موضوع گفتگوی امام با پادشاه سعودی بود.^۳

۷۵۵ پس از آن، امام به بحرین رفت^۴ و در مدت اقامت چند روزه خود، در دیدارها و جلساتی شرکت کرد که در باشگاه فارغ‌التحصیلان بحرین تشکیل می‌شد، و از جایگاه لبنان در جهان اسلام و بحران جنوب این کشور و پایداری و صلابت اهالی جنوب سخن گفت.^۵

۷۵۶ امام در ادامه سفر خود عازم قطر شد و در آنجا مورد استقبال گرم امیر قطر، شیخ خلیفه بن حمد آل ثانی، و دیگر مسئولان این کشور قرار گرفت. در مدت اقامت در قطر، امام با بسیاری از مقامات رسمی و سفرای کشورهای عربی و اسلامی دیدار کرد و در حسینیه‌های جهرمی‌ها و لاری‌ها و بحارتیه و حسینیه کراچی نیز سخنانی ایراد کرد.

۷۵۷ در ادامه، امام صدر به امارات متحده عربی رفت و در مدت چهار روز اقامت در این کشور، با شیخ راشد بن سعید آل مکتوم نایب رئیس دولت امارات، دیدار کرد. همچنین، امیر دبی ضیافتی

به افتخار ایشان برپا کرد.^۱

۷۵۸ پس از آن، امام دبی را به مقصد ابوظبی ترک کرد و از آنجا عازم کویت شد. در بدو ورود امام به کویت، شیخ عبدالله جابر الصباح و بسیاری از مقامات کشوری از ایشان استقبال کردند. امام در مدت اقامت یک هفته‌ای خود در کویت با امیر این کشور نیز دیدار و گفتگو کرد.^۲

۷۵۹ در تاریخ ۱۸/۳/۱۹۷۳، امام با هواپیمایی که در اختیار ایشان قرار داده شده بود به بیروت بازگشت و مورد استقبال پرشور مردم و مسئولان قرار گرفت. ده‌ها هزار نفر از مناطق مختلف لبنان برای مراسم استقبال از ایشان در بیروت گرد آمده بودند و بام‌ها و خیابان‌ها و میادین و بلوار فرودگاه از جمعیت آکنده بود. پی‌یر حلو که به نمایندگی از رئیس‌جمهور در این مراسم حضور داشت کاروان استقبال رسمی از امام را تا مقر مرکزی شیعیان در حازمیه همراهی کرد. حرکت کاروان از فرودگاه تا مقر شیعیان مدت زیادی (حدود یک‌ونیم ساعت) به طول انجامید، زیرا جمعیت انبوه حاضر در مسیر بارها موجب توقف کاروان شد و مردم با قربانی کردن گوسفند مقدم امام را گرامی داشتند.^۳

۷۶۰ در تاریخ ۱۰/۷/۱۹۷۳، امام صدر به همراه احمد قبیسی (وکیل و حقوقدان) برای شرکت در همایش مجمع پژوهش‌های اسلامی در شهر تیزی اوزوی الجزایر عازم این کشور شد^۴ و در همایش مذکور پژوهش مفصلی با موضوع «روح تعالیم اسلام و حقیقت تشریح احکام در جهان امروز» ارائه کرد. نیز چندین سخنرانی ارزشمند دیگر نیز ایراد کرد.^۵ پس از الجزایر، امام برای

۱- الحیاة، ۱۹۷۳/۲/۲۷.

۲- القبس، ۱۹۷۳/۳/۱۱.

۳- الحیاة و لسان الحال، ۱۹۷۳/۳/۱۹.

۴- المحرر، ۱۹۷۳/۷/۱۰.

۵- الملتقى السابع التعرف على الفكر الإسلامی، چاپ تیزی اوزو، الجزایر، انتشارات وزارت آموزش و امور دینی، جلد اول؛ مسیره الإمام السید موسی الصدر،

ج ۳، ص ۱۸۵.

۱- النهار، ۱۹۷۳/۷/۷.

۲- الحیاة، ۱۹۷۳/۱/۱۲.

۳- الجریدة، ۱۹۷۳/۱/۲۵.

۴- اخبار بحرین، شماره ۵۸، ۱۹۷۳/۲/۷.

۵- الحیاة، ۱۹۷۳/۲/۱۵.

ع- الجریدة، ۱۹۷۳/۲/۲۵.

چند آزمایش پزشکی به فرانکفورت عزیمت کرد^۱ و، در ادامه پس از سفر دو ماهه به بیروت بازگشت^۲ تا در ماه مبارک رمضان سخنرانی‌ها و رهنمودهای خود را خطاب به ملت لبنان ادامه دهد.

سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳ ش)

وقایع سال ۱۹۷۴ در یک نگاه

۷۶۱ در این سال با اعلام تشکیل جنبش محرومان در دو همایش مردمی بزرگ در بعلبک و صور، امام نهضت سیاسی را به اوج خود رساند. دو همایش مذکور که مهم‌ترین رویداد سیاسی و مردمی در تاریخ معاصر لبنان به شمار می‌آید، ارکان حکومت را به لرزه افکند و حاکمان و سردمداران حکومت را بر آن داشت که چندین تن از بزرگان سیاسی لبنان را از فرقه‌های مختلف برای وساطت نزد امام بفرستند.

۷۶۲ در همین سال بود که نهضت امام صدر تبلور یافت و ابعاد طرح سیاسی و ملی ایشان آشکار شد، اما هویت مذهبی امام چهره ملی و انسانی او را نمی‌پوشاند و حرکت او با حمایت و استقبال و تأیید نخبگان سیاسی و فرهنگی و اجتماعی مذاهب مختلف روبرو شد.

۷۶۳ مسئله استعفای نمایندگان و وزرای شیعه به دغدغه مهمی تبدیل شده بود. چهار سال و اندی از تأسیس مجلس اعلای شیعیان می‌گذشت و مسئله کشت تنباکو و رسیدگی به درخواست‌های شیعیان میزان پایبندی دولت به وعده‌های خود را در معرض آزمون قرار داده بود. سید حسن الحسینی استعفای کتبی خود را در اختیار رئیس مجلس اعلای شیعیان قرار داد. صبری حماده، رئیس پارلمان، نیز به صراحت خواستار استعفای نمایندگان و وزرای شیعه بود، ولی نظر امام صدر آن بود که مهلتی برای تحقق خواسته‌ها تعیین شود و پس از پایان مهلت مذکور، در صورت تحقق نیافتن آنها، تدابیری همچون استعفای وزرا و سپس نمایندگان و پس از آن اعتصاب نامحدود و، در ادامه، شورش و اعتراض عمومی به منظور اعمال فشار به دولت اتخاذ شود.

۱- الجریده، ۱۹۷۳/۷/۳۱.

۲- النهار، ۱۹۷۳/۹/۱۱.

- ۷۶۴ ولی حالا شرایط ایجاب می‌کند که از خود دفاع کنیم...»^۱
- ۷۶۸ امام در مراسم دیگری که به همان مناسبت در حسینیه برج البراجنه برگزار شد، در سخنانی با تأکید بر اینکه «به زودی به وضعیت اندوهگین شیعیان پایان می‌دهیم»، اظهار داشت: «نماز و روزه و عمل به واجبات به تنهایی کافی نیست، اگر انسان به وظایف اجتماعی خود در قبال اطرافیان و میهن خویش عمل نکند.»^۲
- ۷۶۹ روزنامه الجریده نیز با اشاره به توافق اصولی میان مجلس اعلا و دیگر نهادهای اسلامی مبنی بر هماهنگی در اتخاذ مواضع سخنان امام صدر را در راه بازگشت از سفر به روستاهای مرزی منتشر کرد:
- ۷۷۰ «توافقی اصولی مذکور با نهادها و جمعیت‌های اسلامی مبنی بر تلاش در راه تحقق چندین خواسته اصلی همچنان پابرجاست و بی‌شک، مسئولان هم از آن خواسته‌ها باخبرند. نخستین خواسته ما به وضعیت جنوب مربوط می‌شود، به تصدیق مناصب و پست‌های اداری و تشکیلاتی که آخرین آنها نخواهد بود... در مرحله بعد، شرایط مناسبی برای بررسی جزئیات همکاری میان نهادهای مختلف اسلامی لبنان فراهم خواهد شد و موعد برگزاری جلسات مربوطه به زودی از طریق تماس‌هایی که خواهیم داشت، تعیین می‌شود.»^۳
- ۷۷۱ دو تن از وکلا به نام‌های شفیق الوزان و امین العریسی، حمایت و پشتیبانی شورای شرع اهل سنت و حزب شورای ملی را از احقاق حقوق شیعیان در دو عرصه توسعه و اشتغال به اطلاع امام رسانده بودند.^۴

مراسم عاشورا در بیروت

- ۱- النهار، ۱۹۷۴/۱/۱۲.
- ۲- الحیاء، ۱۹۷۴/۱/۱۳.
- ۳- الجریده، ۱۹۷۴/۱/۲۷.
- ۴- النهار، ۱۹۷۴/۱/۲۲.

- ۷۶۴ بر این اساس، مهلتی دو ماهه تعیین شد تا با دعوت از مجمع عمومی مجلس اعلا برای تشکیل جلسه، میزان خواسته‌ها و عمل به وعده‌های بی‌شماری که به وزیران شیعه داده شده بود، بررسی شود.
- ۷۶۵ در چنین اوضاعی و درحالی که تحقق وعده‌های دولت این چنین مورد توجه همگان قرار داشت، کامل اسعد و گروه او در پارلمان، جلسات مجلس اعلا شیعیان را تحریم کرده بودند و در هیچ‌یک از اقدامات و موضع‌گیری‌های وزرا و نمایندگان شیعه مشارکت نمی‌کردند.

مناسبت‌های مذهبی و ملی؛ مقدمه اعلام تشکیل جنبش محرومان

- ۷۶۶ از آغاز این سال، امام صدر سخنرانی‌های خود را به منظور بسیج مردم افزایش داده بود و از هر مناسبتی به منظور زمینه‌سازی برای اعلام ولادت جنبش محرومان استفاده می‌کرد. سخنرانی‌های امام در مناسبت‌های مختلف این سال - اعم از جشن‌ها و سوگواری‌ها - اغلب دو موضوع داخلی و خارجی را دربرداشت: تجاوزات مکرر اسرائیل به جنوب و حقوق محرومان لبنان.
- ۷۶۷ در یکی از این سخنرانی‌ها که به مناسبت عید غدیر در باشگاه فرهنگی امام صادق^ع شهر صور و در تاریخ ۱۹۷۴/۱/۱۱ برگزار شد، امام با دعوت از اهالی جنوب به مطالبه حقوق خویش و با اشاره به حدیث «کسی که از گفتن حق خاموش ماند، شیطان گنگ است»، خطاب به حاضران گفت: «از ما می‌خواهند که مالیات بدهیم، اطاعت کنیم و پناهگاه بسازیم. آن هم با این نرخ‌های بالا! دولت به ما کمکی نمی‌کند و ثروت‌ها به جیب محترمان و یاران آنان سرازیر می‌شود. باشد، ما به وظیفه خود در پرداخت‌ها عمل می‌کنیم. ولی آیا امنیت داریم؟ آیا از صداقت و اخلاص خبری هست؟ اجازه بدهند سلاح برگیریم و از خود دفاع کنیم. نمی‌خواهیم وعده‌های دروغ و خیالی بشنویم. ما را خوار و ذلیل می‌کنند. من وضعیت را برایتان بازگو کردم و آن چیزی نیست جز اقدام عملی. من بیش از همه از خشونت و تندی گریزانم. در تمام دوران کودکی‌ام، حتی یک بار هم صدای شلیک گلوله را نشنیده‌ام.

رفتاری را که با فلسطینی‌ها کرد، با ما هم خواهد داشت. ما از پیامدهای این رفتار مسئولان نگران هستیم. از پیامدهای تبعیض و انحصارطلبی و تجاهل و بی‌توجهی بی‌مناکیم و می‌گوییم: حق ما را بدهید!»^۱

عاشورا در یاطر

۷۷۲ در تاریخ ۱۹۷۴/۲/۲، مراسم باشکوهی به مناسبت عاشورای حسینی^۲ در یاطر از توابع بنت‌جبیل برگزار شد. امام صدر در آن مراسم، انبوه جمعیت حاضر را چنین خطاب کرد:

۷۷۳ نباید به برگزاری این‌گونه مراسم اکتفا کنیم تا این مناسبت‌ها به جلساتی نمادین و متحجر و بی‌روح تبدیل نشود و خطاکاران خود را در پس آن مخفی نکنند و طغیانگران به وسیله حضور در سوگواری‌ها خود را در نزد مردم پاک و مطهر جلوه ندهند. نباید گریه و حضور در مراسم سوگواری جای عمل و اعتراض سازنده را بگیرد. برپایی چنین مراسم باشکوهی آن هم در یاطر و در فاصله چند متری مرزهای اسرائیل به معنای آن است که ما می‌خواهیم سرفصل جدیدی در تاریخ مناسبت عاشورا و تاریخ منطقه بگشاییم.

۷۷۴ این منطقه که خانه‌های ویران و آثار بمباران و حملات مکرر اسرائیل را در آن مشاهده می‌کنیم، اکنون باید با زبانی متفاوت از زبان تقاضا و درخواست سخن بگوید. همین حالا در کشور کارهایی انجام می‌شود و طرح‌هایی به تصویب می‌رسد و در کمال بی‌رحمی، حقوق محرومان و آبادانی مناطق توسعه‌نیافته نادیده گرفته می‌شود. در چنین اوضاعی، آیا دیگر تقاضا و درخواست معنی دارد؟ چرا میلیون‌ها لیره برای دیگر مناطق هزینه می‌شود؟ در چهار سال گذشته ۹۴۸ میلیون لیره هزینه شده است و جنوب و بعلبک و هرمل از آن سهمی نداشته‌اند.

۷۷۵ ... این مناسبت (عاشورا) باید زنده و پویا و حرکت‌آفرین بماند و در زندگی ما تأثیرگذار باشد، همچنان‌که آن نبرد تأثیرگذار شد. ما نیز آن را به انگیزه‌ای قوی برای ایستادگی در راه احقاق حقوق خود بدل

۷۷۲ در مراسمی که به مناسبت سالروز شهادت امام حسین^۳ در تاریخ ۱۹۷۴/۲/۱ و در مجتمع فرهنگی عاملیه بیروت برگزار شد، امام صدر در سخنانی تصریح کرد: «ما خواهان احقاق حقوق همه محرومان از هر گروه و فرقه هستیم. ما وظیفه داریم که در کنار آنان بایستیم. حتی ظلم یکی از قوای حکومتی را بر یکدیگر نمی‌پذیریم. حقوق ملت و حقوق گروه‌ها و مذاهب باید محفوظ بماند.»

۷۷۳ روزنامه‌النهار در تاریخ ۱۹۷۴/۲/۲ سخنان امام را که به همین مناسبت در شهر غازیه ایراد شده بود، چنین نقل کرد: «هدف ما سیاسی کردن دین نیست، بلکه می‌خواهیم ارزش‌های دینی بر سیاست حاکم باشد. می‌خواهیم سیاست به ارزش‌های دینی پایبند باشد. سیاست باید منصفانه و عادلانه شود و اصلاح گردد، زیرا «حکومت با وجود فقرا باقی می‌ماند، ولی با وجود ظلم پایدار نمی‌ماند.»^۴ مسئولان حقوق محرومان را نادیده می‌گیرند و محرومیت تمامی مناطق عقب‌مانده را دربر گرفته است. آنان با این کار خود امنیت و تمامیت میهن را تهدید می‌کنند... ما آماده‌ایم که سلاح بگرییم و از مرزهای میهن دفاع کنیم. شما به خودتان رحم کنید! ای مسئولان، به فرزندانان رحم کنید! ما ضمانت کشور و ثبات و امنیت آن هستیم. اگر می‌گوییم حقوق اهل جنوب و عکار و بقاع را به آنان بدهید و حقوق شیعیان و کارگران و کشاورزان را تأمین کنید... این بدان معناست که ما حافظ میهن بوده‌ایم. به سبب آن است که این شعارها از حنجره افرادی پاک سرشت برآمده است. من در پی ریاست و فرمانداری شدن و نمایندگی مجلس نیستم... حتی ریاست مجلس اعلای شیعیان را هم نمی‌خواهم. افتخار بزرگ من آن است که بر منبر حسینی^۵ می‌ایستم و سخن می‌گویم و هزاران نفر به سخنانم گوش فرامی‌دهند. من دلم برای لبنان می‌سوزد. دلم برای شهروندانی می‌سوزد که سخت‌ترین دشمن جهان همسایه آنان شده است و این دشمن غدار همان

۱-النهار، ۱۹۷۴/۱.

۲- اشاره به حدیث نبوی: «الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ»

۱-النهار، ۱۹۷۴/۲/۲.

در حالی بود که مهلت دو ماهه تمدید شده‌ای که پس از انقضای مهلت چهارماهه به وزیران مذکور داده شده بود تا در صورت تحقق نیافتن خواسته‌های شیعیان استعفا دهند، رو به پایان بود و نشانه‌ای از تحقق خواسته‌ها نیز مشاهده نمی‌شد. از طرفی، به نظر نزدیکان امام بعید بود که ایشان بر استعفای وزیران اصرار ورزد زیرا وزرا بر این عقیده بودند که باید در فضایی آرام با دولت مذاکره شود و از حرکت به سوی بحران جلوگیری شود. وزیران نگران بودند که اقداماتی از این دست اتخاذ مواضع انعطاف‌ناپذیر از سوی رئیس‌جمهور را در پی داشته باشد. از این رو، هدف امام از برگزاری آن جلسه، پرسش از وزیران مذکور در خصوص نتایج اقداماتی بود که در راه تحقق خواسته‌های شیعیان صورت داده بودند.

۷۸۱ در ادامه، با پایان یافتن تمامی مهلت‌ها و بی‌نتیجه ماندن همه تلاش‌ها برای از سرگیری گفتگو، امام صدر فهرست خواسته‌های مدنظر شیعیان را برای تصویب و اعلام به مجلس اعلای شیعیان ارائه کرد تا در صورت ادامه بی‌توجهی مسئولان دولت به آنها راهکارهای مناسب به اجرا درآید. در فهرست مذکور، که پس از تصویب در روزنامه‌های لبنان منتشر شد، چنین آمده بود:

۷۸۲ «مجلس اعلای شیعیان بدین وسیله اعلام می‌کند که هیچ راهی جز رفع بی‌عدالتی در عرصه اشتغال و توزیع فرصت‌های شغلی را نمی‌پذیرد و فرقه‌ای بودن توزیع فرصت‌های شغلی را قبول ندارد... و دفاع از مرزهای کشور و امنیت شهروندان در سراسر کشور را نخستین وظیفه مسئولان می‌داند.»

۷۸۳ در ادامه، مجلس با تأکید بر احقاق حقوق افراد فاقد شناسنامه تصریح کرد: «هزاران تن از شهروندان در مناطق بعلبک و هرمل و در شمال کشور و دیگر مناطق فاقد شناسنامه لبنانی هستند، در نتیجه، از تمامی حقوق شهروندی محروم مانده‌اند، درحالی‌که در لبنانی بودن و دلبستگی آنان به میهن تردیدی وجود ندارد.»

۷۸۴ مجلس، همچنین، بر ضرورت اجرای طرح‌های توسعه در

می‌کنیم، حتی اگر این راه نیازمند فداکاری بسیار باشد، چرا که سیدالشهدا با خون خویش و با فداکاری خاندان خود این مسیر را ترسیم کرده است... ما پاسداران لبنان هستیم. آماده‌ایم که سلاح برگزیم و به دفاع برخیزیم. من پیرمرد بیمار آماده‌ام که تفنگ به دست گیرم و با شما مرزبانی کنم. آماده‌ام که هر کاری از ما بخواهند، صورت دهم. چرا به اهل جنوب سلاح نمی‌دهند تا از میهن خود دفاع کنند؟

۷۷۸ ... اساس و زیربنای جاودانگی سرزمین‌ها عدالت و حفظ کرامت شهروندان است... انحصارطلبی و طغیان و نادیده گرفتن حقوق دیگران ارکان جامعه را به لرزه درمی‌آورد و آینده میهن را به خطر می‌اندازد. ما با مطالبه حقوق خویش و با عدالت‌خواهی، در واقع، در راه حفظ میهن و پاسداری از آینده و آزادی و کرامت شهروندان گام برداشته‌ایم... و این مسئولان هستند که با بی‌توجهی خود، امنیت و ثبات و همزیستی را تهدید کرده‌اند، و باید بدانند که ما این اجازه را به آنان نمی‌دهیم؛ تا لبنان پابرجا بماند.»

۷۷۹ برنامه‌ای حساب شده برای جلوگیری از ورود امام به روستای یاطر طراحی شده بود و امام که بر پیشگیری از وقوع هرگونه ناآرامی و اغتشاش تأکید داشت، استاندار جنوب را از آن برنامه آگاه کرد و استاندار نیز افرادی را برای حفاظت از امام و تسهیل در عمل به وظایف و اجرای برنامه‌های مذهبی اعزام کرد. در روستای غازیه نیز چنین اقداماتی صورت گرفته بود. اما بانگ رسای امام تمامی اقدامات مخالفان را بی‌اثر کرد.^۲

فهرست درخواست‌ها

۷۸۰ روزنامه النهار در تاریخ ۱۹۷۴/۲/۱۰ خبری را منتشر کرد مبنی بر اینکه جلسه‌ای با حضور امام صدر و سه وزیر شیعه کابینه، یعنی صبری حماده و کاظم الخلیل و علی الخلیل برگزار خواهد شد. این

۱- النهار، ۱۹۷۴/۲/۳.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۲/۵.

مبادی ورودی روستا، جمع‌کثیری از حاضران با تیراندازی هوایی و شلیک هزاران گلوله از سلاح‌های مختلف به‌استقبال ایشان رفتند و سپس در قالب راهپیمایی مسلحانه امام را تا حسینیه روستای بدنایل همراهی کردند. اهالی که منتظر ورود امام بودند، با دیدن ایشان یک‌صدا شعار «مجاهدان گوش به فرمان تواند» و «خون و جانمان به فدایت ای امام»^۱ سردادند.

۷۸۷ امام سخنان خود را با موضوع واقعه کربلا آغاز کرد؛ حادثه‌ای که روح مقاومت راستین و مخالفت با ظلم و طغیان را متجلی ساخت و شجاعتی کم‌نظیر در فداکاری و از خود گذشتگی را به تصویر کشید. در ادامه، امام با بیان محرومیت شیعیان که در لبنان شهروند درجه دو به شمار آمده‌اند، خطاب به مسئولان گفت:

۷۸۸ از امروز دیگر شکایت و ناله نمی‌کنیم. می‌گویند ما متاوله هستیم. نام ما متاوله نیست، نام ما مخالفان و معترضان است. قیام کرده‌ایم و با هر نوع طغیان و تعدی سر ستیز داریم. ما در برابر طغیان و ستم، از جانب هرکه باشد، ایستاده‌ایم، هرچند به بهای جان و زندگی‌مان تمام شود... راستی، هدف ما از این تلاش‌ها چیست؟ آیا نابودکردن هدف ماست؟ آیا برای آشوب قیام کرده‌ایم؟ یا برای اسلحه؟ در قاموس ما واژه ویرانی و نابودی وجود ندارد. ما جز خیر لبنان چیزی نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم در نبرد اعراب بر ضد اسرائیل مشارکت کنیم. ما جز خدمت به انسان رنج‌کشیده در سراسر جهان هدفی نداریم.

۷۸۹ بسیار صبر کرده‌ایم و بسیار نصیحت و اندرز داده‌ایم و بحث و بررسی کرده‌ایم، اما دیگر به نصیحت و بررسی و تقاضا امید نمی‌داریم... حق خود را تمام و کمال می‌خواهیم، نه تنها در باب مشاغل و مناصب اداری، بلکه بیست مورد مذکور در فهرست خواسته‌ها را مطالبه می‌کنیم و به هیچ چیز کمتر از آن راضی نخواهیم شد.

۷۹۰ آنان باید خواسته‌های ما را محقق سازند، در غیر این صورت دیگر نباید از ما توقعی داشته باشند. آنان هستند که با این رفتار نادرست

مناطق محروم و توسعه‌نیافته تأکید کرد. این طرح‌ها عبارت بود از طرح آبیاری مناطق جنوبی از آب رودخانه لیطانی و توقف پمپاژ آب لیطانی به شهر بیروت؛ اجرای طرح تدوین شده و آماده برای احداث دریاچه‌های مصنوعی به منظور آبیاری زمین‌های واقع در شهرستان‌های صور و بنت‌جبیل؛ اجرای طرح آبیاری القاع - هرمل (سد عاصی) و پیش‌بینی اعتبارات لازم برای احداث سد مخزنی در دریاچه قدیمی یمونه؛ اجرای طرح احداث سد در مناطق نحله و وادی سباط و جنتا و یحفوفا و شمسطار؛ اجرای طرح آبرسانی به دشت بعلبک از آب‌های منطقه رأس‌العین و دیگر طرح‌های آبرسانی.

۷۸۵ دیگر خواسته‌های مطرح‌شده در فهرست مجلس اعلا عبارت بود از: اولویت دادن به احداث مدارس دولتی و فنی و حرفه‌ای و خانه معلم در جنوب و بقاع و عکار؛ احداث بیمارستان و مرکز بهداشت و شبکه فاضلاب در مناطق محروم؛ اجرای طرح‌های راه‌سازی؛ رسیدگی به وضعیت کشاورزان تنباکوکار؛ افزایش اعتبارات طرح سبز (المشروع الاخضر)؛ توجه ویژه به منابع زراعی و حیوانی؛ پیش‌بینی اعتبارات لازم برای توقف و جلوگیری از کاوش و حفاری غیرمجاز آثار باستانی در شهرهای بعلبک و صور؛ احداث هتل گردشگری در بعلبک؛ بررسی و کاوش دقیق برای یافتن معادن و منابع زیرزمینی و به‌ویژه نفت در مناطق مختلف لبنان؛ اصلاح قانون توزیع اموال شهرداری‌ها؛ بخشودگی ساخت‌وسازهای غیرمجاز - به‌گونه‌ای که ساکنان حومه‌های بیروت و دیگر مناطق از اشتراک آب و برق بهره‌مند شوند - و رسیدگی به وضعیت حومه‌های بیروت.^۱

مراسم روستای بدنایل در بقاع

۷۸۶ به مناسبت سالروز شهادت امام زین‌العابدین^۴ مراسمی در روستای بدنایل در منطقه بقاع برگزار شد که جمعیت کثیری از سراسر منطقه در آن حضور یافتند. با رسیدن امام صدر و کاروان همراه به

۱- «بالروح بالدم نفدیک یا امام»

۱- آرشیو مجلس اعلا شیعیان، ۱۹۷۴/۲/۸.

بسیاری هنوز به خاطر دارند. می‌دانید و همه می‌دانند که چه اندازه برای آرام کردن اوضاع تلاش کردم. من کسی نبودم که در زمان دشواری و محنت از صحنه بگریزم بلکه همواره نخستین کسی بودم که به منطقه بحران‌زده وارد می‌شدم و برای حل مشکل می‌ایستادم و از پا نمی‌نشستم. زمانی که طوفان و برف سنگین روستای یمونه را درنوردید، من اولین کسی بودم که به آنجا رفتم. دیروز هم از مناطق یارین و عرقوب، که اسرائیل بمباران کرده بود، بازدید کردم. همه‌جا حاضر بودم، اما چه فایده؟ به اندازه کافی همه را به آرامش دعوت کرده‌ام و از امروز دیگر سکوت نخواهم کرد... ای نسل آینده، اگر خواسته‌های ما محقق نشود، خود برای به چنگ آوردن آن اقدام می‌کنیم، زیرا در این کشور حق گرفتنی است، نه دادنی.

(وقتی سخن امام به اینجا رسید، تعدادی از حاضران فریاد زدند: روستای شعث هفت ماه است که آب ندارد!... از سیصد و چهل معلم اخراجی، فقط دویست و دوازده نفر آنان به سر کار خود بازگشته‌اند...)

این عهد و پیمان من با شماست... که این وضع ناهنجار را پایان دهیم و در عین کرامت و صداقت به حق خود برسیم. مطمئن باشید که تمامی لبنانیان و برادران بزرگوار و شرافتمند در این کشور حقوق و خواسته‌های شما را تأیید می‌کنند... در پایان، درودها و احساسات پاک برادرانتان در جنوب قهرمان را پذیرا باشید...^۱

مراسم ترحیم در حبشیت

مراسمی که به مناسبت هفتمین روز درگذشت یکی از اهالی روستای حبشیت از توابع نبطیه در تاریخ ۱۹۷۴/۲/۲۵ برگزار شده بود، با حضور گسترده مردم به همایشی بزرگ مبدل گردید و امام صدر با حضور در آن مراسم، در سخنانی چنین گفت: «یکی از کشورهای عربی به من پیشنهاد کرده است که هزینه اجرای طرح آبرسانی لیطانی و طرح‌های مرتبط با آن را هر قدر که باشد و در

خود موجب نابودی لبنان می‌شوند، نه ما. ما لبنانی شرافتمند و باعزت می‌خواهیم و با کسانی که می‌خواهند لبنان را به دوران فئودالیسم و عصر ممالیک بازگردانند، سر ستیز داریم... ای مدعیان حمایت از لبنان، بدانید که خوار کردن شهروندان جز خواری و ذلت میهن نتیجه‌ای ندارد...

سلامت و سربلندی میهن از سربلندی فرزندان آن است. چطور ممکن است وطن جاودانه بماند، درحالی‌که شهروندان به حقوق کامل خود دست نیافته‌اند؟

محرومیت آن است که شیعیان تحت تبعیض و طبقه‌بندی به دنیا بیایند... نمی‌خواهیم آفریقای جنوبی دیگری به وجود آید. آنجا تبعیض نژادی حاکم است و اینجا تبعیض فرقه‌ای و مذهبی، و ما مخالف آن هستیم. لبنان سرزمین انسان و انسانیت است. سرزمین زندگی شرافتمندانه و فرصت‌های برابر است. آنان می‌خواهند کشور را ویران کنند. باید عرصه را خالی کنند و کار را به کسانی بسپارند که مرد عمل هستند... به شرافتمندان... ما دیگر نمی‌توانیم صبر کنیم. کاسه صبرمان لبریز شده است....

در چهار سال گذشته دولت بودجه کلانی برای طرح‌های عمرانی هزینه کرده است. از آن طرح‌ها سهم بعلبک و هرمل چه بوده است؟... محرومیت یعنی اینکه از بقاع و جنوب بگیریم و برای دیگر مناطق هزینه کنیم. این عین محرومیت است! جنوب بی‌پشتیبان و بی‌دفاع مانده است. فرزندان جنوب در معرض گلوله دشمن قرار دارند و کشتار و خونریزی سراسر جنوب را دربر گرفته است و این یعنی محرومیت....

ای حاکمان و ای سردمداران، توزیع عادلانه بودجه چه شد؟ عدالت کجا رفت؟ پاسداری از حیات ملت چه شد؟ کرامت و عزت کجاست؟ برنامه‌ریزی و طرح‌ها چه شد؟ وحدت کلمه و همبستگی کجاست؟ مدارس فنی و حرفه‌ای و راه‌سازی و بیمارستان و مرکز بهداشت چه شد؟ کجاست امانتی که ملت بر دوش شما گذارده است؟

من تاکنون بیش از همه سخن گفته‌ام، همه را به آرامش فراخواندم. حضور من را در زیر فتنه ماه‌های مارس و آوریل و سپتامبر ۱۹۷۳

ازای سود بسیار اندک تأمین کند، مشروط بر آنکه قصد و نیت جدی در اجرای پروژه را تضمین کنیم.» ایشان در ادامه و در خصوص وضعیت تنباکوکاران جنوب تصریح کرد: «کشاورزانی که از طرف افراد ذی‌نفوذ سفارش شده‌اند، محصول خود را به قیمت خوبی می‌فروشند، ولی بقیه متضرر می‌شوند.»

۷۹۹ امام در ادامه با اشاره به اجرانشدن طرح‌های توسعه و عمران مناطق جنوب و بقاع خاطر نشان کرد: «ما زمین‌هایی را برای احداث مدرسه در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار دادیم، اما چه مقدار از طرح پنج‌ساله جنوب اجرایی شده است؟ فقط یک مدرسه نیمه‌کاره در روستای قلیعه». امام، همچنین، با اشاره به پروژه لیطانی سوگند یاد کرد که همه آنچه درباره آن پروژه گفته شده کذب و نادرست است و هیچ نقشه و طراحی‌ای برای پروژه لیطانی وجود نداشته است.

۸۰۰ ایشان در پایان خطاب به حاضران گفت: «من گام در این راه نهاده‌ام، نه برای رسیدن به مقام و مال و منال و نه برای سیاستی خاص. باید یادآوری کنم که در این مبارزه راه‌حل میانه وجود ندارد. پس سخن نهایی مرا بشنوید و بدانید که ما همه چیز را در این راه به کار خواهیم گرفت، زیرا اگر این وضعیت ادامه یابد کشور در معرض تخریب و نابودی قرار خواهد گرفت و ما می‌خواهیم از این اتفاق پیشگیری کنیم و غفلت و بی‌توجهی موجود را به پایان برسانیم. خواه مسئولان اجازه دهند یا ندهند تاریخ به ما این اجازه را خواهد داد که آنچه نیاکانمان باور داشته‌اند، به اجرا گذاریم.»^۱

همایش بعلبک، نقطه آغاز جنبش محرومان

۸۰۱ وقایع و رویدادهای پیاپی و قدرت‌نمایی مردمی که دولتمردان را با زبانی جدید خطاب قرار داده بودند، وضعیت جدیدی را به وجود آورده بود که کمترین پیامد آن عصیان و شورش و انقلاب و اقدام مسلحانه بود. درحالی‌که اوضاع هر روز وخیم‌تر می‌شد، امام صدر اهالی بعلبک را - که تندباد انتقام از همه آنچه پیش آمده بود بر جانیشان وزیدن می‌گرفت - برای برپایی همایشی در ۱۷ مارس

فراخواندند.

۸۰۲ برخی از شخصیت‌ها درصدد برآمدند که امام را از تصمیم خود منصرف کنند، زیرا بیم آن داشتند که با نفوذ برخی عناصر آشوب طلب به میان جمعیت مشکلاتی پدید آید که نتایج خوبی دربر نداشته باشد. ولی امام که از نتیجه کار مطمئن بود، همراهی با افکار آنان را نپذیرفت و تأکید کرد که دلیلی برای نگرانی و بدبینی وجود ندارد. از طرفی، تعرض یکی از کارمندان به حسین الحسینی نماینده شیعه پارلمان، امام را در تصمیم خود مبنی بر ضرورت برپایی همایش بعلبک در موعد مقرر راسخ‌تر کرد.

۸۰۳ بدین ترتیب، در سالروز اربعین حسینی^ع، همایش بزرگ مسلحانه و مردمی در میدان رأس‌العین شهر بعلبک برپا شد که بیش از هفتاد و پنج هزار نفر با در دست داشتن ده‌هزار قبضه سلاح‌های مختلف در آن حضور یافتند و شماری از نمایندگان و سران قبایل لبنان نیز در میان شرکت‌کنندگان بودند.

۸۰۴ حاضران در همایش به همراه امام سوگند یاد کردند که مبارزه را تا تحقق اهداف یا شهادت ادامه دهند. امام صدر نیز تصمیم خود را مبنی بر روزه گرفتن و تحصن در یکی از مساجد بیروت به اطلاع حاضران رسانید.

۸۰۵ در آن همایش، امام صدر در سخنانی خطاب به حاضران گفت:

۸۰۶ «هزار و سیصد و سی و پنج سال پیش، شهر بعلبک مناسبت دیگری را شاهد بود... و آن هنگامی بود که اسیران اهل بیت^ع و اصحاب امام حسین^ع و سر مبارک آن حضرت بر فراز نیزه در مسیر رفتن به شام وارد این شهر شد. تبلیغات حکومت و حامیان آن چنین اعلام کرده بود که افرادی که از دین خارج شده‌اند، به زودی وارد بعلبک می‌شوند. خداوند آنان را خوار کرده و خلیفه را یاری داده است.

۸۰۷ اهالی بعلبک به استقبال اسرا رفتند و هنگامی که با آنان روبرو شدند، پرسیدند: شما کیستید؟ زینب^س دختر امام علی^ع فرمود که ما اسیران آل محمد^ص هستیم.

۸۰۸ عیون ارقش و طرح «سد العاصی القاع» در هرمل که می‌توانست برای اهالی منطقه، که پیروان مذاهب مختلف هستند، مفید باشد و طرح آبرسانی لیطانی که سراسر فریب بود و حقیقت نداشت. در ادامه، امام با اشاره به تردیدها و شبهه‌هایی که با هدف مخدوش کردن نقش و اهداف او مطرح می‌شد و اینکه با مردود شدن هرکدام از اتهامات موهوم این هجمه‌های تبلیغاتی دست به کار دیگری می‌شد، بیان کرد:

۸۱۲ «اول گفتند که در پس این اقدامات دولت‌های بیگانه قرار دارند و اهداف و برنامه‌های آنان سیاسی است. کسانی که این مطلب را گفتند خود سر تا پا مزدور بیگانگان هستند، ولی ما صبر کردیم تا بهانه را از آنان بگیریم. به سرعت معلوم شد که نهضت ما حرکتی ملی و صادقانه و برخاسته از ایمان به خدا و میهن است و مبنای آن را علاقه به حفظ وطن و کرامت شهروندان و عمل به وظیفه در عرصهٔ پیکار امت تشکیل می‌دهد. این بار آنان که دیگر بهانه‌ای نداشتند از در دیگری وارد شدند و گفتند: سید موسی می‌خواهد ریاست مادام‌العمر مجلس اعلا را به دست بگیرد. ما هم این طرح را از پارلمان پس گرفتیم تا دیگر فرصتی برای این جوسازی‌ها باقی نماند، اما باز هم اصرار داشتند که من ریاست مجلس اعلا را شیعیان را می‌خواهم.

۸۱۳ اکنون خطاب به همهٔ شما اعلام می‌کنم که من چنین هدفی ندارم. می‌گویم خواسته‌ها و درخواست‌های ما را تأمین کنید تا همین حالا استعفا دهم. رابطهٔ من با مردم به واسطهٔ ریاست مجلس اعلا شیعیان نیست. ما جز حقوق خود چیزی نمی‌خواهیم. این را درک کنید... خلاصه اینکه اوضاع بر وفق مراد آنان نبود و این بار سخن از اختلاف میان شیعیان به میان آوردند. عدهٔ دیگری هم مثل ارکستر یک صدا دم از صلح و آشتی می‌زدند و از ما می‌خواستند به منظور حفظ منافع شیعیان صلح کنیم. راستی چه اتفاقی افتاده است؟ به خدا هیچ اختلافی وجود ندارد. من خواستار تأمین حقوق شیعیان هستم و کسی که در راه تأمین این حقوق تلاش کند، روی سر ما جا دارد. وقتی دیدند که خواسته‌های ما جدی و قطعی است، دربارهٔ اختلافات شایعاتی پراکندند. اکنون من در برابر شما و در این مراسم

۸۰۸ اهالی غیور بعلمک با شنیدن این جمله برآشفتمند و به مزدوران خلیفه هجوم بردند و آنان را از شهر راندند و اربعین حضرت ابی‌عبدالله^ع را گرامی داشتند... و آن نخستین مراسم یادبود سیدالشهدا^ع بود، و اکنون ما نیز یاد و خاطرهٔ اربعین را گرامی می‌داریم، درحالی‌که اهداف و مواضع گمراه‌کنندهٔ حاکم بر جامعهٔ امروز نیز همانند آن زمان است. شباهت اهداف در این است که امام حسین^ع هنگام خروج از مدینه فرمود: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌گردد؟ در چنین اوضاعی انسان مؤمن باید مشتاق لقاءالله باشد.»

۸۰۹ بدین ترتیب، مشاهده می‌کنیم که به فرمودهٔ امام حسین^ع همین‌که عمل به حق ترک شود و از باطل ممانعت نشود، کافی است که انسان مؤمن مشتاق لقاءالله و آمادهٔ شهادت شود... و ما امروز می‌بینیم که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌شود؛ و نیز شاهد هستیم که تبلیغات گمراه‌کننده و تردید و شبهه‌افکنی و غباری که برپا شده به اندازه‌ای است که چیزی نمانده چشم‌ها از دیدن و گوش‌ها از شنیدن بازماند. ما امروز در این شهر گردهم آمده‌ایم؛ شهری که در برابر شبهات و گمراهی تسلیم نشد. جمع شده‌ایم تا بار دیگر با گمراهی مخالفت کنیم چنان‌که اجدادمان پیش‌تر با آن مخالفت کرده‌اند.»

۸۱۰ در ادامه، امام با اشاره به بی‌توجهی حکومت به مناطق محروم^۱ و اینکه در بعلمک حتی یک مدرسه دولتی وجود ندارد، در خصوص نیاز منطقه به آب آشامیدنی و کشاورزی که در زمان رومیان با احداث سدهایی تأمین می‌شد و آثار برجایمانده از آن سدها هنوز در بسیاری از روستاهای بقاع وجود دارد، خاطرنشان کرد: «در قرون گذشته، در برخی از این مناطق آب شرب و کشاورزی با احداث سدها تأمین می‌شد، اما در قرن بیستم به وضعیتی رسیده‌ایم که گویی در ماقبل تاریخ به سر می‌بریم.» امام در بخش دیگری به طرح‌های ناتمام و تعطیل شده اشاره کرد که برخی از آنها عبارت بود از آبگیرهای رأس‌العین و دریاچهٔ یمونه و

۱- د.ک: پیوست شمارهٔ ۱: خلاصه‌ای از گزارش هیئت اعزامی ایرفد.

تخت شما را حفظ کند و صندلی ریاست شما را پاس بدارد و مردم را به صبر و سکوت دعوت کند، ایمان نیست. در منطق قرآن ایمان بر این مبنا تعریف شده است:

﴿رَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ * فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ أَلَيْتِيْمَ * وَكَأَيُّ حُصْنٍ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِيْنِ﴾^۱ ۸۱۸

ایمان به خدا، باوری است که موجب می‌شود انسان در برابر رنج و عذاب دردکشیدگان آرام و قرار نداشته باشد، چنان‌که در حدیث شریف آمده است: «به خدا و روز واپسین ایمان ندارد، کسی که با شکم سیر شب را به صبح برساند، درحالی‌که همسایه‌اش گرسنه است.»

۸۲۰ ایمانی که ما می‌شناسیم، این است. چگونه من می‌توانم آسوده باشم، درحالی‌که جنوب هر روز بمباران می‌شود؟ چگونه آسایش داشته باشم، در حالی‌که در حومه بیروت آوارگی و بی‌خانمانی بیداد می‌کند؟ چگونه آسوده باشم، درحالی‌که در این منطقه مشکلات اجتماعی فراوان است؟

۸۲۱ اما نتیجه به کجا می‌انجامد؟ به عقیده من، این جمع باشکوه این چهره‌ها و این حضور پرشمار، آن هم در یک کشور دمکراتیک بهترین دلیل و روشن‌ترین گواه بر مواضع مردم است و حاکمان باید در برابر آن سر تسلیم فرود آورند. اگر مسئولان امروز صدای شما را نشنوند و با جدیت برای برآوردن خواسته‌های شما گفتگو نکنند، اگر از این فرصت پدیدآمده استفاده نکنند و سرکشی و بی‌توجهی را ادامه دهند، آن وقت است که ما اقدامات غیر مسالمت‌آمیز را آغاز خواهیم کرد و هر حادثه‌ای روی دهد مسئولیت آن به عهده آنان خواهد بود. ما خیر لبنان را می‌خواهیم و می‌خواهیم لبنان حفظ شود. تا پایان عمر و تا ابدالدهر بخشی از وجدان این سرزمین خواهیم بود. در برابر آنان بانگ برمی‌آورم خواب راحت را از مسئولان سلب می‌کنم و وجدان آنان را سرزنش می‌کنم - اگر وجدانی در کار باشد، و تا زمانی که یک مظلوم، خواه شیعه باشد یا

باشکوه اعلام می‌کنم که ما خواهان حق هستیم. با هیچ شخصیتی مخالفت نداریم. خواستار حقوق خویش هستیم و ذره‌ای از آن عقب‌نشینی نمی‌کنیم.

۸۱۴ این گردهمایی نشان داد که دل‌های شیعیان یکی است و دستان و دیدگان اهالی این منطقه با هم متحد است و چون سدی محکم برای رسیدن به خواسته‌های خود ایستاده‌اند. ما بدون هیچ‌گونه تفرقه و بدون خوف و هراس در این راه به پیش می‌رویم. این همایش نشان داد که بسیاری از لبنانیان، بلکه همه لبنانیان شرافتمند در این مسیر همراه ما هستند. چرا؟ زیرا آنان از یاد نمی‌برند....

۸۱۵ لبنانیان فراموش نکرده‌اند که در ماه می، هنگام بروز فتنه‌ها من چگونه از سوریه به خیابان صبرا، به کاخ ریاست‌جمهوری و از کاخ ریاست‌جمهوری به مقر فرماندهی ارتش و از آنجا به اردوگاه‌ها در رفت‌وآمد بودم و اینجا و آنجا هر روز به استقبال مرگ می‌رفتم تا بچه‌های مردم آرامش پیدا کنند، تا مشکلات را آسان کنم و کودکان مردم زنده بمانند و نمیرند. خدا شاهد است که در آن شب‌ها حتی نمی‌توانستم دختر خردسالم را بیوسم. یادم هست که باران موشک و گلوله بر آن خانه‌ها می‌بارید و اطفال خردسال می‌مردند، و من نیمه‌شب از این سو به آن سو می‌رفتم تا اوضاع آرام شود....

۸۱۶ لبنانی‌ها این مسائل را به یاد می‌آورند. تلاش‌ها و سخنانی‌ها و آشتی‌دادن‌ها را به‌خاطر می‌آورند. مراکز درمانی را به یاد می‌آورند، موضع‌گیری‌های خارج از کشور و سفرهای مرا به یاد دارند و می‌دانند که موسی صدر و یاران موسی صدر و پیروان موسی صدر پیش از هر چیز به فکر لبنان هستند و برای حفظ و حراست از لبنان تلاش می‌کنند تا سر و بدی را از لبنان دور کنند. حتی اگر خشمی هم بوده، برای آینده لبنان و پاسداری از آینده لبنان بوده، از سر دلسوزی برای مسئولان و مقامات لبنانی بوده است، همان کسانی که از بخت بد ما و بخت بد خود ناآگاهانه و از سر عناد و بی‌توجهی رفتار می‌کنند و این به نفع آنان نیست و به همین سبب است که شایعه‌پراکنی‌ها بوده است و خواهد بود.

۸۱۷ حالا هم می‌گویند سید موسی پا را از محدوده خود فراتر نهاده و بهتر است به ایمان خود اکتفا کند. اما ایمان یعنی چه؟ ایمانی که

۱- «آیا ندیدی کسی را که دین را تکذیب می‌کند؟ هم او که یتیم را از خود می‌راند و برای اطعام تهیدستان اقدام نمی‌کند.» ماعون (۱۰۷)، ۱-۳.

راه اصلاً موضوع سوگندنامه مطرح نبود و همین امر نشان می‌دهد که خداوند متعال آن را پیش آورد. و در راه که با دوستان درباره‌ی متن سخنرانی راینزی می‌کردم، هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که سوگندنامه‌ای خوانده شود، اما چنین شد، و این بیانگر آن است که خداوند متعال بار دیگر ما را در مسیر جهاد و پیکاری دشوار و سامان‌یافته قرار داده است و از ما فقط یک سخنرانی مردمی نمی‌خواهد. این‌گونه بود که مراسم سوگند صورت گرفت و چنان‌که می‌دانید سوگند الزام‌آور است.^۱

بازتاب گردهمایی بعلبک در سرمقاله‌ی النهار

۸۲۶ یکی از مهم‌ترین تحلیل‌هایی که درباره‌ی گردهمایی بعلبک بیان شد سرمقاله‌ی روزنامه‌ی النهار بود که به قلم غسان تویینی، سردبیر این روزنامه، به تحریر درآمد و در آن چنین آمده بود:

۸۲۷ لبنان به کجا می‌رود؟ ساختار حکومتی و وضع دموکراسی در آن به کدام سو در حرکت است؟... گفتگو در جلسات یک مسئله است و صحبت انقلاب درباره‌ی خود چیزی دیگر... به‌ویژه زمانی که انقلاب ردایی بر تن می‌کند که دیروز در بعلبک به چشم دیدیم، و آن صحنه اگر انقلاب نبود، چه بود؟ آیا نظام دمکراتیک ما جز این زبان دیگری را نمی‌فهمد: اینکه خود را به محاکمه‌ی اهل قلم و تعقیب صاحبان آن سرگرم کند. آری، آن انقلابی حقیقی بود انقلابی که گلوله‌هایش فقط به سوی آسمان و در تأیید سخنان امام و رهبری شلیک شد که خدمت به انسان و احقاق حقوق و آزادی‌ها او را هم‌ارز خدمت به خداوند و عبادت او قرار داده است....

۸۲۸ آنچه دیدیم یک انقلاب بود، و شگفت نیست اگر این انقلاب شیعیان است، که گویی تقدیر شیعیان آن است که در عصر فرقه‌گرایی پیش‌تاز انقلاب همگان باشند؛ همه‌ی مناطق، همه‌ی طوایف و همه‌ی اقشار....

۸۲۹ و مگر نه اینکه تشیع گروه مصیبت‌هاست؟ مگر نه اینکه در گذر قرون و اعصار مصیبت احساس شیعیان را حساس کرده است؟ و

غیر شیعه، در این کشور وجود دارد، و تا زمانی که بر یک وجب از خاک این سرزمین بی‌توجهی یا ظلم بشود و یا گروهی بر گروه دیگر مسلط باشد، گفتن و نصیحت کردن را ادامه می‌دهم.

۸۲۲ در پایان، امام سوگندنامه‌ای را قرائت کرد و حاضران که شمار آنان بنابر نقل‌های مختلف از ۷۵ هزار تا ۱۲۰ هزار نفر بود، عبارات آن را تکرار کردند:

۸۲۳ به خداوند بزرگ و پیامبر اکرم^ص و به شرف انسانی سوگند یاد می‌کنیم که مطالبه‌ی حقوق شیعیان را بدون هراس و بدون عقب‌نشینی و مسامحه ادامه دهیم و در کنار همه‌ی مظلومان و ناتوانان بایستیم و در این راه کوتاهی و سستی نکنیم که این کار عهد و پیمان و شرافت و دین و عرض و آبروی ماست و آینده‌ی فرزندان و صیانت از میهن‌مان در گرو آن است.

۸۲۴ ما در این راه پایدار خواهیم ماند، تلاش‌های خود را هم‌سو و مواضع خویش را هماهنگ خواهیم کرد و در راه خدا گواه و شاهد بر آن خواهیم بود و خداوند نیز بر آنچه می‌گوییم، گواه است و فرشتگان و پیامبران و ارواح شهدا و صدیقان و صالحان و بندگان پاک خدا بر این امر شاهد و گواه هستند. ما همراه حق و در کنار میهن خواهیم ماند و دشمنان وطن را دشمن می‌داریم و اسرائیل و دوستان اسرائیل و حامیان اسرائیل را دشمن خود می‌شماریم. و خداوند از نیت‌ها آگاه است.^۱

نکاتی درباره‌ی سوگندنامه‌ی گردهمایی

۸۲۵ امام صدر در سخنرانی خود در مراسم افتتاح نخستین گردهمایی مقدماتی تأسیس جنبش محرومان، در خصوص قرائت سوگندنامه‌ی فی‌البداهه در گردهمایی بعلبک که ده‌ها هزار نفر از حاضران نیز آن را تکرار کردند، چنین توضیح داد: «خدا گواه است که تا آن روز و تا قبل از سخنرانی، من حتی فکر این کار را هم نکرده بودم و برای سوگندنامه برنامه‌ریزی نداشتیم. صبح روز گردهمایی که من و شیخ محمد یعقوب به اتفاق هم از شتورا به بعلبک می‌آمدیم، در

۱- اسناد نخستین گردهمایی تأسیس جنبش محرومان - امل.

۱- النهار، ۱۸/۳/۱۹۷۴.

می‌آورد.^۱

اقدامات دولت و واکنش‌های سیاسی در قبال گردهمایی بعلبک

- ۸۳۴ دولت در قبال همایش مذکور واکنش نشان داد و فرماندهی انتظامی بیروت با صدور حکم قضایی و ابلاغ آن به معاونت اطلاعات و امنیت بعلبک و نیروهای امنیتی بقاع، فرمان پیگرد همهٔ افرادی را صادر کرد که در تصاویر روزنامه‌ها در روز همایش اسلحه به همراه داشته‌اند.^۲
- ۸۳۵ - پی‌یر جمیل بر ضرورت گفتگوی جدی و مسئولانهٔ دولت و امام تأکید کرد.
- ۸۳۶ - جبران طوق، نمایندهٔ مجلس، گفت: «این مسئله فقط به شیعیان مربوط نمی‌شود، بلکه مسئلهٔ کل لبنانیان است.»
- ۸۳۷ - محمود عمار، نمایندهٔ مجلس، تأکید کرد: «کسی تردید ندارد که امام صدر نخستین کسی بود که با مطرح کردن خواسته‌های شیعیان مسئولان را برآن داشت که مفهومی به نام «حقوق شیعیان» را وارد قاموس خود کنند.»
- ۸۳۸ - عبداللطیف زین، نمایندهٔ مجلس، گفت: «راه خود را تا دستیابی به حقوق پایمال شدهٔ خویش ادامه می‌دهیم و مسئولان کشور را وادار می‌کنیم که به واقعیت‌های موجود جامعهٔ لبنان - که دیگر بر کسی پوشیده نیست - اعتراف کنند.»
- ۸۳۹ - زکی مزبوری، نمایندهٔ مجلس، گفت: «گمان نمی‌کنم که حتی یک نفر از ملت لبنان در باب اینکه خواسته‌های شیعیان مشروع و قانونی است، با امام صدر اختلاف نظر داشته باشد.»
- ۸۴۰ - امین عریس، عضو حزب هیئت ملی، اظهار داشت: «نصیحت ما این است که میانه‌روی و اعتدال پیشه کنیم و بدون تحریک مردم و دعوت آنان به خشونت، خواستار حقوق خود را شویم.»^۳
- ۸۴۱ - سرهنگ ریمون اده در پاسخ به این پرسش که در باب

این‌گونه است که جان‌های شیعیان در برابر مسئلهٔ حقوق تضییع شده و آزادی‌های پایمال شده حساسیت پیدا کرده و ذهن آنان به پیشرفت و تحول اشتیاقی وصف‌ناپذیر یافته است و، علاوه بر اینها، طاقت و تحمل آنان بسیار است؛ تحمل ظلم و سپس تحمل فداکاری و قربانی دادن در راه رهایی از آن و پیکار با ستم‌پیشگان.

۸۳۰ از طرفی، شیعیان لبنان، بنابر تعابیر اقتصادی و اجتماعی معاصر، به «پرولتاریای زمین» تبدیل شده‌اند؛ یعنی طبقه‌ای از جامعه که در ظاهر از همه تسلیم‌تر و در باطن از همه انقلابی‌تر است.

۸۳۱ خطرناک‌ترین بخش انقلاب شیعیان آن است که با گذر از مسائل ملی و سیاسی سنتی، و مسائل لبنان و قومیت و عربیت و قانون اساسی و ساختار حکومتی آن، به مفهومی عمیق‌تر و ژرف‌تر تبدیل شده و با نیازهای حیاتی و اولیهٔ انسان بیشترین پیوند را برقرار کرده و به مسائل اجتماعی و اقتصادی مهمی همچون محرومیت و ستم و مسئلهٔ زمین پرداخته است؛ زمینی که آدمی از آن می‌خواهد که غذایش دهد، اما گرسنه می‌ماند؛ و از زمین می‌خواهد که سیرایش کند، اما تشنه می‌ماند؛ و آن‌گاه که زمین از آدمی می‌خواهد که آن را حفظ و حراست کند، انسان از حمایت و حفاظت خاک و خانهٔ خویش ناتوان می‌ماند، چنان‌که خود را نیز نمی‌تواند حمایت کند؛ و سیر عبور انقلاب شیعی از خطر فرقه‌گرایی و گذر از آن در اینجا نهفته است.

۸۳۲ این خیزش انقلاب یک طایفه (شیعیان) است، اما یک انقلاب فرقه‌ای نیست. انقلاب یک فرقه بر ضد دیگر فرقه‌ها نیست؛ اما چه بسا انقلاب یک فرقه به نمایندگی از فرقه‌های دیگر باشد. این نهضت انقلاب فرقهٔ انقلابی است، زیرا از همه محروم‌تر است... فرقه‌ای که دغدغهٔ حکومت‌کردن ندارد، که حکومت از آن همه است؛ بلکه دغدغه‌اش آن است که حکومت سر تا پا ظلم و ستم نباشد؛ نه ظلم به او و نه ظلم به دیگران.

۸۳۳ اکنون بار دیگر می‌پرسیم که به کجا می‌رویم و چه باید کرد؟ و دولت در قبال این مهم چه خواهد کرد؟ دولتی که اگر خشونت ورزد، خشونت می‌بیند و اگر بیداد کند، بیداد برضد خود پدید

۱- النهار، ۱۹۷۱/۳/۱۸.

۲- النهار، ۱۹۷۱/۳/۱۹.

۳- همان.

ترقی خواه سوسیالیست، نجاهد و شورای ملی را برآن داشت که تحت عنوان تلاش برای بررسی وضعیت جاری کشور، با ایجاد جبهه‌ای ملی درصدد آرام کردن اوضاع برآیند.^۱

موضع امام صدر در قبال میانجیگری‌ها

۸۴۵ امام بر این نکته تأکید داشت که پیش از بحث و گفتگو درباره هر مسئله دیگر، دولت مستقیماً به برآورده کردن خواسته‌های شیعیان و رعایت عدالت و انصاف در حق آنان متعهد شود.^۲

۸۴۶ بنابر اخبار نقل شده، کمال جنبلاط رئیس حزب ترقی خواه سوسیالیست درصدد بود با برگزاری ملاقاتی میان امام صدر و رئیس‌جمهور، سلیمان فرنجه، در کاخ ریاست جمهوری، ارتباط قطع شده آن دو را بار دیگر برقرار سازد. امام نیز در دیداری خصوصی بیان کرد که برای گفتگو با هر کس و دیدار با هر یک از مسئولان آمادگی دارد و با گفتگو مخالف نیست، اما همه باید بدانند که نمی‌توان گفتگو را به ابزاری برای تضعیف خواسته‌های شیعیان تبدیل کرد.^۳

۸۴۷ مفتی (اهل سنت) لبنان، شیخ حسن خالد و نیز رهبر فرقه دروزیان، شیخ محمد ابوشقرا، به دیدار امام رفتند. پس از آن دیدار، شیخ حسن خالد تصریح کرد که دارالفتوای اهل سنت بیانیه‌ای در این خصوص صادر خواهد کرد. همچنین، شیخ محمد ابوشقرا بر این نکته تأکید کرد که وضعیت کشور آشکار است و ما همه درصدد حل آن هستیم. امام صدر نیز درباره آن دیدار اظهار داشت: «در همایش بعلبک که به مناسبت اربعین سیدالشهدا برگزار شد، در سخنانم به این نکته اشاره کردم که مسئولان تاکنون در باب خواسته‌هایی که مطرح کرده‌ایم و یکی از وظایف و تکالیف مهم ملی به شمار می‌آید، هیچ مذاکره و گفتگویی صورت

خواسته‌های شیعیان چه نظری دارد، گفت: «چندی پیش در ملاقات با کاردینال معوشی در بکرکی گفتم که دولت خواسته‌های فرقه‌های مارونی و سنی و به‌ویژه شیعیان را محقق نساخته است. از این رو، طبیعی است که رهبر شیعیان خواهان تحقق خواسته‌ها و حقوق آنان باشد. از طرفی، حال که در میان همه فرقه‌ها هزاران فارغ‌التحصیل دانشگاه وجود دارد، چاره‌ای جز این نیست که استخدام در دولت براساس آزمون و مسابقه باشد، اما به شرطی که آزمون‌ها به‌درستی و بدون تقلب برگزار شود، نه اینکه یک وزیر سؤالات آزمون را در اختیار فرزندش قرار دهد.»

۸۴۲ وی در پاسخ به پرسشی درباره تهدید امام به شورش و تحصن گفت: «در زمان حضور فرانسویان در لبنان، اسقف مبارک نیز در سخنان خود تهدید می‌کرد که در کلیسای سنت جورج تحصن خواهد کرد. به عقیده من هر فرقه باید بهترین‌های خود را به نمایندگی خود انتخاب کند، یعنی اینکه بهترین پزشک و بهترین مهندس و خلاصه بهترین افراد انتخاب شوند، نه اینکه افراد فاقد صلاحیت به سبب آشنایی با فلان مسئول و فلان وزیر انتخاب شوند.»^۱

۸۴۳ - نصری معلوف، وزیر دفاع، در پاسخ به پرسشی درباره وجود سلاح‌های بسیار در دست حاضران در همایش بعلبک اظهار داشت: «وجود این همه سلاح در همایش بعلبک و شلیک فراوان تیر بدون آنکه از آن جمعیت بسیار حتی یک نفر آسیب ببیند، نشانگر آن است که ملت ما به جایگاه والایی از پیشرفت و تمدن رسیده است. نیز نشان می‌دهد که آزادی‌هایی را که به ما داده شده محترم می‌شماریم و آن را جز در چارچوب حفظ منافع والای میهن به کار نمی‌گیریم.»^۲

۸۴۴ بدین ترتیب، همایش مردمی بعلبک اوضاع خاصی را به وجود آورد و به‌ویژه حضور مسلحانه افراد و هراس از آغاز تحرکات و شورش‌های مردمی، احزاب کتائب و تجمع ملی، ملی‌گرایان آزاد،

۱- همان.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۳/۲۱.

۳- الحوادث، شماره ۹۰۷، ۱۹۷۴/۳/۲۹؛ البلاغ، شماره ۱۲۹، ۱۹۷۴/۷/۱ و شماره

۱۳۶، ۱۹۷۴/۸/۱۹.

۱- الجریده، ۱۹۷۴/۳/۲۰.

۲- الجریده، ۱۹۷۴/۳/۲۰.

نداده‌اند. به نظر می‌رسد که این گفته من در ذهن بسیاری از شهروندان و در رأس آن رؤسای فرقه‌ها، به‌ویژه جناب مفتی جمهوری لبنان و جناب شیخ عقل طایفه دروزیان، تأثیر داشته است و این دو بزرگوار امروز نزد من آمدند و مرا به دیدار خود مفتخر کردند و آمادگی کامل خود را برای چنین گفتگوهای ابزار داشتند، و از این دو جز این هم انتظاری نمی‌رود، چرا که این دو بزرگوار نماد بخش مهمی از وجدان لبنان و حمایت از مظلومان و ساختن آینده هستند.»^۱

گردهمایی صیدا

۸۴۸ در شرایطی که از سوی، بی‌توجهی دولت نسبت به خواسته‌های مطرح‌شده امام صدر ادامه داشت و از سوی دیگر، جریان‌های سیاسی و مردمی بیش از گذشته به حمایت و تأیید مواضع ایشان برخاسته بودند، امام در پاسخ به دعوت معروف سعد، نماینده سابق صیدا در مجلس لبنان، در مراسمی حضور یافت که در تاریخ ۱۹۷۴/۴/۴ و به مناسبت بزرگداشت زادروز نبی مکرم اسلام^ص در شهر صیدا برگزار شد.

۸۴۹ جمعیت زیادی از اهالی صیدا و روستاهای جنوب برای شرکت در مراسم مذکور از صبح زود به طرف مسجد بزرگ عمری صیدا در حرکت بودند. همچنین شمار زیادی از اهالی صیدا با وجود بارش باران از ساعات اولیه صبح در مبادی ورودی شمال شهر صیدا برای استقبال از امام تجمع کرده بودند. در چنین وضعیتی، حضورنداشتن نیروهای امنیتی و انتظامی در محل استقبال و داخل شهر توجه‌برانگیز بود و فقط دو موتورسیکلت از یگان انتظامی صیدا پیشاپیش کاروان حامل امام حرکت می‌کرد. بدین ترتیب، جوانان سازمان ناصریست‌ها (التنظیم الناصری) حفظ نظم و امنیت در مسیر و محل تجمع را عهده‌دار بودند.^۲

۸۵۰ در ساعت نه و پانزده دقیقه کاروان حامل امام صدر به پل

الاولی در ورودی شهر رسید و جمعیت با سر دادن شعار از ایشان استقبال کردند. کاروان با عبور از خیابان‌های اصلی صیدا که دو طرف آنها مملو از جمعیت بود، خیابان ریاض الصلح را نیز پشت سر گذاشت و به طرف مسجد بزرگ عمری به راه افتاد که جمعیت کثیری در آن برای استقبال از امام آمده بودند.

۸۵۱ بام ساختمان‌ها و خیابان‌های اطراف مسجد آکنده از افراد و گروه‌هایی بود که برای تأمین امنیت و یا خوشامدگویی به امام ایستاده بودند. امام در میان هلهله بانوان و شعارهای پرشور طرفداران او و اقداماتش وارد مسجد شد. قطع ناگهانی برق مسجد که با هدف جلوگیری از پخش سخنرانی امام از بلندگوها صورت گرفت، شور و خروش جمعیت را دوچندان کرد. امام که پس از قرار گرفتن پشت تریبون با قطع ناگهانی برق مواجه شده بود، سیل جمعیت حاضر را با صدای بلند خطاب قرار داد و فرمود: «برق نیست... برق را قطع کردند تا صدایم را نشنوید... من نیروگاه برق ندارم، تا حد امکان نزدیک بیایید تا صدایم به شما برسد.»

۸۵۲ سپس امام سخنان خود را با تأکید بر وحدت مسلمانان، با وجود تفاوت میان مذاهب، آغاز کرد و با اشاره به نخستین گفتار رسول خدا^ص که فرمود: «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا»، از حاضران خواست که جمله «لا إلا إلا الله فی السماء و فی الأرض» را همراه ایشان تکرار کنند. سپس سخنان خود را چنین ادامه داد:

۸۵۳ «ما اهداف شخصی نداریم، ولی آنان از ما می‌خواهند که ساکت شویم. اگر ما به نمازخواندن اکتفا می‌کردیم و مشکلات مردم را نادیده می‌گرفتیم، برای آنان عزیزترین بودیم. ما را روی سرشان می‌گذاشتند، تصویر تزیینی روی دیوارشان می‌شدیم... تابلوهای هنری... ولی روش و سیره رسول خدا^ص این‌گونه نیست. ما پیرو رسول خدا^ص هستیم...»

۸۵۴ من هنوز سیلی نخورده‌ام، ولی منتظر آن لحظه هم هستم. هنوز مورد اصابت گلوله قرار نگرفته‌ام، اما منتظرم که آن لحظه هم فرا برسد. هنوز پیشانی‌ام مجروح نشده، ولی منتظر آنم.»

۸۵۵ ایشان در ادامه خطاب به حاضران گفت: «خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ و زینت مردان

۱- الجریده، ۱۹۷۴/۳/۲۰.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۴/۵.

- ۸۵۶ سلاح است و ما با این زینت و حمل آن موافق هستیم.»
در این لحظه، امام به محراب مسجد که در آن ایستاده بود رو کرد و ادامه داد:
- ۸۵۷ «محللی که اکنون در آن ایستاده‌ام، محراب (رزمگاه) نام دارد. راستی، رزم و جنگ چه ارتباطی با مسجد دارد؟... علت این نامگذاری آن است که اینجا محل نبرد با شیطان است و شیطان یاران و سربازانی دارد. هر فرد طاغوتی شیطان است. هر ستمگری شیطان است. هر مستبد و خودکامه‌ای شیطان است. هر کس بیهوده نق بزند، شیطان است. هر کس از گفتن حق خاموش ماند، شیطان گنگ است، و ما با طاغوتیان و مستبدان مبارزه خواهیم کرد....»
- ۸۵۸ اگر در برابر ظلم و ستم رنج‌دیدگان جنوب که در زیر حملات اسرائیل هستند، سکوت کنیم، اگر در قبال توطئه‌ها سکوت کنیم و اگر در قبال بلعیدن اموال مردم و گرانی و رشوه و غیر اینها سکوت کنیم، در دل مسئولان از همه عزیزتر خواهیم شد. ولی ما پیروان راه محمد پیامبر^ص و راه مبارزه با ظلم و ستم هستیم، زیرا کسی که از گفتن حق سکوت کند، شیطان گنگ است و من شیطان نیستم.»
- ۸۵۹ امام در ادامه خطاب به علمای دین فرمودند: «برادران روحانی‌ام، هر وقت احساس کردید که حاکمان و سردمداران بر شما خشم گرفته‌اند، بدانید که در راه صحیح قرار دارید، محمد^ص که عبادت خداوند را از خدمت به انسان‌ها جدا نمی‌دانست... از پرستش خدایان زمینی و طاغوتیان - در هر لباس و منصبی که باشند - بپرهیزید و در کنار انسان، در کنار ملت و در کنار رنج‌کشیدگان زمین و رنج‌دیدگان جنوب قرار گیرید.»
- ۸۶۰ از ما می‌خواهند سر فرود آوریم، من نمی‌توانم چنین کنم. از ما می‌خواهند تسلیم شویم، من تسلیم نمی‌شوم، می‌خواهند چاپلوسی کنیم، چاپلوسی کار من نیست. به جای آن فریاد برمی‌آورم و سخن می‌گویم. خیرخواه لبنان هستم... لبنان آینده... با من می‌جنگند. چرا؟ من که نخواستم لبنان تجزیه شود. من که نخواستم لبنان زیان ببیند. مدام در شعرها و آوازه‌هایشان می‌خوانند «بیا تا لبنان را بسازیم»... ما هم می‌گوییم همین کار را بکنید و برای
- ۸۶۱ محقق‌کردن این شعار اقدام کنید.
چهارصد میلیون لیره برای امور اداری طرح لیطانی هزینه کرده‌اند. یکی از مسئولان در بیروت از من پرسید: می‌دانید جنوب چقدر مالیات می‌دهد؟ فقط ۱۴۰ هزار لیره. گفتم: کمی مالیات جنوب نشان می‌دهد که در جنوب درآمدی وجود ندارد. ما مالیات غیرمستقیم بهای شکر و گندم و برنج و تنباکو را می‌پردازیم. جنوب و بقاع و شمال و عکار همگی این مالیات را می‌پردازند. به‌علاوه، جنوب با خون خود و با ویرانی خانه‌های خود مالیات می‌دهد. اهالی جنوب شب را تا به صبح در حال آماده‌باش و نگرانی و هراس از اسرائیل می‌گذرانند. آیا مالیاتی سنگین‌تر از ترس و هراس وجود دارد؟ ما می‌خواهیم جنوب را به سراسر لبنان پیوند دهیم. می‌خواهیم بقاع را به همه لبنان مرتبط سازیم. می‌خواهیم عکار و شمال لبنان را به سراسر لبنان پیوند دهیم. به نظر ما معنای حقیقی بزرگداشت زادروز پیامبر^ص همین است.
- ۸۶۲ اسوهٔ حسنهٔ ما رسول خدا^ص است و ما باید از این راه و روش پیروی کنیم... راه رسیدن به لبنان آینده، وطنی که در آن شهروندان احساس مسئولیت کنند، کرامت و عزتشان محفوظ باشد و در برابر ظلم سکوت نکنند.
- ۸۶۳ سلامتی سربازان و حفظ لبنان و سربلندی اعراب جز با حفظ کرامت انسان و حقوق او و با برقراری عدالت اجتماعی در روابط میان مردم تحقق نخواهد یافت. این عید و این روز بزرگ نیز پس از جنگ رمضان به ما رو کرده است تا برکت و میمنت آن بیش از پیش نمایان شود و ما را بیشتر به سوی پیمودن راه محمدی^ص هدایت و راهنمایی کند، تا در کنار محرومان بایستیم و با دفاع از حقوق ستمدیدگان جنوب را در جایگاهی رفیع‌تر قرار دهیم تا به نوک پیکان و سرنیزهٔ ایستاده پیش روی دشمن تبدیل گردد.
- ۸۶۴ اینک که در قلب جنوب و در صیدا هستیم، می‌خواهیم که جنوب سربلند باشد. صخرهٔ ستبری باشد که پندارهای اسرائیل در برخورد با آن نقش بر آب گردد. مقدمهٔ آزادی فلسطین و طلایه‌دار مبارزه برضد اسرائیل باشد. جنوب نوک پیکان مبارزه با اسرائیل و زمینه‌ساز آزادی سرزمین مقدس است. نمی‌خواهیم که

جنوب این‌گونه ناتوان و بحران‌زده باشد، یا به سرزمینی جدا افتاده و خودمختار تبدیل شود. جنوبی می‌خواهیم که به لبنان پیوسته و پایبند باشد و با این امت پیوند داشته باشد. متحد و یک‌صدا با امت عرب، چون سرنیزه‌ای در دست آنان گردد. نه ناتوان و از هم گسیخته، بلکه سربلند و پرتوان باشد. تلاش می‌کنیم که سیره رسول خدا^ص را در جنوب اجرا کنیم.»

۸۶۵ پس از سخنان امام صدر، جمعیت حاضر که گمان کردند مراسم به پایان رسیده می‌خواستند از مسجد خارج شوند، ولی امام از آنان خواست که در جای خود باقی بمانند و به سخنان شیخ فهیم ابوعبیه، نماینده‌ی الأزهر در لبنان، گوش فرادهند، و او در سخنان خود چنین گفت:

۸۶۶ «عمامه سیاه سید موسی صدر و عمامه سفید من همچون سیاهی و سفیدی چشم هستند که با هم درآمیخته‌اند و مکمل یکدیگرند. همه ما پیروان محمد^ص هستیم و میان مذاهب تفرقه و گسستگی وجود ندارد. همه ما با این سخن امام صدر موافقیم که فرمود: «مسلمان نباید مثل یک تابلوی تزئینی و چشم‌نواز باشد» و نباید آخرت رایه متاع دنیا بفروشد، که در این صورت قادر نخواهد بود انسان‌ها را از قید و بند رها سازد یا ستمگران را رسوا کند.»

۸۶۷ پیش از شیخ فهیم ابوعبیه، شیخ احمد الزین، قاضی القضاات منطقه حاصبیا، در سخنان خود با اعتراض به تفرقه و اختلاف میان مذاهب اسلامی و با اشاره به حضور دو تن از سلاله پیامبر^ص یعنی امام سید موسی صدر و شیخ محمد سلیم جلال‌الدین قاضی شرع صیدا، در آن مجلس تصریح کرد: «حضور این دو نواده رسول خدا^ص در کنار هم تأکیدی است بر معنای وحدت اسلامی که تقسیم فرقه‌ای و مذهبی در اسلام را نفی می‌کند.»

۸۶۸ در آغاز مراسم نیز شیخ سلیم سوسان، رئیس اداره اوقاف اسلامی شهر صیدا، در سخنانی درباره سیره نبوی^ص با اشاره به قطع برق در مسجد گفت:

۸۶۹ «چه برق باشد و چه قطع شود، ما میلاد پیامبر اکرم^ص را جشن می‌گیریم، زیرا نور محمد^ص موجب روشنائی محفل ماست و ما از پرتو انوار محمدی روشنائی می‌جوییم، نه بانور برق دولت صدای

ما که بانگ حقیقت است، نه تنها به بیرون از مسجد می‌رسد، بلکه تا بلندای آسمان طنین‌انداز می‌شود.»

۸۷۰ در پایان مراسم، نمازگزاران درحالی‌که امام صدر و دیگر علما پیشاپیش آنان در حرکت بودند، از مسجد خارج شدند و به طرف دارالیتیم العربی و خیابان ریاض‌الصلح به راه افتادند. در آنجا امام با بدرقه حاضران صیدا را ترک کرد و جمعیت درحالی‌که تیراندازی هوایی می‌کردند و معروف سعد را بر روی دست می‌بردند، راهپیمایی خود را به طرف میدان جمال عبدالناصر ادامه دادند. معروف سعد، نماینده سابق مجلس لبنان، نیز در مقابل اتحادیه ماهیگیران صیدا طی سخنانی خطاب به حاضران گفت: «ما تا پایان از تلاش‌های امام صدر و خواسته‌های ایشان درباره جنوب حمایت خواهیم کرد و در این مناسبت خجسته بار دیگر خواسته‌هایی را که برای توسعه جنوب مطرح کرده بودیم تکرار می‌کنیم، زیرا از این پس، دیگر سکوت در این باره جایز نیست.»

جلسات پیگیری مصوبات گردهمایی بعلبک

۸۷۱ کمیته پیگیری تجمع شخصیت‌ها و علمای شیعه بار دیگر تشکیل جلسه داد و مقرر شد با دعوت از شخصیت‌های سیاسی-مذهبی شیعیان به جلسه، در باب تدابیر و راهکارهای مناسب در این زمینه بحث و بررسی شود. امام صدر نیز در آن جلسه خطاب به حاضران تأکید کرد که از مواضع خود و خواسته‌هایی که در بعلبک مطرح شده عقب‌نشینی نخواهد کرد، هرچند این کار بسیار گران تمام شود و مسئولان برای توجیه و تضعیف تلاش کنند.^۲

۸۷۲ در پاسخ به فراخوان مذکور، چهل شخصیت سیاسی شیعیان از جمله صبری حماده، رئیس اسبق پارلمان، و محمود عمار و احمد اسبر و محمد یوسف بیضون و حسین منصور و عبداللطیف الزین و حسین الحسینی و ریاض طه در مقرر مجلس اعلا شیعیان گرد هم آمدند و بیانیه‌ای صادر کردند مبنی بر تشکیل جنبش حمایت

۱- النهار، ۱۹۷۴/۴/۵.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۳/۲۱.

نخست‌وزیر، تقی‌الدین الصلح، مبنی بر لزوم ارائه طرح تفصیلی درخواست‌های شیعیان به هیئت دولت، مجلس اعلا بعدازظهر روز ۱۱/۴/۱۹۷۴ به ریاست امام صدر تشکیل جلسه داد. سه تن از نمایندگان پارلمان به نام‌های عبداللطیف الزین و حسین الحسینی و محمود عمار در آن نشست حضور داشتند، اما وزرای شیعه کابینه غایب بودند. امام صدر پس از پایان جلسه اعلام کرد که بنابر تصمیم اتخاذشده در جلسه پیشین، طرح تفصیلی درخواست‌ها آماده شد و در اختیار حاضران قرار گرفت. محتوای طرح بیانگر سهولت اجرای درخواست‌ها و تأثیر آن در خدمت به میهن و عموم شهروندان بود. از طرفی، با وجود گذشت ده ماه از مطرح شدن درخواست‌ها (یعنی از ۲/۶/۱۹۷۳ و تشکیل جلسه‌ای که به تدوین میثاق استعفای وزرا و نمایندگان شیعه منجر شد)، مجلس اعلا بی‌توجهی مسئولان به درخواست‌ها را محرز دانست و پس از بحث و بررسی، حاضران در جلسه ضمن ابراز تعجب از نادیده گرفته شدن خواسته‌های به حق شیعیان را از سوی مسئولان در مدت مذکور، چنین مقرر کردند:

۸۷۵ مجلس اعلا باید اقدامات اجرایی ذیل را به شکل موازی و

هم‌زمان در اسرع وقت به انجام رساند:

۸۷۶ ۱. برپایی دو گردهمایی بزرگ، یکی در جنوب و دیگری در بیروت.

۸۷۷ ۲. طرح درخواست‌ها از سوی نمایندگان شیعه پارلمان و مطرح کردن سؤال‌هایی از اعضای دولت که به استیضاح آنان منجر شود و شرط رأی اعتماد به دولت فعلی یا هر دولت دیگر اجرای درخواست‌ها باشد.

۸۷۸ ۳. برپایی کنفرانس‌های مطبوعاتی با حضور کارشناسان مجلس اعلا شیعیان به منظور تشریح طرح‌ها و درخواست‌های مطرح شده و بررسی میزان تأثیر آنها در ابعاد ملی و بیان انحرافات که در امر اجرای درخواست‌ها پدید آمده و کوتاهی‌هایی که مانع از اجرای آنها شده است.

۸۷۹ ۴. ارتباط با شخصیت‌ها و گروه‌ها و جریان‌های مختلف حاضر در صحنه سیاسی لبنان به منظور تبیین خواسته‌های شیعیان

از خواسته‌هایی که امام اعلام کردند. همچنین، مقرر شد برای بررسی اوضاع جلسات به صورت دوره‌ای ادامه یابد و مجلس اعلا شیعیان بعدازظهر شنبه بعد حاضران در جلسه را از نتایج بررسی درباره جزئیات درخواست‌ها و روش اجرایی کردن آنها آگاه کند. امام صدر نیز در سخنانی تصریح کرد: «به‌رغم همه احترامی که [برای رئیس‌جمهور] قائل هستیم، با ایشان ملاقات نمی‌کنیم، زیرا این کار قبلاً صورت گرفته و درخواست‌های ما نیز منتشر شده است و همگان از آن باخبرند. این درخواست‌ها پنج ماه پیش به مسئولان داده شده و هیچ خبری از تحقق آنها نشده است. تنها نکته جدید آن است که با توجه به مواضع نهایی دولت درقبال خواسته‌های مطرح شده، ما به‌زودی راهکارهای اجرایی را تعیین خواهیم کرد.»^۱

۸۷۳ فردای آن روز، دو هیئت اجرایی و شرعی مجلس اعلا به ریاست امام صدر تشکیل جلسه داد و بیانیه‌ای در آن نشست صادر شد. در بخشی از بیانیه چنین آمده بود: «... امام صدر در این نشست با بیان تحولات و مراحل پیگیری حقوق شیعیان، مطالب مطرح شده در گفتگوهای خود با نخست‌وزیر را به اطلاع حاضران رسانید و اعلام کرد که نخست‌وزیر منتظر دریافت طرح تفصیلی مربوط به درخواست‌هاست و این طرح در پایان همین هفته به هیئت دولت تقدیم خواهد شد. مجلس اعلا رضایت کلی خود را از روند اوضاع، به‌ویژه پس از گردهمایی بعلبک و بازتاب‌های آن اعلام می‌کند و با راهکارهای اجرایی مطرح شده از سوی امام صدر موافق است.» در آن جلسه، امام در پاسخ به پرسشی چنین فرمود: «گردهمایی‌هایی مانند گردهمایی بعلبک در مناطق مختلف لبنان از جمله شهر صور برگزار خواهیم کرد.»^۲

طرح تفصیلی درخواست‌ها و تبیین راهکارهای اجرایی

۸۷۴ در ادامه تکمیل اقدامات کمیته پیگیری و با توجه به اظهارات

۱- النهار، ۱۹۷۴/۳/۲۶.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۳/۲۷.

شده است، اقدامات عملی را برای اعزام نیروهای ارتش به روستاهای مرزی به منظور دفاع از آنها آغاز کند.

۸۸۵ پس از قرائت بیانیه، امام در پاسخ به پرسشی گفت:

۸۸۶ «هرگز عقب‌نشینی نکردیم و نخواهیم کرد. تا کنون همواره خواسته‌ایم به مسئولان فرصت دهیم تا کاری بکنند. حالا هم تصمیم بر این است که گردهمایی مردمی بزرگی در روز یکشنبه ۵ ماه می برگزار شود. چندی پس از آن نیز یک گردهمایی در بیروت برگزار خواهیم کرد و در یکی از مساجد بیروت تا برآورده شدن همه خواسته‌ها تحصن می‌کنیم.»^۱

۸۸۷ هنگام آماده‌سازی مقدمات گردهمایی صور، امام با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که از جمله اهداف این گردهمایی برگزاری منظم و مسالمت‌آمیز مراسم است و بدون حمل سلاح و یا تیراندازی هوایی برگزار خواهد شد: «برگزاری موفق این گردهمایی به شکل مسالمت‌آمیز و بدون سلاح، دلیل روشنی بر آگاهی هموطنان از مقتضیات اوضاع کنونی و شرایط موجود است و، علاوه بر آن، این گردهمایی نوعی اظهار نظر به روش دموکراتیک خواهد بود که اجازه نمی‌دهد معامله بر سر منافع مردم و ادعای قیمومیت بر آنها ادامه پیدا کند.»^۲

تعرض به یاران امام پیش از برگزاری گردهمایی

۸۸۸ روزنامه‌النهار در تاریخ ۱۹۷۴/۵/۴ (یک روز پیش از گردهمایی صور) در خبری چنین نوشت:

۸۸۹ در منطقه بنت‌جبیل طرفداران کامل اسعد، رئیس پارلمان سه خودرو را متوقف کردند که برای دعوت از مردم به منظور شرکت در گردهمایی بزرگداشت سالروز میلاد حضرت فاطمه زهرا^س بسایه‌های تبلیغاتی توزیع می‌کردند. طرفداران کامل اسعد سرنشینان خودروها را از ادامه فعالیت بازداشتند. همچنین، یکی از یاران امام صدر از سوی آنان مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

به‌گونه‌ای که افکار عمومی لبنان از صحت و عادلانه‌بودن خواسته‌های مجلس اعلا و اخلاص و منش صحیح رهبران آن اطمینان پیدا کنند و در تأیید و حمایت از مجلس اعلا و شخصیت‌های شیعه موضع‌گیری کنند.

۸۸۰ همچنین، حاضران در جلسه تعیین افرادی برای مأموریت‌های مذکور و تعیین موعد برگزاری دو همایش مورد نظر را - که آخرین مرحله از واکنش‌های مسالمت‌آمیز به شمار می‌آمد - به امام صدر واگذار کردند. امام اعلام موعد برگزاری گردهمایی‌های مذکور و زمان آغاز روش‌های غیرمسالمت‌آمیز را رد کرد و آن را جزء تصمیمات محرمانه برشمرد.^۱

گردهمایی صور

مقدمات و زمان برگزاری گردهمایی

۸۸۱ هیئت اجرایی و شرعی مجلس اعلا شیعیان در جلسه‌ای که به ریاست امام صدر برگزار شد، ضمن بررسی اوضاع جنوب، بیانیه‌ای صادر کردند که در آن بر موارد ذیل تأکید شد:

۸۸۲ ۱. محکومیت شدید بی‌توجهی دولت به تأمین امکانات لازم برای دفاع از جنوب لبنان و پاسداری از جان و مال مردم که دولت نیز رسماً به آن اعتراف کرده است. از نظر مجلس اعلا دلایل و توجیهاتی که مسئولان دولتی در جلسات پارلمان مطرح کرده‌اند، قانع‌کننده نیست.

۸۸۳ ۲. مجلس اعلا نادیده گرفته شدن خواسته‌هایی را که مجلس از بدو تأسیس و در مدت پنج سال گذشته در خصوص دفاع از جنوب و تقویت و تحکیم زیرساخت‌های دفاعی و اجباری شدن خدمت وظیفه عمومی مطرح کرده است، محکوم می‌کند. این بی‌توجهی‌ها که از گذشته تاکنون موجب ادامه تجاوزات هوایی و زمینی اسرائیل به لبنان شده و کرامت شهروندان را تهدید کرده است، با وظایف دولت در قبال میهن و شهروندان همگونی ندارد.

۸۸۴ ۳. مجلس اعلا از دولت می‌خواهد همان‌گونه که رسماً متعهد

۱- النهار، ۱۹۷۴/۴/۲۷.

۲- الجریده، ۱۹۷۴/۵/۳.

۱- متن مذاکرات مجلس اعلا شیعیان، ۱۹۷۴/۴/۱۲.

را از خواب بیدار کردم و موضوع را گفتم. تصمیم گرفت خودش برود و از نزدیک وضعیت را بررسی کند. دو تن از جوانان را نیز همراه خود برد. مدتی بعد خبر رسید که راه بازگشایی شده است. معلوم شد دکتر چمران به ابتکار جالبی دست زده و به همراه آن دو جوان شاخه‌های بزرگی را از درختان سرو و صنوبر کنار جاده جدا کرده‌اند و آنها را محکم به جلوی خودروها بسته‌اند و یک جابجایی متحرک^۱ ساخته‌اند... خلاصه به این روش راه بازگشایی شد.

اخبار و مقالات روزنامه‌ها پیش از گردهمایی

۸۹۶ پیش از برگزاری گردهمایی صور، روزنامه بیروتی لسان‌الحال مقاله‌ای با عنوان «گفتگو با امام صدر را آغاز کنید» به قلم جبران حایک منتشر کرد. نویسنده در مقاله خود با طرح پرسشی مبنی بر اینکه «دولت در قبال خواسته‌های شیعیان - که بی‌توجهی به آنها در آینده نزدیک امنیت جامعه را خدشه‌دار خواهد کرد - چه اقدامی کرده است؟»؛ در ادامه چنین نوشته بود: «امام صدر خواسته‌های مشخص و آشکاری را مطرح کرده و به روش‌های مختلف با مسئولان تماس برقرار کرده است. از یک سال پیش که نمایندگان شیعه پارلمان میثاق مشهور خود را امضا کرده‌اند، امام با هر وسیله و روش ممکن درصدد جلب توجه مسئولان به خواسته‌های عادلانه شیعیان بوده و ضمن دیدار با سران طوایف و مذاهب مختلف، جلساتی نیز با شخصیت‌های سیاسی برگزار کرده تا توجه مسئولان دولتی و غیردولتی را به خواسته‌های مطرح شده معطوف کند. اما هنگامی که با بی‌توجهی مسئولان مواجه شد، روش دیگری را در پیش گرفت که همان برگزاری تجمع و همایش‌های مردمی است. بزرگ‌ترین این همایش‌ها در بعلبک برگزار شد. ایشان فردا یکشنبه نیز همایش دیگری را در صور برگزار خواهد کرد تا بار دیگر خواسته‌های شیعیان را در آن مطرح کند و مسئولیت مسئولان را به آنان متذکر شود.» نویسنده مقاله خود را با این پرسش به پایان برده بود که «چرا مسئولان از

۸۹۰ در تبیین یکی از طرفداران امام صدر به نام احمد مسلمانی که با الصاق تصویر امام بر روی خودرواش مردم را به حضور در گردهمایی فرامی‌خواند، از سوی محافظ حمید دکروب، نماینده پارلمان لبنان، با قنداق اسلحه مورد تعرض قرار گرفت. دکروب هم شخصاً از خودرو پیاده شد و وی را با لگد مورد حمله قرار داد.

۸۹۱ در شهابیه و سلعا مردان مسلح دو خودرو متعلق به سلیم طالب رقه و کامل سلامه را به سبب حمل تصویر امام صدر به رگبار گلوله بستند.^۱

۸۹۲ در تاریخ ۱۹۷۴/۵/۸ نیز در همان روزنامه خبر ذیل منتشر شد:

۸۹۳ یکی از دست‌اندرکاران برگزاری گردهمایی صور اعلام کرد که نیمه‌شب پیش از برگزاری گردهمایی (یکشنبه ۱۹۷۴/۵/۵) تعداد زیادی میخ در راه‌های اصلی منتهی به محل برگزاری گردهمایی مشاهده کرده و بلافاصله با همکاران خود تماس گرفته و آنان با استفاده از شاخ و برگ درختان و بستن آنها به جلوی بلدوزر، اقدام به پاکسازی راه‌ها کرده‌اند و میخ‌ها را که در کیسه‌های نایلون جمع‌آوری شده بود در زمان برگزاری همایش به امام صدر تحویل دادند.^۲

۸۹۴ نبیه بری، رئیس فعلی پارلمان لبنان، در خاطرات خود درباره این واقعه چنین می‌گوید:

۸۹۵ جاسوس‌ها کار خود را کرده بودند و به یکی از طرفداران کامل اسعد به نام محمد حیدر دستور داده بودند و او میخ‌ها را در طول مسیر حذفاصل پل قاسمیه تا ورودی شهر صور پخش کرده بود. در نتیجه، خودروهایی که به پل قاسمیه می‌رسیدند، پنجر می‌شدند و از ادامه راه بازمی‌ماندند. بدین ترتیب، ده‌ها خودرو در طول جاده - که تنها مسیر منتهی به محل گردهمایی بود - از حرکت بازمانده بودند. یکی از دوستان آمد و مرا بیدار کرد و قضیه «میدان میخ» را برایم توضیح داد... مانده بودیم که چه کنیم. دکتر مصطفی چمران

۱- النهار، ۱۹۷۴/۵/۴.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۵/۸.

۱- هیثم، نبیل، همان، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

وقوع یک انفجار مردمی جلوگیری نمی‌کنند؟ فرصت اقدام و آغاز گفتگو هنوز پیش روی آنان است. امام و مجلس اعلا شیوه نرم و مسالمت‌آمیزی را در پیش گرفته‌اند و دولت حق ندارد به بهانه تهدید یا خشونت از گفتگو سر باز زند.^۱

برگزاری گردهمایی

همایش صور با استقبال پرشور مردمی و حضور بزرگان و شخصیت‌های سیاسی شیعه و مشارکت گسترده علما برگزار شد به گونه‌ای که می‌توان گفت که در این همایش استوانه‌ها و ارکان شیعیان گردهم آمده بودند. این در حالی بود که دیگران در تلاش برای اثبات وجود خویش و کمرنگ جلوه دادن حمایت مردمی از نهضت امام صدر، با فتنه‌پراکنی در روستاهای شیعه و مسدود کردن راه‌ها و جلوگیری از پخش تبلیغات مربوط به اعلام زمان گردهمایی، سعی در ممانعت از حضور و مشارکت مردم داشتند؛ حتی از پراکندن میخ در جاده‌ها و راه‌های منتهی به محل گردهمایی فروگذار نکردند. امام نیز در سخنرانی خود در گردهمایی مذکور با اشاره به این افراد و اعتراض شدید به رفتارشان، آنان را «خفاش‌های ترسوی شب» نامید که «برای فتنه‌انگیزی تلاش می‌کنند و جرئت ظاهر شدن در روشنایی روز را ندارند.»

امام صدر سخنرانی خود را با سخن گفتن از حضرت زهرا^ص، دختر گرامی پیامبر اکرم^ص، و سالروز شهادت ایشان آغاز کرد و بر این نکته تأکید کرد آن حضرت به سبب اعمال صالح خود، و نه به سبب نسب و خویشاوندی‌اش با رسول خدا^ص به چنان جایگاه رفیعی دست یافت. در بخشی از سخنان خود تصریح کرد: «... آنان که فکر می‌کنند با برگزاری مراسم در تالارها و حرف و وعده و برپایی جلسات در کاخ‌ها می‌توان کشور را حفظ کرد و آنانی که گمان می‌کنند با وعده و سخن‌پراکنی مرزها حفظ می‌شود و با القاب و عبارات می‌توان از کرامت میهن پاسداری کرد، بدانند که

فاطمه^ص و محمد^ص با آنان و باورهای آنان مخالف هستند و آنان را تکذیب می‌کنند، آنجا که رسول خدا^ص می‌فرماید: «ای فاطمه، برای خود عمل صالح ذخیره کن و بدان که من در پیشگاه خدا نمی‌توانم برایت کاری انجام دهم.»

امام، در ادامه، کیسه‌ای را بالا برد که میخ‌های جمع‌آوری شده از سطح جاده‌ها در آن بود، و فرمود: «این میخ‌ها دیروز در راه شما ریخته شده بود و جوانان نیمه شب آنها را جمع کردند و پیش من آوردند... دیروز روز میخ و گلوله و هجوم بود. شیشه‌های خودروها هدف گلوله قرار گرفت. دروغ گفتند و شایعه‌پراکنی و اغتشاش کردند و به هر کاری دست زدند، ولی شما آمدید. این گردهمایی نشان می‌دهد که شما از قید و بند و ترس رها شده‌اید. از سلطه فئودال‌ها و از پندارهای بی‌اساس رهایی یافته‌اید...»

امام در بخش دیگری از سخنان خود خطاب به حاضران فرمود: «درود همه ما به جنوب پایدار و قهرمان، به اهالی بقاع و بعلبک و هرمل که چهل روز پیش در کنار آنان گردهم آمدیم و قول شرف دادیم و سوگند یاد کردیم که راه خود را ادامه دهیم. به مسئولان فرصت دادیم که اجرای طرح‌ها را آغاز و تصمیمات لازم را اتخاذ کنند، ولی تاکنون امیدهای ما بی‌نتیجه بوده است و جز فرافکنی و تردید و دردسرآفرینی هیچ ندیده‌ایم... در گوشه و کنار عده‌ای با عقب‌نشینی از مواضع خود موجب شدند که طرح‌های پیشنهادی نیمه‌کاره رها شود. این بود که مجبور شدیم همایش امروز را با حضور اهالی بعلبک و هرمل، اهالی بیروت اهالی بقاع غربی و اهالی شمال برگزار کنیم. اگر به خواسته‌های ما توجه نکنید و پاسداری از لبنان را - که جز با کاستن از درد و رنج میهن ممکن نخواهد بود - نپذیرید، آن‌گاه ناچار می‌شویم همایش بزرگ دیگری را این بار در قلب پایتخت برگزار کنیم...»

از زمان تشکیل مجلس اعلا شیعیان بحران کابینه پابرجا بوده است. هفت ماه کابینه نداشتیم. تلاش‌های ما برای دفاع و مشارکت فعال ما در پاسداری از وحدت ملی زبانزد است. سال ۱۹۷۰ پس از تشکیل کابینه، دست به اعتصاب زدیم و دولت را تحت فشار قرار دادیم که تشکیل مجلس جنوب را در پی داشت. این

قالب یگان‌های آموزش دیده ساماندهی کنید. ما را به جبهه‌ها بفرستید. به آنان گفتیم من که پیرمردی بیش نیستم، حاضریم به مرزها بروم و کشته شوم تا عزت و کرامت ما محفوظ بماند... گفتیم: طرح اجباری شدن سربازی را تصویب کنید. امروز باخبر شدیم که این طرح را تصویب کرده‌اند... وقتی کابینه جدید آغاز به کار کرد، مسئله خدمت سربازی تنها طرحی بود که برای آن مدت اجرا تعیین شد. گفتند دو ماهه این طرح را برای تصویب ارائه می‌کنیم. اکنون یازده ماه گذشته و با تحولاتی که پدید آمده منطقه در آستانه انفجار قرار دارد... چانه‌زنی‌های بین‌المللی بر سر جنوب خطرهای زیادی دربر دارد. چه وقت می‌خواهید طرح را ارائه کنید؟ چه وقت تصویب می‌شود؟ چه زمان به اجرا درخواهد آمد؟ بودجه‌اش را چه وقت پیش‌بینی می‌کنید؟... دیگر فایده‌ای ندارد»

۹۰۵ در ادامه، امام با اشاره به مسئله افراد فاقد شناسنامه در دهکده‌های هفت‌گانه و با تأکید بر لبنانی بودن آنان و اینکه آنان در اداره ثبت احوال صور دارای مدارک هویتی هستند، و نیز با اشاره به وضعیت برخی عشایر بقاع در وادی خالد و در شمال و عکار بیان کرد: «چرا باید آنان فاقد شناسنامه باشند؟ ما نمی‌خواهیم توازن فرقه‌ای را به هم بزنیم. به تعداد آنان هرکس را که می‌خواهید به فرقه‌های دیگر اضافه کنید.»

۹۰۶ امام در ادامه افزود: «به شما گفته شد که سید موسی دلخور شده و قهر کرده است؟، قهر و دلخوری در کار نیست، آرام و آسوده‌ام، اما نمی‌توانم بپذیرم که من بزرگ باشم و میهنم خوار و ذلیل باشد. نمی‌پذیرم، قبول نمی‌کنم، حریم هوایی بیروت و شمال و بقاع، قبل از جنوب، هر روز با هجوم هواپیماهای اسرائیلی نقض می‌شود. برادران، این ذلت است، چگونه بپذیریم این وضع را، این هواپیماها که فضای میهن ما را می‌شکافتند به کجا می‌روند؟ هیچ‌کس نمی‌تواند این ذلت را تحمل کند. هواپیماها می‌آیند و می‌روند. مرزها مورد هجوم قرار می‌گیرد، آتش و گلوله، بمباران خانه‌های مسکونی، سوداگری، سوداگری و تجارت، به اندازه‌ای که در دو روز اخیر با برگزاری این گردهمایی مخالفت کرده‌اند، با

مدرسه‌ها که اکنون موجب افتخار است، این راه‌ها و جاده‌ها و پروژه‌های برق‌رسانی، حاصل تلاش مجلس جنوب و نتیجه اعتصاب عمومی لبنان در سال ۱۹۷۰ بوده است.

۹۰۲ پس از آن، دوره جدید ریاست جمهوری از راه رسید، آرزوها در سر پروراندیم و به وعده‌ها اعتماد کردیم و منتظر ماندیم. گمان می‌کردیم که حقوق و عزت و کرامت خود را در جنوب به دست می‌آوریم و حقوق و خواسته‌های ما شیعیان برآورده می‌شود. گمان کردیم که ما محرومان به رفاه و زندگی درخور شأن خود دست خواهیم یافت...

۹۰۳ مرزها حافظ میهن هستند و حومه پایتخت نیز پایتخت را محافظت می‌کند. این دو منطقه را آباد کنید، زیرا خطر رویارویی و درگیری میان چند منطقه مختلف وطن ما را تهدید می‌کند. این مسئله‌ای فرقه‌ای نیست و فقط مسئله شیعیان نیست. از بخت بد افراد این فرقه غالباً در مرز کشور و یا در حاشیه پایتخت زندگی می‌کنند. اگر مشکلات این دو منطقه را که همچون سپری محافظ شما و همانند تیری در سینه دشمنان شما هستند - حل و فصل نکنید، چه‌بسا خود شما و کاخ‌ها و قلب‌ها و سینه‌هاتان را نشانه رود.

۹۰۴ گفتیم مردم را طبقه‌بندی نکنید. همه شهروندان با هم برابرند. همه شهروندان صلاحیت آن را دارند که استخدام رسمی شوند و کارمند باشند. شهروندان را طبقه‌بندی نکنید، میان فرقه‌ها و مذاهب تبعیض قائل نشوید، حقوق همه فرقه‌ها را بدهید... گفتیم از جنوب دفاع کنید. نخستین شرط و اولین نشانه مسئولیت‌پذیری ملی دفاع است. تلاش کردند ارتش را متهم کنند. گفتیم ارتش آماده است. ای سیاستمداران ترسو، به ارتش فرمان دهید. فرمان دفاع صادر کنید تا ارتش از جان گذشتگی کند... کمیته‌ای نظامی - فرانسوی در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ با تدوین استراتژی دفاعی اعلام کرد که لبنان در صورت داشتن موشک‌ها و تانک‌های کوچک قادر است از جنوب دفاع کند... گفتیم این افراد مسلح و دیگر اشخاص مسلح را کنار هم قرار دهید. آنان را در قالب نیروهای نظامی ملی به خدمت بگیرید. شبه‌نظامیان ملی را در

است که در مسجد، در محراب رسول خدا^ص قرار بگیرم و بر بالای منبر پیامبر بروم. اعتماد شما، پاسخ شما و تلاش شما بزرگ‌ترین افتخار من است. با وجود اینها دیگر چه می‌خواهم؟ پاسداری از میهن و جلوگیری از وقوع بحران تنها هدف من است. ما با کسی مخالف نیستیم. برای همه خیر و نیکی می‌خواهیم. ما یک دشمن بیشتر نداریم: شیطان و لشکر شیطان، یعنی طاغوت و طاغوتیان؛ آنان که می‌خواهند حکومت کنند، بی‌آنکه خدمتی ارائه دهند. آنان که ده‌ها سال حکومت کرده‌اند، بی‌آنکه مدرسه یا مسجدی بسازند، یا برای ساخت خانه یا نوانخانه‌ای آجری روی هم بگذارند، یا به دانشجویی بورس تحصیلی بدهند. آنان لشکر شیطان هستند... در اینجا، بار دیگر اعلام می‌کنیم که ما همچون گذشته ایستاده‌ایم و چنان‌که در سوگند خویش ذکر کردیم، در کنار مظلومان و ستم‌دیدگان همه فرقه‌ها و همه مناطق می‌ایستیم و یاور مردمی هستیم که در این کشور کرامتشان خدشه‌دار شده است و می‌خواهند کشوری آباد داشته باشند. ما خیر و نیکی را برای همه می‌خواهیم. همین و بس...»^۱

بازتاب گردهمایی صور

۹۰۹ روز بعد از گردهمایی، روزنامه‌ی النهار در تحلیلی درباره‌ی آن چنین نوشت:

۹۱۰ ... صور، شهری که در طی تاریخ در برابر متجاوزان ایستادگی کرده و دروازه‌های خود را به روی آنان بسته نگاه داشته است دیروز به روی جمعیتی انبوه که لبنان به‌ندرت همانند آن را شاهد بوده، آغوش گشود و آنان را در سینه‌ی خود جای داد... شماری از زنان نیز در کنار مردان به خیابان‌ها آمده بودند تا در همایش حضور یابند، و عده‌ای دیگر بر فراز بام‌ها با هلهله و کف به افرادی که گروه‌گروه وارد شهر می‌شدند، خوشامد می‌گفتند... اکنون ساعت ده بامداد است و ده‌ها هزار نفر از هم‌وطنان در محله‌ی البوابه، محل برپایی گردهمایی، چشم به راه ورود امام موسی صدر هستند.

اسرائیل مبارزه نکرده‌اند. چرا؟ زیرا این گردهمایی آنان را رسوا می‌کند و نشان می‌دهد که مردم جنوب آزاداند و نمی‌توان بر سر آنان معامله کرد. اجیر نمی‌شوند. گول نمی‌خورند.»

۹۰۷ در ادامه، امام با اشاره به تعطیل شدن پروژه‌های عمرانی و استفاده از روش تضعیف، سخنان مسئولان را وعده‌های توخالی‌ای نامید که برای اجرای آنها برنامه‌ریزی نشده است. ایشان به‌عنوان نمونه به طرح لیطانی برای آبرسانی به منطقه‌ی جنوب و طرح‌های آبرسانی منطقه‌ی بقاع و احداث بزرگراه صور-صیدا-شوره و طرح توسعه‌ی حومه‌ی بیروت و مدارس هرمل اشاره کرد و نکاتی را نیز در خصوص وضعیت تنباکوکاران و اجحاف در حق کشاورزان متذکر شد و افزود: «در این گردهمایی، در این همایش دوم، باز هم اعلام می‌کنیم که برای گفتگو آماده‌ایم و تأکید می‌کنیم که اگر به این خواسته‌ها پاسخ مثبت ندهید، نگرانیم که از جانب شما به میهن آسیبی برسد؛ یعنی حامیان و مدافعان میهن، خود، به تهدیدی برضد آن تبدیل شوند. در این صورت، دیگر چنین وضعی را تحمل نخواهیم کرد و با کمک همه‌ی شهروندان درصدد اصلاح امور برمی‌آییم... ابتدا با نرمی و مدارا و سپس با زور...»

۹۰۸ در ادامه، امام از جمعیت حاضر در مراسم خواست سوگندی را تکرار کنند که در بعلبک ادا کرده بودند، و پس از ادای سوگند تصریح کرد: «زمان حرف و سخن به پایان رسیده است... سوگندمان راه را بر ما بسته است. هر که دل دارد، بفهمد؛ هر که گوش دارد، بشنود؛ هر که عقل دارد، بیندیشد. ما سوگند یاد کرده‌ایم و همان‌طور که مشاهده کردید، سوگندمان شرعی است و قابل اغماض و عقب‌نشینی نیست. ما این راه را ادامه می‌دهیم. سربازان میهن سازندگان آینده‌اند. هدف ما پاسداری از کشور و نجات میهن از سردمدارانی است که قدرت را در این کشور به دست گرفته‌اند... همان کسانی که کشور را مزرعه‌ای پنداشته‌اند و آن را غارت و چپاول می‌کنند. ما خواهان حفظ سلامت میهن هستیم و به حکومت و منصب و مقام چشم طمع نداریم. افتخار من این است که در میان شما هستم. بزرگ‌ترین افتخار برای من آن

۱- نواز صوتی (آرشیو جنبش امل)، ۱۹۷۴/۵/۵.

نمایندگان مجلس و شخصیت‌ها در یکی از میادین اصلی گرد آمده‌اند... شدت ازدحام به حدی است که همه‌چیز درهم آمیخته و خودروها امکان عبور از منطقه البص - که دو کیلومتر با محل گردهمایی فاصله دارد - و نزدیک شدن به محل گردهمایی را ندارند. در خیابان‌های منتهی به این منطقه یک‌ونیم ساعت طول می‌کشد تا فاصله یک کیلومتری پیموده شود... سرانجام در ساعت دوازده، امام صدر به محل گردهمایی رسید و جمعیت حاضر و منتظر که شمار آنان از ده‌ها هزار نفر فراتر می‌رفت، یک‌صدا بانگ برآوردند: «الله اکبر... بالروح بالدم نفدیک یا امام»^۱

مواضع و واکنش‌ها در قبال گردهمایی

۹۱۲ - شیخ حسن خالد، مفتی اهل سنت لبنان، در اظهار نظر درباره گردهمایی تصریح کرد: «گردهمایی صور جلوه‌ای حقیقی از علاقه و گرایش مردم به اندیشه عدالت اجتماعی و ملی است که پایبندی به آن یکی از ضروریات جامعه لبنان است... باید گفت مفهومی به نام «خواسته‌های امام صدر» وجود ندارد. ایشان خواسته شخصی و اختصاصی ندارد. خواسته‌هایی که مطرح می‌کند، ملی و عمومی است»^۲

۹۱۳ - آگوست باخوس، نماینده پارلمان لبنان، پس از دیدار با رئیس‌جمهور، سلیمان فرنجه، اذعان کرد:

۹۱۴ «رئیس‌جمهور از آغاز گفتگو با امام صدر درباره خواسته‌های شیعیان استقبال می‌کند.» وی همچنین به رئیس‌جمهور یادآوری کرد که امام خواسته‌های غیرممکن و اجرانشدنی مطرح نکرده است، زیرا ایشان بیش و پیش از همه از واقعیت‌های کنونی کشور آگاه است و خواسته‌های شیعیان را نیز براساس همین واقعیت‌های جامعه پیگیری می‌کند.^۳

اعمال فشار بر روزنامه النهار

۹۱۵ روزنامه النهار به سبب پوشش دادن اخبار مربوط به اقدامات امام صدر و حمایت از خواسته‌های مطرح شده ایشان، از سوی مسئولان در معرض فشار و بازخواست قرار گرفت. در پی آن، امام صدر بیانیه‌ای مطبوعاتی صادر کرد که در بخشی از آن چنین آمده بود: «... هرگز بی‌تفاوت نخواهم ماند، به‌ویژه در برابر فشارهایی که بر روزنامه النهار اعمال می‌شود؛ روزنامه‌ای که به جنوب در معرض خطر و به تمامی ستمدیدگان وطن خدمات بزرگی ارائه کرده است. این فشارها پدیده خطرناکی است که همه رسانه‌های عمومی آزاد و همه مبارزانی را تهدید می‌کند که امکان بهره‌گیری از رسانه‌های دولتی را ندارند. در اینجا به همه هشدار می‌دهم که با درک وضعیت موجود در برابر آن واکنش نشان دهند، پیش از آنکه نوبت به خود آنان برسد و بگویند: من همان روزی خورده شدم که گاو سفید خورده شد.»^۱ در ادامه بیانیه، امام خطاب به مسئولان بیان کرد: «به‌زودی پشیمان می‌شوید و با اعتراض نسل‌های گذشته که همه چیز خود را فدا کردند تا کشوری آزاد و مستقل و مقتدر ایجاد کنند و مخالفت نسل‌های آینده که می‌خواهند مسئولیت خود را به‌خوبی ادا کنند تا این میهن عزیز همچنان مهد آزادی و قلعه ارزش‌ها باقی بماند، مواجه خواهید شد.»^۲

۹۱۶ در تاریخ ۱۹۷۴/۵/۳۰، خبرگزاری ملی لبنان رسماً اعلام کرد که در پی تماس‌های برقرار شده میان امام صدر و برخی مسئولان حکومتی و از آنجا که جنوب لبنان منطقه‌ای نظامی است سرلشگر اسکندر غائم، فرمانده ارتش، موظف شد با بررسی دقیق خواسته‌های امام صدر، برای تحقق مواردی که در حال حاضر اجرایی است، تلاش کند و بقیه موارد را برای بررسی و اقدامات لازم در اختیار کارشناسان قرار دهد.^۳

۱- اشاره به داستان مشهور سه‌گاو.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۵/۲۶.

۳- النهار، ۱۹۷۴/۵/۳۰.

۱- النهار، ۱۹۷۴/۵/۶.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۵/۱۲.

۳- النهار، ۱۹۷۴/۵/۱۵.

- ۹۲۵ - دیدار عدنان حکیم، رئیس حزب النجاده، با امام صدر و بحث و گفتگو با ایشان درباره خواسته‌های مناطق محروم.^۱
- ۹۲۶ - دیدار با دو نماینده پارلمان، رینه معوض و پی‌یر حلو، و همچنین آقایان فؤاد پطرس و سلیم الخوری و خضر الحرکه در منزل شیخ خلیل الخوری. در آن دیدار نیز خواسته‌های مجلس اعلای شیعیان محور اصلی گفتگوها را تشکیل می‌داد.^۲
- ۹۲۷ - دیدار امام صدر با کامیل شمعون، رئیس جمهور سابق لبنان در شهر سعدیات. شمعون پس از آن دیدار تصریح کرد که دیدار با امام صدر علاوه بر اینکه دارای ابعاد اجتماعی بود و ایشان درگذشت برادر بزرگم را تسلیت گفتند، فرصت مناسبی پدید آورد تا اوضاع کشور را بررسی کنیم... درباره خواسته‌های شیعیان نیز پیش از این تأیید و حمایت خود را اعلام کرده‌ام. خواسته‌های امام صدر عادلانه و عمرانی و سازنده است.^۳

گام‌های بعدی در پیگیری خواسته‌ها

- ۹۲۸ امام صدر پس از دیداری با نخست‌وزیر، رشید کرامی، که به مناسبت بازگشت وی از خارج کشور صورت گرفت، اظهار داشت: «اکنون که دولت آمادگی خود را برای گفتگو اعلام کرده است، ما نیز سعی می‌کنیم با استفاده از تمام امکانات و بدون عقب‌نشینی ذهن و فکر خود را برای گفتگو آماده کنیم. طبیعی است که این مرحله به کمی زمان نیاز دارد. به گمانم سخنرانی‌های مرا در دو همایش بعلبک و صور شنیده‌اید که در آنها، به نمایندگی از حاضران، خواهان گفتگو شدم. هم‌اکنون می‌توانم بگویم که هیچ تغییری حاصل نخواهد شد و من فقط اقداماتی را اجرا می‌کنم که مجلس اعلا تصویب کرده است و همه شهروندان هم خواهان آن هستند.»^۴

پیگیری خواسته‌ها در دیدارهای امام صدر

- ۹۱۷ امام صدر به منظور تکمیل اقدامات خود برای مطرح کردن خواسته‌های شیعیان، دیدار و گفتگوهایی را با شخصیت‌های لبنانی صورت داد. مهم‌ترین آن دیدارها عبارت بود از:
- ۹۱۸ - دیدار با کمال جنبلاط. وی پس از دیدار امام درباره مطالب مورد بحث اظهار کرد: «مسائل و اوضاع جاری کشور و مسئله جنوب و، همچنین، وضعیت کنونی را پس از پایان دادن به عملیات در جبهه جولان با امام مورد بحث قرار دادیم. هفته بعد هم به دیدار امام خواهیم رفت. آنچه برای ما اهمیت دارد، اجرای خواسته‌های شیعیان است، زیرا اجرای آنها بسیار ساده است.»
- ۹۱۹ - دیدار با سرتیپ ریمون اده.
- ۹۲۰ - دیدار با صائب سلام، نخست‌وزیر سابق، و گفتگو درباره مسائل جنوب لبنان و خواسته‌های مجلس اعلای شیعیان.^۱
- ۹۲۱ - دیدار نمایندگان ارمنی و اعضای دفتر سیاسی حزب طاشناق با امام صدر و اعلام حمایت آنان از خواسته‌های عادلانه امام و پشتیبانی از ایشان.^۲
- ۹۲۲ - دیدار با عبدالله الیافی، نخست‌وزیر سابق.^۳
- ۹۲۳ - دیدار آگوست باخوس با امام صدر که نظر رئیس جمهور درخصوص خواسته‌ها و تصمیم اتخاذ شده درباره تشکیل یک کمیته وزارتی برای بررسی آنها را به اطلاع امام رسانید.^۴
- ۹۲۴ - دیدار با رشید الصلح، نماینده بیروت در پارلمان لبنان. در این دیدار که عبدالمجید الزین، نماینده سابق پارلمان، نیز همراه امام بود در باب مسائل مربوط به لبنانیان فاقد تابعیت در خاک وطن و لزوم اعطای حقوق اولیه آنان به عنوان شهروندان لبنانی بحث و بررسی شد.

۱- المحرر، ۱۹۷۴/۶/۷.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۶/۷.

۳- الجریده، ۱۹۷۴/۶/۸.

۴- الجریده، ۱۹۷۴/۶/۱۴.

۱- النهار، ۱۹۷۴/۵/۳۱.

۲- المحرر، ۱۹۷۴/۶/۲.

۳- النهار، ۱۹۷۴/۶/۵.

۴- النهار، ۱۹۷۴/۶/۵.

بود، پیش از آنکه اوضاع به مرحله بحرانی و بازگشت‌ناپذیر برسد.^۱

۹۳۲ روزنامه *لسان‌الحال* به نقل از منابع آگاه اعلام کرد که امام صدر در جلب مشارکت کشورهای خلیج فارس برای ارائه کمک مالی به طرح لیطانی موفق بوده و او نیز در تماس‌های خود با برخی دولتمردان امارات متحده عربی که پیش‌تر به بیروت سفر کرده بودند، آنان را متقاعد کرده است که در پروژه لیطانی مساعدت کنند.^۲

۹۳۳ امام موسی صدر در چارچوب پیگیری بخشی از خواسته‌های مجلس اعلا، شامل پروژه لیطانی و طرح آبرسانی به هرمل و القاع از رود العاصی و پروژه یمونه که به وزارت منابع طبیعی مربوط می‌شد، در تاریخ ۱۹۷۴/۶/۲۰ ژوزف سکاف، وزیر منابع طبیعی، را به حضور پذیرفت. در آن دیدار، وزیر منابع طبیعی با اشاره به اقدامات وزارت تحت امر خود درخصوص پروژه‌های مذکور، اعلام کرد که به‌زودی اقدام به انتخاب مجری پروژه‌های لیطانی و یمونه خواهد کرد. وی، همچنین، خبر داد که دولت از انتقال آب لیطانی به بیروت به‌طور کامل صرف‌نظر کرده است. همچنین، امام صدر هیئت مدیره پروژه لیطانی را در مقر مجلس اعلا شیعیان در حازمیه به حضور پذیرفت. مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره پروژه و نیز دکتر فلاری، کارشناس فرانسوی و رئیس دفتر نمایندگی سازمان ملل در بیروت، و همچنین کارشناسان مجلس اعلا شیعیان در آن جلسه حضور داشتند و در باب پژوهش‌ها و بررسی‌ها درباره طرح آبرسانی جنوب از لیطانی بحث و تبادل نظر شد.^۳

۹۳۴ این در حالی بود که *مجلة الاسبوع العربی* به نقل از برخی منابع اعلام کرد که امام صدر برای نخستین بار در رفتار با مسئولان محافظه‌کاری را کنار گذاشته و به نخست‌وزیر و کابینه شدیداً

۹۲۹ در ادامه، جلسه مجلس اعلا شیعیان با حضور ۳۱ تن از شخصیت‌ها و به ریاست امام صدر برگزار شد. در آن جلسه ضمن بررسی روند پیگیری خواسته‌ها و نیازهای محرومان، پس از بازبینی مطالبی که درخصوص گفتگو با دولتمردان گفته و نوشته شده بود، حاضران به این نتیجه رسیدند که با وجود گذشت یک‌ماه‌ونیم از برگزاری همایش صور و اعلام آمادگی برای گفتگو با دولت، این امر تحقق نیافته است و جز وعده‌های بی‌اساس و «اعلام آمادگی برای آغاز گفتگو» دولت اقدامی نکرده و حتی کارگروه نیز تشکیل نشده است. از این رو، اغلب حاضران در جلسه خواستار اقدامات و اتخاذ مواضع جدی‌تر و زمینه‌سازی برای برگزاری همایش بیروت شدند و مقرر شد جلسات مجلس برای فراهم‌کردن مقدمات همایش بیروت ادامه یابد و، در عین حال، مسئله آمادگی دولت برای گفتگو نیز در عمل و به‌دور از شعار و ظاهر سازی پیگیری شود.

۹۳۰ روزنامه‌های *النهار* و *الجریده* در خبری اعلام کردند که سه تن از نمایندگان پارلمان، آقایان حسین الحسینی و حسین منصور و یوسف حمود، استعفای خود را نوشته و آن را به امام صدر تحویل داده‌اند تا ایشان هر زمان که صلاح می‌داند، آن را به پارلمان ارائه کند. محمود عمار و عبدالمولی امهز، دیگر نمایندگان شیعه پارلمان نیز آمادگی خود را برای تحویل استعفای خود به امام اعلام کرده‌اند.^۱

۹۳۱ *مجلة الحوادث* با نقل خبری اعلام کرد که رایزنی‌هایی میان سران مجلس اعلا شیعیان و تشکل‌های اسلامی و سیاسی شهر بیروت صورت گرفته است تا آن تشکل‌ها در برپایی گردهمایی مردمی بیروت، به‌عنوان آخرین مرحله از اقدامات مسالمت‌آمیز مجلس اعلا پیش از آغاز اقدامات غیرمسالمت‌آمیز، مشارکت کنند. تشکل‌های مذکور نیز ضمن اعلام آمادگی برای حضور در گردهمایی، اعلام کرده‌اند که در تلاش برای آغاز مذاکره میان دولت و امام صدر و تشکیل کمیته پیگیری مصوبات سهیم خواهند

۱- الحوادث، شماره ۹۱۹، ۱۹۷۴/۶/۲۱.

۲- لسان‌الحال، ۱۹۷۴/۶/۸.

۳- الجریده، ۱۹۷۴/۶/۲۱.

۱- النهار و الجریده، ۱۹۷۴/۶/۱۵.

به دستان امین امام صدر می‌دهیم تا به اهدافی برسیم که هر لبنانی شریف و منخلص خواهان آن است.»^۱

جلسه مجمع عمومی مجلس اعلای شیعیان

گزارش عملکرد و اعطای اختیارات بیشتر به امام صدر

۹۳۸ در تاریخ ۱۳/۹/۱۹۷۴، مجمع عمومی مجلس اعلای شیعیان به ریاست امام صدر و با حضور ۱۵۰۱ نفر از ۱۲۰۵ عضو تشکیل جلسه داد. پس از گزارش دکتر احمد ذروی، دبیرکل مجلس اعلای، درباره دستاوردهای مجلس از بدو تأسیس در می ۱۹۶۹ تا سپتامبر ۱۹۷۴، امام صدر با قرائت بیانیه‌ای ضمن تشریح مسئله شیعیان لبنان از ابتدای تشکیل این کشور به تاریخچه آنان اشاره کرد که با مجد و عظمت آغاز شد ولی به رنج و بی‌توجهی و آوارگی و محرومیت و مهاجرت، به‌ویژه در بقاع و جنوب، انجامید. او در پایان خطاب به مسئولان چنین گفت: «از من رهایی پیدا نمی‌کنید، جز با مرگ.» ایشان بر این نکته تأکید کرد که چاره‌ای جز به‌کارگیری خشونت در رسیدن به اهداف مورد نظر باقی نمانده است، زیرا حق‌گرفتنی است، نه دادنی، و مسئولان به قدری بی‌توجهی و سهل‌انگاری از خود نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های دیگر اجتناب‌ناپذیر شده است.

۹۳۹ مجمع عمومی، به اتفاق، استعفای امام صدر را از ریاست مجلس نپذیرفت. امام استعفای خود را در پاسخ به ادعاهای افرادی مطرح کرده بود که اقدامات ایشان را به سبب انگیزه‌های شخصی و برای زعامت شیعیان می‌دانستند، اما مجمع عمومی ضمن مخالفت با استعفا، به ایشان اختیار مطلق داد تا برای تحت فشار قراردادن دولت و اجرای خواسته‌های شیعیان از روش‌های غیرمسالمت‌آمیز استفاده کند. مهم‌ترین این روش‌ها برپایی راهپیمایی و همایش‌های مردمی و اعتصاب و اعلام اعتراض عمومی بود.^۲

حمله کرده و حتی آنان را به تظاهر و فریبکاری متهم کرده است. در خبر مذکور چنین آمده بود که علت بیان این سخنان شدیدالحن آن است که برای امام مشخص شده است که تمامی وعده‌های داده شده درخصوص تأمین خواسته‌های اهالی جنوب پوچ و کاذب بوده. از سوی دیگر، نخست‌وزیر، تقی‌الدین صلح نیز به علت نیاز دولتش به حمایت کامل اسعد، رئیس پارلمان مماشات و مسامحه کورکورانه با وی را در پیش گرفته است.^۱

۹۳۵ روزنامه‌المحرر نیز از تصمیم امام صدر مبنی بر تعیین راهکارهای نهایی و مشخص برای تشدید موضع‌گیری‌ها در مطالبه حقوق شیعیان خبر داد، زیرا در طی مدت مهلت دولت برای تحقق خواسته‌ها، هیچ‌یک از وعده‌های داده‌شده به‌اجرا درنیامده بود و تأخیرها و فرافکنی‌ها در اجرای خواسته‌ها با این هدف بوده که مانع از ادامه پیگیری خواسته‌ها از سوی شیعیان شود. در خبر مذکور آمده بود که امام پس از جلسه مجمع عمومی مجلس اعلای تصمیم‌هایی در این باره اتخاذ خواهد کرد.^۲

۹۳۶ امام در این زمینه با رشید کرامی، نخست‌وزیر سابق لبنان، نیز دیدار و گفتگو کرد و پس از آن ملاقات اظهار داشت: «قرار بر این بود که آقای کمال جنبلاط نیز با حضور خود این جلسه را مزین کنند، اما در آخرین لحظات خبر رسید که مشکل غیرمنتظره‌ای پیش آمده و نمی‌توانند حضور یابند. این دیدار نیز همانند دیگر ملاقات‌هایی بود که در مقر مجلس اعلای و یا خارج از آن با سران و مسئولان کشور انجام می‌دهم و هدف از آن علاقه من به آگاه‌ساختن مسئولان از آخرین تحولات نهضت مطالبه حقوق شیعیان و پیش‌بینی‌هایی است که می‌تواند بر اوضاع کشور تأثیرگذار باشد.»^۳

۹۳۷ همچنین، امام صدر در بکفیا با پی‌یر جمیل، رئیس حزب کتائب، دیدار کرد. پی‌یر جمیل پس از دیدار با امام گفت: «ما دست

۱- الأسبوع العربي، شماره ۷۹۴، ۸/۲۶/۱۹۷۴.

۲- المحرر، ۹/۵/۱۹۷۴.

۳- النهار، ۹/۶/۱۹۷۴.

۱- النهار، ۹/۸/۱۹۷۴.

۲- روزنامه‌های لبنان، ۹/۱۴/۱۹۷۴.

گردهمایی بیروت و دلایل لغو آن^۱

۹۴۳ در ادامه سلسله گردهمایی‌های صیدا و صور و بعلبک، قرار بر این بود که مراسمی نیز در بیروت برگزار شود، اما بنا به دلایلی این تصمیم ملغاً شد. امام صدر در سخنان خود در نخستین مجمع عمومی تأسیس جنبش امل، در این باره چنین فرمودند:

۹۴۴ «.. قرار بر این بود که در چهارم شوال... پس از تعطیلات عید سعید فطر و درحالی‌که همه شرایط مهیا و آماده بود، همایشی در بیروت برپا کنیم و در مسجد جامع العُمَری، نه در مسجد شیعیان، تحصن کنیم، زیرا روند وقایع نشان می‌داد که محرومان همگی یک گروه هستند، درحالی‌که از طرف شیعیان غیر محروم هیچ همکاری و همدردی‌ای ندیده‌ایم. کسانی که به مسائل محرومان توجهی ندارند، حتی اگر پدر و مادرشان هم شیعه باشد و پسرعموی ما و اهل روستای ما هم باشند، ما را با آنان کاری نیست و رابطه‌ای میان خود و آنان نمی‌بینیم. مسیحیان محروم و مسلمانان محروم و همه انسان‌های محروم مورد توجه ما هستند و تلاش برای رفع محرومیت آنان هدف ماست.

۹۴۵ ... قرار بود همایش در چهارم شوال برگزار شود و همه چیز آماده بود، اما در ماه رمضان و در مراسم افطاری در عشقوت به‌ناگاه دریافتیم که تلاش گسترده‌ای برای مسلح کردن مسیحیان و آموزش نظامی به آنان صورت می‌گیرد. این جریان به اوج خود رسیده بود و تهاجم به حداکثر، و سیل حملات تبلیغاتی از هر سو ادامه داشت. بدین ترتیب، مشخص بود که اگر ما در مسجد جامع العمری تحصن کنیم و صد هزار نفر یا بیش از این عده نیز به همراه ما در خیابان‌ها تحصن کنند و روند کار دولت مختل شود اگر دولت از ما بخواهد که به تحصن پایان دهیم و ما هم نپذیریم؛ در چنین حالتی، دولت ما را سرکوب خواهد کرد. از طرفی، ما مطمئنیم که فرزندان ما در ارتش و نیروهای امنیتی ما را سرکوب نمی‌کنند و در برابر ما نمی‌ایستند و رمز پیروزی انقلاب همین است. در نتیجه، پیش‌بینی می‌کردیم که تحصن ما زندگی روزمره را

بررسی خواسته‌های شیعیان در دیدار با انجمن مارونی‌ها و با نخست‌وزیر

۹۴۰ شاکر ابوسلیمان، رئیس انجمن مارونی‌های لبنان، در سلسله دیدارهای خود با امام صدر، پس از بررسی مسئله رابطه دولت با ایشان، خواسته‌های امام را به ریاست‌جمهوری منتقل کرد. درخواست‌ها به دو بخش فوری و بلندمدت تقسیم شده بود.^۱

۹۴۱ چندین ملاقات نیز میان امام و نخست‌وزیر، تقی‌الدین الصلح صورت گرفت. روزنامه‌السفیر درباره یکی از این دیدارها نوشت: «ملاقات خصوصی امام و نخست‌وزیر در هتل سنت جورج صورت گرفت و نخست‌وزیر مراتب حسن‌نیت دولت را به ایشان ابراز داشت. امام نیز بر این نکته تأکید کرد که خواسته‌های مطرح شده خواسته فرزندان شیعه است.»^۲

۹۴۲ همچنین، نخست‌وزیر برای عرض تسلیت به مناسبت وفات آیت‌الله سید محمود شاهرودی، یکی از مراجع نامدار شیعه، در محل مجلس اعلا حضور یافت و در سخنانی تصریح کرد: «ما برای هر کاری آماده‌ایم. درباره همه موارد مطرح شده بحث و بررسی می‌کنیم تا به نتیجه برسیم.» امام نیز گفت: «ما همواره، از گذشته تاکنون، اعلام کرده‌ایم که هدفمان تحقق خواسته‌های محرومان و ارتقای زندگی آنان است و این هدف اقتضا می‌کند که با جدیت و بدون انعطاف اقدام کنیم. اگر حضور جناب نخست‌وزیر آغازگامی مثبت باشد و تلاش جدی برای تحقق خواسته‌ها را در پی داشته باشد، مانیز از آن استقبال می‌کنیم و از اتخاذ چنین مواضعی خرسندیم.»^۳

۱- الحوادث، شماره ۹۳۲، ۱۹۷۴/۹/۲۰.

۲- السفیر، ۱۹۷۴/۹/۱۴.

۳- النهار، ۱۹۷۴/۹/۱۵.

۱- اسناد نخستین مجمع عمومی جنبش محرومان - امل، می ۱۹۷۶.

خواهم داد. ما کاملاً مثبت رفتار کرده‌ایم و برای گفتگو و مذاکره جدی و مسئولانه با کمیته‌ای که دولت اعضای آن را تعیین می‌کند آماده‌ایم.»^۱

حملات اسرائیل به اردوگاه‌های فلسطینیان در جنوب لبنان

۹۴۸ در پی حملات متعدد هوایی و تجاوز نیروهای اسرائیلی به اردوگاه‌های فلسطینیان در جنوب، مجلس اعلای شیعیان به ریاست امام صدر تشکیل جلسه داد و بیانیه‌ای صادر کرد که در بخشی از آن چنین آمده بود:

۹۴۹ «شخصیت‌های سیاسی شیعه در گردهمایی خود، پیش از هر چیز تجاوزات اسرائیل به بی‌گناهان ساکن در اردوگاه‌های فلسطینی و روستاها را شدیداً محکوم می‌کنند و ضمن اعلام حمایت و پشتیبانی خود از فلسطینیان، به‌زودی از مناطق بمباران شده بازدید خواهند کرد. حاضران در گردهمایی مذکور وظیفه خود می‌دانند که ضمن محکومیت نقض حریم هوایی لبنان در تجاوزات هواپیماهای بیگانه، بر ضرورت پاسداری از مرزهای زمینی و هوایی در برابر این تجاوزات تحقیرآمیز را به مثابه یکی از نخستین وظایف دولت تأکید کنند. حاضران در جلسه ضمن اطلاع از روند مذاکرات کارشناسان فنی و اداری که سرگرم گفتگو درباره خواسته‌های شیعیان هستند، شورایی متشکل از کارشناسان را مأمور مذاکرات و نتایج آن و پیگیری مصوبات تعیین کردند و بار دیگر بر این نکته تأکید می‌کنند که تا وقتی بارقه امید وجود دارد اقدامات مسالمت‌آمیز و گفتگوها ادامه یابد.»^۲

۹۵۰ در ادامه، امام صدر به همراه هیئتی متشکل از آقایان فضل‌الله دندش و عبدالمجید الزین و علی بزّی و محمد حبیب بزّی و سرتیپ خطار حیدر و دکتر جعفر شرف‌الدین، ضمن بازدید از اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی جنوب که مورد هجوم دشمن قرار گرفته بود و عرض تسلیت به خانواده‌های قربانیان، از رشادت

در بیروت مختل کند و سلیمان فرنجه (رئیس جمهور) هم نمی‌تواند ما را با شمشیر سرکوب کند، زیرا شمشیر در دست ملت خواهد بود، در دست محرومان. حتی مسیحیان مارونی که عضو ارتش هستند، اهالی عکار و جنوب و مناطق محروم هستند و نمی‌توانند ما را هدف قرار دهند....

۹۴۶ ولی در آن روز بود که دریافتیم باید در تصمیم خود تجدید نظر کنیم، زیرا اگر تحصن می‌کردیم، به جای پلیس و ارتش شهروندان مسیحی مسلح را پیش روی خود می‌دیدیم. گروه‌هایی مانند کتائب و حزب بیره‌ای آزاد و حزب پاسداران کاج و این قبیل تشکله‌ها را مقابل خود می‌دیدیم و این آغاز فتنه و نبرد فرقه‌ای بود، پیش از آنکه دیگران برای آغاز آن اقدام کنند... به همین سبب در موضع خود تجدید نظر کردیم.»

محرومان و افراد فاقد تابعیت در عکار و هرمل؛ حضور نداشتن دولت

۹۴۷ امام صدر از مناطق عکار و هرمل دیدار کرد. او در سخنانی تصریح کرد: «در مطالبه حقوق محرومان فعلاً مرحله گفتگو و مذاکره را پشت سر می‌گذاریم. لازم بود با نیروهای ملی که برای پیشبرد اهداف ما دولت را تحت فشار قرار داده‌اند، تماس‌های مستمر و متعددی داشته باشم و اکنون به منطقه جرود هرمل و عکار آمده‌ام تا از نزدیک با برادرانی ارتباط برقرار کنم که نمی‌توانند به بیروت بیایند، و نظرهای آنان را جویا شوم و از تمامی نیازها و خواسته‌های آنان اطلاع پیدا کنم. وضعیت این مناطق که برای نخستین بار از آن بازدید می‌کنم، مرا نگران کرد. راه ارتباطی میان روستاها وجود ندارد و اهالی منطقه از آب و برق و تلفن و درمانگاه و خانه بهداشت و خلاصه هیچ نوع خدمات عمومی‌ای برخوردار نیستند. کودکان زیادی را دیدم که مدرسه ندارند. شدت محرومیتی که در اینجا مشاهده کردم، مرا به حیرت واداشت. بیماری‌های کودکان که موجب نقص عضو و عقب ماندگی ذهنی شده است، واقعاً تأسف آور است. اطلاعات کاملی هم درباره افراد فاقد تابعیت کسب کردم و با وجودی که مرحله گفتگو آغاز شده است، سفرها و بازدیدهایم را در مناطق مختلف ادامه

۱- النهار، ۱۹۷۴/۶/۱۱.

۲- الجریده، ۱۹۷۴/۶/۲۲.

آموزش دیده را نقل کرد که فرمودند: «سلاح زینت مردان است و میهن امانتی است که به شما سپرده شده است، پس سلاح برگزید تا میهن را پاس بدارید و کید و مکر دشمن را به خودش بازگردانید...»^۱

۹۵۵ روزنامه‌های *السفیر* و *الجریده* و *المحرر* نیز با درج این خبر سخن امام صدر را در این باره منتشر کردند: «با گسترش موجی از تجهیز و توسعه تسلیحاتی میان گروه‌های مختلف لبنانی، ما نیز چاره‌ای نداشتیم جز اینکه خود را مسلح کنیم و اکنون این کار در حال عملی شدن است.» امام با اشاره به اینکه خود نیز شخصاً در مسلح کردن شیعیان همکاری خواهد کرد، تصریح کرد: «حال که لازم است هر طایفه خود برای دفاع از خویش اقدام کند، ما نیز بدون شک این شبه‌نظامیان را پیش از هر چیز به عاملی برای دفاع از خاک میهن تبدیل خواهیم کرد...»^۲

نظر امام درباره تلاش برای تبدیل لبنان به قبرس دوم

۹۵۶ امام صدر در پاسخ به پرسش روزنامه *الحیة* با اشاره به اینکه آنچه این روزها درخصوص تبدیل لبنان به قبرس دوم گفته و شنیده می‌شود، هدفی جز ترساندن و به هراس افکندن مردم ندارد گفت: «در طی تاریخ بشر همواره محتکران و کسانی که امکانات و امتیازات و قدرت را فقط برای خود می‌خواهند، شعارهای خطرناکی را مطرح می‌کنند تا امتیازات ویژه آنان محفوظ بماند. به‌عنوان مثال در تاریخ اسلام، مسئله ارتداد همواره چون شمشیری بالای سر کسانی بوده است که ابراز عقیده کرده‌اند. در یک دوره هم هرکس سخن می‌گفت و خواسته‌ای مطرح می‌کرد با اتهاماتی چون کمونیست بودن یا مزدوری بیگانگان مواجه می‌شد. شعار جدیدی که این روزها برای ترساندن مردم به کار برده می‌شود، شایعه تلاش برای ایجاد قبرس دیگری در لبنان است.» امام، در ادامه، با اشاره به اینکه از مدت‌ها پیش هدف استراتژیک

و پایمردی تحسین برانگیز ساکنان اردوگاه‌ها تجلیل کردند.^۱ ۹۵۱ همچنین، امام در دیدار با یاسر عرفات آخرین تحولات منطقه و موضوع حمله اسرائیل به اردوگاه‌های فلسطینی جنوب لبنان را بررسی کرد.^۲

آغاز درگیری‌ها میان کتائب و جنبش مقاومت فلسطین

۹۵۲ در پی وقوع درگیری میان افراد مسلح عضو حزب کتائب لبنان و برخی از اعضای مقاومت فلسطین در منطقه دکوانه، تلاش‌های گسترده‌ای به منظور توقف درگیری‌ها و حفظ پیوند میان لبنان و فلسطین آغاز و تماس‌های متعددی برقرار شد. امام صدر این وقایع را «آغاز درگیری میان برادرانی دانسته که مدت‌ها در کنار هم زیسته و شرایط و موقعیت‌های یکسانی را تجربه کرده‌اند و سرنوشت یکسانی دارند» و علت وقوع بخش عمده درگیری‌ها را «انگیزه‌های شخصی» خواند و تصریح کرد: «حال که دولت حضور ندارد و در مرخصی دائم به سر می‌برد، تنها راه حل پیشگیری از چنین وقایعی تشکیل کمیته‌های مشترک مردمی است.»^۳

آموزش نظامی برای دفاع از میهن

۹۵۳ روزنامه *الیوم* با نقل خبری اعلام کرد که شیعیان با تشکیل یک گروه شبه‌نظامی در محلی واقع در مناطق بعلبک-هرمل و در جنوب فنون نظامی و کاربرد سلاح‌های مختلف را اعضا آموزش می‌دهند و در هر مرحله هفتاد نفر به مدت یک‌ماه آموزش می‌بینند.

۹۵۴ در ادامه، روزنامه مذکور با اشاره به اینکه بسیاری از افرادی که آموزش می‌بینند، از اهالی جنوب هستند و به سلاح‌های جنگی مجهز می‌شوند تا در حد امکان منازل و زمین‌های خود را از تجاوزات اسرائیل حفظ کنند، سخن امام صدر خطاب به افراد

۱- المحرر، ۱۹۷۴/۶/۲۴.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۶/۲۶.

۳- النهار، ۱۹۷۴/۷/۳۱.

۱- الیوم، ۱۹۷۴/۸/۲۵.

۲- السفیر، ۱۹۷۴/۸/۲۵.

اسرائیل ایجاد دولت‌های خودمختار فرقه‌ای در منطقه بوده است، افزود: «هر انسانی که احساسات انسانی و ملی داشته باشد، نمی‌تواند ایجاد شرایطی همانند قبرس را در لبنان بپذیرد.»^۱

از سرگیری فعالیت شورای یاری جنوب

۹۵۷ اسقف پولس الخوری در سخنانی اظهار داشت: «شورای یاری جنوب از یک سال پیش فعالیت خود را متوقف و اختیارات خود را به مجلس جنوب واگذار کرده است. در این یک سال مشاهده کردیم که مجلس جنوب به وظایف خود در این خصوص عمل نمی‌کند. از این رو، مقرر شد فعالیت شورا از سر گرفته شود.» پس از آن، جلسه شورا در مرکز گروه مسیحیان ارتودکس در مرجعیون تشکیل و مشکلات روستاهای جنوب بررسی شد. پس از جلسه غیرعلنی، امام صدر سخنانی ایراد کرد که در بخشی از آن چنین آمده بود:

۹۵۸ «شورای یاری جنوب در این جلسه اوضاع بحرانی و ناآرام منطقه و بی‌توجهی‌های طولانی به آن، به‌ویژه وضعیت کشت تنباکو را بررسی کرد... وضعیت راه‌های اصلی منطقه نیز بررسی شد... سپس شورا درباره موضوع پروژه آبرسانی به مناطق جنوب و موضوع تردیدها و تغییرات غیرفنی در پروژه لیطانی بحث کرد.» امام، در ادامه، اعلام کرد که در جلسه مذکور مقرر شد شورای یاری جنوب مجدداً وظایف پیشین خود را بر عهده گیرد و برنامه اجرایی آن نیز تصویب شده است و در آینده اعلام می‌شود. همچنین، شورا به یاری و مساعدت اهالی محروم منطقه اقدام خواهد کرد.

۹۵۹ پس از آن، امام به همراه دیگر روحانیون مسیحی و مسلمان به طرف روستای راشیا الفخار به راه افتادند. آثار تهاجم و گلوله‌باران اسرائیل از ابتدای این روستا مشاهده می‌شد. امام در کلیسای روستا با جمعی از اهالی که به آن پناه آورده بودند، دیدار کرد و در سخنانی ضمن تجلیل از پایداری و شجاعت آنان، چنین فرمود:

«شما همچون گیاه سبزی هستید که در زمین کاشته می‌شود و در معرض رطوبت و گرما و سرما قرار می‌گیرد و با تمام این اوضاع می‌روید و بزرگ می‌شود و ثمر می‌دهد... اگر مسیح رنج نمی‌کشید و اگر دشمنان برضد ایشان توطئه نمی‌کردند، آن حضرت به منبع نور و حقیقت واصل نمی‌شد.» پس از آن، امام و اعضای شورا زیر بمباران دشمن از روستا خارج شدند.^۱

هشدار درباره تجاوزات اسرائیل و تبعیض میان شهروندان

۹۶۰ امام صدر که برای گذراندن عید سعید فطر در میان اهالی صور به این منطقه سفر کرده بود، در پیامی با اشاره به اینکه وضعیت جنوب در آستانه تبدیل شدن به بحرانی ملی است، مسئولان را به اهتمام و توجه به اوضاع این منطقه، به‌ویژه تجاوزات اسرائیل و پیامدهای ویرانگر مادی و روحی آن فراخواند.

۹۶۱ ایشان، همچنین، نسبت به ادامه بی‌توجهی‌ها به جنوب و سرگرم شدن به منازعات بر سر منافع شخصی و سیاسی هشدار داد و آن را نه سهل‌انگاری بلکه خیانت نامید. ایشان، در ادامه، تأکید کرد که تغییر وضع کنونی نیازمند اقدام فوری است، زیرا تاکنون مشکلات و پیچیدگی‌های ساختار فرقه‌ای حکومت مانع از ایجاد نیروی نظامی قوی برای مقابله با خطر اسرائیل بوده است.

۹۶۲ او، همچنین، گفت که به نظر می‌رسد اصل توازن فرقه‌ای در آرامش، باتوجه به اشکالات و انحراف در اجرای آن، پیامدهای خطرناک و منفی خود را در این مقطع زمانی بیش از گذشته آشکار کرده است.^۲

۹۶۳ دو روز بعد، امام با حضور در مراسمی که به مناسبت سالگرد تأسیس جمعیت الریف در حسینیه روستای طاریا در منطقه بقاع برگزار شد، سخنانی ایراد کرد که در بخشی از آن چنین آمده بود: «من از جنوبی‌ترین نقطه مرزی به اینجا آمده‌ام. در آنجا به بازماندگان شهدای عین ابل و بلیدا و کفرکلا تسلیت می‌گفتم و در راه آثار برجمانده از بمباران و صدای هواپیماها را می‌شنیدم...»

۱- النهار، ۱۹۷۴/۹/۳.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۱۰/۱۹.

۱- روزنامه‌های لبنان، ۱۹۷۴/۸/۳۰.

هیچ مانعی هم وجود نداشت تا از تجاوز آنها جلوگیری کند.» امام در ادامه افزود: «ملت لبنان پاک و بزرگوار و آگاه هستند. معلوم نیست طاغوتیان چگونه توانسته‌اند آنان را ذلیل کنند و بر آنان سلطه یابند... زمین‌های اطراف رود لیطانی از حاصل‌خیزترین زمین‌های جهان است و در گذشته بخشی از جهان را تغذیه می‌کرده. سدها و آبراه‌هایی که رومیان در این منطقه احداث کرده‌اند، بهترین گواه این مدعاست.»

۹۶۵ در ادامه، امام با تجلیل از پیوند برادرانه میان مسیحیان و مسلمانان و با بیان اینکه افسانه‌ی تفرقه‌های مذهبی و فرقه‌ای پایان یافته و ترویج‌کنندگان آن ناکام مانده‌اند، افزود: «ولی ما به وحدت ملی - از آن نوعی که درباره‌ی آن سخن می‌گویند - نیازی نداریم، زیرا همه‌ی ما اهل یک وطن هستیم و باورها و دغدغه‌ای مشترک داریم و این خود وحدت ملی است. اما نمی‌خواهیم مردم را به حزب‌ها و خاندان‌ها و چپ و راست طبقه‌بندی کنیم. ما با این بازی جدید مخالفیم. ملت با هم متحد است و همه در خدمت وطن هستند... اوضاع سیاسی کنونی لبنان چندان رضایت‌بخش نیست. در نهضت ما اهمیتی ندارد که کدام شخص در رأس کدام وزارتخانه قرار دارد... آنچه برای ما مهم است این است که لبنان با جدیت و در اسرع وقت محقق شود.»

۹۶۶ امام سخنان خود را چنین به پایان برد: «این امر محقق نخواهد شد، جز با ایجاد حاکمیتی پویا و صاحب ذهنیتی جدید که هم‌زمان به فکر ارتقا و پیشبرد میهن و شهروندان باشد.» و در پایان، امام اعلام کرد برخی سردمداران سه میلیون لیره برای فتنه‌انگیزی و تفرقه‌افکنی توزیع کرده‌اند.^۱

۹۶۸ در ادامه‌ی خبر مذکور چنین آمده بود: «بر کسی پوشیده نیست که حمایت مردمی گسترده از امام صدر و رویکردهایی که این حمایت‌ها را متمایز می‌کند، نقش و جایگاه مهمی را به ایشان بخشیده و امام نیز از آن برای تأثیرگذاری بر وقایع سیاسی بهره می‌گیرد. همچنین، گفته می‌شود که امام در ایجاد زمینه‌ی فعالیت مخالفان کامل اسعد و تلاش آنان برای نامزد کردن حسین الحسینی به ریاست پارلمان مشارکت فعال داشته است.»^۱

۹۶۹ در پی استعفای نخست‌وزیر، تقی‌الدین الصلح، امام صدر در محل مجلس اعلای شیعیان با رشید کرامی و کمال جنبلاط دیدار و درباره‌ی ویژگی‌های دولت جایگزین و نخست‌وزیر جدید گفتگو کرد. امام در آن دیدار، با تأکید بر احقاق حقوق محرومان، بحث بر سر مصداق و ذکر نام اشخاص را نپذیرفت.^۲

۹۷۰ نمایندگان گروه کامل اسعد از حضور در ترکیب کابینه‌ی جدید امتناع کردند. کامل اسعد علت این اقدام را خودداری نخست‌وزیر جدید، رشید الصلح، از اعطای یکی از وزارتخانه‌های اصلی به طرفداری وی خواند. روزنامه‌ی النهار نیز به نقل از منابع آگاه خبر داد که دولت پس از هماهنگی با شخص کامل اسعد درصدد برآمده است تا با امام صدر که به‌تازگی ابعاد فعالیت‌های خود را گسترش داده، ارتباط برقرار کند، به‌ویژه آنکه کمال جنبلاط (که از گردانندگان اصلی تشکیل دولت به‌شمار می‌آمد) در خلال رایزنی‌ها برای تشکیل کابینه به نخست‌وزیر توصیه کرده بود که دست‌کم با کنارگذاشتن طرفداران کامل اسعد از کابینه رضایت نسبی امام را جلب کند.^۳

امام صدر و کابینه‌ی جدید رشید الصلح

۹۶۷ با نزدیک شدن موعد انتخاب رئیس پارلمان و هم‌زمان با رایزنی‌ها برای تشکیل کابینه‌ی جدید، مجله‌ی الأسبوع العربی در تاریخ

۱- الأسبوع العربی، شماره ۷۹۹، ۱۹۷۴/۹/۳۰.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۹/۲۶.

۳- النهار، ۱۹۷۴/۱۱/۱.

۱- النهار، ۱۹۷۴/۱۰/۲۱.

- ۹۷۱ امام نیز در واکنش به خبر روزنامه‌النهار به خبرنگار این روزنامه گفت: «امروز در روزنامه‌النهار خبری را خواندم مبنی بر اینکه دولت نمایندگان برخی گروه‌ها را از کابینه کنار گذاشته تا رضایت من و دوستانم را که خواستار احقاق حقوق محرومان هستیم، جلب کند و باب گفتگو را با ما بگشاید. اگر چنین عوامل و انگیزه‌هایی در تشکیل کابینه و تعیین کم و کیف وزیران نقش داشته باشد، باید بگویم که با کمال تأسف بسیاری از امیدهای ما رنگ می‌بازد.»
- ۹۷۲ امام در ادامه افزود: «کابینه و وزارتخانه‌ها باید با توجه به اوضاع جنوب و بلیدا تشکیل شود. هم‌زمان با تعیین وزیران و در ساعتی که مراسم اجرایی در حال برگزاری بود، اسرائیل صد خانه را در بلیدا ویران کرد... این وقایع ناگوار، آن هم در روز تعیین وزرای جدید، تجربه‌ای دشوار و آزمون‌نی سخت برای دولت نخست‌وزیر رشید الصلح، خواهد بود و اگر بگویم که قلباً آرزو دارم ایشان در عبور از این مرحله دشوار و پشت سرگذاشتن این آزمون سخت موفق باشد، بی‌گمان خوش‌بین‌ترین و مثبت‌ترین فرد در جنوب لبنان خواهم بود.»^۱
- بیانیه ۱۹۰ تن از فرهیختگان در حمایت از حرکت امام صدر**
- ۹۷۳ ۱۹۰ تن از فرهیختگان و شخصیت‌های فرهنگی با امضای بیانیه‌ای ضمن اعلام حمایت از حرکتی که امام در ۱۷ مارس ۱۹۷۴ آغاز کرده بود، مسئولان حکومتی را به ایفای مسئولیت تاریخی خود در قبال این حرکت فراخواندند. شخصیت‌های فرهنگی و فرهیختگانی که در روزهای ۴ و ۵ و ۶ نوامبر ۱۹۷۴ در بیروت تشکیل جلسه داده بودند، اصول و مبانی مورد نظر خود را در قالب بیانیه‌ای تدوین، و تمامی حاضران آن را امضا کردند.
- متن بیانیه**
- ۹۷۴ نهضتی که امام صدر آن را رهبری می‌کند، گرچه به‌ظاهر شیعی است و زمینه مردمی آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما در واقع حرکتی مردمی و دارای ابعاد گوناگون ملی است. این ابعاد در موارد
- ذیل تجلی می‌یابد:
- ۹۷۵ نخست، این نهضت بر اهمیت مسائل اجتماعی در روند تحولات لبنان و ضرورت توسعه همه‌جانبه در کشور، تأکید دارد، به‌ویژه در مناطقی که اقشار فقیر و کارگران و تهیدستان (با هر مذهب و عقیده) در آن ساکن هستند.
- ۹۷۶ دوم، نهضت مذکور با خواسته‌های کلی اقشار و گروه‌های مختلف لبنان برای تحوّل و اعتلای کشور و ملت لبنان و حقوق شهروندی که اقتدار و تأثیرگذاری لبنان را تثبیت می‌کند، هماهنگی کامل دارد. سوم، این نهضت با حمایت از مسئله فلسطین به‌عنوان مهم‌ترین مسئله جهان عرب، زمینه و فضای لازم را برای رویارویی با دشمن صهیونیستی در ابعاد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی به‌خصوص در قلب جنوب قهرمان مجسم کرده است.
- ۹۷۸ چهارم، می‌توان گفت که این نهضت با توجه به پایگاه مردمی گسترده‌ای که از آن برخوردار است، از لحاظ کمی و کیفی در میان حرکت‌ها و جنبش‌های مردمی در تاریخ معاصر لبنان نهضتی منحصر به فرد به‌شمار می‌آید.
- ۹۷۹ از طرفی، این نهضت با رهبری چون امام موسی صدر که رویکردها و افق‌های جدیدی را در عرصه نگرش و عمل خلاقانه گشوده، ابعاد ملی خاصی پیدا کرده است.
- ۹۸۰ همچنان‌که این نهضت، مظهر ایجاد تحوّل برای از بین بردن عقب‌ماندگی‌ها بوده و با ایجاد امید خیزش و پیشرفت به وجدان بیدار لبنان و لبنانیان تبدیل شده است. ما امضاکنندگان این بیانیه از مناطق مختلف و با گرایش‌ها و عقاید گوناگون که در عرصه‌های مختلف فعالیت داریم، ضمن اعلام همدلی و همراهی خود با این نهضت، تصمیم خود را به‌منظور همکاری مؤثر و حمایت و پشتیبانی از آن با به‌کارگیری تمامی وسایل و ابزار دیپلماتیک برای تسریع در رسیدن به اهداف نهضت اعلام می‌کنیم و از همه مسئولان حکومتی می‌خواهیم ضمن ایفای مسئولیت تاریخی خود در قبال این نهضت، روند تحقق اهداف آن را سرعت بخشند. همچنین، لازم می‌دانیم نسبت به خطرهای گوناگونی هشدار دهیم که در اثر بی‌توجهی و نادیده‌گرفتن این نهضت پدید خواهد آمد.

- ۹۹۱ حرف ص: پی‌یر صادق، ژوزف الصائغ، سمیر الصائغ، محمد صعب، هنری فرید صعب، جورج صقر، جورج صلیبا، هناء الصمدی، جواد صیداوی.
- ۹۹۲ حرف ض: ویکتور ضو.
- ۹۹۳ حرف ط: بهیج طبّاره، ریاض طبّاره، ژوزف طرّاب، انطوان طرابلسی، میشل طرّاد، سامی طعمه، ریاض طه.
- ۹۹۴ حرف ع: عبدالله عبدالدائم، محمد العبدالله، سمیر عبدالملک، فؤاد العشی، پاول عطاءالله، محمد عطاءالله، ژوزف عقیف، انطوان عطوی، عبدالله عیتانی، ابراهیم عید، ریمون عید.
- ۹۹۵ حرف غ: انطوان غانم، لور غریب، عیسی غریب، انطوان غصین، ولید غلمیه، انطوان غندور.
- ۹۹۶ حرف ف: ژان فارس، انطوان فاخوری، شوقی فاخوری، ادموند فخری، پی‌یر فرح، سمیر فرنجه.
- ۹۹۷ حرف ق: عزیز القادری، نزار قبّانی، جورج قدسی، ادیب قدّوره.
- ۹۹۸ حرف ک: رضا کبریت، طلال کجه‌جی، ریاض کحیل، الیاس کرامی، انطوان کرباج، سیمون کرم، جمیل کنعان، ژان کرللس.
- ۹۹۹ حرف ل: آلبرت لحام، عبدالرحمن اللبان، نقولا اللبان.
- ۱۰۰۰ حرف م: یواکیم مبارک، جدعون محاسب، عصام محفوظ، عشیر محفوظ، غالب محمصانی، امیل مخلوف، عیسی مخلوف، جورج مدور، ادیب مروه، صلاح مطر، انطوان معریس، باسم العلم، محمد مغربل، ادموند مسعود، میشل مسک، کلافیس مقصود، منی مکی، عصام مکی، محمدعلی مکی، جمال منصور، قاسم منصور، آلبرت منصور، ولید منیمنه.
- ۱۰۰۱ حرف ن: خلیل نادر، نبیل ناصر، ابراهیم نجار، شارل نجیم، نبیل ادیب نحاس، فؤاد نعیم، أمل نقاش، نبیل نصّار، صلاح نصرالله، ژوزف نصر، زکریا نصولی، فایز نصولی، مارون یوسف نمّور.
- ۱۰۰۲ حرف ه: علی هاشم.
- ۱۰۰۳ حرف و: پی‌یر خلیل ورده، جبران خلیل ورده.^۱

۹۸۱ در پایان، تمامی اندیشمندان و صاحب‌نظران لبنانی را به همکاری با این نهضت فرامی‌خوانیم، باشد که با اجرای اصلاحات بنیادین، امکان دستیابی به پیشرفت و عدالت مطلوب و تحول و تمدنی انسانی که لبنان سزاوار آن است، محقق شود.

اسامی امضاکنندگان بیانیه به ترتیب حروف الفبا

- ۹۸۲ حرف الف: میشل ابوجوده، امین ابوخالد، هنری ابوخالد، رولن ابوشدید، فاروق ابی‌اللمع، نجیب ابی‌حیدر، عبدالحمید الاحدب، روزّه اده، میشل اده، ادونیس پطرس ارسانیوس، عدنان اسکندری، الیاس مقدسی الیاس، میشل اسمر.
- ۹۸۳ حرف ب: هشام بارودی، ژاکلین باز، امین الباشا، کمال بخعازی، امین البزری، فؤاد البستانی، منیر البستانی، لیلی بعلبکی، مارون بغدادی، کریم بقرادونی، فاروق بقیلی، سهیل بولس.
- ۹۸۴ حرف ت: غسان تونینی.
- ۹۸۵ حرف ح: جبران حایک، انسی الحاج، فایز حاج شاهین، فؤاد حجار، روبرت حداد، فوزی حداد، ژوزف حرفوش، سامی حریق، هدی الحسینی، پی‌یر حلو، مروان حماده، ندیم حماده، سعدالدین الحوت.
- ۹۸۶ حرف خ: یوسف الخال، رشا الخالیدی، جورج خضر، انطوان پطرس الخوری، پاول الخوری، ژان یوسف الخوری، روبرو الخوری، نزیه الخوری، شوقی خیرالله.
- ۹۸۷ حرف د: عمر محمد داعوق، روبرت داوود، سمیر دحداح، ندیم دکاش، محمد دمشقیه.
- ۹۸۸ حرف ر: جورج راسی، ژانین رابیز، وجیه رضوان، امین البرت ریحانی، می ریحانی.
- ۹۸۹ حرف س: نقولا سرکیس، بشیر سعاده، پطرس سعاده، فؤاد السعد، اندره جبرائیل سگاف، روزّه سلهب، فاروق سلیم، میشل سلیمان، میشل سماحه، جورج سمعان، احمد سوید، یوسف سلام، مارسل سیوفی.
- ۹۹۰ حرف ش: ژوزف شامی، پاول شاوول، فؤاد شبقلو، عبدو شختوره، رفیق شرف، منیر شماعة، عبدالعزیز شهاب، طارق شهاب، محمد شهاب، ژان شویری، ندیم شویری، روبرت شیبان، حنان الشیخ.

سخنان امام در جمع امضاکنندگان بیانیه

۱۰۰۴ امام صدر در تاریخ ۱۷/۱۲/۱۹۷۴، نشستی با حضور صدونود فرهیخته و اندیشمند امضاکننده بیانیه حمایت از ایشان در محل مجلس اعلای شیعیان برگزار کرد. امام در آن نشست، در سخنانی با تشریح ابعاد و اهداف نهضت خویش فرمود:

۱۰۰۵ عده‌ای بر این باورند که فرهیختگان باید به این نکته توجه کنند که نمی‌توانند نهضت امام صدر را برای خود مصادره کنند، بلکه باید آزادی آن را حفظ کنند. برخی دیگر نیز می‌گویند: آیا نهضت موسی صدر می‌خواهد فرهیختگان را برای خود مصادره کند؟ از این‌رو، در بیانیه از عبارت «همکاری نهضت و فرهیختگان» استفاده کردم و من شخصاً بر ضرورت همکاری میان طرفین، یعنی همکاری نهضت با بزرگان فرهنگ و ادب و اندیشه و نیز بر ضرورت همفکری در برنامه‌ریزی‌ها و نگرش‌ها و جزئیات امور تأکید کردم. این مسئله کاملاً مورد قبول من است و مسئولیت آن را دارم و با مسئولیت خود رهبری نهضت را تحت تصرف شما قرار می‌دهم تا در مراحل برنامه‌ریزی و اجرا مشارکت کنید، مشروط بر اینکه شما امضاکنندگان بیانیه از نزدیک و با دقت جنبش محرومان و مشکلات و رنج‌های آنان را حس کنید، که در این صورت، خود جزئی از نهضت و یکی از صاحبان آن خواهید بود... در این نهضت و ابعاد گوناگون آن فرقه‌گرایی جایی ندارد و فقط مسئولیت‌پذیری و خدمت‌رسانی تاحد از خودگذشتگی مد نظر است.

۱۰۰۶ امام در پایان با تأکید بر اینکه «بیایید با یکدیگر توافق کنیم و سنگ بنایی را انتخاب کنیم که مبنای پیشرفت اجتماعی و ساختن آینده لبنان باشد»، ریاست جلسه را به اسقف خضر سپرد.^۱

۱۰۰۷ روزنامه النهار پس از نقل خبر برگزاری نشست مذکور، در تحلیلی درباره آن چنین نوشت: «امام صدر در دیدار با فرهیختگان مطالبی را مطرح کرد که به نهضت ایشان ابعاد جدیدی می‌افزاید و چه بسا که او به موازات حرکت و نهضت گسترده عام مردمی حرکتی را در سطح نخبگان ایجاد کرده باشد که او در سخنان خود

آن را «انقلاب فرهیختگان» نامید و اعلام کرد که هدف ایشان نه جلب توجه و کسب همدردی مرفهان بی‌درد، بلکه مشارکت و همراهی واقعی با مشکلات رنج‌کشیدگان است... امام در توضیحی بی‌سابقه درباره ابعاد و ویژگی‌های اصلی نهضت خویش، بر این نکته تأکید کردند که هدف نهضت به دست آوردن حکومت و ریاست نیست، بلکه اصلاح فضای سیاسی، و نه انتخاب سیاستمداران و نه موفقیت سیاسی افرادی است که با نهضت و اهداف آن همراه و همگام هستند... امام صدر با این توضیح و با انتقاد از عملکرد احزاب و گروه‌های فرقه‌گرا و نقش آنها در آن مقطع زمانی همگان را به کار و تلاش مبتنی بر نگرش فراگیر و کنارگذاشتن باندا بازی‌های فرقه‌ای و طبقاتی فراخواند...»^۱

دیدگاه امام درباره بیانیه فرهیختگان

۱۰۰۸ امام صدر در سخنان خود در نخستین مجمع عمومی تأسیس جنبش امل اعلام کرد که برقراری رابطه با فرهیختگان مارونی و عموم مسیحیان نتایج پرباری داشته که عبارت است از صدور بیانیه ۱۹۰ تن از فرهیختگان و تشکیل دبیرخانه انجمن اندیشمندان حامی محرومان و حضور فرهیختگان بزرگ و نامدار از گروه‌های مختلف در این انجمن و آغاز همکاری و فعالیت مشترک و ایراد سخنرانی در مراکز فرهنگی مناطق کسروان و متن شمالی و جبیل و دیگر نتایجی که به افکار عمومی مسیحیان ثابت می‌کرد که جنبش محرومان نهضتی فرقه‌ای نیست و هدف آن تحقیر مسیحیان یا سلب حقوق آنان نبوده است.^۲

نامه امام خمینی^{ره} در تقدیر و حمایت از امام صدر

۱۰۰۹ در چنان اوضاعی، نامه‌ای از امام خمینی^{ره} در تشکر و تأیید امام صدر به ایشان واصل شد. در آن نامه چنین آمده بود:

۱۰۱۰ حضرت مستطاب، سیدالاعلام و حجت‌الاسلام جناب آقای صدر

۱- همان.

۲- اسناد نخستین مجمع عمومی جنبش محرومان - امل، می ۱۹۷۶.

۱- النهار، ۱۷/۱۲/۱۹۷۴.

— دامت برکاته — امیدوارم حالتان خوب باشد. از تلاش و جهاد شما در راه احقاق حقوق شیعیان و کوتاه کردن دست ستمکاران تشکر می‌کنم. امیدوارم خداوند شما را برای ما حفظ فرماید و در راه بسیج نیروهای جوان در راه خدا موفق بدارد و به جای نعمت‌های گذرا از نعمت‌های جاویدان بهره‌مند گرداند.

آنچه از امور طبیعی در اختیار ماست، از دست می‌رود و رستگاری از آن کسی است که امور فانی را در راه رسیدن به باقی فدا کند و به نعمات جاویدان دست یابد. «قِيلَ اِزْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا»^۱. «وراء» که در این آیه ذکر شده، همین عالم طبیعت است، زیرا در این عالم می‌توان نورانیت حاصل کرد، و با رحلت از این عالم بازگشتن محال است و دست‌یافتن غیرممکن.

از خداوند متعال می‌خواهم ما پیران را همچون جوانان گرداند که نور فطرت در وجودشان خاموش نشده است.

و از آن جناب می‌خواهم که ما را دعا کنید که حُسن عاقبت نصیبمان شود و آنچه از عمرمان باقی مانده، همچون گذشته سودمند باشد. والسلام علیکم.

روح‌الله الخمينی - ۸ ذی‌الحجه ۱۳۹۴ هـ.

روابط امام صدر و کامل اسعد سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴

۱۰۱۴ از سال ۱۹۶۹، کامل اسعد، رئیس اسبق پارلمان لبنان، موضع مخالف خود را در برابر امام صدر آشکار کرد و گروهی از روحانیون مخالف طرح‌ها و برنامه‌های امام صدر را تحت حمایت خود قرار داد.

۱۰۱۵ کامل اسعد تشکیل مجلس اعلای شیعیان را موجب تضعیف موقعیت و نفوذ خود می‌دانست. گرایش اقشار مختلف مردم به امام صدر نیز بر نگرانی وی می‌افزود. پذیرش رسمی طرح‌ها و خواسته‌های امام صدر از سوی حکومت — که به دنبال اعمال فشار به دولت از طریق بیان هدفمند طرح‌ها و ارائه دلایل منطقی بود — هراس و نگرانی سعد را دوچندان می‌کرد.

۱۰۱۶ اما در زمان ریاست‌جمهوری شارل حلو، کامل اسعد با وجود تلاش بسیار نتوانست از تأسیس مجلس اعلای شیعیان جلوگیری کند، زیرا وی در آن زمان هنوز به ریاست پارلمان نرسیده بود و صبری حماده، رئیس وقت پارلمان لبنان، نیز همواره از طرح‌ها و دیدگاه‌های امام صدر حمایت می‌کرد.

۱۰۱۷ در پایان دوره ریاست‌جمهوری شارل حلو و پس از آنکه سلیمان فرنجه جای او را گرفت، کامل اسعد به ریاست پارلمان رسید. وی هنوز هم بر این پندار بود که اختیارات مجلس اعلای شیعیان ریاست او را در آینده تهدید می‌کند، به‌ویژه آنکه با شدت‌یافتن بحران میان ارتش لبنان و مبارزان فلسطینی و افزایش تجاوزات اسرائیل به روستاهای مرزی، امام صدر از هر فرصتی برای فراخوان افراد و گروه‌ها به منظور تقویت جبهه داخلی و رویارویی با تهاجم دشمن بهره می‌گرفت. تماس‌ها و اقدامات

۱۰۱۱

۱۰۱۲

۱۰۱۳

۱- «گفته می‌شود: واپس گردید و از آنجا روشنائی طلب کنید.» حدید (۵۷)، ۱۳.

داخلی و بین‌المللی امام نگرانی کامل اسعد را به دنبال داشت خاصه آنکه امام به سمبل گفتگو و وفاق جناح‌های مختلف تبدیل شده بود.

۱۰۱۸ تلاش و اهتمام امام برای رفع محرومیت از مناطق جنوب و بقاع و عکار و حومه بیروت و مبارزه ایشان با بی‌توجهی دولت به مناطق مذکور، که بیان خواسته‌های طیف‌ها و اقشار مختلف لبنانیان محروم بود، امام صدر را به رهبر دینی شیعیان و پیشوایی همگام و همراه با تحولات معاصر تبدیل کرده بود و اینها همه بر نگرانی و هراس اسعد می‌افزود.

سال ۱۹۷۴ و طرح خواسته‌های شیعیان

۱۰۱۹ مجله بیروتی *الديار* در مقاله‌ای به تاریخ چهارم فوریه ۱۹۷۴ این پرسش را مطرح کرد که «چه کسی بر کرسی رهبری شیعه تکیه زده است؟»^۱ این سؤال درست در زمانی مطرح می‌شد که امام صدر با قدرت و جدیت خواستار تحقق خواسته‌های محرومان و «پایان قیومیت گروهی از شخصیت‌های سیاسی بر مناطق محروم» شده بود، چرا که «برخی از سیاستمداران با قیومیت خود بر مناطق محروم مانع از رشد و توسعه این مناطق می‌شوند تا نفوذشان در مناطق مذکور ادامه و گسترش یابد.»

۱۰۲۰ امام صدر دریافتی بود که سردمداران سیاسی که بر اهل جنوب سلطه داشتند، بر محرومیت آنان افزوده‌اند. او در سفر به روستای جنوبی الخیام، در سخنانی، اهالی جنوب را به «رهایی از سیطره اربابان و بیگ‌ها (خوانین) که باقی مانده دوران تاریک فئودالیسم هستند»^۲ فراخوانده بود.

۱۰۲۱ سخنان و موضع‌گیری‌های امام صدر بر پشتوانه‌ای قوی متکی بود، چرا که ایشان خیلی زود به این حقیقت پی برده بودند که حکومت دریاری محرومان هیچ نقشی ندارد و کمک‌های مالی‌ای که به اهالی جنوب اختصاص یافته بود، به جیب مسئولان سرازیر شده

است. امام در تشریح ماجرای خودداری یکی از مسئولان از توزیع یازده میلیون لیره، که هم‌زمان با نبردهای سپتامبر ۱۹۷۲ به‌عنوان کمک مالی برای جنوب فرستاده شده بود، گفته بود: «فلان مسئول به وعده‌هایش عمل نکرد و چک‌ها نزد من باقی ماند.»^۱

۱۰۲۲ چندی بعد، امام در مصاحبه دیگری از این موضوع پرده برداشت که مبلغی معادل سی میلیون لیره برای کمک به جنوب از طرف کشورهای عربی ارسال شده که تاکنون در بانک‌ها بلوکه شده است و برای تحقق اهداف مورد نظر فرستندگان هزینه نشده است.^۲

۱۰۲۳ این در حالی بود که نمایندگان گروه کامل اسعد جلسات مجلس اعلا شیعیان را نیز تحریم کرده بودند و ضمن مخالفت با مواضع مجلس اعلا از مشارکت در اقداماتی خودداری می‌کردند که دیگر نمایندگان شیعه معتقد به حقانیت مواضع امام صدر صورت می‌دادند.^۳

۱۰۲۴ نمایندگان طرفدار اسعد پا را از این نیز فراتر نهاده بودند و یکی از آنان به نام حمید دکروب درباره امام چنین گفته بود: «به نظر می‌رسد که ایشان خردورزی و حکمتی را که همواره به آن مشهور بود، از دست داده و عرصه دیانت محض را رها کرده و به میدان سیاست پانهاده؛ میدانی که ملت، حق ورود به آن را برای دفاع از منافع مردم به ما واگذار کرده است.»^۴

۱۰۲۵ دامنه مخالفت طرفداران اسعد با امام که همچنان گسترش می‌یافت، به روستاهای جنوب رسید و برخی از طرفداران وی تلاش کردند از سخنرانی امام در حسینیه روستای غازیه جلوگیری کنند و با ایجاد مشکلاتی در روستای یاطر مانع از ورود امام به این روستا شوند.^۵ این اقدامات در میان مردم بازتاب منفی گسترده‌ای برجا گذاشت و سیل تلگراف‌ها در حمایت از امام و تأیید اقدامات

۱- همان.

۲- *الأ سبوع العربي*، شماره ۸۰۵، ۱۱/۱۱/۱۹۷۴.

۳- *الجريدة*، ۱۳/۱/۱۹۷۴.

۴- *النهار*، ۱۹/۱/۱۹۷۴.

۵- *النهار*، ۲/۵/۱۹۷۴.

۱- *الديار*، شماره ۴۱، ۴-۱۰ فوریه ۱۹۷۴.

۲- *النهار*، ۱/۵/۱۹۷۴.

ایشان و محکومیت اظهارات و اقدامات «جیره‌خواران» از مناطق و روستاها و شخصیت‌های مختلف به سوی امام سرازیر شد.^۱

۱۰۲۶ با شدت یافتن موج حملات به امام صدر، جلسه‌ای با حضور نمایندگان مجلس و شخصیت‌های دینی و سیاسی شیعه از جمله حسین الحسینی و عبداللطیف الزین و حسین منصور و فضل‌الله دندش و محمد صفی‌الدین و علی بزّی و سعید فوّاز و مالک بدرالدین و دکتر علی الحسن و دکتر فخری علامه و عاصم قانصو و محمد عیسی در منزل عبدالکریم الزین، نماینده سابق پارلمان تشکیل شد. وی پس از آن نشست در گفتگو با روزنامه‌نگاران تصریح کرد: «این جلسه، در حقیقت، آغازی بود بر روند مقابله و ارائه پاسخ مناسب به هجمه‌های تبلیغاتی که با حمایت مغرضان و با هدف شبهه‌افکنی ضد امام صدر صورت می‌گیرد و بی‌گمان کرامت شیعیان را خدشه‌دار می‌کند. با تأسف مشاهده می‌کنیم که خودخواهی سیاسی و سلطه‌جویی چگونه طرفداران زعمای سیاسی شیعیان را به ایجاد شکاف و تفرقه در صف تشیع و تعرض به روحانیون و علمای دین واداشته، و وجدان و تقوا نیز نتوانسته است مانع آنان از این اقدامات شود...»^۲

تعرض به حسین الحسینی، نماینده پارلمان

۱۰۲۷ در ادامه روند مخالفت با امام صدر و یاران ایشان، پنج تن از کارمندان پارلمان لبنان با تعقیب حسین الحسینی، نماینده پارلمان تا صحن علنی مجلس و سرزنش او به سبب حمایت از امام صدر و مخالفت با کامل اسعد، خواستار حمایت الحسینی از اسعد شدند که خیرخواه وی بوده و آماده تحقق همه خواسته‌های او ست. آنان وقتی با پاسخ منفی الحسینی مواجه شدند، وی را در صحن علنی مجلس مورد تعرض و ضرب و جرح قرار دادند.^۳

۱۰۲۸ حسین الحسینی پس از این حادثه تصریح کرد: «این رویداد در سرنوشتی جز این نخواهد داشت.»

۱۰۳۰ امام صدر نیز درخصوص حادثه تعرض به حسین الحسینی تصریح کرد: «آنچه اتفاق افتاد، ادامه سلسله تحرکاتی بود که از چندی پیش به آن متوسل شده‌اند و همین بیانگر ناکامی و شکست آنان است و نشان می‌دهد که کنترل خود را از دست داده‌اند. اگر هدف آنان از این کار آن است که به تدریج ما را به درگیری‌های حاشیهای سرگرم کنند، بدانند که ما هرگز چنین امری را نمی‌پذیریم و این اقدامات به هیچ‌وجه نمی‌تواند روند فعالیت ما را

۱- النهار، ۸، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۵، ۲۷ و ۱۹۷۴/۲/۲۸.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۲/۲۸.

۳- الادیار، شماره ۴۶، ۱۱-۱۷ مارس ۱۹۷۴.

۱- النهار، ۱۹۷۴/۳/۶.

۲- همان.

ایشان و کامل اسعد یا علمای شیعه وجود ندارد، با ابراز نگرانی از این گفته‌ها بیان کرد: «نگرانی من از آن است که در پس انتشار اخبار مربوط به اختلافات و آشتی، برنامه‌ای از پیش تعیین شده نهفته باشد و طراحان آن بخواهند با لوژ کردن موضوع خواسته‌های شیعیان، آن را اختلافی شخصی میان من و کامل اسعد یا میان من و علمای شیعه جلوه دهند.»^۱

همایش بعلبک؛ نگرانی‌ها و مواضع کامل اسعد

۱۰۳۴ روزنامه‌ی النهار با نقل خبری اعلام کرد: «فهمی شاهین، وزیر اطلاع‌رسانی لبنان، به تحریک کامل اسعد با سفر به نجف اشرف در صدد است از موضع مرجع اعلای شیعیان جهان و برخی علمای لبنانی مقیم نجف نسبت به فعالیت‌های امام صدر اطلاع یابد تا شاید در انتخابات بعدی ریاست مجلس اعلای شیعیان لبنان در سال ۱۹۷۵، نامزدی را برای رقابت با امام صدر تعیین کنند.»^۲

۱۰۳۵ برخی روزنامه‌های لبنان نیز از تلاش شیخ حسن خالد، مفتی اهل سنت، و شیخ محمد ابوشقرا، رهبر دروژی‌های لبنان، برای حل اختلاف میان امام صدر و کامل اسعد خبر دادند و خاطر نشان کردند که اسعد ضمن تشریح ماجرای اختلاف خود با امام برای شیخ حسن خالد و شیخ محمد ابوشقرا تصریح کرده است که به عقیده‌ی وی امام با اقدامات و برنامه‌های خود اهداف خاصی را دنبال می‌کند و می‌خواهد تمامی سران و رهبران سیاسی شیعه را هدف قرار دهد. اسعد در ادامه افزود: «به عقیده‌ی من آغاز گفتگو میان من و امام صدر نوعی مشارکت غیرمستقیم در اجرای برنامه‌های صدر است.» وی بیان کرد: «اجرائش در خواست ساخت یک مدرسه، یا گُند بودن در اجرای یک پروژه، یا استخدام نشدن یک شخص نباید موجب تهدید به برپایی انقلاب شود؛ آن

تحت تأثیر قرار دهد.»^۱

۱۰۳۱ کامل اسعد نیز در مصاحبه‌ای مطبوعاتی و در تلاش برای پاسخ به اظهارات امام، با انتقاد شدید از حسین الحسینی امام صدر را متهم کرد که توافق میان آن دو درباره‌ی بی‌طرفی علما و روحانیون را نقض کرده و علیه آن موافقتنامه دست به کودتا زده است.^۲

دامن‌زدن به اختلاف میان اسعد و امام صدر با هدف لوژ کردن خواسته‌ها

۱۰۳۲ در پی وقایع مذکور و تعرض به حسین الحسینی، نماینده پارلمان شفیق وزان از وزرای اسبق کابینه لبنان، در دیدارهای جداگانه با امام صدر و کامل اسعد، سعی داشت میان آن دو توافق ایجاد کند و اختلافات را مرتفع سازد. شیخ حسین معتوق نیز مشابه چنین اقدامی را صورت داد.^۳ شفیق وزان پس از دیدار با امام گفت: «امام صدر برای دیدار با هریک از مسئولان و گفتگو درباره‌ی خواسته‌های اصلی و به‌حق شیعیان آمادگی کامل دارند. ایشان فقط تحقق این خواسته‌ها را هدف می‌دانند و تأکید دارند که میان ایشان و کامل اسعد هیچ اختلاف شخصی وجود ندارد.» روزنامه‌ی النهار با نقل خبری در این باره نوشت: «امام صدر از اینکه موضوع خواسته‌های شیعیان مسئله‌ی مورد اختلاف ایشان و کامل اسعد جلوه داده شود بسیار ناخشنود هستند.» این روزنامه در بخش دیگر از این خبر افزود: «کامل اسعد معتقد است که میان او و امام صدر اختلافی وجود ندارد، بلکه اختلاف نظر میان امام و علمای شیعه است و اگر قرار باشد صلح و آشتی اتفاق بیفتد، باید میان امام و آن علما آشتی و توافق برقرار شود.»^۴

۱۰۳۳ ولی امام گفته‌های اسعد در خصوص آشتی و توافق را با قاطعیت نفی کرد و ضمن تأکید بر اینکه هیچ اختلاف شخصی میان

۱- النهار، ۱۹۷۴/۳/۸.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۲/۱۲.

۳- النهار، ۱۹۷۴/۳/۱۳.

۴- النهار، ۱۹۷۴/۳/۱۴.

۱- الجریده، ۱۹۷۴/۳/۱۶.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۳/۲۰.

گونه که امام صدر عمل می‌کنند.»^۱

تعرض به شیخ عبدالامیر قبلان و شیخ حسن عبدالله

۱۰۳۶ حادثه تعرض به شیخ عبدالامیر قبلان، مفتی شیعیان، که در مراسمی مذهبی در روستای عدیسه روی داد، موجی از محکومیت‌ها و واکنش‌های شدید را به دنبال داشت. در پی این واقعه، امام صدر محل برگزاری تمامی ملاقات‌های خود را به دارالافتوای شیعیان منتقل، و قرارهای قبلی خود را ملغاً اعلام کرد. مجلس اعلای شیعیان نیز بیانیه‌ای بدین شرح صادر کرد:

۱۰۳۷ «جامعه شیعیان لبنان بدین وسیله حادثه تعرض به جناب شیخ عبدالامیر قبلان، مفتی شیعیان، را که در مراسم مذهبی روستای جنوبی عدیسه و از سوی یک گروه مسلح و مزدور صورت گرفت شدیداً محکوم می‌کند و ضمن اعتراض به این اقدام کینه‌توزانه مسئولیت آن را متوجه دولت می‌داند و دولت را در این اقدام جنایتکارانه که در برابر چشمان نیروهای امنیتی صورت گرفت، سهیم می‌داند؛ به ویژه آنکه برخی تعرض‌کنندگان عضو نیروهای امنیتی یا دیگر سازمان‌ها و نهادهای دولتی هستند. مجلس اعلای شیعیان تا زمان فراهم شدن امکان تأمین امنیت مراسم مذهبی اجرای این قبیل مراسم در بزرگداشت زادروز پیامبر اکرم ص را ملغاً اعلام می‌کند و آن را تا هنگام آمادگی دولت برای به عهده گرفتن مسئولیت خود در بهره‌مندی شهروندان از ساده‌ترین حقوق شهروندی، از جمله حق اجرای مراسم مذهبی، به تعویق می‌اندازد. همچنین، مجلس اعلا از تمامی گروه‌ها و شخصیت‌های دینی و مذهبی لبنان می‌خواهد در قبال این حادثه همان موضعی را اتخاذ کنند که در زمان وقوع چنین پیشامدهایی برای خود از دیگران توقع دارند. فقط در چنین حالتی است که لبنان مهد انسانیت و سرزمین آزادی و وطن خداپاوران باقی خواهد ماند. مجلس اعلا در پایان اعلام می‌کند که این قبیل اقدامات هرگز نمی‌تواند در عزم و اراده شیعیان برای پیگیری خواسته‌ها و حقوق خود و دیگر محرومان

میهن خللی ایجاد کند.»

۱۰۳۸ امام صدر نیز در اظهار نظری درباره این واقعه چنین فرمود: «آنچه برای ما مهم است، این است که شهروندان این ذهنیت را پیدا کرده‌اند که حق دارند با آزادی کامل مراسم مذهبی خود را برگزار کنند... این اقدام با هماهنگی قبلی و برنامه‌ریزی شده بوده است و ما می‌دانیم مسئولیت آن به عهده چه کسی است. در واقع کسی جز دولت مقصر نیست. یک گروه مسلح اجیر شده به شهروندان سیطره می‌یابد. اینکه آن افراد را چه کسی اجیر کرده است، مهم نیست. در هر صورت، ما دولت را مستقیماً مقصر و متهم می‌دانیم. اگر این نظام و این دولت نمی‌تواند امنیت ما را در زمان برگزاری مراسم مذهبی تأمین کند، خود می‌دانیم که چگونه آن را تأمین و چگونه آزادانه و عزتمندانه این مراسم را برگزار کنیم، چنان‌که تاکنون نیز این کار را کرده‌ایم. اگر دولت در عمل به مسئولیت‌های خود در این زمینه کوتاهی کند - که هم اکنون چنین است - ما خود برای حمایت از حقوق خویش و حقوق محرومان اقدام خواهیم کرد.»

۱۰۳۹ اکنون برای نخستین بار به سبب وقوع این حادثه، مراسم و جشن‌های سالروز ولادت پیامبر اکرم ص را برگزار نمی‌کنیم... آنان نه تنها از سخنرانی شیخ عبدالامیر قبلان ممانعت کرده‌اند، بلکه شیخ حسین عبدالله را هم مورد ضرب و جرح قرار داده‌اند. جا دارد این پرسش را مطرح کنیم که چطور ممکن است گروهی مسلح از تمامی گشت‌های بازرسی عبور کنند و کسی مانع آنان نشود؟ این ممکن نیست، مگر آنکه آنان برگه عبور ویژه داشته باشند، و این به معنای آن است که حکومت با این گروه‌های مسلح همدست است. اغلب آن مهاجمان جزو کارمندان دولت هستند. برخی از آنان هم کارت شناسایی نیروهای امنیتی را به همراه داشته‌اند... ما هرگز خواسته‌ها و اهداف خود را به درگیری‌های فرعی و حاشیه‌ای تبدیل نخواهیم کرد. ما خواهان مشخص شدن ریشه‌ها هستیم. می‌خواهیم اربابان اصلی را بشناسیم. همان کسانی که ارتکاب چنین جرایمی را به دست این گروه‌ها تسهیل

می‌کنند»^۱

می‌دانیم که سوگند یاد کرده‌ایم تا براساس آن و به پیروی از امام صدر راهمان را ادامه دهیم.»^۱ عبداللطیف الزین دیگر نماینده پارلمان نیز پس از اعلام نتایج گفت: «شما فقط رفیق شاهین را انتخاب نکردید، بلکه اراده و عزت و کرامت اهل جنوب را به تصویر کشیدید.» عبدالمجید الزین، نماینده سابق پارلمان، نیز در این باره گفت: «حق بر باطل پیروز شد... ما راه و روش خود را آشکارا اعلام کردیم و اصول و مبانی فکری خود را از آن قهرمان بزرگ، امام موسی صدر، برگرفته‌ایم.»^۲

۱۰۴۳ در ادامه، دکتر رفیق شاهین، نماینده منتخب نبطیه، به همراه عبداللطیف الزین و حسین الحسینی دیگر نمایندگان پارلمان در مقر مجلس اعلای شیعیان با امام صدر دیدار کردند و آن ملاقات را «دیدار با پدر معنوی نبرد انتخاباتی نبطیه» خواندند. همچنین بیش از چهارصد تن از شخصیت‌های شیعه، شامل پزشکان و روزنامه‌نگاران و مهندسان و وکلا و تجار، به دیدار امام صدر رفتند.^۳

۱۰۴۴ در آن دیدار، ابتدا ریاض طه، رئیس انجمن روزنامه‌نگاران، در سخنانی گفت: «اگر مارکس و پس از او لنین، دین را افیون ملت‌ها نامیدند، امروز حق داریم بگوییم که دین آزادی‌بخش انسان‌هاست. اگر نیروهای استعمارگر و مرتجع توانستند برخی روحانی‌نمایان ملت‌های مختلف را برای توجیه ستمکاری‌های خود به کار گیرند، امروز ما روحانی و عالمی داریم که به انقلاب و مبارزه برضد ستم فرامی‌خواند. نهضت امام صدر نهضتی دینی نیست، بلکه خیزش تمامی محرومان از همه ادیان و مذاهب است؛ و این نهضت هنگامی به پایان می‌رسد که ستم‌دیدگان به همه حقوق خویش دست یابند و ملت از سیطره سردمداران موروثی و فئودال‌ها رهایی یابند و قدرت دفاع از خویش در برابر هجوم دشمن را پیدا کنند.»

بیانیه چند تن از علمای شیعه برضد امام صدر

۱۰۴۰ شماری از علمای شیعه با امضای بیانیه‌ای به اقدامات امام صدر از زمان تأسیس مجلس اعلای شیعیان انتقاد کردند و از نقش کامل اسعد در دفاع از حقوق شیعیان و ایجاد وحدت میان آنان تقدیر کردند. این بیانیه به امضای هفت نفر از روحانیون رسید.^۲ مجلس اعلای شیعیان از پاسخ به آن بیانیه امتناع کرد و آن را تلاش ناموفق دیگری با هدف تضعیف مجلس اعلا و همچنین تلاش‌های امام صدر برای احقاق حقوق شیعیان و اجرای عدالت در مناطق محروم و دفاع از جنوب عنوان کرد.^۳

انتخابات میان‌دوره‌ای در نبطیه

۱۰۴۱ در پی درگذشت فهمی شاهین، نماینده حوزه انتخاباتی نبطیه در پارلمان لبنان و عضو فراکسیون کامل اسعد، انتخابات میان‌دوره‌ای در ۸ دسامبر ۱۹۷۴ در این منطقه برگزار شد. کامل اسعد با معرفی نامزدی به نام کامل علی احمد در انتخابات شرکت کرد. گروه‌های رقیب وی نیز با حمایت از کاندیداتوری دکتر رفیق شاهین که طرفدار دیدگاه‌ها و مواضع امام صدر بود، در انتخابات حضور یافتند. نتیجه انتخابات با پیروزی قاطع دکتر رفیق شاهین^۴ با ۱۶۳۳ رأی (در مقابل ۶۴۱۶ رأی نامزد طرفدار اسعد همراه بود).^۵

۱۰۴۲ رفیق شاهین بلافاصله پس از اعلام خبر پیروزی خود در واکنش به این خبر اظهار داشت: «بانگ حق طلبی ملت با اراده امام صدر برتری پیدا کرد. همه ما ایشان را رهبر خود می‌دانیم و پیروزی خود را پیروزی و موفقیت ایشان، و نشانه برتری اصولی

۱- روزنامه‌های لبنان، ۱۹۷۴/۴/۲.

۲- الشمس، ۱۹۷۴/۴/۱۸.

۳- الجریده، ۱۹۷۴/۴/۱۸.

۴- النهار، ۱۹۷۴/۸/۷.

۵- النهار، ۱۹۷۴/۱۲/۱۲.

۱- النهار، ۷ و ۱۲/۸/۱۹۷۴.

۲- همان.

۳- النهار، ۱۲/۱۲/۱۹۷۴.

۱۹۳۶ امتیازات مهمی کسب کند و بسیاری از مزارع کشت تنباکو را به خود اختصاص دهد. این وضعیت موجب اعتراضات و اعتصاب‌های پی‌درپی کشاورزان شد و شکل‌گیری انجمن‌ها و اتحادیه‌های کارگری را در پی داشت. تنباکوکاران به‌طور گسترده در تظاهرات و اعتراضات کارگری نیز حضور یافتند و در روند استقلال لبنان و اخذ اجازه فعالیت برای برخی انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و تصویب قانون کار در ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۶ نقش مهمی ایفا کردند.

۱۰۴۸ کشت تنباکو برای همه کشاورزان مجاز نبود و فقط زمین‌های مشخصی به این کار اختصاص داشت. از طرفی، کشت تنباکو نیازمند مجوز ویژه‌ای بود و کشاورزان تنباکوکار نیز نمی‌بایست مساحتی بیش از آنچه برای آنان تعیین شده بود، زیر کشت ببرند، چرا که در این صورت، زمین‌هایی که افزون بر مساحت مجاز کشت شده بود، تخریب می‌شد. برای اخذ مجوز نیز کشاورزان باید به اداره انحصاری توتون و تنباکو لبنان (رژری) مراجعه می‌کردند و این اداره، خود، یکی از عوامل سوء استفاده از دسترنج کشاورزان بود. فئودال‌ها و زمین‌داران بزرگ نیز بخشی از این سیاست ناعادلانه را تشکیل می‌دادند، زیرا هریک از کشاورزان رعیت یکی از فئودال‌ها بود و حاصل زحمات کشاورز برای ارضای زیاده‌خواهی‌های آنان به کار گرفته می‌شد و در ادامه نیز زمین‌داران با سوء استفاده از رأی همین کشاورزان به مناصب مختلف حکومتی می‌رسیدند. بدین ترتیب، عمر و دسترنج کشاورزان و خانواده آنان، از کوچک و بزرگ، در خدمت فئودال‌ها و در گرو رباخواران قرار داشت.^۱

حادثه رژری در سال ۱۹۷۳

۱۰۴۹ در ۲۴ ژانویه شهر نبطیه شاهد تظاهرات گسترده ده‌ها هزار نفر از شهروندان برای احقاق حقوق تنباکوکاران بود. اهالی روستاهای اطراف و دانش‌آموزان مدارس نیز به صف کشاورزان پیوستند و به

۱۰۴۵ امام صدر نیز در سخنان خود ضمن تجلیل از مردم نبطیه که در روز انتخابات تحت تأثیر فشار و تطمیع و تهدید واقع نشدند تصریح کرد: «اکنون راه و روش ما آشکار شده است. تشکیلات ما یک حزب نیست، بلکه شبه حزب است. خواسته‌هایی که مطرح شده در وجدان و ضمیر هموطنان جای گرفته است... و این فرصت مناسبی برای مسئولان کشور است. اگر به حرفمان گوش کنند که چه بهتر؛ دیگر نیازی به اقدامات بعدی نخواهد بود. در غیر این صورت، حق خود می‌دانیم که اقدامات و رفتارهای غیردمکراتیک داشته باشیم... نبرد اصلی ما همین است و پیروزی‌های ما در نبطیه پایان نمی‌یابد، بلکه این آغاز راهی طولانی است و، در عین حال، این به معنای دخالت مجلس اعلا در سیاست نخواهد بود. مسئولیت ما اصلاح وضعیت معیشت و اخلاق است. این از تکالیف مهم دینی ماست و اگر آن را انجام ندهیم، کافر خواهیم بود.»^۱

امام صدر و مسائل تنباکوکاران

۱۰۴۶ جبل عامل یکی از مناطقی است که تنباکو از محصولات اصلی آن به‌شمار می‌آید و میزان تنباکوی کشت شده در این منطقه معادل نود درصد کل محصول تنباکوی لبنان تخمین زده می‌شود. آغاز کشت گسترده این محصول به یک قرن و نیم پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که در سایه حکومت عثمانی برخی صنایع کوچک از جمله صنعت دخانیات پیشرفت چشمگیری داشتند.

۱۰۴۷ پس از آن، دوره‌ای فرا رسید که منافع کشاورزان با منافع فئودال‌ها که با حکومت عثمانی همکاری داشتند، نیز با منافع صاحبان شرکت‌هایی که اتباع فرانسه در دوره سلطنت عثمانی تأسیس کرده بودند، تعارض و تضاد پیدا کرد. یکی از آن شرکت‌ها شرکت رژری بود که با هدف انحصاری کردن کشت تنباکو در لبنان تأسیس شد و توانست در دوره قیمومیت فرانسه بر لبنان و به‌ویژه در زمان ریاست جمهوری حبیب پاشا سعد در سال‌های ۱۹۳۴ تا

طرف شعبه شرکت رژی در روستای کفررمان به راه افتادند. در آنجا بر اثر اصابت گلوله دو تن به نام‌های نعیم نعمه درویش (اهل روستای حبوش) و حسن احمد حایک (از روستای کفرتبیت) به شهادت رسیدند و ده‌ها تن نیز زخمی شدند. به دنبال این واقعه راهپیمایی‌های گسترده‌ای در مناطق مختلف لبنان و در محکومیت عاملان حادثه برگزار شد.^۱

پیشنهاد‌های امام صدر برای حل مشکل تنباکوکاران

۱۰۵۰ امام صدر در مصاحبه با روزنامه کویتی السیاسة درباره مشکلات تنباکوکاران و حادثه رژی در نبطیه چنین گفت: «مشکل از آنجا ناشی می‌شود که توتون و تنباکو اصلی‌ترین محصول زراعی این مناطق است، زیرا به علت کمبود آب نمی‌توان محصولات دیگری کشت کرد. نخستین بخش از راه‌حل این مشکل آن است که با تکمیل پروژه آبرسانی لیبانی جنوب از آب کافی بهره‌مند شود. اما مشکل کشاورزان و درگیری آنان با دولت از آنجا نشئت می‌گیرد که دولت متعقد است قیمت تنباکوی لبنان قدرت رقابت با تنباکوی خارجی را ندارد و موجب ضرر و زیان بسیار می‌شود، اما کشاورزان منکر این ادعا هستند و انگشت اتهام را به سوی اداره دخانیات و توتون نشانه می‌روند. این مشکل نیازمند راه‌حلی ریشه‌ای است و آن عبارت است از اینکه مؤسسه دخانیات و توتون به چیزی شبیه شرکت تعاونی تبدیل شود و هریک از کشاورزان به نسبت مساحت زیرکشت خود در آن سهامدار شوند و دولت و کشاورزان نیز به‌طور مشترک شرکت را اداره کنند. همه باید حقیقت مسئله را دریابند و باتوجه به مساحت زیرکشت توتون و از طریق بهبود کیفیت و روش فرآوری آن، باتوجه به میزان عرضه و تقاضا، در حل مشکل صنعت تنباکو سهیم باشند. این راه‌حل را به‌زودی به مسئولان امر ارائه می‌کنم و امیدوارم راه‌حل نهایی مشکل باشد.»^۲

۱۰۵۱ امام صدر در ادامه پیگیری مسئله کشت توتون و خواسته‌های کشاورزان، در مصاحبه دیگری با روزنامه بیروتی المحرر در تاریخ ۱۹۷۴/۱/۱۰، درباره اوضاع جنوب لبنان و دیگر مناطق بیان کرد: «... درخصوص جنوب... یک بررسی فنی و اقتصادی درباره توتون و پروژه لیبانی صورت داده‌ایم و امکان کشت چای و ایجاد کارگاه‌های صنایع دستی را - که به تدریج به شکل نیمه‌ماشینی درخواهد آمد - بررسی کرده‌ایم...»^۱

۱۰۵۲ ایشان، همچنین، در مصاحبه دیگری در پاسخ به اتهاماتی که واپستگان دولت و فئودال‌ها ضد ایشان مطرح و امام را به «بی‌توجهی مستقیم به شرکت رژی» متهم کرده بودند، اظهار داشتند: «... شرکت رژی... با وجود پیچیدگی‌های ساختاری و حقوقی‌اش یک شرکت دولتی لبنانی است و من همواره در حد توان با جدیت و در عین حال، بدون سروصدا برای حل مشکلات کشاورزان تلاش کرده‌ام. در سال ۱۹۷۰، توانستم بهای تنباکو را تا حدی افزایش دهم که رضایت نسبی کشاورزان را در پی داشت. این روند در سال ۱۹۷۱ نیز ادامه یافت. زمانی هم که آن حادثه خونبار در نبطیه به وقوع پیوست، در لبنان نبودم و اکنون با استفاده از روش‌های مختلف برای حل مشکل تلاش می‌کنم. در حوزه مسئولیت خود علما و روحانیون مهم را در قالب شورای یاری جنوب، به توجه و اهتمام برای حل این مشکل فراخواندم. با کشاورزان نیز ارتباط مستمر دارم و برخی دوستان کارشناس را مأمور پژوهش و بررسی این موضوع کرده‌ام. سال گذشته نیز پیشنهادی ارائه کردم مبنی بر اینکه شرکتی تشکیل شود که در آن کشاورزان به میزان مساحت زیرکشت خود و دولت نیز به اندازه سرمایه خود در آن شریک باشند و اجازه واردات به‌منظور بهبود امکانات کشت و فرآوری محصول به کشاورزان داده شود تا مشکلات این صنعت مهم، که در زندگی اهل جنوب تأثیر عمده دارد، پیش از حل مشکل کم‌آبی برطرف شود.»^۲

۱- المحرر، ۱۹۷۴/۱/۱۰.

۲- اللدیار، شماره ۴۱، ۴-۱۰/۲/۱۹۷۴.

۱- همان.

۲- السیاسة، ۱۹۷۴/۳/۱۶.

امام صدر و اتهام ارتباط با رژیم ایران

۱۰۵۳ حکومت سابق پهلوی در ایران مظهر دیکتاتوری بود و رابطه رژیم شاه با علما و روحانیون از مرز چالش گذشته بود؛ به گونه‌ای که بسیاری از علما و در رأس آنان امام خمینی^{۱۰} مبارزه گسترده‌ای را به منظور اصلاح رویکردهای سیاسی-اجتماعی دولت ایران آغاز کرده بودند. رژیم شاه نیز بسیاری از آنان را تحت پیگرد قرار داده و به زندان محکوم کرده بود. شماری از آنان نیز تبعید شده بودند و از آن جمله، امام خمینی^{۱۱} بود که به نجف اشرف تبعید شد.

۱۰۵۴ به دنبال انتشار شایعه‌ای در محافل سیاسی درباره ارتباط مجلس اعلای شیعیان لبنان با یک دولت غیرعربی (ایران) و تلاش برای تأمین منافع آن رژیم، امام صدر در مصاحبه‌ای با مجله بیروتی *الدیار* در این باره چنین توضیح داد:

۱۰۵۵ «متأسفانه برخی سیاستمداران هنگامی که می‌خواهند با دشمن حقیقی یا حتی خیالی مبارزه کنند، هر ابزاری را که در دسترس خود می‌بینند، به کار می‌برند؛ بدون آنکه به اظهارات و اتهامات متناقضی توجه کنند که مطرح کرده‌اند. هنوز به یاد دارم که هشت سال پیش، زمانی که تنی چند از علما و روحانیون ایران در معرض فشارهای شدید رژیم قرار گرفتند و به زندان و تبعید و حتی اعدام محکوم شدند، جلسه‌ای با برخی از شخصیت‌های سیاسی و علمای جنوب برگزار کردیم تا راهکارهای اعلام اعتراض ضد اقدامات دولت ایران و حمایت از علمای این کشور را بررسی کنیم. من پیشنهادهایی را در این زمینه مطرح کردم و برخی افراد در برابر آن پیشنهادها جبهه‌گیری کردند و آن مواضع را «مصادق‌گرایانه» و «کمونیستی» خواندند و این اتهام مشکلات بسیاری برای من ایجاد کرد.^{۱۲} در ادامه، امام درخصوص رابطه خود با رژیم ایران اظهار کرد:

۱۰۵۶ «درباره رژیم ایران می‌توان گفت که رابطه ما با این رژیم دوران سردی را می‌گذراند و علت آن هم مصاحبه‌ای است که با یک

مجله لبنانی کردم و در پاسخ به پرسشی درباره مواضع شیعیان مقیم کشورهای حاشیه خلیج عربی تصریح کردم که «برخلاف شایعات، شیعیان این مناطق تحت نفوذ ایران نیستند، بلکه قومیت خود و سرزمین و میهن خود را حفظ کرده‌اند.» پس از آن مصاحبه، ناگهان روزنامه‌های ایرانی به دستور سازمان‌های امنیتی حاکم بر جامعه ایران موجی از حملات را ضد من آغاز کردند و چنین پنداشتند که من خلیج را «عربی» و نه «فارسی» نامیده‌ام!

۱۰۵۷ با وجود توضیحاتی که مجلس اعلای شیعیان به روزنامه‌های ایرانی ارسال کرد، روزنامه ایرانی اطلاعات یکی از پیام‌های مرا با تغییر و تحریف در بسیاری از بخش‌های آن منتشر کرد که شگفتی و حتی انتقادهای شدید دوستان و اطرافیان ما را در لبنان و ایران به دنبال داشت، زیرا آن پیام تحریف شده از تمجید و ستایش رژیم ایران و مواضع آن آکنده بود. این در حالی بود که تلاش من در جنگ اکتبر که با هدف کسب حمایت و پشتیبانی رژیم ایران از اعراب و قطع صدور نفت به اسرائیل صورت گرفت، همه با ناکامی مواجه بود، زیرا سازمان‌های اطلاعاتی ایران کنترل این قبیل مسائل را در دست دارند و به نظر ملت ایران و منافع این کشور توجه نمی‌کنند.^{۱۳}

۱۰۵۸ امام صدر در مصاحبه دیگری با روزنامه *المحرر* ضمن اشاره به تاریخ مبارزه شیعیان برضد ظلم و بیداد و پیشتازی علمای دین در روند تلاش برای رسیدن به دموکراسی و پایان دادن به استبداد، درخصوص موضع علما در قبال رژیم حاکم بر ایران تصریح کرد:

۱۰۵۹ «علما در حد توان خود برای مقابله با حاکمان زورگو و برای مبارزه با طغیان و استبداد آنان تلاش می‌کنند و در میان ملت نفوذ گسترده‌ای دارند. اخیراً بسیاری از علما و در رأس آنان امام خمینی مبارزه سختی را برای اصلاح رویکردهای سیاسی و اجتماعی در ایران آغاز کرده‌اند. بسیاری از آنان اکنون زندانی هستند و امام خمینی هم در تبعید به سر می‌برد و در نجف اشرف اقامت دارد.»

۱۰۶۰ ایشان، در ادامه، درباره کمک‌های مالی رژیم ایران به نهادهای

بعلیک، و اهالی منطقه خواستند زمینه صلح و آشتی میان خانواده‌های درگیر و متخاصم این روستا و حومه آن را مهیا کنند. امام در سخنانی در آن نشست بیان کرد: «ما بسیار گفتیم و نصیحت کردیم، ولی هنگامی که نصیحت فایده نداشته باشد، راهی جز راندن و طردکردن باقی نمی‌ماند، همچون حضرت مسیح که سارقان را از معبد بیرون راند.» امام با تأکید بر اینکه هدف نهضت و حرکت ایشان خدمت به محرومان همه مذاهب و همه مناطق است، افزود: «ممکن است دولت بخواهد فریاد همه مردم را نادیده و ناشنیده بگیرد، اما حضور من در این روستا بیانگر آن است که ندای دیگری از میان مسیحیان به صدای ما اضافه شده است و دیگر کسی نمی‌تواند حرکت و نهضت ما را فرقه‌ای و مذهبی بنامد. من قائل به جدایی نیستیم، زیرا دین و اخلاق و مکتب تربیتی ما تفرقه و جدایی را به من نیاموخته است.» ایشان در پایان، خطاب به مارونی‌ها و مسیحیان لبنان گفت: «ای مارونی‌های محروم لبنان، و ای همه مسیحیان، من آماده‌ام که برای شما کشته شوم.»^۱

مراسم نخستین مرحله فارغ‌التحصیلی دانشجویان مرکز آموزش علوم اسلامی

۱۰۶۴ در مراسمی که مجلس اعلای شیعیان برگزار کرد، از نخستین فارغ‌التحصیل مرکز آموزش علوم اسلامی صورت تجلیل شد. در آن مراسم، امام صدر عباي خود را به شیخ محمد الفوند (دانشجوی اهل سیرالئون) اهدا کرد و بر سر او عمامه گذاشت. سپس، امام سخنانی ایراد کرد که در بخشی از آن چنین آمده بود: «... در این مدت، تلاش بسیار کردیم و تلاشمان به ثمر نشست و نخستین مرحله فارغ‌التحصیلی فرا رسید، هرچند اکنون فقط یک دانش‌آموخته داریم، اما در آینده، بسیاری از هم‌دوره‌های وی نیز فارغ‌التحصیل خواهند شد....»

۱۰۶۵ افریقا تنها قاره‌ای بود که در قرن گذشته در شکل‌گیری تمدن

شیعی لبنان اظهار داشت: «تا آنجا که من اطلاع دارم، تاکنون کمک چشمگیری صورت نگرفته و در طی بیش از ده سال گذشته فقط کمک‌های بسیار محدودی برای ساخت یک یا دو مسجد شده است.»^۱

۱۰۶۱ مجله الأسبوع العربی در تحلیلی درباره گفته‌های امام نوشت: «اظهارات امام صدر درباره ایران موجب شگفتی بسیاری از افرادی شده است که تاکنون ایشان را نماینده و مجری سیاست‌های ایران در لبنان می‌دانستند.» این مجله در ادامه افزود: «از مدت‌ها پیش اختلافاتی میان امام صدر و رژیم ایران وجود داشته است و در آخرین سفر از ایشان استقبال رسمی صورت نگرفت و حتی در سالن تشریفات فرودگاه نیز از ایشان پذیرایی نشد.»

۱۰۶۲ الأسبوع العربی در ادامه تصریح کرد: «اختلاف امام صدر با سرمداران ایران نمونه‌ای از اختلافات موجود میان علمای شیعه و شاه ایران است. علمای بزرگ ایران شدیداً به شاه حمله و اعتراض کرده‌اند و شاه نیز آنان را در تنگنا قرار داده و بر شدت عمل خود در برابر آنان افزوده است. بهترین گواه در اثبات اختلاف امام صدر و حاکمان ایران آن است که چندی پیش، برخی رهبران مبارزه ملت ایران برضد شاه که مقیم پاریس هستند، در سفر به بیروت با امام صدر دیدار کردند و در پی آن دیدار، سفیر ایران در بیروت برای اعتراض به امام با ایشان تماس گرفت.»^۲

فعالیت‌های اجتماعی امام صدر در سال ۱۹۷۴ ایجاد زمینه آشتی طرف‌های متخاصم در دیرالاحمر

۱۰۶۳ در نشستی که در روستای دیرالاحمر و با حضور امام صدر و شیخ محمد یعقوب و الیاس الزغبی (اسقف اعظم کاتولیک‌های بعلیک) و طارق حبشی، نماینده پارلمان، برگزار شد، پس از بحث و بررسی اوضاع منطقه، امام و اسقف الزغبی از حبشی، نماینده

۱- المحرر، ۱۹۷۴/۱/۲۸.

۲- الأسبوع العربی، شماره ۷۶۵، ۱۹۷۴/۲/۴.

انسانی نقش مؤثری نداشت، ولی در قرن آینده، نخستین جایگاه را در این زمینه خواهد داشت.»

حضور در جمع صیادان جنوب

۱۰۶۶ به دنبال تجاوز اسرائیل به بندر شهر صور و تخریب شماری از قایق‌های ماهیگیران و در زمان اعتراض آنان به انحصاری کردن صید ماهی توسط شرکت «پروتئین»، امام در سفر به بندر صور با صیادان دیدار کرد و در سخنانی در جمع آنان گفت: «زمان آن فرا رسیده است که از قیمومیت رهایی یابید. حرکت کنید تا مردم نیز با شما همراه شوند، من نیز در کنار شما خواهم بود. هر اقدامی فقط زمانی با موفقیت همراه می‌شود که گروهی و دسته‌جمعی باشد... ای صیادان مسیحی و مسلمان صور، روی سخن من با شماست؛ گرسنگی مسلمان و مسیحی نمی‌شناسد. با همکاران خود در صرفند و صیدا ارتباط برقرار کنید و با هم متحد شوید... تاکنون زمین و آسمان ما در معرض تجاوز بود، امروز به دریای ما هم تعرض می‌کنند. فقط خانه‌ها و آبروی ما باقی مانده... تأمین خوراک مردم از بدیهی‌ترین امور است و تلاش در این راه باید یکپارچه و دسته‌جمعی باشد. به مسئولان تلگراف بزنید و مشکل خود را تشریح کنید. پس از آن حق دارید از هر روشی استفاده کنید. اگر پاسختان را ندادند، باید حقتان را به دست خود بگیرید. تنها خواسته من از شما آن است که متحد باشید. نمی‌خواهم روزی این خبر را بشنوم که به یکی از شما بیش از دیگری داده‌اند، یا حق گروهی از صیادان را تضییع کرده‌اند تا بقیه را راضی کنند. متحد باشید.»^۱

مصالحه میان دو عشیره در بعلبک و هرمل

۱۰۶۷ امام صدر به منظور پیگیری تلاش‌های صورت گرفته برای برقراری صلح و آشتی میان دو عشیره ناصرالدین و علو در بعلبک

و هرمل، به مدت چهار روز به این منطقه سفر کرد.^۱ در مراسم انعقاد صلح میان دو قبیله که در دشت مرجحین، که هزاروپانصد متر بالاتر از سطح دریاست، برگزار شد، امام عبای خود را بر زمین پهن کرد و حاضران نماز جماعت را به امامت ایشان اقامه کردند. سپس امام مثنی از خاک دشت را برداشت و خطاب به حاضران گفت: «این خاک را پاس بدارید که از طلاگرانیهاتر است. با مراکز پژوهشی بین‌المللی تماس خواهم گرفت تا از این زمین‌ها برای تولید بذرها اصلاح شده استفاده کنند.»^۲

۱۰۶۸ چندی بعد، امام برای عرض تسلیت مصیبتی که به خاندان آل جعفر وارد شده بود، بار دیگر به این منطقه سفر کرد و در سخنانی به مشکلات منطقه پرداخت. سپس نشستی با حضور سران عشایر منطقه برای ادامه تلاش‌های خود به منظور صلح میان دو عشیره ناصرالدین و علو ترتیب داد.^۳

سفرهای خارجی امام در سال ۱۹۷۴

حضور در کنفرانس صلح پاریس

۱۰۶۹ امام در این سال برای شرکت در «کنفرانس صلح» که سازمان ملل آن را برگزار می‌کرد، به پاریس سفر کرد و علاوه بر حضور در کنفرانس مذکور، دیدارها و برنامه‌های متعددی داشت. مهم‌ترین آنها حضور در نشست خبری رادیو مونت‌کارلو به همراه اسقف جورج خضر و کمال جنبلاط بود. امام در آن نشست، با تمجید از اقدام سازمان ملل تصریح کرد: «این نخستین بار است که سازمان علمی-فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) به این موضوع مهم تاریخی و معاصر، یعنی تأثیر اعتقادات در روند صلح جهانی توجه کرده است و به عقیده من، این سرآغاز فصلی جدید در تاریخ سازمان ملل است. حضور سی شخصیت با رویکردها و اعتقادات

۱- النهار، ۱۴-۱۶/۷/۱۹۷۴.

۲- برگرفته از آرشیو سیدعلی حسینی، از رهبران اسبق جنبش امل.

۳- المحرر، ۲۳/۷/۱۹۷۴.

۱- النهار، ۱۳/۷/۱۹۷۴.

مشارکت کنند. امام صدر این دعوت را پذیرفت.^۱ و در تاریخ ۱۹۷۴/۱۰/۱ تا ۱۹۷۴/۱۰/۵ در سفر به رباط و دیدار با ملک‌حسن دوم، پادشاه مغرب، دربارهٔ اوضاع جهان عرب و وضعیت جنوب لبنان بحث و تبادل نظر کرد.^۲

سفر به دمشق و دیدار صمیمانه با حافظ اسد

۱۰۷۴ در سپتامبر ۱۹۷۴، امام صدر در سفری دو روزه عازم دمشق شد و ضمن دیدار با حافظ اسد و مسئولان عالی‌رتبهٔ سوریه، به زیارت مرقد مطهر حضرت زینب^س نیز مشرف شد. دیدارهای این سفر صمیمانه و در عین حال مهم ارزیابی شد.^۳

سفر به عربستان سعودی و تشریح وضعیت جنوب

۱۰۷۵ در تاریخ ۱۹۷۴/۱۰/۱۱ روزنامهٔ الجریده نوشت: «امام به دعوت امیر عبدالله بن عبدالعزیز، رئیس‌گارد پادشاهی عربستان سعودی عازم این کشور می‌شود و در این سفر با ملک فیصل، پادشاه این کشور، نیز دیدار خواهد کرد تا طرح خود را که به همراه سفرای کشورهای عربی برای ایجاد مؤسسه‌ای عربی به منظور تضمین فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی در جنوب آغاز کرده است، به آگاهی وی برساند. ایشان، همچنین، اوضاع جنوب لبنان را تشریح خواهد کرد و امکان بررسی و طرح این موضوع را در کنفرانس سران عرب در رباط بررسی خواهد کرد.»^۴

۱۰۷۶ ملک فیصل در سفر امام صدر و هیئت همراه، آنان را به حضور پذیرفت و امام وضعیت جنوب و پیامدهای تجاوزات مکرر اسرائیل را تشریح کرد. ملک فیصل خطاب به امام تصریح کرد که مسئلهٔ جنوب لبنان مسئلهٔ جهان عرب است و فقط به لبنان محدود

مختلف در این نشست جالب توجه است.»^۱
۱۰۷۰ همچنین در آن سفر، امام با کاردینال مارتی، اسقف اعظم مسیحیان فرانسه، در پاریس دیدار کرد و دربارهٔ وقایع لبنان و تجاوزاتی که این کشور در معرض آن قرار دارد، به تفصیل با ایشان گفتگو کرد.

۱۰۷۱ کاردینال مارتی پس از آگاهی از جزئیات امور، بر لزوم ادامهٔ تماس‌ها به منظور آگاهی کامل کلیسای فرانسه از وقایع لبنان تأکید کرد. همچنین، کاردینال دانیلو به افتخار امام صدر و اسقف جورج خضر و کمال جنبلاط ضیافتی در کاخ یونسکو ترتیب داد. پس از آن، امام صدر با رئیس و اعضای اتحادیهٔ کلیساهای آنجلیک در فرانسه دیدار و گفتگو کرد. آنان ضمن درک موضوعات مطرح شدهٔ امام آنها را مورد حمایت و تأیید قرار دادند. همچنین، اسقف مخلوف، اسقف مارونیان فرانسه، نشستی ترتیب داد که در آن امام صدر با بسیاری از رؤسای کلیساهای فرانسه دیدار و گفتگو کرد.^۲

حضور در مراسم ترحیم علال فاسی، شخصیت مشهور مغرب

۱۰۷۲ امام صدر با سفر به مراکش در مراسم ترحیم علال فاسی شخصیت مشهور مغرب، حضور یافت. سفر امام به مغرب دوهفته (از ۶/۲۷ تا ۱۹۷۴/۷/۱۱) به طول انجامید و در طی آن، امام با ملک‌حسن دوم، پادشاه مغرب، و مسئولان ارشد این کشور دیدار و از مؤسسات علمی و فرهنگی مراکش، از جمله دانشگاه قرویین بازدید کرد.^۳

جلسات ماه رمضان در مغرب

۱۰۷۳ سفیر مغرب در بیروت، به امام صدر اطلاع داد که پادشاه این کشور، ملک‌حسن دوم، اصرار دارد امام صدر در سلسله نشست‌های ماه رمضان که حکومت مراکشی در حضور پادشاه این کشور و شخصیت‌های مشهور عالم اسلامی برگزار می‌کند

۱- النهار، ۱۹۷۴/۱۰/۱.

۲- النهار، ۵ و ۱۹۷۴/۱۰/۶.

۳- النهار، ۱۰ و ۱۹۷۴/۹/۱۱.

۴- الجریده، ۱۹۷۴/۱۰/۱۱.

۱- النهار، ۱۹۷۴/۵/۱۲.

۲- النهار، ۱۹۷۴/۵/۱۸.

۳- النهار، ۱۹۷۴/۷/۱۱.

نمی‌شود.^۱

۱۰۷۷ همچنین، امیر احمد بن عبدالعزیز، فرماندار منطقه مکه مکرمه ضیافت شامی به افتخار امام صدر و هیئت همراه برپا کرد که شمار زیادی از مسئولان عالی‌رتبه و مشاهیر مکه در آن حضور داشتند. امام صدر و امیر احمد درباره دعوت اسلامی و تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه گفتگو کردند و امام از نقش سازمان جهان اسلام (رابطة العالم الاسلامی) در این خصوص تجلیل کرد.^۲ حضور در چندین مراسم و دیدار با شماری از مسئولان حکومتی از دیگر برنامه‌های امام در آن سفر بود.^۳

پیوست‌ها

۱- الجریده، ۱۳/۱۰/۱۹۷۴.

۲- الجریده، ۱۵/۱۰/۱۹۷۴.

۳- الجریده، ۱۶/۱۰/۱۹۷۴.

پیوست شماره ۱

خلاصه‌ای از گزارش هیئت اعزامی از ایرفد (IRFED)

۱۰۷۸ در تاریخ ۱۹۵۹/۳/۲۵، فؤاد شهاب، رئیس‌جمهور وقت لبنان، به منظور تنظیم چارچوب منسجمی برای سیاست خود و برای تحقق سیاست توسعه متوازن در کشور، از پدر لوبره^۱، رئیس مرکز پژوهش و تحقیقات توسعه (Institut de Recherches et de Formation e vue due Developpment)^۲ خواست که گروهی از کارشناسان این مرکز را برای تدوین و تنظیم و اجرای پژوهشی درباره وضعیت کلی لبنان و نیازهای این کشور و امکانات و زمینه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی آن به لبنان اعزام کند.

۱۰۷۹ در سپتامبر ۱۹۵۹، دولت لبنان قراردادی با هیئت اعزامی ایرفد منعقد کرد که براساس آن در مرحله نخست، ضمن بررسی کامل اوضاع، مشکلات و موانع اصلی توسعه در این کشور را مشخص کند و همه اطلاعات موثق و لازم و دقیق برای تعیین برنامه و خط‌مشی‌هایی گردآوری شود که هیئت مذکور موظف به ارائه آن بود.

۱۰۸۰ با شروع سال ۱۹۶۰ هیئت ایرفد کار خود را با بررسی‌های میدانی آغاز کرد. این مرحله ۹ ماه به طول انجامید و در نیمه ماه اکتبر ۱۹۶۰، پدر لوبره نخستین گزارش ایرفد را به دولت لبنان ارائه کرد و مقرر شد گزارش کامل و مفصل همراه با ترجمه عربی آن نیز ارائه شود. در می ۱۹۶۱، دولت لبنان گزارش کامل را در هفت مجلد دریافت کرد.

۱۰۸۱ در سال ۱۹۶۳، خلاصه گزارش هفت جلدی هیئت ایرفد در

۱- Le père Lebret .

۲- مؤسسه‌ای فرانسوی که مقر آن در پاریس است و به اختصار IRFED نامیده می‌شود.

یک جلد و با هدف آگاهی عموم لبنانیان از نکات مهم گزارش به زبان فرانسوی منتشر شد تا در ادامه به زبان عربی ترجمه شود.^{۱۰۸۲} پژوهش مؤسسه ایرفد بر نکته‌ای تأکید داشت که پیش‌تر نیز بسیاری بدان عقیده داشتند، و نشان داد که عامل اصلی منازعات و مشکلات سیاسی و فرقه‌ای لبنان، در واقع، همان مشکلات اجتماعی و اقتصادی و اختلاف فاحش میان طبقات و اقشار و گروه‌های مختلف است.

۱۰۸۳ پیشرفت و تحول اعجاب‌آور در برخی مناطق بیروت موجب شده بود که بحران‌های خطرناکی همچون افزایش بی‌رویه جمعیت و مهاجرت گسترده از روستاها به شهرها و خارج از کشور و تجمع فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی در بیروت و حومه تفاوت فاحش میزان درآمد اقشار مختلف^۲ و گسترش سریع بخش خدمات در مقایسه با بخش‌های صنعت و کشاورزی از نظرها پنهان بماند. این مسئله در حالی بود که نیمی از جمعیت لبنان در بخش کشاورزی فعال بودند یا از این راه امرار معاش می‌کردند.

۱۰۸۴ بررسی‌های هیئت ایرفد نشان داد که میزان درآمد و معیشت در مناطق روستایی و شهرهایی که اغلب ساکنان آن را مسلمانان اهل تسنن و شیعیان تشکیل می‌دهند، بسیار پایین‌تر از میزان درآمد و وضع معیشت در بیروت و شهرها و روستاهایی است که ساکنان آن از بورژواها یا طبقه متوسط مسیحی هستند.

۱۰۸۵ از جمله آمار و ارقام شگفت‌آوری که در این پژوهش ذکر شده بود اینکه ۴ درصد از لبنانیان معادل ۳۲ درصد از درآمد ناخالص ملی را به خود اختصاص داده‌اند و، بر این اساس، به تعبیر پدر لوبره «گروهی از لبنانیان همچون شهروندان مرفه مناطق آمریکایی زندگی می‌کنند و در کنار آنان در برخی روستاها و مناطق حاشیه‌ای مردم همانند دوره حضرت ابراهیم زندگی را می‌گذرانند.»

پیوست شماره ۲

۱۰۸۶ متن پیمان صلح میان جمهوری لبنان و

(رژیم غاصب) اسرائیل در تاریخ ۱۹۴۹/۳/۲۳

۱۰۸۷ طرفین امضاکننده این پیمان در پاسخ به قطعنامه صادر شده از شورای امنیت به مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۸، که براساس ماده ۴۰ منشور ملل متحد به منظور تسهیل در روند تبدیل آتش‌بس فعلی به صلح دائم در فلسطین، طرفین را به گفتگو برای عقد پیمان آتش‌بس فرامی‌خواند، و از آنجا که طرفین مصمم شده‌اند مذاکره را برای اجرای قطعنامه مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۸ زیر نظر سازمان ملل متحد آغاز کنند و نمایندگان خود را نیز برای مذاکره و انعقاد پیمان آتش‌بس تعیین کرده‌اند؛ مقرر می‌شود:

ماده یک ۱۰۸۸

۱۰۸۹ به منظور تسهیل در بازگرداندن صلح دائمی به فلسطین و باتوجه به اهمیت تضمین‌های متقابل ارائه‌شده طرفین درخصوص عملیات نظامی در آینده، بدین وسیله، بر اصول ذیل که باید هر دو طرف در زمان آتش‌بس به‌طور کامل به آن پایبند باشند، تأکید می‌شود:

۱۰۹۰ ۱. هر دو طرف باید از این پس مسئولانه و به‌طور کامل به توصیه شورای امنیت مبنی بر استفاده نکردن از نیروی نظامی برای حل مسئله فلسطین پایبند باشند.

۱۰۹۱ ۲. هیچ‌یک از نیروهای مسلح زمینی یا دریایی یا هوایی دو طرف اجازه هر نوع اقدام خصمانه یا برنامه‌ریزی و تهدید برضد ملت یا نیروهای مسلح طرف مقابل را ندارد. شایان ذکر است که واژه «برنامه‌ریزی» که در این بند به کار رفته است، برنامه‌ریزی‌های معمول و کلی فرماندهان سازمان‌های نظامی را شامل نمی‌شود.

۱۰۹۲ ۳. حق هر یک از طرفین در برخورداری از امنیت و اطمینان به حمله نکردن نیروهای مسلح طرف مقابل کاملاً محترم شمرده

۱- le Leban a son developement (Presentation condensee de la premiere etude IRFED, 1960-1961, Beyrouth, 1963, Pages XIV, XV)

۲- الجسر، باسم، فؤاد شهاب، انتشارات فؤاد شهاب، ۱۹۹۸، ص ۵۱.

می شود.

۱۰۹۳ ۴. برقراری آتش بس میان نیروهای مسلح طرفین گامی اجتناب ناپذیر در روند درگیری های مسلحانه و بازگرداندن صلح به فلسطین به شمار می آید.

۱۰۹۴ ماده دو

۱۰۹۵ به منظور اجرای قطعنامه شورای امنیت به مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۸ بر اصول و اهداف زیر به طور ویژه تأکید می شود:

۱۰۹۶ ۱. اصل عدم کسب هر نوع امتیاز نظامی یا سیاسی به سبب برقراری آتش بس مورد نظر شورای امنیت به رسمیت شناخته می شود.

۱۰۹۷ ۲. همچنین، بر این نکته تأکید می شود که هیچ یک از بندهای این توافق نامه به هیچ وجه نباید حقوق و خواسته ها و مواضع هریک از طرفین را در حل مسالمت آمیز و نهایی مسئله فلسطین خدشه دار کند، زیرا مواد این توافق نامه فقط براساس نقطه نظر مسائل نظامی تنظیم شده است.

۱۰۹۸ ماده سه

۱۰۹۹ ۱. به منظور اجرای اصول مذکور و قطعنامه مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۸ شورای امنیت، براساس این پیمان، میان نیروهای مسلح زمینی و دریایی و هوایی طرفین آتش بس برقرار می شود.

۱۱۰۰ ۲. هیچ یک از نیروهای نظامی یا شبه نظامی زمینی و دریایی و هوایی و، همچنین، نیروهای غیر نظامی طرفین، حق هیچ نوع اقدام جنگی یا خصمانه ضد نیروهای نظامی یا شبه نظامی یا غیر نظامیان در اراضی تحت تصرف طرف مقابل را نخواهد داشت و به هیچ بهانه و هدفی حق عبور یا تخطی از خط آتش بس (مذکور در ماده پنج این توافق نامه) و ورود یا عبور از حریم هوایی یا آبهای واقع در سه مایلی خط ساحلی طرف مقابل را ندارد.

۱۱۰۱ ۳. آغاز هر نوع اقدام جنگی یا خصمانه از داخل خاک هر یک از طرفین این پیمان ضد طرف دیگر مجاز نیست.

۱۱۰۲ ماده چهار

۱۱۰۳ ۱. خطی که مشخصات آن در ماده پنج این پیمان ذکر خواهد شد، «خط آتش بس» نام دارد و براساس اهداف مندرج در قطعنامه مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۸ شورای امنیت تعیین می شود.

۱۱۰۴ ۲. منظور اصلی از خط آتش بس آن خطی است که هیچ یک از نیروهای مسلح طرفین از آن عبور و تخطی نکند.

۱۱۰۵ ۳. دستورات و فرامین نیروهای مسلح و سازمان های نظامی طرفین پیمان که شهروندان را از عبور یا ورود به مناطق جنگی یا مناطق واقع در میان خطوط تعیین شده بازمی دارد، پس از امضای این پیمان همچنان معتبر است و خط آتش بس که در ماده پنج این پیمان ذکر می شود، مبنای آن خواهد بود.

۱۱۰۶ ماده پنج

۱۱۰۷ ۱. خط آتش بس با مرز بین المللی میان لبنان و فلسطین منطبق است.

۱۱۰۸ ۲. در داخل منطقه خط آتش بس نیروهای نظامی دو طرف فقط آن تعداد از نیروهای دفاعی را شامل می شود که در پیوست این پیمان ذکر شده است.

۱۱۰۹ ۳. عقب نشینی نیروها تا خط آتش بس و کاهش نیروها تا حد نیروهای دفاعی، براساس بند پیشین، در مدت ده روز پس از امضای پیمان صورت می گیرد. همچنین، در مدت مذکور، خنثی سازی و برچیدن مین ها از سطح راه ها و مناطق مین گذاری شده، که هر طرف تخلیه می کند، و نیز نقشه های مربوط به مین گذاری های این مناطق نیز میان طرفین مبادله می شود.

۱۱۱۰ ماده شش

۱۱۱۱ ۱. اسرای جنگی، اعم از نظامیان و غیر نظامیان که در اسارت هریک از طرفین هستند، به ترتیب ذیل مبادله خواهند شد:

۱۱۱۲ ۱. اسرای جنگی در تمام مراحل تحت نظارت و مراقبت سازمان ملل مبادله می شوند. این کار ظرف مدت ۲۴ ساعت از امضای این پیمان و در منطقه رأس الناقوره اجرا می شود.

- ۱۱۲۳ مبنای اجماع، و در غیر این صورت، با اکثریت آرای اعضای حاضر و شرکت‌کننده در رأی‌گیری به تصویب می‌رسد.
- ۱۱۲۲ ۵. کمیته مشترک آتش‌بس آیین‌نامه اجرایی خود را تعیین می‌کند و فقط در صورت دعوت رئیس از اعضا - براساس قوانین - تشکیل جلسه می‌دهد و حد نصاب تشکیل جلسات با حضور اکثریت اعضا محقق می‌شود.
- ۱۱۲۳ ۶. کمیته مذکور این اختیار را دارد که ناظرانی را از میان سازمان‌های نظامی و یا نظامیان هیئت حافظان صلح سازمان ملل متحد، و یا از میان هر دوی آنها و به تعداد مورد نیاز برای اجرای مأموریت‌های خود به کارگیرد. در صورت به کارگیری ناظران سازمان ملل متحد برای این منظور، آنان تحت فرماندهی ریاست هیئت حافظان صلح سازمان ملل متحد باقی می‌مانند و مأموریت‌های عمومی یا ویژه‌ای که کمیته مشترک آتش‌بس به ناظران سازمان ملل محول می‌کند، منوط به موافقت رئیس ارکان سازمان ملل متحد یا نماینده وی در کمیته - که ریاست کمیته را بر عهده دارد - خواهد بود.
- ۱۱۲۴ ۷. درخواست‌ها و شکایت‌های طرفین درخصوص اجرای این موافقت‌نامه بلافاصله از طریق رئیس کمیته مشترک آتش‌بس به این کمیته ارجاع می‌شود و کمیته اقدامات مناسب درباره خواسته‌ها و شکایات را از طریق ابزارهای نظارت و تحقیقی که در اختیار دارد، صورت می‌دهد تا دستیابی به راه‌حل عادلانه و مورد پذیرش طرفین ممکن شود.
- ۱۱۲۵ ۸. هرگاه بر سر تفسیر معنای یکی از بندهای این توافق‌نامه - به جز مقدمه و مواد اول و دوم - اختلافی پدید آید، مطابق تفسیر کمیته عمل خواهد شد و کمیته می‌تواند هرگاه لازم بداند، تغییراتی در مفاد این پیمان را به طرفین پیشنهاد کند.
- ۱۱۲۶ ۹. هرگاه ضرورت اقتضا کند، کمیته مشترک آتش‌بس گزارشی از عملکرد خود را به طرفین ارائه می‌کند و نسخه‌ای از آن گزارش‌ها را نیز برای دبیرکل سازمان ملل متحد می‌فرستد تا آن را به نهاد یا آژانس ذی‌ربط در سازمان ملل ارجاع دهد.
- ۱۱۲۷ ۱۰. به اعضای کمیته و ناظران اجازه داده می‌شود تا در مکانی

- ۱۱۱۳ ۲. تبادل اسرا تمامی اسیرانی را نیز شامل می‌شود که از لحاظ جزایی تحت پیگرد قرار دارند و برضد آنان احکام جنایی و غیره صادر شده است.
- ۱۱۱۴ ۳. تمامی اشیا و اموال شخصی و قیمتی و نامه‌ها و مدارک و اسناد شناسایی و دیگر لوازم شخصی اسرا - از هر نوع که باشد - به آنان بازگردانده می‌شود و اگر اسرا گریخته یا فوت کرده باشند، به طرفی بازگردانده می‌شوند که اسیر عضو نیروهای نظامی آن بوده است.
- ۱۱۱۵ ۴. درخصوص تمامی مواردی که در متن این پیمان بدان تصریح نشده است، مطابق با مفاد توافق‌نامه بین‌المللی مربوط به رفتار با اسیران جنگی مصوب ۲۷ جولای ۱۹۲۹ ژنو عمل می‌شود.
- ۱۱۱۶ ۵. کمیته مشترکی که در ماده هفت این پیمان بدان اشاره شده، مسئولیت جستجو برای یافتن مفقودان نظامی و غیرنظامی در داخل مناطقی را بر عهده دارد که تحت حاکمیت هر یک از طرفین است. طرفین متعهد می‌شوند برای این مأموریت نهایت همکاری و مساعدت را با کمیته مذکور داشته باشند.

۱۱۱۷ ماده هفت

- ۱۱۱۸ ۱. کمیته مشترک آتش‌بس متشکل از پنج عضو بر روند اجرای مفاد این پیمان نظارت خواهد داشت. هر یک از طرفین دو عضو کمیته را تعیین می‌کند و ریاست کمیته را نیز رئیس ارکان هیئت حافظان صلح سازمان ملل یا یکی از افسران عالی‌رتبه این هیئت (که رئیس هیئت و با مشورت طرفین پیمان تعیین می‌کند)، بر عهده خواهد داشت.
- ۱۱۱۹ ۲. مقر کمیته آتش‌بس در پادگان مرزی واقع در شمال مطلقه و پادگان مرزی لبنان واقع در ناقوره خواهد بود و اعضای کمیته در هر مکان و زمانی که ضرورت ایجاب کند، برای اجرای بهتر کارها جلسه تشکیل می‌دهند.
- ۱۱۲۰ ۳. نخستین جلسه کمیته مشترک آتش‌بس بنا به دعوت رئیس هیئت حافظان صلح سازمان ملل تشکیل خواهد شد و زمان آن نباید از یک هفته پس از امضای این پیمان فراتر رود.
- ۱۱۲۱ ۴. تصمیمات کمیته مشترک آتش‌بس در صورت امکان، بر

که کمیته لازم بداند، آزادانه در مناطق مورد توافق در این پیمان تردد و رفت و آمد کنند، مشروط بر آنکه در زمان اتخاذ چنین تصمیماتی در کمیته و با اکثریت آرا، فقط ناظران سازمان ملل متحد به کار گرفته شوند.

۱۱۲۸ ۱۱. هزینه‌های مورد نیاز کمیته - به جز بخشی که به ناظران سازمان ملل متحد مربوط می‌شود - به طور مساوی بین طرفین این پیمان تقسیم می‌شود.

۱۱۲۹ ماده هشت

۱۱۳۰ ۱. این پیمان نیازی به تصویب ندارد و بلافاصله پس از امضا لازم‌الاجرا خواهد بود.

۱۱۳۱ ۲. این پیمان بر مبنای مذاکره و در پاسخ به قطعنامه شورای امنیت ۱۶ نوامبر ۱۹۴۸ مبنی بر برقراری آتش بس و به منظور جلوگیری از تهدید صلح در فلسطین و سهولت تبدیل آتش بس به صلح دائمی در فلسطین منعقد شده است. بنابراین، به جز موارد مذکور در بند سوم این ماده، بقیه مفاد این پیمان تا رسیدن به راه حل صلح آمیز بین طرفین نافذ خواهد بود.

۱۱۳۲ ۳. طرفین این پیمان می‌توانند با رضایت متقابل اقدام به تعدیل و تغییر پیمان یا بخشی از مواد و احکام آن کنند یا اجرای آن را - به جز در مواد یک و سه - در هر زمان به حال تعلیق درآورند؛ و اگر رضایت متقابل حاصل نشود و مدت یک سال از زمان امضا و اجرای پیمان بگذرد، هریک از دو طرف می‌توانند از دبیرکل سازمان ملل متحد بخواهند که نمایندگان طرفین را به نشستی با هدف بازنگری یا تعدیل یا تعلیق هریک از احکام و مواد این پیمان - به جز مواد یک و سه - فراخواند؛ و حضور در چنین نشستی برای طرفین الزامی خواهد بود.

۱۱۳۳ ۴. اگر نشست مذکور در بند سوم این ماده به راه حل مقبول طرفین در مسئله مورد اختلاف منجر نشود، هریک از طرفین می‌تواند موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع دهد و راه حل مطلوب را خواستار شود، زیرا این پیمان اساساً به منظور اجرای قطعنامه سازمان ملل متحد برای برقراری صلح در

فلسطین منعقد شده است.

۱۱۳۴ ۵. این پیمان در پنج نسخه تنظیم و به امضا رسیده است. هریک از طرفین یک نسخه از آن را در اختیار خواهد داشت و دو نسخه نیز به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم می‌شود تا آنها را به شورای امنیت و کمیته ویژه فلسطین در سازمان ملل ارائه کند. یک نسخه نیز به وکیل میانجی فلسطین ارائه می‌شود.

۱۱۳۵ این پیمان در ۲۳ مارس ۱۹۴۹ میلادی در رأس الناقوره با حضور نماینده شخصی میانجی سازمان ملل متحد در امور فلسطین و رئیس ارکان هیئت حافظان صلح تابع سازمان ملل متحد به امضا رسید.

۱۱۳۶ اسامی امضاکنندگان

۱۱۳۷ به نمایندگی از دولت اسرائیل: سرهنگ مردخای ماکلیف و یهوشوع بلمان و شیطای روزین.

به نمایندگی از دولت لبنان: سرهنگ توفیق سالم و سرگرد ج. حرب.

۱۱۳۸ ضمیمه: تعیین نیروهای دفاعی طرفین

۱۱۳۹ یک - شمار نیروهای نظامی مربوط به بند ۲ ماده پنج این پیمان نباید از میزان ذیل تجاوز کند:

۱۱۴۰ ۱- نیروهای لبنانی

۱۱۴۱ الف - دو گردان و دو گروهان پیاده نظام ارتش لبنان و ناوگانی متشکل از چهار قبضه توپ و یک گردان متشکل از دوازده خودرو زرهی سبک مجهز به تیربار و شش تانک سبک مجهز به توپ‌های سبک (بیست خودرو)؛

۱۱۴۲ ب - به کارگیری هر نوع نیروی نظامی به جز موارد مذکور در بند الف فوق در جنوب خط ممتد میان القاسمیه تا نبطیه - التحتا و حاصبیا مجاز نیست.

۱۱۴۳ ۲- نیروهای اسرائیل

۱۱۴۴ الف - یک گردان پیاده نظام و یک گروهان پشتیبانی با شش توپ هاون و شش تیربار، یک گروهان شناسایی و شش خودرو زرهی،

شش جیب زرهی و یک هنگ توپخانه با چهار توپ و یک گروه مهندسی میدان و واحدهای اداری و پشتیبانی و تجهیزات، به گونه‌ای که مجموعه افسران و سربازان از هزاروپانصد نفر تجاوز نکند.

۱۱۴۵ ب - به کارگیری هر نیروی نظامی به جز موارد مذکور در بند ۲ بند الف مذکور در شمال خط ممتد بین نهاریه، ترشبحا، الجش و ماروس مجاز نخواهد بود.

۱۱۴۶ دو - نقل و انتقالات مربوط به پشتیبانی نیروهای دفاعی مذکور، یا حضور در پشت خط آتش پس هیچ‌گونه محدودیتی نخواهد داشت.

رأس الناقوره

۲۳ مارس ۱۹۴۹

پیوست شماره ۳

یادداشت هایی از سفر امام صدر به افریقا^۱

۱۱۴۸ هدف امام صدر از نخستین سفر به افریقا آشنایی با ملت‌های این قاره و بررسی وضعیت مهاجران لبنانی مقیم افریقا بود. ایشان از من خواستند که در آن سفر همراهشان باشم و من نیز پذیرفتم، چرا که باور داشتم رفتن به آن سفر به معنای مشارکت در طرحی عظیم خواهد بود.

۱۱۴۹ صبح روز دوشنبه ۱۹۶۷/۱/۲۵، لبنان را ترک کردیم و در روز جمعه ۱۹۶۷/۶/۳۰، پس از پنج ماه و یک هفته به کشور بازگشتیم. در این مدت، فرصتی فراهم شد تا امام از نزدیک با وضعیت مهاجران لبنانی مقیم خارج آشنا شود. ایشان، همچنین با استقبال بی‌نظیری مواجه شد و لبنانیان مقیم خارج استقبال و تجلیل ویژه‌ای از ایشان به عمل آوردند که شایسته امام و اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه ایشان بود.

۱۱۵۰ همچنین، امام از سوی رؤسای جمهور آن کشورها با استقبال گرم و کم‌نظیری روبرو شد و آنان با دعوت امام به محل‌های اقامت خویش در تجلیل از ایشان رقابت می‌کردند. کشورهایایی که در این سفر از آنها دیدار کردیم عبارت بودند از نیجریه و سنگال و گامبیا و گینه و سیرالئون و لیبریا و ساحل عاج و غنا، و در بازگشت فرانسه.

۱۱۵۱ هاوی بوانیه، رئیس‌جمهور ساحل عاج، امام را به کاخ خود دعوت کرد و در آنجا از ایشان استقبال ویژه‌ای به عمل آورد. در آن دیدار وی خطاب به امام گفت: «... در کشور ما سه گروه از مردم زندگی می‌کنند: مسیحیان، مسلمانان و ملحدان. مسیحیان و مسلمانان به وحدانیت خداوند ایمان دارند، و من از شما می‌خواهم تلاش کنید تا ملحدان نیز همچون دیگر هم‌وطنان خود

۱- به نقل از حاج سعدالله عبده قصیر، یکی از همراهان امام صدر.

به خداوند ایمان بیاورند. نکته دیگر آنکه من در زادگاهم، یاموساکرو، مسجدی بنا کرده‌ام و زمانی که خبر ورود شما را شنیدم، افتتاح آن را به تعویق انداختم و مایلیم شما آن مسجد را افتتاح کنید و سخنرانی شما در مراسم افتتاحیه ضبط شود.»

۱۱۵۲ و همین‌طور هم شد. سخنرانی امام به زبان فرانسوی ترجمه شد و به رئیس‌جمهور که از امام تشکر کرد، تقدیم شد.

۱۱۵۳ در سفر به لیبیا، دکتر ویلیام توبمن، رئیس‌جمهور این کشور، از امام دعوت کرد که نماز عید قربان را در کاخ وی به جا آورند و امامت جماعت را عهده‌دار شوند. روز عید مطابق با ۲۱ مارس ۱۹۶۷ بود. پس از اقامه نماز، وی امام را به دفتر کار خود دعوت کرد و به بهترین شکل از ایشان استقبال کرد و از امام پرسید که آیا خواسته‌ای دارند تا وی اجابت کند؟ امام نیز از رفتار خوب وی با مهاجران لبنانی مقیم کشورش تشکر کرد.

۱۱۵۴ پیش از آن، امام باخبر شده بود که حدود دویست نفر از مهاجران لبنانی مقیم لیبیا به سبب تخلفاتی که به اقتصاد این کشور زیان وارد کرده است، به اخراج از لیبیا محکوم شده‌اند. از این رو، امام خطاب به رئیس‌جمهور این کشور گفت: «به من خبر داده‌اند که برخی مهاجران لبنانی از قوانین کشور شما تخلف کرده‌اند و من نیز آنان را سرزنش کردم، ولی از جناب‌عالی می‌خواهم که از خطاهای آنان درگذرید، که شما همچون پدری هستید و آنان فرزندان شمایند. ما ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید: «بخشش پدر از خطای فرزند پیشی می‌گیرد.» رئیس‌جمهور پاسخ داد: «خواسته شما برای من مهم و محترم است. به مقامات ذی‌ربط خواهم گفت که آنان بخشیده شده‌اند.»

۱۱۵۵ در سیرالئون، رئیس‌جمهور این کشور ما را در دفتر خود به حضور پذیرفت. در گفتگوها، رئیس‌جمهور از امام پرسید، آیا با مسلمانان این کشور دیدار کرده است؟ امام در پاسخ فرمود: «هدف من از این سفر آن است که هم با مسلمانان و هم با مسیحیان ارتباط برقرار کنم، چرا که همه آنان به خدای یگانه ایمان دارند و همگی برادران ما هستند و خوشبختانه توانستم با همه گفتگو کنم. رسالت من در مقام کسی که مردم را به خداوند و آفریدگار یگانه

فرامی‌خواند، چنین اقتضا می‌کند. از من دعوت شده است که فردا هم نماز جمعه را در مسجد جامع به جا آورم.»

۱۱۵۶ رئیس‌جمهور - که پیرو دین حضرت مسیح^ع بود - با شنیدن این جملات به وجد آمد و گفت: «فردا من هم به مسجد می‌آیم تا با شما نماز بگذارم.» ابتدا گمان کردم که ایشان از روی تعارف این جمله را گفته است، اما روز بعد، زمانی که در مسجد بودیم، ناگهان جناب رئیس‌جمهور وارد شد و با نمازگزاران نماز خواند و به خطبه‌های جمعه که امام ایراد می‌کرد، گوش فرا داد. من در کنار او نشسته بودم و خطبه‌ها را برایش به‌طور هم‌زمان به انگلیسی ترجمه می‌کردم. سپس، رئیس‌جمهور از امام اجازه خواست تا چند کلمه‌ای سخن بگویم و در بخشی از سخنان خود چنین گفت: «ما بسیار خوشحالیم که این سید بزرگوار از شرق به سوی ما آمده تا ما را از علم و ارشاد خود بهره‌مند کند. من از ایشان می‌خواهم که همه ساله - به‌ویژه در ماه رمضان - به کشور ما سفر کنند و آموزه‌های اسلام را برای ما بازگویند. هوپیمای من هم در هر کجای جهان که باشند، در اختیار ایشان خواهد بود و کافی است که یک تماس تلفنی برقرار کنند تا هوپیمای ما را تحت فرمان ایشان قرار دهیم.»

۱۱۵۷ اینها نمونه‌ای بود از استقبال و تکریمی که امام در نخستین سفر خود به آفریقا با آن روبرو شد. مهاجران لبنانی هم گویی بیشتر وقت خود را به همراهی و ارتباط با امام اختصاص داده بودند و لحظات حضور امام در میان آنان به جشن‌های عید شبیه بود.

۱۱۵۸ محافل دینی آفریقا نیز از حضور امام به گرمی استقبال کردند و همچون تشنه‌ای جوینده سرچشمه‌ای از معارف و اصول دین گرد ایشان حلقه زدند. امام در میان آنان سخنرانی‌هایی ایراد فرمود که شمار قابل توجهی از علما در آن حضور داشتند و به گفته‌های امام چنان گوش می‌سپردند که گویی مطالب ایشان برای آنان تازگی دارد. به یاد دارم که شبی امام درباره زندگی رسول خدا^ص سخنرانی کرد و گوشه‌ای از اخلاق و منش پیامبر و زندگی پربرتک ایشان را بازگفت. شماری از علما در جلسه حاضر بودند. پس از پایان سخنرانی، رئیس‌علما که نامش شیخ مصطفی بود،

برخاست، امام را در آغوش گرفت و با دیدگان اشکبار گفت:
 «مولای من، ما را به گریه انداختید...»
 ۱۱۵۹ از وقایع آن سفر خجسته به همین مقدار بسنده می‌کنم و به
 گمانم در این نوشته تصویری کلی از آن ترسیم کردم.

پیوست شماره ۴

- ۱۱۶۰ نمونه‌هایی از توجه و اهتمام امام صدر به مسئله فلسطین
- ۱۱۶۱ ۱. حمایت امام از مقاومت برضد اشغالگران اسرائیلی در دهه ۱۹۶۰^۱
- ۱۱۶۲ قضیه فلسطین در فکر و ذهن و روح امام جای گرفته بود و این
 دغدغه هرگز از ذهن ایشان بیرون نمی‌رفت... به یاد دارم که در
 سال ۱۹۶۴ امام در فکر ایجاد جنبش مقاومت مردمی‌ای بود که
 همه بدون استثنا در آن شرکت کنند. وقتی به دیدار ایشان
 می‌رفتیم، به جوانان یادآوری می‌کرد که نبرد با اسرائیل نبرد
 بقاست، نه نبرد مرزها. ایشان می‌فرمود: «اگر روزی سردرد هم
 گرفتید، کاملاً مطمئن باشید که علت آن درد اسرائیل است.»
- ۱۱۶۳ هم‌زمان با آغاز فعالیت جنبش فتح در ۱/۱/۱۹۶۵ امام فرمود:
 «این جنبش را تأیید کنید و به یاری آن بشتابید. به آن بپیوندید و از
 جمله فداییان آن باشید. آنان همچون فرزندان حسین^ع هستند و
 خیرخواهانی هستند که با شرّ مطلق به نبرد برخاسته‌اند.» این
 موجب شد که امام از برنامه قبلی خود مبنی بر ایجاد مقاومت
 مردمی دست بردارد و از نخستین کسانی شود که همه را به حضور
 در کنار انقلاب فلسطین، به‌ویژه جنبش فتح، تشویق می‌کند. ایشان
 ما را به پیوستن به اردوگاه‌های انقلابیون فلسطین در مصر و سوریه
 و اردن و عراق تشویق می‌کرد. ایشان با اصرار بر فراگیری فنون
 نبرد و به‌کارگیری اسلحه - از سوزن گرفته تا توپ و موشک -
 تأکید می‌کرد: «شما هنگام بازگشت از این دوره‌ها خودکفا باشید و
 فرماندهانی مجرب شوید.» ایشان حتی اجازه دادند که وجوهات
 شرعی برای کمک به انقلاب فلسطین اختصاص یابد. اهل جنوب
 را تشویق می‌کردند که خانه‌ها و دل‌های خود را به روی انقلابیون
 فلسطینی بگشایند.
- ۱۱۶۴ در سال ۱۹۶۸، پس از نبرد الکرامه در اردن که به نخستین

۱- مصاحبه با برادر حاج عادل عون (ابویاسر)، نماینده جنبش أمل در تهران.

می فرمود: «من این کارها را می‌کنم تا دیوار ترس و هراس را در ذهن جوانان فرو بریزم و آنان به فراگیری روش‌های جهاد و مبارزه روی آورند.» هر بار امام برای بازدید به پادگانی می‌رفت، شور و نشاط در آن پدید می‌آمد و از شدت جنب‌وجوش پادگان به کندوی زنبور عسل تبدیل می‌شد.

۱۱۶۸ جوانان به استقبال ایشان می‌آمدند و اطرافش حلقه می‌زدند و به نصایح و راهنمایی‌ها و درس‌های مبارزاتی و فرهنگی امام گوش فرامی‌دادند. امام نیز آنان را به جهاد و فعالیت ضد دشمن تشویق می‌کرد و می‌فرمود: «ما برای خوردن و خوابیدن و سخن‌گفتن به اینجا نمی‌اییم. برای جهاد و مبارزه با دشمن آمده‌ایم.» امام همواره پیشاپیش افراد حضور می‌یافت و خود را همچون فردی عادی و مطیع اوامر فرمانده میدان نشان می‌داد، هرچند همواره اشتباهات او را هم تصحیح می‌کرد. همه این کارها تحت عنوان سفر و دیدار و بازدید و... صورت می‌گرفت.

۱۱۶۹ در دیدار با یکی از برادران^۱، که از اعضای جنبش فتح بود، می‌فرمود: «همه ما به شام (سوریه) رفته بودیم، زیرا در آنجا انقلاب و نهضت خرید و فروش نمی‌شود. ما به دنبال محل‌هایی برای فعالیت داوطلبانه بودیم. امین سعد^۲ (معروف به الأخضر العربی) از ما پیشی گرفته بود و به عرقوب رسیده بود و در راه مقاومت طولانی گام نهاده بود...»

۱۱۷۰ تجاوز اسرائیل به مرزها افزایش یافت و منطقه عرقوب بیش از دیگر مناطق در معرض هجوم قرار داشت. پرسشی که بیش از هر چیز ذهن‌ها را مشغول کرده بود، این بود که: «چه باید بکنیم؟»

۱۱۷۱ برای نخستین بار، پاسخ درگوشمان طنین‌انداز شد. امام صدر برخلاف همه مسئولان حکومتی و دینی و حزبی تلاش می‌کرد

پیروزی فلسطینیان در مقابل دشمن صهیونیستی منجر شد، برخی از جوانان فدایی فلسطینی و شماری از لبنانیان به شهادت رسیدند که شهیدی به نام خلیل عزالدین الجمل، اهل روستای مرزی ناقوره، نیز از آن جمله بود. پیکر وی در بیروت تشییع شد و تا جایی که به یاد دارم، بزرگ‌ترین راهپیمایی مردمی به راه افتاد.

۱۱۶۵ پیکر شهیدی دیگر نیز به شهر صور منتقل شد و از میان علما فقط امام صدر در تشییع جنازه او شرکت کرد. وقتی هم که قرار شد بر او نماز بگذارند، (از ترس نیروهای واحد دو^۱) هیچ‌کس جز امام صدر جرئت چنین کاری را نداشت. امام در قبرستان صور بر جای بلندی ایستاد و برای حاضران سخن گفت و خطابه‌ای ایراد کرد که احساسات و شور همه حاضران، به‌ویژه جوانان، را به خروش آورد.

۱۱۶۶ در آن دوره، جوانان جنوب به اردوگاه‌های آموزش نظامی مقاومت می‌پیوستند و امام صدر همواره جوانان و به‌ویژه افرادی که در عملیات نظامی و مبارزه تجربه داشتند و نیروهای ویژه (شامل داوطلبانی که بدون دستمزد فعالیت نظامی می‌کردند و پس از عمل به وظایف خویش به دنبال کار اصلی‌شان می‌رفتند) را به‌دور از تبلیغات به عملیات در عمق خاک دشمن تشویق می‌کردند. هر وقت ضرورت ایجاب می‌کرد، آنان به نام نیروهای فتح نامیده می‌شدند و حتی رسیدگی به مجروحان و شهدا را نیز جنبش فتح بر عهده داشت. امام همواره تأکید می‌کرد که مسئله فلسطین مسئله ما و مسئله همه جوانان مؤمن و تمامی اعراب و مسلمانان است.

۱۱۶۷ در اوایل دهه ۱۹۷۰، هنگامی که دکتر مصطفی چمران به لبنان آمد، او این موضوع را به شکل جدی و مخفیانه‌تر دنبال کرد و با برخی رهبران محلی و مرکزی فلسطین هماهنگی‌هایی شد. هم‌زمان با این اقدامات، عملیات شناسایی و دفاعی آغاز شد و در پادگان‌ها با نیروهای مقاومت دیدارهای بسیاری برگزار شد تا از نزدیک با همه ابعاد زندگی آنان آشنایی پیدا شود. ایشان

۱- نیروهای اطلاعاتی لبنان.

۱- برادر بلال شراره.

۲- یکی از پیشناتازان مقاومت برضد اشغالگران صهیونیست و از رهبران حزب بعث عربی اشتراکی که فرماندهی نیروهای الصاعقه در منطقه عرقوب را به عهده داشت و در تاریخ ۱۹۶۹/۱۲/۳ در مقابله با نیروهای اسرائیلی در نزدیکی مزارع شبعا و در نبردی که شش ساعت به طول انجامید، به شهادت رسید.

تصویری از حقیقتی جدید ارائه کند. ایشان در منطقه مرزی حضور یافت و تقریباً در آنجا اقامت گزید. همواره از عیت‌الشعب به بنت جبیل و از آنجا به عیترون و کفرشوبا در رفت و آمد بود.

۱۱۷۲. ۲. نمونه‌ای از توجه امام صدر به مشکلات پناهندگان ماجرای روستای شبريحا و اهالی صلحا^۱

۱۱۷۳ در سال ۱۹۵۶، با هجوم سه‌گانه به مصر، جوانان فلسطینی مقیم مناطق مرزی لبنان و فلسطین چندین عملیات برضد اسرائیل صورت دادند و اسرائیل از لبنان خواست که پناهندگان فلسطینی را تا عمق ۴۰ کیلومتری داخل خاک لبنان به عقب ببرد. بدین ترتیب، خاندان خلیل کامیون‌هایی برای انتقال خاندان عون از بنت جبیل به محله شبريحا ارسال کردند و کوچی اجباری و آکنده از رنج و عذاب و تحقیر و بیگاری آغاز شد، زیرا آنان به‌رایگان در مزارع کار می‌کردند یا اینکه مزد ناچیزی می‌گرفتند. آل عون سر به شورش برداشتند و کارگران مرد و زن آنان در دیگر مناطق به جستجوی کار پرداختند. در سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸، هم‌زمان با دوران ریاست‌جمهوری شمعون، خاندان خلیل در حمایت از شمعون ضد مقاومت مردمی به نبرد برخاستند و اهالی شبريحا را مسلح کردند تا در کنار آنان به نبرد برخیزند. اهالی از این کار امتناع کردند و برخی از جوانان که مسلح شده بودند، برضد خاندان خلیل وارد نبرد شدند. این کار خشم خاندان خلیل را برانگیخت و آنان با ارسال شکواییه‌ای به فرماندهان ارتش وانمود کردند که آل عون زمین‌هایی را اشغال کرده‌اند که متعلق به آنان بوده است. ارتش وارد عمل شد و برخی از خانه‌های آل عون را تخریب کرد.

۱۱۷۴ امام صدر با شنیدن این خبر، بلافاصله، به محل عزیمت کرد و خواستار دیدار با فرمانده نظامی، که فرماندهی پادگان صور را بر عهده داشت، شد و به او گفت: «چه می‌کنید؟ اینها گروهی از مؤمنان هستند که دو بار از سرزمین خود رانده شده‌اند. زمین‌هایی که در آن سکونت دارند، متعلق به خاندان خلیل نیست، بلکه به

سادات خاندان درویش و خاندان طه از روستای جویا تعلق دارد.»
۱۱۷۵ فرمانده ارتش عذرخواهی کرد و دستور عقب‌نشینی داد. امام آن شب را در شبريحا و در خانه‌های گلی ماند و مردان آبادی را فراخواند تا درخصوص چگونگی خرید آن زمین‌ها - که مساحت آن حدوداً معادل پنجاه دونم^۱ بود - همفکری کنند. در ادامه، با صاحبان زمین‌ها گفتگویی صورت گرفت و مقرر شد که هر دونم به بهای سه هزار لیره لبنانی و در سه قسط خریداری شود و هرگاه ممکن شد، بهای آن را بپردازند.

۱۱۷۶ تا جایی که به خاطر دارم،^۲ آخرین قسط در سال ۱۹۷۳ پرداخت شد که دوهزار لیره از مبلغ مورد توافق کم آمد. آن مبلغ را امام پرداخت کرد و گفت: «من هم مبلغ ناچیزی پرداخت می‌کنم تا در ایجاد روستایی برای مؤمنان سهیم باشم. روستایی که در آینده دروازه شهر صور خواهد بود.»

۱۱۷۷ زمین‌ها به نام امام صدر خریداری می‌شد تا ایشان در پایان پراساس مبلغی که هر کس پرداخت کرده بود، سهم افراد را به نام آنان کند. امام ربنده شد و زمین‌ها هنوز به نام ایشان است.

۱۱۷۸. ۳. همراهی «محرومان از سرزمین» با «محرومان در سرزمین» در سیره شهید حسین محمد علی الحسینی^۳

۱۱۷۹ شهید حسین الحسینی در سال ۱۹۵۸ در ارزون متولد شد. پس از پایان دوره ابتدایی و هم‌زمان با افتتاح مؤسسه فنی-حرفه‌ای جبل عامل، وارد این مؤسسه شد و همواره از دانشجویان ممتاز و پرتلاش مؤسسه بود و در کلاس خود و در میان شاگردان مؤسسه رتبه اول به شمار می‌آمد.

۱۱۸۰ هنگامی که در سال ۱۹۷۳ و به همراه نخستین گروه دانش‌آموختگان مؤسسه فارغ‌التحصیل شد، مقام اول را در بین

۱- واحد سطح معادل با هزار مترمربع که در دوره عثمانی برابر ۹۱۹ مترمربع بود و

سپس به هزار متر افزایش یافت. م.م.

۲- به نقل از برادر عاطف عون.

۳- دیدار با برادر شهید آقای حسن الحسینی.

۱- گفتگو با آقایان عادل عون و عاطف عون.

آنان کسب کرد. سپس، تحصیلات خود را در آموزشکده فنون و صنایع دکوانه و در رشته الکترونیک ادامه داد و پیش از شهادت، امتحانات مقطع متوسطه را پشت سر گذاشت. نتایج آزمون نهایی پس از شهادت او اعلام شد و وی جزو پنج نفر اول در سراسر لبنان بود.

۱۱۸۱ حضور شهید چمران در مؤسسه مذکور عامل تغییر رویکرد آن بود و ایشان با ورود به مؤسسه درصدد آموزش و تربیت نیروهای آینده برآمد. شهید حسین الحسینی یکی از اعضای اصلی گروهی بود که در آن زمان تشکیل شد و یکی از نخستین افرادی بود که برنامه‌ریزی آموزشی را برعهده گرفت. شهید چمران به او به عنوان یکی از نیروهای اصلی در کار برنامه‌ریزی اعتماد ویژه داشت. جدیت و تلاش وی او را نزد رؤسای همه گروه‌هایی که با امام صدر کار می‌کردند، به شخصیتی مورد احترام تبدیل کرده بود و خود امام نیز به وی اعتماد کامل داشت.

۱۱۸۲ هنگامی که مؤسسه را برای ادامه تحصیل در بیروت ترک کرد، کار آماده‌سازی و سازمانی را ادامه داد و در سلسله‌مراتب چارت سازمانی ارتقا یافت؛ به گونه‌ای که هنگام شهادت عضو دفتر مرکزی سازمان جنبش محرومان و عضو فرماندهی شاخه نظامی بیروت بود و مسئول نظامی جنبش در منطقه مذکور به‌شمار می‌آمد.

۱۱۸۳ پس از انفجار عین‌البنيه، امام صدر وی را برای پیگیری امور مجروحان در بیمارستان‌ها مأمور کرد. تمامی ویژگی‌ها و موفقیت‌های وی حاصل همراهی و حضور او در کنار شهید چمران بود که از زمان حضور ایشان در مؤسسه فنی-حرفه‌ای جبل عامل آغاز شد و تا مجلس اعلای شیعیان و ایجاد ساختار تشکیلاتی جنبش محرومان ادامه یافت. شهید حسین الحسینی با رمز شب که شهید چمران در گوش او می‌خواند و با پذیرش مسئولیت‌های نظامی و اجرایی تا خط مقدم جبهه نیز به پیش می‌رفت.

۱۱۸۴ با رهبران مقاومت فلسطین رابطه‌ای عمیق داشت و از طریق جلسات فرماندهان نظامی منطقه بیروت با فرماندهان تمامی

گروه‌های نظامی موجود در منطقه نیز ارتباط پیدا کرده بود. با رهبران جنبش فتح رابطه‌ای ویژه داشت، زیرا هماهنگی و ارتباط با آنان از وظایف تعریف‌شده وی به‌شمار می‌آمد.

۱۱۸۵ شهید مجاهد الضامن را نیز رهبران جنبش فتح مأمور ارتباط و هماهنگی با جنبش محرومان تعیین کرده بودند. همکاری آن دو با یکدیگر شامل ایجاد اردوگاه‌های آموزشی و نظارت و همکاری مستمر در جبهه‌های نبرد نیز بود. شهید مجاهد الضامن از جمله خدمتگزاران مخلص بود که برای ایجاد رابطه موفق با جنبش محرومان تلاش می‌کرد و با محبت و صداقت و امانتداری خواستار گسترش همکاری با این جنبش بود. این امر موجب ایجاد رابطه‌ای قوی میان او و شهید حسین الحسینی شد؛ به گونه‌ای که آن دو همواره در کنار یکدیگر از پادگان‌ها و مراکز آموزشی سرکشی می‌کردند و در جلسات شرکت می‌کردند و تقدیر چنین بود که با هم و در یک زمان و یک مکان به شهادت برسند. امام صدر در روز تشییع جنازه آن دو فرمود: «این دو عزیز با شهادت خود همراهی و پیوند میان «محرومان در سرزمین خود» و «محرومان از سرزمین خود» را به تصویر کشیدند.»

۱۱۸۶ با شهید چمران ارتباطی عمیق و ویژه داشت. فعالیت‌های مبارزاتی و اعتماد امام صدر و شهید چمران به وی نیز از ویژگی‌های خاص او بود. او به چنان جایگاهی رسید که شهید چمران با او همچون فرزند بزرگ خویش رفتار می‌کرد. چه بسا غربت شهید چمران و دوری ایشان از خانواده و فرزندان خود در تحکیم آن پیوند مؤثر بود و شهید الحسینی را بیش از پیش به شهید چمران وابسته و علاقه‌مند می‌کرد.

۱۱۸۷ شهید الحسینی تا روز شهادت خویش بدون مشورت و کسب اجازه از شهید چمران هیچ اقدامی نمی‌کرد و شهید چمران نیز به نوبه خود موضوعات را با امام صدر در میان می‌گذاشت.

۱۱۸۸ در روز شهادت حسین الحسینی، شهید چمران به اندازه‌ای متأثر و غمگین بود که به‌تنهایی از روستای ارزون تا مسافتی دور را پیاده طی کرد تا تنها با خود خلوت کند. شهید حسین الحسینی در همه‌جا همراه شهید چمران بود و ایشان همواره از او یاد می‌کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شهید چمران برای او مجلس بزرگداشتی در یکی از حسینیه‌های تهران برپا کرد و ضمن بازگوکردن برخی ویژگی‌های شهید، خاطره‌ای را از وی نقل کرد و گفت: «وقتی پایگاه تحت فرماندهی شهید الحسینی در شیباح تحت محاصره قرار داشت، او بسیار لاغر و ضعیف شده بود. مدتی او را زیر نظر گرفتم و مشاهده کردم که جیره غذایی خود را به پیرزنان و پیرمردان ناتوانی می‌داد که نزدیک پایگاه زندگی می‌کردند و سرپرستی نداشتند.»

۱۱۸۹ شهید حسین الحسینی در صبحگاه روز ۳۱ ژانویه ۱۹۷۶ به‌همراه شهید مجاهد الضامن در دوراهی روستای خرایب (جاده اصلی صیدا-صور) و در پی تصادف خودرو آنان با یک خودروی نظامی جبهه عربی به شهادت رسید.

پیوست شماره ۵

۱۱۹۰ متن پیمان قاهره

۱۱۹۱ در روز دوشنبه، دوم نوامبر ۱۹۶۹، هیئت لبنانی به ریاست امیل بستانی، فرمانده ارتش، و هیئت سازمان آزادی‌بخش فلسطین به ریاست یاسر عرفات، رئیس سازمان، تشکیل جلسه دادند. از جمهوری متحد عربی نیز آقای محمود، وزیر خارجه، و سپهبد محمد فوزی، وزیر جنگ، در جلسه حضور داشتند.

۱۱۹۲ باتوجه به روابط برادرانه و سرنوشت مشترک، روابط لبنان و نهضت آزادی‌بخش فلسطین باید همواره بر مبنای اعتماد شکل گیرد و با شفافیت و همکاری متقابل همراه باشد و این امر منافع هر دو طرف را در سایه حفظ حاکمیت لبنان به همراه خواهد داشت. بر این اساس، طرفین بر اصول و راهکارهای ذیل توافق کردند:

۱۱۹۳ الف - حضور فلسطینیان در لبنان

۱۱۹۴ مقرر شد حضور فلسطینیان در لبنان بر اساس موارد ذیل مجدداً ساماندهی شود:

۱۱۹۵ ۱. حق اقامت و کار و رفت‌وآمد برای فلسطینیانی که اکنون در لبنان اقامت دارند.

۱۱۹۶ ۲. تشکیل کمیته‌های محلی با حضور فلسطینیان در اردوگاه‌ها برای حفظ منافع فلسطینیان مقیم این اردوگاه‌ها و با همکاری مقامات محلی در چارچوب حاکمیت دولت لبنان.

۱۱۹۷ ۳. تعیین پایگاه‌هایی در داخل اردوگاه‌ها برای مبارزه مسلحانه فلسطینیان. این پایگاه‌ها به منظور ایجاد روابط مطلوب با مقامات لبنانی با کمیته‌های محلی همکاری می‌کنند و ساماندهی سلاح و تعیین نوع و مراکز آن را در داخل اردوگاه‌ها بر مبنای قوانین امنیتی لبنان و منافع انقلاب فلسطین به عهده دارند.

۱۱۹۸ ۴. به فلسطینیان مقیم لبنان اجازه داده می‌شود از طریق مشارکت در نبرد مسلحانه و با رعایت اصول و مبانی حاکمیت و سلامت لبنان با نهضت فلسطین همکاری کنند.

۱۱۹۹ ب - مبارزات فداییان فلسطین

- ۱۲۰۰ برای تسهیل در مبارزات فداییان بر موارد ذیل توافق شد:
۱۲۰۱. ۱. تسهیل در امر تردد مبارزان فدایی و تعیین نقاطی برای عبور و بازرسی در مرزها.
۱۲۰۲. ۲. احداث جاده ارتباطی برای منطقه عرقوب.
۱۲۰۳. ۳. فرماندهان نبرد مسلحانه ضمن ساماندهی اقدامات و رفتارهای تمامی افراد تحت امر خود، دخالت نکردن آنان در امور لبنان را تضمین می‌کنند.
۱۲۰۴. ۴. میان مبارزان فلسطینی و ارتش لبنان نظم و انضباط متقابل حکمفرما خواهد بود.
۱۲۰۵. ۵. توقف حملات و اقدامات تبلیغاتی طرفین برضد یکدیگر.
۱۲۰۶. ۶. سرشماری تعداد مبارزان فلسطینی حاضر در لبنان توسط فرماندهان آنان.
۱۲۰۷. ۷. تعیین نمایندگانی از مبارزان فلسطینی نزد ارکان ارتش لبنان به منظور حل و فصل مسائل و حوادث غیرمترقبه.
۱۲۰۸. ۸. بررسی و تعیین نقاط مناسب برای استقرار مبارزان در مرزها با موافقت ارکان ارتش لبنانی.
۱۲۰۹. ۹. ساماندهی ورود و خروج و گشت‌زنی نیروهای فلسطینی.
۱۲۱۰. ۱۰. برچیده شدن پایگاه جیرون.
۱۲۱۱. ۱۱. همکاری ارتش لبنان برای تسهیل در فعالیت مراکز درمانی و پشتیبانی و تدارکاتی مبارزان فلسطینی.
۱۲۱۲. ۱۲. آزادسازی بازداشت‌شدگان و سلاح‌های توقیف‌شده.
۱۲۱۳. ۱۳. بدیهی است مقامات و نیروهای نظامی و غیرنظامی لبنان در تمامی مناطق این کشور و در هر وضعیتی با بهره‌مندی از تمامی اختیارات مسئولیت‌های خود را به انجام می‌رسانند.
۱۲۱۴. ۱۴. طرفین بر این نکته تأکید دارند که مبارزه مسلحانه فلسطینیان منافع لبنان و منافع انقلاب فلسطین و تمامی اعراب را دربر دارد.
۱۲۱۵. ۱۵. مفاد این پیمان به کلی سرّی است و فقط فرماندهان و مقامات حق آگاهی از آن را خواهند داشت.

پیوست شماره شش

- ۱۲۱۶ نخستین دیدار امام صدر و جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر^۱
- ۱۲۱۷ در مارس ۱۹۷۰، امام صدر برای پیگیری امور مربوط به لبنان به قاهره سفر کرد و مرا نیز در آن سفر همراه خود برد. امام خواستار ملاقات با رئیس‌جمهور مصر، جمال عبدالناصر، بود و سفارت لبنان برای گرفتن وقت ملاقات بسیار تلاش کرد، ولی موفق نشد. تلاش أسعد الأسعد، معاون دبیرکل اتحادیه عرب، نیز نتیجه‌ای دربر نداشت. من محمد حسنین هیکل، اندیشمند و روزنامه‌نگار معروف مصری، را سال‌ها پیش از آنکه سردبیر الاهرام و آخر ساعه شود، می‌شناختم و با او هم دوره بودم. چه شب‌ها که با هم بیدار می‌ماندیم و اخبار و وقایع را پیگیری می‌کردیم. سیال‌ها گذشت و او از مشاوران بسیار نزدیک عبدالناصر و سردبیر الاهرام شد. باتوجه به آشنایی پیشین با وی، از او خواستم که برای تعیین وقت ملاقات امام با عبدالناصر به ما کمک کند. هیکل درباره امام مطالبی شنیده بود، ولی از نزدیک ایشان را ندیده بود و نمی‌شناخت. در پاسخ به من گفت: «این شخص بی‌ارزش دیگر کیست؟» گفتم: «شاید اطلاعات شما بی‌ارزش است (یعنی درباره شخصیتی که مورد احترام اغلب لبنانی‌هاست، آگاهی دقیقی ندارید) وقتی ایشان را ملاقات کنید، از گفته من اطمینان پیدا می‌کنید. در غیر این صورت، می‌پذیرم که اشتباه از من بوده است و ضمن عذرخواهی برای همیشه از او دور خواهم شد.» هیکل گفت: «حالا که این طور است، فردا ساعت یازده به همراه ایشان تشریف بیاورید.»
- ۱۲۱۸ در ساعت تعیین شده به دفتر روزنامه الاهرام رفتیم. هیکل و امام با یکدیگر آشنا شدند و گفتگوی آزمایشی آغاز شد. هیکل سؤالاتی درباره ایران و موضع امام درباره شاه و رابطه ایشان با

۱- به نقل از: زهیر عسیران، يتذكر... المؤامرات و الانقلابات فی دنیا العرب، دارالنهار، بیروت ۱۹۹۸.

تلفنی بازگشت و گفت: «برای نیم ساعت دیگر وقت ملاقات دادند...»

۱۲۲۲ خلاصه آنکه امام به ملاقات رئیس‌جمهور مصر رفت و دیداری که ابتدا قرار بود نیم‌ساعته باشد، چهار ساعت به طول انجامید و پس از آن، رئیس‌جمهور هنگام خداحافظی به امام گفت: «حالا می‌فهمم چرا هیکل شما را تحسین می‌کرد. من هم همین احساس را دارم. خدا به همراهتان. در پناه خدا باشید و بدانید که کلید همه دروازه‌های مصر در اختیار شماست.»

۱۲۲۳ با توجه به اطلاعات نادرستی که پیش از ورود امام به مصر منتشر می‌شد، روزنامه‌های این کشور تا لحظه حضور امام در سالن همایش نامی از ایشان به میان نیاورده بود.

ساواک مطرح کرد و درصدد بود تا گفتگو را به سمتی سوق دهد که امام درباره این موضوعات صحبت کند. امام لبخندی زد و به او گفت: «شما از بزرگان عرصه روزنامه‌نگاری هستید و با شخصیت‌های بزرگی روابط گسترده‌ای دارید. آیا معقول است که شایعات را باور کنید و برای یافتن حقیقت تلاش نکنید؟ اجازه بدهید با کمال فروتنی موضع خود را در قبال شاه ایران و ساواک و انقلابی که در جریان است، بازگو کنم. این انقلاب بی‌گمان شاه را - اگر سر عقل نیاید - سرنگون خواهد کرد، و به عقیده من، شاه به سبب غرور خود و با توجه به عوامل بین‌المللی که گذر زمان آنها را آشکار می‌کند، سر عقل نخواهد آمد. آیا خبر دارید که اکثر انقلابیونی که مورد غضب شاه قرار گرفته‌اند و عضو «نهضت آزادی ایران» هستند و توانسته‌اند از چنگال رژیم فرار کنند، از جمله مصطفی چمران و ابراهیم یزدی و... در شهر صور و تحت حمایت من پناه گرفته‌اند؟ آیا می‌دانید که صادق طباطبایی، رئیس انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه‌های آلمان، که آشکارا ضد شاه فعالیت می‌کند، خواهرزاده من است؟ من نمی‌خواستم به این جزئیات پردازم، اما چون می‌دانم که گزارش‌های گمراه‌کننده‌ای از جانب سفارت کشورتان (مصر) در بیروت و برخی سازمان‌های فلسطینی - که بدخواه لبنان و به‌ویژه اصل جنوب هستند - به شما واصل می‌شود، مجبور شدم برای نخستین بار چنین باصراحت سخن بگویم.»

۱۲۱۹ هیکل با شنیدن این سخنان شگفت‌زده شد و گفت: «چرا این مسائل را آشکار نمی‌کنید؟» امام فرمود: «برای حمایت از مبارزانی که به لبنان می‌آیند، چون گاهی می‌توانم برای آنان گذرنامه‌هایی با اسامی مستعار تهیه کنم تا بتوانند با آن راحت‌تر رفت‌وآمد کنند و مبارزه ضد شاه را ادامه دهند...»

۱۲۲۰ هیکل که با دقت و حیرت به سخنان امام گوش می‌داد، ناگهان بی‌مقدمه گفت: «شنیده‌ام که می‌خواهید با رئیس‌جمهور دیدار کنید؟» امام فرمود: «بله، خوشحال می‌شوم و اگر بتوانید وقت ملاقات بگیرید، پیشاپیش متشکرم.»

۱۲۲۱ هیکل اجازه خواست و به اتفاق دیگر رفت و پس از تماس

ابوظبى ۷۵۸	۴۷۰، ۴۷۹، ۴۹۰، ۵۰۵، ۶۶۳، ۶۸۶،
ابوعبیه، فهیم ۸۶۷، ۸۶۵	۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۳، ۶۹۸، ۷۳
ابوعدنان ۶۹۲	۷۲۶، ۷۳۲
ابى اللمع، فاروق ۹۸۲	ارتش مصر ۷۲
ابيجان ۳۶۰	ارتش نجات ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲
ابى جراده ۱۴	اردن ۴۷۵، ۶۰۷
ابى حيدر، نجيب ۹۸۲	اردوگاههای فلسطینیان ۹۴۸، ۹۴۹،
ابى شعبه ۱۴	۹۵۰، ۹۵۱
اتساح جماهير شوروى ۱۴۷، ۱۵۶،	ارسانيوس، ادونیس پطرس ۹۸۲
۶۳۵، ۶۷۶، ۶۸۴	ارنون ۱۳
اتحادیون ۹۲، ۹۴، ۹۷	اروپا ۲۹۳، ۳۸۷، ۶۶۸
اتحادیه بین الملل کارگران عرب ۴۷۵	الأریانی ۵۲۸
اتحادیه دانشجویان بقاع ۳۰۹	أسبر، احمد ۴۴۶، ۷۳۴، ۷۳۷، ۸۷۲
اتحادیه کلیسای آنجلیک ۱۰۷۲	الأسبوع العربی (مجله) ۹۳۴، ۹۶۷،
اتحادیه ماهیگیران صیدا ۸۷۰	۱۰۶۱، ۱۰۶۲
اجبارى شدن نظام وظیفه و خدمت	اسپانیا ۲۸۶
سربازی ۷۳، ۳۹۲، ۶۷۱، ۹۰۴	استانبول ۷۱، ۹۲، ۹۷
احداث بزرگراه صور - صیدا - شتوره	استراسبورگ ۳۸۶
۹۰۷	استعفای وزیران ۷۸۰
احداث پناهگاه ۶۷۱	استقلال لبنان ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۲
الأحدب، عبدالحمید ۹۸۲	استکهلم ۶۷۵
احمد، کامل علی ۱۰۴۱	اسد، حافظ ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۹۸، ۶۹۹،
اداره انحصاری توتون و تنباکو لبنان	۷۱۶، ۷۲۳، ۷۲۵، ۱۰۷۵
(رژى) ۱۰۴۸	اسرائیل ۱۵۳، ۲۸۲، ۳۶۹، ۴۱۳، ۴۱۴،
اداره اوقاف اسلامی ۸۶۸	۴۴۷، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۵،
اداره ثبت احوال صور ۹۰۵	۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۹،
اده، روژه ۹۸۲	۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۵، ۵۱۶،
اده، ریمون ۸۴۱، ۹۱۹	۵۴۰، ۵۷۲، ۵۷۶، ۶۰۳، ۶۴۳، ۶۵۲،
اده، میشل ۹۸۲	۶۵۹، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰،
ارتداد ۹۵۶	۶۷۷، ۶۸۷، ۶۹۵، ۶۹۹، ۷۱۲، ۷۲۱،
ارتش لبنان ۱۵۱، ۴۲۴، ۴۵۶، ۴۵۹،	۷۲۷، ۷۳۱، ۷۶۶، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۹۵،

فهرست

«خواننده گرامی، در کتابی که پیش رو دارید پاراگراف‌ها شماره گذاری شده‌اند، از این رو ارجاعاتی که در مقابل هر نمایه آورده شده، شماره پاراگراف است.»

آتش کشیدن مسجدالاقصی، ۴۸۲	آموزش عالی باقی ۲۶۷، ۳۱۵
۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۸	آموزشکده مطالعات اسلامی، ۳۰۴
آخن، ۳۸۶	آموزش کشت جای، ۳۱۵
آفریقا، ۸۶، ۳۰۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۷۰،	ابراهیم، محمدباقر ۴۳۰
۱۰۶۵، ۱۰۶۶	ابعاد دینی مسئله فلسطین (سخنرانی)
آفریقای جنوب، ۷۹۲	۵۶۲
آگرا، ۳۵۶، ۳۵۷	ابن براج ۱۹
آل ابی شامه، ۵۵	ابن بطوطه ۲۸
آل ابی کامل، ۱۹	ابن جبیر ۲۲
آل ثانی، خلیفه بن حمد، ۷۵۶	ابن حمزه جعفری ۱۵
آل جعفر، ۱۰۲۹، ۱۰۶۹	ابن شهر آشوب ۱۲
آل حیدره، ۱۹	ابوالأسود ۴۳۴
آل سلیمان، سلیمان، ۴۳۰	ابوالحسن، عباس ۴۳۰
آل شهاب، ۵۸	ابوجوده، میشل ۹۸۲
آل صعب، حسین، ۷۳	ابوخلد، امین ۹۸۲
آل صعب، محمد علی شیب، ۷۳	ابوخلد، هنری ۹۸۲
آل صفا، محمد جابر، ۹۳	ابوزعیم ۶۹۲
آلمانی، ۶۶۸	ابوسلیمان، شاکر ۹۴۰
آل مکتوم، راشدین سعید ۷۵۷	ابوشدید، رولن ۹۸۲
آل منکر، ۵۵	ابوشقرا، محمد ۴۹۱، ۴۹۲، ۸۴۷،
آل یاسین، محمد رضا ۱۹۵	۱۰۳۵
آل یاسین، مرتضی ۱۷۰، ۱۹۵	ابوطالب حسن بن عمار

۹۲۵، ۹۲۴، ۹۲۳، ۹۲۲، ۹۲۱، ۹۲۰	اساتید ۱۹۵	أفواج المقاومة اللبنانية	۸۵۸، ۸۶۱، ۸۶۴، ۸۸۳، ۹۰۶، ۹۴۹، ۹۵۱
۹۲۶، ۹۲۷، ۹۳۳، ۹۲۸، ۹۲۷، ۹۲۶	اصطلاحات و واژگان گفتمان سیاسی	الجزایر ۲۸۶، ۴۷۵، ۷۶۰	۹۶۱، ۹۶۰، ۹۵۹، ۹۵۶، ۹۵۴، ۹۵۱
۹۴۱، ۹۴۷، ۹۵۱، ۹۵۹، ۹۶۹، ۱۰۰۷، ۱۰۰۷	۳۱۶	الیاس، الیاس مقدسی ۹۸۲	۹۷۲، ۱۰۶۷، ۱۰۷۷
۱۰۳۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۶۲، ۱۰۷۰، ۱۰۷۳	برنامه نهضت سیاسی اجتماعی ۶۸۵	امارات الجلیل ۲۱	الأسعد، احمد ۱۳۴، ۱۳۷
۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵	۷۶۲، ۷۶۱، ۷۴۹	امارات متحده عربی ۷۵۷، ۹۳۲	الأسعد، کامل ۳۳۹، ۳۸۹، ۴۴۶، ۶۰۰
دیدگاههای مراجع دربارهٔ ۲۰۰، ۲۰۱	بیانیه(ها) ۲۷۶، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴	امام خمینی ۱۹۰، ۲۱۷، ۲۸۲، ۲۸۳	۶۰۱، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۴۳، ۷۶۵، ۸۸۹
۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷	۴۹۱، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹	۱۰۵۳، ۱۰۵۹	۸۹۵، ۹۳۴، ۹۶۸، ۹۷۰، ۹۷۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵
۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳	۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۷۳۸	امام موسی بن جعفر ۱۷۶، ۱۹۶	۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴
۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶	۸۸۷، ۹۱۵، ۹۳۸	امام موسی صدر ۱۴۰، ۱۶۴، ۱۶۵	۱۰۲۵، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۲
زن از دیدگاه ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶	پژوهش(ها) ۷۶۰	۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۹۴	۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱
۶۳۷	پیام(ها) ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۵۵۱، ۵۵۷	۱۹۶، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۳	اسکندری، عدنان ۹۸۲
سخنرانی(ها) ۲۶۴، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۷	۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۶۶۹، ۶۹۳، ۶۹۴	۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۱۸	اسلام معیار تمدن بشری (سخنرانی)
۲۷۸، ۲۸۱، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳	۶۹۵، ۶۹۶، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۹۶۰	۳۳۲، ۳۳۶، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۴	۳۰۶
۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹	۹۶۲، ۹۶۱	۴۱۲، ۴۲۲، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۸	اسلام و آموزش‌های مدنی
۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۸، ۳۲۵	تماس(ها) ۵۲۳، ۵۲۴	۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۵، ۵۲۱	(سخنرانی) ۳۰۷
۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳	جد ۱۷۶، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۷، ۱۷۸	۵۲۲، ۵۲۳، ۵۴۵، ۵۴۵، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵	اسلام و جوانان (سخنرانی) ۳۴۵
۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹	۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۸	۵۶۷، ۵۷۳، ۵۷۳، ۵۸۲، ۶۰۵، ۶۱۰	اسلام و فرهنگ قرن بیستم
۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۰	جلسات ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶	۶۲۳، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۷۰	(سخنرانی) ۳۱۰
۳۶۱، ۳۸۵، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۴، ۳۹۵	۴۲۷، ۴۲۸	۶۸۳، ۶۸۵، ۶۸۶، ۷۰۷، ۷۳۲، ۷۳۵	اسماعیل، علی ۲۷۸
۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱	خاندان ۱۹۹، ۲۱۷، ۲۱۸	۷۳۶، ۷۳۷، ۷۴۷، ۷۵۲، ۷۶۳، ۷۶۹	أسمر، میشل ۹۸۲
۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷	دوران تحصیل ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱	۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۷، ۸۳۷، ۸۳۹، ۸۴۵	اسهبری، سعید ۳۵۷
۴۰۸، ۴۰۹، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۴۷، ۴۴۸	۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳	۸۴۶، ۸۴۸، ۸۵۰، ۸۶۷، ۸۷۰	اشغال جنوب ۶۹۹، ۷۱۳
۴۴۹، ۴۵۰، ۴۶۰، ۴۶۱، ۵۰۱، ۵۰۲	دیدار(ها) ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۷۳، ۲۹۳	۸۷۳، ۸۸۱، ۸۸۶، ۸۹۳، ۸۹۶	اصالت و معنویت و تحول و مسائل
۵۰۳، ۵۰۴، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰	۳۱۹، ۳۲۲، ۳۳۳، ۳۴۱، ۳۵۷، ۳۶۱	۹۱۰، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۳۰، ۹۳۱	جامعه (سخنرانی) ۵۶۵
۵۶۲، ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۹۵	۳۷۹، ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۳۳، ۴۴۶، ۴۶۰	۹۳۲، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۸، ۹۴۲، ۹۵۲	اصفهان ۱۷۷، ۱۷۸
۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷	۴۶۵، ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۰۱، ۵۲۵	۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۷۰	اطلاعات (روزنامه ایرانی) ۱۰۵۷
۶۰۸، ۶۰۹، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵	۵۲۷، ۵۴۲، ۵۶۱، ۵۷۶، ۵۹۶	۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۴، ۹۷۹، ۱۰۰۵، ۱۰۰۷	اعتصاب عمومی ۳۲۱، ۵۷۶، ۵۷۷
۶۷۱، ۶۷۵، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۹۷	۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۴، ۶۱۲، ۶۴۰	۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۷، ۱۰۱۹	۶۶۴، ۹۰۱
۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۳، ۷۰۵، ۷۵۳	۶۴۵، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۷۲، ۶۹۸، ۷۰۴	۱۰۲۰، ۱۰۲۲، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۳۲	افرام، اتاناسیوس ۷۰۲
۷۵۶، ۷۷۶، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۷۲	۷۰۶، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶	۱۰۳۵، ۱۰۶۲، ۱۰۷۴	افرام، فؤاد ۲۷۷
۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۹۲	۷۵۷، ۷۵۸، ۸۴۷، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹	ازدواج ۱۹۲	افتندی، شکیب ۷۵

انقلاب افسران آزاده مصر ۱۴۵، ۱۵۶	۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷	کنفرانس(های) مطبوعاتی ۳۲۵، ۴۷۹	۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹
انقلاب بزرگ سورى ۱۱۷، ۱۱۸	۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰	۴۸۸، ۴۸۹، ۴۸۹، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸	۸۰۰، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹
انقلاب بزرگ عربى بر ضد تركها ۱۰۴	ام باقر ۱۷۵	۶۶۵، ۵۸۹	۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۲۵، ۸۴۷، ۸۵۱
انقلاب «فرقه انقلابى» ۸۳۲	أمل الأمل فى علماء جبل عامل (کتاب) ۶۳	مراسم و مناسبت(ها) ۲۷۳، ۲۷۴	۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷
انقلاب فرهیختگان ۱۰۰۷	أمهز ۶۲۵	۲۷۷، ۲۸۱، ۲۹۶، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۵	۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳
انقلاب نخست سورى ۱۱۶	أمهز، عبدالمولى ۷۳۴، ۷۳۷، ۹۳۰	۳۱۱، ۳۲۲، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۹۰، ۳۹۱	۸۶۴، ۸۷۲، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰
انگلستان ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۹۹، ۶۸۴	امیراحمدبن عبدالعزیز ۱۰۷۸	۳۹۳، ۴۳۴، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹	۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶
انگیزه‌های اصلی قیام و شهادت امام حسین(ع)(سخنرانى) ۳۶۱	امیرعبدالله بن عبدالعزیز ۱۰۷۶	۵۵۰، ۶۶۰، ۶۶۸، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۸۶	۹۰۷، ۹۰۸، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۷
الأنوار (روزنامه بیروتى) ۳۸۷	امیرفخرالدین المعنى دوم ۵۵	۷۹۸، ۹۶۳	۹۵۷، ۹۵۸، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶
اورشليم ۲۱	امین، صلاح ۳۵۹	مصاحبه(ها) ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۴۳	۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۸، ۱۰۲۰
اوزاعى ۶۸۹	امین، محسن ۱۲۸	۲۴۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹	۱۰۲۱، ۱۰۲۵، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۵
ایالات متحده آمریکا ۱۰۹، ۱۱۰	امین، محمدعلى ۴۳۰	۲۸۹، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۸۷، ۴۶۷، ۴۶۸	۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۷
۱۱۱، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۶۳، ۶۷۷، ۶۸۴	امین‌الدوله ← ابوطالب حسن بن عمار	۴۶۹، ۵۴۵، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷	سرقت از منزل امام موسی صدر ۵۴۵
ایالت کارونا ۳۵۹	انتخابات پارلمان لبنان ۶۶۲، ۶۶۵	۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۳۹	سفر(ها) ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳
ایتالیا ۲۸۴	انتخابات ریاست جمهوری ۵۹۲	۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۶۵، ۶۷۳	۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۱۵، ۳۵۵
ایزان ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵	۵۹۴، ۵۹۳	۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳	۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۷۰
۵۲، ۶۲، ۲۸۴، ۳۱۵	انتخابات شهرداری ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۲	۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۱	۳۷۹، ۳۷۹، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۶۳۹، ۶۴۰
ایوبی، صلاح‌الدین ۲۱، ۲۳	انتخابات میان دوره‌ای ۱۰۴۱	۷۲۲، ۷۲۲، ۱۰۵۱، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲	۶۴۶، ۶۴۶، ۶۵۰، ۶۵۹، ۶۶۸، ۶۷۵، ۶۷۶
الایوبی، محمود ۷۲۴	انتخاب سخنرانان مذهبی ماه رمضان	۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸	۶۹۸، ۶۹۸، ۷۲۴، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷
باباخانوف، ضیاء‌الدین ۶۷۶	راديو ۶۰۹	۱۰۵۹، ۱۰۶۰	۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۰، ۹۶۰، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸
باخوس، آگست ۹۱۳، ۹۲۳	انتخاب مفتی شیعیان ۳۲۸	نامه(ها) ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۲	۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴
البارد (اردوگاه پناهندگان) ۶۸۸	انجمن خیریه اسلامی ۳۵۳	۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸	۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸
بارودی، هشام ۹۸۳	انجمن خیریه هونین ۳۸۸، ۳۸۹	۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۶۰۹، ۶۴۷	سوگندنامه(ها) ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵
باز، ژاکلین ۹۸۳	انجمن علمی راهنمایی ۳۱۷، ۳۱۹	نشست(ها) ۴۹۴، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳	ضیافت(ها) ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۸، ۳۴۴
الباشا، امین ۹۸۳	انجمن فرهنگ و ادب ۳۰۳	۱۰۰۴	۳۶۰، ۳۶۰، ۳۶۷، ۳۷۵، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸
باشگاه الحسینی	انجمن کانون نشر ۱۹۵	نهضت ۷۶۱، ۷۶۲	فرزندان ۱۹۲
باشگاه الجرح ۳۴۹	انجمن مارونى‌های لبنان ۵۷۶، ۹۴۰	ولادت ۱۸۷، ۲۱۷	فعالیت(ها) ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۵۳
باشگاه روتاری ۳۵۴	انستیتو پژوهش‌های اسلامی ۳۸۶	ویژگی(های) اخلاقی ۲۰۰، ۲۰۱	۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۳
باشگاه فارغ‌التحصیلان بحرین ۷۵۵	انصار ۵۵	۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۹، ۲۲۵	۲۶۴، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳
		۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳	۲۹۵، ۳۱۶، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۴۱، ۳۵۵، ۳۶۸
		۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹	۳۸۰، ۴۱۶، ۴۸۱، ۵۵۲، ۶۳۸

- باشگاه فرهنگی التضامن ۳۱۴
باشگاه فرهنگی امام صادق(ع) ۷۶۷
باشگاه لبنانیان ابادان ۳۵۹
باشگاه لبنانیان سنگال
بانک مرکزی لبنان ۶۴۷
البترون ۸۴، ۸۲، ۸۳
بحبوش ۲۹۸
بحرین ۷۵۵
بخعازی، کمال ۹۸۳
بداح، موسی ۴۱۴
بداوی (اردوگاه پناهندگان) ۶۸۸
بدرالدین، عباس ۷۳۱، ۴۲۹
بدرالدین، علی ۲۹۳
بدرالدین، مالک ۱۰۲۶، ۳۴۰
بدرالدین، نجیب ۲۹۴
بدنایل ۷۸۶
برج البراجنه ۴۲۲، ۷۶۸
برج حمود ۳۸۹
البرزی، امین ۹۸۳
البرزی، امین ۹۸۳
بروجردی، ۲۰۴، ۲۲۱
برونشوئیک ۳۸۵
بری، نبیه ۸۹۴
بریتال ۱۱۸
بریتانیا ۷۴، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۴۹
بزی، علی ۱۰۲۶
البزی، محموداحمد ۱۱۵، ۱۱۷
البتستانی، امیل ۴۷۶
البتستانی، فؤاد ۹۸۳
البتستانی، منیر ۹۸۳
البسطة ۵۷۸
- بشری ۸۱
البصّ ۹۱۱
بعیدا ۷۰۳، ۷۱۸
بعلیک ۱۱، ۱۲، ۲۰، ۳۱، ۶۱، ۶۹، ۸۳
۸۹، ۱۵۱، ۳۲۸، ۶۲۳، ۶۲۴، ۷۶۱
۷۷۶، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۳، ۸۰۰
۸۰۳، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۲۵، ۸۲۷
۸۷۱، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۵۳، ۱۰۲۹، ۱۰۶۳،
۱۰۶۸
بعلبکی، لیلی ۹۸۳
بغداد ۱۵، ۱۹۹، ۴۷۵
بغدادی، مارون ۹۸۳
بقاع ۳۰، ۳۲، ۳۵، ۶۹، ۸۲، ۱۱۳، ۱۱۸،
۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۸، ۳۲۹، ۶۲۴، ۷۷۳،
۷۸۵، ۷۸۶، ۷۹۳، ۷۹۹، ۸۱۰، ۸۳۴،
۸۶۱، ۹۰۰، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۳۸،
۹۶۳، ۱۰۱۸
بقرادونی، کریم ۹۸۳
بقلی، فارون ۹۸۳
بکرکی ۸۴۱
بکفیا ۹۳۷
بل، گراند ۱۹۹
بلتاجی، محمد ۶۴۵
بلژیک ۲۸۶
بلیدا ۹۶۴، ۹۷۲
بن ۲۸۶
بناپارت، ناپلئون ۷۱، ۷۲، ۷۳
بنت جبیل ۵۵، ۹۶، ۵۷۲، ۷۷۴، ۷۸۴،
۸۸۹
بن‌گوریون ۶۵۹
بنی بشاره ۵۵
- بنی داغر ۵۵
بنی شکر ۵۵
بنی صبیح ۵۵
بوانیه، فیلکس اووی ۳۶۰
البوايه ۹۱۰
بولس، سهیل ۹۸۳
بومدین ۴۷۵
بهاء عاملی ۳۳، ۶۹
بهشتی ۱۹۱، ۲۰۹، ۲۱۲
بیانیه صدنود تن از فرهیختگان ۹۷۳،
۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹
۹۸۰، ۹۸۱، ۱۰۰۵، ۱۰۰۸
بیت المقدس ۷۵۴
بیرم، جمیل ۳۴۲
بیروت ۷۲، ۷۴، ۸۴، ۹۷، ۱۲۰، ۱۳۹،
۲۸۷، ۲۸۹، ۳۱۷، ۳۶۲، ۳۹۰، ۴۶۰،
۵۲۴، ۵۲۸، ۵۶۲، ۶۵۰، ۶۶۴، ۶۷۰،
۶۷۶، ۶۸۶، ۶۹۸، ۷۰۶، ۷۱۸، ۷۲۴،
۷۳۲، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۷۲، ۷۸۴، ۷۸۵،
۸۲۰، ۸۳۴، ۸۶۱، ۸۷۶، ۸۸۶، ۹۰۰،
۹۰۶، ۹۲۴، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۴۳،
۹۴۴، ۹۴۵، ۹۷۳، ۱۰۱۸، ۱۰۶۲،
۱۰۷۱
بیضون، احمد ۲۵۶
بیضون، رشید ۱۳۷
بیضون، محمدیوسف ۷۳۴، ۷۳۷،
۸۷۲
بیمن ۶۷۰
بیهم، مختار ۱۲۸
پارلمان لبنان ۱۳۷، ۲۸۷، ۳۱۸، ۳۱۹،
۳۳۹، ۳۶۳، ۳۶۵، ۴۳۱، ۵۲۱، ۵۵۶
- ۵۷۹، ۵۹۲، ۶۰۰، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۶،
۷۶۳، ۸۱۹، ۸۹۰، ۹۱۳، ۹۲۴، ۹۲۵،
۹۲۶، ۹۳۰، ۹۶۷، ۹۶۸، ۱۰۱۴، ۱۰۱۶،
۱۰۲۷، ۱۰۴۱
پاریس ۱۰۸، ۳۸۶، ۱۰۲۲، ۱۰۷۱
پاشا، ابراهیم ۷۲، ۷۳، ۷۴
پاشا، جمال ۱۰۳
پاشا، محمدعلی ۷۱، ۷۲
پاشا، مدحت ۹۱
پان عربیسم ← قومیت‌گرایی عربی
پدر اصلاحات ۹۱
پروژه آب‌رسانی لیطانی ← طرح
آب‌رسانی لیطانی
پرولتاریای زمین ۸۳۰
پطرس، فؤاد ۹۲۶
پل الاولی ۸۵۰
پل قاسمیه ۸۹۵
پیمان بغداد ۱۴۶، ۱۵۶
پیمان عدم انتقام‌جویی ← میثاق
بعلیک
پیمان قاهره ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۹
پیمان ملکارت ۶۹۰، ۶۹۱، ۷۲۲
پیمان ملی ۱۳۲
تأثیر زبان عربی در آفریقا (پژوهش)
۵۶۴
تأثیر عوامل روانی در شکل‌گیری
روحیه اجتماعی (سخنرانی) ۳۱۴
تاریخ جبل عامل ۶۷
تاریخ فلسفه اسلامی (کتاب) ۳۵۰
تبنین ۲۱، ۵۵، ۸۹۰
تحصّن در بیروت ۸۰۴، ۸۸۶، ۹۴۴

۹۴۵	التذكرة (کتاب) ۵۳۶	جیب ۶۱	الجلیل ۱۵۲	جنگ جهانی اول ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۶		
الترک، غالب ۲۷۳، ۲۷۷	جیبی، حسین بن محمدعلی ۳۳	جبل دروز ۱۱۶	الجلیل علیا ۱۵۲	جنگ جهانی دوم ۱۴۳		
ترکیه ۱۰۸، ۷۴	جسبل عامل ۶، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۴، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۸، ۷۳، ۷۴، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۰۴۶	جبل عامل (روزنامه) ۹۸، ۹۵	جمال‌الدین، نجیب ۲۲۷، ۳۳۱، ۳۴۰	جنگ چریکی ۴۷۹		
تمستری، عبدالله ۲۹	جبل عامل (قصیده) ۲۴۷	جبل عامل فی قرن (کتاب) ۶۵	جمعیت احسان و نیکوکاری ۲۷۵، ۲۷۶، ۳۹۰، ۴۱۰، ۶۷۹	جنوب لبنان ۱۷۶، ۱۹۷، ۲۱۷، ۲۷۳، ۳۱۷، ۳۲۹، ۳۸۹، ۴۰۸، ۴۱۴، ۴۲۴، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۹۹، ۵۰۳، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۴۰، ۵۱۶، ۵۵۱، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۴، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۲۴، ۶۳۸، ۶۴۱، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۷، ۶۸۵، ۶۸۱، ۶۹۱، ۶۹۹، ۷۱۳، ۷۱۸، ۷۲۱، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۵۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۷۰، ۷۷۳، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۸۵، ۷۹۷	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی اول ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۶
تعرض به حسین الحسینی ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۲	جبل عامل فی قرن (کتاب) ۶۵	جبل لبنان ۶۰، ۷۵، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۶، ۱۰۷، ۲۷۰	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی دوم ۱۴۳		
تعرض به روحانیون	جبل عامل (روزنامه) ۹۸، ۹۵	جبهه جولان ۹۱۸	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی اول ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۶		
تعرض به شیخ عبدالأمیر قیلان ۱۰۳۶، ۱۰۳۷	جبهه دموکراتیک خلق ۵۵۶، ۶۸۹	جبهه مردمی آزادی فلسطین ۷۰۶	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی دوم ۱۴۳		
تفسیر المیزان (کتاب) ۱۹۰	جیبیل ۲۱، ۲۸، ۳۱۴، ۱۰۰۸	جیبیل ۲۱، ۲۸، ۳۱۴، ۱۰۰۸	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی اول ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۶		
تقی‌الدین، حلیم ۴۹۳	الجديدة ۹۴	الجديدة (روزنامه) ۷۶۹، ۹۳۰، ۹۵۱، ۹۵۱	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی دوم ۱۴۳		
تلویزیون کویت ۵۶۲	جرود هرمل ۹۴۷	جرود هرمل ۹۴۷	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی اول ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۶		
تلویزیون لبنان ۵۵۷	الجریدة (روزنامه) ۷۶۹، ۹۳۰، ۹۵۱، ۹۵۱	الجریدة (روزنامه) ۷۶۹، ۹۳۰، ۹۵۱، ۹۵۱	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی دوم ۱۴۳		
التنظیم الناصری ← سازمان ناصریست‌ها	تیرون ۲۱	تیرون ۲۱	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی اول ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۶		
توافق‌نامه آتش‌بس ۴۵۶	تیزی اوزوی ۷۶۰	تیزی اوزوی ۷۶۰	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی دوم ۱۴۳		
توافق‌نامه کوتاهیه ۷۲	جامعه از فرقه‌گرایی تا سکولاریزم (سخنرانی) ۳۰۹	جامعه از فرقه‌گرایی تا سکولاریزم (سخنرانی) ۳۰۹	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی اول ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۶		
توزیع فرصت‌های شغلی ۷۸۲	جیاع ۲۹، ۳۶، ۳۴۹	جیاع ۲۹، ۳۶، ۳۴۹	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی دوم ۱۴۳		
تونس ۴۷۵	جیباع از گذشته تا آینده (سخنرانی) ۳۴۹	جیباع از گذشته تا آینده (سخنرانی) ۳۴۹	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی اول ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۶		
تونی، غسان ۲۴۱، ۸۲۶	جیشیت ۷۹۸	جیشیت ۷۹۸	جمعیته الهدایة والارشاد العلمیه ← انجمن علمی راهنمایی جمعیت بزّ و احسان ← جمعیت احسان و نیکوکاری جمعیت جوانان مسلمان ۵۶۵ جمعیت لبّنانی - بین‌المللی نداءالقدس ۶۷۷ الجمهور (روزنامه) ۶۵۰ جمیل، بیار ۹۳۷ جمیل، پی‌یر ۵۹۲، ۵۹۳، ۸۳۵ جنبش فتح ۶۸۹ جنبش محرومان (أمل) ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۲۰۸، ۶۸۵، ۶۶۱، ۷۶۶، ۱۰۰۸	جنگ جهانی دوم ۱۴۳		

حاصبیا ۵۷۲، ۵۷۳، ۸۶۷	حزب ترقی خواه سوسیالیست ۸۴۶	الحوت، سعدالدین ۹۸۵
الحافظ، امین ۷۲۳، ۶۹۰، ۷۳۲	حزب دموکرات ۱۰۲۸	حورتعلا ۱۱۸
حائری یزدی، عبدالکریم ۱۸۴	حزب شورای ملی ۷۷۱، ۸۴۴	حوزه علمیه قم ۱۹۶
حایک، جبران ۸۹۶، ۹۸۵	حزب طاشناق ۹۲۱	حوزه علمیه نجف اشرف ۱۹۳، ۱۹۶
حبشی (خاناندان مسیحی) ۶۲۶	حزب عدم تمرکز ۹۶، ۹۹	۲۲۲
حبشی، طارق ۱۰۶۳	حزب قومی - اجتماعی سوریه	حوله ۱۱۷
حجّار، فؤاد ۹۸۵	تاریخی ۲۷۲	الحیة (روزنامه بیروتی) ۲۶۵، ۲۸۹
حجّت ۱۹۰	حزب کتائب ۵۷۶، ۸۴۴، ۹۳۷، ۹۴۶، ۹۵۲	۲۹۱، ۵۴۵، ۵۹۴، ۹۵۶
حدّاد، جورج ۳۴۴، ۴۳۴	حزب ملی‌گرایان آزاد ۸۴۴	حید، محمود ۷۲۴
حدّاد، جورجیوس ۵۷۳	حزب نجاهه ۵۷۶، ۸۴۴، ۹۲۵	حیدر، توفیق هولو ۱۱۸
حدّاد، روبرت ۹۸۵	حزب نهضت ۱۳۷	حیدر، سلیم ۴۴۶
حدّاد، شکرالله ۳۲۲	حزب هیئت ملی ۸۴۰	حیدر، عدنان ۴۲۹، ۴۳۲
حدّاد، فوزی ۹۸۵	الحسن، علی ۱۰۲۶	حیدر، محمد ۸۹۵
حدّاد، گریگوار ۷۰۲	حسن بن شهید ثانی ۶۱	حیدرآباد ۳۴، ۶۲
حدّاد، گریگوریوس ۴۹۳	حسنی، عبدالکریم علی ۷۵۲	حیفا ۷۲
الحدث ۶۵۰	حسین بن عبدالصمد ۳۲	خاتون، محمدبن علی ۳۴
حدشیتی (خاناندان مسیحی) ۶۲۶	حسین، شریف ۱۰۴، ۱۲۰	الخال، یوسف ۹۸۶
الحر، زهره ۲۴۷	حسین، طه ۴۱۴	خالد، حسن ۴۷۰، ۴۹۱، ۵۲۳، ۵۳۱
حرب، ماهر ۴۱۴	حسین، عبدالله ۱۰۳۹	۵۳۲، ۵۴۲، ۸۴۷، ۹۱۲، ۱۰۳۵
الجرح ۵۷۸	الحسینی، حسن ۷۶۳	الخالدی، رشا ۹۸۶
حرّ عاملی، محمدبن حسن ۳۳، ۴۸، ۶۳، ۶۴	الحسینی، حسین ۳۴۰، ۴۲۷، ۴۳۰	خاورمیانه ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۸۴
حرفوش، ژوزف ۹۸۵	۷۳۴، ۷۳۷، ۸۷۲، ۸۷۴، ۹۳۰، ۹۶۸	خبرگزاری مراکش ۶۳۹
حزب حرکت نخستین ۷۴	۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰	خبرگزاری ملی لبنان ۷۲۸، ۹۱۶
الحزکه، خضر ۹۲۶	۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۴۳	خدام، عبدالحلیم ۷۲۴
حریق، سامی ۹۸۵	حسینی، محمدجواد ۵۱	خراسان ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۱۸۳
الحریه (مجله) ۳۸۱	الحسینی، هدی ۹۸۵	خریه سلم ۲۹۷، ۳۵۲
حزب بیرهای آزاد ۹۴۶	حسینیّه بحارینه ۷۵۶	خریش، آنتونیوس ۵۷۳
حزب پاسداران کاج ۹۴۶	حسینیّه جهرمی ها ۷۵۶	خزاعه (قبیله) ۱۱
حزب تجمّع ملی ۸۴۴	حسینیّه کراچی ۷۵۶	خضر، جورج ۱۰۷۰، ۱۰۷۲
حزب تحول خواه سوسیالیست ۸۴۴	حقوق شیعیان ۸۳۷	خط عرفات ۴۵۴
		الخطیب، حسین ۳۱۸، ۳۱۹
		حقوق محرومان لبنان ۷۶۶
		حکومت عثمانی ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۷۹
		۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۴
		۱۱۸، ۱۹۶
		الحکیم، عدنان ۵۷۶، ۵۹۲، ۵۹۳، ۹۲۵
		حکیم، محسن ۱۹۵، ۲۲۲، ۳۷۹، ۴۳۶
		۵۱۷، ۵۲۳، ۵۳۰، ۵۶۴، ۵۸۵
		حکیم، محمدتقی ۱۹۵، ۵۳۶
		حکیم، مهدی ۵۱۷
		حلب ۱۴
		حلتا ۴۵۷
		حلو، بیار ۶۷۹، ۹۲۶، ۹۸۵
		حلو، پی‌یر ۷۵۹
		حلو، شارل ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۸۸
		۳۹۸، ۴۳۷، ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۵، ۵۲۷
		۵۶۱، ۵۸۳، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷
		حله ۲۴، ۲۵، ۳۴
		حلی، حسین ۱۹۵
		حماده (خاناندان) ۶۲۵
		حماده، صبری ۲۸۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۶۴
		۳۶۶، ۴۲۱، ۴۲۷، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۶۰
		۴۶۵، ۴۹۱، ۵۲۱، ۷۳۴، ۷۳۷، ۷۴۳
		۷۶۳، ۷۸۰، ۸۷۲، ۱۰۱۶
		حماده، عدنان ۴۲۹
		حماده، مروان ۹۸۵
		حماده، ندیم ۹۸۵
		حمزه، صادق ۱۱۵
		حمود، محمدسلیم ۵۷۳
		حمود، یوسف ۷۳۴، ۷۳۷، ۹۳۰
		حمین فوقا ۵۵
		الحوادث (مجله) ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۱

خفاش‌های ترسوی شب ۸۹۷	دارالفتوای جعفری ۴۴۱، ۴۶۰، ۵۱۸
الخلاف (کتاب) ۵۳۶	دارالفتوای شیعیان ۴۳۲، ۴۳۷، ۱۰۳۶
خلده ۳۴۰	دارالفن والأدب ۶۳۵
خلیل، انور ۶۷۹	دارالیتیم العربی ۸۷۰
الخلیل، علی ۷۸۰	داعوق، عمر ۱۲۸
الخلیل، کاظم ۷۸۰	داعوق، عمر محمد ۹۸۷
خلیلی، عزیزالله	داغر، ابراهیم ۵۷۳
خنجر، ادهم ۱۱۵، ۱۱۶	داکار ۳۶۱
خوانساری، احمد ۱۹۰	دانشکده پزشکی دانشگاه لیون ۴۰
خوانین ۵۳	دانشکده حقوق دانشگاه تهران ۲۱۸
الخوری، انطوان پطرس ۹۸۶	دانشکده علوم دانشگاه لبنان ۶۵۰
خوری، باسیلیوس ۲۷۴، ۵۷۳	دانشگاه آمریکایی بیروت ۳۵۱
الخوری، بشارة ۱۳۶	دانشگاه استراسبورگ ۳۸۵
الخوری، پاول ۹۸۶	دانشگاه تهران ۱۹۶، ۱۹۷
الخوری، پولس ۵۷۳، ۹۵۷	دانشگاه قرویین ۶۳۹، ۱۰۷۳
خوری، خلیل ۹۲۶	دانشگاه کمبریج ۳۸۶
خوری، روبرو ۹۸۶	دانشگاه لاگوس ۳۵۹
الخوری، ژان یوسف ۹۸۶	دانیلو ۱۰۷۲
الخوری، سیم ۹۲۶	داوود، روبرت ۹۸۷
الخوری، نیرنه ۹۸۶	دائرةالمعارف فقه شیعه ← مفتاح
الخوری، یوسف ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۱	الکرامة
خوله ۱۲	الدبور (مجله لبنانی) ۶۶۱
خویی، ابوالقاسم ۵۸۵، ۵۸۸، ۵۹۱	دبی ۷۵۷، ۷۵۸
الخیام ۱۰۲۰	دبیرخانه دائمی فلسطین ۱۵۱
خیرالله، شوقی ۹۸۶	دبیرخانه کنفرانس عرب ۱۰۲
خیزران ۴۳۳	دبیرستان ملی بیروت ۳۰۶
دارالتقريب بين مذاهب اسلامی ۵۳۶	دحداح، سمیر ۹۸۷
دارالفتوا ۴۹۰، ۴۹۱، ۷۰۱	دروزی‌ها ۲۰، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۸۴۷
دارالفتوای اسلامی اهل سنت ۵۴۱، ۸۴۷	دستگیری امام خمینی ۲۸۴، ۲۸۶
	دعوت اسلامی ۱۰۷۸
	دفتر نمایندگی سازمان ملل در بیروت
۹۳۳	۹۸۷
راشیا ۵۷۳	دکاش، ندیم ۹۸۷
راشیا الفخار ۵۹۵	دکروب، حمید ۸۹۰، ۱۰۲۴
الرافعی، یحیی ۷۰۲	الدکوانه ۹۵۲
ریاط ۱۰۷۴	دلول، محسن ۳۳۶
رحمة (خاندان مسیحی) ۶۲۶	دمشق، ۲۷، ۵۷، ۷۲، ۸۲، ۱۰۲، ۱۰۵
رزق، ادموند ۵۷۶	۱۴۹، ۶۴۸، ۶۸۶، ۶۹۸، ۷۰۸، ۷۱۸
رشعینی (خاندان) ۶۲۵	۷۲۱، ۷۲۴، ۷۳۱، ۷۳۲، ۱۰۷۵
رضا، احمد ۹۳	دمشقیه، محمد ۹۸۷
رضاشاه پهلوی ۱۹۸	دندش (خاندان) ۶۲۵
رضوان، وجیه ۹۸۸	دندش، فضل الله ۱۰۲۶
رقه، سلیم طالب ۸۹۱	دوران الکولاستیک ۶۱۵
رکینی عاملی، رضا ۶۵	دوران بازگشت مسلمانان ۲۱
رم ۲۸۴	الدوره ۶۸۹
رمال، رمال ۵۴۶، ۵۵۰	دوره شهابی ۱۶۶
روح تعالیم اسلام و حقیقت تشریح	دولت اتحاد ملی ۴۷۴
احکام در جهان امروز (پژوهش) ۷۶۰	دولت بنی‌عمار ۲۰، ۲۱
رود اردن ۴۵۱	دولت عثمانی ← حکومت عثمانی
روستاهاى مرزى جنوب ۴۸۲، ۴۹۶	دولت نظامی ۷۳
۵۰۵، ۵۶۱، ۵۷۲، ۶۵۱، ۷۶۹، ۸۸۴	الدیار (مجله بیروتی) ۱۰۱۹، ۱۰۵۴
۱۰۲۵	دیرالأحمر ۴۱۵، ۱۰۶۳
روسیه ۷۴، ۱۰۴، ۱۶۳	دیرالقمر ۲۷۴
روم ارتودکس ۷۵	ذروی، احمد ۹۳۸
روم کاتولیک ۷۵	رابطة العالم الاسلامی ۱۰۷۸
ریاض، محمود ۴۷۶	الرابطة الهاشمية ← کانون هاشمی
الزاريه ۳۴۸	رابیز، ژانین ۹۸۸
رخله ۳۱، ۸۱، ۳۰۹	رادوی لبنان ۲۶۴، ۲۷۳
زرایه ۵۵	رأس العين ۱۲، ۷۸۴، ۸۰۳، ۸۱۰
زعیتر (خاندان) ۶۲۵	رأس النبع ۳۴۰
زعیتر، محمد دعاس ۵۶۹	راسی، جورج ۹۸۸
الزغبی، الیاس ۱۰۶۳	راشد، نزیه ۶۹۲
زغرتا ۸۱	

شامات ۸، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۱۰۸	سماحه، میشل ۹۸۹	سبیتی، محسن ۴۳۰	زغیب، محمد ۱۵۱
شاهی، ژوزف ۹۹۰	سمبل ملی لبنان ۶۸۲	سبیتی عاملی، علی ۶۶	زنان عرب و نبرد آزادی خواهی (سخنرانی) ۶۳۵
شاوول، پاول ۹۹۰	سمعان، جورج ۹۸۹	سجد (خاندان) ۶۲۵	زیاده، اغناطیوس ۷۰۳
شاه اسماعیل صفوی ۳۲	سن الفیل ۳۱۹	سرشماری متکدیان ۲۲۸	الزین، احمد ۵۷۳، ۸۶۷
شاه ایران ۱۷۹، ۲۸۲، ۲۸۳	سندیکای روزنامه نگاران ۴۸۹	سرکیس، الیاس ۵۹۲، ۵۹۳، ۶۴۷	الزین، احمد عارف ۱۰۰، ۱۲۸
شاهرودی، محمود ۱۹۵، ۹۴۲	سنگال ۳۶۱	سرکیس، نقولا ۹۸۹	الزین، زید ۴۲۹
شاه عباس صفوی ۳۴	سنگو، لیویولد ۳۶۱	سعاده، بشیر ۹۸۹	الزین، عبدالکریم ۱۰۲۶
شاهین، رفیق ۵۶۹، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳	سواحل دریای مدیترانه ۲۰	سعاده، پطرس ۹۸۹	الزین، عبداللطیف ۵۶۹، ۷۳۴، ۷۳۷
شاهین، فهمی ۱۰۳۴، ۱۰۴۱	سودان	سعد، حبیب پاشا ۱۰۴۷	الزین، ۸۳۸، ۸۷۲، ۸۷۴، ۱۰۲۶، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳
شبقلو، فؤاد ۹۹۰	سوریه ۹۱، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۰	سعد، فؤاد ۷۰۷، ۹۸۹	الزین، عبدالمجید ۵۶۹، ۹۲۴، ۱۰۴۲
شبییری زنجانی، موسی ۲۰۰	۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۹، ۴۵۴، ۶۴۸، ۶۴۹	سعد، محمد ۴۱۴	ژنو ۲۸۶
شتورا ۸۲۵	۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۲۱، ۷۲۳	سعد، معروف ۵۷۰، ۸۴۸، ۸۷۰	ساحل عاج ۳۶۰
شحور ۱۷۶، ۲۲۰، ۲۷۸	۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۳۱	السعدیات ۹۲۷	سادات، انور ۷۲۷
شختوره، عبدو ۹۹۰	۱۰۷۵	السفیر (روزنامه) ۹۴۱، ۹۵۵	سازمان الطلائع شیعیان بیروت ۱۳۷
الشخری، محمد ۳۳	سوسان، سلیم ۸۶۸	سکاف، ژوزف ۹۳۳	سازمان بازپروری اجتماعی ۴۱۱
شدغیث ۱۷۶	سوق المعادن (کتاب) ۶۷	سلافة العصر (کتاب) ۶۲	سازمان جهان اسلام ۱۰۷۸
شراره، موسی ۴۱، ۴۳۰	سوئد ۶۷۵	سلام، صائب ۳۳۹، ۶۰۹، ۶۸۹، ۹۲۰	سازمان علمی فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) ۱۰۷۰
شرف، رفیق ۹۹۰	سوئد ۶۴۵	سلام، یوسف ۹۸۹	سازمان فتح ۴۴۷
شرف الدین، جعفر ۳۲۲	سوئیس ۲۸۶	سلامه، کامل ۸۹۱	سازمان ملل متحد ۱۵۳، ۱۰۷۰
شرف الدین، صالح	السیاسة (روزنامه کویتی) ۱۰۵۰	سلطان پاشا الاطراش ۱۱۶	سازمان ناصریست ها ۸۴۹
شرف الدین، عبدالحسین ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۴۵، ۲۶۴، ۴۱۰	السید، عبدالساتر ۷۲۴	سلطان عبدالحمید دوم ۹۲	سال شکست ۳۶۹، ۳۷۰
شرکت پروتئین ۱۰۶۷	سیدمرتضی ۱۵	سلطانی طباطبایی، محمدباقر ۱۸۷، ۱۹۰	سالگرد تأسیس جمعیت الریف ۹۶۳
شرکت رژی ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۲	سیرالئون ۳۶۱، ۱۰۶۴	سلعا ۸۹۱	سالم، نقولا ۲۷۴
شریف (خاندان) ۶۲۵	سینما امبیر ۳۰۹	سلمان فارسی ۱۰	سالم، یوسف ۵۲۴، ۵۷۰
شعث ۷۹۶	سیوفی، مارسل ۹۸۹	سلهب، روزه ۹۸۹	سالونیک ۹۷
شعیب (خاندان) ۶۲۵	الشاطی، بنت ۶۳۹	سلیم، ژوزف ۲۳۰	ساماندهی اوضاع شیعیان لبنان ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۲، ۳۶۵، ۳۶۶
	الشاعر، اثناسیوس ۵۷۳	سلیم، فاروق ۹۸۹	۳۶۷
	شام ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۲۰، ۵۲، ۵۵، ۶۰، ۷۲، ۷۳، ۸۸، ۱۰۴، ۱۱۹، ۱۲۸	سلیم، محسن ۴۲۹	
		سلیمان، میشل ۹۸۹	

شعیتو، ابراهیم ۵۶۹، ۵۷۶	شهرک‌سازی صهیونیست‌ها ۱۴۹
شقرا ۳۰۱	شهید اول ۲۶، ۲۷، ۲۸
شقیف ۱۳، ۲۱، ۱۱۶	شهید ثانی ۳۱، ۵۰
شکر، زهیر ۷۶	شهید ثانی، حسن بن زیدالدین ۴۷، ۶۳
شکست اعراب (۱۹۶۷ م) ۴۵۱، ۴۵۶	الشیخ ۵۷۸
شکست فلسطین ۱۶۲	شیبان، روبرت ۹۹۰
شماعه، منیر ۹۹۰	الشیخ، حنان ۹۹۰
شمال لبنان ۸۶۱، ۹۰۰، ۹۰۵، ۹۰۶	شیرازی، حسن ۵۲۶
شمس‌الدین، محمدمهدی ۷۰۲	شیرازی، عبدالهادی ۱۹۵
شمسطار ۸۲، ۷۸۴	شیعه بر سر نقطه عطف تاریخی، یا
شمص (خانندان) ۶۲۵	موسی صدر (کتاب) ۳۳۱
شمعون، کمیل ۱۵۶، ۹۲۷	شیعیان امامیه ۱۸، ۱۹، ۲۰
شورای اتحادیه عرب ۱۵۰	شیعیان جبل عامل ۱۱۲
شورای اخلاق ۶۲۱	شیعیان لبنان ۵۲، ۷۵، ۱۳۶، ۱۳۷
شورای استخدام ۷۴۹	۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۱۹، ۴۳۸
شورای شرع اهل سنت ۷۷۱	صابونچی، طه ۴۹۳، ۷۵۱
شورای شرعی	صادق، بیار ۹۹۱
شورای شهر ۷۳	صادق، عبدالحسین ۱۲۸
شورای کلیساهای جهان ۶۷۰	صادقی، علی اکبر ۲۵۰
شورای ملی ۵۷۶، ۶۴۵	صالح، صبحی ۷۰۲
شورای یازی جنوب ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵	الصائغ، آنتوان ۳۰۲
۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۹۶، ۵۹۷، ۹۵۷	صائغ، ژوزف ۹۹۱
۹۵۸، ۱۰۵۲	الصائغ، سمیر ۹۹۱
شوف ۵۷، ۷۴	صبرا ۶۸۹
شویری، ژان ۹۹۰	صحرای سینا ۶۵۳
شویری، ندیم ۹۹۰	صدر، اسماعیل ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸
شهاب، طارق ۹۹۰	۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۵
شهاب، عبدالعزیز ۹۹۰	صدر، حمید ۱۹۲
شهاب، فؤاد ۱۶۶، ۲۷۲، ۳۹۸، ۴۱۰	صدر، حورا ۱۹۲
شهاب، محمد ۹۹۰	صدر، حیدر ۱۸۰
شهابیه ۸۹۱	
صدر، ریاب ۱۸۷	
صدر، رضا ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰	
صدر، صدرالدین (پدر امام موسی صدر) ۱۷۶، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸	
صدر، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۷، ۵۳۶	
صدر، صدرالدین (فرزند امام موسی صدر) ۱۷۶، ۱۹۲، ۱۹۴	
صدر، صدیقه ۱۸۷	
صدر، علی ۱۸۷	
صدر، فاطمه ۱۸۷	
صدر، محمد ۱۷۷	
صدر، محمداقبر ۱۸۷، ۱۹۵	
صدر، محمدجواد	
صدر، محمدعلی ۱۷۷	
صدر، محمدمهدی	
صدر، ملیحه ۱۹۲	
صدر یادکوبه‌ای ۱۹۵	
صرفند ۹، ۴۳۳	
صعب، حسن ۷۰۲	
صعب، محمد ۹۹۱	
صعب، هنری فرید ۹۹۱	
صعبیه (خانندان) ۱۱۶	
الصغیر، علی ← الصغیر، مشرف بن علی	
الصغیر، مشرف بن علی ۵۵، ۵۸	
صفی‌الدین، محمد ۵۶۹	
صقر، جورج ۹۹۱	
صلاح، صلاح ۶۹۲	
صلاح‌الدین ← ایوبی، صلاح‌الدین	
الصلح، تقی‌الدین ۷۳۲، ۹۳۴، ۹۴۱	
۹۶۷، ۹۶۹	
الصلح، ریاض ۱۲۸	
صلحا ۱۵۲	
صلیبا، جورج ۹۹۱	
الصلیبی، ایلیا ۴۹۳، ۷۰۲	
الصلمدی، هناء ۹۹۱	
صوت الخلیج (روزنامه کویتی) ۶۱۴	
صور ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۸، ۷۲، ۱۰۹	
۱۱۲، ۱۱۵، ۱۳۰، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۶، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۶۴، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۴۴، ۳۶۲، ۳۹۰، ۳۹۳، ۴۳۳، ۴۳۴، ۵۴۵، ۵۷۲، ۶۶۳، ۷۶۱، ۷۶۷، ۸۷۳، ۸۹۵، ۹۱۰	
صوری، عبدالمحسن ۱۷، ۱۹	
صهیونیست‌ها ۱۵۲، ۲۰۵، ۴۶۷	
صهیونیسم ۴۸۵، ۶۷۳	
صیدا ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۳۱، ۵۷، ۶۰، ۷۲، ۹۵، ۹۸، ۱۳۰، ۲۷۴، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۴۵، ۳۵۴، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۱۰۶۷	
صیداوی، جواد ۹۹۱	
ضمیمه روزنامه النهار ۲۴۳	
ضو، ویکتور ۹۹۲	
طاریا ۹۶۳	
طباره، بهیج ۹۹۳	
طباره، ریاض ۹۹۳	
طباطبایی، محمدحسین ۱۹۰	
طبریا ۱۵	
طراب، ژوزف ۹۹۳	

طرابلس ۱۵، ۱۰۶، ۱۳۰، ۶۸۸	عبدالملک، سمیر ۹۹۴	غانم، انطوان ۹۹۵	۱۰۱۸، ۹۴۷، ۹۴۵، ۹۰۵
طرابلسی، آنتوان ۹۹۳	عدلون ۴۳۳	الغیبیری ۳۳۲	علاءالدین (خاندان) ۶۲۵
طراد، میشل ۹۹۳	عدوان، کمال ۶۸۹	غریب، عیسی ۹۹۵	علام، ناصرالدین ۶۲۵
طرح آبیاری القناع - همرمل (سد عاصی) ۹۳۳، ۷۸۴	عدیسه ۱۰۳۶، ۱۰۳۷	غریب، لور ۹۹۵	علامه، فخری ۱۰۲۶
طرح آبرسانی رودخانه لیطانی ۷۸۴، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۱۰، ۸۶۱، ۹۰۴، ۹۳۲	عراق ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۴، ۳۵، ۵۲، ۱۰۴، ۱۷۷، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۱۷، ۲۸۸، ۳۱۵، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۳۶	غصن (خاندان) ۶۲۵	علایلی، عبدالله ۲۷۳، ۲۷۷
طرح تفصیلی درخواست‌ها ۸۷۳، ۸۷۴	عرب، ابراهیم ۳۳۳	عصین، انطوان ۹۹۵	علمات ۳۱۴
طرح سبز ۷۸۵	عربستان سعودی ۷۵۴	غلمیه، ولید ۹۹۵	علمای شیعه ۱۷۷، ۱۹۸، ۲۷۲، ۴۲۷، ۵۱۷، ۵۳۱، ۵۹۰، ۵۹۱، ۶۷۶، ۱۰۴۰
طرح شکیب افندی ۷۶، ۷۵	عرفات، یاسر ۴۷۵، ۴۷۶، ۶۷۲، ۷۰۴	غندور، انطوان ۹۹۵	علو (خاندان) ۶۲۵، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹
طرح وحدت سوری ۱۲۸، ۱۳۱	۹۵۱، ۷۱۵، ۷۰۶	فاخوری، انطوان ۹۹۶	علوی اصفهانی ۱۹۰
طرطوس ۷۵۲	العرفان (مجله) ۱۰۰، ۱۹۶	فاخوری، شوقی ۹۹۶	علویان ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۳
طعمه، سامی ۹۹۳	العراقوب ۴۵۴، ۷۹۵	فارس، ژان ۹۹۶	علی بن مؤید ۲۶
الطفیلی، علی فرج ۱۱۸	عریس، امین ۸۴۰	فاس ۶۳۹	عماد (خاندان مسیحی) ۶۲۶
طوق (خاندان مسیحی) ۶۲۶	العریسی، امین ۷۷۱	فتح لاند ۴۵۴	عمار، محمود ۷۳۴، ۷۳۷، ۸۳۷، ۸۷۲
طوق، جبران ۸۳۶	عزالدین، محمدعلی ۳۹، ۶۷	فتنه سال شصت ۷۷	۸۷۴، ۹۳۰
طه، ریاض ۴۸۹، ۵۸۵، ۸۷۲، ۹۹۳	عزیز، جان ۵۶۹، ۵۷۶	فحام ۵۶۳	عمار، یاسر ۱۰
۱۰۴۴	عسیران، زهیر ۲۵۲	فخرالدین (خاندان) ۶۲۵	عمان ۱۵، ۴۷۵
الطیبه ۱۱۸	عسیران، سمیح ۴۴۶، ۵۶۹	فخری (خاندان مسیحی) ۶۲۶	عملیات چریکی ۴۶۸، ۴۶۹
الطیبه، عفیف ۲۷۷	عسیران، عادل ۴۳۲، ۴۴۶، ۴۹۱، ۷۳۴، ۷۳۷	فخری، ادموند ۹۹۶	عواد (خاندان) ۶۲۵
ظاظا، علی ۷۲۴	عشقوت ۹۴۵	فرانسه ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۲۸۶، ۳۸۵، ۴۱۱، ۶۸۴، ۱۰۴۷، ۱۰۷۲	العونینی، حسین ۴۹۱
ظاهر، سلیمان ۹۳	العشی، فؤاد ۹۹۴	فرح، بیار ۹۹۶	عیتانی، عبدالله ۹۹۴
عالیه ۱۵۰، ۳۲۲	العصبی، علی فارس ۵۹	فرحات، عباس ۴۲۹	عیترون ۴۶۶
عبدالدائم، عبدالله ۹۹۴	عطاءالله، پاول ۹۹۴	فرحات، محمود ۴۹۳	عیتیت ۳۳۲
عبدالناصر، جمال ۱۵۶، ۴۵۹، ۴۷۵، ۵۶۴، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶	عطاءالله، محمد ۹۹۴	فردان ۶۸۹	عید، ابراهیم ۹۹۴
۶۰۷، ۶۰۸، ۶۵۳	عطوی، محمد ۹۹۴	فرقه‌گرایسی ۷۶، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۸، ۳۱۶	عید، ریمون ۹۹۴
العبدالله، محمد ۹۹۴	عقیف، ژوزف ۹۹۴	فرقه‌گرایی و سکولاریزم (سخنرانی) ۳۰۳	عیسی، محمد ۱۰۲۶
عبدالله، ممدوح ۴۴۶، ۵۷۰	عقل، سعید ۲۷۷	فرقه‌گرایی و سکولاریزم (سخنرانی) ۳۰۳	عین ابل ۹۶۴
	عکار ۶۰، ۷۲، ۱۷۷، ۷۷۳، ۷۸۵، ۸۶۱		عیناتا ۲۹، ۳۶، ۵۵، ۵۶
			عیون ارقش ۸۱۰
			الغازیه ۴۳۳، ۵۷۱، ۷۷۳، ۷۷۹، ۱۰۲۵
			غانم، اسکندر ۶۸۹، ۹۱۶

کشورهای آفریقایی ۵۶۴	کارخانه غندور ۶۶۴	۵۶۳، ۵۶۵، ۶۴۱، ۶۴۷، ۶۵۹، ۶۶۸، ۷۵۳	۵۹۵، ۵۹۸، ۶۵۱، ۶۷۱، ۶۸۲، ۷۰۳، ۷۲۳، ۷۲۵، ۷۴۶، ۹۱۳، ۹۴۵، ۱۰۱۷
کشورهای خلیج فارس ۶۸۴، ۹۳۲	کارمندان شیعه ۵۵۴	قبنانی، نزار ۹۹۷	فرنجیه، سمیر ۹۹۶
کشورهای عربی ۹۲، ۹۹، ۱۰۱، ۱۵۳، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۹، ۴۵۷، ۴۶۴، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۸۹، ۴۹۱، ۵۰۷، ۵۴۰، ۵۶۵، ۵۶۷، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۷۴، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۹۸، ۱۰۲۲، ۱۰۷۶	کاشانی ۱۹۲	قبرس دوم ۹۵۶	فردگاه آتن ۴۵۸
کفرحونه ۳۵۳	کاشف الغطاء ۱۷۷	قربلان، عبدالأمیر ۳۴۰، ۴۳۰، ۵۷۳، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷	فردگاه بین‌المللی بیروت ۴۵۸
کفرمان ۱۰۴۹	کاظمین ۱۹۹	قبیسی، احمد ۳۴۰، ۷۶۰	فضل‌الله، علی ۴۳۰
کفر فالوس ۲۷۴	کانال سوئز	قدس ۱۵، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۸، ۶۲۳، ۶۹۴، ۶۹۶	فضل‌الله، محمدحسین ۲۴۶
کفرقاسم ۱۵۲	کانون هاشمی ۳۳۲	قدسی، جورج ۹۹۷	الفضیه، علی ۵۷۳
کفرکلا ۹۶۴	کبریت، رضا ۹۹۸	قدوره، ادیب ۹۹۷	فلاری ۹۳۳
کل شیء (مجله)	کجه جی، طلال ۹۹۸	قره‌علی، محمد ۲۷۷	فلسطین ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۷۴، ۴۴۸، ۴۵۴، ۴۶۸، ۴۷۵، ۴۸۰، ۵۵۱، ۵۶۲، ۵۶۵، ۵۶۶، ۶۳۹، ۶۹۱، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۹
کلیساهای آلمان غربی ۵۸۴	کحیل، ریاض ۹۹۸	قزاقستان ۶۷۶	فلسطین ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۷۴، ۴۴۸، ۴۵۴، ۴۶۸، ۴۷۵، ۴۸۰، ۵۵۱، ۵۶۲، ۵۶۵، ۵۶۶، ۶۳۹، ۶۹۱، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۹
کلیسای ارتودکس ۷۰۱	کرامی، الیاس ۹۹۸	قطب شاه ۳۴	فواز، سعید ۵۶۹، ۱۰۲۶
کلیسای پروتستان ۵۸۴	کرامی، رشید ۳۱۹، ۳۶۶، ۴۵۹، ۵۲۷، ۹۲۸، ۹۳۶، ۹۶۹	قطر ۷۵۶	فوزی، محمد ۴۷۶
کلیسای سنت جورج ۸۴۲	کرانه باختری کانال سوئز ۷۲۷	قطعنامه شورای امنیت ۱۵۳، ۶۷۷	فوزی، محمد ۴۷۶
کلیسای قیامت ۴۸۴	کریاج، انطوان ۹۹۸	قلیعه ۷۹۹	الفوند، محمد ۱۰۶۴، ۱۰۶۶
کلیسای کاتولیک ۵۸۴	کربلا ۳۴	قم ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۰۴، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۰۴، ۱۹۸، ۱۸۳	فهرست خواسته‌های شیعیان ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵
کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین ۷۰۴	کرین، هنری ۳۵۰	قمی، حسین ۱۸۳، ۱۹۸، ۲۰۴	فهرست نامزدهای ائتلاف ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲
کمیته پیگیری خواسته‌های شیعیان ۳۱۹	کرک ۳۱، ۶۹	قمی، صفیه ۱۸۳	فیاض، حلیم ۲۶۴
کمیته پیگیری مشترک فرقه‌ها ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵	کرکی، علی عبدالعلی ۳۱	القوتلی، حسن ۷۰۲	فیاض، سمیح ۴۲۹
کمیته پیگیری مصوبات همایش سران فرقه‌ها ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴	کرکی، محقق ۳۲، ۶۹	القوتلی، حسین ۵۴۲	فیصل بن حسین ۱۲۸
کمیته دبیرخانه کنفرانس عرب ۹۹	کرلس، زان ۹۹۸	قومیت‌گرایی عربی ۱۵۹	فئودالیزم خارجی ۹۰
کمیته سیاسی امور فلسطینیان در لبنان ۶۸۹	کرم، ملهم ۵۸۵	قونیه ۷۲	القادری، رثوف ۵۷۳
کمیته فرهنگی دانشگاه آمریکایی	کسروان ۲۰، ۲۸، ۸۲، ۱۰۰۸	قیس، نجیب ۵۷۳	القادری، عزیز ۹۹۷
	کشاورزان تنباکوکار ۴۰۸، ۷۴۲، ۷۴۴	قیصر، حسن ۴۱۴	قانا ۵۵، ۶۶۳
	کشتار ۱۵ خرداد (۱۳۴۲) ۲۸۳	کاخ بیت‌الدین ۵۹۱	قاصص، عاصم ۱۰۲۶
	کشت تنباکو ۶۸۱، ۹۵۸، ۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸	کساخ ریاست‌جمهوری ۵۷۰، ۶۰۹، ۷۰۳، ۷۰۸	قانون اساسی لبنان ۱۳۰
	کشتی ایبا ۵۸۴	کاخ یونسکو ۴۲۱، ۴۲۹، ۱۰۷۲	قاهره ۷۱، ۲۸۷، ۴۷۵، ۴۷۶، ۵۳۶
		کارادون ۶۷۷، ۶۷۸	

بیروت ۵۷۸	گروه ۱۶ نیروهای امنیتی لبنان ۶۸۹
کمیته‌های مشترک مردمی ۹۵۲	گورو ۱۲۵
کمیسیون بودجه ۳۶۴	گون ۳۵۸، ۶۴۰
کمیسیون مدیریت مجلس ۳۶۴	گینه ۳۶۱
کمیسیون مدیریت و داگستری ۳۶۳	لاگوس ۳۵۹، ۳۵۸، ۶۴۰
کانال سوئز ۱۰۰، ۱۰۳، ۶۴۲	لبنان، عبدالرحمن ۹۹۹
کنج، محمد ۴۲۹	لبنان، نقولا ۹۹۹
کنعان، جمیل ۹۹۸	لبنان ۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۸، ۲۰، ۲۵،
کنعان، حسین ۳۴۰	۳۲، ۳۵، ۵۲، ۶۱، ۷۰، ۷۴، ۷۶، ۷۹،
کنفرانس ژنو ۶۷۷	۸۰، ۸۶، ۸۷، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۲۷،
کنفرانس صلح پاریس ۱۰۹، ۱۰۷۰	۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳،
کنفرانس وادی الحجیر ۱۲۰	۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲،
کنفرانس‌های ساحل ۱۳۰	۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱،
کوتاهیه ۷۲	۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۰۸،
الکوثریه، هادی ۵۵	۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۳،
کودتای نافرجام (۱۹۶۲ م) ۲۷۲	۲۵۶، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۶۶، ۲۶۸،
الکوره ۸۱، ۲۹۸	۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱،
کوناکری ۳۶۱	۲۸۸، ۲۸۹، ۳۰۴، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۳،
کویت ۵۶۲، ۵۶۳، ۸۵۷	۳۲۴، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۴۰، ۳۴۳، ۳۵۸،
کیروز (خاندان مسیحی) ۶۲۶	۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۹، ۳۸۳، ۳۸۷،
کیتنا، حسن ۶۴۰	۳۸۸، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۶،
کیفون ۲۷۴، ۳۰۰	۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۵۳،
کینعو، محمود ۳۳۳	۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۲،
گارد پادشاهی عربستان سعودی ۱۰۷۶	؛؛، ۴۶۴، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۷۸،
گردهمایی بعلبک ← همایش بعلبک	۳۵۷، ۳۵۹، ۳۷۹، ۴۸۰، ۴۸۹، ۴۹۰، ۵۰۳،
گردهمایی صور ← همایش صور	۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۴،
گردهمایی صیدا ۹۴۳	۵۲۵، ۵۳۱، ۵۳۶، ۵۴۰، ۵۴۳، ۵۵۳،
گردهمایی مقدماتی تأسیس جنبش	۵۵۷، ۵۵۷، ۵۶۷، ۵۶۷، ۵۷۴، ۵۷۷،
محرومان ۸۲۵	۵۷۸، ۵۸۱، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۸، ۵۹۲،
گرگور، افرام ۴۹۳	۶۰۱، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۴،
	۶۱۶، ۶۱۷، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۳۹، ۶۴۰،

لورتر ۴۰	۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۳، ۶۶۰، ۶۶۱،
لیون ۳۸۶	۶۶۲، ۶۶۶، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۳، ۶۷۷،
مارتی ۱۰۷۲، ۱۰۷۱	۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۷، ۶۸۹، ۶۹۱، ۶۹۲،
مارکس ۱۰۴۴	۶۹۶، ۶۹۷، ۹۸، ۹۹۹، ۷۰۱، ۷۰۴،
مارونی‌ها ۲۰، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۱۳۲	۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۶،
ماضی، علی ۵۶۹	۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۹،
المالکیه ۳۳۲	۷۵۵، ۷۵۹، ۷۶۱، ۷۷۰، ۷۷۳، ۷۷۷،
ماندویل ۲۸	۷۷۸، ۷۷۸، ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۹۰، ۷۹۲، ۸۰۳،
العبادی العامه للفقاه المقارن (کتاب)	۸۱۶، ۸۲۱، ۸۲۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۱،
← مبانی عمومی فقه تطبیقی (کتاب)	۸۴۸، ۸۶۰، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵،
مبارزان فدایی فلسطین ۴۶۷، ۴۷۱،	۸۷۷، ۸۷۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۴، ۹۱۰،
۴۷۵، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۲،	۹۱۲، ۹۱۲، ۹۲۷، ۹۳۶، ۹۴۹، ۹۵۲، ۹۵۶،
۴۹۰، ۴۹۵	۹۶۴، ۹۶۵، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۸، ۹۸۰،
مبارزه فرسایشی ضد فرانسوی‌ها	۱۰۲۸، ۱۰۴۷، ۱۰۶۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲،
۱۱۵	۱۰۷۷
مبارزه مسلحانه فلسطینیان ۴۵۱،	لبنان بزرگ ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹،
۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۷۸	۱۳۱
مبارک، یواکیم ۱۰۰۰	لبنان در آستانه بحران (مقاله) ۴۷۵
مبانی عمومی فقیه تطبیقی (کتاب)	لبنان کوچک ۸۱
۵۳۶	لبنان متصرفیه ۸۱
متاوله ۷۵۱، ۷۸۸	لیوه ۱۱۸
متفقین ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹	لحام، آلبرت ۹۹۹
متمم پیمان قاهره ← پیمان ملکارت	لحدود، جمیل ۵۹۲
المتن شمالی ۱۰۰۸	لحدود، هنری ۳۲۲، ۳۲۳
متولی، لطفی ۶۷۷	لسان‌الحال (روزنامه بیروتی) ۸۹۶،
مجتمع آموزشی جعفریه ۲۷۳، ۳۱۱	۹۳۲
مجتمع آموزشی مقاصد ۳۰۷، ۳۴۵	اللمعه (کتاب) ۴۹
مجتمع فرهنگی عاملیه ۷۷۲	اللمعه الدمشقیه (کتاب) ۲۷، ۴۵
مجلد سلم ۴۵۹، ۵۰۲	لندن ۳۸۶، ۶۸۴
مجلس اعلاى اهل سنت ۳۳۳، ۵۴۴	لنین ۱۰۴۴
	لواء‌الحمند (کتاب) ۵۳۶

مجلس اعلاى شيعيان ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۵۵، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۴، ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۴، ۴۴۵، ۴۶۰، ۴۷۰، ۴۸۷، ۴۹۴، ۵۵۵، ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۴۳، ۵۵۲، ۵۶۲، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۸۱، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۹، ۶۵۰، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۷۲، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۸، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۹، ۷۷۳، ۱۷۸، ۱۷۸، ۱۷۲، ۱۷۸، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۴، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۲۶، ۹۲۸، ۹۳۱، ۹۳۳، ۹۳۶، ۹۴۲، ۱۰۰۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۲۳، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۴۰، ۱۰۴۳، ۱۰۵۴	رياست جلسات ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۸، ۴۳۹ شورای شرعی ← هیئت شرعی شورای مقدماتی تأسیس ۴۲۱، ۴۳۱ طرح تأسیس ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۶۴، ۴۲۶ کمیته آمار ۵۵۳ کمیته پیگیری مصوبات ۵۰۵، ۹۳۱ کمیته تبلیغات ۵۴۱ کمیته فرعی ۴۲۱ کمیته نمایندگان جنوب ۵۵۲ کمیته‌های تخصصی ۶۶۶ مجمع عمومی ۳۳۸، ۳۶۳، ۳۶۴، ۴۹۱، ۴۹۲، ۹۳۸، ۹۳۵، ۷۶۴، ۹۳۹ مصوبات ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵ نایب رئیسان ۴۱۹، ۴۳۲ هیئت اجرایی ۳۶۳، ۳۶۴، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۸۱، ۶۷۱، ۸۷۳، ۸۸۱ هیئت شرعی ۳۳۸، ۳۶۳، ۳۶۴، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۴، ۴۸۱، ۶۷۱، ۸۷۳، ۸۸۱ مجلس الاسلامی الشرعی ← مجلس اعلاى اهل سنت مجلس الخدمه المدنیة ← شورای استخدام مجلس جنوب ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۹۵۷ مجلس لبنان ۸۷۰، ۸۹۴ مجلس مبعوثان ۹۵، ۹۶	مجمع البحوث الاسلامیة ← مجمع پژوهشهای اسلامی محاسب، ج دعون ۱۰۰۰ المسکرر (روزنامه بیروتی) ۱۰۵۱، ۱۰۵۸، ۹۳۵، ۹۵۵ محسن، زهیر ۶۷۲ محفوظ، عشیر ۱۰۰۰ محفوظ، عصام ۱۰۰۰ محقق داماد ۱۹۰، ۲۱۲ محمدبن مکی عامی ← شهید اول محمصانی، غالب ۱۰۰۰ مخلوف، امیل ۱۰۰۰ مخلوف، عیسی ۱۰۰۰ مداخله مستقیم فرانسه در خاور نزدیک ۷۹ المدارک فی شرائع الاسلام (کتاب) ۴۶ مدرسه الهدی ۳۰۴ مدرسه باقری ۱۸۸ مدرسه جیع ۶۲ مدرسه حمیدیه ۴۲ مدرسه حناویه ۳۹ مدرسه سنایی ۱۸۸ مدرسه شقرا ۳۷ مدرسه فیضیه قم ۲۸۳ مدرسه کوثریه ۳۸ مدرسه ملی انجیلیه ۳۴۳ مدرسه نوریه ۳۱، ۴۳ مدلج (خانندان) ۶۲۵ مدور، جورج ۱۰۰۰ مراسم بزرگداشت و ترحیم پاپ ژان	پل سوم ۲۸۱ مراسم تاج‌گذاری پاپ پل ششم ۲۸۴ مراسم تجلیل از دانشجوی ممتاز ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰ مراسم تجلیل از لبنانیان مقیم خارج ۳۹۳ مراسم ترحیم آنتوان الصائغ ۳۰۲ مراسم ترحیم روزنامه‌نگار مقتول کامل مروءة ۳۴۸ مراسم ترحیم علال فاسی ۱۰۷۳ مراسم سالگرد درگذشت جمیل بیرم ۳۴۲ مراسم شب هفت محمود نصار ۲۹۴ مراسم شب هفت نجیب بدرالدین ۲۹۴ مراسم کلنگ‌زنی احداث مسجد ۲۹۸، ۳۰۰ مراسم نکوداشت ابراهیم درویش ۳۱۲ مراسم نکوداشت امام صدر ۲۹۷ مراکش ۲۸۶، ۲۹۳، ۶۳۹، ۶۴۰، ۱۰۷۳ مرتضی، توفیق ۴۲۹ مرجع اعلاى شيعيان ۴۳۶، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۳۰، ۵۶۴، ۵۸۵، ۵۹۰، ۵۹۱، ۱۰۳۴ مرجع شيعيان ايران ۲۲۱ مرجع شيعيان لبنان ۱۶۷ الجرح المرجعونه (روزنامه) ۹۴ مرجین ۱۰۶۸ مرجعیت عامله ۲۰۴ مرجعیهون ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۳۰
--	--	--	---

منصور، علی ۷۵۰، ۷۵۱	مشغری، محمدعلی ۳۴، ۶۲، ۶۳	۹۵۷، ۵۷۲
منصور، قاسم ۱۰۰۰	مشکینی، علی ۲۱۲	مرجعه رأس العین ۶۳۲
منیمنه، ولید ۱۰۰۰	مشهد ۱۸۳	مرزهای جنوبی لبنان ۳۸۸، ۵۶۱
مسنیه الحسرید فی آداب المفید	مشیمش، حسن ۴۱۴	مرکز پژوهش‌های اسلامی پاریس
والمستفید (کتاب) ۵۰	مصر ۱۰۱، ۴۵۹، ۴۷۵، ۵۲۸، ۵۶۴	۳۸۵
مؤسسه احسان و نیکوکاری ۳۹۳	۶۰۲، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۷۷، ۷۲۶	مرکز مسیحیان ارتودکس ۴۹۳، ۹۵۷
مؤسسه الریجی (تباکو) ۷۴۲	المصری، ملحم قاسم ۱۱۵، ۱۱۸	مرکز مطالعات اسلامی ۲۲۷
مؤسسه بیت الفتاة ۳۰۴	مطر، صلاح ۱۰۰۰	مروه، ادیب ۱۰۰۰
مؤسسه تکنیک اکسپورت ۶۷۶	مطهری، مرتضی ۱۹۱	مروه، کامل ۳۴۸
مؤسسه جبل عامل ۶۸۰	مظفر، محمدرضا ۱۹۵	مزبور، زکی ۸۳۹
مؤسسه خیریه کیفون ۳۱۳	المعالم (کتاب) ۴۷	مسجد الأقصى ۴۸۲
مؤسسه رشد و توسعه سوند ۶۷۵	معاهده آتش‌بس با لبنان ۱۵۳	مسجد استان ایبادان نیجریه ۳۵۹
مؤسسه فنی - حرفه‌ای جبل عامل	معاهده سایکس پیکو ۱۰۱، ۱۰۵	مسجد اکس شابل ۳۸۶
۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸	۱۰۸	مسجد بزرگ العمری ۳۰۸
۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴	معبد سلیمان ۴۸۲	مسجد جامع العمری ۹۴۴، ۹۴۵
الموسوعة الفقهية (دائرة المعارف)	معتوق، حسین ۱۰۳۲	مسجد جدید صور ۶۹۷
۵۳۶	معبرس، انطوان ۱۰۰۰	مسجد رأس العین ۱۲
موسوعه عبدالناصر للفقہ الاسلامی	معركة ۱۷۶، ۲۲۰	مسجد شهدای شهر سوئز ۶۴۲
۵۳۶	مغربل، محمد ۱۰۰۰	مسجد قبة الصخرة ۴۸۲
موسوی، محسن ۳۳۲	معلوف، حنان ۲۴۳	مسعود، ادموند ۱۰۰۰
موسوی، محمدبن علی ۳۴	معلوف، نصری ۸۴۳	مسعود، اولین ۷۰۸
موسوی اردبیلی، عبدالکریم ۱۹۸،	معمودی جزین، اسماعیل بن حسن	مسک، میشل ۱۰۰۰
۲۱۴	۲۴	مسلمانی، احمد ۸۹۰
مهاجران لبنانی ۳۵۷-۳۶۰، ۳۸۵، ۴۰۶	معوشی ۸۴۱	مسیحیان مارونی ← مارونی‌ها
۴۰۷، ۴۱۱، ۵۷۵، ۶۷۹، ۶۸۳، ۶۸۴	معوض، زینه ۹۲۶	مسئله اخلاق در لبنان ۶۱۱، ۶۱۲
میراث تاریخی اسلام (سخنرانی)	معهد الدراسات الاسلامية ← مرکز	۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸
۳۸۵	مطالعات اسلامی	۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲
میرزای شیرازی ۱۷۹	مغیب، سلیم ۶۹۲	مسئله فلسطین ۱۴۴، ۲۰۵، ۲۸۲
المولی (خاندان) ۶۲۵	مغرب ۱۰۷۳، ۱۰۷۴	۴۵۳، ۴۷۳، ۵۶۵، ۵۶۶، ۶۳۹، ۶۷۴
میس الجبل ۹، ۲۹، ۳۶	مغنیه، حسین ۱۱۲	۹۷۷
مسیهن دوستی و ایمان (سخنرانی)	مغنیه، محمداواد ۱۶۸، ۱۶۹	مشغره ۶۲
مفاهیم و ابعاد دینی، انسانی و		
اجتماعی روزه		
(سخنرانی) ۳۵۴		
مفتاح الكرامة (کتاب) ۵۱		
مفرج لحياء ۶۷۷		
مقاطعه‌چی ۵۳		
مقداد (خاندان) ۶۲۵		
مقصود، کلافیل ۱۰۰۰		
مکاتبات حسین - مک ماهون ۱۰۴		
مکارم شیرازی، ناصر ۲۰۹		
مکتب اسلام (مجله) ۲۱۱		
مکی، حسن یوسف ۴۲		
مکی، عصام ۱۰۰۰		
مکی، محمدعلی ۱۰۰۰		
مکی، منی ۱۰۰۰		
مکی جزینی، محمد ۲۵		
ملک‌حسن دوم ۶۳۹، ۶۴۰		
ملک فیصل ۱۱۲، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۸		
۷۵۴، ۵۲۸		
ملی‌گرایی ۱۳۳		
ممالیک ۲۷، ۲۸، ۲۹		
مناری عاملی، طومان ۲۴		
منافع غیرمستقیم ۲۶۸		
منافع مستقیم ۲۶۸		
المناقب (کتاب) ۱۲		
منشور صلح بر روی زمین ۲۸۱		
منصور، آلبرت ۱۰۰۰		
منصور، بهیج ۴۲۹		
منصور، جمال ۱۰۰۰		
منصور، حسین ۷۳۴، ۷۳۷، ۸۷۲		
۹۳۰، ۱۰۲۶		

نکته‌ها و نظرها (سخنرانی) ۲۹۹	الناعمه ۴۳۳	۲۶۴
نزّهة (برنامهٔ رادیویی) ۲۶۴	نامهٔ امام خمینی به امام صدر ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳	نابلس ۱۵
نشست خبری رادیو مونت کارلو ۱۰۷۰	نیاطی بیاضی، علی بن یونس ۳۴، ۴۹	نادر، خلیل ۱۰۰۱
نشست سران فرقه‌ها ۴۹۴، ۴۹۵	نبرد اعراب و اسرائیل ۳۶۸، ۳۶۹	ناصر، کمال ۶۷۲، ۶۸۹
۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰	۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵	ناصر، نبیل ۱۰۰۱
نصار، محمود ۲۹۴	۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۶۸۶	ناصرالدین (عشیره) ۱۰۶۸، ۱۰۶۹
النصار، ناصیف ۵۹، ۶۰	نبرد اکتبر (۱۹۷۳ م) ← جنگ اکتبر (۱۹۷۳ م)	ناصرخسرو ۱۹
نصار، نبیل ۱۰۰۱	نبرد الجلیل ۱۵۲	الناعمه ۴۳۳
نصر، ژوزف ۱۰۰۱	نبرد الکرامه ۴۵۱، ۴۵۲	نامهٔ امام خمینی به امام صدر ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳
نصرالله، صلاح ۱۰۰۱	نبرد مالکیه ۱۵۱	نیاطی بیاضی، علی بن یونس ۳۴، ۴۹
نصولی، زکریا ۱۰۰۱	نبرد مرج دابق ۳۰	نسبرد اعراب و اسرائیل ۳۶۸، ۳۶۹
نصولی، فایز ۱۰۰۱	نسبطیه ۴۲، ۵۶، ۹۳، ۹۷، ۱۱۵، ۱۳۰	۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵
نظام فرقه‌ای ۷۶، ۱۲۷، ۱۳۸، ۶۶۱	۲۹۳، ۳۰۲، ۷۹۸، ۱۰۴۱، ۱۰۴۳	۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۶۸۶
نعیم، فؤاد ۱۰۰۱	۱۰۴۵، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۲	نبرد اکتبر (۱۹۷۳ م) ← جنگ اکتبر (۱۹۷۳ م)
نعیمه، میخائیل ۲۴۹	نسبطیه ۴۳	نبرد الجلیل ۱۵۲
نقاش، أمل ۱۰۰۱	نجا، رفیق ۲۷۴	نبرد الکرامه ۴۵۱، ۴۵۲
نگهبانان سحر و افسون (کتاب) ۲۰۹	نچار، ابراهیم ۱۰۰۱	نبرد مالکیه ۱۵۱
نمایشگاه هنر و صنایع دستی ۳۱۱	النچار، محمدیوسف (أبیوسف)	نبرد مرج دابق ۳۰
نمایندگان شیعه پارلمان ۷۳۳، ۷۳۴	۶۷۲، ۶۸۹	نسبطیه ۴۲، ۵۶، ۹۳، ۹۷، ۱۱۵، ۱۳۰
۷۳۷، ۸۱۷، ۹۳۰	نسجف ۲۵، ۳۴، ۱۷۷، ۱۷۷، ۱۸۱	۲۹۳، ۳۰۲، ۷۹۸، ۱۰۴۱، ۱۰۴۳
نمور، مارون یوسف ۱۰۰۱	۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۱۷، ۲۲۴، ۳۷۹	۱۰۴۵، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۲
نورالدین، نورالدین ۴۳۰	۳۸۷، ۵۸۸، ۱۰۳۴، ۱۰۵۳، ۱۰۵۹	نسبطیه ۴۳
نون مصری (خاندان) ۶۲۵	نجیم، شارل ۱۰۰۱	نجا، رفیق ۲۷۴
النسهار (روزنامه) ۲۴۳، ۶۲۳، ۶۷۳	نحاس، نبیل ادیب ۱۰۰۱	نچار، ابراهیم ۱۰۰۱
۷۷۳، ۷۸۰، ۸۲۶، ۸۸۸، ۸۹۲، ۹۰۹	نحله ۱۱۸، ۷۸۴	النچار، محمدیوسف (أبیوسف)
۹۱۵، ۹۳۰، ۹۷۰، ۹۷۱، ۱۰۰۷، ۱۰۳۲	نخستین قالی دست‌باف لبنان ۶۸۲	۶۷۲، ۶۸۹
۱۰۳۴	نخستین مجمع عمومی تأسیس جنبش أمل ۹۴۳، ۱۰۰۸	نسجف ۲۵، ۳۴، ۱۷۷، ۱۷۷، ۱۸۱
نهضت ترکیه جوان ۹۲	نخستین مرجع شیعیان در سفر حج، نهضت عربی ۹۹	۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۱۷، ۲۲۴، ۳۷۹
نهضت مردم عراق ضد انگلستان ۱۸۰		۳۸۷، ۵۸۸، ۱۰۳۴، ۱۰۵۳، ۱۰۵۹
نهضت مشروطه ۲۱۷		
نهضت مطالبه حقوق شیعیان ۹۳۶		
نهضت ملی شدن نفت ۲۱۷		
نهضت مقاومت فلسطین ← جنبش مقاومت فلسطین		
نیجریه ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۶۴۰، ۶۴۱		
نیروهای امنیتی لبنان ۴۶۷، ۴۷۲، ۶۸۹		
نیروهای مسلح مقاومت فلسطین ← جنبش مقاومت فلسطین		
واتیکان ۲۸۴، ۲۸۵		
وادی الزینة ۴۳۳		
وادی الیتیم ۲۰		
وادی خالد ۹۰۵		
وادی سباط ۷۸۴		
وادی کفور ۵۶		
وحدت کلمه ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵		
۵۳۶، ۵۴۳، ۶۹۶		
وحدت ملی ۱۵۹، ۴۸۹، ۵۹۵، ۵۹۷		
۹۶۵		
وردانیه ۳۴۲		
ورده، بیارخلیل ۱۰۰۳		
ورده، جبران خلیل ۱۰۰۳		
وزارت آموزش و پرورش ۴۰۶، ۴۱۱		
۵۴۹		
وزارت منابع طبیعی ۹۳۳		
الوزان، شفیق ۷۷۱، ۱۰۳۲		
الوسائل (کتاب) ۴۸		
وضعیت اسلام در آفریقا (پژوهش)		

۵۶۴	همایش ۱۷ مارس ← همایش
ویلسون ۱۰۹	بعلبک
هاشم، علی ۱۰۰۲	همکاری نهضت و فرهیختگان ۱۰۰۵
هامبورگ ۲۸۶، ۳۸۶	هند ۳۴، ۵۲
هبة‌الدین ۱۷۷	هونین ۲۱
هتل المنتزه ۷۵۰	هیئت النضال الاجتماعي ← هیئت
هتل بیرستول ۲۷۷، ۲۷۸	مبارزه اجتماعی
هتل بیروت اینترناسیونال ۴۴۷	هیئت مبارزه اجتماعی ۳۴۷، ۳۸۲
هتل سنت جورج ۹۴۱	یارین ۷۹۵
هتل ملکارت ۶۹۲	یاسین، خلیل ۴۳۰
هرمل ۸۲، ۸۳، ۸۹، ۱۱۸، ۶۲۳، ۶۲۴، ۷۷۶، ۷۸۳، ۷۹۳، ۸۱۰، ۹۰۰، ۹۰۷	یاطر ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۹، ۱۰۲۵
۹۴۷، ۹۵۳، ۱۰۶۸	یاغی، صبحی ۷۳۴، ۷۳۷
هفته اخلاق ۶۱۹	یافا ۷۲
الهیق (خاندان) ۶۲۵	الیافی، عبدالله ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۹۱، ۹۲۲
همایش الندوة اللبنانية ۲۹۹، ۳۱۰	الیافی، عسیران ۴۹۱
همایش بعلبک ۷۶۱، ۸۰۱، ۸۰۲	یاماسکرو ۳۶۰
۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰	یتیم، حسین ۳۴۰
۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۴۳، ۸۴۴	یحقوفا ۷۸۴
۸۴۷، ۸۷۳، ۸۹۶	الیحفوفی، سلیمان ۴۳۰، ۴۳۲
همایش بیروت ۹۲۹	یعقوب، محمد ۳۴۰، ۸۲۵، ۱۰۶۳
همایش سالانه لبنانیان مقیم خارج ۶۷۹	یکسان کردن شعائر دینی و عبادات ۶۴۶، ۶۵۹، ۷۵۳
همایش صور ۷۶۱، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۹۳	یمن ۵۲۸
۸۹۶، ۸۹۷، ۹۰۹، ۹۱۲، ۹۲۸، ۹۲۹	یموت، شفیق ۲۷۴
۹۴۳	الیمونه ۴۱۵، ۷۸۴، ۷۹۵، ۸۱۰، ۹۳۳
همایش فرقه‌های لبنان ۴۸۹	الیوم (روزنامه) ۹۵۳، ۹۵۴
همایش مجمع پژوهشهای اسلامی ۵۶۳، ۶۴۱، ۶۴۶، ۷۵۳، ۷۶۰	یونین ۱۵۱